جهت فراخی این آیه که در روز جمعه بعد از نماز فارغ شده باشند بنویسد در منزل خود نگاه دارد یا در دوکان خود بیاویزد روزی او فراخ گردد و برکت و خیر بسیار پیدا شود و در تجارت سود بسیار کند
یا بنی آدم قد ... علیکم لباسا یواری سوآتکم وریشا ... التقوی ذلک ... آیات الله لعلهم ...

میکروفیلم تهیه شد
۱۳۸۱/۵/۳۱
محمد صادق تجویدی

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب: حلیة المتقین — فارسی

مصنف:

مؤلف: ملا محمد باقر مجلسی

خطی: نستعلیق — ۲۱ سطر

چاپی:

سال چاپ یا تحریر: ۱۲۶۳ — عدد اوراق: ۱۸۱

جزء کتب: اخبار — شماره خصوصی:

شماره عمومی: ۱۳۰۷۰ — شماره قبض:

واقف: [illegible] — تاریخ وقف: [illegible]

طول: ۲۹/۸ — عرض: ۱۸ — شماره صفحات:

مستخرجه از تصویب

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی حلّی انبیاءه المرسلین باحسن حلیة المتقین وبعث نخبة
اصفیائه محمداً صلی الله علیه واله لتتمیم مکارم اخلاق المؤمنین واکمل فی
اوصیائه المنتجبین افضل خصال النبیین فصلوات الله علیه وعلیهم
عدد انفاس المسبحین من الملائکة والناس اجمعین ولعنة الله علی اعدائهم
ملاء السموات والارضین چنین گوید تراب اقدام مؤمنین و خادم طلبه علوم
ائمه طاهرین محمد باقر بن محمد تقی حشره الله مع موالیه المطهرین صلوات الله علیهم اجمعین که چون عمده امتیاز بنی
نوع انسان از سایر انواع حیوان بتخلق باخلاق حسنه و تزین باداب مستحسنه و بمقتضای حدیث شریف
نبوی صلی الله علیه وآله بعثت لاتمم مکارم الاخلاق تمامی اداب پسندیده و جمیع اخلاق حمیده در شرع انور
و دین اظهر آنحضرت ظاهر و مبین گردیده و چون مختصری از مکارم اخلاق در کتاب عین الحیوة
بیان شده بود جمعی از سالکان مسالک سعادت و ناهجان مناهج متابعت اهلبیت رسالت علیهم السلام
ازاین ذره حقیر التماس نمودند که رساله در بیان محاسن آداب که از طریقه مستقیمه ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
باسانید معتبره باین قلیل البضاعه رسیده بروجه اختصار تحریر نماید و بجهة عموم نفع نسبت باهل این دیار مضامین
اخبار را در لباس لغت فارسی قریب الفهم بجلوه درآورد لهذا باضیق مجال و کثرت اشتغال رعایت حقوق
اخوت ایمانی را لازم دانسته و از مقتضای حدیث الدال علی الخیر کفاعله امیدوار گردیده اجابت

ملتمس

ملتمس ایشان نموده و بر چهارده باب و خاتمه مرتب گردانیده در آداب لباس در آداب
حلی و زیور پوشیدن و سرمه کشیدن و در آیینه نظر کردن و خضاب کردن در آداب خوردن
و آشامیدن در آداب تزویج و در آداب معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان
و معاشرت ایشان در آداب مسواک کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و
شانه کردن و امثال اینهاست در آداب بوی خوش کردن و گل خوش بوی کردن و روغن
مالیدن در آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و امثال آن در آداب خواب
رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن در آداب حجامت و تنقیه و ذکر بعضی از
ادعیه و احراز و خواص بعضی از ادعیه و معالجه بعضی از امراض در آداب معاشرت
مؤمنان و حقوق اصناف ایشان در آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه
و امثال اینها در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن در آداب سوار
شدن و راه رفتن و تجارت کردن و بازار رفتن و زراعت نمودن و چهارپایان
نگاهداشتن در آداب سفر در بیان بعضی از فواید متفرقه و
هر یک از این ابواب را بر دوازده فصل مشتمل ساخت و بکتاب حلیة المتقین مسمی
گردانید مامول از ناظران در این رساله صافیه و عاملان باین عجاله وافیه آنکه این مجرم خطا
پیشه را بدعای مغفرت و استدعای مرحمت یاد نمایند و بر خطای لفظ و معنی این معترف بعجز
و قصور را مؤاخذه ننمایند والله الموفق والمعین در آداب جامه و کفش پوشیدن
در فضیلت تجمل و زینت کردن بدانکه موافق احادیث معتبره بسیار زینت کردن
و جامههای فاخر و پاکیزه پوشیدن هرگاه از حلال بهم رسد مناسب حال او باشد سنت است
و موجب خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهرچه میسر شود باید اکتفا نماید و تحصیل
زیادتیهای لباس را مانع عبادت الهی نگرداند و اگر حق تعالی روزی را فراخ گرداند بر او بپوشد
و صرف نماید و ببرادران مؤمن بدهد و اگر روزی بر او تنگ شود و قناعت کند و بحرام و شبهه

خود را آلوده نکند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که
هر گاه خدا نعمتی به بنده کرامت فرماید و اثر نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا می نامند
و یاد کننده نعمت خدا خواهد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که حق تعالی هر گاه
نعمتی به بنده کرامت فرماید دوست میدارد که اثر آن نعمت را بر او به بیند و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر گاه حق تعالی نعمتی کرامت فرماید از برای برادر مؤمن خود زینت
کند چنانچه از برای بیگانه زینت میکند که خواهد خود را به نیکوترین هیئتی به بیند و بسند معتبر منقول است
که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان بروی حصیر می نشستند و در زمستان بر روی پلاس
و در خانه جامهای کهنه می پوشیدند و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت میکردند و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که حضرت باری تعالی زینت و اظهار نعمت را دوست میدارد
و دوست میدارد که اثر نعمت را در بنده خود به بیند باینکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو
دارد و خانه را نیکو دارد و ساحتهای خانه را بروبد حتی آنکه چراغ را پیش از فرو رفتن آفتاب
روشن کند فقر را زایل میکند و روزی را زیاد کرداند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه منقول است که حق تعالی جمعی را خلق کرده است که برای شفقت دنیا را بر ایشان
تنگ کرده است و محبت دنیا را از ایشان بر داشته است پس بسوی آخرت که حق تعالی
ایشانرا بسوی آن خوانده راغب گردیده اند و بر تنگی معاش و مکروهات دنیا صبر میکنند و مشتاقند
بآنچه نزد خداست از کرامات ابدی و جان خود را در رضای خدا در باخته اند و آخر کار
ایشان شهادت است پس چون بر[...] آخرت روند حق تعالی از ایشان خوشنود باشد
و میدانند که مرگ راهی است که همه را در پیش است و توشه برای آخرت خود اندوخته اند و طلا
و نقره جمع نکرده اند و جامهای کنده می پوشند و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیادتیها را
در راه خدا میدهند که توشه آخرت ایشان باشد و از برای خدا با نیکان دوستی میکنند و از
برای خدا با بدان دشمنی مینمایند ایشانند چراغهای [...] ایشانند متنعم بنعیم آخرت و یوسف

ابن

بن ابراهیم گوید که بخدمت حضرت ابی عبد الله علیه السلام رفتم و جامهای خز پوشیده بودم
پرسیدم که چه میفرمایند در جامه خز فرمود که باکی نیست بدرستی که چون حضرت امام حسین ع شهید
شد جامه خز پوشیده بود و چون حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه عبد الله عباس را فرستاد
که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جامهای خود را پوشید و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کرد
و بر بهترین اسپان سوار شد و بنزد ایشان رفت گفتند تو از بهترین مردمی چرا لباس جباران
پوشیده و بر اسپان ایشان سوار شده عبد الله عباس این آیه خواند قُلْ مَنْ حَرَّمَ
زِينَةَ اللّٰهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بگو یا محمد صلی الله علیه و آله که حرام کرده
زینتی را که خدای تعالی برای بندگانش بیرون آورده است روزیهای طیب و نیکو را پس حضرت
فرمود که جامهای نفیس بپوش و زینت کن که خدا نیکوست و نیکو دوست میدارد اما باید که از
حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه است بمسجد الحرام
آمد دید که حضرت امام جعفر صادق ع نشسته و جامهای پر قیمت و نیکو پوشیده گفت والله بروم
و او را بر این جامها سرزنش بکنم پس بنزدیک آمد و گفت ای پسر رسول خدا ص والله که پیغمبر خدا چنین
جامه نپوشیده و هیچیک از پدرانت چنین جامها نپوشیده اند حضرت فرمودند که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در زمانی بود که روزی بر مردم تنگ بود و امروز روزی بر مردم فراخ است و
سزاوارترین مردم بصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند پس این آیه را خواند که گذشت و فرمودند
که ما سزاوارترین مردمیم بتصرف کردن در آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه را که می بینی
برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کردند باو نمودند جامه کنده که در زیر بود و فرمود که این
جامه را برای خود پوشیده ام و این نیکو را برای مردم پس دست زدند و جامه بالای سفیان را
دور کردند و در زیر جامه کنده جامه نازکی پوشیده بود فرمودند که جامه پایین را برای لذت نفس خود
پوشیده و جامه بالا را برای فریب دادن مردم و در حدیث معتبر از عبد الله هلال منقولست
که گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام [...] علیه السلام که بسیار خوش می آید مردم را

احوال کسی که طعامهای بدمزه وناگوار میخورند وجامهای کنده میپوشند واظهار شکستگی وخشوع مینمایند فرمود که مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر را بود قبای دیبای طلاباف میپوشید وبر مجالس آل فرعون می نشست وحکم درمیان مردم میکرد ومردم را بالباس او کاری نبود واز او عدالت در حکم میخواستند امام میباید که انچه گوید راست گوید وهرگاه وعده کند وفا نماید وحکم بعدالت کند خدا حلال را بر کسی حرام نکرده است واندک وبسیار حرام را حرام کرده پس خواندند این آیه را که قل من حرم زینة الله وبسیاری از اخبار مناسب این فصل را در کتاب عین الحیوة ایراد نموده ام

در بیان جامهای که حرام است پوشیدن انها بدانکه مردان را جامه حریر محض پوشیدن وجامه طلاباف پوشیدن حرام است واحوط آن است که عرقچین وکیسه وچیزهایی که عورت را نمیپوشد هم از حریر نباشد واحوط آن است که اجزای آن جامه مانند سجاف حریر نباشد وبهتر آنست که چیزی با ابریشم مخلوط کنند یا پشم یا ریسمان یا کتان باشد واولی آنست که بقدر ده یک یا زیاده باشد واگر مجموع پود غیر حریر باشد بهتر خواهد بود وباید که پوست حیوان مرده نباشد هرچند دباغی کرده باشند بنا بر اشهر بین الاصحاب وپوست حیوانی چند که قابل تزکیه نیست نباشد ودر نماز باید که پوست وپشم وموو شاخ ودندان وسایر اجزای حیواناتی که گوشت ان حرام است نباشد ودر سمور وسنجاب وخزی که الحال معروفست خلاف است واحوط اجتناب است اگرچه اظهر در سنجاب وخز که نماز در انها جایز است وبهتر ان است که جامه که در زیر آن جامهها یا در بالای انها پوشیده باشند نماز نکنند مبادا که مویی چسبیده باشد وبهتر ان است که ولی اطفال غیر بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن حریر وطلا وبسند معتبر منقول است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که یا علی انگشتری طلا در دست مکن که آن زینت تست در بهشت وجامه حریر مپوش که آن پوشش تست در بهشت ودر حدیث دیگر فرمود که جامه حریر مپوش که حق تعالی بسبب این در قیامت پوستش را باتش میسوزاند واز حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که جایز است مرد را که اهل خود را بطلا زینت کند فرمود بلی زنان وکنیزان را اما پسران را نه ودر حدیث دیگر وارد است

که آنحضرت

که آنحضرت فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام فرزندان وزنان خود را بزیور طلا ونقره زینت میفرمودند وباکی نیست وممکن است که مراد از فرزندان دختران باشد واحتمال دارد که شامل پسران نابالغ هم باشد واحوط اجتناب است **فصل سیم** در پوشیدن پنبه وکتان وپشم بهترین جامهها جامه است که از پنبه بافته باشند وبعد از ان کتان نیست ودر جامه پشمینه را همیشه پوشیدن ولباس خود قرار دادن کراهیت دارد اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بپوشید جامه پنبه که پوشش رسول خدا صلی الله علیه وآله است وپوشش ما اهل بیت است وحضرت رسول صلی الله علیه وآله جامه مو وپشم نمیپوشیدند مگر از برای علتی ودر حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نباید پوشید جامه پشم ومو مگر برای عذری ودر روایت دیگر از حسن بن کثیر منقولست که حضرت صادق علیه السلام را دید که پیراهن کنده پوشیده وجامه پشمینه بر بالای آن پوشیده وبر بالای آن پیراهن کنده پوشیده گفت فدای تو شوم مردم کراهیت دارند از پوشیدن جامه پشمینه حضرت فرمود که پدرم میپوشید وحضرت امام زین العابدین علیه السلام میپوشید وهرگاه بنماز می ایستادند کنده ترین جامههای را میپوشیدند وما نیز چنین میکنیم واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که فرمود که پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم بر روی زمین با غلامان چیز خوردن وبر الاغ جل دار سوار شدن وبز را بدست خود دوشیدن وسلام بر اطفال کردن وجامه پشمینه پوشیدن ووجه جمع میان این احادیث آنست که اگر پوشیدن شال را زی خود قرار دهند وبان ممتاز شوند از دیگران مذموم است اما اگر گاهی برای قناعت یا شکستگی یا دفع سرما بپوشند قصوری ندارد ومؤید این معنی است آنچه در حدیث ابوذر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله که در آخر الزمان گروهی بهم رسند که جامه پشمینه در تابستان وزمستان بپوشند وگمان کنند که ایشان را باین سبب بر دیگران فضلی وزیادتی هست آنجماعت را لعنت کنند ملائکه آسمانها وزمین واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کتان از پوشش پیغمبران است واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که پوشیدن کتان بدن را فربه میکند ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه جامه خز پانصد درهم یا پانصد درهم میخریدند ودر زمستان میپوشیدند وچون زمستان

میکذشت میفرمودند وقیمتش تصدق میفرمودند **فصل چهارم** در بیان رنکهایی که در جامه خوبست
یا مکروه است بهترین رنکها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد از آن سبز و بعد از آن سرخ نیم رنک
و کبود و عدسی مکروه است و سرخ تیره خصوصاً در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهیت شدید دارد در
همه حال مکر در عمامه و عبا و موزه و اکر عمامه و عبا هم سیاه نباشد بهتر و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بپوشید جامه سفید که آن نیکوتر و پاکیزه‌ترین رنکهاست و مردهای خود را
در آن کفن کنید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در اکثر اوقات
جامه سفید میپوشیدند و حفص مؤذن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را در
میان قبر و منبر نماز میکرد و جامه زردی برنک به پوشیده بود و در حدیث حسن از زراره منقولست که
حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیرون آمد و جبه خز زرد و رداء خز زرد و عمامه خز زرد پوشیده بود و در حدیث معتبر
منقولست که حکم بن عتبه بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که جامه سرخ تیره که بکل کافشه رنک کرده
بودند پوشیده است حضرت فرمود درین جامه چه میکویی حکم کفت چه کویم در چیزی که شما پوشیده باشید اما جوانان
شوخ که در میان ما این جامه را میپوشند ما ایشان را عیب میکنیم حضرت فرمود که زینت خدا را که حرام کرده است
بعد از آن فرمود که باین سبب این جامه را پوشیده‌ام که تازه داماد شده‌ام و در حدیث حسن از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که جامه سرخ تیره پوشیدن کراهیت دارد مکر برای نو داماد و در حدیث معتبر از یونس
منقولست که امام رضا علیه السلام را دیدم که طیلسان کبود پوشیده بودند و از حسن زیات منقولست که دیدم حضرت
ابی جعفر علیه السلام را که جامه برنک کل سرخ پوشیده بودند و محمد بن   روایت کرده است که حضرت امام موسی
علیه السلام را دیدم که جامه عدسی پوشیده بودند و از ابی العلا منقولست که حضرت صادق علیه السلام را دیدم در حال احرام
که بردیمانی سبزی پوشیده بودند و از حضرت امام جعفر علیه السلام منقولست که جبرئیل در روز آخر ماه مبارک رمضان
بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد بعد از نماز عصر چون باسمان رفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
حضرت فاطمه صلوات الله علیها را طلب نمود و فرمود که شوهر خود علی را طلب پس چون حاضر شد حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام را در جانب راست نشانیده دستش را کرفت و در دامن کذاشت پس فرمود که میخواهید

شمارا خبر دهم بآنچه جبرئیل مرا بآن خبر داد کفتند بلی یا رسول الله فرمود که جبرئیل کفت که در قیامت من در
جانب راست عرش خواهم بود و خدا دو جامه بمن پوشاند یکی سبز و دیکری سرخ برنک کل و تو یا علی در جانب
راست عرش باشی و دو جامه چنین در پوشانند پس راوی عرض کرد که مردم رنک سرخ چنین را مکروه میدانند
حضرت فرمود که چون خدا حضرت عیسی را باسمان برد دو جامه چنین را برو پوشانید و بسند معتبر
از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مپوشید جامه سیاه که آن پوشش فرعون است
و در حدیث معتبر منقولست که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنیم فرمود که
نماز در آن مکن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مکروه است سیاه
مکر در سه چیز در موزه و عمامه و عبا **فصل پنجم** در بعضی آداب جامه پوشیدن جامهای دراز پوشیدن
و آستین جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه است و مذموم از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه رفت ببازار و سه جامه
برای خود خرید یک اشرفی پیراهنی را تا نزدیک بند پا و لنک را تا نیمه ساق و ردا را از پیش تا پستان
و از عقب تا پایین تر از کمر پس دست باسمان برداشت و پیوسته حمد الهی مینمود برین نعمت تا
بخانه بازکشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جامه آنچه از غوزک پا میکذرد در آتش جهنم است
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که حق تعالی به پیغمبرش فرمود که وثیابک فطهر که
ترجمه لفظش اینست که جامهای خود را پس پاک کردان حضرت فرمود که جامها پاک بود و لیکن
مراد الهی اینست که جامه را کوتاه کن که آن آلوده نشود و در روایت دیکر یعنی بردار که بزمین کشیده
نشود و در روایت حسن از حضرت باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شخصی را وصیت فرمود
که زنهار که پیراهن و ازار خود را بلند میاویز که این از تکبر است و خدا تکبر دوست نمیدارد و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه چون [illegible] آستین را کشیدند
آنچه از سر انکشتان زیاد است میبریدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله با بوذر فرمود که هر که از روی
تکبر جامه اش را بر زمین کشد حق تعالی در قیامت نظر رحمت باو نفرماید و ازار مرد تا نصف ساق

وتا بند پا هم جایز است و زیاده در آن شبهه است **فصل ششم** در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران
باشد مانند لچک و مقنعه و نیمتنه و حرامست مردان را پوشیدن لباسی که مخصوص زنان باشد و همچنین
حرامست زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و همچنین جایز نیست
پوشیدن لباسی که مخصوص کافران باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که جایز نیست زن را که شبیه بمردان شود زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرد مردانی که شبیه بزنان شوند
و لعنت کرد زنانی را که شبیه بمردان شوند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که خدای عز و جل
وحی فرمود به پیغمبری از پیغمبرانش که بگو بمؤمنان که نپوشند جامههای دشمنان مرا و نخورند طعامهای دشمنان
مرا و بمسلک دشمنان من سلوک ننمایند که ایشان نیز مانند آنها دشمنان من خواهند بود **فصل هفتم**
در آداب عمامه بستن و عمامه بر سر بستن سنت است و تحت الحنک بستن سنت است و یکطرف عمامه را از پیش
و دیگری را از عقب انداختن بروش سادات مدینه مشرفه سنت است و شیخ شهید علیه الرحمه گفته است که عمامه
ایستاده پیچیدن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که عمامه تاج عربان است هرگاه که عمامه
را برطرف کنند خدا عزتشان را برطرف میکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هرکه عمامه بپیچد بر سر و تحت الحنک نبندد باو دردی برسد که دوا نداشته باشد پس ملامت
نکند مگر خود را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمامه بستند و یکطرف
عمامه را بطرف پیش انداختند و دیگری را بعقب و حضرت جبرئیل نیز چنین کردند و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که ملائکه در روز بدر عمامههای سفید در سر داشتند و علاقهها انداخته بودند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه عمامه بدست مبارک خود
پیچیدند و یکسر عمامه را از پیش او آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه از عقب سر او کشیدند
پس فرمودند که برو رفت و فرمودند که پیا آمد آنگاه فرمودند که چنین است والله تاجهای ملایکه و در فقه
رضوی علیه السلام مذکور است [illegible]
واعل شأنی واعزّنی بعزتک واکرمنی بکرمک بین یدیک و بین خلقک اللهم توجنی

صاح

بتاج الکرامة والعزّ والقبول و در مکارم اخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا
بخواند اللهم سوّمنی بسیماء الایمان و توّجنی بتاج الکرامة و قلّدنی حبل الاسلام
و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و گفته است که باید عمامه را ایستاده پیچید و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله چند قسم کلاه داشتند که در سر میگذاشتند و کلاههای دراز که برطله میگویند وارد شده است که
پوشیدن آنها زی یهود است و علما گفتهاند که مکروه است و از بعضی احادیث ظاهر میشود که پایین کلاه
را شکستن و برگردانیدن مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه کلاههای ترک دار
را میان امت من بسیار شود زنا کردن در میان ایشان شایع شود و کلاه ترک دار ظاهرا مانند تاج قاو
و کلاه بکتاشی و امثال آن باشد **فصل هشتم** در آداب زیرجامه پوشیدن از حضرت ابی عبدالله علیه السلام
منقولست که حق تعالی وحی فرمود بحضرت ابراهیم که زمین بمن شکایت میکند از دیدن عورت تو پس میان
عورت خود و زمین حجابی قرار ده پس زیرجامه تا زانو بعمل آورد و پوشید و از جامع بزنطی روایت شده است
که هرکه زیرجامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش برآورده نشود و در فقه رضوی مذکور است که زیرجامه را
نشسته بپوش و ایستاده مپوش که مورث هلاک و زرداب و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن این
دعا بخوان بسم الله اللهم استر عورتی و لا تهتکنی فی عرصات القیمه و اعفف فرجی و لا
تخلع عنی زینة الایمان و در مکارم اخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند
اللهم استر عورتی و آمن روعتی و اعفف فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا
و لا له الی ذلک وصولا فیضع لی المکائد و یهیجنی لارتکاب محارمک و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که پیغمبر صلی الله علیه و آله پیراهن را پیش از زیرجامه میپوشیدند
و در روایت دیگر وارد شده است که ایستاده و رو بقبله و رو بآدم مپوش و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که زیرجامه را ایستاده پوشیدن موجب اندوه است **فصل نهم** در آداب جامه نو بر بدن
و پوشیدن بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون کسی جامه نو بپوشد این دعا بخواند که
اللهم اجعله ثوب یمن و تقی و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا

منقولست که عمامه تاج عربان است

بطاعتك وادراء شكر بنعمتك الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی واتجمل به
فی الناس و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقولست که رسول صلی الله علیه و آله این دعا
را تعلیم من نمود که در وقت پوشیدن جامهٔ نو بخوانم الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمل
فی الناس اللهم اجعلها ثیاب برکة اسعی فیها لمرضاتک واعمر فیها [illegible]
پس فرمود که یا علی هر که این دعا بخواند چون جامهٔ نو را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیگر از حضرت موسی بن
جعفر علیهما السلام منقولست که سزاوار است که کسی که جامهٔ نو بپوشد دست بر آن بمالد و بگوید الحمد لله الذی
کسانی ما اواری به عورتی واتجمل به فی الناس واتزین به بینهم و از حضرت ابی
عبد الله علیه السلام منقولست که هر که آبی در ظرف نوی بکند و سی و دو مرتبه سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر بر آن
آب بخواند و بر جامهٔ نو بپاشد و در هنگام پاشیدن پیوسته در فراخی روزی باشد تا تاری از آن جامه باقی
باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که چون جامهٔ نو بپوشی بگو لا اله الا الله محمد رسول الله تا از فتنها و آفات
یابی و چیزی را که دوست داری بسیار از یاد مکن که آن را در هم می شکند و چون بکسی کاری داشته باشی غایبانه
او را دشنام مده که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقولست که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام
چون جامهٔ نوی پوشیدند جامها را در جانب راست میگذاشتند و چون جامهٔ نوی میپوشیدند قدح
آبی میطلبیدند و سورهٔ قل هو الله احد و آیة الکرسی و سورهٔ قل یا ایها الکافرون هر یک را ده نوبت
در آن ظرف میخواندند و آن آب را در آن جامه میپاشیدند و میفرمودند که هر که چنین کند پیوسته در فراخی باشد
مادام که تاری از آن جامه باقی باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چون
خدا جامهٔ نوی بکسی عطا فرماید و بپوشد باید که وضو داشته باشد و دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعت و آیة الکرسی
و قل هو الله احد و انا انزلناه بخواند پس حمد کند خدا وند را که عورت او را پوشانیده و در میان مردم او را زینت داده
و بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعدد هر تاری که
[illegible] ملکی خدا را بپاکی یاد کند و برای او استغفار کند و برو ترحم کند و بسند معتبر از
منقولست که هر که جامهٔ نوی ببرد و آبی در ظرف کند و سی و شش مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و هر گاه به آیهٔ

تنزل الملائکة برسد اندکی از آن آب را از سر جامه بپاشد پس دو رکعت نماز کند و دعا کند و بگوید الحمد لله
الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس و اواری به عورتی و اصلی فیه لربی و خدا را شکر کند پیوسته در فراخی
نعمت باشد تا آن جامه کهنه شود در بیان آداب جامه پوشیدن و کندن از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
منقولست که نهی فرمود از عریان شدن در شب و روز و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر گاه مرد
عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند و طمع میکند در آنکه او را بمعصیت در آورد و فرمود که سزاوار نیست
مرد را که جامه خود را از ران خود دور کند در وقتی که در میان جماعتی نشسته باشد و فرمود که
چون جامه خود را از بدن بیرون آورد بسم الله بگوید تا جنیان نپوشند و اگر نگوید
جنیان آن جامه را میپوشند تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار
نیست زن مسلمان را که روپاک و پیراهنی بپوشد که تنما باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که عرض مقنعه حضرت فاطمه علیها السلام آن مقدار بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید
و همه زنان را باید چنین کنند و از حضرت صادق علیه السلام بسند معتبر منقولست که ادنای اسراف
آنست که جامه امروز و پیراهن کی باشد و در حدیث دیگر منقولست که اسحق بن عمار از آنحضرت
پرسید که میتواند بود که مؤمن ده پیراهن داشته باشد فرمود بلی گفت که بیست پیراهن فرمود
که بلی این اسراف نیست اسراف آنست که جامه که باید برای زینت نگاه داشت بعضی جامه که
در وقت دیگر پوشیدنیست بپوشی و در روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کردند که کسی ده
پیراهن داشته باشد اسراف است فرمود که نه بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه اسراف
آنست که جامه نگاه داشتنی را در جاهای کثیف بپوشی و از حضرت امام [illegible] علیه السلام منقولست
که تا کردن جامه راحت جامه است و بهتر باقی میماند و فرمود که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را سرکوب
میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که شستن جامه اندوه و غم را برطرف میکند
و موجب قبول نماز میگردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه
باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که شش چیز است که از اخلاق قوم لوط است کمان گلوله

انداختن و سنگ ریزه انداختن بسگ و قند ران خاییدن در راهها و جامه بر زمین کشیدن از روی تکبر و بندهای
قبا و پیراهن را گشودن و بسند معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و دید که گریبان
جامه را پینه کرده‌اند آنشخص بتعجب نظر میکرد حضرت فرمود که چرا چنین نظر میکنی گفت از پینه جامه تعجب میکنم کتابی
در پیش حضرت گشاده بود فرمود که بخوان در آنجا نوشته بود که ایمان ندارد کسی که حیا ندارد و مال نیست
کسی را که معیشت خود را باندازه نکند و نو نیست کسی را که جامه کهنه ندارد و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
[…] پینه بر جامه خود زدم که شرم کردم از کسی که بآن پینه میزد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هرکه گریبان جامه را پینه زند و کفش را پینه کند و چیزی که برای خانه خود بردارد و بخانه برد
از تکبر ایمن گردد

در رنگ نعلین و موزه و کفش و چگونگی آنها بهترین رنگها در نعلین و کفش رنگ
زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه رنگ سیاه است و در سفر سرخ خوب است
و در حضر کراهت دارد و در نعل سنت است که پیش و عقبش بلند باشد و میانش تهی باشد و همه اش
بر زمین بچسبد و غیر این مکروه است و ظاهرا که کفش نیز این حکم داشته باشد که کفش بی پاشنه مکروه باشد
و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلاها نگاه میدارد
و معین است بر تمامی نماز و وضو و در حدیث دیگر فرمود که هرکه خواهد که عمرش دراز باشد چاشت را بامداد
بخورد و کفش نیکو پوشد و ردا و بالاپوشش را سبک کند و با زنان بسیار جماع نکند و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که اول کسی که نعلین پوشید حضرت ابراهیم علیه السلام بود و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که نعل
[…] پوشیدن که همه اش بر زمین رسد پوشش یهودان است و […] این قسم […] دارد و شده و در
[…] که نعل سیاه […] که چشم را ضعیف میکند و ذکر را سست میکند و مورث اندوه و غم است
و نعل زرد که چشم را جلا میدهد و ذکر را سخت میکند و غم را برطرف میکند و پوشش پیغمبران است و در حدیث دیگر وارده
که پوشیدن نعل سیاه […] است و هرکه پوشد در قیامت با جباران محشور […] امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هرکه نعل زرد بپوشد […] شادی و سرور باشد زیرا که حق تعالی در وصف […] فرموده که صفراء فاقع
لونها تسر الناظرین یعنی […] نظر کنندگان را شاد گرداند […] منقولست که بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام […] نعل

بعضی […]

سفید پوشیده بودم فرمود که آیا دانسته این نعل را پوشیده پس فرمود که هرکه داخل بازار شود و نعل
سفیدی بخرد و کهنه نکند آنرا مگر آنکه کسب کند مالی را از جایی که گمان نداشته باشد راوی گوید که سید
مرا خبر داد که هنوز آن نعل کهنه نشده بود که صد اشرفی از جایی بدستم افتاد که گمان نداشتم و در حدیث
دیگر وارد است که هرکه نعل زرد یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و هرکه نعل سیاه بپوشد هیچیک
را نیابد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و
در روایت دیگر فرمود که مداومت پوشیدن موزه امان میدهد از مرض سل و از مرگ بد و داود رقی روایت
میکند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را دیدم در سفر که موزه سرخ پوشیده بودند پرسیدم که این موزه
سرخ چیست فرمود که این را برای سفر گرفته‌ام و از برای گل و باران خوبست اما در حضر هیچ بهتر از سیاه نیست

فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش بسندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
و امام جعفر صادق علیهما السلام منقولست که چون نعل پوشی ابتدا بپای راست کن و در وقت کندن
ابتدا بپای چپ کن و فرمودند که هرکه با یکتای کفش براه رود یعنی یکپا در کفش باشد و دیگری برهنه شیطان
برو مسلط یابد و دیوانه شود و از عبدالرحمن بن کثیر منقولست که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام براهی
میرفتیم بند نعل آنحضرت گسیخت من بند دیگر از آستین خود بدر آوردم و نعل را باصلاح آوردم حضرت دست
بر دوش من انداخته بودند پس فرمودند که هرکه مؤمنی را بردارد برای اصلاح نعل او چون در قیامت از قبر
بیرون آید حق تعالی او را بر ناقه کرم روی سوار کند تا در بهشت رساند و از یعقوب سراج منقولست که براهی
در خدمت آنحضرت میرفتیم بند نعل آنحضرت پاره شد حضرت پای پیاده روانه شدند عبدالله بن ابی یعفور
بند نعل خود را گشود و نزد آنحضرت آورد و قبول نفرمود و گفت صاحب مصیبت اولی است که بر او صبر نماید و
عبدالرحمن بن ابی عبدالله روایت کرده است که در خدمت آنحضرت بدیدن شخصی رفتیم چون داخل شدند
نعل را از پا بیرون آوردند و فرمودند که نعلها را بیرون کنید که کندن نعل سنت قدیمست و منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله نهی فرمود از راه رفتن با یکتای نعل و از ایستاده پوشیدن نعل و در روایتی کراهت ایستاده پوشیدن
مخصوص نعل باشد که […] نمیباید بست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سه چیز است که هرکه کند

همین آن است که دیوانه شود غایط کردن در میان قبرها و با یک موزه راه رفتن و در خانه تنها خوابیدن و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مداومت بر پوشیدن موزه امان میدهد از خوره و در فقه الرضا مذکور است
که چون خواهی که موزه یا کفش بپوشی ابتدا بپای راست کن و بگو بسم الله والحمد لله اللهم صل علی
محمد و آل محمد اللهم وطئ قدمی فی الدنیا والآخرة وثبتها علی الایمان ولا تزلزلها
یوم زلزلة الاقدام اللهم وقنی من جمیع الآفات والعاهات ومن الاذی و چون خواهی که بکنی
بگو اللهم فرج عنی کل غم وهم ولا تنزع عنی حلة الایمان و در مکارم اخلاق از کتاب نجات
نقل نموده که موزه و نعل راست بپوش و در وقت کشیدن بگوی بسم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد
ووطئ قدمی فی الدنیا والآخرة وثبتهما علی الصراط یوم تزل الاقدام و در وقت کندن است ابتدا بچپ کن
و بگو بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک
ولا تزلهما عن صراطک السوی **باب دویم** در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان و
سرمه کشیدن و در آینه نظر کردن و خضاب کردن **فصل اول** در فضیلت انگشتر بدست کردن و آداب
آن سنت موکد است مردان و زنان را انگشتر در دست کردن و در بعضی از احادیث تجویز فرموده اند که در دست چپ
بکنند اگر نقش شریفی یا نگین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجا بیرون آورد و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که اگر خواهی انگشتر بدست راست کنی و اگر خواهی بدست چپ و بسند معتبر از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و از سلمان فارسی رضی الله عنه
مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی انگشتر در دست راست
بکن تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول الله کدام اند مقربان فرمود که جبرئیل و میکائیل پرسید که چه انگشتر
در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستی که آن اقرار کرده است برای خدا بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای
تو یا علی بآنکه وصی منی و برای فرزندان بامامت و برای دوستان تو بهشت و برای شیعیان و فرزندان
تو بجنة الفردوس و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کردند که بچه علت حضرت

امیر المومنین علیه السلام انگشتر در دست راست میکردند فرمود زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب یمین است که در قیامت نامهای ایشان را
بدست راست میدهند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و این علامتی است برای شیعیان ما
که باین علامت ایشان شناخته میشوند و بمحافظت کردن بر وقت فضیلت نمازهای پنجگانه و بدادن زکوة و بقسمت کردن
مال خود با برادران مومن و بامر بمعروف کردن و نهی از منکر کردن و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
که حضرت جبرئیل علیه السلام بحضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت که هر که انگشتر در دست راست کند و غرضش متابعت
سنت تو باشد و ببینم او را در قیامت که متحیر مانده است دستش را بگیرم و بتو و بامیر المومنین علیه السلام برسانم
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از سنت پیغمبر است انگشتر در دست راست کردن و از حضرت امیر المومنین
علیه السلام منقول است که هر که انگشتری در دست چپ داشته باشد که نام خدا در او باشد در وقت استنجا بدر
آورد و در دست دیگر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از انگشتر
کردن در انگشت شهادت و انگشت میان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انگشتر را به بند پایین انگشت برسانند
و در روایتی وارد شده است که انگشتر را بسر انگشت کردن عمل قوم لوط است و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است
که در وقت انگشتر در دست کردن بگوید اللهم سمنی بسیما الایمان واختم لی بخیر واجعل عاقبتی الی خیر انک انت
العزیز الاکرم و ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که این دعا بخواند اللهم سومنی بسیما الایمان وتوجنی
بتاج الکرامة وقلدنی حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی در بیان آنچه انگشتر از آن سازند
سنت است که انگشتر از نقره باشد و مردان را انگشتر طلا در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد و برنج
مردان را و زنان را مکروه است چنانچه منقول است از حضرت صادق علیه السلام بسندهای صحیح و حسن که انگشتر
رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود و در چند حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین
علیه السلام فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن که آن زینت تست در آخرت و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
که انگشتر غیر نقره در دست مکنید بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پاک نیست دستی که در آن انگشتر آهن باشد
و در حدیث دیگر فرمود که پاک نکند خدا دستی را که در آن انگشتر آهن باشد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

منقولست که نماز کنند مرد در انگشتر آهن و نهی فرموده از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که انگشتر
حضرت رسول صلی الله علیه وآله از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش کرده بودند محمد رسول الله

در فضیلت عقیق

منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام چهار انگشتر در دست میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت و نقش و فیروزه برای
نصرت و یاریش و حدید صینی برای قوتش و عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها و در حدیث صحیح از حضرت علی بن موسی الرضا
علیهما السلام مرویست که عقیق فقر و درویشی را برطرف میکند و در دست کردن عقیق نفاق را زائل میکند و در حدیث صحیح
دیگر از آنحضرت منقولست که هر که قرعه با انگشتر عقیق زند بهره او تمامتر بیرون می آید و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که انگشتر عقیق در انگشت کنید که مبارک است و هر که انگشتر در دست داشته باشد مهدی هست که عاقبتش مقرون
بخیر و نیکی باشد و از ربیعة الرای منقولست که در دست حضرت امام زین العابدین علیه السلام انگشتر عقیقی دیدم پرسیدم
که این چه نگین است فرمود که عقیق رومی است حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد
حاجتش برآورده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که انگشتر عقیق موجب ایمنی است در سفر و در حدیث دیگر
از آنحضرت منقولست که هر که انگشتری بگیرد که نگینش عقیق باشد پریشان نشود و عاقبت کارش البته نیکو باشد و در حدیث
دیگر وارد شده است که حاکم پی شخصی فرستاده بود بسبب جرمی حضرت صادق علیه السلام فرمود که انگشتر عقیقی باو برسانید
چنان کردند که دیگر مکروهی باو نرسید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمد و شکایت
کرد که دزد در راه بمن رسیده و اموال مرا برد حضرت فرمود که چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که آن از همه بدی نگاه میدارد
آدمی را و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که انگشتر عقیق در دست کنید که مادام که آدمی آن انگشتر را با خود نگاه
دارد اندوهی باو نمیرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که انگشتر عقیق با خود دارید که آن اول کوهی است که اقرار کرده
از برای خدا بیگانگی و از برای من به پیغمبری و از برای تو یا علی بامامت و در حدیث دیگر معتبر منقولست از بشیر دهان
که عرض کردم که کدام یک از نگینها را انگشتر خود نشانم فرمود که چرا غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید
که اینها سه کوه اند در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانه رسول خدا صلی الله علیه وآله و اما کوه عقیق
زرد پس مشرف است بر خانه حضرت فاطمه صلوات الله علیها و اما کوه عقیق سفید پس مشرف است بر خانه حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام

علیه السلام و همه یک خانه است و از زیر هر کوهی نهری جاریست از برف سردتر و از عسل شیرین تر و از شیر سفیدتر و نمیخورد
از آن نهرها مگر آل محمد صلی الله علیهم و شیعیان ایشان و هر سه نهر از کوثر می آید و بیک جا میرسد و این سه کوه تسبیح و تقدیس
و تمجید الهی میکنند و از برای محبان آل محمد صلی الله علیه وآله طلب آمرزش میکنند پس هر که از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقها را در دست
داشته باشد نمیبیند مگر خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها و امان یابد از شر پادشاه ظالم و از هر چه آدمی از آن
میترسد و حذر مینماید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی را نزد حضرت امام محمد باقر علیه السلام که زدند که تازیانه بسیار
باو زده بودند حضرت فرمودند که انگشتر عقیقش کجا است اگر با او میبود تازیانه نمیخورد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دستی بدعا بسوی آسمان بلند نمیشود که خدا دوستتر دارد از دستی که در آن انگشتر عقیق بوده باشد و در حدیث
معتبر از حضرت امام حسین علیه السلام منقولست که چون حضرت موسی علیه السلام در کوه با حق تعالی مناجات کرد و در زمین نظر کرد
حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات مقدس خود که عذاب نکنم باتش جهنم دستی را که انگشتر
عقیق در آن باشد اگر ولایت علی بن ابی طالب داشته باشد و در حدیث دیگر منقولست که جبرئیل علیه السلام نازل شد بر حضرت
رسول صلی الله علیه وآله و گفت یا محمد پروردگار عالم سلامت میرساند و میگوید انگشتر را بدست راست کن و نگینش را از عقیق بکن و بگو
بعلی بن ابی طالب بگو که انگشتر بدست راست کند و نگینش را عقیق کند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پرسید که یا رسول الله
عقیق کدام است فرمود که کوهی است در یمن که برای خدا اقرار کرده است بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو و اولاد تو بامامت
و برای شیعیان تو به بهشت و برای دشمنان تو بجهنم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نمازی که انگشتر عقیق در دست داشته باشند
بر نماز جماعتی که بی عقیق در دست داشته باشند چهل درجه زیادتی دارد و سلیمان اعمش روایت کند که در خدمت حضرت امام جعفر
علیه السلام بودم در روز خانه منصور خلیفه پس شخصی را بیرون آوردند که تازیانه خورده بود حضرت فرمود که ای سلیمان ببین
که انگشترش چه نگین دارد گفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست فرمود که ای سلیمان اگر عقیق بود تازیانه نمی زدند او را گفتم یا ابن رسول الله
دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان انگشتر عقیق امان می بخشد از دست بریدن گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان امان می بخشد
از خون گفتم دیگر بفرما فرمود ای سلیمان خدای عز و جل دوست میدارد که بلند کنند بدعا دستی را که در آن نگین عقیق باشد
گفتم دیگر بفرما فرمود که عجب دارم از دستی که در آن نگین عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار و درهم گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما
فرمود که نگاه دارنده او هست از هر بلایی گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ایمن میگرداند از فقر گفتم یا ابن رسول الله

و دعا بجهت کرم دندان و خون بن دندان
مرویست که حضرت این تعویذ را بجهت الم حس
بر چوب بنویسد و بر دندان بگذارد
هر او درد و بجهت دندان کرم خورده و ضعف ... بر دندان بخواند
بجهت دندان که کرم خورده باشد نافع است
این دعا است که بسیار نافع است
العجب کل العجب دودة تکون
فی الفم تأکل العظم و تنزل الدم
انا الراقی والله الشافی الکافی
لا اله الا الله والحمد لله رب
العالمین واذ قتلتم نفسا فادارأتم
فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون
فقلنا اضربوه ببعضها کذلک
یحیی الله الموتی ویریکم آیاته
لعلکم تعقلون

روایت کنم این حدیث را از جدت از حسین بن علی از پدرش امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما فرمود بلی و در روایت دیگر منقولست که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار رکعت که با آن نباشد

در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد

در سه حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقولست که انگشتر یاقوت در دست کنید که پریشانی را زایل میکرداند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که سنت است انگشتر یاقوت در دست داشتن و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که انگشتر زمرد در دست کردن موجب آسانیست که در آن هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام بهمین لفظ وارد شده است با لفظ زبرجد و فرمود که انگشتر زمرد در دست داشتن فقر را بتوانگری بدل میکند و فرمود که هر که انگشتر یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود

در فضیلت فیروزه و جزع یمانی

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که انگشتر فیروزه در دست کند دستش فقیر نشود و از حسن بن علی بن مهران منقولست که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم در انگشت آنحضرت انگشتری دیدم که نگینش فیروزه بود و نقش الله الملک بود و من بسیار نظر میکردم در آن انگشتر فرمود که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیرالمؤمنین انگشتر فیروزه داشته است که نقشش الله الملک بوده است فرمود که آن را میشناسی گفتم نه فرمود که همان انگشتر است و این سنگی است که جبرئیل علیه السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه آورد از بهشت و آنحضرت بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بخشید و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که انگشتر جزع یمانی در دست کنید که دیوها میگریزند مگر متمردان شیاطین را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بسوی من آمدند و انگشتر جزع یمانی در انگشت کرده بودند و با ما نماز کردند چون از نماز فارغ شدند انگشتر را بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در انگشت دست راست خود کن و با آن نماز کن که نماز در جزع یمانی برابر هفتاد نماز است و تسبیح و استغفار میگوید و ثوابش را برای صاحبش نوشته میشود و علی بن محمد صیمری گفت که دختر جعفر بن محمود را خواستم و بسیار او را دوست میداشتم و فرزند از او بوجود نمی آمد رفتم بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام و این مطلب را عرض کردم پس تبسم نمود و فرمود که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه باشد و بر آن نقش کن این آیه را رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین چنان کردم یکسال از آن نگذشت که از آن پسری بوجود آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم از دستی که بسوی من بلند شود بدعا و در آن دست انگشتر فیروزه باشد پس او را ناامید برگردانم

در فضیلت در نجف و بلور و حدید صینی و سایر سنگها

بسند معتبر از مفضل بن عمر منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم

وانگشتر فیروزه

و انگشتر فیروزه در دست داشتم فرمود که ای مفضل فیروزه سیرگاه دیدههای مردان مؤمن و زنان مؤمنه است یا دور کرداننده پرده ها است از دیده های ایشان و من دوست میدارم برای هر مؤمنی که پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت و آن فاخرترین همه است و عقیق و آن خالص‌تر است برای خدا و برای ما اهل بیت و فیروزه و آن چشم را قوت میدهد و سینه را گشایش میدهد و قوت دل را زیاد میکند و چون بکاری رود و آن را در دست کند پس چون برگردد حاجتش برآورده شده باشد و حدید صینی و آن را دوست نمیدارم که همیشه در دست داشته باشد ولیکن دوست میدارم در دست کردن آن را در وقتی که بدیدن کسی رود که از او ترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن شود و حدید صینی شیاطین را دور میکرداند باین سبب دوست میدارم که داشته باشند چهارم آن دری که در نجف اشرف خدا ظاهر میسازد بدرستی که هر که آن را در دست کند بهر نظر کردن بآن خداوند عالمیان زیادتی حج و عمره در نامه اعمال او بنویسد که ثوابش بعدد پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم نمیکرد بر شیعیان ما هر آینه هر نگینی از آن بقیمت بسیار میرسید ولیکن خدا ارزان کرده است برای ایشان که توانگر و فقیر ایشان توانند در دست کرد ابوطاهر میگوید که این حدیث را بخدمت امام حسن عسکری عرض کردم فرمود که این حدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است گفتم شما هیچ چیز از عقیق سرخ اختیار نمیفرمایید فرمود که بلی برای فضیلت بسیاری که در آن وارد شده است بدرستی که پدرم خبر داد مرا که اول کسی انگشتر عقیق در دست کرد حضرت آدم بود دید که در عرش بنور نوشته است انا الله لا اله الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته باخیه علی و نصرته به تا آخر نامهای پنجگانه آل عبا پس چون حضرت از آن درخت میوه خورد و بزمین آمد متوسل شد بسوی خدا باین نامهای مبارک و برکت این نامها خدا توبه اش را قبول کرد پس حضرت آدم علیه السلام انگشتری از نقره ساخت و نگینش را از عقیق سرخ کرد و این نامهای پنجگانه را بر آن نقش کرد و آن انگشتر را در دست راست خود کرد پس این سنتی شد که نیکان از فرزندانش همه بسنت او عمل کردند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نیکو نگینی است ... از حسین بن عبدالله منقولست که سوال کرد از حضرت امام علی نقی علیه السلام که آیا خوب است انگشتر کردن سنگ ریزه که از چاه زمزم بیرون آورند فرمود که بلی اما چون خواهد که استنجا کند از دست بیرون آورد یعنی اگر در دست چپ باشد

در بیان آنچه سزاوار است که در نگین نقش کنند

حسین بن خالد بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که جایز است شخصی استنجا کند و در دستش انگشتری باشد که نقش نگینش لا اله الا الله باشد حضرت فرمود که خوب نمیدانم این را از برای او گفت مگر رسول خدا و پدران شما با انگشتر استنجا نمیکردند فرمود که بلی ولیکن ایشان انگشتر را در دست راست میکردند

میکردند پس از خدا اثر رسیده و قهرا از ایشان برطرف شد پس فرمود که نقش نگین حضرت آدم لا اله الا الله محمد رسول الله بود و با خود
از بهشت آورده بود و حضرت نوح چون بکشتی سوار شد حق تعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق بترسی هزار مرتبه
لا اله الا الله بگو پس دعا کن تا من ترا و مومنان را از غرق نجات دهم پس چون کشتی براه افتاد باد تندی وزید و حضرت
نوح از غرق ترسید و او در مجال آن نشد که هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید بزبان سریانی گفت هلولیا الفا الفا یا ماریا اتقن
پس طوفان برطرف شد و کشتی براه افتاد پس حضرت نوح فرمود که سخنی که خدا مرا بآن نجات بخشید سزاوار است که همیشه با من باشد
پس در انگشتر خود ترجمه آن را بعربی نقش کرد لا اله الا الله الف مرة یا رب اصلحنی و حضرت ابراهیم علیه السلام را چون در کفه منجنیق
گذاشته که در آتش اندازند جبرئیل علیه السلام بخشم آمد حق تعالی باو وحی فرمود که چه خبر باعث غضب تو گردیده است گفت
پروردگارا خلیل تست و هیچکس نیست در این وقت که ترا بیگانگی پرستد بغیر او و دشمن خود و دشمن او را براو مسلط گردانیده پس
خداوند عالم باو وحی فرمود که ساکت باش که بنده تعجیل در امور میکند که مثل تو بنده باشد که ترسد که از دستش بدر رود
اما من پس بنده منست هر گاه که خواهم او را میگیرم پس جبرئیل خاطرش مطمئن شد و بجانب ابراهیم ملتفت شد و گفت آیا
ترا حاجتی و کاری در نزد است فرمود اما بتو نه پس حق تعالی انگشتری برای او فرستاد که در آن شش حرف نقش شده بود
لا اله الا الله محمد رسول الله لا حول و لا قوة الا بالله فوضت امری الی الله استندت ظهری الی الله حسبی الله پس خدا وحی
نمود که این انگشتر را در دست کن که آتش را بر تو سرد و سلامتی میگردانم و نقش نگین حضرت موسی علیه السلام دو حرف بود
که از تورات بیرون آورده بود اصبر تؤجر اصدق تنج یعنی صبر کن تا مزد یابی راست بگو تا نجات یابی و نقش نگین
حضرت سلیمان بن داود این بود سبحان من الجم الجن بکلماته و نقش نگین حضرت عیسی دو حرف بود که از انجیل بیرون آورده بود
طوبی لعبد ذکر الله من اجله و ویل لعبد نسی الله من اجله یعنی خوشا حال بنده که خدا یاد کرده شود بسبب او
و وای بر بنده که خدا فراموش شود از خاطرها بسبب او و نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله این بود لا اله الا الله
محمد رسول الله و نقش نگین حضرت امام حسن علیه السلام العزة لله بود و نقش نگین حضرت امام حسین علیه السلام ان الله
بالغ امره بود و حضرت علی بن الحسین علیه السلام انگشتر پدر خود را در دست میکردند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام انگشتر
حضرت امام حسین را در دست میکردند و نقش انگشتر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام الله ولیی و عصمتی من خلقه بود و نقش
انگشتر حضرت امام موسی علیه السلام حسبی الله بود و پس حضرت امام رضا علیه السلام دست دراز کردند و نمودند انگشتر پدر خود را

که در دست داشتند

که در دست داشتند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله
محمد رسول الله بود و نقش نگین حضرت امیر المومنین علیه السلام الله الملک بود و نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام العزة لله
بود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد که کسی در نگین غیر نام خود و پدر خود نقش کند
حضرت فرمود که نقش انگشتر من الله خالق کل شیء است و نقش انگشتر پدرم العزة لله بود و نقش انگشتر امام زین العابدین علیه السلام
الحمد لله العلی العظیم بود و نقش انگشتر امام حسن و امام حسین علیهما السلام حسبی الله بود و نقش نگین حضرت امیر المومنین علیه السلام
الله الملک بود و در روایت معتبر دیگر منقولست که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام این کلمات بود اللهم انت
ثقتی فقنی شر خلقک و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که نقش نگین حضرت امام جعفر علیه السلام انت
ثقتی فاعصمنی من الناس و نقش نگین حضرت امام موسی علیه السلام حسبی الله بود و در زیرش شکل گلی و در بالایش هلالی
نقش کرده بودند و در حدیث صحیح دیگر منقولست که نقش نگین حضرت امام رضا علیه السلام ما شاء الله لا قوة الا بالله
بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که نقش نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام
این بود خزی و شقی قاتل الحسین بن علی و عبد الله بن سنان میگوید که حضرت صادق علیه السلام انگشتر حضرت رسول صلی الله
علیه و آله را بمن نمود نگین سیاهی داشت و در دو سطر نوشته بود محمد رسول الله و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه صورت چیزی از حیوانات بر انگشتر نقش کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که عقل مرد را در سه چیز امتحان میتوان کرد در درازی ریشش و در نقش انگشترش و در کنیتش و در حدیث دیگر فرمود که هر که
نقش کند بر انگشترش ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله ایمن شود از فقر شدید و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی ذی المنن و بالحسین و الحسن
و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که انگشتر حضرت امیر المومنین علیه السلام از نقره بود و نقش نعم القادر
الله بود و در بعضی روایات وارد است که نقش نگین امیر المومنین الملک لله بود و در روایت دیگر آنکه انگشتری داشتند
از حدید چینی [illegible] صدف و این کلمات را در آن نقش فرموده بودند در هفت سطر و در جنگها در دست
میکردند و کلمات این است اعددت لکل هول لا اله الا الله و لکل کرب لا حول و لا قوة الا بالله و لکل مصیبة نازلة
حسبی الله و لکل ذنب و کبیرة استغفر الله و لکل هم و غم فادح ما شاء الله و لکل نعمة متجددة الحمد لله [illegible]

نعم القادر الله و از اسمعیل بن موسی منقولست که انگشتر حضرت امام جعفر علیه السلام نامش از نقره بود و بر آن این نقش بود
یا ثقتی قنی شر جمیع خلقک و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در انگشتر خود آیه از قرآن نقش کند آمرزیده شود
و ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده از قسم بن العلا که روایت کرده از صافی خادم حضرت امام علی نقی علیه السلام که رخصت طلبیدم از
آنحضرت که بزیارت جدش امام رضا صلوات الله علیه بروم فرمود که با خود انگشتری داشته باشی که نگین آن عقیق زرد باشد و نقش نگین ما شاء الله
لا قوة الا بالله استغفر الله باشد و بر روی دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشند چون این انگشتر را با خود داری امان می یابی از شر
دزدان و راهزنان و برای سلامتی تو تمام تر است و دین تو حفظ کرده شده تر است خادم گفت بیرون آمدم و انگشتری که حضرت
فرموده بهم رسانیدم ... کردم و دور شدم فرمود که مرا برگردانند چون برگشتم گفت ای صافی
گفتم لبیک ای آقای من ... باید که با خود داشته باشی انگشتری که در میان طوس و نیشابور شیری میخواهد
راه بر تو و قافله را منع کند از رفتن تو حیله برو و این انگشتر را بنما و بگو مولای من میگوید که دور شو از راه و باید
که بر یک طرف نگین فیروزه الله الملک نقش کنی و بر طرف دیگر الملک لله الواحد القهار زیرا که نقش انگشتر حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام الله الملک بود و چون خلافت بآنحضرت برگشت الملک لله الواحد القهار نقش کرد و نگینش فیروزه بود و چنین
نگینی امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث ظفر و غلبه میشود در جنگها خادم گفت که رفتم ... که در همان مکان
که حضرت فرموده بود شیر بر راه آمد و آنچه فرموده بود بعمل آوردم و شیر برگشت چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود بخدمت
آنحضرت عرض کردم حضرت فرمود که یک چیز مانده که نقل نکردی اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقای من شاید فراموش کرده باشم
فرمود که شبی در طوس نزدیک روضه امام رضا علیه السلام خوابیده بودی که گروهی از جنیان بزیارت قبر مبارک آمده بودند آن نگین را
در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند پس آنرا از دست تو بدر آوردند و بردند نزد بیماری که داشتند و آن انگشتر را در آب
شستند و آب را به بیمار خود خورانیدند و بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو در دست راست کرده بودی
و ایشان در دست چپ تو کردند چون بیدار شدی بسیار تعجب کردی و سببش را ندانستی و بر بالین خود یاقوتی
یافتی ... و الحال همراه است بیرون بیار ... و این یاقوت هدیه آن جنیان است
که برای تو آورده بودند خادم گفت که یاقوت را آوردم سبحان الله ... و ایضا سید ابن طاوس روایت
کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر علیه السلام گفت من میترسم از حاکم شهر جزیره و میترسم که دشمنان من او را

با من بخشم آورند و این میترسم از آنکه بر من ... حضرت فرمودند که انگشتری بساز که نگینش از حدید چینی باشد و بر روی نگین
سه سطر نقش کن در سطر اول اعوذ بجلال الله در سطر دوم اعوذ بکلمات الله در سطر سیم اعوذ برسول الله و در زیر نگین دو سطر
نقش کن سطر اول آمنت بالله و کتبه و در سطر دویم و انی واثق بالله و رسله و در دور نگین نقش کن اشهد ان لا اله
الا الله مخلصا و این صورت نگین است و در دست کن این انگشتر را و در هر حاجتی که بر تو دشوار شود و در وقتی که از آزار

اشهد
اَعُوذُ بِجَلالِ اللّٰهِ
اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللّٰهِ
اَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ
مخلصا

احدی بترسی بدرستی که حاجتهایت برآورده میشود و ترسهایت ایمنی میل
میگردد و زنی که زاییدن بر او دشوار شود بر او ببندند که ببرکت خدا
بر وی وضع حمل او میشود و همچنین دفع میکند از چشم بد را و حذر کن که بجایی
و جای بدی با آن نگین نروی و با خود بحمام و جای ناپاک نبری و خوب محافظت نما آن را که از اسرار خدا است و شیعیان از دشمنان
خود بترسند بر جان خود باید که این انگشتر را داشته باشند و از دشمنان خود پنهان دارند و تعلیم نکنند مگر کسی که اعتماد بر او
داشته باشند راوی حدیث گفت که من تجربه کردم و اثرش را یافتم و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است
که هر که صبح کند و در دستش انگشتر عقیقی باشد و در انگشت دست راست کرده باشد و پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آنرا
بجانب کف دست بگرداند و بآن نظر کند و سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را تا آخر بخواند پس بگوید آمنت بالله وحده لا
شریک له و کفرت بالجبت والطاغوت و آمنت بسر آل محمد و علانیتهم و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و آخرهم چون چنین کند
خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بالا میرود بسوی آسمان و آنچه در زمین
فرو میرود و آنچه بیرون می آید از زمین و در حرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام
در زیور طلا و نقره و پوشیدن و زنان و اطفال پوشانیدن و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است که پسران نابالغ را زیور طلا بپوشانند فرمود که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام زینت میفرمودند زنان و اطفال خود را بزیور طلا و نقره و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت پرسیدند در این
باب فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام زنان و فرزندان خود را بزیور طلا و نقره میپوشانید و در حدیث صحیح دیگر
پرسیدند از آنحضرت از زیور کردن زنان بطلا و نقره فرمود که باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست
که سر غلاف شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و دسته اش از نقره بود و در میان حلقهای نقره و ...

و نزد آنحضرت سه حلقه نقره به پیش و دو حلقه از عقب داشت و از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقولست که ذوالفقار را جبرئیل برای
رسول خدا از آسمان آورد و زیورش از نقره بود و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که باکی نیست زیور کردن شمشیر بطلا
و نقره و در حدیث دیگر فرمود که زیور شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام از نقره بود و دسته اش و در حدیث معتبر دیگر
فرمود که باکی نیست بزینت کردن قرآنها و شمشیرها بطلا و نقره و بسند موثق دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که همیشه
زنان زیور میپوشیدند و در حدیث معتبر از فضیل بن یسار منقولست که از حضرت امام جعفر علیه السلام پرسید که آیا کرسی
که در آن طلا باشد آیا میتوان در خانه نگاه داشت حضرت فرمود که اگر طلا باشد نه و اگر آب طلا بر آن مالیده باشند باکی
نیست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سزاوار نیست که زن خود را معطل بگذارد و زینت نکند اگرچه گردن بندی
باشد که در گردن ببندد و سزاوار نیست که دستش از خضاب خالی باشد اگرچه مالیدن حنا باشد هرچند پیر سال دار باشد
و در روایت معتبر وارد شده است که جایز است که زنها را بسیکه گره بندند و بدانکه در باب زیور طلا احوط
و اولی آن است که مردان اجتناب نمایند اگرچه در شمشیر و مصحف باشد

در آداب سرمه کشیدن و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله سرمه سنگ بچشم میکشیدند و در وقت
خواب تاق تاق و در حدیث معتبر از حسن بن جهم منقولست که گفت حضرت امام رضا علیه السلام میلی از آهن بیرون آورد
و سرمه دانی از استخوان و فرمودند که اینها از حضرت امام موسی علیه السلام بود باین میل سرمه بکش و بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع میرساند و در روز زینت است و در حدیث معتبر دیگر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سرمه سنگ در دیده کشیدن دهان را خوشبو میکند و مژگان را
محکم میکند و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سرمه کشیدن دهان را شیرین میکند و در حدیث
دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند و بینایی را تند میکند و اعانت میکند بر طول دادن سجود و در حدیث
دیگر فرمود که سرمه سنگ چشم را جلا میدهد و موی مژه را میرویاند و آب گندیده چشم را زایل میکند و در روایت
دیگر فرمود که سرمه کشیدن قوت جماع را زیاده میکند و فرمود که هر که هر شب سرمه سنگ که مشک در آن سوده باشد در دیده
کشد چشمش هرگز آب سیاه نیاورد و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که هر که سرمه کشد باید
که تاق بکشد و اگر چنین نکند هم باکی نیست و در حدیث صحیح منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پیش از خواب سرمه میکشیدند

چهار میل

چهار میل در دیده راست و سه میل در دیده چپ و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهار چیز است
که رو را نورانی میکند نظر کردن در روی نیکو و در آب جاری و در سبزه زار و سرمه کشیدن در وقت
خواب و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که سرمه
بکشد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سرمه کشیدن در وقت خواب امان میدهد از آب آوردن
چشم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که را ضعف در باصره بهم رسد هفت میل از سرمه سنگ
در وقت خواب در چشم کشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر چشم سه میل میکشیدند در وقت خواب و در روایت
دیگر وارد شده است که سه میل در چشم راست و دو میل در چشم چپ میکشیدند و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که بر شما باد بمسواک کردن که چشم را جلا میدهد و بر شما باد بسرمه کشیدن که دهان را
خوشبو میکند زیرا که چون مسواک میکند آدمی بلغم نازل میشود از چشم و جلا می یابد و چون سرمه میکشد
بلغم از چشم برطرف میشود و بدهان نازل نمیشود و دهان خوشبو میشود و در فقه الرضا علیه السلام
مذکور است که چون اراده نمایی که سرمه بکشی میل را بدست راست بگیر و در سرمه دان بزن و بگو بسم الله
و چون میل را در چشم کشی بگو اللهم نور بصری واجعل فیه نورا ابصر به حقک واهدنی الی طریق الحق وارشدنی
الی سبیل الرشاد اللهم نور علی دنیای و آخرتی و در مکارم الاخلاق روایت کرده است که این
دعا بخوانند در وقت سرمه کشیدن اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی
والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی

در آداب نظر بآینه کردن بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود که خداوند عالمیان واجب گردانیده است بهشت را از برای جوانی که بسیار نظر در آینه کند
و حمد خدا بسیار گوید برآنکه خدا او را بصورت نیکو آفریده و او را معیوب نگردانیده است
و در بعضی روایات مذکور است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نظر میکردند در آینه و موی سر مبارک

و ریش را شانه میکردند و از برای اصحاب خود و زنان خود خود را مهیا میساختند و میفرمودند که خدا می‌پسندد
و دوست میدارد از بنده اش که چون بسوی برادران مومن رود از برای ایشان
زینت کند و خود را بیاراید و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقولست که چون کسی در آینه نظر کند
باید که بگوید الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی و صورنی فاحسن صورتی و زان منی ما شان من غیری و اکرمنی
بالاسلام و در فقه الرضا و غیر آن مذکور است که چون خواهی در آینه نظر کنی آینه را بدست چپ
بگیر و بگو بسم الله چون در آن نظر کنی دست راست را بر پیش سر بگذار و بر دیگر کش و ریش خود را بدست
راست بگیر و در آینه نظر کن و بگو الحمد لله الذی خلقنی بشرا سویا و زیننی و لم یشنی و فضلنی علی کثیر من
خلقه و من علی بالاسلام و رضیه لی دینا پس آینه از دست بگذار و بگو اللهم لا تغیر ما بنا من نعمتک و اجعلنا
لانعمک من الشاکرین و لآلائک من الذاکرین و در روایت دیگر وارد شده است که آینه را بدست چپ بگیری
و چون روی خود را در آینه دیدی بگو الحمد لله الذی احسن و اکمل خلقی و حسن خُلقی و خَلقی خلقتنی و لم یجعلنی جبارا شقیا
الحمد لله الذی زین منی ما شان من غیری اللهم کما احسنت خلقی فصل علی محمد و آل محمد و حسن خلقی و تمم نعمتک علی
و زینی فی عیون خلقک و جملنی فی عیون بریتک و ارزقنی القبول و المهابة ذا الرأفة ذا الرحمة
یا ارحم الراحمین و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیرالمومنین علیه السلام
فرمود که یا علی چون در آینه نظر کنی بگو اللهم کما حسنت خلقی فحسن خلقی و ارزقنی

در زینت خضاب کردن مردان و زنان بدانکه مردان را خضاب موی سر و ریش سنت موکد است و زنان را خضاب
موی سر و دست و پا سنت است و مردان را خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندک رنگی که بعد از
نوره که بر جمیع بدن سنت است حنا مالیدن از آن در دست بماند که رنگ ناخن بسرخی مایل
شود چنانچه بسندهای معتبر از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله منقولست که چهار چیز است
که از سنتهای پیغمبران است بوی خوش کردن و زن گرفتن و مسواک کردن و خضاب بحنا کردن
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که یک درهم که در خضاب صرف شود بهتر است از هزار درهم که در
راه خدا صرف نمایند و در آن چهارده خصلت است باد را از گوشها دور میکند و غبار از چشم جلا میدهد

و بینی را نرم

و بینی را نرم میکند و دهان را خوشبو میکند و بن دندان را محکم میکند و گند زیر بغل را دفع میکند و کم میکند
وسوسه شیطان را و ملائکه بسبب آن شاد میشوند و سبب خوشحالی مومنان و خشم کافران میشود و زینت
و بوی خوش است و موجب خلاصی از عذاب قبر است و نکیر و منکر شرم میکنند از آن و در حدیث دیگر فرمود که
موی سفید خود را رنگ کنید تا شبیه نشوید بیهودان و حسن بن جهم گفت که بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
رفتم دیدم که آنحضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده بودند پس فرمود که در خضاب کردن اجر عظیم است و خود را
ساختن موجب زیادتی عفت زنان است و جمعی از زنان دست از عفت برداشتند بسبب آنکه شوهران
ایشان خود را برای ایشان نمی آراستند عرض کرد که بما رسیده است که حنا موی سفید را زیاد میکند
حضرت فرمود که موی سفید خود زیاد میشود بی حنا و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول
صلی الله علیه و آله آمد و نظر کرد حضرت دید که موی سفید در ریش او بهم رسیده است فرمود که این موی
سفید نور است پس فرمود که هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او بهم رسد از برای او نوری باشد در قیامت
پس آن شخص بحنا خضاب کرد و بنزد آنحضرت آمد فرمود که هم نور است و هم اسلام پس رفت و خضاب سیاه کرد و آمد فرمود که نور است
و اسلام است و ایمان است و محبوب گرداند بسوی زنان و خوف و بیم می افکند در دل کافران و در حدیث معتبر منقولست
که گروهی بخدمت حضرت امام حسین علیه السلام آمدند دیدند که آنحضرت بسیاهی خضاب کرده است در این باب از
آنحضرت سوال کردند دست را بر ریش که داشتند و فرمودند که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگها که مسلمانان
بسیاهی خضاب کنند تا باعث غلبه ایشان شود بر کافران و در حدیث حسن منقولست که از حضرت صادق علیه السلام
پرسیدند که خضاب سر و ریش آیا سنت است فرمود که بلی حضرت امیرالمومنین علیه السلام برای آن خضاب نمیفرمودند
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی موی ریش تو از خون سرت خضاب خواهد شد انتظار آن خضاب میکشیدند
و حضرت امام حسین و حضرت امام محمد باقر علیهما السلام هر دو خضاب میفرمودند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
امیرالمومنین علیه السلام فرمود که من برای آن خضاب نمیکنم که هنوز صاحب تعزیه ام در مصیبت وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و در حدیث بسیار منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خضاب میفرمودند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام
نظر کردند بمردی که از حمام بیرون آمده بود و در دستهایش حنا بسته بود حضرت فرمود که آیا ترا خوش می آید که خدا را صنعتی

نقل کند که گفت نه والله ولیکن خبر بما رسیده است که هر که داخل حمام شود باید که اثر حمام را بر و دیده شود یعنی حنا حضرت
فرمودند که منظور همین نه بلکه مراد آن است که چون سلامت از حمام بدر آید بشکر این نعمت دو رکعت نماز بگذارد و در حدیث حسن
منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آن است که آثار زنان در مردان
فرزندان عباس ظاهر شود و خضاب دست و پا بایند زیرا که خضاب سر و ریش سنت است و از علامات مردان است و در حدیث
معتبر منقولست از آنحضرت که باکی نیست که در حمام خلوق بر دست و پا مالند بجهة ترکها که در دست بهم میرسد از پیت و اما خوش نمی آید
که همیشه این کار کنند و خلوق بوی خوشی بوده است که زعفران داشته است و رنگ از آن در بدن میمانده است و در حدیث دیگر
از ابی الصباح منقولست که گفت اثر حنا در دست حضرت امام محمد باقر علیه السلام دیدم یعنی از صیغی که از حنا مالیدن بعد از وارد
میماند چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست زن را که دستش را از
خالی گذارد اگرچه بمالیدن حنا باشد هرچند پیر باشد و فرمود که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان شوهر دار و بی شوهر را که خضاب
اما شوهر دارها برای شوهر ش و اما غیر شوهر دار برای آنکه دستش شبیه بدست مردان نماند — در کیفیت خضاب و احکام آن
در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که باکی نیست در خضاب کردن بوسمه برای مرد و زن و در حدیث صحیح و موثق
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که فرمود که خضاب کردن بوسمه دندانهای پر است کند و در بهشت و در چندین حدیث معتبر
وارد شده است که چون حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد خضاب بوسمه در ریش مبارک آنحضرت بود و در حدیث صادق فرمودند که خضاب کردن
بوسمه موجب آتش نشان است و مهابتی از آن در دل کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که خضاب کردن بحنا آب رو را زیاد میکند
و سفیدی مو را هم زیاد میکند و در حدیث صحیح و حسن منقولست که حضرت امام محمد باقر به خضاب سرخ رنگین و در حدیث دیگر فرمود که خضاب بحنا بوی
بد را زایل میکند و آبرو را می افزاید و دهان را خوشبو میکند و فرزند را خوش رو میکند و از حضرت امام موسی منقولست که هر زنی که در حیض نباشد
بحنا خضاب کنند تا حیض برطرف گردد و در حدیث منقولست که حضرت امام حسین و امام محمد باقر علیهما السلام خضاب بحنا و وسمه باهم میکردند
در آداب خوردن و آشامیدن — در بیان فرقهایی که در خوردن و آشامیدن و سایر استعمالات از آن اشیاء معتبر بود
و آنچه نهی از آن وارد شده است جایز نیست خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و در استعمال غیر اکل و شرب خلاف است و احوط
اجتناب است و همچنین در نگاه داشتن برای زینت احوط اجتناب است و بعضی گفته اند که طعامی که در ظرف طلا و نقره کنند
حرام میشود اگرچه طعام را در جای دیگر کشند و اگرچه دلیلی ندارد اما احوط اجتناب است و جمعی باطل میدانند وضوی را که از ظرف

که از ظرف طلا و نقره بسازند و در مانند سرمه دان و عنبرچه و سر غلیان و قندیلها که هر دو طرفش گشوده باشد که
در مشاهد مشرفه می آویزند و ظرف مصحف و دعا و آئینه را بنقره و طلا گرفتن بلکه چوب و نی را بنقره
گرفتن خلافست و احوط در و هم اجتناب است اگرچه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در نعلبکی غلیان که
از نقره و طلا باشد احتیاط بیشتر باید کرد و مکروه است از ظرف نقره کوب چیزی خوردن و آشامیدن
و اگر بخورد بهتر آنست که دهان را بموضع نقره و طلا نرساند و اشهر میان علما آنست که جایز نیست
استعمال پوست مگر پوست حیوانی که در حال حیوة پاک باشد و آنرا بعنوان مشروع کشته باشند یا از
دست مسلمانی گرفته باشند و حرامست استعمال حیوان مرده و همچنین پوستی که یافته باشند اگرچه
گمان باشد که از دست مسلمانی افتاده است مثل کفش در مسجد مسلمانان و بعضی گفته اند که جایز است
استعمال میته در عملی که مشروط بطهارت نباشد مثل آب بزراعت و حیوانات دادن و امثال
اینها و این قول قویست و احوط اجتناب است و همچنین بعضی جایز داشته اند استعمال پوستی که ظن بهم رسد
که از کشته اند یا از دست مسلمانی افتاده است و خالی از قوتی نیست و احوط اجتناب است و پوست
حیوان طاهری که گوشت آنرا نخورند و قابل تذکیه باشد استعمال توان کرد اما پیش از دباغی
کردن مکروهست استعمال آن و ظرفی که شراب در آن کرده باشند هرگاه نجاست در او نفوذ نکند مثل شیشه
و مس که بشستن پاک میشود و همچنین هرچه کاشی داشته باشد و منفذی نداشته باشد که شراب در
جسم آن جا کند و در مثل سبو و کدو و چوبی کاشی و امثال اینها خلافست و اشهر آنست که بآب کشیدن
پاک میشوند خصوصاً وقتی که آنقدر در آب بگذارند که آب در آن نفوذ کند و اثر شراب در آن نماند و
احوط اجتناب است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب خورد
در آخرت از ظرف طلا و نقره بهشت محروم باشد و بسند معتبر منقولست که محمد بن اسمعیل بن بزیع
از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کرد از ظرف طلا و نقره حضرت اظهار کراهیت فرمودند گفت بما روایت
رسیده است که حضرت امام موسی علیه السلام آئینه داشت که بنقره گرفته بودند حضرت فرمودند که نه الحمدلله
همین حلقه داشت از نقره و آن آئینه الحال نزد منست و فرمود که برادرم عباس را چون ختنه میکردند

برای او چوبی ساخته بودند و از نقره گرفته بودند که قبضهٔ نقره اش نزدیک بده درهم بود که سی و شش دینار عجمی باشد حضرت امام موسی علیه السلم فرمود که آنرا شکستند و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلم منقولست که ظرف طلا و نقره متاع جماعتی است که یقین باخرت ندارند و در حدیث دیگر از عمرو بن ابی المقدام منقولست که ظرفی آوردند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم آب بخورد و پاره از نقره بران چسبانیده بودند دیدم که حضرت بدندان خود آنرا از ان ظرف میکندند و در حدیث موثق از آنحضرت منقولست که مکروهست آب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد یا بعضی از ان نقره باشد و روغن مالیدن از روغندان چنین و شانه کردن از شانه دان چنین مکروهست و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که کراهت دارد خوردن چیزی در سفالی که از مصر می آورند که باشند و در روایت موثق از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که طعام مخورید در ظرفهای سفالی که از مصر می آورند و از بزیع بن عمر منقولست که بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلم آمد دید که حضرت طعام تناول میفرمودند در میان کاسه سیاهی که در ان میان برنگ زرد و سوره قل هو الله احد نقش کرده بودند

فصل دویم در تجویز خوردن طعامهای لذیذ و مذمت حرص و افراط دران بدانکه از احادیث اهل بیت علیهم السلم ظاهر میشود که طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید که از حلال باشد و انقدر بخورد که او را از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانیکه پیوسته همتش مصروف خوردن و آشامیدن باشد نباشد بلکه باید منظور و مقصود او از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد و باید انقدر صرف کند که نسبت بحال او اسراف نباشد که خدا مسرفانرا دوست نمیدارد و بسند معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم بسیار بود که نانهای فرنی نفیس و حلواهای لذیذ بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه خدا بر ما توسعه میدهد ما نیز توسعه میکنیم و هرگاه خدا بر ما تنگ میگیرد ما نیز تنگ میگیریم و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که سه چیز است که حق تعالی مومن را در قیامت بر انها حساب نمیکند طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه که یار او باشد و فرج او را از حرام نگاه دارد ابو خالد کابلی میگوید که بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلم رفتم حضرت چاشت طلبیدند و من خوردم با آنحضرت هرگز از ان نیکوتر و پاکیزه تر طعامی نخورده بودم پس فرمود که چگونه دیدی طعام ما را

خوردن غم و خورانیدن و تکلف در خوبی و پاکیزگی [illegible]

گفتم فدای تو شوم هرگز باین خوبی طعام نخورده بودم ولیکن بیادم آمد آن آیهٔ کریمه که در کتاب خداست وَلَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ که ترجمه اش اینست که البته سؤال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمت الهی حضرت فرمود که مراد از نعیم در این آیه مذهب تشیع و ولایت اهل بیت علیهم السلم است که در قیامت از شما سؤال خواهد کرد و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلم منقولست که حق تعالی از آن کریمتر است که سؤال کند از مومن از خوردنی و آشامیدنی که در دنیا بر او حلال کرده باشد و بسند حسن از آنحضرت منقولست که طعام بعمل بیاورد و نیکو بعمل بیاورد و اصحاب خود را بطلبد و با ایشان بخورد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که با سیری چیزی خوردن مورث پیسی است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که سه چیز است که خدا دشمن میدارد صاحب بهار را خواب کردن بروز بدون بیداری شب و خنده کردن در غیر محل تعجب و خوردن طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مومن در یک شکم چیزی میخورد و کافر در هفت شکم چیزی میخورد یعنی بسیار میخورد و در حدیث دیگر منقولست که ابن جحیفه بخدمت آنحضرت آمد و آروق میزد از سیری حضرت فرمود که آروق خود را منع کن که هرکه در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه تر است پس ابو جحیفه بعد از ان طعام سیر نخورد تا از دنیا رفت و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز را خدا دشمن نمیدارد مانند شکم سیر از طعام و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت عیسی علیه السلم بشهری رسید که مرد و زنی فریاد میکردند و با یکدیگر نزاع داشتند از سبب آن پرسید مرد گفت این زن من است و صاحب جهت و عیبی ندارد اما من او را دوست نمیدارم و میخواهم از او جدائی اختیار کنم فرمود که بهمه حال سبب این کراهت را بگو چیست گفت رویش کهنه و بی طراوت شده است بی آنکه پیر شده باشد حضرت عیسی با ان زن فرمود که میخواهی که آب رویت برگردد و تازه شود گفت بلی فرمود که طعام که میخوری سیر مخور زیرا که طعام زیاد که در معده بجوشش آمد آب رو را میبرد آن زن چنین کرد و رویش بحالت طراوت برگشت و محبوب شوهر شد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلم منقولست که اگر مردم میانه رو باشند در طعام خوردن همیشه بدن ایشان صحیح باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پنج خصلت است که مورث برص یعنی پیسی است نوره کشیدن در

روز جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن
و در حال حیض با زن جماع کردن و در وقت سیری چیزی خوردن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
آدمی را ناچار است از طعامی که بآن قوت یابد و هرگاه طعام خورد باید که یک حصهٔ شکم را برای طعام قرار
دهد و یکحصه برای آب و یکحصه برای نفس و سعی بکند در فربه کردن خود چنانچه حیوانات را برای کشتن فربه
میکنند و فرمود که هرگاه شکم سیر شد باعث طغیان و فساد میشود و فرمود که دردی و بیماری از بسیار خوردن
بهم میرسد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت عیسی علیه السلام فرمود که ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید چیزی
مخورید و هرگاه گرسنه شوید بخورید و سیر مخورید زیرا که چون سیر شدید گردنهای شما کنده میشود و پهلوی شما
فربه میشود و پروردگار خود را فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که کفران نعمت
الهی است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم مرا آزار کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که روزی شیر و
عسل نزد آنحضرت آوردند اندکی تناول فرمودند و بر زمین گذاشتند گفتند یا رسول الله آیا حرام میکنی خوردن
این را فرمود که نه اما تواضع و شکستگی میکنم برای خدا و پالوده طیب بسیار خوشبو نزد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
آوردند انگشتی بآن فرو بردند و بدهان گذاشتند و فرمودند که حرام نیست اما نمیخواهم خود را عادت
فرمایم بچیزی که عادت نکرده ام و در حدیث دیگر وارد شده است که فرمود که چیزی که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله نخورده است نمیخواهم بخورم و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که همیشه این امت
با خیر و نعمت باشند مادام که لباس عجمان نپوشند و طعامهای عجمان را نخورند پس هرگاه چنین
کنند خدا ایشان را ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نیکو نان خورشی است سرکه
و همین بس است در اسراف که نعمتی را که نزد او بیاورند و از او بخورد **فصل سیم** در آداب بعضی
آداب و اوقات خوردن سنت است که چاشت را بامداد بخورد و در میان روز دیگر چیز نخورد و
بعد از نماز خفتن بار دیگر طعام بخورد و لقمه را کوچک بردارد و نیکو بخاید و نظر بروی مردم نکند و طعام
بسیار گرم نخورد و در طعام گرم ندمد بلکه بگذارد تا سرد شود بعد از آن بخورد و نان را بکارد نبرد و دست خود را
پاک نکند و بیشتر از سه انگشت چیزی نخورد و از پیش خود چیزی بخورد و دست پیش دیگران دراز نکند

وکاسه

و کاسه و انگشتان را بلیسد و در حالت جنابت مکروهست طعام و آب خوردن و اگر وضو بسازد یا دست
بشوید و مضمضه و استنشاق بکند یا دست و رو را بشوید و مضمضه بکند یا دستها را بشوید و مضمضه کند از آتش
ضعیف میشود و در حدیث وارد است که اگر چیزی بخورد در حالت جنابت بی آنکه اینها بعمل آورد و هم آن
امت پیس شود و در حدیث معتبر منقولست بسیر ابو شهاب بحضرت امام جعفر علیه السلام شکایت کرد از
دردها و امتلاء و فساد معده حضرت فرمود که چاشت و شام بخور و در میان دیگر چیزی مخور زیرا که خداوند عالمیان
در وصف طعام اهل بهشت میفرماید و لهم رزقهم فیها بکرة و عشیا ترجمه اش اینست
که مهیاست برای اهل بهشت روزی ایشان در بهشت در بامداد و پسین یا خفتن و در حدیث معتبر از
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که طعام خوردن آخر روز پیغمبران بعد از نماز خفتن است پس آنرا ترک مکنید
که ترکش موجب خرابی بدنست و در حدیث دیگر منقولست که ترک طعام خوردن طرف شب آدمی را
پیر میکند و فرمود که چون آدمی پیر شد باید که در شب پیش از خواب البته چیزی بخورد که بهتر بخواب میرود و دهانش
خوشبو میشود و با خلقش نیکو میشود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که چیزی خوردن شب را
ترک مکنید اگرچه پاره نان خشکی باشد که باعث قوت بدن و قوت جماع است و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هرکه ترک طعام خوردن را در شب شنبه و شب یکشنبه پی هم نماید قوتی از او برطرف شود
که تا چهل روز باو برنگردد و فرمود که طعام شب نافعتر از طعام روز است و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که در بدن رگی هست که آن عشا نام دارد هرکه در طرف شب چیزی نخورد آن رگ او را نفرین
میکند تا صبح میگوید که خدا ترا گرسنه بدارد چنانچه مرا گرسنه داشتی خدا ترا تشنه بدارد چنانچه
مرا تشنه داشتی پس البته ترک مکنید عشا را اگرچه بلقمه نان باشد و اگرچه بدمی آب باشد و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست که مومن از خانه بیرون رود تا آنکه چاشت بخورد که باعث
زیادتی عزت اوست و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی پی حاجتی بروی پاره نانی با نمک بخور که بیشتر
باعث عزت تو و حاجتت زودتر بر می آید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که طعام گرم را بگذارید تا سرد شود بدرستی که طعامی نزد یک رسول خدا آوردند فرمود که بگذارید تا سرد شود

که خدا آتش را طعام ما نکرده و برکت در طعام سرد است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که طعام
گرم برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد و در حدیث موثق از سلیمان بن خالد منقولست که
گفت حاضر شدم شب بر سفرهٔ حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در تابستانی خوانی آوردند که نانی در آن بود
و کاسه آوردند که ترید و گوشت در آن بود پس دست بر آن گذاشتند و برداشتند و فرمودند
که امان میطلبیم از خدا از آتش جهنم پناه میبریم بخدا از آتش جهنم تاب این گرمی نداریم و صبر بر این نمیتوانیم
کرد چگونه تاب آوریم و صبر کنیم بر آتش جهنم این را مکرر میفرمودند از دمیدن در خوردنی و آشامیدنی
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکروهست سه دمیدن در گرمیها و افسانها و در طعام و در موضع
سجده و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که اگر از برای سرد کردن بد مدقصور ندارد و حمل بر ضرورت و
حالت استعجال میتوان کرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که مخورید از بالای ترید از پهلوهایش
بخورید که برکت در بالای طعام است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه
یکی از شما طعام خورد باید که از پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت کاسه طعام را میلیسیدند
و میفرمودند که هرگاه کاسه طعام را بلیسید چنانست که آن طعام را تصدق کرده باشید و منقولست که
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بتمام انگشتان طعام تناول میفرمودند و میگفتند که هر که کاسه طعام را
بلیسد ملائکه بر او صلوات فرستند و دعا کنند برای او بفراخی روزی و حسنات مضاعف برای او
بنویسند و از حضرت امام جعفر علیه السلام منقولست که در وقت طعام خوردن دو زانو بروش بندگان
می نشستند و دست بر زمین میگذاشتند و به انگشت چیزی تناول میکردند و میفرمودند که رسول
خدا صلی الله علیه و آله چنین طعام تناول میفرمودند نه بروش متکبران و جباران که بدو انگشت چیزی میخورند و
بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که هرگاه کسی طعام خورد و انگشتان خود را بمکد و بلیسد
خداوند عالمیان فرماید که برکت باد ترا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آنحضرت کراهت داشتند
از اینکه دست را بدستمال پاک کنند در وقتی که چیزی از طعام در او باشد تا آنکه خود میمکیدند یا طفلی که
در پهلوی آنحضرت بود میدادند که میمکید برای حرمت طعام و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست

که کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند تا گرسنه نشود و معده پاک نشود چیزی نخورد و چون خواهد بخورد بسم الله
بگوید و نیکو بخاید و دست از طعام وقتی بکشد که هنوز خواهش طعام داشته باشد و بسند معتبر منقولست
از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه که استخوانها را پاک مکنید که جنیان را در آن بهره هست اگر پاک کنید
ایشان از خانه شما میبرند چیزی را که بهتر از این باشد و بسند معتبر از حضرت امام حسن صلوات الله علیه
منقولست که در خوردن دوازده خصلتست که بر مسلمانان واجبست که بدانند چهار از آنها فرضست و چهار
دیگر سنت و چهار دیگر تأدیب است اما فرض آنست که منعم خود را بشناسد و بداند که نعمت از جانب
خداوند عالمیانست و راضی باشد بآنچه خدا باو عطا کرده است و بسم الله بگوید و خدا را شکر کند و اما سنت
آنست که پیش دست شستن بر آن طعام و بر جانب چپ نشستن و به سه انگشت چیزی خوردن و انگشتان
لیسیدن و اما تأدیب از پیش خود چیزی خوردن و لقمه را کوچک برداشتن و بسیار خاییدن و در
روی مردم کم نگاه کردن و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین بحضرت امام حسن صلوات الله
علیه گفت که میخواهی ای بنی ترا تعلیم نمایم چهار خصلت که اگر بجا آوری از طبابت طبیبان مستغنی
شوی گفت بلی یا امیر المؤمنین فرمود که منشین بر طعام مگر وقتی که گرسنه باشی و برمخیز از طعام مگر
وقتی که خواهشی داشته باشی و نرم بخای و هرگاه خواهی که بخواب روی به بیت الخلا برو و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که وقتی که طعام میخوردند بسم الله میگفتند و از پیش دیگری چیزی بر نمیداشتند
و پیش از مهمانان شروع بطعام میکردند و بانگشت مهین و انگشت بعد از آن انگشت میان طعام
میخوردند و گاهی انگشت چهارم را ضم میکردند و گاهی بتمام انگشت میخوردند و هرگز بدو انگشت چیزی نمیخوردند
و میفرمودند که این خوردن شیطانست **فصل چهارم** در سایر آداب طعام خوردن سنتست که بدست
راست چیزی بخورد و دو زانو بنشیند و خوابیده چیزی نخورد اما اگر بدست چپ تکیه کند باکی نیست و
چهار زانو نشستن مکروهست و اگر پا را بر روی زانو گذارد بدترست و تنها چیزی خوردن مکروهست و
با خدمتکاران و غلامان چیزی خوردن و بر روی زمین چیزی خوردن سنتست و مشهور آنست که در راه رفتن
چیز خوردن مکروه است و پیش از طعام و بعد از طعام دست شستن سنتست و در پیش شستن پیش از طعام

بپشت که دست را بدستمال خشک نکند و اول صاحبخانه ابتدا کند بدست شستن و بعد از او هرکه در جانب
راست او است بترتیب تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام از جانب چپ صاحبخانه ابتدا کند و خود آخر
بشوید و سنت است که همه در یک طشت بشویند و آب را بریزند و بر سر خوانی که شراب در آن خورند چیزی خوردن
حرام است و بعضی گفته اند که هر حرامی که خورند یا کنند در آن مجلس چیزی خوردن حرام است حتی بر سر سفره
جماعتی که غیبت مسلمانان کنند حرام و سنت است که در اول و آخر طعام نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت
امام موسی منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت فرموده بر کسی را که توشه خود را تنها بخورد و کسی
که بسفر تنها رود و کسی که در خانه تنها بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون در طعام چهار چیز
جمع شود آن تمام است هرگاه از حلال باشد و دست بسیار بر آن دراز شود و نام خدا در اولش گفته شود
و آخرش حمد الهی بکنند و در حدیث صحیح منقول است که چون خوان طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلام حاضر
میکردند کاسه میطلبیدند و از طعامهای که لذیذتر بود از هر طعامی قدری بر میگرفتند و در آن کاسه
میگذاشتند و میفرمودند که بمساکین و درویشان بدهند و در احادیث معتبر از حضرت امام جعفر علیه السلام
منقولست که حضرت یعقوب بمفارقت فرزندان برای آن مبتلا شد که روزی گوسفندی
کشت و بریان کرد و مرد صالح روزه داری در نزدیک خانهٔ او بود و بوی آن را شنید و غافل شد که با او
بخورانند پس جبرئیل در همان شب آمد و گفت مهیای بلا باش از جانب خدا و در همان شب حضرت
یوسف آن خواب را دید پس بعد از آن حضرت یعقوب در وقت چاشت میفرمود که ندا میکردند تا
یک فرسخ راه که هرکه چاشت میخواهد بطعام یعقوب حاضر شود و در شب نیز چنین ندا میکردند و در حدیث
دیگر منقولست که چون خوان طعام حاضر شود هر سایلی که بیاید رد مکنید و بسند صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که ملعونست کسی که نشیند بر سر خوانی که در آن شراب خورند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست
که هرکه ایمان بخدا و روز قیامت دارد پس نخورد چیزی بر سفره که در آن شراب خورند و در فقه الرضا مذکور است که
مخور طعام در خوانی که بعد از رفتن تو بر سر آن شراب خورند و در چنین حدیث وارد شده است که چیز خوردن
در حالت جنابت سبب فقر و بی چیزی میشود و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله

نهی فرمود از خوردن و آشامیدن بدست چپ مگر آنکه مضطر باشد و دست راستش علتی باشد
و بسندهای معتبر منقولست از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز تکیه کرده بر پهلوی
راست و پهلوی چپ چیزی تناول نفرمود تا از دنیا رفت و بروش بندگان می نشست و بروش
بندگان چیزی میخورد از جهت تواضع و فروتنی نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر منقولست از آنحضرت
که نباید تکیه و برو خوابیده چیزی بخورند و در حدیث حسن منقولست که روزی عباد بصری که از مشایخ
صوفیه و علماء عامه است در خدمت حضرت صادق علیه السلام نشسته بود و حضرت طعام تناول
میفرمود و دست چپ خود را بر زمین گذاشته بود عباد گفت که مگر نمیدانی که حضرت پیغمبر نهی کرده است
از تکیه بر دست کردن در وقت طعام خوردن حضرت لحظه دست را برداشتند و باز بر زمین گذاشتند
باز عباد اعاده سخن کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که والله که حضرت رسول هرگز نهی از این نفرموده
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هرگاه بخورند طعام بنشینند بروش
بندگان و از زانو یکبار بر روی پای دیگر مگذارید و چهار زانو منشینید که این نشستن را و صاحبش را
خدا دشمن میدارد و ظاهر این حدیث آنست که چهار زانو که نهی واقع شده است آنست که بروش
جباران یک پا بر بالای ران گذارد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون بر سر خوان
می نشستند زانوی راست را بر بالای زانوی چپ و پای راست را بر شکم پای چپ میگذاشتند
و میفرمودند که من بنده ام بروش بندگان میخورم و بروش بندگان می نشینم و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که مکروه است که آدمی را که از دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی را بآن بردارد
و حال آنکه تواند از دست راست برداشتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
منقولست که باکی نیست که در حال راه رفتن چیزی خوردن و در حدیث معتبر دیگر فرمود که روزی حضرت
رسول صلی الله علیه و آله پیش از نماز صبح بیرون می آمدند پاره نانی در دست داشتند که در میان شیر فرو برده بر دندان
میخوردند و بنماز می آمدند و بلال اقامت نماز میگفت پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مخور چیزی در حالت راه رفتن مگر آنکه مضطر باشی و در احادیث معتبره بسیار از

حضرت امیر المؤمنین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقولست که هر که خواهد خیر خانه اش بسیار شود دست را
پیش از طعام خوردن بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام فقر را زایل میکند و روزی را
زیاد میکند و چرک را از جامه دور میکند و چشم را جلا میدهد و درد ها را از بدن دور میکند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دستها را همه در یکطرف بشوید تا اخلاق شما نیکو شود و در حدیث معتبر منقولست از آنحضرت
که در دست شستن پیش از طعام اول صاحبخانه میشوید که دیگران را دشوار نباشد دست شستن و چون از طعام
فارغ شوند ابتدا از کسی میکند که در جانب راست در گاه نشسته است و در روایت دیگر آنست که در شستن پیش
از طعام اول صاحبخانه میشوید و بعد از آن هر که در جانب راست اش نشسته است و در شستن بعد از
طعام ابتدا بدست چپ صاحبخانه میکنند و خود آخر همه میشوید زیرا که او اولی است باینکه صبر کند بر آلودگی
دست و در حدیث حسن از مرازم منقولست که دیدم حضرت امام موسی علیه السلام را که چون پیش از طعام دست
می شستند دست را بدستمال پاک نمیکردند و بعد از طعام که می شستند دست را بدستمال پاک میکردند
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر علیه السلام منقولست که دست را برای طعام خوردن که بشوئی بدستمال
پاک مکن زیرا که تا تری در دست است برکت در طعام هست و فرمود که بعد از دست شستن دست
بر رو مالیدن کلف را از رو بر طرف میکند و روزی را زیاد میکند و از مفضل بن عمر منقولست که شکایت
کرد با آنحضرت از آزار چشم حضرت فرمود که چون بعد از طعام دست بشوئی دستها را بر ابرو ها بمال
سه نوبت بگو الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل مفضل گوید که چنین کردم آزار چشم ندیدم
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از طعام دست میشستند آب در
دهان میکردند و مضمضه میفرمودند و حضرت صادق علیه السلام میفرمودند در اشنان که دست بآن میشویند
سعد داخل کنند که دهان را خوشبو میکند و نیز قوت جماع را می افزاید و منقولست که چون حضرت امام رضا علیه السلام
با اشنان دست می شستند اشنان را در دهان میکردند و میخاییدند و می انداختند و منقولست که امام محمد تقی
صلوات الله علیه بعد از آنکه چاشت تناول میفرمودند دست می شستند و دستها بر سر و رو مالیدند
پیش از آنکه بدستمال پاک کنند و فرمودند اللّٰهمّ اجعلنی ممّن لا یرهق وجهه قتر و لا ذلّة

ودر روا

و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون دست را بشوئی سر و رو و دیده ها بمال
پیش از آنکه بدستمال پاک کنی و بگو اللّٰهمّ انّی اسئلك الزّينة والمحبّة واعوذ بك من المقت
والبغضة و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که دستش پاکیزه باشد پاکی نیست که بخورد بدون آنکه
دست بشوید و از فضل بن یوسف منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام بمنزل من آمدند و چون طعام حاضر شد
دستمالی آوردم که در دامن ایشان بیندازم قبول نکردند و فرمودند که این طریق عجمانست و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون بعد از طعام دست بشوئی بان تری که در دست است دیده های خود را مسح کن
که این امانست از درد چشم و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله از دست شستن
بعد از طعام فارغ میشدند دست را بر رو میکشیدند و این دعا میخواندند الحمد لله الذی هدانا و اطعمنا
و سقانا و کلّ بلاءٍ صالحٍ اولانا و در حدیث موثق منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی در اول طعام و آخر طعام نمک بخور که هر که در طعام افتتاح و اختتام بنمک کند خدا دفع کند
از او هفتاد نوع از انواع بلا را که آسان تر آنها خوره باشد و در روایت حسن دیگر عافیت یابد از هفتاد و دو
نوع از انواع بلا که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی است و در روایت دیگر از درد گلو و درد دندان و درد شکم و در
حدیث معتبر از امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در نمک شفایی از هفتاد نوع از انواع درد است و اگر مردم بدانند
که منفعتها در نمک هست مداوا نکنند مگر بان و فرمود که حق تعالی وحی نمود بموسی علیه السلام که امر کن قوم خود را که افتتاح
و اختتام بنمک بکنند و اگر نکنند و ببلایی مبتلا شوند ملامت نکنند مگر خود را و در روایت دیگر از آنحضرت
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در اثنای نماز عقربی گزید حضرت نعل بر او زدند و او را کشت و چون فارغ شد
فرمود که لعنت خدای بر تو نه نیکوکار را میگذاری و نه بدکردار را مگر آنکه از تو میرسد پس نمک سایده طلبید و بر موضع
گزیده عقرب مالید و فرمود که اگر مردم منفعتهای نمک را بدانند محتاج بتریاک فاروق و غیر آن نشوند و در بعضی روایات
معتبره وارد شده است که ابتدا بسرکه نیز خوبست و عقل را زیاد میکند و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که ما ابتدا بنمک و ختم بسرکه میکنیم و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که نمک بپاشد بر اول لقمه که میخورد
رو بتوانگری آورد و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود که من روزی بمجلس سفاحی که یکی از خلفای بنی عباس

بود رفتم در وقتی که سفره اش گسترده بودند پس مرا گرفت و نزد خود کشید پای من به کنار سفره واقع شد
پس آنقدر غمگین شدم که خدا داند زیرا که این کفران نعمت است و در روایت از آنحضرت منقولست که
طول دهید نشستن بر سفره را که این ساعتی است که از عمر شما حساب نمیشود و در حدیث معتبر منقولست از یاسر
خادم حضرت امام رضا علیه السلم که چون آنحضرت بر سر سفره می نشستند هیچ کوچک و بزرگی را نمیگذاشتند
مگر اینکه بر سفره می طلبیدند حتی مهتر و حجام و از ابراهیم بن العباس مرویست که آنحضرت چون خلوت میشد و
سفره می آوردند غلامان خود را همه بر سر سفره و خوان می طلبیدند حتی دربانان و خدمتکاران و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون طعام خورید نعل و کفش را از پا بیرون کنید که سنت نیکوست و بیشتر راحت
میباید پاهای شما و در اخبار معتبره وارد شده است که یک امتیاز انسان از حیوانات دیگر آنست که بدست
چیزی تواند خورد پس باید بدست چیزی بخورد و باسانید معتبره منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون
با جماعتی طعام میخوردند یعنی مهمان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند برای
آنکه بیشتر چیزی بخورند و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز چیزی بر خوان نمیخوردند بلکه بر روی سفره میخوردند
و از فحوای اخبار چنین معلوم میشود که در آن زمان خوانها پایه دار و بلند میساختند از روی تکبر که برای
طعام خوردن خم نباید شد والله اعلم و در حدیث موثق منقولست از سماعة بن مهران که از حضرت صادق
علیه السلم پرسید که وقت نماز که میشود و طعام رسیده است بکدام یک ابتدا کنیم فرمود که اگر اول وقت نماز
باشد اول طعام بخورید و اگر از وقت پاره گذشته باشد و بیم آن باشد که تا طعام خوردن وقت فضیلت
بدر رود ابتدا بنماز بکنید **فصل پنجم** در بیان دعاهای وقت طعام خوردن از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که چون خوان را بگذارند چهار هزار ملک بر دور آن حاضر میگردند اگر بنده بسم الله گفت
ملایکه میگویند خدا برکت فرستد بر شما در طعام شما پس با شیطان میگویند بیرون رو ای فاسق که ترا
برای ایشان سلطنتی نیست و بعد از فارغ شدن اگر گفتند الحمد لله ملایکه میگویند که ایشان جماعتی اند
که نعمت داد خدا بایشان پس ادا کردند شکر پروردگار خود را و اگر بسم الله در اول نگفتند ملایکه با
شیطان میگویند بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور و اگر خوان را برداشتند و ایشان حمد الهی نکردند ملایکه

میگویند

میگویند که ایشان گروهی اند که خدا بایشان نعمت داد و ایشان پروردگار خود را فراموش کردند و در
حدیث معتبر از حضرت ابی عبدالله علیه السلم منقولست که چون خوان را بگذارند بگو بسم الله و چون
شروع کنی بخوردن بگو بسم الله علی اوله و آخره و چون خوان را بردارند بگو الحمد لله و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که هر که نام خدا باول طعام ببرد و حمد خدا در آخر بکند هرگز از آن طعام از او
سوال نکنند و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هرگاه مسلمان خواهد که طعام بخورد چون
لقمه را بردارد و بگوید بسم الله رب العالمین پیش از آنکه لقمه را بدهان رساند خدا گناهانش را بیامرزد
و در حدیث دیگر منقولست که چون سفره نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله می گستردند این دعا میخواندند که
سُبحانَكَ اللّهُمَّ ما اَحسَنَ ما تُبلینا سُبحانَكَ ما اكثَرَ ما تُعطینا سُبحانَكَ
ما اكثَرَ ما تُعافینا اللّهُمَّ اَوسِع علینا و علی فقراء المُؤمنین والمُؤمنات و
المسلمین والمسلمات و در روایت دیگر منقولست که چون طعام نزد حضرت امام زین العابدین علیه السلم
میگذاشتند این دعا میخواندند اللّهُمَّ هذا منك و مِن فضلك و عطایك فبارك
لنا فیه و سوّغناه و ارزقنا خلفا اذا اكلناه و ربّ محتاج الیه رزقت فاحسنت
اللّهُمَّ اجعَلنا مِنَ الشاكرین و چون خوان را بر میداشتند این دعا میخواندند الحمد لله الذی
حملنا فی البرّ والبحر و رزقنا من الطّیبات و فضّلنا علی كثیر من خلقه ممّن خلق تفضیلا
و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که نام خدا بر طعام ببرید و چون فارغ شوید بگویید الحمد لله
الذی یُطعِمُ و لا یُطعَمُ و در حدیث دیگر منقولست که چون خوان را بر میداشتند حضرت رسول
صلی الله علیه و آله این دعا میخواندند اللّهُمَّ اكثرت و اطبت و باركت فاشبعت و ارویت الحمد لله الذی
یُطعِمُ و لا یُطعَم و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر علیه السلم منقولست که فرمود که پدرم از طعام
این دعا میخواندند الحمد لله الذی اشبعنا فی جائعین و اروانا فی ظامئین و آوانا فی
ضاحین و حملنا فی راجلین و آمننا فی خائفین و اخدمنا فی عانین و در حدیث
صحیح از زراره منقولست که با حضرت صادق علیه السلم طعام خوردم بسیار میگفت الحمد لله الذی

جعلنی اشتهیه و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
میفرمود که ضامنم از برای کسی که بسم الله بر طعامی بگوید که آزارش نکند ابن کوا گفت که یا امیر المؤمنین
دیشب طعام خوردم و بسم الله گفتم و آزار کشیدم حضرت فرمود که شاید چند رنگ طعام خورده باشی و بر بعضی
بسم الله گفته و بر بعضی نگفته باشی ای احمق و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد
عرض کرد که از طعام آزار میکشم فرمود که مگر بسم الله نمیگویی گفت میگویم و باز آزار میکشم فرمود که هرگاه که
سخن میگویی باز بسم الله میگویی گفت نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه که از سخن فارغ شوی و عود
بخوردن کنی بسم الله بگو و در روایت صحیح دیگر منقولست از آنحضرت که هرگاه چند ظرف باشد و در هر
ظرفی یک بسم الله بگو راوی گفت اگر فراموش کنم چکنم فرمود که بگو بسم الله علی اوله و آخره و در روایت معتبر دیگر
منقولست که آنحضرت بعد از طعام این دعا میخواندند اللهم هذا منک بمحمد رسولک صلی الله
علیه و آله اللهم لک الحمد و صل الله علی محمد و آل محمد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که خدا را یاد کنید در هنگام طعام خوردن و حرف بسیار مگویید که آن طعام نعمت و روزی
خداست و بر شما واجبست که در وقت صرف کردن آن شکر خدا و یاد او و حمد او بکنید و در حدیث معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ملائکه نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند و گوساله بریان برای ایشان
آوردند و گفت بخورید گفتند نمیخوریم تا بگویی که قیمت این نعمت چیست حضرت ابراهیم گفت که چون
شروع در خوردن کنید بگویید بسم الله و چون فارغ شوید الحمد لله بگویید حضرت جبرئیل رو کرد بسوی
ملک دیگر و گفت لازم است و سزاوار است که حق تعالی چنین بنده را خلیل خود کرداند و بسند معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که طعام خورنده شکر کننده بهتر از روزه دار خاموشست و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت صادق علیه السلام بسماعه گفت که ای سماعه بخور و حمد خدا کن و مخور که خاموش باشی و منقولست
بسند صحیح که حضرت علی بن الحسین علیه السلام بعد از طعام این دعا میخواندند الحمد لله الذی اطعمنا و
سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا و انعم علینا و افضل الحمد لله الذی یطعم و لا یطعم و در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که فرمود که هرگز از انسلای طعام آزار نکشیده ام زیرا که هیچ لقمه

بنزدیک

بنزدیک دهان نبرده ام مگر آنکه نام خدا بر آن گفته ام و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت فرمود
که من ضامنم که هر که این کلمات را بگوید هیچ طعامی او را آزار نکند اللهم انی اسئلک
باسمک خیر الاسماء ملء الارض والسماء الرحمن الرحیم الذی لا یضر معه
داء و در روایت دیگر منقولست که شخصی از ضعف معده بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد
حضرت فرمود که چون از طعام خوردن فارغ شوی دست بر شکم بمال و بگو اللهم هنئه
اللهم سوغنیه اللهم امرئنیه و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که چون خوان
حاضر شد اگر یکی از حاضران بسم الله بگوید از دیگران مجزیست فصل ششم در آداب بعد
از طعام در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب
و پای راست را بر روی پای چپ گذار و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
مرویست که بخورید آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن آن شفای هر دردیست بامر الهی برای کسی که
بآن طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت نمود
از درد تهیگاه فرمود که بر تو باد بآنچه از خوان بر زمین می افتد بخور پس چند کس که صاحب این درد بودند
کردند و زایل شد از ایشان و در حدیث دیگر معویة بن وهب گوید که در خدمت آنحضرت طعام خوردیم چون
خوان را برداشتند برچیدند آنچه از خوان افتاده بود و تناول میفرمودند بعد از آن فرمودند که خوردن اینها
فقر و درویشی را برطرف میکند و فرزند را زیاد میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
پاره نانی بیابد و بردارد و بخورد یک حسنه از برای او باشد و هر که پاره نانی در میان جای کثیفی یا نجسی بیابد
پس بشوید آنرا و بردارد برای او هفتاد حسنه بوده باشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله روزی بخانه عایشه آمدند پاره نانی دیدند که بر زمین افتاده است برداشتند و تناول فرمودند و گفتند
ای عایشه گرامی دار نعمتهای خدا را بر خود که نعمت خدا از جماعتی که گریخت دیگر بسوی ایشان برنگردد و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در خانه طعامی بخورد و از آن طعام چیزی بیفتد آنرا بردارد
بخورد و اگر در صحرا باشد برای مرغان و حیوانات بگذارد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که اگر در صحرا

باشد بر مدارا اگرچه بکران کوسفند باشد و از عبدالله از جانی منقولست که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم
دیدم بعد از طعام میکرد و آنچه بر زمین افتاده بر میدارد حتی کنجد و امثال آنرا گفتم فدای تو شوم اینها را هم بر میچینید
فرمود که اینها روزی تست مگذار برای دیگری که اینها شفا اند از همه دردی و در حدیث دیگر منقولست که خوردن آن
فقر را برطرف میکند از خورنده آن و فرزندان او و فرزندان فرزندان او تا فرزند هفتم و در روایت دیگر هر که بخورد
خدا نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و زرد آب و حماقت و در حدیث دیگر منقولست که هر که خرمائی یا پاره نانی
بیند که بر زمین افتاده است پس بردارد و پاک کند و بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه بهشت او را واجب شود
و بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که آنچه از سفره و خوان میریزد مهر حور العین است و بسند
معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت امام حسین صلوات الله علیه داخل بیت الخلا شدند لقمه نانی دیدند که افتاده
برداشتند بغلامی از غلامان خود دادند و فرمودند که نگاه دار که هر گاه بیرون آیم بمن ده پس چون بیرون آمدند
پرسیدند که چه شد لقمه گفت خوردم فرمود که ترا آزاد کردم از برای خدا شخصی پرسید از سبب آزاد کردن غلام
حضرت فرمود که جدم رسول الله شنیدم که هر که لقمه بیابد و او را پاک کند یا بشوید پس بخورد و آنرا در شکمش قرار
نگیرد مگر آنکه خدا او را از آتش جهنم آزاد گرداند و من نمیخواهم در بندگی بدارم کسی را که از آتش جهنم آزاد
گردیده و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیم خورده مؤمن شفای هفتاد درد است و در
حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود که انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر میلیسم که خادم من گمان
میبرد که این از حرص است و همچنین بدرستی که حق تعالی نعمت فراوان عطا فرمود بر اهل نهر ثرثار بحدی
که از مغز گندم نان نفیس می پختند و بآن استنجا میکردند و بر مقعد اطفال خود میمالیدند تا آنکه کوه عظیمی از آن
نانها جمع شد روزی مرد صالحی گذشت دید که زنی از زنان نجاست از طفل پاک میکرد گفت از خدا
بترسید و نعمت خدا را از خود مگردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی میترسانی تا این نهر ما جاریست ما از
گرسنگی نمیترسیم پس حق تعالی بر ایشان غضب فرمود باران آسمان و گیاه زمین را از ایشان باز گرفت تا
آنکه محتاج شدند بآن نانها که استنجا کرده بودند و بترازو در میان خود قسمت میکردند و بسند معتبر از یاسر
نادر خادمان حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که آنحضرت میفرمودند بخادمان خود که اگر من بر بالای سر

نادر خادمان

شما

فقر را برطرف میکند از خورنده آن و فرزندان و فرزندان فرزندان و تا فرزند هفتم دور میکند

شما بایستم در وقت طعام خوردن بر مخیزید تا فارغ شوید و بسیار بود که یکی از ما ها را حاجتی طلبید میگفتند چیزی
میخورید میفرمود بگذارید تا فارغ شوید و در وقت طعام خوردن ما را خدمت نمیفرمود **فصل هفتم** در فضیلت
نان و سویق و گوشت و روغن و سایر آنچه از حیوان حاصل میشود و سرکه و شیر و پنیر و بروایت معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که گرامی دارید نانرا که کار کرده اند در او ملائکه از ما بین عرش تا زمین و بسیاری از
اهل زمین تا آنکه برای شما بعمل آمده است بعد از آن فرمود که روزی حضرت دانیال نزد کشتی بانی آمد و گرده
نانی باو داد که مرا از آب بگذران کشتی بان نانرا انداخت و گفت این نانرا چه میکنم در پیش در کشتی این نان
در زیر پای مردم افتاده است و پا بر آن میمالند پس دانیال دست بسوی آسمان بسوی آسمان بلند کرد و گفت
پروردگارا نانرا گرامی دار تحقیق که دیدی این بنده چه کرد با نان و چه گفت پس خداوند عالمیان وحی نمود بآسمان
که باران مبار بر ایشان و وحی فرمود بزمین که گیاه مروی برای ایشان تا آنکه کار بجائی رسید از گرسنگی
یکدیگر را میخوردند پس دو زن که هر یک فرزندی داشتند روزی یکی بدیگر گفت که بیا من و تو امروز فرزند
مرا بخوریم و فردا فرزند ترا بخوریم پس چون نوبت بدیگری رسید ابا کردن از خوردن فرزند و نزاع کردند
و مخاصمه بنزد حضرت دانیال آوردند حضرت فرمود که کار بآنجا رسیده است گفتند بلی و بدتر دست
بآسمان برداشت و گفت پروردگارا عود کن بما بفضل رحمت خود و عقاب مکن اطفال و بیگناهان
را بگناه کشتی بان پس حق تعالی وحی فرمود بآسمان که باران ببار و بزمین که بروی برای خلقم آنچه در این
مدت از ایشان فوت شده است بدرستی که من رحم کردم بر ایشان بطفل صغیر و بسند صحیح و غیر صحیح از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که نانرا در زیر کاسه مگذارید و در حدیث دیگر فرمود که نانرا گرامی دارید گفتند گرامی
داشتن نان کدام است فرمود که چون نان حاضر شود بخورید و انتظار چیز دیگر مبرید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
مرویست که نانرا بو مکنید به روش درندگان که نان مبارکست و بآن نماز میکنید و روزه میدارید و حج خانه
پروردگار میکنید و در روایت دیگر فرمود که خداوندا برکت بده از برای ما در نان و میان ما و او جدائی مفکن که
اگر نان نباشد ما نماز نمیکنیم و روزه نمیداریم و فرایض ترا ادا نمیتوانیم کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون نان
و گوشت حاضر شود ابتدا بنان کنید و رخنه گرسنگی را بنان ببندید پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام

منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نان را کوچک کنید که با هر کرده برکتی است و در چند حدیث
معتبر منقولست که نان را بروش عجمان از کارد مبرید و لیکن بدست بشکنید و در بعضی روایات وارد شده است
که اگر نان خورش نباشد نان را بکارد میتوان برید و در حدیث صحیح از حضرت امام علیه السلم منقولست که فضیلت
نان جو بر نان گندم مانند فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه دعا کرده است
برای خورنده نان یا آش جو و برکت فرستاده است بر او و هیچ شکمی نمیشود مگر آنکه هر دردی که در آن هست
بیرون میکند و نان طعام جو قوت پیغمبران و طعام نیکوست و حق تعالی نگردانیده است قوت پیغمبران را
مگر نان جو و فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود چیزی که نافع تر از نان برنج باشد و در روایت دیگر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که برای صاحب اسهال نان برنج نیکوست و همچنین برای صاحب
سل و دردها از بدن میکشد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که پیوسته خوراک حضرت رسول
صلی الله علیه و آله نان جو بود تا از دنیا مفارقت نمودند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست
که نیکو خوراکیست سویق یعنی آرد بو داده که گرسنه را سیر میکند و طعام را هضم میکند و از حضرت صادق
علیه السلم منقولست که سویق بوحی الهی ساخته شده است و گوشت را میرویاند و استخوان را محکم میکند و خوراک
پیغمبرانست و قاوت خشک پیسی را زایل میکرداند و بازیت خوردن گوشت را میرویاند و استخوان را
سخت میکند و بشره را نازک میکند و قوت جماع را زیاد میکند و اگر سه کف سویق خشک ناشتا
خورده شود بلغم و صفرا برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که سویق هفتاد نوع بلا را دفع میکند
و هر که چهل صباح بخورد کتفین او پر میشود از قوت و در حدیث دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را زایل میکند
و معده را قوت میدهد و صفرا را فرو می نشاند و معده را پاک میکند و شفای هفتاد درد است و هیجان
خون و حرارت را برطرف میکند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد تقی علیه السلم منقولست که زنی
که خون حیضش بند نشود سویق بادام بخورانید تا بند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که بهترین نان خورشها در دنیا و آخرت گوشت است مگر نشنیده که حق تعالی در وصف بهشت
میفرماید ولحم طیر مما یشتهون یعنی گوشت مرغ از آنچه خواهش داشته باشند آنرا و در حدیث معتبر
دیگر

دیگر منقول است که عبد الاعلی و سمیع با آنحضرت عرض نمودند که نزد ما روایت میکنند از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله که خدا دشمن میدارد خانه پر گوشت را حضرت فرمود که راست میگویند
اما آن معنی ندارد که ایشان فهمیده اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن میدارد خانه را که گوشت
مردم را بغیبت در آن خانه بخورند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول
گوشت بسیار میخوردند و دوست میداشتند و فرمود که پدرم گوشت بسیار دوست میداشت
و روزی که فوت شد سی درهم برای خریدن گوشت جدا کرده بود و حضرت رسول
فرمود که ما گروه قریش گوشت را دوست میداریم و در حدیث حسن از حضرت صادق ع
منقول است که گوشت خوردن در بدن گوشت میرویاند و کسی که چهل روز گوشت نخورد
کج خلق میشود اذان در گوشش بگویند و فرمود که هر که چهل روز بگذرد و گوشت نخورد توکل بر خدا کند و قرض
کند و بخورد که قرضش ادا میشود و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع
عرض کرد که اهلبیت ما گوشت گوسفند نمیخورند و میگویند که سودا را بحرکت می آورند و از آن درد
سر و دردهای دیگر بهم میرسد حضرت فرمود که اگر خدای عز و جل گوشتی بهتر از گوشت میدانست
فدای اسمعیل را گوسفند قرار نمیکرد و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که بنی اسرائیل بحضرت
موسی ع شکایت کردند از پیسی که در میان ایشان بسیار شده بود حق تعالی وحی کرد بحضرت موسی ع
که امر کن ایشان را که گوشت گاو با چغندر بخورند و از حضرت صادق ع منقول است که مرق گوشت
گاو پیسی را زایل میکند و فرمود که شیر گاو دوا است و روغن گاو شفا است و گوشت گاو درد است و در حدیث
منقول است که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد بقدر آن درد از بدنش بیرون رود و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقول است که اردک گاومیش مرغان است چون بخش میخورده و مرغ خانگی خوک
مرغان است زیرا که فضله ادمی میخورد و دراج حبش مرغان است چرا نمیخوری و کبوتر بچه را که تازه
بپرواز آمده باشند و زنگی بر زیادتی قوه پاکیزه خود ایشان را تربیت کرده باشد و در احادیث معتبر وارد
شده است که هر که خواهد خشم او کم شود و اندوهش زایل شود گوشت دراج بخورد و از حضرت امام

موسی ع منقول است که گوشت کبک ساق پا را قوی میکند و تب را دور میکند و در حدیث صحیح
از حضرت امام محمد تقی ع منقول است که گوشت اسفرود مبارک است و پدرم آن را دوست میداشت
و میفرمود که برای صاحب یرقان بریان کنید و باو بخورانید و از حضرت امام موسی ع منقول است که گوشت
هبره را خوردن باکی نیست و از برای دفع بواسیر و درد پشت نافع است و اعانت میکند بر
بسیاری جماع و از حضرت امام رضا ع سؤال کردند از گوشت گوره خر فرمود که چون وحشی است خوردنش
جایز است اما نخوردنش نزد من بهتر است و از حضرت امام موسی ع منقول است که باکی نیست
در خوردن گوشت و شیر و روغن گاومیش و در حدیث حسن منقول است که حضرت رسول ص نهی فرمود
از خوردن گوشت خام و فرمود که این خوردن حیوانات درنده است بلکه نباید خورد تا آنکه آفتاب
یا آتش او را تغییر بدهد و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت صادق ع پرسیدند از خوردن
گوشت خام فرمود که طعام درندگان است و در احادیث بسیار منع وارد شده از گوشت قدید که
در سایه خشک کرده باشند و وارد شده است که دردها را بحرکت می آورد و معده را سست میکند و در بعضی
احادیث تجویز خوردنش وارد شده است و از حضرت صادق ع منقول است که سه چیز است که بدن را
خراب میکند و بسیار باشد که آدمی را بکشد خوردن گوشت قدید بد بو و با امتلای معده بحمام رفتن و جماع با زنان پیر
کردن و در روایت دیگر با امتلا مجامعت با زنان کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سه چیز است
که خوردنی نیستند و بدن را فربه میکنند و سه چیز است که خوردنی اند و بدن را لاغر میکنند و دو چیز است که بهمه چیز نفع میرسانند
و بهیچ چیز ضرر نمیرسانند و دو چیز است که بهمه جهة ضرر میرسانند و بهیچ جهة نفع نمیرسانند اما آنها که خوردنی نیستند
و بدن را فربه میکنند پیراهن کتان پوشیدن و بوی خوش کردن و نوره کشیدن و اما آنها که خوردنی اند و لاغر میکنند گوشت
خشک و پنیر و شکوفه خرما و اما آن دو چیز که بهمه جهة نفع میرساند آب نیم گرم و انار و اما دو چیز که بهمه جهة ضرر میرساند گوشت خشک
کرده و پنیر و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول ص گوشت دست و کتف گوسفند را دوست میداشت و از گوشت
ران گوسفند کراهت داشت برای آنکه بمجال بول نزدیک است و بچندین سند منقول است که حضرت آدم ع گوسفندی قربانی کرد از برای پیغمبران
از فرزندان خود و برای پیغمبری عظمی و از آنجمله برای پیغمبر آخر الزمان ص دست گوسفند را نام برد و باین سبب آنحضرت او را دوست میداشت

و بر همه اعضای گوسفند تفضیل میداد و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر علیه السلام که هرگاه ضعف بر مسلمانی
مستولی شود گوشت را با شیر بپزد و بخورد و در حدیث دیگر منقولست که یکی از پیغمبران بحق تعالی شکایت نمود
از ضعف و سستی بدن وحی رسید باو گوشت را با شیر طبخ کن و بخور که بدن را قوت میدهد و در روایت معتبر
منقولست که محبوبترین طعامها نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آش انار بود و بسند صحیح منقولست که حضرت صادق علیه السلام
زیبیه را دوست میداشت و آن آشی باقلا بوده است و مویز در آن میکرده اند و در احادیث بسیار مدح مرق
گوشت که نان در آن ترید کرده باشند وارد شده است و احادیث معتبر منقولست در مدح کباب که ضعف را
زایل میکرد و اند و رنگ را سرخ میکند و تب را زایل میکند و در حدیث معتبر منقولست که اصبغ بن نباته گفت
روزی بخدمت حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه رفتم در پیش آنحضرت گوشت بریانی گذاشته بودند
فرمود که نزدیک بیا که ترا دعائی تعلیم میکنم که چون آن دعا بخوانی هیچ چیز ترا زیان نرساند بسم الله خیر
الاسماء ملأ الارض والسماء الرحمن الرحیم الذی لا یضر مع اسمه شیء ولا
داء و مدح کله نیز در حدیث وارد شده است که محل تزکیه است و بچراگاه از همه اعضا نزدیکتر و از کثافات
دورتر است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که بر شما باد بخوردن هریسه که تا چهل روز قوت
عبادت میدهد و از جمله مائده است که خداوند عالمیان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل گردانید و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که پیغمبری از پیغمبران بحق تعالی شکایت نمود از ضعف و کمی قوت جماع حق تعالی
او را فرمود بخوردن هریسه و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که خداوند عالم هدیه فرستاد برای پیغمبرش
هریسه از هریسهای بهشت که دانه اش در باغهای بهشت روئیده بود و حوریان بهشت بدست خود بعمل آورده
بودند پس حضرت رسول آنرا تناول فرمودند قوت چهل مرد قوت آنحضرت افزود و این چیزی بود که خدا
میخواست که پیغمبرش را باین خوشحال گرداند و مدح مثلثه وارد شده است و آن طعامی بوده است که یک قفیز
باقلا را میگرفته اند و می پخته اند و گاهی بعوض باقلا دانه دیگر میکرده اند و مدح تلبین نیز وارد شده است و
آن حلوای روانی بوده است که از آرد و شیر و عسل بعمل می آورده اند و از هرون بن موفق منقولست که حضرت
امام موسی علیه السلام روزی مرا طلبید و در خدمت آنحضرت طعام خوردم حلوای بسیار آورده بودند گفتم چه بسیار است

حلوا فرمود که ما و شیعیان ما از شیرینی خلق شده ایم پس دوست میداریم حلوا را و از عبد الاعلی منقولست که
روزی در خدمت صادق علیه السلام طعام خوردم مرغی آوردند که میانش از خرما و روغن پر کرده بودند و در حدیث
موثق منقولست از یونس بن یعقوب که گفت ما در مدینه بودیم حضرت صادق علیه السلام نزد ما فرستاد که برای
ما پالوده بسازید و کم بپزید ما کاسه کوچکی بخدمت آنحضرت فرستادیم و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که
هر که شب ماهی بخورد و بعد از آن خرما یا عسل بخورد تا صبح رگ فالج در بدن او متحرک میباشد و فرمود که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله چون ماهی تناول میکردند میفرمودند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا به خیرا منه
یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این ماهی و بعوض این بهتر از این بما عطا کن و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع
منقولست که بر شما باد بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی است و اگر با نان بخورید گوارا است و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که مداومت منمایید بخوردن ماهی که بدن را میکاهاند و در روایت دیگر منقولست که ماهی
تازه پیه چشم را میکدازد و در حدیث صحیح وارد شده است که شخصی بخدمت حضرت امام حسن علیه السلام نوشت که
هرگاه که حجامت میکنم صفرا بهیجان می آید و اگر نمیکنم خون آزار میکند حضرت در جواب نوشت که حجامت بکن و
بعد از آن ماهی تازه که با آب نمک کباب کرده باشند بخور پس آنمرد چنین کرد و همیشه در عافیت بود و در حدیث معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تخم سبک است و خواهش گوشت را برطرف میکند و مفسده گوشت را ندارد و شخصی
بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از کمی فرزند فرمود که استغفار بکن و تخم مرغ با پیاز بخور و از
حضرت امام جعفر علیه السلام منقولست که پیغمبری بخدا شکایت کرد از کمی نسل وحی باو رسید که تخم با گوشت بخور
و در حدیث دیگر فرمود که زرده تخم سبک است و سفیده اش سنگین است و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که بسیار
خوردن تخم زیاد میکند فرزند را و احادیث در مدح سرکه با زیت وارد شده است که خوراک پیغمبران و ائمه علیهم السلام
تناول میفرموده اند و در مدح سرکه احادیث معتبره بسیار وارد شده است و منقولست که بهترین خورشها نزد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله سرکه بوده است و میفرمودند که خانه که سرکه در آن باشد خالی از نان خورش نیست و
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که نیکو نان خورشی است سرکه که صفرا را فرو مینشاند و دل را زنده
میکند و از حضرت صادق علیه السلام بطریق متعدده منقولست که سرکه که از شراب بهم رسیده باشد کرم معده را میکشد

و بن دندانرا

و بن دندانرا محکم میکند و عقل را قوی میکند و شهوت زنانرا قطع میکند و فرمود که بنی اسرائیل در اول و
آخر طعام سرکه میخوردند و ما در اول طعام نمک میخوریم و در آخر سرکه و در احادیث بسیار مدح خوردن روغن زیت
و بر خود مالیدن آن وارد شده است و منقولست که نان خورش پیغمبران و برگزیدگان است و مدح میوه زیتون نیز
بسیار وارد شده است و منقولست که دفع بادها میکند و بچندین حدیث و سند از ائمه طاهرین علیهم السلام منقولست که
مردم طلب شفا ننموده اند بچیزی که مانند عسل و آن شفای هر دردیست و خوردن عسل و تلاوت قرآن و خاییدن کندر
بلغم را میکدازد و در مدح سپنگرا احادیث بسیار وارد شده است و مراد از آن یا نبات است یا قند یا از
قبیل نقل چیزی از شکر میساخته اند و منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام در وقت خواب تناول میفرمودند
و منقولست که بهمه جهت نافع است و دفع بلغم میکند و در روایت وارد شده است که اگر کسی هزار درهم
داشته باشد و بغیر آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر بخورد مسرف نخواهد بود و در مدح روغن خصوصا
روغن گاو احادیث بسیار وارد شده است و از برای پیران که پنجاه سال و زیاده داشته باشند منع از خوردن
روغن وارد شده است و منقولست که روغن گاو شفا است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
هر چه میخوردند و می آشامیدند میگفتند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه یعنی خداوندا
برکت ده برای ما در این که خوردیم و بعوض آن بما عطا فرما به از این و چون شیر تناول میکردند میفرمودند
اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما در اینکه آشامیدیم و از این بیشتر
بما عطا فرما و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیر یک کوسفند سیاه بهتر است از شیر دو کوسفند سرخ
و شیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر دو گاو سیاه و منقولست که شیر خوراک پیغمبرانست و شخصی بخدمت حضرت
صادق علیه السلام عرض کرد که شیر خوردم و آزار کشیدم حضرت فرمود که شیر آزار نمیکند ولیکن با چیز دیگر خورده
و آزار کشیده از آن و شخصی بآنحضرت شکایت نمود از ضعف بدن فرمود که شیر بخور که گوشت را میرویاند
و استخوانرا سخت میکند و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که هر که آب نطفه اش متغیر شود یعنی فرزند از او حاصل نشود
شیر با عسل بخورد و بسند موثق کالصحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر شما باد بشیر گاو که از همه
درختی میخورد و خاصیت هر گیاه در شیرش هست و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که شیر گاو دواست

و در حدیث دیگر منقولست که برای معده فاسد نافعست و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که بول شتر نافعست
و حق تعالی در شیرش شفا قرار داده است و در روایت دیگر منقولست که شیر شتر شفای تمام دردهاست
و در روایتی چند مدح شیر الاغ و خاصیت آن وارد شده است و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست
که هر که خواهد که ماست او را ضرر نرساند با زنیان بخورد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که دوست میدارم
پنیر را و در روایتی وارد شده است که در طرف چاشت مضر است و در طرف شب نافعست و موجب تولد
فرزند میشود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خوردن مغز گردکان در تابستان حرارت
اندرون را بحرکت می آورد و دنبلها در بدن احداث میکند و در زمستان گرده ها را گرم میکند و سرما را دفع میکند و
در چند روایت وارد شده است که پنیر و مغز گردکان را چون با هم بخوری دواست و هر یک را که تنها بخوری دردست

فصل هشتم در فواید حبوب و سبزیها و میوه ها و سایر مأکولات از حضرت جعفر صادق علیه السلام منقولست که
نیکو طعامی است برنج روده را گشاده میکند و بواسیر را قطع میکند و در چند روایت وارد شده است که ما
بیماران خود را برنج دوا میکنیم و در حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام از درد شکم
شکایت کرد حضرت فرمود که برنج بشوی و در سایه خشک کن و اندک بریان کن و نرم بکوب و هر صبح یک کف
بخور و در روایت دیگر منقولست که آنحضرت را درد شکم بود فرمود که برنج را با سماق بپزند و چون تناول نمود بر
طرف شد و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام که خود بریان کرده پیش از طعام تناول
میفرمودند و در روایت دیگر وارد شده است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هفتاد پیغمبران برکت
در فرستاده اند و در روایات معتبر بسیار وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم میکند و آب دیده را جاری
میکند و در دو روایت معتبر منقولست که خوردن باقلا ساق را پرمغز میکند و دماغ را زیاد میکند و تولد خون
تازه میکند و در روایت دیگر مرویست که باقلا را با پوست بخورید که معده را دباغی میکند و منقولست که
خوردن لوبیا بادهای اندرون را دفع میکند و منقولست که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت نمود
از بهق فرمود که ماش در طعام خود داخل کن و در حدیث معتبر منقولست که اگر چند طعام نزد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرما بود ابتدا بخوردن خرما مینمود و حضرت علی بن الحسین علیه السلام دوست میداشت

کسی

کسی را که خرما را دوست دارد بجهة آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله خرما دوست میداشت و از سلیمان جعفری منقولست
که رفتم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام و نزد آنحضرت خرمای برنی گذاشته بود و آنحضرت باهتمام از روی
خواهش تناول مینمود و فرمود که ای سلیمان نزدیک بیا و بخور پس گفتم فدای تو شوم بسیار بجد تناول
میفرمایید فرمود که بلی دوست میدارم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین و امام
زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و پدرم همگی خرما دوست میداشتند و من دوست میدارم و
شیعیان ما دوست میدارند زیرا که از طینت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب دوست میدارند
زیرا که از آتش خلق شده اند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که هر روز هفت دانه خرمای عجوه از
از خرماهای اطراف مدینه تناول نماید ناشتا هیچ ضرری و زهری و سحری و شیطانی باو ضرر نرساند و در
حدیث دیگر فرمود که هر که هفت دانه عجوه در هنگام خواب بخورد کرمهای معده شکمش را میکشد و در احادیث
معتبر منقولست که پنج میوه است که از بهشت آمده است انار ملس و سیب شاهی و به و انگور رازقی و رطب مشان
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کراهت دارد پوست میوه را کندن و در حدیث دیگر
فرمود که بر روی هر میوه زهری است پس چون بیارند برای شما آب فرو برید و بخورید و در حدیث صحیح
منقولست از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدند از انجیر و خرما و سایر میوه ها دو دانه با هم خوردن چونست فرمود
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرموده از این پس اگر تنها باشی بهر روش خواهی بخور و اگر با جمعی از مسلمانان خوری
چنین مکن و یکدانه یکدانه بخور و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دو تا دو تا بخوری رفیق خود را اعلام کن و از او
رخصت بگیر و بخور و در روایت دیگر منقولست که روزی حضرت امام رضا علیه السلام دیدند که غلامان میوه را نیم
خورده انداخته اند فرمود که سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید دیگران مستغنی نیستند بکسی که محتاج باشد بخورانید
و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دو چیز است که بدو دست میباید خورد انگور و انار و از حضرت
امام موسی علیه السلام فرمودند که سه چیز است که ضرر نمیرساند انگور رازقی و نی شکر و سیب و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد از دیدن استخوان مردها غم عظیم او را عارض
شد پس حق تعالی باو وحی فرمود که انگور سیاه بخور که غمت زایل شود و در حدیث دیگر فرمود که پیغمبری از پیغمبران

بخدا شکایت نمود از اندوه و غم باو وحی رسید که انگور بخور و در حدیث حسن منقولست که حضرت
علی بن الحسین علیه السلام انگور بسیار دوست میداشتند و روزی روزه بودند چون وقت افطار شد ام ولد
آنحضرت خوشهٔ انگوری نزد آنحضرت گذاشت و اول انگور بود پس سایلی رسید حضرت آن انگور را
بسایل دادند پس ام ولد پنهانی رفت و آن انگور را از سایل خرید و نزد حضرت گذاشت پس سایلی دیگر رسید باز
حضرت آنرا بسایل دادند و باز کنیزک رفت و خرید و آورد تا چهار مرتبه پس در مرتبهٔ چهارم تناول فرمودند و منقولست
که ابو عکاشه بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام آمد انگوری نزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل خورد
یکدانه یکدانه میخورند و کسی که سیر نشود سه دانه و چهار دانه میخورد و تو دو دانه دو دانه بخور که مستحب است و بسند
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بیست و یکدانه مویز سرخ ناشتا خوردن جمیع مرضها را دفع میکند
مگر مرض مرگ و بدو بسند از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مویز طایف عصبهای بدن را محکم میکند و کلال
و ماندگی را میبرد و نفس را خوشحال میکند و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که میوه صد و بیست قسم است
و بهتر از همه انار است و فرمود که بر شما باد بخوردن انار که گرسنه را سیر میکند و سیر را هضم طعام میکند و فرمود
که هیچ میوه نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله محبوبتر از انار نبود و نمیخواست که با او در خوردن کسی شریک شود و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که در هر اناری دانه از بهشت هست و چون کافر میخورد ملکی می آید و آن دانه را
برمیدارد که او نخورد باین سبب مستحب است که انار را تنها بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هر مؤمنی که یک انار را تنها بخورد بتمام خدا شیطانرا از روشنی دل او چهل روز دور گرداند و هر مؤمن دو
انار را تنها بخورد خدا شیطانرا از روشنی دل او صد روز دور گرداند و هر مؤمن که سه انار را بتمام بخورد خدا شیطانرا
از روشنی دل او یکسال دور گرداند و هر که یکسال شیطان از او دور گردد گناه نمیکند و هر که گناه نکند داخل بهشت
میشود و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که بر شما باد بخوردن انار شیرین که هیچ حبه از آن در معدهٔ مؤمن نمی
افتد مگر آنکه دردی را برطرف میکند و وسوسهٔ شیطانرا از او دور میکند و در حدیث حسن منقولست که هر که یک انار
ناشتا بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد و در حدیث دیگر فرمود که انار را با پیهش بخورید که دباغی معده میکند
و شعور را می افزاید و فرمود که انار ترش و شیرین شایسته تر است در شکم و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که

هر که

هر که در روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را روشن کند و اگر دو تا بخورد هشتاد روز و اگر سه تا
بخورد تا صد و بیست روز وسوسهٔ شیطانرا از او دور گرداند و هر کس که وسوسهٔ شیطان از او دور شود معصیت خدا
نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که دود چوب درخت خرما حشرات و گزندهای
زمین را بر می اندازد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام موسی علیه السلام
فرمود که خوردن نافع است برای زهر و سحر و استیلای اجنه و غلبهٔ بلغم و هیچ چیز منفعتش از آن تر نیست و در روایات
معتبره وارد شده که خوردن سیب دفع تب و رعاف و طاعون میکند و در روایت معتبر دیگر منقولست که سویق
سیب خشک قطع رعاف میکند و فرمود که هیچ دوائی برای دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و فرمود که
اگر مردم بدانند که چه نفعها در سیب هست هر آینه بیماران خود را دوا نکنند مگر بسیب و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که بخورید سیب که دباغی میکند معده را و از آنحضرت منقولست که خوردن به دل ضعیف را قوی میکند و
معده را پاکیزه میکند و دل را زیرک میکند و مرد ترسا را شجاع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
رنگ را صاف میکند و فرزند را نیکو میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که به ناشتا بخورد آب منی او
پاکیزه شود و فرزندش صبیح شود و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که به بخورد حق تعالی حکمت را بر زبان او
گویا گرداند چهل صباح و فرمود که خدا هیچ پیغمبر را نفرستاده است مگر آنکه بوی به با او بوده و فرمود که به غم
اندوهگین را میبرد چنانکه دست عرق جبین را میبرد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
انجیر گنده دهانرا زایل میکند و استخوانرا سخت میکند و موی را میرویاند و درد را میبرد و با آن بدوای دیگر
حاجت نیست و شبیه ترین میوه هاست بمیوه های بهشت و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که بخورید امرود که جلا میدهد دل را و دردهای اندرونرا ساکن میکند بامر الهی و در حدیث معتبر دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که امرود دباغی معده میکند و قوت میدهد معده را و با سیری خوردن نافعتر است
از ناشتا خوردن و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست بسند صحیح که انجیر گنده دهانرا برطرف میکند و
استخوانرا سخت میکند و موی را میرویاند و درد را میبرد که با آن بدوای دیگر حاجت نیست و شبیه ترین
میوه هاست بمیوه های بهشت و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع قولنج نافع است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

مشهورست که خوردن انجیر سدها را نرم میکند و برای بادهای قولنج نافع است و در روز بخورید و بسیار
بخورید و در شب مخورید و بسیار مخورید مشهورست که دفع میکند بواسیر و فالج را و قوت مجامعت را
می‌افزاید و از زیاد قندی مشهورست که رفتم بخدمت امام موسی علیه السلام دیدم که نزد آنحضرت ظرف آب گذاشته
و در میان آن آلوی بسیار سیاه ریخته اند پس فرمود که حرارتی بر من غالب شده بود و آلوی تازه حرارت را
فرو می‌نشاند و صفرا را ساکن میکند و آلوی خشک خون را ساکن میکند و دردهای کهنه را از بدن میکشد و در
حدیث معتبر مشهورست که حضرت صادق علیه السلام از شخصی سؤال نمود که اطبای شما چه میگویند در باب ترنج گفتم
که میگویند پیش از طعام میباید خورد فرمود که من میگویم که بعد از طعام بخورید و در حدیث دیگر فرمود که بخورید ترنج
را که آل محمد میخورند آنرا و فرمود که نان خشک هضم میکند ترنج را و از حضرت امام رضا علیه السلام مشهورست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله را خوش می‌آمد نگاه کردن بسوی ترنج سبز و سیب سرخ و بدانکه عرب لیمو و نارنج را هم ترنج میگویند و در بعضی
احادیث مدح موزه وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام مشهورست که سنجد گوشتش گوشت را میرویاند و پوستش پوست را
میرویاند و استخوانش استخوان را و خوردن سنجد گرده‌ها را گرم میکند و معده را دباغی میکند و امان میدهد از بواسیر و
از تقطیر بول و ساقهای پا را قوت میدهد و رگ طوخوره را قطع میکند و از حضرت صادق علیه السلام مشهورست که
بخورید خربزه که در آن ده خصلت هست و بردی و فسادی در آن نیست و خوردنیست و آشامیدنیست و میوه است
و کلیت و اشنان است که دهان را پاک میکند و نان خورش است و قوت جماع را زیاده میکند و مثانه را میشوید
و ادرار بول میکند و ریگ مثانه را دفع میکند و از حضرت امام رضا علیه السلام مشهورست که خربزه خوردن
ناشتا مورث فالج است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله رطب را با خربزه میل میفرمودند و دوست میداشتند
و گاهی شکر و قند با خربزه میخوردند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام مشهورست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله
میوهٔ تازه میدیدند میبوسیدند و بر هر دو دیده میگذاشتند و میگفتند اَللّٰهُمَّ کَمَا اَرَیْتَنَا اَوَّلَهَا
فِی عَافِیَةٍ فَاَرِنَا آخِرَهَا فِی عَافِیَةٍ یعنی خداوندا چنانکه نمودی بما اولش را در عافیت پس بنما
بما آخرش را در عافیت و در احادیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشهورست که هرکه میوه بخورد و اول بسم الله
بگوید باو ضرر نرساند و از حضرت صادق علیه السلام مشهورست که هرگز خوانی نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نمی‌آوردند مگر

انکه

انکه سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان سبز است و بسبزی مایلست و فرمود که هرکه شب بخوابد
و هفت برگ کاسنی در معدهٔ او باشد در آن شب از قولنج ایمن گردد و فرمود کسی که خواهد مال و
فرزندش زیاده گردد بسیار بخورد برگ کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزیست کاسنی هیچ
برگی نیست از آن مگر آنکه قطرهٔ از بهشت بر روی آن هست پس در وقت خوردن حرکت میدهید که آن
قطراتش بریزد و فرمود که کاسنی بهترین سبزیهاست و فرزند را بسیار نیکو میکند و پیه می‌آورد
و فرمود که فضیلت آن بر سبزیها مانند فضیلت ماست بر جمیع خلایق و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
که خوردن کاسنی شفای همه دردهاست و هیچ دردی در اندرون فرزند آدم نیست مگر آنکه کاسنی آنرا
از بیخ میکند و شخصی را تب عارض میشد و صداع داشت حضرت فرمود که کاسنی را بکوبند و بر روی
کاغذ پهن کنند و روغن بنفشه بر آن بریزند و بر پیشانیش بیندازند که تب و صداع را برطرف میکند و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که کاسنی سبزی رسول خداست و بادروج سبزی امیرالمؤمنین و برگ خرفه سبزی حضرت فاطمه است
و احادیث بسیار در تعریف بادروج مرویست و آنکه بادروج اول طعام خورده شود که فتح سده میکند و اشتهای
طعام را زیاد میکند و سل را می‌برد و آروق را خوشبو میکند و امانست از خوره و چون در شکم ساکن شود
همه دردها را زایل میکند و در روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مشهورست که شخصی را علت سپرز
عارض شده بود فرمود که سه روز بادروج بخورانید چنان کردند صحت مبدل شد و از حضرت صادق علیه السلام
مشهورست که بخورید تره را که در آن چهار خصلت هست گنده دهان را برطرف میکند و بادها را برطرف میکند
و بواسیر را قطع میکند و هرکه مداومت کند بر آن از خوره ایمنست و مشهورست که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
تره را با نمک سائیده تناول میکردند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام مشهورست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و یسع و یوشع بن نون است و از حضرت امام
موسی علیه السلام مرویست که خوردن سیب و گشنیز مورث فراموشیست و از حضرت امام جعفر علیه السلام منقولست که
بر روی زمین سبزی شریفتر و نافعتر از برگ خرفه نیست و آن سبزی حضرت فاطمه است و در حدیث دیگر فرمود که بر شما
باد بخوردن کاهو که خون را صاف میکند و در دو حدیث معتبر از حضرت امام جعفر علیه السلام مشهورست که هرکه

تره تیزک را بعد از نماز خفتن سیر بخورد تا صبح نفس او را اکشد ببوی خوره و در حدیث دیگر فرمود که کاسنی و
بادروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و در روایت دیگر از خادم حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که
هرگاه آنحضرت طعام میکرد بخورید سبزی میفرمود که تره تیزک بسیار بخوریم و فرمود که چه بسیار احمقند بعضی
از مردم که میگویند که تره تیزک در کنار رودخانه جهنم میروید و حال آنکه حق تعالی میفرماید که آتش افروز جهنم
مردمند و سنگهای بتان با سنگ کبریت پس چون تواند بود که سبزی در جهنم بروید و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حق تعالی از یهودان دفع کرد خوره را بخوردن چغندر و بیرون آوردن رگهای گوشت و حضرت
امام موسی علیه السلام فرمود که نیکو سبزی است چغندر و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بخورانید به بیماران خود
برگ چغندر را که آن شفاست و در آن دردی نیست و مضرتی ندارد و بیمار را بخواب راحت میبرد و اصلش
سودا را بحرکت می آورد و در حدیث دیگر فرمود که داخل شکم صاحب ذات الجنب نشده است چیزی مثل برگ
چغندر و در حدیث دیگر معتبر منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که دمبلان داخل منیست که بر بنی اسرائیل نازل
شد و مَنّ از بهشت آمده و آبش شفای چشم است و در چندین حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله دوست میداشت کدو را در میان دیگ از میان صحن بر میچیدند کدو را و امر میفرمودند زنان خود را
که کدو در طعام بسیار بکنند و وصیت نمود بحضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که یا علی بر تو باد بخوردن کدو که
دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در ترب سه خصلت است برگش دفع باد میکند
و تخمش طعام را هضم میکند و ریشه اش قطع بلغم میکند و در روایت دیگر فرمود که برگش مورث ادرار بول است
و در روایت دیگر تخمش ادرار بول میکند و در حدیث معتبر از امام جعفر و امام موسی علیهما السلام منقولست که خوردن
جزر قوت جماع را زیاد میکند و امان میدهد از قولنج و رفع بواسیر میکند و در چهار حدیث معتبر وارد
شده است که بخورید شلغم و مداومت بخوردنش بکنید که هیچکس نیست مگر آنکه در او رگ خوره هست و شلغم
آن رگ را میگدازد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خیار را با نمک میخوردند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که خیار را از تهش ابتدا کنید بخوردن که باعث زیادتی برکت آن میگردد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت
منقولست که بخورید بادنجان که درد را میبرد و بآن دردی نیست و احادیث در مدح و منافعش بسیار است

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست بچندین سند که پیاز کنده دهان را میبرد و بلغم را زایل میکند و سستی و
واماندگی را برطرف میکند و پیهای بدن را محکم میکند و بن دندان را سخت میکند و قوت مجامعت را
می افزاید و نسل را زیاد میکند و تب را می برد و بدن را نازک میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که چون داخل شهری بشوید پیاز آن شهر بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور میگرداند و در حدیث حسن از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که سیر بخورد بجهت بوی بدش داخل
مسجد ما نشود اما اگر کسی نزود باکی نیست که آنرا بخورد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پیاز و تره را
خام و پخته خوردن باکی نیست اما اگر کسی که بخورد داخل مسجد نشود زیرا که کراهت دارد بسبب آزار کسی که در
پهلوی او می نشیند و احادیث در مدح آبش وارد شده است که تقویت معده میکند و اگر در صبح ناشتا
سفوف کند و بخورد رطوبت معده را نفع میکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
حق تعالی حضرت آدم را از خاک آفرید پس خوردن خاک را بر فرزندان او حرام گردانید و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله منقولست که هر که گل بخورد و بمیرد در خون خود شریک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
بزرگترین داعیان شیطان خوردن خاک و گل است دردها را در بدن حادث میکند و خارش بدن آن
و بواسیر از آن بهم میرسد و دردهای سوداوی از آن متولد میشود و قوت را از ساق و قدم میبرد و هر چه
از قوتش بسبب آن کم شده است و از اعمال خیر کاسته است در قیامت او را بر آن حساب و عذاب میکنند
و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که چهار چیز است که از وسواس شیطان است خوردن گل و گل را بدست خورد
کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خوابیدن و در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن هر گلی حرام است
مانند مردار و گوشت خوک مگر گل قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه که خوردن از آن بقدر یک نخود شفاست
از هر دردی و امان است از هر خوفی **فصل نهم** در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب آن از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید او را تکلیف خوردنی بکن اگر نکند تکلیف
آشامیدن بکن اگر نکند تکلیف دست و روشستن بآب یا بعرق خوشبو بکن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که از جمله گرامی داشتن آدمی برادر مؤمنش را آن است که تحفه او را قبول کند و آنچه حاضر داشته باشد

برای او بتحفه بیاورد و چیزی که نداشته باشد برای او تکلیف نکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هلاک شد
کسی که حقیر شمارد آنچه را حاضر دارد برای آوردن برادر مؤمن خود و هلاک شد هر که حقیر شمارد آنچه را برادر
مؤمن نزد او می آورد و بسند حسن از آنحضرت منقولست که هرگاه برادر مؤمن نطلبیده بنزد تو آید آنچه
حاضر داری برای او بیاور و اگر طلبیده باشی او را برای او تکلف کن و در حدیث حسن از هشام منقولست
که با ابن ابی یعفور بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتیم آنحضرت چاشت طلبید هشام گفت که من کمتر
چیزی میخوردم حضرت فرمود که مگر نمیدانی که محبت مؤمن است بنسبت برادر مؤمن او بقدر آنست
که طعام او میخورد یعنی هر چند او را دوست بیشتر میدارد طعامش را بیشتر میخورد و برین مضمون احادیث بسیار است
و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که سخی و صاحب همت از طعام مردم میخورد تا مردم از طعام او بخورند و بخیل طعام مردم
را نمیخورد تا از طعام او نخورند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ولیمه و مهمانی سنت است در پنج چیز میباشد در عروسی و عقیقه
و ختنه کردن پسر و خانه نو خریدن یا بنا کردن و در وقتی که از سفر بخانه خود برگردد و منقولست که آنحضرت نهی فرمود از ولیمه
که مخصوص توانگران باشد و فقرا را بخانه نطلبند و احادیث معتبره وارد شده است که هر که داخل شهری شود مهمان
برادر مؤمن و اهل دین خود است تا از آن شهر بیرون رود و سزاوار نیست که مهمان روزه دارد مگر برخصت صاحبان
خانه که مبادا طعامی برای او بعمل آورند و ضایع شود و سزاوار نیست اهل خانه را روزه داشتن مگر برخصت مهمان
که مبادا بسبب روزه ایشان شرم کند و طعام نخورد و بسند معتبر منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که حد
ضیافت سه روز است بعد از سه روز تصدق و تبرعیست که نسبت باو میکنی و فرمود که اینقدر نمانید نزد برادر
مؤمن خود که او را درهم بشکنید که دیگر چیزی نداشته که خرج شما کند و ابن ابی یعفور روایت کرده است که
در خانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم مهمانی دیدم که برخواست پی کاری حضرت او را منع کردند و خود بر
خواستند و آن کار را بجا آوردند و فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرموده است از خدمت فرمودن
مهمان و در حدیث دیگر منقولست که مهمانی در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بود و دست دراز کرد که چراغ را اصلاح
کند حضرت او را منع کردند و فرمودند که ما اهل بیت خدمت نمیفرماییم مهمانان خود را و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که از جمله ضعف و سستی آنست که کسی بتو احسانی کند و تو بعوض مکافات او نکنی و از خلاف آداب است

خدمت

خدمت فرمودن مهمان پس چون مهمان بیاید او را اعانت و یاری کنید در فرود آمدن و وقتی
که خواهد بار کند و برود او را امداد مکنید بر رفتن که این دلیل خست نفس است و در وقت رفتن توشه
همراهش بکنید و توشه را خوشبو و نیکو بعمل آورید که این دلیل جوانمردی است و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم
منقولست که از جمله حق مهمان است که همراه او بروی تا در خانه و از حضرت باقر علیه السلام منقولست که چون شخصی
بخانه کسی برود هر جا که صاحب خانه امر میکند بنشیند که صاحب خانه امور مخفی خانه خود را بهتر میداند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هشت کسند که اگر با ایشان مذلتی و خواری برسد ملامت نکنند مگر
خود را کسی که بر سفره حاضر شود که او را نطلبیده باشند و کسی که بر صاحب خانه تحکم کند و کسی که طلب خیر از
دشمنان خود کند و کسی که فضل و احسان از لئیمان و بخیلان کند و کسی که خود را داخل در رازی که میان دو
کس باشد بی رخصت ایشان شود و کسی که استخفاف کند بپادشاهان و صاحبان حکم و کسی که در مجلسی
بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد و کسی که با شخصی سخن گوید که گوش بسخن او ندهد و در حدیث دیگر
فرمود که بطعام خود ضیافت کن کسی را که از برای خدا دوست داری و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که یک برادر مؤمن را که از برای خدا با او برادری کنم سیر کنم بهتر است نزد من از آن که ده مسکین را سیر
کنم و فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله با مهمانان طعام تناول میفرمودند پیش از همه شروع میکردند
و بعد از همه دست میکشیدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که کسی که بجماعتی آب دهد باید که خودش بعد
از همه آب بخورد و از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح منقولست که چون برادر مؤمن تو بخانه بیاید مپرس
که امروز چیزی خورده ولیکن هر چه حاضر دارد حاضر سازد و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف
طعامی کند که مؤمنی از آن بخورد اسراف نکرده است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است
که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که
از جمله حق مهمان آنست که او را گرامی دارند و خلال برای او حاضر کنند و در احادیث بسیار وارد شده است
که هر گاه مهمان می آید با روزی خود می آید و چون طعام خورد خدا صاحبان خانه را می آمرزد و در روایت
دیگر چون بیرون میرود گناه تو و عیال ترا بیرون میبرد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

یک لقمه که برادر مؤمن نزد من بخورد دوست تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که سه مؤمن را طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که هر مؤمنی که صدای مهمانی را بشنود و بآن شاد شود گناهانش آمرزیده شود
اگرچه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر خانه که مهمان بآنخانه
نمیرود ملائکه داخل آنخانه نمیشوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از حقوق واجبه مؤمن بر مؤمن
آنست که او را اگر بضیافت بطلبد قبول کند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که وصیت میکنم
حاضران و غایبان امت خود را که دعوت مسلمانان را قبول کنند بضیافت اگرچه پنج میل راه
باشد که این از اموریست که در دین لازم است و هر میل یک ثلث فرسخ است و فرمود که مؤمنی مرا برای
دست گوسفندی بطلبد میروم و فرمود که بدترین عجزها آنست که شخصی برادرش او را بطعامی بخواند
و او قبول نکند **فصل دهم** در فضیلت خلال و آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که جبرئیل ع
برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و خلال و حجامت را آورد و فرمود که خلال بن دندانرا باصلاح می آورد
و روزی را زیاد میکند و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که خلال مکنید بچوب گل و بچوب درخت انار که
هر دو رگ خوره را بحرکت می آورد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که بنی خلال کند تا شش روز
حاجتش برآورده نشود و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بهر چه میسر میشد خلال میکردند بغیر از برگ
درخت خرما و نی و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول نهی نمود از خلال کردن بچوب درخت انار و
درخت مورد و نی و فرمود که بحرکت می آورند عرق خوره را و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که خلال کردن بچوب گز موروث فقر و بیچیزیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
امر میکرد ما را که چون خلال کنیم آب نخوریم تا سه نوبت مضمضه کنیم دهن را بآب و از حضرت رسول ص
منقولست که از جمله حق مهمان آنست که خلال از برای او مهیا کنی و فرمود که خلال کنید که ملائکه هیچ چیز را
دشمن نمیدارند مانند آنکه ببینند در دندان بنده طعامی و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که هرچه از طعام در بن دندان مانده باشد بخورد و آنچه در میان دندان مانده باشد

بیندازد

بینداز و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که هرچه را بزبان از میان دندانها بدر می آوری بخور
و آنچه را بخلال بدر می آوری میخواهی بخور و میخواهی بینداز و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آنچه را
بخلال بیرون می آورد فرو نبرد که جراحتهای اندرونی بهم میرساند و در احادیث وارد شده است
که هرچه را بخلال بیرون می آوری بینداز و در احادیث معتبره وارد شده است اندرون و بیرون دهان را
بعد از طعام بشوید و انگشتان بشستن در فضیلت آب و انواع آن در احادیث معتبره وارد
شده است که بهترین آشامیدنیهای دنیا و آخرت آب است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که محظوظ و مستلذ باشد از آب دنیا خدا او را مستلذ گرداند از آشامیدنیهای بهشت و شخصی از آنحضرت پرسید
که آب چه مزه دارد فرمود که مزه زندگانی حق تعالی میفرماید که از آب آفریده ایم هر چیز صاحب حیاتی را
آیا ایمان نمی آورند بخدا کافران و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست در تفسیر آیه کریمه ثم لتسئلن
یومئذ عن النعیم یعنی پس سؤال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمتهای دنیا فرمود که مراد از آن نعمتها
رطب و آب سرد است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که آب زمزم بهترین آبهاست بر روی
زمین و بدترین آبها بر روی زمین آبیست که در برهوت است در بادیه یمن که روح کافران در آنجا
وارد [illegible] عذاب می باشند و در حدیث دیگر فرمود که آب زمزم دواست از برای
هر [illegible] آن بخورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب زمزم شفاست از هر دردی
و در روایت دیگر [illegible] از برای هر مطلبی که بخورند آن مطلب حاصل میشود و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
که بخورید آب باران [illegible] بدن را پاک میکند و بیماریها و دردها را از بدن دفع میکند و از حضرت صادق
علیه السلام نهی وارد شده از خوردن تگرگ و در روایت دیگر وارد شده است که خوردن تگرگ
برای دندان نافع است و مصادف روایت کرده است که شخصی از یاران ما در مکه بیمار شد
تا آنکه بحال مرگ افتاد و بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم حال او را فرمود که اگر من بجای شما بودم
از آب ناودان کعبه باو میخورانیدم پس ما طلب کردیم نزد هیچکس نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق
ظاهر شد و باران آمد نزد حرم رفتیم و از آب ناودان برگرفتم و آوردیم نزد بیمار و از آن آب آشامید و در ساعت

شفا نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که گمان ندارم که طفلی را که کامش از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست ما
اهل بیت باشد و فرمود که پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آن میریزد و فرمود که اگر میان من و آب فرات
راه بسیار باشد که برای شفا نزد او میروم و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات می بودم دوست
میداشتم که هر صبح و شام نزد او بروم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که اگر اهل کوفه کام فرزند
خود را از آب فرات بردارند هر آینه همه شیعه ما باشند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که
ملکی در هر شب می آید و سه مثقال از مشک بهشت در آب فرات میریزد و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم برکتش
زیاده از نهر فرات نیست و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرد از شفا
طلبیدن از آبهای گرم که در کوهها باشد و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها از گرمی جهنم است
و حضرت امام حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند که ولایت و دوستی ما را بر آبها عرض کردیم
هر آب که قبول نمود شیرین و نیکو شد و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام کراهت
داشتند از آنکه کسی طلب شفا کند از آب تلخ و آبها که بوی گوگرد از آن شنیده میشود و میفرمود که حضرت نوح در وقت
طوفان همه آبها را طلبید همه اجابت او کردند بغیر از آب تلخ و آب گوگرد پس نفرین کرد و لعنت کرد
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که آب نیل مصر دلها را می میراند و از حضرت صادق منقولست که آب سرد حرارت را
فرو می نشاند و صفرا را ساکن میکند و طعام را در معده هضم میکند و تب را زایل میکند و فرمود که آب جوشانیده برای
همه دردی نافعست و هیچ ضرر ندارد و حضرت امام موسی فرمود که خوردن آب سرد لذتش بیشتر است و حضرت
امام رضا علیه السلام فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه بجوشد و از ظرفی بظرفی دیگر بگردانند تب را زایل میکند
و قوت میدهد ساق و قدم را و از ابن ابی یعفور منقولست که نزد حضرت امام موسی علیه السلام رفتم و حضرت را
نهی کرد از خوردن آب حضرت فرمود که خوردن آب بعد از طعام را در معده هضم میکند و غضب را فرو می نشاند و عقل را زیاد میکند
و صفرا را کم میکند و بعضی گفته اند که خدمت حضرت صادق رفتم حضرت خرما تناول فرمودند و آب بعد از آن خوردند گفتم اگر آب نمیخوردید بهتر
بود فرمود که خرما را برای آن میخوریم که لذت آب بیابیم   در آداب آب خوردن از حضرت امام جعفر صادق منقولست
که هر بنده که آب بخورد و حضرت امام حسین علیه السلام و اهل بیت او را یاد کند و لعنت بر کشندگان

کشندگان

کشندگان آنحضرت کند حق تعالی صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او بیندازد و صد هزار درجه
برای او بلند کند و چنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد و حق تعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر
محشور گرداند و اگر باین نحو بگوید خوبست صلوات الله علی الحسین و اهل بیته و اصحابه و لعنة الله علی قاتله
الحسین و اعدایه و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که گاه باشد که شخصی یک شربت آب بخورد و خدا او را
بسبب آن آب خوردن بهشت برد باینکه آب بخورد و هنوز خواهش داشته باشد که از لب بردارد و حمد خدا
بگوید پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از لب باز گیرد و حمد خدا بگوید پس باز بخورد پس خدا بسبب این بهشت برای او
واجب گرداند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول چون آب میخوردند این دعا میخواندند
الحمد لله الذی سقانا عذبا زلالا و لم یسقنا ملحا اجاجا و لم یؤاخذنا بذنوبنا و در روایت دیگر
از آنحضرت منقولست که هر گاه کسی پیش از آب خوردن بسم الله بگوید و دمی بخورد و الحمد لله بگوید پس باز بسم الله
بگوید و بخورد پس بعد از آن الحمد لله بگوید مادام که آب در شکم او باشد تسبیح خدا گوید و ثواب آن از او باشد و در
حدیث دیگر فرمود که هر گاه خواهی در شب آب بخوری ظرف آب را حرکت بده و بگو یا ماء زمزم و
ماء فرات یقرءانک السلام و در روایت دیگر فرمود که هر که در شب آب بخورد سه مرتبه بگوید علیک السلام
من ماء زمزم و ماء الفرات آب خوردن شب باو ضرر نرساند و در روایت دیگر منقولست که در وقت
آب خوردن این دعا بخواند الحمد لله الذی سقانی فاروانی و اعطانی فارضانی و عافانی و کفانی
اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه و آله و تسعده بمرافقته
برحمتك یا ارحم الراحمین و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب بسیار مخورید که هر دردی را بسوی تو
میکشد و تا تاب درد داری دوا مخور و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بر بالای طعام آب بسیار خوردن
ضرر ندارد اما در غیر آن حال آب بسیار مخور و فرمود که اگر کسی بقدر دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن
نخورد عجب دارم که معده اش چرا شق نمیشود و مشهور میان علما آنست که آب ایستاده خوردن در روز
مکروه است و سنت است که به سه نفس خورده شود و احادیث بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن
خوبست و آب بیک نفس خوردن خوبست و بهتر است که به سه نفس خورده شود و در روز ایستاده بخورید و در شب نشسته

چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که آب ایستاده خوردن در روز طعام را گوارا میکند و در شب
ایستاده آب خوردن باعث غلبهٔ زرداب و صفرا میشود و در حدیث دیگر فرمود که آب ایستاده خوردن
بیشتر باعث قوت و صحت بدن میشود و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که آب ایستاده مخورید
که باعث دردی میشود که دوا نداشته باشد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که ایستاده آب مخور و دور هیچ قبر مگرد و در آب ایستاده بول مکن پس هر که چنین کند
و بلائی باو رسد ملامت نکند مگر خود را ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد ازین احادیث خوردن در شب است
و بدو سند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آب را به سه نفس خوردن بهتر است از خوردن بیک نفس و در
حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب بر ندارد تا سیراب شود چونست
حضرت فرمود که مگر لذت هست بغیر این گفت که مردم میگویند که این شرب هیم است یعنی شتر تشنه
حضرت فرمود که شرب هیم آنست که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقولست که
اگر کسی که آب بتو میدهد بندهٔ تو باشد به سه نفس آب بخور و اگر آزاد باشد بیک نفس آب بخور و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دوست میداشت آب خوردن در قدح شامی و میفرمودند
که پاکیزه ترین ظرفهای شماست و برای آنحضرت قدحها از شام بهدیه می آوردند و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله گذشت بر جماعتی که دهان بآب گذاشته بودند و میخوردند حضرت فرمود که بدست
خود بخورید که بهترین ظرفهای شماست و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
آداب آب خوردن آنست که در ابتدا بسم الله بگوئی و چون فارغ شوی الحمد لله بگوئی و از پیش دستهٔ کوزه
و از جائی که شکسته باشد یا رخنه داشته باشد نخوری که این دو موضع جای شیطانست و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله نهی فرمود از دمیدن بدهان در آب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دمیدن در آب وقتی مکروه است
که دیگری حاضر باشد که خواهد از آن آب بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر از آنحضرت نهی وارد میشود
شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم بخورید و بنزار نکنید که باعث درد جگر
و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گاهی در قدحهای آبگینه که از شام می آوردند آب تناول میکرده اند و گاهی

حضرت امام محمد باقر علیه السلام از کوزه سفال آب میخوردند [illegible]

در قدح

در قدح چوب و گاهی در خزف و اگر ظرفی حاضر نبود آب در کف میکردند و می آشامیدند **باب چهارم**
در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت
ایشان **فصل اول** در فضیلت تزویج کردن و نهی کردن از رهبانیت بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که از اخلاق پیغمبرانست دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم کسی را که در ایمان چیزی زیاده شود
او را مگر آنکه محبت زنان او را زیاده میشود و فرمود که هر که محبت زنان او را زیاده میشود فضیلت ایمانش زیاده میشود
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که سه چیز است که از سنت پیغمبرانست بوی خوش کردن
و موهای زیادتی بدن را ازاله کردن و زنان بسیار داشتن یا بسیار مقاربت کردن و بسندهای بسیار
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که از دنیای شما اختیار کرده ام زنان و بوی خوش را و روشنی دیدهٔ
من در نماز است و در حدیث معتبر منقولست که سکین نخعی اختیار عبادت کرده بود و ترک زنان و بوی خوش
و طعامهای لذیذ کرده بود و درین باب نامه بحضرت صادق علیه السلام نوشت آنحضرت در جواب نوشت که اما زنان
پس میدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چه عدد از زنان داشتند و اما طعام لذیذ پس رسول صلی الله علیه و آله گوشت و عسل تناول
میفرمودند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که زنی بعقد خود در می آورد نصف دین خود را حفظ کرده است از
خدا بترسد در نصف دیگر و فرمود که بدترین مردمان شما عزبانند و فرمود که چه چیز مانعست مؤمن را از آنکه
زنی بگیرد شاید خدا او را فرزندی روزی کند که سنگین کند زمین را بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هر که
خواهد که متابعت سنت من بکند از سنت من زن خواستن است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خوشم
نمی آید که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم و یک شب بی زن بخوابم پس فرمود که دو رکعت نماز که کدخدائی میکند از
بهتر است از عزبی که شبها تمام نماز کند و روزها روزه باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ترک کدخدائی
بکند از ترس پریشانی پس بتحقیق که گمان بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی میفرماید که ان یکونوا فقراء
یغنهم الله من فضله یعنی اگر ایشان فقیران باشند بی نیاز میگرداند ایشان را از فضل خود و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زن عثمان بن مظعون آمد بخدمت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله
عثمان روزها روزه میدارد و شبها نماز میکند و بنزد من نمی آید حضرت غضبناک بنزد عثمان آمدند و فرمودند

که ای عثمان خدا مرا برهبانیت نفرستاده است ولیکن بدین مستقیم سهل و آسان فرستاده است روزه
میکیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هر که دین مرا میخواهد باید که بسنت من عمل کند و از سنت
من نکاح زنانست و در حدیث دیکر از آنحضرت منقولست که سه زن آمدند بنزد رسول صلی الله علیه و آله یکی کفت که شوهرم
کوشت نمیخورد و دیکری کفت که شوهرم بوی خوش نمی بوید و دیکر کفت که شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند
پس حضرت بیرون آمدند و از روی غضب ردای خود را بر زمین میکشید تا بر منبر آمدند و حمد و ثنای
الهی کفتند و فرمودند که چرا جماعتی از اصحاب من کوشت نمیخورند و بوی خوش نمی بویند و نزدیک
زنان نمیروند من کوشت میخورم و بوی خوش میبویم و بنزد زنان میروم هر که سنت مرا نخواهد از امت من
نیست و در حدیث دیکر منقولست که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و شکایت کرد که شوهر من
نزدیک من نمی آید حضرت فرمودند که خود را خوشبو کن تا بنزدیک تو بیاید کفت هیچ بوی خوشی نکذاشتم
مکر آنکه خود را بان خوشبو کردم و از من دوری میکند حضرت فرمود که اکر میدانست که چه ثواب دارد
آمدن بنزد تو دوری نمیکرد پس فرمود که چون متوجه جانب تو میشود دو ملک با او احاطه میکنند و ثواب
آن دارد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد کند پس چون با تو مجامعت میکند کناهان از او میریزد چنانچه
برک از درخت بریزد پس چون غسل میکند از کناهان بدر می آید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز
که کدخدا میکند برابر است با هشتاد رکعت نماز که عزب میکند **فصل دویم** در اصناف زنان
و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زن بمنزله قلاده است که
در کردن خود افکنی پس ببین که چکونه قلاده برای خود میکیری و فرمود که زن صالحه و غیر صالحه هیچیک
قیمت ندارند زن صالحه طلا و نقره قیمت و قدر نیست بلکه او بهتر است از طلا و نقره و زن غیر
صالحه بخاک هم نمی ارزد و خاک بهتر از او است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که دختر بکفو و مثل خود بدهید
و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفه خود زنی را پیدا کنید که شایسته آن باشد که فرزند
از او بهم رسانید و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که زنی بخواهد برای
حسن و جمال یا برای مال از هر دو محروم ماند و اکر از برای دین و صلاح او بخواهد حق تعالی مال و جمال روزی کند او را

وحضرت رسول

و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که زن باکره بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن مقبولی که فرزند بیاورد
مخواهید که من مباهات میکنم بشما با امتهای پیغمبران دیکر در روز قیامت مکر نمیدانی که فرزندان
در زیر عرش الهی از برای پدران خود طلب آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ایشان را نکاه داری میکند
و حضرت ساره ایشان را تربیت مینماید در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران و در حدیث دیکر فرمود
که دختران باکره بخواهید که دهنهای ایشان خوشبوتر و رحمهای ایشان خشک تر و پستانهای ایشان
پر شیرتر است و فرزند آورنده ترند مکر نمیدانی که من مباهات میکنم به بسیاری شما در روز قیامت
حتی بفرزندیکه ناتمام از شکم افتاده باشد او می آید و خشمناک بر در بهشت می ایستد پس حق تعالی میفرماید
که داخل بهشت شو میکوید که نمیروم تا پدر و مادرم پیش از من نروند پس حق تعالی بملکی امر فرماید که پدر و
مادرش را بیاور و داخل بهشت کن پس بطفل خطاب میفرماید که ایشان را داخل بهشت کردم برای زیادتی
رحمت من نسبت بتو و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بخواه زن کندم کون سیاه چشم
بزرک سرین میانه بالا پس اکر نخواهیش پس مهر را از من بکیر و در حدیث دیکر منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله چون بخواستکاری زنی میفرستاد میفرمود که کردنش بو کند که خوشبو باشد و غوزک پایش پر کوشت
باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که از سعادت آدمی است که زنی سفیدی داشته باشد و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که چون خواهید زنی را خواستکاری کنید از مویش بپرسید چنانچه از رویش میپرسید که
نصف حسن مویست و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین زنان شما زنی است که فرزند
بسیار آورد و دوست شوهر باشد و صاحب عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهر
ذلیل باشد و از برای شوهر خود زینت و بشاشت کند و از دیکران شرم کند و عفت ورزد و هر چه شوهر کوید بشنود
و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند آنچه از او خواهد مضایقه نکند اما بشوهر در نیاورد که او را
بتکلیف بر جماع بدارد بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما زنیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط
باشد و فرزند نیاورد و کینه ور باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر غایب شود زینت کند و خود را بدیکران
نماید و چون شوهر آید مستوری اظهار کند و سخنش را نشنود و اطاعتش نکند و چون شوهر با او خلوت کند

مانند شتر صعب مضایقه کند از آنچه شوهر با و اراده دارد و عذرش را قبول نکند و از تقصیرش در نگذرد و در
حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت زنی دارم که هرگاه بخانه
میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون می آیم مشایعت میکند و چون مرا غمگین می بیند میگوید
که چه غم داری اگر برای روزی غم میخوری خدا متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر برای آخرت غم میخوری
خدا غم ترا زیاد کرداند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان خداست و نصف ثواب
شهید دارد و در حدیث دیگر فرمود که بهترین زنان امت آنست که خوشروتر و مهرش کمتر باشد و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد و زاییدنش آسان باشد و شومی زن آنست
که مهرش گران و زاییدنش دشوار باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین زنان شما زنان قریشند مهربان
ترین زنانند بشوهران و رحیم ترین ایشانند بفرزندان و ایانند بشوهران و با عفتند از دیگران و مصداق
قریش در این زمان ساداتند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که چون خواهم
که جمع کنم برای مسلمانی نیکیهای دنیا و آخرت را او میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر کننده و بدنی
صبر کننده بر بلا و زن مؤمنه که هرگاه باو نظر کند شاد شود و چون غایب شود شوهر خود را نگاه دارد
کند و مال شوهرش را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در بنی اسرائیل
شخصی بود که بسیار عاقل و مال بیشمار داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه و در شکل و شمایل باو شبیه بود و
دو فرزند داشت از زن دیگر که عفتی نداشت چون وقت فوت او شد گفت همه مال من از یکی از شماها است
چون مرد هر یک دعوی کردند که مال از منست نزد قاضی رفتند قاضی گفت نزد آن سه برادر که بعقل مشهورند
بروید پیش یکی از آنها رفتند مرد پیری بود گفت بروید نزد فلان برادر من که از من بزرگتر است نزد
او رفتند نه پیر بود و نه جوان او گفت نزد برادر بزرگتر از من بروید چون نزد او رفتند او را جوان یافتند
پس اول سوال کردند که چه سبب برادر کوچک از همه پیرتر بود و تو که از همه بزرگتری از همه جوانتری گفت
آن برادر کوچک زن بسیار بدی دارد و به بدیهای او صبر میکند که مبادا ببلای دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد
باین سبب از همه پیرتر مینماید و اما آن برادر دیگر زنی دارد که گاهی غمگینش میکند باین سبب میانه سال مانده است

و من زنی دارم که همیشه مرا خوشحال دارد هرگز آزرده ام نمیکند باین سبب جوان مانده ام پس برادران
حال خود را نقل کردند گفت اول بروید و استخوان پدر خود را بدر آورید و بسوزانید بعد از آن بیایید
تا در میان شما حکم کنم چون رفتند پسر کوچک شمشیری برداشت و برادرانش کلنگها برداشتند
چون بر سر قبر رسیدند آن دو برادر کلنگ بر قبر زدند که قبر را بشکافند برادر کوچک شمشیر کشید که
نمیگذارم که قبر پدر مرا بشکافید من از حصه خود گذشتم و مال از شما باشد گذاشتم چون نزد قاضی آمدند قاضی
مالها را بپسر کوچک داد و بانها را گفت که اگر شما ها هم فرزند آن مرد میبودید چنانچه برادر کوچک شفقت
فرزندی مانع شد از در آوردن و سوختن پدر شما را هم مانع میشد **فصل سیم** در آداب نکاح و اراده
در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی اراده خواستگاری نماید دو رکعت نماز
بگذارد و حمد الهی بگوید و این دعا بخواند که اللّهمّ انّی ارید ان اتزوّج فقدّر لی من النساء
اعفهنّ فرجا و احفظهنّ لی فی نفسها و مالی و اوسعهنّ رزقا و اعظمهنّ برکة
و قدّر لی ولدا طیّبا تجعله خلفا صالحا فی حیوتی و بعد موتی و در حدیث معتبر منقولست
که سنت است تزویج در شب واقع شود و در حدیث موثق منقولست که بحضرت امام محمد باقر علیه السلام خبر رسید
که شخصی زنی خواسته است در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم
که میان ایشان اتفاق و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عقد کردن
در ماه شوال خوبست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که عقد کند یا زفاف کند و
ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند و در روایت دیگر منقولست که هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف
بکند بداند که فرزندی که منعقد شود پیش از تمام شدن سقط میشود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است و بدانکه مومنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح سنت است و
پیش از عقد نکاح خطبه خواندن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از سنت پیغمبرانست
طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون میمونه را تزویج نمود ولیمه فرمود و حیس بمردم
خورانید و آن حبکالی بوده است که از خرما و روغن و کشک میساخته اند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ولیمه

روز اول لازم است و روز دویم نیکست و روز سیم ریا و سمعه است و منقولست که حضرت امام محمد تقی
صلوات الله علیه چون دختر مأمون را عقد کردند این خطبه را خواندند الحمد لله اقرارًا بنعمته و لا
اله الا الله اخلاصًا لوحدانیته و صلی الله علی سید بریته و الاصفیاء
من عترته اما بعد فقد کان من فضل الله علی الانام ان اغناهم بالحلال
عن الحرام فقال سبحانه و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم
و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم
و سایر خطبهای طولانی در کتب مبسوط مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و در باب آداب
جمع نکاح رساله جدائی تالیف کرده ام **فصل چهارم** در بیان آداب زفاف و مجامعت بدانکه
زفاف کردن در وقتی که ماه در برج عقرب باشد و تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در
فرج زن در وقتی که حایض باشد یا با خون نفاس باشد حرام است و از ما بین ناف تا زانو از ایشان تمتع
بردن مکروه است و بعد از پاک شدن و پیش از غسل کردن جماع را نیز بعضی حرام میدانند و احوط اجتناب است
مگر آنکه ضرورتی باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سایر
اعمال که او را می باید کرد بجا آورد با او جماع میتوان کرد و وطی در دبر زن خلافست بعضی حرام میدانند
و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتناب است و بهتر آنست که با زن خود که جماع کند و آزاد باشد منی
خود را بیرون فرج نریزد و بعضی از علما حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست و از حضرت صادق ع
منقولست که نباید مرد را دخول کردن بزن خود در شب چهارشنبه و حضرت امام موسی علیه السلم فرمود که هر که
جماع کند با زن خود در تحت الشعاع پس باید خود قرار دهد افتادن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت
صادق علیه السلم فرمود که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این میشود که فرزند سقط شود
و نزدیکست که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه یا صرع داشته باشد نمی بینی کسی را که صرع میگیرد اکثر آنست که
یا در اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه میباشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جماع کند با زن خود
در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بخوره یا پیسی پس ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلم

فرمود

فرمود که دشمن ما اهل بیت نیست مگر کسی که ولد الزنا باشد یا مادرش در حیض با او حامله شده باشد و در حدیث
معتبر از حضرت رسول ص منقولست که چون کسی خواهد با زن خود جماع کند بروش مرغان نپرد او نزود بلکه اول
با او دست بازی و خوش طبعی بکند و بعد از آن جماع بکند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که در وقت جماع سخن نگوید که بیم آنست که فرزندی که بهم رسد لال باشد و در آن وقت نظر بفرج زن نکند که
بیم آنست که فرزندی که بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که باکی نیست نگاه کردن بفرج
در وقت جماع و در چند حدیث معتبر وارد شده است که مرد و زن در حالتی که خضاب بحنا و غیر آن کرده باشند
جماع نکنند و از حضرت امام موسی ع پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از روی مرد و زن دور شود چون است
فرمود که باکی نیست و باز پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و با و نظر کند چون است فرمود که گر لذتی از این بهتر
نباشد و پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت با فرج زن یا کنیز خود بازی کند چون است فرمود که باکی نیست
اما بغیر اجزای بدن خود چیزی دیگر در آنجا نکند و پرسیدند که آیا میتواند در میان آب جماع کند فرمود که باکی نیست
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و حضرت صادق ع
فرمود که مرد با زن و کنیز خود جماع نکند در خانه که طفلی باشد که آن طفل زناکار میشود یا فرزندی که بهم میرسد زناکار
میشود و از حضرت رسول ص منقولست که فرمود که بحق آن خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست اگر شخصی با زن خود جماع کند
و در آن خانه شخصی بیدار باشد که ایشان را ببیند یا سخن و نفس ایشان را بشنود فرزندی که از ایشان بهم رسد رستگار نباشد
و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین ع اراده جماع مینمودند خدمتکاران و دیگر را دور میکردند و درها را میبستند
و پرده ها را می آویختند و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که با کنیزی جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر پیش از غسل جماع کند وضو
بسازد و در حدیث وارد شده است که باکی نیست که با کنیز وطی کند و در خانه دیگری باشد که بشنود و ببیند و مشهور
میانه علما آنست که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز خود بخوابد اما مکروه است که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث
موثق از حضرت صادق ع منقولست که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز و دو زن آزاد بخوابد و فرمود که کراهت دارد که مرد رو بقبله
جماع کند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد در عریان جماع تواند کرد فرمود که نه و رو بقبله و پشت بقبله
جماع نکند و در کشتی جماع نکند و حضرت امام موسی ع فرمود که من نمیدانم که کسی که در خراب بنشیند برای غسل کردن

جماع کند مگر آنکه خوف ضرری داشته باشد بر خود و بعضی از علما قایل بحرمت شده اند و حضرت رسول صلعم نهی فرموده از آنکه کسی محتلم شده و باید
پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر بکند و فرزندی که بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت
صادق ع فرموده که کروه است در وقتی که آفتاب طلوع میکند و زرد میشود و همچنین در زردی آفتاب وقت فرو رفتن
و حضرت امیر المومنین ع فرموده که مستحب است در شب اول ماه رمضان جماع کردن و از ابو سعید خدری منقول است
که حضرت رسالت صلعم وصیت نمود بحضرت امیر المومنین ع که یا علی چون عروس داخل خانه تو شود کفشهایش را بکن
تا بنشیند و پاهایش را بشوی و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش چون چنین کنی خدا هفتاد هزار
نوع از پریشانی را از خانه تو بیرون کند و هفتاد هزار نوع برکت را داخل خانه تو کند و هفتاد هزار رحمت
بر تو بفرستد که بر سر عروس فرود آید تا آنکه آن برکت بهر گوشه از خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی
و خوره و پیسی تا در آن خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش
پس حضرت امیر المومنین ع گفت یا رسول الله صلعم بچه سبب او را منع کنم از اینها فرمود که زیرا که رحم بسبب اینها
سرد و عقیم میشود و فرزند نمی آورد و حصیری که در ناحیه خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند از او
بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که دیوانگی
و خوره و خبط دماغ راه میباید بآن زن و فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشین که اگر فرزندی
بهم رسد احوال خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مکن که اگر فرزندی حاصل شود ایمن نیستی که
لال باشد و نگاه نکند احدی بفرج زن خود و چشم پوشد در آن حالت که نظر کردن بفرج در آن حال
کوری فرزند میشود یا علی بشهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد
مخنث یا دیوانه باشد یا علی هر که جنب با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند که میترسم
که آتشی از آسمان بر هر دو نازل شود و بسوزاند ایشان را یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه
تو دستمالی از برای خود داشته باشی و او دستمالی از برای خود داشته باشد
و هر دو خود را بیک دستمال پاک نکنید که دشمنی در میان شما
پیدا میشود و آخر بجدائی میکشد یا علی ایستاده با زن خود

ایستاده با زن جماع مکن که از فعل خرانست و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رخت خواب بول میکند
یا علی در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزندی بوجود آید شر بسیار از او بظهور آید یا علی در شب عید قربان
جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشت یا چهار انگشت در دست داشته باشد یا علی در زیر درخت
میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلاد و کشنده مردم باشد یا رئیس و سرکوه ظلم باشد یا علی در
برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بوجود آید همیشه در بد حالی و پریشانی باشد تا بمیرد یا علی
در میان اذان و اقامت جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت
حامله شود با او جماع مکن بی وضو که اگر چنین کنی فرزندی بهم رسد کور دل و بخیل باشد یا علی در شب نیمه شعبان جماع
مکن که اگر فرزندی حاصل شود شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد یا علی در دو روز آخر ماه شعبان
جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور ظالمان باشد و هلاک بسیاری از مردم بر دست او بشود یا علی
پشت بام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریا کننده و صاحب بدعت باشد یا علی چون بسفری روی
در آن شب که بیرون میروی جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش را بناحق صرف کند و اسراف کنندگان
برادران شیطانند و اگر بسفری که سه روزه راه باشد جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد یاور ظالمان باشد یا علی
در شب دو شنبه جماع بکن که اگر فرزندی بوجود آید حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد یا علی اگر جماع در شب
سه شنبه و فرزندی بهم رسد بعد از سعادت اسلام و را شهادت روزی شود و دهانش خوشبو
و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه و فرزندی
بهم رسد حاکمی از حکام شریعت یا عالمی از علما باشد و اگر در روز پنجشنبه وقتی که آفتاب میان آسمان باشد
نزدیکی کنی با زن خود و فرزند بهم رسد شیطان نزدیک او نشود تا پیر شود و خدا او را روزی کند سلامتی در
دنیا و دین یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزندی خطیب و سخنگو باشد و اگر در روز جمعه بعد از عصر پس اگر
فرزندی بهم رسد از دانایان مشهور باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست که آن فرزند
ابدال باشد یا علی در ساعات اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیستی که ساحر باشد و دنیا را بر
آخرت اختیار کند یا علی این وصیت را از من بیاموز چنانچه از جبرئیل آموختم و در حدیث معتبر منقول است که روز عقد

حضرت فاطمه صلوات الله علیها حق تعالی امر فرمود سدرة المنتهی که آنچه داری فرو ریز برای نثار فاطمه پس آنچه داشت
از مروارید و مرجان و جواهر بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثار را ربودند و تا روز قیامت مفاخرت
میکنند و هدیه بیکدیگر میفرستند و میگویند این نثار حضرت فاطمه است و در شب زفاف استر اشهب حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند و قطیفه بر روی آن انداختند و حضرت فرمودند که ای فاطمه سوار شو و سلمان لجام
استر را میکشید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله از عقب روان و در اثنای راه صدای ملایکه بگوش مبارک آنحضرت رسید
و جبرئیل با هزار ملایکه و ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمدند و گفتند که حق تعالی ما را بجهة زفاف حضرت فاطمه
فرستاده است پس جبرئیل و میکائیل الله اکبر میگفتند و ملایکه با ایشان موافقت میکردند و باین سبب سنت شد
که در زفاف الله اکبر بگویند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما طعامها بعمل
می آوریم و بسیار پاکیزه و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از هیچ طعامی نمی آید فرمود زیرا که طعام عروسی
نسیم بهشت می وزد چون طعامی است که برای حلال مهیا میکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که سنت است
که عروسی در شب واقع شود و طعام در چاشت پخته شود و در بعضی از اخبار وارد شده است که نثار عروسی را میتوان
برداشت اما چون غارت میکنند و از یکدیگر میربایند کراهت دارد و علما گفته اند که وقتی جایز است برداشتن که
بقراین معلوم باشد که صاحبانش راضی اند که مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که نثار عروسی
طلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما می آورد و چون شما را بجنازه بخوانند زود بروید چون آخرت را بیاد شما
می آورد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که
مردم بر دو [illegible] یان راه جماع کند خدا و ملایکه و مردم او را لعنت کنند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که بیاموزید از کلاغ سه خصلت را پنهان جماع کردن و بامداد بطلب روزی رفتن و بسیار حذر کردن
[از حضرت] امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هرگاه کسی خواهد با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زن را کارها میباشد
پیش از جماع و هرگاه کسی زنی ببیند و خوشش آید پس برود با اهل خود جماع کند که آنچه با این هست با او هم
هست و شیطان را بدل خود راه ندهد و اگر زنی نداشته باشد دو رکعت نماز بکند و حمد خدا بسیار بگوید و صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد پس از فضل خدا زنی سؤال کند که البته خدا باو عطا میفرماید آنچه او را از حرام بی نیاز گرداند

و در حدیث

و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر زیرا که
اگر چنین کنند ملایکه از ایشان دور میشوند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
جایز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه سالش تمام شود پس اگر کند و عیبی برسد بآن زن ضامن است
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که مکروه است جماع کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن
آفتاب تا برطرف شدن سرخی طرف مغرب و در روزی که در آن روز آفتاب بگیرد و در شبی که در آن شب
ماه بگیرد و در شب یا روزی که در آن باد سیاه یا باد سرخ یا باد زرد حادث شود و در شب یا روزی که در آن
زلزله حادث شود والله که اگر کسی جماع کند درین اوقات پس او را فرزندی بهم رسد نه پسندد در آن فرزند چیزی
که دوست دارد زیرا که آیات غضب الهی را سهل شمرده است و در فقه الرضا علیه السلام مسطور است که چون بعد از
غسل دادن میت پیش از آنکه غسل بکنی خواهی که جماع کنی وضو بساز بعد از آن جماع کن و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را دردی در بدن بهم رسد یا حرارت بر مزاجش غالب
شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود و از حضرت امام جعفر علیه السلام منقولست که هر که در حالت خضاب
کردن با زن خود جماع کند فرزندی که بهم رسد مخنث باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که زن آزاد را
برابر زن آزاد دیگر جماع مکن اما کنیز را در برابر کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت صادق علیه السلام هرگاه که بعد از جماع پیش از غسل اراده جماع میکردند
وضو میساختند و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی انگشتری با او باشد که با او نام خدا نقش کرده باشند
جماع نکند

در آداب نماز و دعا در شب زفاف و در وقت مقاربت زنان

و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که چون عروسی را بنزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو وضو بساز و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را
نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن و بگو آن زنان را که با او آمده اند
که آمین بگویند و این دعا بخوان اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها و ارضنی بها و اجمع بیننا باحسن اجتماع و آنس ائتلاف فانک
تحب الحلال و تکره الحرام بعد از آن فرمود که بدان که الفت از جانب خداست و دشمنی از جانب شیطان است که میخواهد که آنچه را خدا حلال کرده
مکروه طبع گرداند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون در شب زفاف بنزد عروس بروی موی پیشانیش را

بگیر و در وقت بلند آوردن بگو اللهم بامانتک اخذتها و بکلماتک استحللتها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا تقیا من شیعة آل محمد و لا تجعل
للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که دست بر بالای پیشانیش بگذار و بگو اللهم علی کتابک
تزوجتها و فی امانتک اخذتها و بکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما سویا و لا تجعله
شرک شیطان راوی پرسید که فرزند چگونه شرک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا
برند شیطان دور میشود و اگر نبرند و ذکر خدا را با ذکر آن شخص داخل میکند پس جماع از هر دو
میباشد و نطفه یکی است پرسیدند که بچه چیز میتوان دانست که شیطان در کسی شریک شده است
فرمود که هر که ما را دوست میدارد شیطان در او شریک نشده است و هر که دشمن ماست
شیطان در او شریک شده است و براین مضمون احادیث از طرف خاصه و عامه بسیار وارد
شده است و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که در وقت زفاف این دعا بخوانند
اللهم بکلماتک استحللتها و بامانتک اخذتها اللهم اجعلها ولودا ودودا لا تفرک تأکل مما راح
و لا تسأل عما سرح و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام و علیه الصلوة منقولست که این
دعا بخوانند بکلمات الله استحللت فرجها و فی امانة الله اخذتها اللهم ان قضیت لی فی رحمها
شیئا فاجعله بارا تقیا و اجعله مسلما سویا و لا تجعل فیه شرکا للشیطان و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند
و بسیار عظیم شمردند راوی گفت که چه باید کرد که این واقع نشود فرمود
که هرگاه اراده جماع داشته باشی بگو بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو
بدیع السموات و الارض اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة و لا تجعل
للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا و لا حظا و اجعله مؤمنا مخلصا مصفی
من الشیطان و رجسه جل ثناؤک و در حدیث دیگر فرموده
که چون خواهد که شیطان شریک نشود بگوید بسم الله و پناه برد

بگوید

بگوید بسم الله و پناه برد بخدا از شر شیطان و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که چون کسی اراده جماع داشته
باشد بگوید بسم الله و بالله اللهم جنبنی الشیطان و جنب الشیطان ما رزقتنی پس اگر
فرزندی بوجود آید شیطان هرگز باو ضرر نرساند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون اراده
جماع کنی بگو اللهم ارزقنی ولدا و اجعله تقیا ذکیا لیس فی خلقه زیادة و لا نقصان
و اجعل عاقبته الی خیر **فصل ششم** در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام ایشان از حضرت امام
محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقولست که حق تعالی برای زنان غیرت جایز نداشته است و از برای
مردان غیرت قرار داده است زیرا که از برای مردان چهار زن و از متعه و کنیز آنچه خواهد حلال کرده است
و از برای زن بغیر از یک شوهر حلال نکرده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده نماید نزد خدا زناکار است و
غیرت و رشک نمیبرند مگر زنان بد و زنان مؤمنه صاحب رشک نمیباشند و در حدیث معتبر دیگر حضرت
صادق علیه السلام فرمود که رشک بردن زنان از بسیار دوستی ایشانست نسبت بشوهران و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که گفتن مرد با زن خود که ترا دوست میدارم هرگز از دل او بیرون نمیرود و در حدیث صحیح از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله چیست
حق شوهر بر زن فرمود که لازمست که اطاعت شوهر بکند و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او تصدق
نکند و روزه سنت بی رخصت او ندارد و هر وقت که اراده نزدیکی او کند مضایقه نکند اگر بر پشت پالان شتر
باشد و از خانه شوهر بی رخصت بدر نرود و اگر بی رخصت بدر رود ملائکه زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت همه
او را لعنت کنند تا بخانه برگردد گفت یا رسول الله حق که بر مرد از همه کس عظیمتر است فرمود که حق پدر گفت که حق که
بر زن از همه عظیمتر است فرمود که حق شوهر پرسید که من بر شوهر آنقدر حق ندارم که او بر من دارد فرمود که از صد
تا یکی نه آن زن گفت که قسم میخورم بآن خدایی که ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر نکنم و در حدیث
منقولست که زنی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و سؤال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که زیاده از آنست که توان
گفت پس فرمود که از جمله حقها آنست که روزه سنت بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بیرون نرود
و به نیکوترین بوهای خوش خود را خوشبو کند و نیکوترین جامهای خود را بپوشاند و بهترین زینتها خود را

بیاراید و هر بامداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر اراده جماع داشته باشد ابا نکند و در حدیث دیگر
فرمود که هیچ چیز بهتر حضرت او بکسی ندهد اگر بدهد گناهش برای زن است و ثوابش از برای شوهر و هیچ
شب نخوابد که شوهر از او خشمناک باشد زن گفت که هر چند که شوهر بر او ظلم کرده باشد فرمود که بلی و
حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر زنی که شب بسر آورد و شوهر از او آزرده باشد نمازش مقبول نباشد
شوهر از او راضی نشود و هر زنی که بوی خوش برای غیر شوهر خود بکند نمازش مقبول نشود تا آن بوی خوش را
از خود بشوید و فرمود که سه کسند که هیچ عمل ایشان بآسمان بالا نمیرود غلام گریخته و زنی که شوهرش از او راضی
نباشد و کسی که جامهٔ خود را از روی تکبر بلند آویخته باشد و در احادیث معتبره وارد شده است که جهاد مردان آنست که
مال و جان خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهران و غیرت آوردن
ایشان صبر کنند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آینه میگفتم
زنان برای شوهران سجده کنند و فرمود که زن نماز خود را طول ندهد برای آنکه منع کند شوهر را از آنچه از او
خواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را برای مجامعت بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته
ملائکه او را لعنت کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقولست که زن از مال خود هم چیزی بی رخصت شوهر
نمیتواند داد مگر حج یا زکواة یا نیکی بپدر و مادر یا صله و احسان بخویشان و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر زنی که بشوهرش بگوید که من هرگز نیکی از تو ندیدم ثواب عملهایش برطرف شود
و احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنست که او را سیر کند و بدنش را بپوشاند
و اگر بدی کند بر او ببخشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که رو ترش نکند نزد او و بگیرد و زر و روغن
برای مالیدن بدن او بدهد و هر سه روز یکمرتبه گوشت برای او بیاورد و رنگ باشد وسمه و حنا هر شش ماه
یکبار باو بدهد و هر سال چهار جامه اش بدهد از برای زمستان دو و از برای تابستان دو باید که خانه اش
خالی نگذارد از روغن برای مالیدن سر و سرکه و زیت و روزی یکمن کهنه قوت باو بدهد و میوه ها که همه کس
میخورند باو بخوراند و در عیدها زیاده از اوقات دیگر خوردنی برای او بگیرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
بترسید از خدا در حق دو ضعیف یتیمان و زنان و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بهترین شما آنکسی است که با زنان

بهتر

بهتر احسان کند و حضرت صادق ع فرمود که موجب هلاک صاحب مروت است که در شهری که زنش در آن
شهر باشد شب در خانه دیگر بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین ع بحضرت امام حسن ع وصیت فرمود
که زنهار مشوره با زنان مکن که رای ایشان ضعیفست و عزم ایشان سست و ایشان را پیوسته در پرده
بدار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که بغیر تو مردی را نشناسد و در پرده بودن ایشان از حسن و
جمال ایشان بهتر است که زن گل است و خدمتکار نیست و همان خورش را گرامی دار و سخنش را در حق دیگران
قبول مکن و بسیار خود را بدست او مده و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که زنان را در
غرفه و بالاخانه جا مدهید و چیزی نوشتن بایشان تعلیم مکنید و حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه زنان را
بر زین سوار کنند و فرمودند که در نیکی اطاعت زنان مکنید تا آنکه بطمع نیفتند در امر کردن شما ببدیها
و بخدا پناه برید از بدان ایشان و از نیکان ایشان بر حذر باشید و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که
رازی بایشان مگوئید و در باره خویشان هر چه بگویند اطاعت ایشان مکنید و حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که مردی که کارهای او را زنی تدبیر کند ملعون است و حضرت پیغمبر ص چون اراده جنگ داشتند
با زنان خود مشوره میکردند آنچه ایشان میگفتند خلاف آن میکردند و حضرت رسول ص فرمود که هر که
اطاعت زن خود کند خدا او را سرنگون در جهنم اندازد گفتند یا رسول الله این اطاعت کدام است
فرمود که از او رخصت طلبد که برای سیر حمامها و عروسیها و عیدگاهها و غیر آن برود و او رخصت بدهد
و جامههای نازک از او طلبد که در بیرون بپوشد برای او بگیرد و در حدیث دیگر فرمود که مثل زنان مثل
استخوان کج پهلو است اگر او را بحال خود بگذاری منتفع میشوی و اگر خواهی راست بکنی میشکند
پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان بدانکه از جمله حقوق زن بر مرد آنست که هر چهار ماه یکمرتبه با او جماع
اگر حاضر باشد و عذری نداشته باشد و این واجب است و اگر چند زن داشته باشد و پیش یکزن یکشب
بخوابد واجب است که پیش آنهای دیگر یکشب بخوابد جمعی را اعتقاد آنست که مطلقا واجب میشود
که پیش هر زنی از چهار شب یکشب بخوابد خواه یکزن داشته باشد و خواه بیشتر و این احوط است
و در کنیز و متعه اینها واجب نیست اما بهتر آن است که کنیزی که داشته باشد با خود دفع شهوت او بکند

یا او را شوهر بدهد و در بعضی اخبار وارد شده است و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر بکند
و آنها را نکنند کن هش بر اوست و مشهور میان علما آن است که اگر کسی زنی داشته باشد و زنی
دیگر بخواهد اگر باکره است تا هفت شب مخصوص اوست و اگر غیر باکره است تا سه شب

در بیان دعاهای طلب فرزند و فضیلت آن از حضرت رسول صلعم منقول است که فرزند صالح
گلیست از گلهای بهشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است و فرمود که فرزند بسیار بهم
رسانید که من به بسیاری شما در قیامت مباهات خواهم کرد و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود
بیماری که بفرزند میرسد کفارهٔ گناهان پدر و مادر اوست و در حدیث صحیح منقول است که روزی
جبرئیل ع نازل شد حضرت رسول صلعم و حضرت امیر المؤمنین ع ناله میکردند جبرئیل ع از سبب آن
پرسید حضرت رسول صلعم فرمود که دو طفل ما آزار در شدند و از گریهٔ ایشان متاذی شدیم جبرئیل ع
گفت یا محمد صلعم حق تعالی برای فرزندان شما شیعه چند بر انگیزد که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت
سال گریهٔ ایشان لا اله الا الله باشد و چون هفت سال بگذرد گریهٔ ایشان طلب آمرزش باشد
برای پدر و مادر و در ثواب ایشان شریک باشد و در گناهش شریک نباشند و از حضرت رسول صلعم
منقول است که زن از روزی که حامله میشود تا وضع حملش و تا فرزندان را از شیر باز میگیرد مثل
ثواب کسی دارد که در سرحد کافران مرابطه نماید و دفع ایشان از مسلمان کند و اگر در این بین بمیرد
ثواب شهیدان دارد و در حدیث صحیح از حضرت رسول منقول که حضرت عیسی ع بقبری
گذشت که صاحبش را عذاب میکردند پس در سال دیگر بهمان قبر گذشت صاحبش را عذاب
نمیکردند از آن حال سؤال کرد از پروردگار خود باو وحی رسید که در این سال فرزند شایسته از او بحد
بلوغ رسید و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را جا داد از این سبب او را آمرزیده فرزندش آمرزیدم
پس حضرت فرمود که میراثی که از برای خدا از بنده میماند فرزندیست که بعد از برای او عبادت خدا
کند و در روایت دیگر منقول است که کسی که پیغمبر زند بمیرد گویا که هرگز در میان مردم نبوده است
و کسی که بمیرد و از او فرزندی بماند گویا که نمرده است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است

که حق تعالی بر دختران مهربان تر است از پسران و هر مردی که شادی برساند بزنی که با و خویشی داشته باشد
و محرم او باشد خدا او را شاد گرداند و حضرت صادق ع فرمود که دختران حسناتند و پسران نعمتند و
خدا بر حسنه ثواب میدهد و از نعمت سؤال میکند و آنحضرت بیکی از اصحاب خود فرمود که شنیده
ام که دختری بهم رسانیده و نمیخواهی او را چه ضرر دارد بتو گلیست بو میکنی او را و روزیش بر خدا است
و حضرت رسول صلعم پدر دختران بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم ع از پروردگار خود سؤال
کرد که دختری او را روزی کند که بعد از مرگ بر او گریه کند و فرمود که هرکه آرزوی مرگ دختران خود کند بمیرد و ثواب
نداشته باشد و در قیامت نزد خدا عاصی باشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت رسول صلعم
نشسته بود خبر باو رسید که دختری برای تو متولد شده رنگش متغیر شد حضرت فرمود که زمین او را بر میدارد
و آسمان بر او سایه می افکند و خدا روزیش میدهد و گلیست او را ملیبویی پس رو باصحاب خود کردند و
فرمودند که هر کس یک دختر دارد بارش گران است و هرکه دو دختر دارد بخدا سوگند که بفریاد او رسید و کسیکه
سه دختر داشته باشد ای بندگان خدا او را یاری کنید و ای بندگان خدا باو قرض بدهید و ای بندگان
خدا او را رحم کنید و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هرکه سه دختر یا سه خواهر را نفقه بدهد
بهشت او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هرگاه کسی را فرزند دیر بهم رسد
این دعا بخواند اللّٰهُمَّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ وَحِیدًا اُصِیدًا وَحْدًا وَحْشًا
فَیَقْصُرُ شُکْرِی عَنْ تَفَکُّرِی بَلْ هَبْ لِی عَاقِبَةَ صِدْقٍ ذُکُورًا وَإِنَاثًا آنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ
وَأَسْکُنُ إِلَیْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْکُرُکَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ یَا وَهَّابُ یَا عَظِیمُ یَا مُعَظَّمُ
ثُمَّ أَعْطِنِی فِی کُلِّ عَافِیَةٍ شُکْرًا حَتَّی یُبَلِّغَنِی مِنْهَا رِضْوَانَکَ فِی صِدْقِ الْحَدِیثِ وَ
وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءٍ بِالْعَهْدِ و در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب فرزند در سجده این
دعا بخوان رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَأَنْتَ
خَیْرُ الْوَارِثِینَ و در روایت دیگر فرمود که هرکه خواهد که زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز
بکند و رکوع و سجود در اطول بدهد پس بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِمَا سَأَلَکَ بِهِ زَکَرِیَّا رَبِّ

لا تذرنی فرداً و انت خیر الوارثین اللهم هب لی من لدنک ذریة طیبة انک
سمیع الدعاء اللهم باسمک استحللتها و فی امانتک اخذتها فان قضیت
فی رحمها ولداً فاجعله غلاماً مبارکاً زکیاً و لا تجعل للشیطان فیه شرکاً و لا
نصیباً و در روایت دیگر منقول است که ابرش کلبی بحضرت امام محمد باقر ع عرض کرد که مرا فرزند
نمیشود فرمود که در هر روز یا در هر شب صد مرتبه استغفار بکن و بهتر آنست که استغفر الله ربی و اتوب الیه
بگوید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که هر صبح و شام هزار نوبت سبحان الله بگوید
پس ده نوبت استغفر الله ربی و اتوب الیه پس نه نوبت سبحان الله پس یکنوبت
استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید راوی گوید که جمعی کثیری باین مداومت کردند و فرزندان
بسیار بهم رسانیدند و در هر یک از اینها بگفتن استغفر الله تنها اکتفا میتوان کرد و در روایت دیگر
از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که از برای فرزند در هر سحر هفتاد مرتبه استغفار بکن
و اگر شبی فراموش کنی در وقت دیگر قضا کن و شخصی دیگر با آنحضرت شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود
فرمود که چون خواهی جماع کنی بگو اللهم ان رزقتنی ذکراً سمیته محمداً ص که در حدیث دیگر منقول
است که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع شکایت کرد که من همیشه بیمارم و مرا فرزند نمیشود فرمود که در
خانه خود صدا باذان گفتن بلند کن چنان کرد بدنش صحیح شد و فرزند بسیار بهم رسانید و در
حدیث دیگر حضرت فرمود چون خواهی که نزد زن خود بروی این آیه را بخوان که انشاء الله خدا ترا روزی میکند
و ذا النون اذ ذهب مغاضباً فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و زکریا اذ نادی
ربه لا تذرنی فرداً و انت خیر الوارثین و در حدیث دیگر هر که را فرزند نشود نیت کند که
اگر مرا فرزند بشود علی نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری روزی کند و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقول است که هر که این دعا را بسیار بخواند هر چه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت خدا باو عطا
فرماید رب لا تذرنی فرداً و انت خیر الوارثین و اجعل لی من لدنک ولیاً یرثنی فی

حیوتی

حیوتی و یستغفر لی بعد موتی و اجعله خلقاً سویاً و لا تجعل للشیطان فیه نصیباً اللهم انی
استغفرک و اتوب الیک انک انت الغفور الرحیم و از برای فرزند هفتاد مرتبه این دعا بخواند و از حضرت صادق ع
منقول است که هرگاه زن حامله باشد و چهار ماه بر او بگذرد روی او را بقبله کن و آیة الکرسی بخوان و دست بر
پهلوی او بگذار و بگو اللهم انی قد سمیته محمداً یعنی خدایا من نام او را محمد کردم چون چنین کند
خدا آن فرزند را پسر گرداند پس اگر او را محمد نام کند مبارک باشد و اگر نام نکند خدا اگر خواهد از او بگیرد
و اگر خواهد باو ببخشد و در حدیث معتبر وارد شده است که هر که زن او حملی داشته باشد و عزم کند که او را
محمد یا علی نام کند او پسر شود و در حدیث دیگر آن است که او را علی نام کن که عمرش درازتر باشد و در کتاب
طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد کمی فرزندان
حضرت فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و نماز خفتن هفتاد مرتبه سبحان الله و هفتاد مرتبه استغفر الله بگو و
بعد از آن این آیه را بخوان استغفروا ربکم انه کان غفاراً یرسل السماء علیکم مدراراً و
یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم انهاراً پس در شب سیم با زن خود جماع کن که خدا پسری که
خلقش درست باشد بتو عطا فرماید و در کتاب نوادر الحکمه روایت کرده است که شخصی بخدمت امام جعفر
صادق ع آمد و عرض کرد یا ابن رسول الله هشت دختر بهم رسانیده ام و روی پسر را ندیده ام حضرت فرمود
که وقتی که در میان پای زن بنشینی دست راست خود را بر جانب راست ناف زن بگذار و سوره انا
انزلناه را هفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع کن و چون اثر حمل ظاهر شود انگشت شهادت را بر جانب
راست ناف او بگذار و هفت نوبت سوره انا انزلناه بخوان آن مرد گفت چنان کردم هفت پسر پی هم خدا
بمن عطا نمود و از حضرت امام حسن ع منقول است که هر که فرزند خواهد باید استغفار بسیار بگوید
در احکام ایام حمل و آداب روز ولادت و نام نهادن طفل از حضرت صادق ع منقول است که زن حامله
به بخورد تا فرزندش خوشبوتر و رنگ فرزندش صاف تر باشد و بسند معتبر منقول است که حضرت رسول ص
فرمود که اول چیزی که زن زاییده بخورد باید که رطب باشد چنانچه حق تعالی بحضرت مریم فرمود که بعد از زاییدن حضرت
عیسی ع رطب بخور گفتند که اگر وقت رطب نباشد چه کنند فرمود که نه دانه از خرماهای مدینه بخورد و اگر نباشد

نه دانه از هر خرمایی که باشد بخورد بدرستی که حق تعالی میفرماید که بعزت و جلال خودم سوگند که هر زن تازه زاییده که خرما
بخورد فرزند او را بردبار گردانم و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که زنان را بعد از ولادت
فرزند خرمای برنی بخورانید تا آنکه فرزند بردبار و زیرک شود و در حدیث صحیح از حضرت رسول ص منقولست که
بزنان حامله بخورانید کندر بدرستی که چون طفل در شکم مادر کندر غذای او شود دلش محکم و عقلش زیاده میشود و اگر
پسر باشد شجاع میشود و اگر دختر باشد سرینش بزرگ میشود و بسبب این نزد شوهر عزیزتر میشود و در حدیث معتبر
منقولست که حضرت علی بن الحسین ع چون وقت ولادت زن میشود میفرمود که زنان را از خانه بیرون کنند
که اول مرتبه نظر زن بر عورت طفل نیفتد و منقولست که چون بآنحضرت بشارت فرزند میدادند نمی پرسیدند
که پسر است یا دختر بلکه می پرسیدند که خلقش درست است پس اگر میگفتند که درست است و عیبی ندارد میفرمودند
که الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا مشوها یعنی سپاس خداوی را که از من نیافرید فرزندی که معیوب
باشد و از حضرت صادق ع منقولست که فرزند چون متولد شود بقدر عدسی از جاوشیر بگیرد در آب حل کن
و دو قطره در بینی راست طفل و یک قطره در بینی چپش بریز که هرگز ضرر جنیان باو نرسد و دیوانه نشود و حضرت
امام محمد باقر ع فرمود که کام طفل را باب فرات بردارید و اقامه در گوشش بگویید و در روایت دیگر
وارد شده است که کامش را باب فرات و تربت امام حسین ع بردارند و اگر آب فرات نباشد باب
باران بردارند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کام فرزندان خود را بخرما بردارید که حضرت رسول
چنین کرد با حسن و حسین ع و حضرت رسول ص فرمود که هر که فرزندی از او متولد شود باید که اذان در گوش راست
و اقامه در گوش چپ او بگوید که نگاهدارنده اوست از شر شیطان و از حدیث ولادت حسین ع معلوم
میشود که مکروه است طفل را در ابتدای ولادت بجامه زرد پیچیدن و سنت است که در جامه سفید بپیچند و از
حضرت صادق ع منقولست که کام طفل خود را بتربت امام حسین ع بردارید که امان میدهد او را از دردها
و بلاها و از حضرت صادق ع منقول است که شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا باو عطا کرده بود گفت رزقک
الله شکر الواهب و بارک لک فی الموهوب و بلغ اشده و رزقک بره یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن
خداوندی که فرزند را بتو بخشیده است و او را بنهایت قوت برساند و روزی کند ترا نیکی او یعنی بتو نیکوکار باشد

ونزدیک

و نزدیک باین عبارات بسند بسیار از حضرت امام حسین ع منقولست و ابن ادریس ره در کتاب سرائر از حضرت امام جعفر
صادق ع روایت کرده است که هرگاه بر زن دشوار شود زاییدن بنویس از برای او این آیات را و بریسمان ببند بران
رانش و چون وضع حمل شود باز کن و آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یوم یرون
ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها
اذ قالت امرأت عمران انی نذرت لک ما فی بطنی محررا و مؤلف کتاب طب الائمة ع روایت کرده
است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع آمد و گفت زن من از درد زاییدن مشرف بر موت شده
حضرت فرمود که برو این آیه را بر او بخوان فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت یا لیتنی مت
قبل هذا و کنت نسیا منسیا فناداها من تحتها الا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریا
و هزی الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا پس باواز بلند بگو و الله اخرجکم من بطون
امهاتکم لا تعلمون شیئا و جعل لکم السمع و الابصار و الافئدة لعلکم تشکرون کذلک
اخرج ایها الطلق باذن الله چون بخوانی در ساعت نجات یابد بیاری خدا و بسند دیگر از آن
حضرت روایت کرده است دشواری زاییدن این آیات را در ظرف پاکیزه بمشک و زعفران بنویسند
و باب چاه بشویند و بخورد آن زن بدهند و بر شکم و فرجش بپاشند کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا
عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک
الا القوم الفاسقون لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثا یفتری و لکن
تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمة لقوم یؤمنون و بسند دیگر از حضرت
صادق ع روایت کرده است که این آیات برای حامله در کاغذی بنویسند و در وقتی که داخل شود در ماهی
که در آن ماه وضع حمل او میشود در چیزی بران بپیچد اما گره نزنند و بر کمر آن زن ببندند چون چنین کنند درد
و آزار زاییدن باو نرسد و بعد از زاییدن بزودی بگشایند و یک ساعت باو نگذارند این است آیات
اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء
حی افلا یؤمنون و آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون و الشمس تجری لمستقر

لهَاذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن
تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي
الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ
إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ و در پشت
کاغذ این آیات را بنویسد كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ
فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که راست ترین نامها نامیست که دلالت بر بندگی خدا بکند مثل عبد الله
و بهترین نامها نام پیغمبران است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که فرزند را در شکم مادر نام بگذارید
که اگر نام نگذارید و سقط شود در قیامت با پدر خود گوید که چرا مرا نام نگذاشتی و رسول خدا ص در شکم نام
گذاشت و محسن آن فرزند است که بعد از حضرت رسول ص در شکم مادر بود که او را شهید کردند و از حضرت امام
موسی ع منقول است که اول نیکی که پدر بفرزند خود میکند آن است که او را نام نیکو بگذارد و حضرت رسول ص
فرمود که هر که چهار فرزند از برای او بوجود آید و هیچیک را بنام من مسمی نکرداند مرا جفا کرده است و در حدیث
دیگر از حضرت امام موسی ع منقولست که فقر و بینوایی داخل خانه نمیشود که در ان خانه نام محمد یا احمد یا علی
یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا فاطمه یا عبد الله بوده باشد و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت
حضرت رسول ص آمد و گفت مرا پسری بهم رسیده او را چه نام کنم فرمود که نام کن او را به بهترین نامها
نزد من که حمزه است و از جابر منقول است که گفت با حضرت امام محمد باقر ع بخانه شخصی رفتیم طفلی بیرون
آمد حضرت از او پرسیدند چه نام داری گفت محمد پرسیدند که چه کنیت گفت ابو علی حضرت فرمود که
خود را از شر شیطان در خطیره محکمی در آورده بدرستی که هرگاه یکی را آواز کنند بنامی از نامهای ما
شیاطین پریشان میشوند و اما اگر یکی را بشنود آواز میکنند بنام دشمنان ما شاد میشوند و فخر
میکنند و در حدیث منقولست که شخصی بحضرت صادق ع گفت خدا پسری بمن داده است فرمود که
مبارک باشد چه نام کرده او را گفت محمد حضرت سر را بجانب زمین فرود آوردند و مکرر میگفتند محمد

تا انکه نزدیک شد که روی ایشان بزمین برسد پس فرمودند که جان خودم و فرزندانم و پدر و مادرم و جمیع اهل
زمین فدای حضرت رسول ص چون او را چنین نام مبارکی کرده او را دشنام مده و بد با و مرسان و بدانکه
هیچ خانه نیست که در ان اسم محمد باشد مگر انکه هر روز انخانه را مقدس و مطهر میکردانند و در چندین حدیث وارد
که حضرت رسول ص نهی فرمود از نام گذاشتن باسم حکم و حکیم و خالد و مالک و فرمود که دشمن ترین نامها نزد من
حارث و مالک و خالد است و نهی فرمود از چهار کنیت ابو عیسی و ابو الحکیم و ابو مالک و ابو القاسم و ابو طالب
در وقتی که نام محمد باشد باید که نام و کنیت موافق حضرت رسول ص نباشد و در حدیث وارد شده است که این نام
نکنند که مخصوص حضرت پیغمبر ص است و از حضرت رسول ص منقول است که هر گروهی که جمع شوند برای مشوره
و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا احمد باشد البته رای ایشان با نچه خیر است قرار میگیرد و فرمود
فرزندی را که محمد نام کنید او را گرامی دارید و جا در مجلس برای او وا کنید و رو بسوی او ترش مکنید و فرمود که هر اهل
بیتی که در میان ایشان نام پیغمبری باشد حق تعالی هر روز صبح و پسین ملکی میفرستد که دعا کند برای ایشان بتقدس
و پاکی و در فقه الرضا مذکور است که نام را در روز هفتم تعیین کنید و بدانکه از جمله اعمال که در وقت ولادت سنت
مؤکد است غسل دادن طفل است بعضی واجب میدانند و احوط آن است که نیت کند غسل میدهم این طفل را
از برای رضای خدا و سرش را اول بشوید و بعد از ان جانب راستش و بعد از ان جانب چپش
در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب هر یک بدانکه عقیقه فرزند سنت مؤکد است بر کسی که قادر بران
باشد و بعضی از علما واجب میدانند و بهتر آن است که در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کنند تا بلوغ طفل
بر پدر سنت است و بعد از ان تا آخر عمر خودش را سنت است و در احادیث معتبره وارد شده که عقیقه واجب
بر کسی که او را فرزندی بهم رسد و در احادیث بسیار منقول است که فرزند در گرو عقیقه است اگر نکنند در معرض تلف
و انواع بلاها است و از حضرت صادق ع منقول است که عقیقه لازم است بر کسی که غنی باشد و بر کسی که فقیر
باشد بعد از انکه بهم رساند بکند و اگر بهم نرساند بر او چیزی نیست و اگر عقیقه نکنند تا وقتی که قربانی از برای او
بکنند قربانی از عقیقه مجزی نیست و در حدیث دیگر منقولست که از ان پرسیدند که ما طلب کردیم گوسفند
از برای عقیقه و نیافتیم چه میفرمائید تصدق کنیم قیمتش را فرمود که طلب کنید تا بیابید که خدا دوست میدارد

٧

خورانیدن طعام و ریختن خون را و در حدیث دیگر پرسیدند فرزندیکه در روز هفتم بمیرد عقیقه میباید کرد فرمود
که پیش از ظهر اگر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند و در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقول است که بخدمت
آنحضرت عرض کردم که نمیدانم پدرم از برای من عقیقه کرده است یا نه پس فرمود که عقیقه کن پس او در پیری از برای خود عقیقه
کرد و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است که فرزند را در روز هفتم نام بگذار و عقیقه کن و سر تراش و هم وزن
موی او نقره تصدق کن و پا و ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده است در زاییدن بفرست و باقی را
بخورد مردم بده و در حدیث موثق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری برای تو متولد شود عقیقه کن در روز
هفتم گوسفندی یا شتری و نام بگذار و هم وزن موی سرش طلا یا نقره تصدق کن و در حدیث دیگر وارد
شده است که ربع گوسفند را بقابله بدهید و اگر بی قابله زاییده باشد باید آنرا بقابله بمادر بدهند که بهرکه
خواهد بدهد و گوشت عقیقه بخورد ده کس از مسلمانان بدهند هرچند زیاده باشد بهتر است و خود از گوشت
عقیقه نخورند و اگر قابله زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند را بدهند و مشهور میان علما آن است که
عقیقه شتر یا گوسفند یا بز میباید باشد و از حضرت امام رضا ع منقول است که حضرت رسول در روز ولادت
اذان بگوش امام حسن و امام حسین گفتند و حضرت فاطمه ع در روز هفتم از برای ایشان عقیقه کردند و بقابله
پای گوسفند را دادند با یک اشرفی و باید که عقیقه اگر شتر باشد پنج ساله یا در ششم باشد یا گر بز باشد
یک ساله یا در دوم یا بیشتر و اگر گوسفند باشد اقلا شش ماه یا در هفت و میباید که خصیه اش را نکشیده باشند
و بهتر آن است که نه مالیده باشند و مغز شاخش نشکسته باشد و گوشش نبریده باشد و بسیار لاغر نباشد
و کور نباشد و لنگ بسیار نباشد که بدان راه رفتن دشوار باشد و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفند که باشد خوب است غرض گوشتش هرچند فربه
تر باشد بهتر است و مشهور میان علما آنست که سنت است که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده
باشد و گمان فقیر آن است که از برای هردو نر خوب است موافق احادیث معتبره بسیار و از برای
هردو گوسفند ماده هم خوب است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر است
که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان میباشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است که استخوانها را

شکنند

نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند و اقلش آنست که با آب
نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدق هم خوبست و اگر ~~با آب و نمک~~ و اگر حیوان بهم نرسد
قیمتش را تصدق کردن فائده ندارد بلکه باید صبر کند تا بهم رسد و شرط نیست که جماعتی که بخوردن عقیقه
حاضر میشوند فقیر باشند اما صلحا و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور میان علما آن است
که اول سر تراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده است که سر تراشیدن و عقیقه را کشتن و موی
سر را با طلا و نقره کشیدن و تصدق در یکجا و یکوقت میباید کرد و سر تراشیدن سنت است که
سر را تراشند و زلف و کاکل نگذارند و در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد حضرت رسول ص آوردند
که برای او دعا کنند و آن طفل کاکل داشت حضرت دعا برای او نکردند و فرمودند که کاکلش را تراشید
اما در روایتی وارد شده که حضرت رسول ص برای امام حسن و امام حسین ع دو گیسو در جانب چپ سر
ایشان گذاشته شد و در روایت دیگر ممکن است که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در تراشیدن
اول کراهیت داشته باشد و در روایتی وارد شده است که زعفران بر سر او بمالند بعد از تراشیدن
و در احادیث بسیار نهی وارد شده از مالیدن خون عقیقه بر سر طفل که آن از عمل جاهلیت است و در روایت
معتبر وارد شده از حضرت امام جعفر صادق ع که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ
وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ عَقِيقَةٌ عَنْ فُلَانٍ و نام او را بگوید لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا
بِعَظْمِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ وِقَاءً لِآلِ مُحَمَّدٍ ع و در روایت معتبر دیگر فرمود که این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ
وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللهُ اَكْبَرُ اِيمَانًا بِاللهِ وَثَنَاءً عَلٰى رَسُولِ اللهِ ص وَالْعِصْمَةَ لِاَمْرِهِ وَ
الشُّكْرَ لِرِزْقِهِ وَالْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا اَهْلَ الْبَيْتِ پس اگر پسر باشد بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ وَهَبْتَ
لَنَا ذَكَرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا اَعْطَيْتَ فَكُلَّمَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلٰى سُنَّتِكَ
وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ ص وَاَخْسِئْ عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سُفِكَتِ الدِّمَاءُ وَلَا شَرِيكَ لَكَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَشَعْرُهَا
بِشَعْرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِفُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ و بجای فلان نام طفل و پدرش
را ببرد و در حدیث موثق فرمود که این دعا بخواند يَا قَوْمِ اِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ

لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلٰوتِی وَنُسُکِی وَ
مَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَاشَرِیکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ اَللّٰهُمَّ
مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ
و نام فرزند را ببرد پس آنرا بکشد

در ختنه کردن پسران و دختران و سوراخ کردن گوش ایشان و آداب

هر یک بدانکه در روز هفتم سنت مؤکد است ختنه کردن پسران و اگر در هفتم نکنند هم سنت است تا بالغ شدن و بعد از بالغ شدن بر خودش واجب است و بعضی گفته اند که نزدیک ببلوغ بر ولی طفل واجب است و ختنه کردن دختران نیز سنت است و مستحب است که اندکی ببرند و بسیار نبرند و سوراخ کردن نرمه گوش و بالای گوش چپ از برای پسران سنت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم که پاکیزه تر میکند بدن طفل را و گوشت در بدن او زودتر میروید و زمین کراهت دارد از بول کسی که ختنه نکرده باشند چهل روز و در حدیث دیگر فرمود که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که پسر را در روز هفتم ختنه کردن سنت است و اگر پس اندازند هم باکی نیست و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که کسی که مسلمان شود ختنه اش کنند اگرچه هشتاد ساله داشته باشد و در چند حدیث وارد شده است که ختنه کردن در مردان سنت است و در زنان سنت نیست اما باعث این میشود که نزد شوهران گرامی باشند و چه چیز از این بهتر میباشد و در روایتی از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که ختنه نکنند زنان را مگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقول که چون زنان در خدمت حضرت رسول ص هجرت کردند زنی آمد که او را ام حبیبه میگفتند او زنان را ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیب آنکاری که داشتی داری گفت بلی یا رسول الله مگر آنکه نهی کنی مرا و ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا بیاموزم که چه باید کرد چون ختنه کنی زنان را بسیار مبر و اندکی بگیر که رو را نورانی تر و رنگ را صاف تر میکند و نزد شوهر عزیزتر میدارد و ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطگی میکرد حضرت فرمود که چون زنان را مشاطگی کنی جلا دادن بپارچهای جامه بر روی ایشان مالیدن خوب نیست آبروی ایشان میبرد و موی دیگری را بموی ایشان پیوند مکن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که در وقت ختنه کردن پسر این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل بخوانند که از او حرارت آهن را از کشتن و غیره از او دفع میکند دعا این است اَللّٰهُمَّ هٰذِهٖ سُنَّتُکَ

وسنت

وَسُنَّةُ نَبِیِّکَ صَلَوٰاتُکَ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَاتِّبَاعٌ مِنَّا لَکَ وَلِکُتُبِکَ لِمَشِیَّتِکَ وَاِرَادَتِکَ وَقَضَائِکَ
لِاَمْرٍ اَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَحُکْمٍ اَنْفَذْتَهُ وَاَذِقْهُ حَرَّ الْحَدِیدِ فِی خِتَانِهٖ وَحِجَامَتِهٖ لِاَمْرٍ اَنْتَ
اَعْرَفُ بِهٖ مِنِّی اَللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِی عُمْرِهٖ وَادْفَعِ الْاٰفَاتِ مِنْ بَدَنِهٖ وَالْاَوْجَاعَ
عَنْ جِسْمِهٖ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنٰی وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ و از حسین بن خالد منقول

است که از حضرت امام رضا ع سوال کرد که تهنیت و مبارک باد فرزند را چه روز باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن ع متولد شد جبرئیل ع برای تهنیت بر حضرت رسول ص نازل شد ... که او را نام بگذارد و سرش را تراشد و عقیقه از برای او بکند و گوشش سوراخ بکند ... و در ولادت حضرت امام حسین ع در روز هفتم جبرئیل ع نازل شد و باینها امر کرد ایشان را دو گیسو بود در طرف چپ سر و در گوش راست نرمه گوش را سوراخ کردند و در گوش چپ در بالای گوش و از حضرت صاحب الامر ع منقولست که اگر پسر را ختنه کنند و باز غلاف بروید و سر حشفه را پنهان کند میباید بار دیگر ختنه کنند او را زیرا که زمین ناله میکند از بول کسی که ختنه اش در غلاف باشد تا چهل صباح و از حضرت صادق ع منقول است که کسی را که ختنه نکرده باشند پیش نمازی مردم نکند و اگر بمیرد بر او نماز نکنند زیرا که بزرگ ترین سنتهای پیغمبر را ترک کرده است مگر آنکه از ترس ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اول زنی را که ختنه کردند هاجر مادر اسمعیل بود که ساره مادر اسحق از روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادتی خوبی او شد و از آن روز سنت جاری شد که زنان را ختنه کنند

ترس مردان

در آداب شیر دادن و تربیت

کردن فرزندان و رعایت ایشان بدانکه منتهای شیر دادن فرزند دو سال است و مشهور میان علما آن است که بی عذری زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر آزاری داشته باشد و مضطر باشد و از بیست و یکماه کمتر شیر ندهند و جمعی از علما واجب میدانند که مادر بفرزند بخوراند از شیر اول که بپستانش می آید و گفته اند که اگر آن شیر را نخورانند طفل باقی نمیماند یا قوت نمییابد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که نافعتر و مبارکتر از برای فرزند شیر مادر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع دیدند که مادر اسحق فرزند خود را شیر میداد فرمود که ای مادر اسحق از یک پستان شیر مده از هر دو پستان شیر بده که یکی بعوض آب است و دیگری بعوض طعام و فرمود که کمتر از بیست و یکماه شیر ندهند بفرزند و دایه یهودی و نصرانی میتوان گرفت و فرزند را با ایشان

نباید داد و فرزند را که بخانه خود برند و منع باید کرد ایشان را از خوردن شراب و گوشت خوک و سایر چیزهای که
حرام است در دین مسلمانان و ایشان حلال میدانند و در احادیث معتبره نهی کرده اند شیر زنی را که از زنا
بهم رسیده باشد و در بعضی اخبار وارد شده که اگر کنیزی زنا کند و فرزندی بهم رساند اگر صاحب کنیز حلال
کند کنیز خود را آنمردی را که زنا کرده است آن شیر را بفرزند میتوان داد و در اخبار نهی وارد شده است
از شیر زنی که خودش از زنا بهم رسیده باشد و حضرت رسول ص نهی فرمود از شیر زن احمق یا زنی
که چشمش معیوب باشد زیرا که شیر تاثیر میکند در فرزند و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که دایه بگیرید که
بصورت و سیرت نیکو باشد زیرا که شیر در طفل سرایت میکند و طفل شبیه میشود بدایه در صورت
و سیرت و از حضرت صادق ع منقولست که فرزند خود را تا هفت سال بگذار که بازی کند و بعد از آن
تا هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت سال دیگر حلال و حرام خدا را بیاموز و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقول است که طفل را تا هفت سال نگهداری و تربیت بدنش باید کرد و هفت
سال دیگر باو میباید آموخت و هفت سال دیگر خدمتش میباید فرمود تا بیست و سه سال قدش بلند
میشود و تا سی و پنج سال عقلش زیاد میشود و دیگر بعد از آن او را تجربها حاصل میشود و در روایت دیگر وارد
شده که پسران که شش ساله شدند ایشان را در یک لحاف نخوابانند و در روایت دیگر وارد شده که پسران و دختران
که ده ساله شوند باید که رخت خواب ایشان را جدا کنند و حضرت صادق ع فرمود که فرزندان خود را زود احادیث
بیاد ایشان باید داد که مخالفان مذهب ایشان را گمراه نکنند و در احادیث معتبره وارد شده که فرزندان
خود را تادیب کنید بر محبت علی بن ابیطالب ع اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادرهای شان یعنی این علامت
فرزند زناست که قبول محبت حضرت امیر المؤمنین ع نمیکند مگر کسی که حلال زاده باشد و حضرت
صادق ع فرمود که هر که ما اهل بیت را در دل خود بیابد مادرش بسیار دعا کند که با پدرش خیانت نکرده است
و از حضرت رسول ص منقول است که حق فرزند بر پدر آنست که او را بنام نیکو بخواند و نیکو تادیب
کند و بکسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقول است که سکونی بخدمت حضرت امام جعفر صادق
ع آمد و گفت من غمگینم فرمود که سبب غم تو چیست گفت خدا بمن دختری داده است فرمود که ای

سکونی

سکونی زمین او را بر میدارد و روزیش بر خداست و زندگانی میکند بغیر عمر تو و روزی ترا نمیخورد پس فرمود
که او را چه نام کرده گفت فاطمه حضرت فرمود که آه و دست بر پیشانی گذاشتند و فرمود که رسول خدا ص
فرمودند که حق فرزند بر پدر اگر پسر باشد آن است که مادر نیک برای او بگیرد و نامش را نیک تعیین کند
و قران باو بیاموزاند و او را ختنه کند و شناگری باو یاد دهد و اگر دختر باشد مادر نیک برای او قرار دهد
و نامش را نیک کند و سوره نور را باو یاد دهد و سوره یوسف باو نیاموزاند و در بالاخانه او را جا ندهد و زود
او را بخانه شوهر بفرستد پس فرمود که چون فرزند خود را فاطمه نام کرده او را دشنام مده و نفرین مکن و
مزن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که حضرت رسول ص فرمود که بفرزندان خود بیاموزید
شنا کردن و تیر انداختن و از حضرت رسول ص منقول است که شوخی و کج خلقی طفل در کودکی علامت آن
است که در بزرگی برده بار و دانا خواهد بود و از حضرت رسول ص مرویست که خدا رحم کند پدر و مادر را
که یاری کنند فرزندان خود را در نیکی کردن با ایشان و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص
فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که رحم کند فرزند خود را بر نیکی راوی گفت که چگونه اعانت کند فرمود
که کار آسان که از او بعمل آید قبول کند و کاری که بر او دشوار باشد و نکند از او در گذرد و تکلیفهای دشوار
باو نکند و سفاهت و تندی باو نکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر
صادق ع عرض کرد که با که نیکی کنم فرمود که با پدر و مادرت گفت ایشان مرده اند گفت با فرزندت
نیکی کن و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید با ایشان
و اگر وعده کنید با ایشان وفا کنید بآن زیرا که ایشان گمان میکنند که شما روزی ایشان میدهید
و حضرت امام موسی ع فرمود که خدا غضب نمیکند برای چیزی مثل آنکه غضب از برای ظلم زنان و طفلان
میکند و در حدیث صحیح از حضرت رسول ص منقول است که هر که فرزند خود را ببوسد خدا حسنه برای او
بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند خدا او را در قیامت شاد کند و هر که قران بیاموزد بفرزند خود
در قیامت پدر و مادر ایشان را بطلبند و دو حله بایشان بپوشانند که از نور آن جامه روی اهل بهشت
روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت هرگز فرزند خود را نبوسیده ام

چون او رفت حضرت فرمود که این مرد نزد من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی
داشته باشد باید که با آن طفل بازی بکند و حضرت صادق ع فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بانکه
بسیار دوست دارد فرزند خود را و در حدیث دیگر مرویست که حضرت رسول ص دیدند شخصی را که دو پسر داشت
یکی را بوسید حضرت فرمود که هر دو را مثل هم چرا مهربانی نکردی و بهتر آن است که میان فرزندان زیادتی
قرار ندهید مگر آنکه یکی عالم‌تر و صالح‌تر و باین سبب او را زیادتی دهید و در حدیث معتبر از حضرت امام
جعفر صادق ع منقول است که چون پسر سه ساله شد باو یاد بدهید که سه مرتبه بگوید لا اله الا الله و چون سه سال
و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد پس باو بگویید که هفت مرتبه بگوید محمد رسول الله پس چون چهار سالش
تمام شود باو بگویید که هفت نوبت بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد و چون پنج سالش تمام شود او را بدارید
که خدا را سجده کند و چون شش سالش تمام شود او را نماز یاد بدهید و چون هفت سالش تمام شود وضوء را
باو یاد دهید و امر بنمازش کنید و چون نه سالش تمام شود وضو و نماز خوب بیادش دهید و بر ترک نماز
بزنیدش پس چون وضوء و نماز را یاد گرفت خدا پدر و مادرش را می‌آمرزد و در روایت دیگر منقولست که
حضرت امیر المؤمنین ع نهی فرمود از آنکه حربه آهن باطفال بپوشانند یا بدست ایشان دهند و در
حدیث معتبر دیگر نهی فرمود که چربی و کثافت دست و روی اطفال را در شب پیش از خواب بشویید
که شیطان می‌آید و ایشان را بو میکند و در خواب میترسند و ملائکه نویسندگان اعمال متأذی میشوند
و از حضرت رسول ص منقولست که هر که ببازار رود و تحفه بخرد و بردارد و برای عیال خود بخانه آورد
چنان است که تصدقی برای جمعی از فقرا برداشته و بایشان رسانیده است و باید که اول بدختر دهد
پیش از پسران بدرستی که هر که دختری را خوشحال کند چنان است که بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده
است و کسی که دیده پسری را روشن کند و او را شاد گرداند چنان است که از ترس خدا گریسته است و
هر که از ترس خدا گریسته باشد خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است
که باطفال خود بخورانید قاووت که گوشت در بدن ایشان میرویاند و استخوان ایشان را محکم میکند و در
حدیث دیگر فرمود که انار بخورانید که زودتر ایشان را بحد جوانی و قوت میرساند و در کتاب طب الائمه

از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که اگر طفلی گریه بسیار کند یا زنی در خواب بترسد
یا کسی از دردی بیداری بر او مستولی شود این آیه را بخوانند فَضَرَبْنَا فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ
بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و در احادیث معتبره وارد شده است که دختری
که شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در دامن ننشاند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام
رضا ع در مجلسی بودند دختری را در آن مجلس آوردند و مردم میبوسیدند و در دامن مینشانیدند چون نوبت
بحضرت رسید پرسید که چند سال دارد گفتند که پنج سال دارد حضرت او را دور کردند و نه بوسید و بدامن
ننشانیدند و در حدیث دیگر وارد شده که دختری که شش ساله شود مادر او را برهنه در پهلوی خود نخواباند
که بمنزله زنان است و در حدیث دیگر وارد شده که دختران که شش ساله شدند پسران او را نبوسند و پسر
که از هفت سال بگذرد زنان نبوسد و در احادیث معتبره وارد شده که ملعونست کسی که عیال خود را ضایع
گذارد و خرج ایشان را ندهد یعنی با قدرت و حضرت امام موسی ع فرمود که عیال آدمی اسیران اویند پس کسیکه
خدا باو نعمتی عطا کند بر اسیران خود توسعه کند و اگر نکند بزودی آن نعمت از او زایل شود و حضرت صادق
ع فرمود که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله را بکشد حاجب او باشد از آتش جهنم و حضرت رسول ص
فرمود که در بهشت درجه است که بآن درجه نمیرسد مگر سه کس امام عادل و خویشی که احسان کند بخویشان
خود که و صاحب عیال که بر خرج عیال خود آزار کشد و صبر کند و از حضرت صادق ع منقولست که پنج
کس که نفقه ایشان دادن واجب است فرزند و پدر و مادر و شامل جد و جده پدری و مادریست هر چند
بالا رود

در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت ایشان

بدانکه رعایت
حرمت پدر و مادر از عمده شرایع دین است و ایشان را از خود راضی داشتن از جمله اشرف طاعات است
و عاق ایشان بودن و ایشان را از خود آزرده کردن از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرموده
که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند که کافر باش اطاعت ایشان مکن و اما در دنیا با ایشان
نیکو مصاحبت کن و در حدیث منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت مرا وصیتی بکن
حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا شرک نیاوری هر چند ترا باتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگویی

و دلت بر ایمان ثابت باشد و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی کنی خواه ایشان زنده
باشند یا مرده هرچند ترا گویند که از زن و مال خود بگذر که این از جملهٔ ایمان است و در حدیث معتبر منقولست که
شخصی پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود آنکه نام او نگوید و پیش از او براه نرود و پیش از پدر ننشیند و کاری
نکند که مردم پدرش را دشنام دهند و حضرت صادق ع فرمود که چه مانع است احدی از شما را که نیکی کنید بپدر و مادر خود
خواه مرده باشند و خواه زنده بآنکه بعد از مردن نماز از برای ایشان بکند و حج از برای ایشان بگذارد و روزه برای
ایشان بدارد و آنچه میکند ثوابش بآنها عاید میشود و هم بخودش بسبب این نیکی که با ایشان کرده است خدا ثواب
بسیار باو میدهد و در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول ص آمد و گفت یا رسول الله با که نیکی کنم فرمود که با
مادرت تا سه مرتبه پرسید و حضرت چنین فرمود و در مرتبه چهارم فرمود که بپدرت و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت
حضرت رسول آمد و گفت یا رسول الله ص بسیار رغبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا که اگر کشته شوی
نزد خدا زنده خواهی شد و روزی در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مزدت با خداست و اگر برگردی از گناهان بیرون
می آیی مانند روزی که از مادر متولد شده باز گفت که یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند
که من از ایشان جدا شوم حضرت فرمود که پس با پدر و مادر خود باش بحق آن خداوندی که جانم بدست قدرت اوست
که انسی که ایشان با تو یک شبانه روز داشته باشند بهتر است از یک سال جهاد کردن در راه خدا و حضرت امام محمد باقر
ع فرمود که کسی حق پدر و مادر را نمیتواند کرد مگر در دو چیز آنکه پدر بنده باشد او را بخرد و آزاد کند یا بر او قرضی باشد
ادا کند و در حدیث دیگر فرمود که گاه هست که کسی نیکوکار است با پدر و مادر در زندگی ایشان چون مردند
قرض ایشان را ادا نمیکند و از برای ایشان استغفار نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر مینویسد و گاه هست
که کسی عاق ایشان است در زندگی عاق چون مردند قرضشان را ادا میکند و استغفار از برای ایشان
میکند پس خدا او را نیکوکار مینویسد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا بهیچ جهت رخصت در آن نداده
است اول پس دادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار و خواه بدکار دویم وفا بعهد و پیمان کردن خواه با نیکو
کار و خواه با بدکار سیم نیکی با پدر و مادر خواه نیکوکار باشند و خواه بدکردار و در حدیث دیگر فرمود که ادنای عقوق
پدر و مادر آنست که اف بر روی ایشان بگویی و فرمود که چون روز قیامت شود پرده از پردهای بهشت بر گشایند پس بوی

هر صاحب جانی بوی آنرا از پانصد ساله راه بشنود مگر کسی که عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود که کسیکه
از روی خشم و غضب بسوی پدر و مادر نظر کند در وقتی که بر او ظلم کنند خدا هیچ نماز او را قبول نکند و در حدیث دیگر
فرمود که از عقوق است کسیکه تند نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام محمد باقر ع
فرمودند که پدرم ع دیدند که شخصی با پسرش با او راه میرود و تکیه بر دست پدر کرده بود پدرم ع هرگز با آن پسر سخن نکرد
تا زنده بود و حضرت صادق ع فرمود که با پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما با شما نیکی کنند و از زنان دیگر عفت
کنید تا از زنان شما عفت کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که خواهد خدا سکرات مرگ را بر او آسان کند
با خویشان خود احسان کند و با پدر و مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را خدا بر او آسان کند و هرگز
در زندگی او پریشانی باو نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که چهار خصلت است
که از مؤمنان در او این چهار خصلت جمع شود حق تعالی او را در اعلای مراتب بهشت در بلندترین غرفهای
عزت و شرف او را جای دهد کسیکه یتیم را پناه دهد و متوجه احوال او گردد و از برای او بجای پدر باشد و کسیکه
ضعیف و شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارهای او را متکفل شود و کسیکه خرج پدر و مادر خود را بکشد و با
ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان کند و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسیکه بندهٔ خود را یاری کند و سفاهت و
تندی با او نکند و اعانت کند او را بر خدماتی که میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد و با او نفرماید و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که سه دعاست که البته مستجاب است دعای پدر و مادر برای فرزند
نیکوکار و نفرین ایشان بر کسی که عاق ایشان باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسیکه انتقام
او از ظالم بکشد و دعای مؤمنی که برای برادر مؤمنی کند که او را از برای اهل بیت شریک در مال خود ساخته باشد
و نفرین مؤمنی بر کسیکه برادر مؤمنش بر او محتاج شده باشد و قدرت داشته باشد که او را اعانت کند و نکند
و از حضرت رسول ص منقول است که هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی بر روی پدر و مادرش نظر
کند بهر نگاه کردن ثواب حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر روزی چند مرتبه نظر کند فرمود
که خدا بزرگتر و کریمتر است و در حدیث دیگر فرمود که نگاه کردن بر روی عالم عبادت است و نظر بر روی برادر
مؤمن کردن از برای خدا عبادت است و فرمود که سه گناه است که عقوبتش در دنیا زود بآنکس میرسد عقوق

پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم و کفران نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در میان
بنی اسرائیل پیغمبری بود که او را جریح ملیثا میدانند و در صومعه خود پیوسته مشغول عبادت بود روزی مادرش نزد او آمد و او مشغول نماز
بود او را آواز داد و او جوابش نداد بار دیگر آمد و او را طلب کرد و باز با او سخن نگفت و مشغول نماز بود مادرش گفت که از خدای بنی اسرائیل
میخواهم که ترا باین گناه بگیرد روز دیگر زنی زناکاری که در بنی اسرائیل بود آمد و نزد صومعه او نشست و فرزندی زائید و گفت این
فرزند از جریح است که با من زنا کرده و این فرزند از او بهم رسیده در میان بنی اسرائیل شهرت یافت که آنکسی که مردم را از زنا
ملامت میکرد خود زنا کرده پادشاه فرمود که او را بر دار کشند پس مادرش آمد و بر روی خود میزد جریح گفت خموش باش که این بلا
از نفرین تو متوجه من شده چون مردم این را شنیدند از سبب آن واقعه پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند ما چون بدانیم
که تو راست میگویی گفت آن طفل را بیاورید عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیستی طفل بامر الهی بسخن آمد و گفت که فرزند فلان
کسم که شبانی گوسفندان فلان میکند پس از کشتن نجات یافت و سوگند خورد که تا زنده باشد خدمت مادر بکند و از مادر جدا
نشود و احادیث در حق پدر و مادر زیاده از آن است که استیفا توان نمود

در بیان آداب مسواک کردن و شانه کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و امثال آن

در بیان فضیلت مسواک کردن

در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست که مسواک کردن از سنت پیغمبرانست و حضرت رسول ص فرمود که پیوسته
جبرئیل مرا امر بمسواک میفرمود تا آنکه ترسیدم که دندانهایم سائیده شود یا بریزد و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر
مرا امر بمسواک کرد که گمان کردم که بر امت من واجب شود و حضرت ع فرمود که در مسواک دوازده خصلت است از سنت
پیغمبر است ص و دهان را پاک میکند و جلا دهنده چشم است و موجب خوشنودی پروردگار است و بلغم را رفع میکند و حافظه را
زیاد میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را مضاعف میگرداند و دوست اند خندیدن و بوسیدن دهان را و بن دندان را
محکم میکند و ملائکه بآن خوشنود میشوند و در حدیث دیگر فرمود که آب ریختن چشم را برطرف میکند و نور چشم را زیاد میکند
و حضرت رسول ص فرمود چرا من دندانهای شما را زرد می بینم چرا مسواک نمیکنید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
امیر المؤمنین ع وصیت فرمود که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی و بسند معتبر از حضرت امام موسی و امام رضا ع
منقولست که سنتهای حنیفیه حضرت ابراهیم ده است پنج در سر و پنج در بدن اما آنها که در سر است پس مسواک کردن
و شارب گرفتن و موی سر را حصه کردن که جای مسح گشوده شود و مضمضه کردن یعنی آب در دهن کردن و گردانیدن

و ریختن و استنشاق کردن یعنی آب در بینی بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن است ختنه کردن و پشت زهار
را تراشیدن و موی زیر بغلها را کندن و ناخنها را گرفتن و استنجا کردن و در روایت دیگر منقول است که
آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن و موی سر را تراشیدن و مسواک کردن
و در روایت دیگر منقول است که آن پنج که در سر است و خلال کردن و آن پنج که در بدن است موهای بدن را ازاله
کردن و ختنه کردن و ناخن گرفتن و ختنه کردن و غسل جنابت کردن و استنجا با آب کردن و از حضرت رسول ص
منقولست که اگر نه این بود که بر امت من دشوار میشد هر آینه واجب میگردانیدم بر ایشان که در هر وقت نماز
مسواک کنند و از حضرت صادق ع منقولست که چون بنماز شب برخیزی مسواک کن که ملک می آید و دهان خود را
بر دهان تو میگذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر میخوانی بآسمان میبرد پس باید که دهان تو خوشبو باشد و علی ابن
جعفر از برادر خود حضرت موسی ع سوال کرد که آیا میتواند کسیکه بنماز شب برخیزد بانگشت مسواک کند و او توانا
که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد که صبح طلوع کند باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
امام جعفر صادق ع دو سال پیش از فوت ترک مسواک کرد بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف بود
و از حضرت رسول ص منقول است که سه چیز است که حافظه را زیاد میکند و دردهای بدن را میبرد کندر خائیدن
و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبران است بوی خوش
کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک کردن و خضاب بحنا کردن و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که خانه
کعبه بخدا شکایت کرد از نفسهای بدبوی کافران حق تعالی باو وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعوض ایشان جماعتی را بسوی
تو خواهم فرستاد که دهنهای خود را بچوب درختان پاک کنند پس چون حضرت رسول ص مبعوث شد جبرئیل
مسواک و خلال از برای آنحضرت آورد و در حدیث معتبر منقولست که شخصی از حضرت امام جعفر صادق ع سؤال
کرد از مسواک کردن بعد از وضوء حضرت فرمود که مسواک را پیش از وضوء باید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو
بسازد بعد از وضوء مسواک کند پس سه مرتبه مضمضه کند بعد از مسواک کردن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است
که اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز بایستد ملکی می آید و دهن را بر دهن او میگذارد و آنچه میگوید بخود نگاه میدارد و اگر
مسواک نکند بکنار می ایستد و خواندنش را میشنود و از حضرت رسول ص منقول است که دو رکعت نماز که با مسواک باشد

بهتر است از هفتاد نماز که بی مسواک باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که مسواک کند باید که بعد از آن
مضمضه کند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص مسواک را بالعرض دندانها میمالیدند و حضرت امام
موسی ع فرمود که مسواک کردن در بیت الخلا مورث گنده دهانست و منقولست از حضرت امام محمد باقر ع منقول
است که مسواک کردن در حمام دندانها را میریزد و فرمود که مسواک را ترک مکن در هر سه روز اگر چه یک مالیدن باشد

در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی ع منقولست که سه چیز است که
هر گاه کسی لذت آنرا یافت ترک نمیکند مو را از بیخ گرفتن و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان و حضرت صادق ع
فرمود که موی سر را از بیخ بگیر تا چرک نگیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردنت کنده شود و دیده ات جلا یابد
و بدنت راحت یابد و حضرت صادق ع فرمود که من هر جمعه سر میتراشم و در حدیث دیگر فرمود که موی پشت
سر را تراشیدن غم را زایل میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که چون موی سر بلند
شود چشم را ضعیف میکند و نورش را زایل میکند و مویش را ازاله کردن دیده را جلا میدهد و در فقه الرضا ع
منقولست که چون خواهی که سر تراشی رو بقبله ابتدا بکن از پیش سر از جانب پیشانی تراش تا دو استخوان که
از پهلوهای گوش بلند شده اند و در حین شروع این دعا بخوان بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلیٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ ص
وَسُنَّةِ اِبْرٰهِیمَ حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا سَاطِعًا
یَوْمَ الْقِیٰمَةِ پس چون فارغ شوی بگو اَللّٰهُمَّ زَیِّنِّی بِالتَّقْوٰی وَجَنِّبْنِی الرَّدیٰ وَاَجْنِبْ شَعْرِی وَ
بَشَرِی الْمَعَاصِی وَجَمِیعَ مَا تَکْرَهُ مِنِّی فَاِنِّی لَا اَمْلِکُ لِنَفْسِی نَفْعًا وَلَا ضَرًّا و در روایت دیگر منقول
است که در وقت شروع این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلیٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ ص اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی بِکُلِّ
شَعْرَةٍ نُورًا یَوْمَ الْقِیٰمَةِ و چون فارغ شود بگوید اَللّٰهُمَّ زَیِّنِّی بِالتَّقْوٰی وَجَنِّبْنِی الرَّدیٰ

در آداب موی سر نگاه داشتن مردان و زنان بدانکه زنان را بی ضرورت عذری موی سر را
تراشیدن حرام است و مردان را یکی از دو چیز سنت یا آنکه موی سر را تمام بتراشند و این بهتر است یا آنکه
موی سر را تمام بگذارند و تربیت کنند یا آنکه بشویند و شانه کنند و موی پیش سر را دو حصه کنند که در میان سر ته مو
ظاهر شود و چون در اول اسلام سر تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب پیغمبر نباید کاری بکند که در نظرها

قبیح

قبیح نماید حضرت رسول ص موی سر را بقدر چهار انگشت میگذاشتند و در حج و عمره میتراشیدند و در حدیث
معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که موی سر را بلند بگذارد نیکو رعایتش و تربیتش نماید یا آنکه از ته ببرد
بلند نگذارد و در حدیث وارد شده که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا حضرت رسول ص موی سر را دو حصه
میکردند و میانش را گشاده میگذاشتند فرمود که آنحضرت مو را بنحوی بلند نمیگذاشتند که بنرمه گوش برسد و هیچیک از
پیغمبران موی سر را بلند نگاه نمیداشتند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که موی سر را بلند بگذارد و میانش
را نگشاید حق تعالی در روز قیامت پاره از آتش بگشاید و در حدیثی وارد شده که حضرت رسول ص نهی فرمود
از آنکه زنی بحد بلوغ رسیده باشد بروش مردان جمیع موهای سر را در پیش سر یا میان سر یا اطراف سر گره بزند
و بیاویزد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از کاکل گذاشتن و مو را در
پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب آنکه موی
سر را در پیش سر گره میزدند و نقش خضاب میکردند محتمل است که مراد از خضاب نقش آن باشد که متعارف
است در میان زنان عرب که بسوزن بدست و بدن میزنند و سرمه و غیر آن در آن میریزند که رنگش میماند
و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند از زنی که موی بالای پیشانی خود را میبرد
یا میکند یا موهای روی خود را میکند یا آنکه گیس خود را با گیس باف میکند میبافد فرمود که باکی نیست
و در حدیث دیگر فرمود که اگر با پشم یا موی حیوانات یا موی همان زن خودش ببافند اما با موی زن
دیگر نبافند و موی زن دیگر را با موی خود پیوند نکنند بدانکه اگر با موی حیوانی پیوند کرده باشند
که گوشتش حرام باشد در حال نماز می باید که در حال نماز باز نماید که در آن نماز کردن جایز نیست مگر آنکه
موی آدمی باشد که پیشتر مذکور شد که نماز در این توان کرد

در فضیلت شارب گرفتن یعنی موی لب
بالا را به گرفتن سنت مؤکد است و هر چند بیشتر بگیرند بهتر است و از حضرت رسول ص منقولست
که شارب گرفتن رفع غم و وسواس میکند و سنت حضرت رسول ص است و حضرت رسول ص فرمود
که سنت است گرفتن موی شارب تا آنکه برسد بدم لب بالا و حضرت صادق ع شارب را انقدر
میگرفتند که بته میرسید و از حضرت صادق ع منقولست که شارب گرفتن از جمعه تا جمعه دیگر امان

میدهد از خوره و در حدیث دیگر وارد شده که شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که دعائی تعلیم من کن که باعث زیادتی
روزی شود حضرت فرمود که شارب و ناخن بگیر و باید که در روز جمعه باشد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت
منقول است که هر که ناخن و شارب بگیرد در هر جمعه و در وقت گرفتن بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى
سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بعد هر ریزه که از مو و ناخن او بریزد حق تعالی ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان
اسمعیل باو عطا فرماید و بیمار نشود مگر به بیماری مرگ و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که در روز
شنبه و پنجشنبه ناخن بگیرد عافیت یابد از درد دندان و درد چشم و در حدیث دیگر فرمود که شارب را
تا ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید و خود را با گبران و یهودان شبیه مگردان و فرمود که از ما اهل بیت
نیست هر که شارب خود را نگیرد

در آداب ریش بلند کردن

بدانکه سنت است ریش را
میانه گذاشتن نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه و زیاده از قبضه گذاشتن مکروه است و احتمال حرمت
نیز دارد و مشهور میان علما آن است که تراشیدن ریش حرام است اما دو طرف لب ما بین را تراشیدن
جایز است و احوط آنست که اصلاح بسیار که شبیه بتراشیدن باشد نکنند و از حضرت صادق ع
منقولست که آنچه از ریش که زیاده از قبضه است در آتش است و در حدیث منقول است که دست بر ریش
بگیر و آنچه زیاده از قبضه باشد ببرد و از محمد بن مسلم منقولست که گفت دیدم مصلحی اصلاح ریش امام محمد باقر ع
میکرد باو فرمود که ریش را مدور کن و از حضرت صادق ع منقول است که حضرت رسول صلعم شخصی را دید که
که ریش درازی داشت فرمودند که چه میشد که این مرد ریش خود را باصلاح می آورد چون این خبر باو رسید
ریش را میانه ساخت و بخدمت آنحضرت آمد حضرت فرمود که چنین کنید ریش را و در حدیث معتبر منقول
است که حضرت امام محمد باقر ع پهلوهای رو را تنک میکردند موی ریش را و زیر ذقن را هم میچیدند و در حدیث
دیگر منقولست که آنحضرت ریش را تنک میکردند و انبوه نمیگذاشتند و علی بن جعفر از حضرت
امام موسی ع پرسید که از روی ریش میتوان گرفت حضرت فرمود که از عارض یعنی از پهلوهای
رو بلی و از پیش رو نه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که در زمان
پیش گروهی بودند که ریش را میتراشیدند و شارب را بلند میگذاشتند حق تعالی ایشان را مسخ کرد

از حضرت

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون حق تعالی توبه آدم را قبول کرد سر بسجده گذاشت
و چون سر برداشت رو باسمان کرد و گفت پروردگارا حسن و جمال مرا زیاده گردان بعد
از آن ریش بسیار سیاهی بر رویش رویید و پیشتر ریش نداشت گفت پروردگارا
این چیست گفت این زینت تو و زینت مردان از فرزندان تو ست تا روز قیامت

در بیان فضیلت موی سفید و حکم کندن آن

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است که پیش از زمان حضرت ابراهیم ع موی سفید در ریش بهم نمیرسید گاه بود که کسی
بمجلسی می آمد پدر و فرزندانش در آن مجلس حاضر بودند میان پدر و فرزندان فرق نمیکردند میپرسیدند
که کدام یک پدر شماست چون زمان حضرت ابراهیم علیه السلام شد دعا کرد که خداوندا برای
من موی سفید قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم پس موی سر و ریش سفید شد و از
حضرت صادق ع منقولست که اول کسی که موی سفید در محاسن او بهم رسید حضرت ابراهیم
بود ع نظر کرد موی سفید در محاسن خود دید گفت پروردگارا این چه چیز است خطاب
باو رسید که این باعث وقار آدمی است گفت پروردگارا وقار مرا زیاده گردان و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حضرت ابراهیم ع موی سفید در محاسن خود دید
گفت حمد و سپاس مر خداوندی را سزاست که مرا باین سن رسانید و در یک چشم زدن معصیت او نکردم
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که موی سفید را مکنید که آن نور مسلمان است
و هر که یک موی سفید در ریش او پیدا شود در اسلام نوری باشد از برای او در قیامت و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه کسند که در روز قیامت خداوند با ایشان سخن نمیگوید
و نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشان را نمی پسندد و برای ایشان عذاب مهیاست
کسیکه موی سفید را خود را بکند و کسیکه بدست با ذکر خود بازی کند که او را منی بیاید یا با جاهای
بدن خود و کسیکه دیگران با او لواط کنند و دور نیست که این حدیث محمول بر آن باشد که برای
غرضی فاسد موی سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که باکی

نیست موی سفید را کندن و بریدن اما بریدنش را دوست تر میدارم از کندن ودر
حدیث دیگر هم وارد شده است از آنحضرت که در کندن و بریدن هر دو باکی نیست ودر
حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام تجویز بریدن موی سفید میفرمود
اما کندنش را مکروه میداشت واز حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه واله فرمود که موی سفید در ریش رو میمون و مبارک است ودر عارضها
علامت سخاوت وجوانمردیست ودر جای زلف علامت شجاعت است ودر پشت
سر شوم است وظاهر مراد ابتدای سفید شدن است   در کندن موی بینی و
بازی کردن با ریش ودر حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که باید که هر کس موی
شارب وموی بینی را بگیرد و باحوال بدن خود بپردازد که اینها باعث زیادتی جمال اوست
واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که موی بینی را گرفتن رو را خوب میکند
واز حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چهار چیز است که از وسواس
شیطان است گل خورده را بدست ریزه کردن وناخن را بدندان گرفتن واز
حضرت صادق علیه السلام منقول است که بسیار دست بر ریش مگذار که رو را معیوب
وبدنما میکند   در فضیلت ناخن گرفتن واز حضرت رسول ص منقولست که ناخن
گرفتن دردهای بزرگ را دفع میکند وروزی را فراخ میگرداند وحضرت امام محمد باقر ع
فرمود که برای این امر کرده اند بناخن گرفتن که چون بلند شد شیطان دران جا میکند
وموروث فراموشی است وحضرت صادق ع فرمود که سنت مؤکد است ناخن گرفتن ودر
حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص میفرمود مردانرا که ناخن را از ته بگیرند وزنان را میفرمود
که اندکی بلند بگذارید که زینت شماست ودر روایت دیگر وارد شده که چند گاه
وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه واله نازل نشد از سبب آن پرسیدند فرمود که چگونه
ازمن وحی باز نه ایستد وحال آنکه شما ناخن نمیگیرید ومنقول است که منع فرمودند که ناخن را بدندان

فصل

در بیان اوقات ناخن گرفتن منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله
نهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان ودر حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن
گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند از خوره وپیسی وکوری واگر احتیاج بگرفتن نداشته باشی لبی که از آن
را ببرند ودر حدیث دیگر فرمود که شارب وناخن در هر جمعه بگیر واگر نباشد از شبها وغیر آن
حک کن تا دیوانگی وخوره وپیسی بتو نرسد ودر حدیث دیگر فرمود که هر که در هر جمعه ناخن وشارب بگیرد پیوسته
باطهارت باشد تا جمعه دیگر ودر حدیث دیگر فرمود که شارب وناخن گرفتن وسر بخطمی شستن در هر جمعه فقر را
برطرف میکند وروزی را زیاد میکند ودر حدیث دیگر فرمود که ناخن گرفتن برای زیادتی روزی از
کردن بهتر است آن حضرت عرض کردند که خبر بما رسیده است که تعقیب خواندن بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب
حضرت فرمود که میخواهی که چیزی بتو تعلیم کنم که از این نافع تر باشد گفتم بلی که ناخن وشارب را در هر جمعه بگیر اگرچه
لب ندیده باشد ودر حدیث معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دید که از آزار چشم داشت
فرمود که میخواهی چیزی بتو بیاموزانم که اگر بجا آوری هرگز درد چشم نبینی گفت بلی فرمود که در هر پنجشنبه
ناخن بگیر آن شخص چنین کرد هرگز درد چشم ندید واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که بر این
مداومت کند از آزار چشم نشیند هرگز ودر حدیث معتبر وارد شده است که در ناخن گرفتن ابتدا از انگشت کوچک دست
چپ بکند وبانگشت کوچک دست راست ختم کند ودر حدیث دیگر وارد شده که هر که در روز چهارشنبه
ناخن بگیرد وابتدا کند بانگشت کوچک دست راست وختم کند بانگشت کوچک دست چپ او را امان دهد
از درد چشم ودر روایت دیگر وارد شده است که در روز پنجشنبه ابتدا کند بناخن انگشت کوچک دست راست
وانگشت ابهام نگیرد پس ابتدا کند بانگشت کوچک دست چپ وانگشت ابهام نگیرد ایمن باشد از درد چشم
ودر روایت است که اگر در روز چهارشنبه بگیرد ابتدا بانگشت دست چپ کردن بهتر است واگر در روز پنجشنبه
بگیرد ابتدا در هر دستی بانگشت کوچک آن دست بکند واگر در روز جمعه یا در روزها بگیرد ابتدا بانگشت کوچک
دست چپ وختم بانگشت کوچک دست راست کند واگر در همه وقت ابتدا بانگشت کوچک دست چپ کند
خوب است چنانچه ابن بابویه گفته است ودر حدیث دیگر منقول است که هر که ناخنهای خود را در روز پنجشنبه

بگیرد و یک ناخن را که از و صدا ایشان را از او زایل کرده اند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در
روز سه شنبه ناخن بگیرد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که ناخنهای خود را در روز
جمعه بگیرد حق تعالی دردها را از سر انگشتان او بیرون کند و دوا را در آنها داخل کند و کسی که در روز پنجشنبه ناخن
بگیرد از درد دندان و درد چشم عافیت یابد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که ناخنها را
در روز جمعه گرفتن هر دردی را بر طرف میکند و در روز پنجشنبه گرفتن روزی فراخ میکند و در حدیث دیگر منقول است
که بحضرت امام موسی علیه السلام عرض کردند که اصحاب ما میگویند که البته ناخنها را در روز جمعه باید گرفت و اگر خواهی
در روزهای دیگر یعنی اگر در روزهای دیگر دراز باشد و احتیاج بگرفتن داشته باشد صبر نباید کرد تا روز جمعه
چنانچه در حدیث دیگر وارد شده است که هر گاه بلند شود بگیرد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که در روز جمعه ناخن بگیرد و شارب گرفتن دردها از او بر طرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که هر که پنجشنبه ناخن بگیرد فرزندانش درد چشم نبیند و اگر کسی خواهد که ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو را بیابد در روز پنجشنبه
بگیرد و یک ناخن را برای جمعه بگذارد تا همه را در پنجشنبه گرفته باشد و در جمعه سوهان را بر آن مالد که ریزه چند بریزد و در وقت
ناخن گرفتن بگوید بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد چنانچه حدیث در باب شارب گرفتن
گذشت و آنچه مشهور است که در ناخن گرفتن دست راست اول انگشت شهادت را بگیرد و بعد از آن انگشت
کوچک را و بعد از آن انگشت ابهام و بعد از آن انگشت میانه و بعد از آن انگشت دیگر و در دست چپ اول انگشت
بعد از انگشت کوچک را بگیرد و بعد از آن انگشت میانی و بعد از آن انگشت ابهام بعد از آن انگشت کوچک و بعد از آن
انگشت شهادت و در خبر از اهل سنت چنین وارد شده است و آنچه پیش ذکر کردیم از اخبار شیعه است و عمل بآن
کردن اولی است

در بیان دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزها که دفن باید کرد

از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقول است که در تفسیر این آیه کریمه الم نجعل الارض کفاتا احیاء و امواتا
یعنی آیا نگردانیده ایم زمین را محل انضمام و اجتماع و پنهان شدن در حالتی که زنده اند و در حالتی که مرده اند
حضرت فرمود که مراد از احیاء دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر فرمود که چهار چیز را در گل پنهان
کنند

کنند مو و دندان و ناخن و خون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هفت چیز است که از آدمی
جدا میشود و آنها را دفن باید کرد ناخن و مو و خون حیض و بچه دان و دندان و علقه که پاره خون شده باشد

در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش

در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که
جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را سرکوب میکند و روغن بر بدن مالیدن اندوه را زایل میکند و شانه ریش را نیز زایل میکند و سر را شانه کردن
تب می برد و ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که سر را شانه
کردن تب را دفع میکند و روزی را می آورد و قوت جماع را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
شانه کردن فقر را بر طرف میکند و درد سر را میبرد و در حدیث دیگر فرمود که روزی را زیاد میکند و موی را نیکو میکند و حاجت
را روا میکند و پشت را محکم میکند و بلغم را قطع میکند و در روایت دیگر موجب بسیاری فرزند میشود و در حدیث دیگر شانه
کردن عارض دندانها را محکم میکند و شانه کردن پایین ریش طاعون را از آدمی دور میکند و شانه کردن زلف وسواس سینه را
میبرد و شانه کردن سر بلغم را قطع میکند

در آداب و اوقات شانه کردن و انواع شانه ها

در
حدیث معتبر منقول است که در میان جا نماز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شانه بود که هر گاه که از نماز فارغ میشدند
شانه میکردند و در حدیث حسن از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است در تفسیر این آیه کریمه خذوا زینتکم
عند کل مسجد یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی حضرت فرمود که از زینت شانه کردن است نزد هر نمازی
و در حدیث دیگر فرمود نزد هر نماز واجب و سنتی و در حدیث دیگر که هر گاه سر و ریش را شانه کنی شانه را بر سینه خود
بکش که اندوه و بیماری را می برد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ریش خود را هفتاد نوبت شانه
کند و بشمارد یک یک شیطان چهل روز بنزدیک او نیاید و در حدیث دیگر فرمود که کسی اراده شانه کردن داشته
باشد شانه را بدست راست بگیرد در حالتی که نشسته باشد و بر بالای سر بگذارد و پیش سر را شانه کند و بگوید
اللهم حسن شعری و بشری و طیبهما و اصرف عنی الوباء پس عقب سر را شانه کند و بگوید
اللهم لا تردنی علی عقبی پس ابروها را شانه کند و بگوید اللهم زینی بزینة الهدی
پس ریش را از طرف بالا بزیر شانه کند و شانه را بر سینه بمالد و بگوید اللهم سرح عنی الهموم و وحشة
الصدور و وسوسة الشیطان پس از پایین ریش بطرف بالا شانه کند و سوره انا انزلناه فی

لیلة القدر بخوان و از طرف بالا بجانب پایین هشت مرتبه شانه کن و سوره والعادیات بخوان پس بگو
اللهم سرح عنا تا آخر دعا و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که شانه زند هفت مرتبه بر سر و ریش آنکه ریش
دردی نزدیک او نیاید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که ایستاده شانه مکن که باعث ضعف دل میشود
و نشسته شانه کن که دل را قوی میکند و پوست را پر میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله با آب شانه میکردند یعنی شانه را با آب فرو میبردند و میمالیدند و در روایت وارد شده است
که در وقت شانه کردن ریش سنت است که این دعا بخوانند اللهم صل علی محمد و آل محمد والبسنی جمالا
فی خلقک و زینتی فی عبادک وحسن شعری و بشری ولا تبتلنی بالنفاق وارزقنی
المهابة بین بریتک والرحمة من عبادک یا ارحم الراحمین منقول است که هر که ایستاده
شانه کند صاحب قرض شود و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقول است که ایستاده شانه کردن باعث فقر
و پریشانی میشود و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله ریش را از طرف پایین چهل مرتبه
و از طرف بالا هفت مرتبه شانه میکردند و میفرمودند که ذهن را زیاد میکند و بلغم را قطع میکند و از هشام ولید منقول است
که از حضرت صادق علیه السلام پرسید از روغن دان و شانه که از استخوان فیل باشد فرمود که باکی نیست و از حسن بن
عاصم منقول است که بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام رفت و دید که حضرت شانه از استخوان فیل در دست دارد
و به آن شانه میکند گفت فدای تو شوم صاحب ما در عراق میشد که شانه کردن از استخوان فیل را حلال نمیداند فرمود که
چرا پدرم یک شانه و دو شانه از این داشت پس فرمود که شانه کنید باستخوان فیل که تب را میبرد و در احادیث
بسیار وارد شده است که ائمه علیهم السلام به استخوان فیل شانه میکردند و در روایت از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که به شانه نقره و طلا ایشان شانه کردن مکروه است

در اداب بوی خوش کردن و گل بوییدن و روغن مالیدن

در سبب پیدا شدن بوهای خوش در زمین و در حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون آدم و حوا از بهشت بر زمین آمدند حضرت آدم بکوه صفا
قرار گرفت و حضرت حوا بر کوه مروه و حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش آنجا گیسوی خود را شانه کرده
و بسته بود چون بزمین آمد گفت چه امید داشته باشم از نشاطی که در بهشت کرده ام و حال آنکه الحال صفا

از من در بهشت

از من در بهشت است پس گیسوهای خود را گشود پس آن بوی خوش که از گیسوی او فرو ریخت و باد مشرق و مغرب
برد و اکثر آن بر زمین هند ریخت پس به سبب آن اکثر بوهای خوش در هند میروید و در حدیث دیگر از حضرت
منقول است که چون حضرت آدم از آن درخت که نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامه ها و زیورهای
بهشت همه از او فرو ریخت پس برگی از برگهای بهشت را گرفت و عورت خود را پوشید چون بزمین آمد
باد جنوب بوی خوش آن برگ را به هند و بستان رسانید و درختان و گیاههای هند را خوشبو گردانید
و این گیاههای خوشبو در هندوستان پیدا شد و اول جانوری که آن برگ بهشتی را از آن گیاه ها خورد آهوی
مشک بود چون از آن برگ خورد بوی خوش در گوشت و خونش جاری شد تا آنکه جمع شد در پشت نافش
و از آن مشک بهم رسید

در فضیلت بوی خوش و اداب آن در احادیث معتبره وارد شده است
که عطر بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبران است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش
دل را قوی میکند و قوت جماع را می افزاید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که سزاوار
نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را در هر روز و اگر قادر نباشد یک روز نه یک روز و اگر قادر نباشد در هر جمعه
البته ترک نکند و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقول است که بوی خوش نشاط است و [illegible] از اخلاق پیغمبران
و گرامی داشتن ملائکه است که اعمال آدمی را مینویسند به سبب آنکه ایشان را خوش می آید و از حضرت صادق علیه السلام
مرویست که هر که در اول روز بوی خوش بر خود بمالد تا شب عقلش با او باشد و فرمود که نماز کسی که خوشبو باشد
بهتر است از هفتاد نماز بی بوی خوش باشد و فرمود که سه چیز است که خدا به پیغمبران داده است بوی خوش و زنان
و مسواک و در حدیث دیگر فرمود که لازم است بر بالغ که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش بر خود بزند
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون روز جمعه میرسید و بوی خوش نزد آن حضرت نبود دستمال بعضی از زنان
را طلبیدند که بوی خوش داشت و تر میکردند و بر روی مبارک خود میمالیدند و در حدیث دیگر منقول است که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در موضعی که سجده میفرمودند بعد از آن دیگران میشناختند آن موضع را از بوی خوش
آن حضرت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمود که جبرئیل مرا گفت که یک روز در میان خود را خوشبو کن و روز جمعه
البته ترک مکن و میفرمودند که در روز جمعه البته خود را خوشبو کنید اگرچه از بوی خوش زنان باشد در روزی

عثمان بن مظعون بخدمت آن حضرت عرض کرد که میخواهم بوی خوش و چیزی چند را از خود ترک کنم حضرت فرمود
ترک بوی خوش مکنید که ملائکه بوی خوش مؤمن را می بویند و در هر جمعه البته ترک مکن و فرمود که هر چه صرف مینمائی
در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله که زر در بوی خوشبوی زیاده
از طعام صرف میکردند و فرمود که بوی زنان رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و رنگش مخفی باشد
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که ناخن بگیرید در روز سه شنبه و حمام بروید در روز چهارشنبه و حجامت بکنید در روز پنجشنبه
و بهترین بوها خود را خوشبو کنید در روز جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار چیز است که دل را میگشاید
و غم را زائل میکند بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن و بسبزه نظر کردن و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که زن مسلمان پیوسته برای شوهر خود را خوشبو کند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله سه خصلت بود که دیگری را نبود اول آنکه آنحضرت را سایه نبود دوم آنکه از هر راهی که میگذشت
آنکه دو روز یا سه روز کسی که از آن راه میگذشت میدانست که آنحضرت از آن راه عبور نموده اند از بوی خوشی که در آن
راه مانده بود سیم آنکه بهر سنگ و درختی که میگذشت آنحضرت را سجده میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که هر زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید پیوسته لعنت الهی بر او باشد تا بخانه برگردد

در کراهت رد کردن بوی خوش از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا کسی نمیتواند بوی خوش را
که برای او بیاورند رد کند و قبول نکند فرمود که سزاوار نیست که رد کند کرامت را و در حدیث دیگر فرمود که
نزد حضرت امیر المؤمنین آوردند روغن خوشبو آنحضرت گرفته و بر خود مالیدند و در آن عرض روغن مالیده بودند
و بعد از آن فرمودند که ما هرگز بوی خوش را رد نمیکنیم و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
رد نمیکردند بوی خوش و شیرینی را که برای آنحضرت می آوردند و از حسن بن جهم منقول است که گفت رفتم بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام برای من ظرفی که در آن مشک بود آوردند فرمود که بردار و بر خود بمال قدری برداشتم
و مالیدم و پاره دیگر ماند فرمود این را در بغل خود بمال مالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود
که رد نمیکند کرامت را مگر خر گفتم کرامت چیست و کدام است فرمود که بوی خوش و بالشی که برای نشستن و تکیه
کردن و تواضع کنند و مانند آن

در فضیلت مشک و عنبر و زعفران و عود در حدیث معتبر

دیگر منقول است

دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه مشک دانی از قلعی داشتند و هر وقت که اراده
رخت پوشیدن میکردند از او طلبیدند از آن مشک بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر وارد شده است
که شیشه از مشک داشتند در جای نماز خود و هر گاه که بنماز برمیخواستند بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنقدر مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق مبارک
ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشک دانه داشتند که
هر گاه وضو میساختند بدست تر از آن می گرفتند و چون بیرون می آمدند از بوی میدانستند که آنحضرت میآید
و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام حقه بیرون آوردند از آبنوس و در آن حقها بود که
در هر خانه بوی خوشی بود و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام
سؤال کرد که آیا مشک در روغنی که بر خود میمالند داخل میتوان کرد فرمود که من میکنم و باکی نیست و در روایت دیگر
منقول است که باکی نیست که مشک داخل طعام کنند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردند و احادیث در مدح خلوق وارد شده است و آن بوی
خوشی بوده است که از چند چیز ترتیب می آورده اند و بیشتر زعفران بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است
که مداومت بر آن نکنند و در روایت دیگر وارد شده است که شب تا صباح بر بدن نگذارند و حضرت
که نهی برای آن باشد که رنگش در بدن بسیار نماند

در فضیلت غالیه منقول است که اسحق
بن عمار بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من با تجار سودا میکنم و غالیه بر خود میمالم برای آنکه مرا فقیر
ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیارش مساوی است کسی که اندک غالیه گاه گاه بر خود بمالد کافی است
او را اسحق گفت که من بعد از فرموده حضرت عمل کردم و غالیه ده درم خریدم و تمام سال از آن خوشبو بودم و در حدیث دیگر
منقول است که حضرت علی بن الحسین علیه السلام شبی از خانه بیرون آمدند و جبه خز و عبای خز پوشیده بودند
و ریش خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آنحضرت که در این شب باین هیئت برای چه بیرون
آمده اید فرمود که میخواهم عبادت کنم و حوران بهشت را از خدا خواستگاری مینمایم یعنی برای عبادت زینت
و بوی خوش کردن سنت است و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که روغنی

برای آنحضرت غالیه آوردند که در آن مشک و عنبر وصل کرده بودند فرمود که کاغذی آیة الکرسی و سوره حمد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیه چند از آیات حفظ حفظ نوشتند و در میان غلاف شیشه آن روغن گذاشتند
و بر سر شیشه بر ریش خود مالیدند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که روغن ما
از برای آنحضرت غالیه آوردند و بقبضه درهم برآمد فضل بن سهل وزیر مأمون علیهما اللعنه بود بحضرت نوشت
که مردم ستمکار را درین باب عیب میکنند حضرت در جواب نوشت که مگر نمیدانی که یوسف پیغمبر خدا دیباهای
طلاباف می پوشید و بر کرسیهای طلا می نشست و با اینها از حکمتش چیزی کم نشد پس حضرت فرمود که غالیه برای
ما ساختند بچهار هزار درهم

در فضیلت روغن بر بدن مالیدن

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقول است که روغن مالیدن بشره را نرم میکند و دماغ را زیاد میکند و مجاری آب را در بدن آسان میکند و خشونت
جلد را میبرد و رنگ رو را صاف میکند و رو را نورانی میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که روغن مالیدن توانگری را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر
منقول است که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود و بشره را سیراب میکند و روی را سفید میکند
و در حدیث دیگر فرمود که هرکه مومنی را روغن بمالد حق تعالی برای او بعدد هر موئی نوری مینویسد که در قیامت
باو عطا فرماید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون روغن را بر کف دست ریزی بگو اللهم
انی اسئلک الزین والزینة والمحبة واعوذ بک من الشین والشنآن والمقت
پس کف را بر بالای سر بگذارد و از اینجا ابتدا کند بروغن مالیدن و در روایت دیگر وارد شده است
که چون روغن بر کف ریزی اللهم انی اسئلک الزین والزینة فی الدنیا والدین و
اعوذ بک من الشین والشنآن فی الدنیا والآخرة و در چند حدیث نهی وارد شده است
از مداومت بر روغن مالیدن در هر روز و در روایتی وارد شده است که ماهی یکبار بمالد و در روایت
هفته یکمرتبه تا دو مرتبه و زنان را هر روز مالیدن بهتر است

در فوائد روغن بنفشه

در حدیث
حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شماست و در حدیث دیگر
فرمود که فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت ماست بر سایر مردم و در حدیث دیگر فرمود منقول است

بنفشه

فضیلت شیعیان ماست بر سایر خلق و در روایت دیگر فرمود که مثل فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و فرمود که
که نیکو روغنی است روغن بنفشه بسیار بمالید که درد را از سر و چشم میبرد و در حدیث دیگر فرمود که از ما به
شما چیزی نمی آید که ما بیشتر دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عقبه منقول است که از اسب افتاده
بود و دماغش آسیب یافته بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در دماغش بچکانید چنان کردند
شفا یافت بعد از آن فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زمستان گرم است و در تابستان خنک است برای شیعیان
ما گرم است و از برای دشمنان خنک است و اگر مردم فضیلت او را بدانند هر شیشه را وقیه از آن قیمتش
بکند اشرف شود و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانید که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که اگر مردم فواید روغن را بدانند هر شیشه از آن بسیار بخورند و در حدیث دیگر
منقول است که درد سر را زایل میکند و دماغ را صاف می آورد

در فواید روغن بان

و روغن زنبق بدانکه بان فستق هندی است که از آن روغن میگیرند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که نیکو روغنی است روغن بان و در حدیث دیگر منقول است که شخصی با آنحضرت شکایت از رگها که درد
و با هم میرسد فرمود که پنبه را بگیر و روغن بان را بادرزی در ناف خود بگذار یا روغن را در ناف بریز
آن شخص یکمرتبه این کار کرد آزار او زایل شد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است
که هرکه روغن بان بر خود بمالد و در پیش او شیطان نخوابد بعبادت آلهی باد خیر فرمودند رسانیده اند و از
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که بر خود بمالید روغن را که امان است از هر دردی و پیران
از استعمال آن منع فرموده اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن
زنبق نیست و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام موسی و امام رضا علیهما السلام که در بینی میچکانیدند
و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که در روغن زنبق شفای هفتاد درد است
و ظاهر است که مراد زنبق تعیین باشد که اثر او را زنبق میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی
وارد شده است

در فواید روغنها

منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هرکه بخورد و بمالد از شیطان

تا چهل روز صبح و شام نزدیک او نیاید و در بعضی اخبار وارد شده است که روغن گل سرخی لطیفی است و در روایت
دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی علیه السلام که روغن گل سرخی بر خود میمالیدند و در موثق منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روزی که صداع ایشان را عارض میشد روغن کنجد در بینی میچکانیدند و در
حدیث معتبر دیگر منقول است که آنحضرت دوست میداشتند که روغن کنجد در بینی بچکانند
در فضل بخور و انواع آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار است مرد را که هرگاه قادر باشد
جامه‌های خود را بوی خوشبو بدارد و از حضرت امام رضا علیه السلام مروی است بسیار بوی بخور میشنیدند و مرازم
روایت کرده که با حضرت امام موسی علیه السلام بحمام رفتیم چون حضرت بیرون آمدند در رختکن عود سوز طلبیدند
و خود را خوشبو کردند پس فرمودند که مرازم را نیز خوشبو کنید و در روایت دیگر وارد شده است که
چون زنان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام میخواستند که بخور کنند اول تا هسته‌های خرمای صیحانی که نوعی است
از خرماهای مدینه پاک میکردند و پوست را از آن دانه پاک میکردند و در آتش می انداختند و جامه بر بالای بخور
میداشتند و میگفتند که این بیشتر جامه را خوشبو میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که عود خالص بویش در جامه تا چهل روز میماند و عودی که با او بویهای خوش دیگر درآورده باشند بویش تا بیست روز
میماند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام با عود هندی خالص بخور میکردند و بعد از آن گلاب
و مشک بر خود میپاشیدند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعود قماری
بخور میکردند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که بر شما باد بعود هندی که در آن هفت نوع از
شفاهاست و در روایت دیگر منقول است که تحفه برای مرد روزه‌دار آنست که ریشش را روغن بمالند
و جامه‌اش را بخور بدارند و تحفه زن روزه‌دار آنست که گیسویش را شانه کنند و جامه‌اش را بخور بدارند
و سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در وقت بخور کردن
این دعا را میخواندند الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات اللهم طیب عرقنا و زک
روائحنا و احسن منقلبنا و اجعل التقوی زادنا و الجنة معادنا و لا
تفرق بیننا و بین عافیتک و ایانا و کرامتک لنا انک علی کل شیء قدیر

دکهه

و گفته است در روایت دیگر منقول است که در وقت بخور و بوی خوش اندیشه بخواند الحمد لله رب العالمین
اللهم استغنیتنی بما رزقتنی و لا تسلبنی ما خولتنی و اجعل ذلک رحمة و لا تجعله وبالا
علی اللهم طیب ذکری بین خلقک کما طیبت ذکری بین خلقک کما طیبت بشری و نشری
بفضلک عندی
در بیان فضل گلاب و گل سرخ و انواع گلها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که گلاب بر رو زدن آبرو را زیاد میکند و پریشانی را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که
هر که گلاب بر رو بمالد در آن روز بدحالی و پریشانی نیابد و چون گلاب بر رو زند باید حمد خدا
و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز اول ماه مبارک
رمضان یک کف گلاب بر رو بریزد در آن ماه ایمن گردد از خواری و پریشانی و هر که در آن روز بر سرش یک کف
گلاب بریزد در آن سال از مرض برسام و ذات الجنب ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر دو کف مرا از گل سرخ پر کرده بمن عطا فرمودند چون نزدیک
بمشام خود بردم فرمودند که بهترین گلهای بهشت است بعد از گل مورد و در حدیث دیگر فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که چون مرا باسمان بردند از عرق من قطره چند بر زمین ریخت و گل سرخ از آن رویید پس کسی که بدر یاد
ماهی حوت است که پر دارد و مخصوص که کرمی است در میان آب که رسنی دارد و دم باریک درازی خوانند که
پر دارد و در میان ایشان نزاع شد پس حق تعالی ملکی را فرستاد که در میان ایشان حکم کرد و نصفی را بماهی داد و نصف
را به مخصوص داد پس سبز بر بالای سبز که در زیر گل میباشد در ماتکلف دم ماهی است که از هر طرف پری دارد
دم های دیگر لکلک و مخصوص است که پر ندارد و دیگر نصفش لکلک ماهی و نصفش لکلک و مخصوص است و در روایت
دیگر منقول است که چون آنحضرت را بمعراج بردند زمین از دوش حضرت محزون شد و بایست گیر در آن روز
و چون برگشتند زمین شاد شد و گل سرخ در آن رویید پس کسی که خواهد بوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را شمام
نماید گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر از طرف عامه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد شده است
که گل سفید از عرق من رویید در شب معراج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و در روایت
وارد شده است که بوییدن نرگس و روغنش را البته فضایل بسیار دارد و چون حضرت ابراهیم را در آتش

ایستاده و حق تعالی آتش را برد و سلام گردانید و در میان آتش نرگس برای آن حضرت رویانید و از آن روز نرگس
در میان مردم بهم رسید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که
نیکو گلیست مرزنگوش در زیر عرش می روید و آبش شفای چشم است و در روایت دیگر منقول است که بسیار نیکو بوئیست
مرزنگوش را که قوت شامه را می افزاید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گل ... کمی نوخ دارد
و سیده الریاحین همه گل سوری است

در آداب گل بوییدن

و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه بشما دهند بوی خوش ببوئید و بر دیده های خود بگذارید
که آن از بهشت آمده است و در حدیث معتبر از مالک جهنی روایت کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
دادم گرفتند و بوئیدند و بر هر دو دیده خود گذاشتند و فرمودند که هر که گلی را بگیرد و ببوید و بر دیده ها بگذارد
پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد هنوز گل بر زمین نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و از حضرت امام
علی النقی صلوات الله علیه منقول است که هر که گل را ببوید و بر دیده ها گذارد و صلوات بر محمد و ائمه علیهم السلام بفرستد
حق تعالی برای او از حسنات بقدر ریگ بیابان عالج که در میان شام و مکه و عراق کشیده است بنویسد و از
گناهان بعدد ریگ آن بیابان محو نماید

در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دارو کشیدن و آداب بعضی از غسل ها

در فضیلت حمام که عمر میگفت که بد خانه ایست حمام عورت را
ظاهر میکند و پرده آدمی را می درد و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که نیکو خانه ایست حمام جهنم را بیاد
می آورد و چرک را از بدن می برد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که حمام یکروز در میان گوشت بدن را
بر افزا میکند و هر روز رفتن پیه گرده ها را می گدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان جعفری منقول است که
گفت بیمار شدم تا آنکه گوشتم تحلیل رفت که بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم فرمود که میخواهی که
گوشت بدنت برگردد گفتم بلی فرمود که یکروز نه بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند زنهار که هر روز
مرو که باعث مرض سل میشود و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی خواهد که فربه شود یکروز بحمام برود و یکروز
نرود و کسی که گوشت زیاد داشته باشد و خواهد که لاغر شود هر روز بحمام برود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقول است که بهترین چیزهای شما حقنه و حجامت کردن و دوا در بینی چکانیدن و حمام است و در روایت دیگر

وارد شده

وارد شده است که دوای بلغم حمام است و در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت
دارد باید که زن خود را بحمام نفرستد و علما توجیه کرده اند بدو وجه اول آنکه این جماعتی است که در آن
بلاد باعتبار گرمی هوا احتیاج ندارند زنان بحمام رفتن دوم آنکه مراد آنست که زن خود را رخصت ندهد
که برای سیر کردن بحمامها رود

در آداب داخل شدن و بیرون آمدن و دعاها که باید خوانده شود

و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل
حمام نشود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با لنگ داخل حمام شود حق تعالی گناهان
او را بر دو ستر خود بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود که هر که داخل شود و دیده خود را از نظر کردن بعورت
دیگران بپوشاند حق تعالی او را از حمیم جهنم ایمن گرداند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از غسل کردن
در زیر آسمان بی لنگ و از داخل شدن در نهرها بی لنگ و فرمود که در نهرها ساکنان هستند از ملائکه و نهی
فرمود از داخل شدن بحمام بی لنگ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که داخل حمام مشو مگر بعد از آنکه اندکی
چیزی در معده ات باشد که حرارت معده را فرو نشاند و این سبب قوت بدن است و داخل حمام مشو
در وقتی که معده پر باشد از طعام و در حدیث دیگر منقول است که هرگاه آن حضرت اراده حمام رفتن میکردند
اندک چیزی ناشتا میل میفرمودند راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بحمام رفتن بهتر است فرمود که نه
بلکه اندک چیزی میباید خورد که صفرا را فرو نشاند و حرارت اندرون را ساکن گرداند و در روایت دیگر
فرمود که حمام رفتن ناشتا بلغم را پاک میکند و بعد از چیزی خوردن صفرا و سودا را پاک میکند و فرمود که اگر
خواهی گوشت کم شود ناشتا برو و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقتی که در رخت
کن حمام جامه ها را از خود میکنی بگو اللهم انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان پس چون
داخل خانه اول شوی بگو اللهم انی اعوذ بك من شر نفسی و استعیذ بك من اذاه و چون
داخل خانه دویم شوی بگو اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر جسدی و قلبی و بگیر از آب گرم
و بر سر بریز و بعضی از آن آب را بر پا بریز و اگر توانی جرعه از آن آب بخور زیرا که مجرای بول را پاک
میکند و در خانه دویم ساعتی صبر کن پس چون داخل خانه سوم شوی بگو نعوذ بالله من النار و نسئله

الجنة و مکرر گوید این را تا هنگام بیرون آمدن از آن جامه گرم و زنهار آب سرد در زمستان در حمام مخور که معده
را فاسد میکند و آب سرد بر خود مریز که بدن را ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آئی آب سرد بر پا
بریز که درد را از بدنت میکند پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اللهم البسنی التقوی و جنبنی
الردی پس چون اینها را که گفتم بکنی از همه دردها ایمن شوی و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است
که چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مومن بگوید ترا طاب حمامک و حمیمک تو در جواب بگوی
انعم الله بالک و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام حسن صلوات الله علیه از حمام
بیرون آمد شخصی به آن حضرت گفت که طاب استحمامک حضرت از او منع کردند پس چون گفت طاب
حمامک باز او را منع کردند پس گفت طاب حمیمک باز منع کردند او پس گفت چگویم فرمود که بگو
طاب ما طهر منک یعنی طیب و پاکیزه و نیکو گرداند به نیکی معنوی بسبب مغفرت گناهان و توفیق
طاعات آنچه پاک شده است در حمام از اعضای بدن تو و پاک گرداند از لوث گناهان و معاصی و ضلالت
آنچه پاکیزه گشته است از تو که آن دل و نفس و عقل و سایر قوی و اعضای باطنه باشد و در روایت دیگر منقول است
که کسی از حمام بیرون آید او بگوید انقی الله غسلک داد در جواب بگو طهرک الله و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که هرگاه از حمام بیرون می آیید عمامه بر سر ببندید و فرمود که بعد از بیرون آمدن از حمام
پا را بپوشید که درد شقیقه را زایل میکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام هرگاه که از حمام بیرون می آمدند در زمستان و تابستان عمامه بر سر می پیچیدند و می فرمودند
که امان است از درد چشم و از درد سر و در روایتی وارد شده است که چون کسی داخل حمام شود
حرارت را دفع کند آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی علیه السلام
وارد شده است که در روز چهارشنبه بحمام نروید

در بیان آنکه در حمام نباید کرد و آنچه مکروه است

منقول است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نهی فرمود که در حمام بر پشت
بخوابند که پیه گرده ها را بسیار کند و بسفال و آجر پای خود مسایید که مورث خوره است و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که با پسر خود بحمام مروید که نظر کند بعورت او و فرمود که پدر و مادر را جایز نیست که نظر

کنند

کنند و در حدیث دیگر فرمود که بر پهلو مخوابید در حمام که پیه گرده ها را میگدازد و لاغر میکند آدمی را و در حمام شانه مکن
که موی ترا تنک میشود و سر را بگل مشوی که غیرت را میبرد و بسفال بر بدن مال که مورث پیسی است و لیف بر بدن مال که آبرو را
می برد و ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد گل مصر و سفال شام است و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام
موسی علیه السلام پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر از
امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نهی فرموده از قرآن خواندن در حمام حضرت فرمود که
نهی نهی میفرمودند که کسی عریان باشد پس اگر لنگ بسته باشد باکی نیست مرد را که در حمام قرآن بخواند اگر غرضش
رضای خدا باشد نه خوش خوانی و در حدیث دیگر منقول است که روزی آن حضرت میخواستند بحمام روند حمامی گفت که اگر
میخواهی حمام را برای شما خلوت کنیم فرمود که در کار نیست مؤمن کارش از این آسانتر میباشد که حمام برای او خلوت
کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که هر که از حمام سفال بردارد و بر بدن خود بمالد و پیسی او را بهم رساند ملامت نکند
مگر خود را و کسی که غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام و خوره او را بهم رساند ملامت نکند مگر خود را
و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زنهار که در حمام بر پهلو مخوابید که پیه گرده ها را آب
میکند و بر پشت مخوابید که درد امعاء بهم میرساند و شانه مکن که موها را میریزاند و مسواک مکن که دندانها را میریزاند و سر را
بگل مشوی که روی را بدنما میکند و لیف بر سر و رو مال که آبرو را میبرد و کف پا را بسفال مسا که باعث
پیسی میشود و از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهودی و نصرانی و گبر و دشمن اهل بیت که از همه بدتر است
جمع میشود و خدا خلقی را از سگ نجس تر نکرده است و کسی که عداوت با اهل بیت دارد از سگ نجس تر است
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که بول کردن در حمام مورث فقر و پریشانی است

در فضیلت شستن بدن و رفع بوهای بد از خود کردن

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که
کافی است آب از برای خوشبو کردن بدن و فرمود که هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه منقول است که شستن سر چرک را می برد و آزار چشم را دفع میکند و غم و اندوه را میبرد و پاکیزه کردن
برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید با آب از بوهای بدی که مردم از آن متأذی میشوند و در پی اصلاح
بدن خود باشید بدرستی که خدا دشمن میدارد از بندگانش که کثیف و گندیده بودن که پهلوی هر کس که

بعورت ۲
و زن خود و فرزند را جایز نیست که نظر کنند بعورت پدر و مادر خود و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت فرموده که کسی نظر بعورت کسی کند در حمام یا آنکه بی لنگ رود که دیگران بعورت او نظر کنند ۲۱

١٢٤

نشیند از او شادی شود و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حق تعالی غضب کرد بر بنی اسرائیل بر قومی که ایشان را
وصل بصر کرد و راضی نشد از ایشان بر قومی که ایشان را از مصر بیرون برد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بر خود را
بگل مصر شوید و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید که خواری و مذلت می آورد و غیرت را می برد و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقول است که دوست نمیدارم که سر خود را از گل مصر بشویم از ترس آنکه مرا ذلیل گرداند و غیرت را ببرد
و از جابر جعفی منقول است که شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام از آنکه کری در سرم هست و بسیار میریزد ایام
رانجرکین میکند فرمود که مورد را بکوب و آبش را بگیر و با برگ که از شراب عنب آورده باشند و بسیار شده
باشد بر هم زن العدر که کف کند پس بر ریش را با آن بشوی تمام حال و بشوی پس روغن شیره بر سر زن
داوجب کن که آن علت زایل میشود در صفت شستن سر با برگ خطمی و در حدیث حسن از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن و شارب گرفتن و سر را بخطمی شستن فقر و درویشی را زایل میکند و روزی
را زیاد میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن سر بخطمی در هر جمعه امان است از پیسی و دیوانگی و در روایت دیگر
فرمود که ناخن و شارب بگیر و سر را بخطمی بشوید در روز جمعه ثواب کسی را دارد که یک بنده آزاد کرده باشد و در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چون حق تعالی حضرت رسول صلی الله علیه و آله را امر فرمود که اسلام را
ظاهر گرداند و حضرت بسوی اسلام دعوت کرد بسیاری از کافران را دید بسیار غمگین شد حضرت جبرئیل علیه السلام برگ
سدر از درخت سدرة المنتهی فرستاد که سر را با آن بشوید پس چون شستن اندوه حضرت برطرف شد و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شستن سر بخطمی امان است از درد سر و برطرف میکند از پیسی و دیوانگی
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که شستن سر بخطمی چرک و جانوران را برطرف میکند
زینت دارو کشیدن و در حدیث حسن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که دارو کشیدن پاک کننده بدن است
و در حدیث صحیح منقول است که عبد الرحمن بن عبد الله گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بحمام رفتم فرمود که دارو بکش گفتم
دو روز است که کشیده ام فرمود که دیگر بکش که پاک کننده بدن است و در این مضمون چند حدیث وارد
شده است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت شکایت کرد دارو کشیدن کرد او گفت که سه روز است که کشیده ام
فرمود که باز بکش که پاک کننده است و در اخبار بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که در زیر بغل در موی

پاکی

نشیند از او حضرت واصل
راضی نشد از ایشان مکر وقتی

حسن قراهی

١٢٤

زیر بغل را که شیطان در انجا پنهان میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
زیرهای بغل را دراز میگذاشتند و میفرمودند که کندن موی زیر بغل دوش ها را سست میکند و در حدیث
دیگر منقول است که واگذاشتن زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در دو حدیث
دیگر وارد شده است که بسیار بود که آنحضرت برای ازاله موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین
انموضع را دارو میکشیدند و بیرون می آمدند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که موی زیر بغل را کندن
کند بغل را برطرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول خدا است فصل هشتم در رعایت
زمانی که نوره را تاخیر توانکرد در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت
داشته باشد اینکه ترک کند ازاله موی زهار را زیاده از چهل روز و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر جمعه دارو میکشیدند موی پشت زهار و میان پاها را و در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که سنت در نوره کشیدن آنست که هر پانزده روز یکمرتبه بکشد و اگر کسی بیست روز بگذرد
هم بکشد خوبست و در روایت دیگر بیست روز براو بگذرد که نوره نکشیده باشد قرض کند بر خدا و نوره بکشد
و کسی که چهل روز براو بگذرد که نوره نکشد او مومن و مسلمان نیست و او را هیچ کرامت نزد خدا نیست و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را زیاده از چهل روز نگذارد پس
اگر چیزی نیابد بعد از چهل روز قرض کند و پس نیندازد و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که دوست میدارم
از برای مومن که هر پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پشت زهار را یکهفته بیشتر نگذارد
و کسی که نوره را زیاده از یکماه ترک کند نمازش مقبول نیست فصل نهم در دعاها وقت نوره کشیدن
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که پیش از نوره کشیدن کمی از نوره بردارد و ببوید و بر سر بینی بگذارد
بگوید صلی الله علی سلیمان بن داود کما امرنا بالنوره و از سوزاندن نوره و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله
علیه منقول است که هر که وقت نوره مالیدن بر بدن این دعا بخواند خدا او را از چرکها و کثافتهای دنیوی و از
گناهان پاک گرداند و بعوض آنمو با وموی کرامت فرماید که در آن مو گناه نکند و بعدد هر موی از
بدنش ملکی خلق کند که از برای او تسبیح الهی کند تا روز قیامت و بدرستی که یک تسبیح از تسبیح ملایکه برابر است

با ثواب هزار تسبیح اهل زمین اللهم طیب ما طهر منی و طهر ما طاب منی و ابدلنی شعراً
طاهراً لا یعصیك اللهم انی تطهرت ابتغاء سنة المرسلین و ابتغاء
رضوانك و مغفرتك فحرم شعری و بشری علی النار و طهر خلقی و زك عملی
واجعلنی ممن یلقاك علی الحنیفیة السمحة ملة ابراهیم خلیلك و دین محمد
صلی الله علیه و آله حبیبك و رسولك عاملاً بشرایعك تابعاً للسنة نبیك صلی الله
علیه و آله آخذاً به متأدباً بتأدیبك و تأدیب رسولك صلی الله علیه و آله و
تأدیب اولیائك الذین غذوتهم بادبك و زرعت الحکمة فی صدورهم
وجعلتهم معادن لعلمك صلواتك علیهم **فصل دهم** در اوقات نوره کشیدن
و سایر آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که یکمرتبه در تابستان نوره کشیدن بهتر است
در فضیلت و نفع از ده مرتبه که در زمستان بکشند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
احتراز کنید از نوره مالیدن در روز چهارشنبه که روز نحس مستمر است و جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پنج چیز است که مورث پیسی است نوره در روز جمعه و چهارشنبه مالیدن
و وضو و غسل با آبی کردن که در آفتاب گرم شده باشد و در حال جنابت چیزی خوردن و در حال حیض با
زنان جماع کردن در حال سیری چیز خوردن و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرکه در روز جمعه
نوره بکشد و پیس شود ملامت نکند مگر خود را و دور نیست که این دو حدیث محمول بر تقیه باشد یا
آنکه یکی از طریق اهل سنت است زیرا که در حدیث گذشت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز جمعه دارو میکشیدند
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردند که مردم میگویند که نوره
کشیدن در روز جمعه مکروه است حضرت فرمود که چنین نیست که تو گمان کرده چه چیز پاک کننده تر است
از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث دیگر منقولست که علی بن یقطین خواست که بخدمت حضرت
امام موسی علیه السلام بنویسد که آیا مرد در حالت جنابت دارو میتواند کشید و فراموش کرد حضرت
از باب اعجاز باو نوشتند که باکی نیست نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق علیه السلام

پرسند

پرسیدند فرمود که باکی نیست و در حدیث حسن منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کسی که دارو
کشد آیا ساده بول میتواند کرد فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که کسی در وقت دارو مالیدن
نشیند بیم آنست که بعلت فتق مبتلا شود و بشیر نبال با حضرت امام محمد باقر علیه السلام بحمام رفت حضرت
لنگی بستند از ناف تا زانو و خدمتکار حمام را طلبیدند آنچه بالا و پایین لنگ بود دارو مالید
بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف تا زانو خود کشیدند و با بشیر گفتند که هرگاه دارو کشی چنین
کن و در بعضی از احادیث تجویز این وارد شده است که غیر عورتین را دیگری مالد و بسند حسن منقولست
که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است که کسی آرد را با روغن زیت مخلوط کند و بعد از نوره
بر بدن بمالد برای آنکه بوی نوره را ببرد فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام
چنین میکردند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آرد را بعد از نوره میتوان
بر بدن مالید فرمود که باکی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسراف است حضرت فرمود که در چیزی که
اصلاح بدن کند اسراف نیست من بسیار است که میفرمایم که آرد نخود را با روغن زیت مخلوط میکنند
و بر بدن میمالم اسراف در چیزی میباشد که مال را تلف کند و بدن ضرر رساند **فصل یازدهم**
در فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره حسین بن موسی علیه السلام روایت میکند که پدرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
هرگاه اراده حمام میکردند میفرمودند که حمام را بسیار گرم میکردند بمرتبه که داخل نمیتوانست شد
پس میفرمود که نمدها را بر زمین حمام می انداختند و بعد از آن داخل میشدند روزی از حمام بیرون آمدند شخصی
از آل زبیر با آنحضرت رسید و اثر حنا در دست آنحضرت دید گفت این رنگ چیست که در دست تست فرمود
که رنگ حناست پدرانم از رسول خدا روایت کرده اند که هرکه بحمام رود و دارو بکشد و بعد از دارو حنا
از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره و پیسی تا نوره کشیدن دیگر و در حدیث معتبر منقولست که
حکم بن عتیبه دید که حضرت صادق علیه السلام حنا برداشتند و بر ناخنهای خود گذاشتند پس فرمودند
که ای حکم چه میگوئی در این باب گفت چه توانم گفت در کاری که شما بکنید اما این کار را پیش ما جوانان
میکنند حضرت فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره شبیه میشود بناخن مردگان بحنا رنگشان میکردانیم بحنا

و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد تقی علیه السلام از حمام بیرون آمده و از سر تا بپای مبارکش مانند گل سرخ شده بود از حنا و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حنا مالیدن بوی بد را میبرد و آبرو را زیاد و دهانرا خوشبو میکند و فرزندانرا نیکو میکند و هر که بعد از داروی نوره از سر تا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از او برطرف شود **فصل دوازدهم** در آداب غسل جمعه و سایر اغسال بدانکه غسلهای واجب بنا بر مشهور علما شش است غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت و مستحب است که در وقت جنابت این دعا بخواند اللهم طهر قلبي وزك عملي وتقبل سعيي واجعل ما عندك خيرا لي اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين و اگر این دعا هم بخواند بهتر است اللهم طهر قلبي واشرح لي صدري واجر على لساني مدحتك والثناء عليك اللهم اجعله طهورا وشفاء ونورا انك على كل شيء قدير و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این دعا بخواند گناهان از او بریزد چنانکه برگ از درخت میریزد و هر قطره از قطرات وضو و غسل او حق تعالی ملکی خلق فرماید که تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و ثوابش از او باشد و گناهانش آمرزیده شود سبحانك اللهم وبحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك واشهد ان محمدا عبدك ورسولك واشهد ان عليا وليك وخليفتك وان اولياءه خلفاؤك واوصياءه اوصياؤك و اما غسلهای سنت شصت و دو غسل است از جمله آنها غسل جمعه است و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آنست که تا مقدور باشد ترک نکند و در احادیث معتبره وارد شده است [معتبره وارد شده است] که غسل جمعه واجب است بر مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده اند زنانرا که ترک کنند در سفر از برای کمی آب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که غسل جمعه پاکیزه کند و کفاره گناهانست از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که غسل جمعه بکند و بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل على محمد وال محمد واجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين این غسل و دعا پاک میکند او را

او را تا روز جمعه دیگر و بهتر آنست که این دعا نیز بخواند اللهم طهرني وطهر قلبي وانق عملي واجر على لساني محبة منك و باز بگوید اللهم طهرني من كل آفة تمحق بها ديني وتبطل بها عملي و در فقه الرضا مذکور است که چون از غسل جمعه فارغ شوی بگو اللهم طهرني وطهر قلبي وانق غسلي واجر على لساني ذكرك وذكر نبيك محمد صلى الله عليه وآله واجعلني من التوابين ومن المتطهرين و وقت آن از صبح صادق است از روز جمعه تا پیشین و مشهور آنست که هر چند نزدیکتر است به پیشین بهتر است و اگر خوف داشته باشد که در روز جمعه آب یافت نشود در پنجشنبه میتواند کرد و اگر فوت شود بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد به نیت قضا در کار نیست و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتواند کرد و در فقه الرضا مذکور است که در روزهای دیگر هفته میتواند کرد و ظاهرا کسی از علما قایل نشده است باین و سنت است غسل در شبهای طاق ماه مبارک رمضان خصوصا در شب اول و شب نیمه و هفدهم و آن شبی است که مومنان و کافران در بدر جمع شدند و در روزش اعظم فتحهای اسلام واقع شد و شب نوزدهم و آن شبی است که تقدیرات سال در آنشب نوشته میشود بنا بر بعضی از احادیث و شب بیست و یکم و آن شبی است که اوصیا و انبیا در آنشب شهادت یافته اند و حضرت عیسی در آنشب باسمان رفته است و حضرت موسی از دنیا رفته است و احتمال اقوی دارد که شب قدر بوده باشد و شب بیست و سیم و آنشب را است بر احتمال اقوی و قول اکثر و در آنشب دو غسل میکند یکی مقارن غروب آفتاب و دیگر در آخر شب و در بعضی از روایات وارد شده است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل بکند و سنت است که غسل در شب عید فطر و روزش و روز عید قربان و اظهر آنست که در این روز غسل تا شب میتواند کرد ولیکن افضل آنست که پیش از نماز عید واقع سازد و در روز هشتم ذی الحجه و روز عرفه نزد زوال و شب نیمه رجب و منقولست از رسول خدا صلی الله علیه و آله که هر که ماه رجب را دریابد و غسل کند در اول ماه و میان و آخر ماه از گناهان بدر آید مثل روزی که از مادر متولد شده است و روز مبعث و آن بیست و هفتم رجب است و اکثر علما گفته اند اگر چه حدیثی بخصوص بنظر نرسیده است و شب نیمه شعبان و روز غدیر خم که هیجدهم ذی الحجه است و روز مباهله که بیست و چهارم ذی الحجه است و بعضی گفته اند در بیست و پنجم و روز دحو الارض نیز بنا بر مشهور و آن روز

بیست و پنجم ذی القعده است و در این غسل نیز حدیثی بنظر رسیده است و روز نوروز بنا بر مذهب بعضی و
حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد و مشهور آنست که روزیست که آفتاب ببرج حمل منتقل میشود
و همچنین سنت است غسل برای احرام حج یا عمره و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که ترک نکند غسل زیارت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل استخاره مطلق
خصوصاً نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجت وارد شده است و غسل از
گناهان و باز سنت است غسل از برای نماز کسوف هرگاه عمداً ترک کرده باشد و تمام قرص گرفته باشد و بعضی گفته اند
بواسطه قضا غسل میکند اگر عمداً ترک کرده باشد اگر تمام قرص نگرفته باشد و از برای ادا غسل میکند اگر تمام گرفته باشد
و این قول قویست و سنت است غسل از برای داخل شدن حرم و از برای داخل شدن مکه معظمه و از برای داخل
شدن خانه کعبه و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل شدن شهر مدینه مشرفه
و از برای داخل شدن مسجد رسول صلی الله علیه و آله و از برای کشتن [illegible] و غسل فرزندی که متولد شود چنانچه گذشت و
غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله بنا بر قول بعضی و آن هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر رسید
غسل از برای زیارتست در آن روز و سنت است غسل برای نماز طلب باران و از برای کشتن چلپاسه و غسل بعد از
کشتن است و همچنین هرگاه شخصی برود برای دیدن کسی که او را از حلق کشیده باشد غسل سنت است بعد از
دیدن و بعضی واجب دانسته اند و اکثر علما گفته اند که هرگاه سعی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بحق او را کشته باشند
یا بباطل و خواه بطریق شرعی او را کشته باشند یا غیر آن و بعضی از علما گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان
ناقصی بر وجه ضرورت بعمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه و همچنین گفته اند که هرگاه جامه میان دو کس مشترک
باشد و منی بیابند و معلوم نباشد که از کدام یک بوده است هر دو را غسل کردن سنت است و برای
کفن کردن میت نیز گفته اند که سنت است و ظاهر احادیث آنست که همان غسل مس میت است که سنت است
که پیش از کفن کردن بجا آورد و همچنین سنت است غسل هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بمالد
و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی جنب مرده باشد سنت است که غسل جنابت بدهند او را پیش از غسل میت
یا بعد از آن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی غسل عید فطر بجا آوری در زیر سقفی بجا آور

و چون

مذهب بعضی و حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد و مشهور

همچنین

و چون خواهی شروع کنی بگو اللهم ایماناً بك و تصدیقاً بكتابك و اتباع سنة نبيك
محمد صلی الله علیه و آله و چون از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی و
طهراً لذنبی اللهم اذهب عنی الرجس و بدانکه تفاصیل اغسال و احکام آنها را در این رساله
گنجایش ندارد و انشاالله در کتاب عبادات نوشته خواهد شد والله الموفق **باب هشتم**
در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن **فصل اول** در بیان اوقات خواب بدانکه خواب
کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و خفتن و بعد از عصر مکروه است و پیش از ظهر
در وقت گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است و سنت است و از حضرت علی بن الحسین ع
منقولست که بابی حمزه ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از برای تو دوست
نمیدارم زیرا که حق تعالی روزی بندگان را در اینوقت قسمت مینماید و هر که در اینوقت در خواب است از
روزی محروم میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که زمین بسوی خدا ناله میکند و فریاد میکند
از سه چیز از خون حرامی که بر او ریخته میشود یا غسلی که از زنا کنند بر روی آن یا خواب کردن بر آن
پیش از طلوع آفتاب و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خواب بامداد شومست روزی را منع
میکند و رنگ را زرد میکند و رو را قبیح و متغیر میکند و این خواب هر شومیست بدرستی که حق تعالی روزیها را
از ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت مینماید پس زنهار که این خواب را نکنید و فرمود
که مرغ بریان و ترنجبین بر بنی اسرائیل در اینوقت نازل میشد هر که در اینوقت خواب بود بهره
او نازل نمیشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در جای نماز خود بنشیند از طلوع صبح تا طلوع
آفتاب خدا او را مستور گرداند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود مثل ثواب حج کننده خانه کعبه داشته
باشد و گناهانش آمرزیده شود اما در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز بکند و قدری تعقیب
بخواند و پیش از برآمدن آفتاب بخوابد باکی نیست چنانچه در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا ع
بشخصی فرمود که بعد از طلوع بیا که من بعد از نماز صبح خوابی میکنم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که بشخصی فرمود که چون نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع آفتاب بخوابی باکی نیست و از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خواب اول روز سفاهتست و خواب قیلوله نعمتست و خواب بعد از عصر حماقتست و
خواب میان نماز شام و خفتن از روزی محروم میگرداند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که
خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن پریشانی و فقر می آورد و در روایت دیگر منقولست که
شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد که من حافظهٔ قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من
غالب شده است فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی و الحال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز خواب قیلوله
بکن چنان کرد حافظه اش برگردید و در روایت دیگر وارد شده است که قیلوله کنید که شیطان قیلوله
نمیکند و منقولست که نیکو یاوریست خواب قیلوله بر بیداری عبادت شب **فصل دویم** در وضو ساختن پیش از
خواب از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه وضو بسازد و برخت خواب برود رخت خواب برای او حکم مسجد
داشته باشد و اگر در میان رخت خواب بیادش آید که وضو ندارد از لحاف خود تیمم کند که اگر با وضو و تیمم
بخوابد تا بیاد خداست چنانست که نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که نخوابد مسلمان
در حالتی که جنب باشد و نخوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد برای غسل و وضو تیمم کند بر خاک که روح مؤمن را در وقت
خواب باسمان میبرند و حق تعالی او را قبول مینماید و برکت برا او میفرستد پس اگر اجلش رسیده باشد
او را در گنجینهای رحمت خود میسپارد و اگر اجلش نرسیده است با امینان خود از ملائکه ببدن او بر میگرداند
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله با اصحاب خود فرمود که کدام یک از شما
تمام سال روزه میدارید سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از شما همه شب را احیا میکند سلمان گفت که
من فرمود کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکند سلمان گفت که من عمر بخشم آمد و گفت این مرد است
از فارس میخواهد که بر ما که از قریشیم فخر کند دروغ میگوید اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شب در خواب است و در
اکثر روزش خاموش نمیباشد حضرت فرمود که او مانند لقمان حکیمست از او سؤال کن تا جواب
بگوید عمر پرسید سلمان فرمود که اما روزهٔ سال من ماهی سه روز روزه میدارم و حق تعالی میفرماید که هر
حسنه بکند ده برابر با او ثواب میدهم این برابر روزهٔ سال میشود با آنکه ماه شعبان هم روزه میگیرم
و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب همه شب با وضو میخوابم و از حضرت رسول شنیدم که میفرمود که هر

باوضو

با وضو بخوابد چنانست که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما ختم قرآن در هر روز سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد
میخوانم و از رسول خدا شنیدم که بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی مثل تو در میان من مثل قل هو الله احد است
که هرکه سورهٔ قل هو الله احد را یکبار بخواند چنانست که ثلث قرآن را خوانده است و هرکه دو بار بخواند چنانست که
دو ثلث قرآن را خوانده است و هرکه سه بار بخواند چنانست که قرآن را ختم کرده است پس هرکه ترا بزبان دوست دارد
ثلث ایمان در او کامل شده است و هرکه ترا بزبان و دل دوست دارد دو ثلث ایمان در او تمام شده است و هرکه ترا
بزبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری کند تمام ایمان در او کامل شده است یا علی بحق آن خدائی که مرا براستی
فرستاده است سوگند که اگر ترا اهل زمین دوست میداشتند چنانچه اهل آسمان ترا دوست میدارند خدا هیچکس
را باتش جهنم عذاب نمیکرد پس عمر ساکت شد که گویا سنگی در دهانش گذاشتند **فصل سیم** در مکان
خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن و مشهور میان علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروهست و ظاهر احادیث
آنست که مکروه نیست در مسجد الحرام و مسجد رسول و در اینها نیز تجویز واقع شده است در احادیث معتبره بسیار
وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله سه کس را لعنت کرد کسی که تنها چیزی بخورد و تنها بسفر رود و در خانه
تنها بخوابد و بیم آنست که دیوانه شود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هرکه در خانه تنها یا بیابانی تنها
بخوابد بگوید اللهم آنس وحشتی و اعنی علی وحدتی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی فرمود از خوابیدن بر بامی که دیوار نداشته باشد و فرمود که هرکه بر بامی بخوابد که دیوار نداشته باشد
از امان خدا بدر میرود و در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکروهست که کسی بر بالای
تنها بخوابد یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد و فرمود که مرد و زن هر دو در این حکم مساویند پرسیدند
که اگر سه طرف دیوار داشته باشد چونست فرمود که نه بلکه هر چهار طرف باید دیوار داشته باشد و بعضی
از روایات وارد شده است که حد بلندی دیوار دو ذرع است و در بعضی از احادیث تجویز یک ذرع و یک شبر
هم وارد شده است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نهی فرمود از خوابیدن بر سر راه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
نهی وارد شده است از آنکه کسی با دست چرب و آلوده بخوردنی بخوابد که اگر چنین کند و شیطان برا او
دست یابد یا دیوانه شود ملامت نکند مگر خود را و فرمود که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و دهانشان

بخواند و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و ده آیه از اول سورهٔ والصافات و ده آیه از
آخر سورهٔ صافات بخواند و در حدیث صحیح منقولست که آنحضرت بفرزند خود فرمود که این دعا را در وقت خواب
بخوان که اشهد ان لا اله الا الله و ان محمد صلی الله علیه و آله عبده و رسوله اعوذ بعظمة الله
و اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعفو الله و اعوذ بغفران الله
و اعوذ برحمة الله من شر السامة و الهامة و من شر کل دابة صغیرة او کبیرة بلیل او
نهار و من شر فسقة الجن و الانس و من شر فسقة العرب و العجم و من شر الصواعق
و البرد اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و آله الطاهرین و در حدیث صحیح دیگر فرمود
که هر که صد نوبت سورهٔ قل هو الله احد در وقت خواب بخواند گناهان پنجاه سالهٔ اش آمرزیده شود و در حدیث
دیگر فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی و یکمرتبه آیه شهد الله و آیه سخره و آیه آخر سورهٔ حم سجده را بخواند
حق تعالی دو ملک را موکل گرداند که شیاطین را از او دور گردانند و سی ملک را امر فرماید که تحمید و تسبیح و تهلیل و تکبیر خدا
بگویند و استغفار کنند تا بیدار شدن او و ثواب همه از او باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که کسی که اراده خواب داشته باشد پهلو را بر زمین نگذارد تا این دعا بخواند اعیذ نفسی و دینی
و اهلی و مالی و خواتیم عملی و ما رزقنی ربی و خولنی بعزة الله و عظمة الله و جبروت الله
و سلطان الله و رحمة الله و رأفة الله و غفران الله و قوة الله و قدرة الله و جلال الله
و بصنع الله و ارکان الله و بجمع الله و برسول الله صلی الله علیه و آله و بقدرة الله علی ما یشاء
من شر السامة و الهامة و من شر الجن و الانس و من شر ما یلج فی الارض و ما
یخرج منها و ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها و من شر کل دابة ربی آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و هو علی کل شیء قدیر و لا حول و لا قوة الا
العلی العظیم بدرستی که این تعویذیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از برای حسنین علیهما السلام میخواندند و فرمود که
چون کسی اراده خواب کند باید که دست راست را در زیر رو بگذارد و بگوید بسم الله وضعت حسبی الله علی
ملة ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و ولایة من افترض الله طاعته ما شاء الله
کان

کان و ما لم یشأ لم یکن که هر که این دعا را بخواند در وقت خواب محفوظ بماند از دزد و غارت خانه و
فرود آمدن و ملائکه از برای او استغفار کنند و فرمود که هر که قل هو الله احد در وقت خوابیدن بخواند حق تعالی
پنجاه هزار ملک بر او موکل گرداند که او را پاسبانی کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که پیش از خواب
صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا خانه در بهشت از برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش
بریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و از حضرت رسول منقولست که هر که سورهٔ الهکم التکاثر در وقت خواب
بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که یازده مرتبه سوره قل
هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و همسایگانش از بلا محفوظ مانند و اگر صد مرتبه
بخواند گناهان پنجاه سال آینده عمرش آمرزیده شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت
بگوید اللهم انی اشهد انک افترضت علی طاعة علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین و علی
بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی
و علی بن محمد و الحسن علی و الحجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین و در آن شب بمیرد
داخل بهشت شود و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سورهٔ انا انزلناه
بخواند حق تعالی یازده ملک بر او موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کنند و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند از دزد ایمن گردد قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلوتک و لا
تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم
یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و در حدیث معتبر
از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که هر که در وقت خواب این دعا بخواند فقر و پریشانی
از او دور شود و هیچ گزنده باو ضرر نرساند اللهم انت الاول فلا شیء قبلک و انت
الظاهر فلا شیء فوقک و انت الباطن فلا شیء دونک و انت الآخر فلا شیء
بعدک اللهم رب السموات السبع و رب الارضین السبع و رب التوریة و الانجیل

را بشنوید که اگر نکشید شیطان ایشان را میبوید و در خواب میترسند و در چند حدیث از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هرکه بجامهٔ خواب برود کنار جامهٔ خود را بر رخت خواب بکشد اگر جانوری داخل شده باشد
بدر رود و باو ضرر نرساند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام وارد شده است که پیش از خواب به بیت الخلا برود
و بعد از آن بخوابد

فصل چهارم در سایر آداب خوابیدن سنت است که بر دست راست رو بقبله
بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بر دست چپ خوابیدن و بر رو خوابیدن مکروهست چنانچه از
حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که خواب بر چهار قسمست پیغمبران بر پشت میخوابند و دیدهای ایشان
بخواب نمیرود و منتظر وحی پروردگار میباشند و مؤمن بر دست راست میخوابند رو بقبله و
پادشاهان و فرزندان ایشان بر دست چپ میخوابند که آنچه خورده گوارا شود و شیطان و برادران
او و هر دیوانه و مبتلایی برو در افتاده میخوابد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی برو بخوابد و هر کرا
ببینید که برو خوابیده است بیدار کنید و مگذارید برآن حال و فرمود که هرگاه کسی اراده خواب کند
باید که دست راست را بزیر جانب راست رو بگذارد و بدرستی که نمیداند که از این خواب بیدار خواهد شد
یا نه احادیث در فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است

فصل پنجم در آیات و ادعیه که پیش از خوابیدن باید خوانده شود و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه کسی دست راست در زیر سر گرفته بخواند بگوید بسم الله اللهم
انی اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک و الجأت
ظهری الیک و توکلت علیک رهبةً منک و رغبةً الیک لا ملجأ و لا منجا
منک الا الیک امنت بکتابک الذی انزلت و برسولک الذی ارسلت
بعد از آن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که ترک نکند در وقت خواب
این دعا را اعیذ نفسی و ذریتی و اهل بیتی و مالی بکلمات الله التامات من
کل شیطان و هامةٍ و من کل عین لامةٍ که باین دعا تعویذ مینمودند حضرت رسول
امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما را و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

سوره قل هو الله احد و سوره قل یا ایها الکافرون را پیش از خواب بخوان که قل یا ایها الکافرون بیزاری
از شرکست و قل هو الله احد نسبت پروردگارست و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هرکه بعد از خوابیدن در رخت خواب
سه مرتبه بگوید الحمد لله الذی علا فقهر و الحمد لله الذی بطن فخبر و الحمد لله الذی ملک
فقدر و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیءٍ قدیر
از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده بود و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
هرکه آیة الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و از حضرت صادق علیه السلام که هرکه سوره یس
پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک با او موکل گرداند که او را از شر شیاطین و هر بلایی حفظ کنند
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرکه سوره اذا وقعة الواقعة را هر شب پیش از خواب بخواند
در قیامت روی او مانند شب چهارده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرکه سورهای که اولشان سبح الله
و یسبح الله است پیش از خواب بخواند نمیرد تا بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه برسد و اگر بمیرد
در همسایگی حضرت رسول صلی الله علیه و آله جا دهند او را و در حدیث دیگر فرمود که هرکه شب این دعا بخواند تا صبح او را
عقرب و هیچ گزنده نگزد اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن برّ و لا فاجر
من شر ما ذرأ و من شر ما برأ و من شر کل دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هرکه در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش
خراب نشود ان الله یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما
من احدٍ من بعده انه کان حلیماً غفوراً و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی در رخت
خواب رود بگوید اللهم انی احتبست نفسی عندک فاحتبسها فی محل رضوانک و
مغفرتک و ان رددتها فارددها مؤمنةً عارفةً بحق اولیائک حتی ان تتوفاها
علی ذلک و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این وقت آیة الکرسی میخواندند و بعد از آن میگفتند
بسم الله امنت بالله و کفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی و فی یقظتی و بیست ... که
آیة الکرسی تا هم فیها خالدون بخواند و در حدیث دیگر فرمود که چون برخت خواب رفتی تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام

بخواند و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و ده آیه از اول سورهٔ والصافات و ده آیه از
آخر سورهٔ صافات بخواند و در حدیث صحیح منقولست که آنحضرت بفرزند خود فرمود که این دعا را در وقت خواب
بخوان که اشهد ان لا اله الا الله وان محمد صلی الله علیه واله عبده و رسوله اعوذ بعظمة الله
وأعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعفو الله واعوذ بغفران الله
واعوذ برحمة الله من شر السامة والهامة ومن شر کل دابة صغیرة او کبیرة بلیل او
نهار ومن شر فسقة الجن والانس ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر الصواعق
والبرد اللهم صل علی محمد عبدك و رسولك و اله الطاهرین و در حدیث صحیح دیگر فرمود
که هر که صد نوبت سورهٔ قل هو الله احد در وقت خواب بخواند گناهان پنجاه ساله اش آمرزیده شود و در حدیث
دیگر فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی و یکمرتبه آیه شهد الله و آیه سخره و آیه آخر سورهٔ حم سجده را بخواند
حق تعالی دو ملک را موکل گرداند که شیاطین را از او دور گردانند و سی ملک را امر فرماید که تحمید و تسبیح و تهلیل و تکبیر خدا
بگویند و استغفار کنند تا بیدار شدن او و ثواب همه از او باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که کسی که ارادهٔ خواب داشته باشد پهلو را بر زمین نگذارد تا این دعا بخواند اعیذ نفسی ودینی
واهلی ومالی وخواتیم عملی وما رزقنی ربی وخولنی بعزة الله وعظمة الله وجبروت الله
وسلطان الله ورحمة الله ورأفة الله وغفران الله وقوة الله وقدرة الله وجلال الله
وبصنع الله وارکان الله وبجمع الله وبرسول الله صلی الله علیه واله وبقدرة الله علی ما یشاء
من شر السامة والهامة ومن شر الجن والانس ومن شر ما یلج فی الارض وما
یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها ومن شر کل دابة ربی آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم وهو علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا
العلی العظیم بدرستی که این تعویذیست که حضرت رسول صلی الله علیه واله از برای حسنین علیهما السلام میخواندند و فرمود که
چون کسی ارادهٔ خواب کند باید که دست راست را در زیر رو بگذارد و بگوید بسم الله وضعت جنبی لله علی
ملة ابراهیم ودین محمد صلی الله علیه واله وولایة من افترض الله طاعته ما شاء الله

کان

کان وما لم یشاء لم یکن که هر که این دعا را بخواند در وقت خواب محفوظ بماند از دزد و غارت خانه
و فرود آمدن و ملایکه از برای او استغفار کنند و فرمود که هر که قل هو الله احد در وقت خوابیدن بخواند حق تعالی
پنجاه هزار ملک برو موکل گرداند که او را پاسبانی کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که پیش از خواب
صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا خانه در بهشت از برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش
بریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و از حضرت رسول منقولست که هر که سورهٔ الهکم التکاثر در وقت خواب
بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که یازده مرتبه سورهٔ قل
هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و او و همسایگانش از بلا محفوظ مانند و اگر صد مرتبه
بخواند گناهان پنجاه سال از آینده عمرش آمرزیده شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت
بگوید اللهم انی اشهدك انك افترضت علی طاعة علی بن ابی طالب والحسن والحسین وعلی
بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی
وعلی بن محمد والحسن علی والحجة القایم صلوات الله علیهم اجمعین و در آن شب بمیرد
داخل بهشت شود و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سورهٔ انا انزلناه
بخواند حق تعالی یازده ملک برو موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کنند و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند از دزد ایمن گردد قل ادعوا الله
او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتك ولا
تخافت بها وابتغ بین ذلك سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم
یکن له شریك فی الملك ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا و در حدیث معتبر
از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که هر که در وقت خواب این دعا بخواند فقر و پریشانی
از او دور شود و هیچ گزنده باو ضرر نرساند اللهم انت الاول فلا شیء قبلك وانت
الظاهر فلا شیء فوقك وانت الباطن فلا شیء دونك وانت الآخر فلا شیء
بعدك اللهم رب السموات السبع ورب الارضین السبع ورب التوریة والانجیل

والنّبوّه والقرآن الحکیم اعوذ بك من شرّ کلّ دابّة انت اخذ بناصیتها انّك علی
صراطٍ مستقیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت رفتن برخت خواب سوره تبارك الذی
بیده الملك بخواند پس بگوید چهار مرتبه اللّهمّ ربّ الحلّ والحرام والبلد الحرام روح محمّد عنّی
التحیّة والسلام ملحق تعالی دو ملك را موکل کرداند که نزد حضرت رسول روند و بگویند که فلان شخص
ترا سلام میرساند پس حضرت فرماید که برا و باد سلام و رحمت و برکات الهی **فصل ششم** در دفع
ترسیدن در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
هر که در خواب ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده لا شریك له یحیی و یمیت و یمیت
و یحیی و هو حیّ لا یموت پس تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخواند و در طب الائمه زیاد
کرده است که آیة الکرسی و قل هو الله نیز بخواند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
چون در خواب ترسد یا از دردی بیخوابی برو مستولی شود این آیه را بخواند فضربنا علی
آذانهم فی الکهف سنین عددا ثمّ بعثناهم لنعلم ایّ الحزبین احصی لما
لبثوا امدا و اگر طفلی بسیار گریه کند این آیه را برو بخواند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که در خواب ترسد در وقت خوابیدن سورهٔ قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
و آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقولست که برای ترسیدن شب ده مرتبه بخواند این دعا را اعوذ
بکلمات الله من غضبه و من عقابه و من شرّ عباده و من همزات الشیاطین
و ان یحضرون و آیة الکرسی بخواند و بگوید اذ یغشیکم النعاس امنة منه و جعلنا نومکم
سباتا و در حدیث معتبر دیگر منقولست که شهاب بن عبد ربّه بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض
کرد که زنی در خواب من می آید مرا میترساند حضرت فرمود که با خود بردار تسبیحی در رخت خواب و سی و چهار
مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو و ده مرتبه بگو لا اله الا الله وحده لا شریك
له له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی بیده الخیر و له اختلاف اللیل
والنهار و هو علی کل شیء قدیر و ظاهرا در تسبیح حضرت فاطمه در وقت خواب مخیراست میان

انکه

انکه سبحان الله را پیش از الحمد لله بگوید یا بعد از آن و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هر که ترسد
محتلم شود چون برخت خواب رود این دعا بخواند اللّهمّ انّی اعوذ بك من الاحتلام
و من سوء الاحلام و من ان یتلاعب الشیطان فی الیقظة و المنام و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اگر کسی خواب پریشانی بیند از آن پهلو که خوابیده است
بپهلوی دیگر بگردد و بگوید انّما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا و لیس بضارّهم شیئا الّا
باذن الله پس بگوید عذت بما عاذت به ملائکة الله المقرّبون و انبیاؤه المرسلون
و عباده الصالحون من شرّ ما رایت و من شرّ الشیطان الرجیم و در روایت معتبر دیگر از آنحضرت
منقولست که چون خواب پریشان ببیند و بیدار شود بگوید اعوذ بما عاذت به ملائکة الله
المقرّبون و انبیاء الله المرسلون و عباد الله الصالحون و الائمة الراشدون و المهدیّون
من شرّ ما رایت من رؤیای ان تضرّنی و من الشیطان الرجیم پس سوی جانب چپ خود سه مرتبه
آب دهان بیندازد و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که دختری دارم
شب و روز بسیار میترسد فرمود که فصدش بکن و در روایت دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد که دختری دارم
در خواب بسیار میترسد و گاهی بسیار حالش صعب میشود و اعصابش سست و بی حس میشود و میگویند که از تصرف
جنست فرمود که فصدش بکن و آب شبت را با عسل بپز و سه روز بده تا بخورد چنین کرد و شفا یافت و در
حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد که زنی در خواب من می آید و مرا میترساند
حضرت فرمود که مگر زکوة نمیدهی گفت میدهم فرمود که بمستحق نمیدهی بعد از آن زکوة را بخدمت حضرت
میفرستاد آن خیال از او برطرف شد **فصل هفتم** در دعاهای برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر شب
در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در وقت خوابیدن این آیه را بخواند قل انّما انا بشر
مثلکم یوحی الیّ انّما الهکم اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربّه فلیعمل عملا
صالحا و لا یشرك بعبادة ربّه احدا هر وقت از شب که خواهد بیدار شود و در روایت دیگر از
آنحضرت منقولست که حضرت رسول فرمود که هر که خواهد در آخر شب برخیزد چون برخت خواب رود بگوید

اللهم لا تؤمنّی مکرک و لا تنسنی ذکرک و لا تجعلنی من الغافلین اقوم
ساعة کذا و کذا یعنی در فلان ساعت برخیزم چون این دعا بخواند حق تعالی ملکی موکل سازد که او را
در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که خواهد که در شب بیدار
شود در وقت خواب رفتن بگوید اللهم لا تنسنی ذکرک و لا تؤمنّی مکرک و لا تجعلنی
من الغافلین وانبهنی لاحبّ الساعات الیک ادعوک فیها فتستجیب لی واسئلک
فتعطینی واستغفرک فتغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت یا ارحم الراحمین
که چون این دعا بخواند حق تعالی دو ملک بفرستند که او را بیدار کنند اگر بیدار نشود امر کند آن دو ملک را
که از برای او استغفار کنند و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر بیدار شود هر حاجتی که بطلبد خدا
با و عطا فرماید و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که هر که عزم کند در ساعتی از ساعات
شب برای عبادت برخیزد و خدا داند که در آن اراده و صادقست البته دو ملک را بفرستد که در
آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
بیخوابی ورا عارض شود و خوابش نبرد این دعا بخواند سبحان الله ذی الشأن دائم السلطان
کل یوم هو فی شأن و در روایت دیگر منقولست که حضرت فاطمه صلوات الله علیها شکایت فرمود
برسول خدا از بیخوابی فرمود که این دعا بخوان یا مشبع البطون الجایعة و یا کاسی الجسوم العاریة
و یا ساکن العروق الضاربة و یا منوّم العیون الساهرة سکّن عروقی الضاربة
وأذن لعینی نوماً عاجلاً

فصل هشتم

در بیان نماز و دعا برای خوابهای نیک
دیدن و آداب بیدار شدن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد حضرت رسول را
در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل نیکو بجا آورد و چهار رکعت نماز بکند و در هر رکعتی بعد از حمد
صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بر جامه پاکیزه
بخوابد که بر روی آن جامه یا حلال یا حرامی جماع نکرده باشد و دست راست را در زیر جانب راست رو
بگذارد و صد مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول

و لا قوة الا بالله پس صد مرتبه بگوید ما شاء الله چون چنین کند حضرت رسول را در خواب
ببیند و در روایت دیگر منقولست که اگر خواهد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در خواب ببیند چون بخوابد
این دعا بخواند اللهم انی اسئلک یا من له لطف خفیّ و ایادیه باسطة لا
تنقضی اسئلک بلطفک الخفیّ الذی ما لطفت به لعبد الا کفی ان ترینی مولای
امیر المؤمنین علی علیه السلام فی منامی و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی خواهد یکی از مردگان را
بخواب ببیند با وضو بر جانب راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید پس بگوید
اللهم انت الحی الذی لا یوصف والایمان یعرف منه منک بدأت الا
شیاء و الیک تعود فما اقبل منها کنت ملجاه و منجاه و ما ادبر منها لم یکن
له ملجاء و لا منجاء منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت و اسئلک
ببسم الله الرحمن الرحیم و بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله سید النبیین و
بحق علی خیر الوصیین و بحق علی و فاطمة سیدة النساء العالمین و بحق الحسن و
الحسین الذین جعلتهما سیدی شباب اهل الجنة علیهم اجمعین السلام ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان ترینی میتی فی الحال التی هو فیها و منقولست که چون حضرت
رسول صلی الله علیه و آله برخت خواب میرفتند میفرمودند باسمک اللهم احیا و باسمک اموت
و چون بیدار میشدند میفرمودند الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون کسی از خواب برخیزد بگوید سبحان الله رب النبیین و اله
المرسلین و رب المستضعفین و الحمد لله الذی یحیی الموتی و هو علی کل شیء قدیر
چون این را بگوید حق تعالی میفرماید راست گفت بنده من و شکر کرد مرا و در حدیث دیگر منقولست که
چون آنحضرت در آخر شب برمیخواستند بصدای بلند میگفتند اللهم اعنّی علی هول المطلع
و وسّع علی المضجع وارزقنی خیر ما قبل الموت وارزقنی خیر ما بعد الموت و در
حدیث دیگر منقولست که چون از خواب بیدار شوی بگو سبوح قدوس رب الملائکة

والروح سبقت رحمتك غضبك لا اله الا انت انی ظلمت نفسی فاغفر لی وارحمنی
انك انت التواب الرحیم الغفور و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر وقت که از پهلو
بپهلوی دیگر گردد الحمد لله والله اکبر بگوید و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که چون در میان
شب بیدار شود و از پهلو بپهلوی دیگر گردد بگوید لا اله الا الله الحی القیوم و هو علی کل شیء
قدیر سبحان الله رب العالمین واله المرسلین سبحان رب السموات السبع
وما فیهن ورب الارضین السبع وما فیهن ورب الارضین السبع وما
فیهن ورب العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و در روایت
دیگر وارد شده است که چون از خواب برخیزد بگوید الحمد لله الذی رد علی روحی لاحمده
واعبده و دعای نظر کردن بعقیق در آداب انگشتر بدست کردن گذشت و سایر دعاهای این باب
چون از مقدمات نماز شب است ان شاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد با سایر دعاهای وقت
خواب و این رساله گنجایش زیاده از این نداشت

فصل هشتم

و سبب خواب راست و دروغ
و تعبیر خواب در حدیث منقولست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چه سبب دارد که مومن
گاهی خواب می بیند چنان میشود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری ظاهر نمیشود فرمود چون مومن
بخواب میرود روحش بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه روح مومن در ملکوت آسمان می بیند در
محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است
راوی پرسید که آیا روحش همه باسمان میرود و هیچ در بدن نمیماند فرمود که اگر چنین باشد خواهد مرد بلکه
از بابت آفتابست که در آسمانست و روشنی و شعاعش در زمین است همچنین روح اصلش در
بدنست و پرتو آن از او باسمان حرکت میکند و در روایت دیگر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که
هر مومنی که بخواب میرود روحش را بنزد عرش پروردگار او میبرند پس آنچه در آنجا می بیند حقست و آنچه
در وقت برگردانیدن در هوا می بیند خواب پریشانست و براین مضمون احادیث بسیار است و
در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیطانی هست که او را هزع میگویند در هر شب از

از مشرق تا مغرب را پر میکند از بدن خود و بخواب مردم می آید و باین سبب مردم خوابهای پریشان می بینند و در روایت
دیگر مرویست که دو نصرانی نزد عمر آمدند و از او مسئله چند سوال کردند و او عاجز شد پس حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه ایشان را جواب گفت و از جمله آنها آن بود که پرسیدند که خواب راست و دروغ چه سبب دارد حضرت
فرمود که حق تعالی روح را خلق کرده است و برای او سلطانی مقرر ساخته است و سلطان او نفس است چون آدمی بخواب
میرود روح بیرون میرود و سلطانش در بدن میماند پس روح میگذرد بگروهی چند از ملائکه و گروهی چند از جن
پس هر چه خواب راست است از ملائکه است و هر چه خواب دروغ است از جن است و در روایت دیگر منقولست
که خوابهای مومن صحیح میباشد زیرا که نفسش پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش بدر میرود با ملائکه ملاقات
میکند پس خواب او بمنزله وحی است و در حدیث دیگر منقولست که وحی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقطع شد اما خوابهای بشارت دهنده هست و در حدیث دیگر وارد است که خوابهای راست یک جزو از هفتاد
جزو پیغمبریست و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که رای مومن در خواب و رؤیای مومن در آخر الزمان
بر هفتاد جزو از اجزای پیغمبریست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون صبح میشد حضرت
رسول صلی الله علیه و آله باصحاب خود میگفت که آیا کسی خواب بشارت دهنده دیده است و در حدیث معتبر دیگر
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شخصی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سوال کرد از تفسیر آیه کریمه
الذین آمنوا وکانوا یتقون لهم البشری فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة یعنی آنان
که ایمان آوردند و پرهیزکار بودند ایشان راست بشارت در زندگانی دنیا و در آخرت حضرت فرمود که بشارت
زندگانی دنیا خوابهای نیکوست که مومن در دنیا می بیند و بآن بشارت می یابد و شادمان میشود و در حدیث
حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای مومن دوم ترسانیدن
شیطان سیم خوابهای پریشان و در حدیث معتبر دیگر فرمود که خوابهای دروغ که اثرش ظاهر نمیشود آن خوابهاست
که در اول شب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلای شیاطین و مترده است و آنها خیالی چندست که نزد او
صورت می بندد شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهای راست و آن خوابی چندست که در ثلث آخر شب دیده
میشود که آن وقت نزول ملائکه است و پیش از سحر و آن خواب راست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده باشد

یا بی وضو یا آنچه سزاوارست از ذکر و یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب که اگر با این حالات خوابیده باشد خوابش بعمل
نمی آید یا دیر بعمل می آید و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که مرا
در خواب ببیند چنانست که مرا دیده است در بیداری زیرا که شیطان متمثل نمیشود بصورت من و نه بصورت
یکی از اوصیای من و نه بصورت یکی از دوستان خالص ایشان و بدرستی که خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو
پیغمبریست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در آخر الزمان خواب مؤمن دروغ نمیشود و هر که راستگوتر است
خوابش راست‌تر است و تحقیق این مقام آن است که چون حق سبحانه و تعالی روح مؤمن را از عالم قدس خلق کرده است
و او را از [illegible] علیهم السلام داده است و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده است چنانچه
در احادیث [illegible] وارد شده است که ارواح لشکرهای مجتمع بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم
آشنا بوده اند در عالم بدن هم آشنای یکدیگر میشوند و آنچه در آن عالم جدا بوده اند و نفرت داشتند درین عالم نیز
یکدیگر را [illegible] و از یکدیگر نفرت مینمایند و چون بحسب مصالح غیر متناهیه آن ارواح مقدسه را در زندان
بدنهای [illegible] ظلمانی محبوس گردانیده اند و بانواع تعلقات جسمانیه و شهوات نفسانیه و خیالات شیطانیه مبتلا ساخته اند
[illegible] بسبب [illegible] از آن عالم قدس بعدی و غفلتی روداده و اما اشخاص را درین باب چند حالتست بعضی که از
مقربان درگاه الهی اند ارواح ایشان بعالم اعلی درآویخته و این تعلقات جسمانی ایشان را از آن عالم [illegible]
بلکه بدن با مردم محشورند و ارواح ایشان همیشه با قدسیان مشغول مکالمه و محاوره اند و همیشه روح القدس
با ایشان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربانیه علی الدوام است بر ارواح ایشان فایض است
و جمعی هستند از اشقیا که بالکلیه آن عالم را فراموش کرده اند و بغیر این نشأه و لذات دنیه
چیزی بخاطر نمیگذرانند حتی جمعی از ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت نشأه دیگر غیر این نشأه را
باور نمیکنند و پیغمبران را در امر معاد تکذیب میکنند ایشان را مهر بر دیده و گوش و دل ایشان
زده اند و راههای خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند و جمعی دیگر هستند با وجود تشبث باین علایق
و زیر دست از تحصیل مراتب علیه رنجیده اند و در مقام نفس لوامه خود را داشته اند گاهی گوش
دل بشیطان میدهند و گاهی از ملک نصیحت میشنوند و از انها [illegible] محشورند [illegible]

انس مشغول فسق و فجورند و گاهی بلوث خود را می آلایند و گاهی تاب تضرع خود را ظاهر میسازند انجام چون
ارواح ایشان را باعتبار شغل و تعلقات و خطایا و سیئات بعدی عظیم از جناب قاضی الحاجات و انبیا
و ائمه و ملائکه سموات بهم رسیده در وقت خواب که نفس را از شغل بدنی فی الجمله فراغی حاصل شد
و خیالات فاسده که از راه روزنهای مشاعر بدنی براو داخل میشد دور گردید فی الجمله او را از آشنایان
قدیم بیاد می آید و با دوستان روحانی طرح اختلاط می اندازد و با آسمان صعود و عروج
مینماید و با روحانیان و قدسیان همزبان میگردد اما در اول شب چون از صور خیالات
بیداری در ضمیرش حاضر است و هنوز در هوای تعلقات خود پرواز میکند و ارواحش با بغایت ناقص است پس
باین علت شیاطین بر او مستولی میشوند و خیالات و علایق باطل او را بصورتهای گوناگون در نظر
می آورند هر چند در اول شب دورتر میشود و نقش حالات بیداری بیشتر محو میشود و پرواز آن بعالم
بالا بیشتر میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود و از ایشان آسمان و زمین و هوا و خواهشهای
زینتهای رنگین بدر رفته و بدرگاه الهی بصحبت مقربان نزدیک گردیده استیلای شیاطین
ضعیف میشود و لطف ربانی ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن خواب غفلت و دور
کردن عسکر شیطان و جنیان فرو میفرستند لهذا در آن وقت خوابهای رحمانی و افاضات
سبحانی بر ارواح مومنان فایض میشود و ایشان را برای نماز و تضرع و زاری و توبه و [illegible]
و از آنچه در روز غفلت کرده اند بیدار میکنند و باین سبب نماز شب را مقرر ساخته اند و آیه کریمه
ان ناشئة اللیل هی اشد وطأ و اقوم قیلا در شأنش فرستاده اند که حاصل ترجمه اش
این است که عبادتی که در شب کرده میشود و موافقت دل با زبان در آن بیشتر است و گفتار در آن
درست‌تر است پس زهی سعادتمندی که قدر آن وقت را بداند و اندازه آن نعمتهای بی اندازه را
بشناسد و مانع که روح خود را بر دفع وساوس شیطانی بیدار خود گرداند و روح مقدس خود را از آلودگیهای
تعلقات دنیه پاک گردانیده بساحت قرب پروردگار خود برساند و در آن وقت مبارک که هنگام
راز و نیاز مقربان است با خداوند بیچاره خود را هم از ایشان گرداند و قدر خود را بداند که اصل

خود را بسبب آن آورد و جوهر قدسی بهای کم بفروخت و آن طایر عرش را در قفس علایق
محبوس نکرداند وفقنا الله تعالی و سایر المؤمنین لسلوک مسالک المقربین
والتنبیه عن القوم الغافلین بدانکه چون این پردهای رنگارنگ تعلقات جسمانی
و شبهای الوان زینتهای دنیوی در وقت خواب در پیش دیده اهل دل اوفتاده است لهذا
در خواب چیزها بصورتهای دیگر دیده میشود و هر چیز را باعتبار مناسبات شکلها و صورتها است
که در کلام الهی و سخنان انبیا و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصیرتهای موصوف محجوبان
برای غرور بآنها مثل زده اند چون ایشان خود را از معقولات معزول ساخته اند مدار بر محسوسات
است لهذا معقولات را در لباس محسوسات بایشان مینمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند
ماریست که خط و خال نیکو دارد و طفل نادان بآن فریفته میشود و در نیش او زهر
کشنده است و چنانچه علم باعث حیات دلهاست تشبیه کرده اند بآب که باعث
حیات بدنهاست و چنانچه سبزی زمین از آب است سرسبزی دلها بعلم است و چنانچه علم را بار
دیگر بنور آفتاب تشبیه کرده اند زیرا که نور تاریکیهای ظاهر را برطرف میکند و علم ظلمتهای شکوک
و شبهات و حیرتهای جهل را زایل میکند و کلام حق تعالی و انبیا و اوصیا باین منحول است
و سرش همان است که مذکور شد لهذا در عالم خواب نیز باعتبار ضعف بصیرت
ایشان هر چیز بصورتی نموده میشود و باین سبب خواب محتاج بتعبیر میباشد و کار
تعبیر کننده آن است که از آن صورتها بدین صورت منتقل میشود و چنانچه این
کس را در خواب می بینند که در میان فضله افتاده یا دستش بفضله آلوده باشد
معبر میداند که این صورت دنیاست که در پیش مردم آگاه از فضله و جیفه گندیده تر
است میداند که مال حرام است و آدمی آید یا می بیند که ماری متوجه او شده مال را رو باد میکند یا می بیند
که در میان آبی است علمی او را رو میدهد و این علمی است عظیم و مخصوص انبیا و اولیا است و معجزه حضرت
یوسف علیه السلام تعبیر خواب بود و تحقیق این مقام محتاج به بسطی است که این رساله گنجایش آن را ندارد ان شاء الله تعالی

در کتب

در کتب دیگر که در خاطر است اگر خدا خواهد بر وجه کامل مذکور شود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که فرمود که بسیار است که خوابی می بینم و تعبیر خواب برای خود میکنم و خواب بهمان نحو که تعبیر میکنم واقع
میشود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که زنی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله شوهرش در سفر بود بخواب دید که ستون
خانه اش شکست بحضرت عرض کرد حضرت فرمود که شوهرت می آید بسلامت پس چنان شد بار دیگر
شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی دید و حضرت چنین تعبیر فرمود و شوهرش آمد باز مرتبه دیگر شوهرش بسفر
رفت و او چنین خوابی دید بمردم شامی برخورد و این خواب را اظهار کرد او گفت که شوهرت میمیرد چنان
شد این خبر بآنحضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خواب برا او کرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمود که خواب مومن در میان آسمان و زمین بر بالای سرش پرواز میکند
تا آنکه خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر کند پس بآن نحو که تعبیر کردند واقع میشود پس خواب خود را نقل
مکنید مگر برای شخصی که عاقل باشد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که خواب را نقل نمیباید کرد مگر
برای مومنی که خالی باشد از حسد و عداوت و طغیانی و در حدیث حسن منقولست که شخصی بخدمت حضرت
صادق علیه السلام آمد و گفت خوابی دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود نه بر بدنم حضرت فرمود که نور ساطع
دین شاملی بتو خواهد رسید اگر همه ترا فرا میگرفت در دین حق غوطه میخوردی آن شخص گفت که دیگران
بپادشاهی تأویل میکنند حضرت فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه بوده اند که تو این خیال میکنی
و کدام پادشاهی بهتر است از دین حق که بآن امید بهشت بهم میرسانی و در روایت معتبر منقولست که
محمد بن مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد که خوابی دیدم که داخل خانه شدم زنم آمد و گردکان بسیاری
شکست و بر سر من ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد و رختهای
ترا که پوشیده باشی پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست گردکان بمنزله جامه است محمد بن مسلم گفت که
چون صبح جمعه شد رختهای نو که در عیدها میپوشیدیم در بر کردم و بر در خانه نشستم دختری گذشت
او را طلبیدم و بخانه بردم و متعه کردم زنم مطلع شد و آمد بر سر ما و آن دختر گریخت من در خانه ماندم
رختهای نو مرا پاره پاره کرد و منقولست که شخصی دیگر بآنحضرت عرض کرد که خوابی دیده ام و بسیار میترسم

دامادی که مرده است خواب دیدم که دست در گردن من کرد و میترسم که بمیرم حضرت فرمود که انتظار مرگ
بکش هر صبح و هر شام و از مرگ گریزان مباش اما معانقهٔ مردگان با زندگان علامت طول عمر است بگو
که داماد تو چه نام دارد گفت حسین فرمود که زیارت امام حسین ترا نصیب خواهد شد زیرا که هر که معانقه با امام
آنحضرت در خواب میکند توفیق زیارت آنحضرت مییابد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هر که
در خواب ببیند که در حرم است اگر ترسان باشد ایمن گردد و شخصی دیگر بآنحضرت عرض کرد که خواب دیدم
که چوب نیزه در دست داشتم فرمود که آهنی بر سرش بود گفت نه فرمود که اگر آهن میداشت خدا ترا پسری
میداد چون آهن نداشته است خدا ترا دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کرد بعد از آن پرسید که نیزه چند
بند داشت گفت دوازده بند فرمود که دوازده دختر بهم خواهی رسانید محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را
بشخصی نقل کردم او گفت که من فرزند یکی از آن دخترانم و یازده خاله دارم و در حدیث صحیح منقولست که
حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که من یکشب مولای علی بن یقطین را در خواب دیدم که در میان
دو چشمش سفیدی بود چنین تعبیر کردم که بدین حق در خواهد آمد و در حدیث دیگر منقولست که یاسر
خادم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که هفده شیشه در میان قفسی بود ناگاه آن قفس
افتاد و شیشها شکست حضرت فرمود که اگر خوابت راستست میاید شخصی از اهل بیت و خویشان من
هفده روز پادشاه شود و بعد از آن بمیرد پس محمد بن ابرهیم در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و بعد از
هفده روز مرد و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در خواب دیدم که قدحی
از شیر بدست من دادند و آنقدر خوردم که دیدم از میان ناخنهایم بیرون می‌آمد پرسیدند که چه چیز
تعبیر کردید فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد
که خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم بموضع معروفی در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر اسب چوبی
سوار بود و شمشیر در دست داشت و حرکت میداد و من او را مشاهده میکردم و میترسیدم حضرت
فرمود که دلالت بر این میکند که تو میخواهی بفریب شخصی را از روزی خود برآوری از خدا بترس و مرگ را
بیاد آور و چنین مکن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش اخذ

کرده

کرده بدرستی که شخصی از همسایگان من بنزد من آمد و گفت مزرعه دارم و بتو میخواهم بفروشم من چون
دیدم که مشتری دیگری بغیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم و عزم کردم که بقیمت بسیار ارزانی از او
بخرم **فصل دهم** در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از نماز خفتن مکروهست و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که
شب بیداری داشتن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب کردن و قرآن خواندن و در طلب علم
و برای عروسی که بخانهٔ شوهرش برند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج کسند که بخواب نمیروند کسی که
قصد کشتن کسی داشته باشد و کسی که مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته باشد که برو اعتماد کند
و کسی که در میان مردم دروغ و بهتان بسیار گفته باشد و کسی که مال بسیاری از او خواهند و نداشته باشد
و کسی که محبوبی را خواهد و ترسد که از او جدا شود و پدرم علیه الرحمة والرضوان میفرمود که ممکن است که این
تنبیهی باشد مردمی را که خواب غفلت بسیار میکند زیرا که همه کس میباید در پی کشتن نفس اماره
خود باشد که دشمن اندرونی است و پیوسته در پی کشتن آنکس است و سرمایهٔ ایمان و طاعات که آنکس
دارد امینی ندارد و نفس و شیطان و هواها و شهوتها همه اتفاق کرده‌اند بر غارت آنها و دروغ و بهتان
بسیار گفته است بهر کس و از همه کس طاعات و بندگی بسیار میخواهند و آنچه باید تحصیل نکرده‌اند و چون خدا محبوب
دارند و بخواب غفلت قرب او را از دست میدهند پس کسی که اینهمه اسباب بیداری در او باشد
چگونه خواب کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که عجب دارم از کسی که دعوای محبت الهی میکند
و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که از شبیخون عذاب خدا ترسد
باید که کم خواب و منقولست که چهار چیز است که کمش بسیار است آتش و خواب و بیماری و دشمنی و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مادر حضرت سلیمان باو میگفت که زنهار که در شب خواب بسیار مکن که بسیار خواب
شب آدمی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب
کردن بی آنکه بیداری کشیده باشد و خنده کردن بی تعجبی و با سیری چیز خوردن و فرمود که اول معصیتی که
خدا را کردند شش چیز بود محبت دنیا و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زنان و محبت خواب و محبت

راحت و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیطان را سرمه ایست که در دیدهای مردم میکشد و لعوقی
هست که در حلق مردم میکند و سعوطی است که در بینی مردم میچکاند سرمه اش پنکی است و لعوقش دروغ
و سعوطش تکبر است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که مستی چهار است مستی شراب و مستی مال و
مستی خواب و مستی پادشاهی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت موسی مناجات کرد
که پروردگارا کدامیک از بندگان خود را دشمن تر میداری خطاب رسید که آنکسی که شب تا صباح مانند
مردار افتاده است و روز را ببطالت بشب میرساند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که دیده خود را
بخواب عادت بده که هیچ عضوی در بدن شکر خدا کمتر از دیده نمیکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدا دشمن
میدارد بسیار خواب کردن و بسیاری فارغ بودن را و فرمود که بسیاری خواب دنیا و آخرت را
میبرد و بدانکه بسیاری بیداری کشیدن هم مذموم است و در غیر شبهایی که بخصوص احیای آنها وارد شده است
تمام شب بیدار بودن کراهت و در اخبار وارد شده است که دیده را بر آدمی حقی هست بسیاری بیداری حق
او را ضایع نباید کرد و بدانکه در خواب و بیداری و با آفتاب خوابیدن و نشستن کراهت دارد چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که کسی که در آفتاب نشیند پشت به آفتاب کند و رو باآفتاب نشیند که دردهای پنهانی را
ظاهر میکرداند و در حدیث دیگر فرمود که رو با آفتاب بکنید که مورث هیجان نجاست و رو را متغیر
میکند و جامه را کهنه میکند و دردهای اندرونی از آن ظهور می آید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسند معتبر
منقولست که در آفتاب چهار خصلت هست رنگ را متغیر میکند و انگیس را بدبو میکند و جامه را کهنه میکند و باعث
درد ها میشود **فصل یازدهم** در آداب بیت الخلا چون خواهد که داخل بیت الخلا شود سر را بپوشاند
واگر در بالای عمامه چیز دیگر بر سر بگیرد بهتر است و بسم الله و دعا بخواند باین عنوان بسم الله و بالله
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعوذُ بِکَ مِنَ الخَبیثِ وَ المُخبِثِ الرِّجسِ النَّجِسِ الشَّیطانِ الرَّجیم و دیگر بگوید
بسم الله و بالله و لا اله الا الله رب اخرج عنی الاذی سرحا بغیر حساب و اجعلنی لک
من الشاکرین فیما تصرفه عنی من الاذی و الغم الذی له حسبة عنی هلکت
الحمد عصمنی من شر ما فی هذه البقعة و اخرجنی منها سالما و حل بینی و بین طاعة الشیطان

الرحیم و چون داخل شود پای چپ را مقدم دارد بنا بر مشهور و چون نشست نظر برسیده و چون عورتش باز شود بسم الله
بگوید تا چشم بر هم نهد شیطان و نظرش بعورت او نیفتد و چون در نشست بشنید بگوید اللهم اذهب عنی القذی
و الاذی و اجعلنی من المتطهرین و جمعی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای چپ کند و پای راست را
گشاده بگذارد و مستندش بنظر نرسیده است و چون غایط یا بول بدشواری بیرون آید و بعضی گفته اند
مطلقا این دعا بخواند اللهم کما اطعمتنیه طیبا فی عافیة فاخرجه منی خبیثا فی عافیة و در حدیث است
که بر هر بنده فرشته موکل است که سر او را بزیر می اندازد در بیت الخلا که نظر بحدث خود کند پس
آن فرشته میگوید که ای فرزند آدم این عاقبت خوردنیهای تست که بسبب این سعی بسیار
در جمع آوری و پاکیزه گی آنها میکردی پس نگر که از کجا بهم رسانیدی و عاقبت بکجا رسید پس سزاوار
آنست که در آنحال بنده این دعا بخواند اللهم ارزقنی الحلال و جنبنی الحرام و چون نظرش مر استنجا
کند بگوید اللهم حصن فرجی و استر عورتی و حرمنی علی النار و وفقنی لما یقربنی منک یا ذا الجلال و الاکرام
و چون برخیزد دست بر شکمش مالد و بگوید الحمد لله الذی هنانی طعامی و شرابی و عافانی من البلوی
و چون خواهد که بیرون آید پای راست را مقدم دارد بنا بر مشهور و دست بر شکمش مالد و بگوید الحمد لله
الذی عرفنی لذته و ابقی فی جسدی قوته و اخرج عنی اذاه یا لها من نعمة لا یقدر القادرون قدرها
و در بعضی از کتب حدیث یا لها نعمة سه مرتبه وارد شده است و سنت است که بعد از انقطاع قطرات
بول استبرا کند و بعضی استبرا را واجب میدانند و طریق استبرا آن است که انگشت میانی
دست چپ را از دبر تا مقعد گذاشته بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه پس انگشت شهادت را
بر زیر ذکر گذارد و انگشت مهین را بر بالای آن و بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه و بعضی علما گفته اند که
سر ذکر را سه مرتبه بفشارد و این مستندی ندارد و سنت است استنجا با آب سرد کردن که دفع بواسیر
میکند و بسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است و منقولست که حضرت لقمان فرمود که در بیت الخلا
نوشته اند که بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیر میشود و استنجا باستخوان و سرگین کردن
مکروه است زیرا که جنیان بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمدند از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند

فهذا بگوید الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله نجسا
و چون خواهد که استنجا

حضرت استخوان را برای ایشان و سرگین را برای حیوانات ایشان قرار داد و باین سبب استخوان پاک کردن
کردن خوب نیست و همچنین استنجا به مطعومات خصوصا نان کراهت شدید دارد و استنجا بچیزهای
محترم مثل تربت حضرت امام حسین علیه السلام و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران یا ائمه صلوات
الله علیهم یا حدیث یا فقه بوده باشد و اگر بروجه استخفاف بکند کافر میشود و استنجا بدست راست
کردن مطلقا مکروه است و بدست چپ هم مکروه است در صورتی که در آن دست انگشتری باشد که در آن نام خدا
باشد و الحاق کرده اند علما اسمای انبیا و ائمه معصومین صلوات الله علیهم را کا بعضی نام ایشان کنده باشد مکروه است
با خود بردن به بیت الخلا چنین انگشتری را هر چند در انگشت نباشد و همچنین با خود بردن قرآن و نوشته ها
و همچنین با خود بردن نقره سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد و مکروه است در آنحال تکلم کردن بغیر از ذکر
و حمد الهی گفتن و آنچه موذن بگوید از پی او گفتن چنانچه منقول است که حضرت موسی مناجات با خدا کرد گفت
که حالتی چند رو میدهد که ترا از آن بزرگتر میدانم که در آن حال ترا یاد کنم فرمود که ای موسی مرا
همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکوست و جواب سلام یا اگر اسم حضرت رسول بشنود
صلوات فرستادن جایز است و مشهور است که اگر عطسه کند حمد بگوید و صلوات فرستد جایز است
که اگر کاری ضروری داشته باشد در رفتن که بتاخیر آن موجب فوت شود و باشاره دست رفع نشود اعلام تواند کرد
سخن بگوید و منقول است که هر که در بیت الخلا حرف بگوید حاجتش برآورده نشود و مکروه است خوردن
و آشامیدن در حال بول و غایط کردن و استنجا بآبی کردن که بویش متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه
آب دیگر میسر نشود در بیان احوال و اوضاع و مکانهایی که نهی از آنها
وارد شده است واجب است که خود را از نظر نامحرم بپوشاند و از زن و متعه خود و از
کنیزی که وطی او تواند کرد و نه اطفالی که تمیز نداشته باشند و بسیار عورت
ذکر است و خصیتین و دبر و فرج زن و بیش است که تمام بدن را بپوشاند یا آنکه پنهان شود از
یا گوی در صحرا باشد و در شود که جثه او را نبینند و اکثر علما برآنند که حرام است رو بقبله
کردن در حالت بول و غایط خواه در صحرا باشد و خواه در بنا و احوط اجتناب است چنانچه از حضرت

امام

امام رضا منقولست که هر که برابر قبله بول کند از روی فراموشی پس بیادش آید از برای تعظیم و اجلال قبله بگردد
بجانب دیگر از آنجا برنخیزد مگر آنکه خدای تعالی او را بیامرزد و احوط آنست که در حال استنجا نیز رو و پشت
بقبله نکند و سنت است که رو بمشرق و مغرب نکند و احوط آن است که از مابین مشرق و مغرب نیز
اجتناب کند و احوط آن است که اگر قبله را ندانند سعی کند در معرفت قبله تا خاطر جمع شود که رو و پشت
بقبله نکرده است و اگر متعذر باشد باکی نیست و اگر در این صورت پشت بقبله کند بهتر است
و سنت است که از جهت بول بر جای بلندی یا جایی که خاک بسیاری داشته باشد برود که خاطر جمع
شود که بر او ترشح نمیکند چنانچه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند تا آنکه
هرگاه اراده بول میکردند بجای بلندی میرفتند یا جایی که خاک نرم بسیاری بود که مبادا ترشح کند
و در احادیث بسیار وارد شده که بیشتر عذاب قبر از سهل شمردن بول و از کج خلقیست و در آب
بول کردن و در حدیث وارد شده که در آب ایستاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین میشود
و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی است و بهتر آن است که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده
بول کردن مکروه است بلکه غایط را هم ایستادن کردن مکروه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هر کرا ایستاده بول کند بیم آن است که دیوانه شود و مکروه است بول و غایط کردن در مجری آب
هر چند آب نداشته باشد و همچنین در میان راهها و کنار آبها و نزدیک دیوارهای مسجد و در
خانهها و در جاهای که مردم بسبب آن دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دار
در وقتی که میوه داشته باشد زیرا که ملایکه در آنوقت بران درختان میباشند که نگاه میدارند
میوه را از ضرر جانوران و بعضی گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است و در جاهای که مردم
قافله فرود می آیند و جاهای که مردم از آن متاذی میشوند حتی از بوی آن در شب و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که حق تعالی لعنت کرده است کسی را که غایط کند در سایه
که در آن قافله منزل میکنند و کسیکه منع کند مردم را از آب مباحی که در جاها و چشمها که مردم بنوبت
بر آن وارد میشوند یا آبی که ملک جماعتی باشد هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد صاحب نوبت را

منع کنند وکسی که راه شارع مردم را سد کند بدیوار کشیدن یا راه زنی کردن یا عشور کرفتن

در آداب حجامت وتنقیه وخواص بعضی از ادویه ومعالجه بعضی از امرض وذکر بعضی از

ادعیه واحراز

در ثواب بیماری وصبر کردن بران وبیان شدت ابتلای مؤمنان در

حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که روزی حضرت رسول ص رو بجانب

اسمان بلند کردند وتبسم فرمودند صحابه ازان پرسیدند حضرت فرمودند که تعجب کردم از دو ملک که

بزمین فرود آمدند وبنده صالحی مؤمنی را در جای نمازش طلب کردند که عمل روز وشبش را بنویسند او را

در جای نمازش نیافتند باسمان رفتند وکفتند پروردکارا فلان بنده ترا در جای نمازش طلب

کردیم ونیافتیم واو در بند بیماریست حق تع حق تع فرمود که بنویسید برای بنده من مثل انچه در

حال صحت از افعال خیر در شب وروز میکرده است مادام که در بند من است ودر حدیث دیکر از حضرت

رسول ص منقولست که چون بر مؤمن ضعف پیری غالب شود حق تع امر میکند که انچه در جوانی

وقوت میکرده است بنویسند برای او وهمچنین ملکی را امر میکند که برای مومن بیمار بنویسد انچه در

حال صحت میکرده از کارهای خیر واز برای کافر بیمار بنویسد از کارهای بد در حال صحت میکرده است

ودر حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بیداری یکشب از بیماری بهتر است از

عبادت یکسال ودر حدیث دیکر منقولست که حق تع ملک دست چپ را امر میکند که در حال بیماری

کناهان بر مؤمن ننویسد ودر حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بدنی که بیماری نکشد

طغیان بهم میرساند وخیری نیست در چنین بدنی ودر حدیث دیکر فرمود که یکشب تب برابر است

با عبادت ۱ سال وسه شب تب برابر است با عبادت هفتاد واز حضرت صادق ع منقول

است که یکشب تب کفاره کناهان کذشته وآینده است ودر چند حدیث معتبر از حضرت رسول ص

منقول است که حضرت رسول حق تع میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد وبعیادت کنندکان شکایت

نکند بدل میکنم برای او کوشتی بهتر از کوشت اول وخونی بهتر از خون اول پس اکر

او را عافیت دهم کناهان او را می آمرزم واکر بمیرانم بسوی رحمت خود میبرم او را ودر احادیث

معتبره از حضرت صادق ع منقولست که هر که یکشب بیماری کشد وقبول کند آنرا انچه شرط قبول

کردنست بانکه کسی را خبر ندهد از انچه کشیده وچون صبح شود خدا را شکر کند حق تع بفضل خود ثواب

عبادت شصت ساله باو عطا فرماید ودر حدیث حسن از ان حضرت منقولست که حد شکایت نه

آن است که بکوید دیشب مرا خواب نبرد یا تب داشتم بلکه بکوید که ببلائی مبتلا شدم که هیچکس مبتلا

نشده وانچه بمن رسیده بهیچکس نرسیده ومثل اینها ودر حدیث دیکر فرمود که تب رسول مرکست

وزندان خداست در زمین وکرمیش از جهنم وبهره مومن از جهنم همین است واز حضرت علی بن

الحسین ع منقولست که نیکو دردیست تب بهر عضوی میرساند بهره واز بلا بری نیست کسیکه ببلا

مبتلا نشود ودر روایت دیکر وارد شده که مؤمن چون تب میکند کناهان از او فرو میریزد مانند برک

از درخت واکر بر تخت خواب میغلتد نالهاش ثواب تسبیح دارد کسبحان الله باشد وفریادش ثواب لا اله

الا الله واز پهلو به پهلو کردیدن میکردد مانند کسی دارد که در راه خدا شمشیر میزند واز حضرت امام رضا ع منقول است

که بیماری از برای مؤمن پاک کننده اوست از کناهان ورحمت الهی است نسبت باو واز برای کافر

عذاب ولعنت اوست وفرمود که یکشب در دسر هر کناهی را برطرف میکند مکر کناه کبیره را واز

حضرت صادق ع منقولست که چون حق تع بنده مومنی را دوست دارد یکه تحفه از برای او میفرستد

تب یا درد چشم یا درد سر ودر احادیث معتبره بسیار وارد شده که بلای پیغمبران از همه کس شدیدتر است

پس بعد از ایشان اوصیای ایشان پس بعد از اوصیا هر که نیکوتر وفاضلتر است بلایش عظیمتر است

ومؤمن را بقدر ایمان واعمال نیکش بلا باو میرسد پس هر که ایمانش صحیحتر وعملش نیکوتر است بلایش

بیشتر است وهر که ایمانش ضعیفتر وعملش کمتر است بلایش کمتر است ودر احادیث معتبره از حضرت صادق ع

منقول است که ثواب عظیم با بلای عظیم میباشد هیچ کروهی را خدا دوست نمیدارد مکر انکه ایشان را

مبتلا میکرداند وفرمود که حق تع را بندکان خالص هست که از اسمان هیچ تحفه بزمین نمیفرستد

مکر انکه از ایشان میکرداند از ایشان بسوی غیر ایشان وهیچ بلائی نمیفرستد مکر انکه از دیکران میکرداند

بسوی ایشان وبروایت معتبر دیکر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که چون حق تع بنده را دوست

داشت غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی و میریزد بر او بلا را پس اگر خدا را برای دفع آن بلا بخواند حق تعالی
میفرماید لبیک ای بنده من اگر زود بتو دهم آنچه طلبیدی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنم برای روز جزا بهتر است
از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقول است که مؤمن را چهل شب بر او نمیگذرد مگر آنکه
او را امری رو میدهد که اندوهگین شود بسبب آن تذکر و آگاه گردد و در حدیث صحیح از آنحضرت
منقول است که در بهشت منزلی هست که هیچکس بآن منزلت نمیرسد مگر آنکه بلای بدن او برسد
و فرمود که اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه ثواب از برای او هست هر آینه آرزو میکند که او را بمقراض پاره پاره
کنند و از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که فرمود که خداوند عالمیان بنده مؤمن را بتحفه از بلا مبتلا
میکند چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خانه خود بفرستد و او را پرهیز میفرماید از دنیا چنانچه طبیب بیمار را
پرهیز میفرماید از چیزهای که باو ضرر میرساند و از حضرت صادق ع منقول است که شخصی حضرت رسول ص را
بخانه خود طلبیدند چون حضرت داخل خانه شدند دیدند که مرغی بر بالای دیوار تخم کرد و آن تخم افتاد و بر روی
میخی که در میان دیوار بود بند شده نیفتاد و نشکست حضرت تعجب فرموده آن شخص گفت بحق
آن خداوندی که ترا براستی بخلق فرستاده که هرگز نقصانی بمن نرسیده حضرت او را نخوردند طعام
و برخواستند و فرمودند که هر که نقصان باو نرسد امید خیری در او نیست و در حدیث دیگر فرمود
که خدا مؤمن را بهر بلائی مبتلا میکند و بهر مرگی میمیراند اما عقلش را بر طرف نمیکند نمی بینی که شیطان
بر مال و فرزندان و اهل حضرت ایوب ع مسلط شد و بر عقلش مسلط نشد که بآن عقل خدا را بیگانگی
بشناسد و در حدیث حسن فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر نه آن بود که مؤمن در دل خود چیزی می یافت
هر آینه عصابه بر سر کافر می بستم که هرگز درد سر باو نرسد

در فضیلت و آداب حجامت

بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که دوا در چهار چیز است حجامت و دوا در بینی چکانیدن و حقنه کردن
و قی کردن و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت گذشتند بر جماعتی که حجامت میکردند فرمود
که چه بلیت شما را اگر تاخیر میکردید تا پسین روز یکشنبه که درد را بیشتر از بدن میکشد و در حدیث دیگر فرمود
که حضرت رسول ص روز سه شنبه بعد از ظهر حجامت کردند و باجرت حجام گندم دادند و در حدیث دیگر

فرمود

فرمود که حضرت رسول ص روز سه شنبه بعد از ظهر عصر حجامت کردند و فرمود که حجامت کردن در آخر روز
سه شنبه درد را از بدن میکشد و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام موسی ع در روز
جمعه حجامت گفت فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود هرگاه خون زیادتی کند
بر تو خواه در شب و خواه در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و از حضرت رسول ص منقول است که هر که
حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست یکم ماه او را شفا دهد از دردهای همه سال و شفا بخشد
از درد سر و درد بدن و دیوانگی و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام علی نقی ع در روز
چهارشنبه حجامت میکردند گفت اهل مکه و مدینه میگویند که حضرت رسول ص فرموده که هر که در روز چهارشنبه
حجامت کند و پیس شود ملامت نکند مگر خود را فرمود که دروغ میگویند پیس میشود کسی که مادرش در حیض باو حامله
شده باشد و از حضرت صادق ع منقول است که هر که خواهد که حجامت کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند
بدرستی که در هر پسین جمعه خون از جای خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر نمیگردد تا صبح روز
پنجشنبه آخر ماه در اول روز دردها را از بدن بکشد و در حدیث دیگر فرمود که چون حجامت کنی و خون از
محل حجامت بیرون آید پیش از آنکه محجمه را بر هم بزنند بگو بِسْمِ اللهِ اَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي
هٰذِهِ مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص حجامت را
در سر و در میان هر دو کتف و در پشت گردن میکردند یکی را نافعه مینامیدند و دیگری را مغیثه یعنی بفریاد
رسنده و سیم را منقذه یعنی خلاص کننده از بلاها و در روایة دیگر فرمود که منقذه آن است که از سر بینی
شبر کنی بجانب بالا و بهر جای سر که رسد در آنجا حجامت کنی و در روایت معتبر منقولست که حضرت
امام موسی ع در روز چهارشنبه حجامت کردند و تب بر طرف نشد پس در روز جمعه حجامت کردند
و تب بر طرف شد و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که در روز چهارشنبه آخر ماه حجامت
کند برای رد اهل جبیره عافیت یابد از هر بلائی و محفوظ ماند از هر دردی و محل حجامتش آب نگیرد
در روایت دیگر منقولست که حجامت کردن بدن را صحیح میکند و عقل را محکم میکند و فرمود
که حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز نحسیت و در روز جمعه ساعتی هست که هر که در آن ساعت

حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرمود که روز سه شنبه روز خون گرفتن است و در حدیث دیگر
نهی وارد شده از حجامت کردن در روز چهارشنبه و از حضرت امام موسی ع منقولست که در روز
پنجشنبه حجامت بکنید و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است که اگر در چیزی شفا هست در
شیشهٔ حجام و عسل است و فرمود که نیکو عادتیست حجامت دیده را جلا میدهد و درد را میبرد و حضرت
صادق ع فرمود که جبرئیل از برای حضرت رسول صلعم مسواک و خلال و حجامت آورد و در فقه الرضا ع منقول است
که چون اراده حجامت بکنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ أَعُوذُ
بِاللّٰهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ وَأَعْلَالِ الْأَمْرَاضِ وَالْأَسْقَامِ
وَالْأَوْجَاعِ فَأَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاتَ وَالشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ و در حدیث دیگر منقول
است که بحضرت صادق ع عرض کردند که مردم بد میدانند حجامت را در روز شنبه و چهارشنبه
فرمود که حضرت رسول صلعم فرموده که هرگاه کسی زیادتی خون در خود بیند البته حجامت کند که مبادا او را
بکشد و فرمود که اول شنبهی که از آزار ماه رومی که ماه اول بهار است حجامت کند باعث صحت بدن او است
و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که حضرت رسول صلعم را هیچ آزاری بهم نمی‌رسید مگر آنکه پناه میبرد بحجامت
و در حدیث دیگر فرمود که حجامت سر شفای همه دردهاست بغیر از مرگ و در حدیث دیگر فرمود که هر که
نظر کند باول محجمه از خون او که بریزند امان یابد از درد چشم تا حجامت دیگر و در روایت دیگر از حضرت
صادق ع منقولست که چون حضرت رسول صلعم حجامت میکردند بآب سرد غسل میکردند که حرارت
خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلعم اول در نیت کردن حجامت منفرد بود
پس جبرئیل آمد و امر کرد آنحضرت را بحجامت میان دو کتف و در حدیث دیگر فرمود حضرت صادق ع
حجامت کردند و بعد از حجامت سه پارچه قند نبات طلبیدند و تناول فرمودند و گفتند خون صالح را
متولد میکند و حرارت را قطع میکند و از حضرت امام علی نقی ع منقولست که انار شیرین بعد از
حجامت خون را ساکن میکند و اندرون صاف میشود و از حضرت صادق ع منقول است که
حجامت روز شنبه باعث ضعف میشود و در روایت دیگر منقول است که بسیار بود که حضرت

امام

امام رضا ع در میان شب زیادتی خون می‌یافتند در آنوقت حجامت میکردند و از حضرت صادق ع
منقولست که در ماه مبارک رمضان بهتر آن است که حجامت را در شب بکنند و فرمود که حجامت ما
در روز یکشنبه است و حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است و فرمود که زنهار ناشتا حجامت
مکن تا اندک چیزی بخوری که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن میشود و فرمود که چون بعد
از اکل حجامت کنند خون جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر پیش از اکل باشد خون صالح بیرون میرود
و خون فاسد در بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت حضرت صادق ع بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند
که محجمه خود را بشو و بند کن پس اناری طلبیدند و تناول فرمودند چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند
و خوردند و فرمودند که خوردن انار در اینوقت صفرا را فرو می‌نشاند و حضرت امام محمد باقر ع از ابو بصیر پرسیدند
که مردم بعد از حجامت چه چیز میخورند گفت برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست و از حضرت امام
موسی ع منقولست که کسی که خواهد حجامت کند در روز شنبه حجامت بکند و فرمود که حجامت کردن در روز
یکشنبه شفای هر درد است و در روایتی وارد شده که نباید حجامت کرد در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب
باشد و از حضرت صادق ع منقولست که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد
در بدن متفرق میشود پس حجامت را پیش از ظهر بکنید و در حدیث نهی فرمود از حجامت کردن در وقت ظهر
روز جمعه و از حضرت امام موسی ع منقولست که در هفتم ماه حزیران رومی که اوایل تابستان است حجامت
بکن و اگر نشود در چهاردهم بکن و حضرت صادق ع فرمود که حجامت را در آخر روز بجا آورید و از حضرت
رسول صلعم منقولست که حجامت در گودی پشت سر موجب غلبه فراموشیست بغیر از مرگ پس از هر دو طرف ابرو
شبر کردند بجانب پشت و بانجا که انگشتها رسید نشان زدند که در اینجا حجامت میباید کرد و در روایت
دیگر در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر در آن ساعت اتفاق خون بند نمیشود تا بمیرد و فرمود که هر که در وقت
ظهر روز جمعه حجامت کند و بلائی باو رسد ملامت نکند مگر خود را و در روایت دیگر فرمود که آیة الکرسی بخوان
در هر روز که خواهی حجامت بکن و فرمود که حجامت سر نافع است برای دیوانگی و خوره و پیسی و درد دل و درد دندان
و در حدیث دیگر از برای تاریکی چشم و درد سر و غلبه خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یکمرتبه

اورا حجامت کنید در کودی پشت سر حرارت را از بدنش میکشد و منقولست که حضرت امام محمد تقی ع طبیبی را

طلبیده فرمودند که رگ کف دست را بگشاید و منقول است که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد

جگر حضرت او را فصد یا فرمود و شخصی دیگر از خارش بدن شکایت کرد فرمود که سه مرتبه هر روز یا را حجامت بکن

در پشت یا در میان کتف و یا شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت کرد از جرب فرمود که فصد پای

راست بکن و بقدر دو درم روغن بادام شیرین بر روی آب کنک بریز و بخور و ماهی و سرکه مخور و شخصی

دیگر بحضرت صادق ع شکایت کرد از جرب فرمود که رگ اکحل بگشا

دربیان انواع مداوا که از ائمه ع وارد شده و بیان جواز رجوع باطبا از حضرت رسول ص منقولست که درد سه است و دوا سه است پس درد

مره است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون دوای خون حجامت است و دوای مره مشی است و دوای بلغم حمام

است و از حضرت صادق ع منقولست که از دوای پیغمبران است حجامت کردن و نوره کشیدن

دوا در دماغ چکانیدن و حجامت کردن و حمام رفتن و در حدیث دیگر فرمود که طبیب عرب

حجامت و حقنه کردن است و دوا در بینی کردن و حمام و قی و خوردن عسل و آخر دوای ایشان

داغ سوختن است و از حضرت صادق ع منقول است که حقنه از جمله دواهای عظیم است و شکم را

بزرگ میکند و فرمود که دوا چهار است حجامت کردن و دوا و مالیدن و قی کردن و حقنه کردن و از حضرت

امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که بهتر چیزی که بآن مداوا کنید حقنه است شکم را

فربه میکند و دردهای اندرون را پاک میکند و بدن را قوت میدهد و فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانید و در فقه

الرضا منقول است که امساک سر همه دواهاست و معده خانه دردهاست و هر بدنی را بده آنچه عادت داده فرمود

که پرهیز کن از دوا خوردن تا بدنت تاب درد دارد و فرمود که هرگاه گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه که

تشنه شوی آب بخور و هرگاه که بول تو آید بول بکن و تا ضرور نشود جماع مکن و هرگاه که ترا خواب آید خواب

بکن چون چنین کنی بدنت صحیح میباشد همیشه و فرمود که حق تعالی دوا را مانع میشود از تاثیر کردن تا وقتی که

مقدر شده که آن مرض تا آن وقت باشد چون آن مدت منقضی شد او را رخصت اثر میدهد و بآن دوا شفا میدهد

مگر آنکه پیش از آن مدت تصدق یا کارهای خیر بکند که خدا پیشتر از آن مدت دوا را رخصت تاثیر بدهد و فرمود

که در عسل

طلب و فرمودند جلو حضرت

که در عسل شفای هر درد است و هر که یک انگشت عسل ناشتا بخورد بلغم را دفع میکند و سودا را دفع میکند و ذهن

را صاف میکند و حافظه را قوی میسازد و هرگاه با کندر خورده شود آب سرد حرارت و صفرا را فرو مینشاند و

طعام را هضم میکند و خلطی که در فم معده است میکند از دو تب را برطرف میکند و فرمود که اگر چیزی بدنرا فربه

میکند مالیدن بدن و جامههای نرم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را مالند که زنده

شود بعید نیست و تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند و قضای محکم را دفع میکند و فرمود که بیماری را

تغییر دهد چیزی مانند دعا و تصدق و آب سرد و فرمود که منتهای پرهیز و امساک چهارده روز است و پرهیز

نه آنست که چیزی نخورد و فرمود که صحت و مرض در بدن آدمی در مقام معارضه و مقاتله اند پس هر وقت

که صحت غالب آید بیمار بشعور می آید و اشتهای طعام بهم میرساند پس هرگاه که طلب طعام بدهید که

شاید شفایش در آن باشد و فرمود که شفای هر درد در قرآنست پس بیماران خود را مداوا کنید بتصدق و طلب

شفا کنید بقرآن که هر که را قرآن شفا ندهد هیچ چیز سبب شفای او نیست و از حضرت امام محمد

باقر ع منقولست که هر که دردها را در بدن خود یابد و حرارت را در مزاج خود غالب یابد با زنان

جماع کند که حرارت را فرو می نشاند و از حضرت صادق ع منقولست که عامه دردها و بیماریها از

غلبه صفرا و سودا و خون سوخته شده و از بلغم زیاده میشود پس باید که آدمی تعهد خود کند پیش از آنکه

اینها بر او غالب شود و او را هلاک کند و از حضرت رسول ص با سانید معتبره منقولست که دوا کنید

بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاهای محکم را دفع میکند و فرمود که تصدق مرگهای بد را

از صاحبش میبرد و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت کرد که من با

ده نفر از عیالم همه بیماریم فرمود که ایشان را دوا کنید بتصدق که هیچ چیز بیشتر و زودتر از تصدق نفع

نمیکند و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که شخصی بیمار شد حضرت امیر المؤمنین ع

فرمود که از زن خود یک درهم از مهری که باو داده بطلب که بتو ببخشد با آن عسل بخر و با آب باران

بخور آن شخص چنین کرد و شفا یافت از سبب این پرسیدند از آنحضرت فرمود که حق تعالی میفرماید

که اگر زنان بطیب خاطر شما چیزی ببخشند بخورید گوارا و با عافیت نیک و در باب عسل میفرماید

که دران شفاست از برای مردمان و در باب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آبی مبارک
پس درانجا کوارائی و حسن و عافیت و برکت و شفا هم جمع شد و در حدیث دیگر منقول است
که مردی بخدمت حضرت صادق ع آمد و عرض کرد که دردی دارم و برای آن اطبا شراب گفته اند
و میخورم حضرت فرمود که چرا دوای خود نمیکنی آبی را که خدا فرموده است که همه چیز بران زنده است
گفت با من موافقت نمیکند فرمود که چرا عسل نمیخوری که خدا شفای هر درد گردانیده است گفت بدستم نمی آید
فرمود که چرا شیر نمیخوری که گوشت و پوست تو از شیر پرورده است گفت با طبعم موافقت ندارد فرمود که میخواهی
ترا رخصت بدهم که شراب بخوری والله که هرگز نکنم و در حدیث معتبر از انحضرت منقول است که شخصی
بانحضرت عرض کرد که بیماران که نزد ما بیمار میشود ایشان را امر بپرهیز و امساک میکنند فرمود که ما اهل بیت
امساک نمیکنیم مگر از رطب و آب سرد فرمود که چرا از خرما امساک میکنید از خرما فرمود برای آنکه حضرت
رسول ص امیرالمؤمنین ع را در بیماری ازان امساک فرمود و در روایتی یازده روز و در حدیثی دیگر فرمود
که پرهیز و امساک بعد از هفت روز دیگر نفعی ندارد و از حضرت امام موسی ع منقول است که پرهیز آن
نیست که در اصل چیزی را نخوری بلکه آنست که کم بخوری و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است
که موسی ابن عمران ع مناجات کرد که پروردگارا درد از کجا میرسد خطاب رسید که از من پرسید که دوا از
کیست خطاب رسید که از من پرسید که طبیبان چه میکنند مردم این حکیمان را خطاب رسید که دل
مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح منقولست که علی ابن جعفر از حضرت امام موسی ع سؤال کرد
از داغ کردن بیماران و اعوذها و افسونها برایشان خواندن فرمود که باکی نیست در داغ کردن و
افسونی که معنیش را دانی و در حدیث صحیح دیگر منقولست که شخصی از انحضرت پرسید که من محتاج
میشوم بطبیب نصرانی و بنزد او میروم و بر او سلام میکنم و او را دعا میکنم و او را دعا میکنم فرمود که باکی
نیست اما دعا و سلام تو باو نفعی نمیرسد و در حدیث دیگر فرمود که تا ممکن است رجوع بمعالجه طبیبان مکنید
که این مانند عمارت کردن است که اندکش بسیار میکشد و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست
که هر که صحتش بر بیماری غالب باشد و معالجه کند بمیرد من ازاو بیزارم و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت

امام محمد باقر ع پرسیدند که بمعالجه طبیب یهودی و یا نصرانی عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا بدست
خداست و در روایت دیگر از حضرت صادق ع پرسیدند که شخصی دوا میخورد و گاه هست که او را میکشد
و گاه هست که شفا می یابد و اما بیشتر آن است که شفا می یابد فرمود که خدا دوا فرستاده و شفا را میفرستند
و هیچ دردی را خلق نکرده است مگر آنکه دوایی برای آن آفریده است بخورد و نام خدا ببرد در وقت خوردن
و از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند که زنی یا مردی چشمش آب سیاه می آورد و اطبا میگویند که چشمش را
میل میزنیم می باید که یکماه یا چهل روز بر پشت بخوابی و حرکت نکند نکند و با این حال نماز بایماء باید بکند
حضرت فرمود که چون مضطر است باکی نیست و از حضرت صادق ع منقولست که پیغمبری بیمار شد
پس گفت که دوا نمیکنم که تا آنکس که مرا درد داده است شفا بدهد حق تعالی باو وحی فرستاد که تو دوا نکنی
شفا نمیدهم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بانحضرت عرض کرد که من جراحتها میبرم و داغ میکنم
باتش فرمود که باکی نیست گفت دواهای تلخ که سمیت دارد بمردم میدهم مثل غاریقون فرمود که باکی
نیست گفت گاه هست که میمیرد گفت هر چند که بمیرد باکی نیست گفت گاه هست که شراب در آن میدهم
که بخورند فرمود که در حرام شفا نمیباشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که شخصی بانحضرت عرض کرد که شخصی
دوا میخورد و رگهای بدنش را میبرند و گاه منتفع میشود و بسیار است که او را میکشد فرمود که بکشد و در حدیث
دیگر عرض کردند که کسی را داغ میسوزانند بر بدن و گاه هست که میکشد فرمود که در زمان حضرت پیغمبر ص
داغ سوزاند و حضرت بالای سرش ایستاده بودند و در حدیث معتبر از حضرت موسی ابن جعفر ع
منقول است که هیچ دوایی نیست مگر آنکه در بدن دردی برمی انگیزد و هیچ در بدن نافع تر از آن نیست
که تا محتاج نشوی تصرف در بدن نکنی

در معالجه انواع تب و احادیث بسیار وارد

شده است که مداوا نمیکنیم تب را مگر بریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب و از حضرت صادق
ع منقولست که تب از بوی جهنم است فرو نشانید حرارتش را با آب سرد و در حدیث دیگر فرمود
که برای دفع تب هیچ چیز نافع تر از دعا و آب سرد نیست و از مفضل منقول است که بخدمت آنحضرت
رفتم در ایام تابستان و آنحضرت تب داشتند دیدم که طبقی گذاشته است پر از سیب سبز عرض

کردم که مردم اینرا برای تب خوب نمیدانند فرمود که این تب را برطرف میکند و حرارترا فرو می نشاند
ودر حدیث دیگر فرمود که بمقدار ده درهم قند با آب سرد ناشتا خوردن جهة دفع تب نافع است واز حضرت
امام رضا ع منقولست که روزی حضرت رسول ص نزد حضرت امیر المومنین ع آمدند و آنحضرت تب
داشتند فرمود که سنجد تناول فرما واز حضرت امام موسی ع منقولست که خاریدن بدن و غلبه خواب و درد
سر و شوربها و دملها علامات زیادتی خون است واز حضرت امیر المومنین ع منقولست که بشکنید گرمی تب را به بنفشه و آب
سرد و در تابستان بر بدن صاحب تب آب سرد بریزید و فرمود که یاد اهل بیت ما کردن شفاست از تب و جمیع
دردها و وساوس شیطانی و فرمود که بخورید آب باران که بدن شمارا پاک میکند و دردها دفع میکند و در حدیث
معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که از شخصی پرسیدند که شما بیماران خود را بچه چیز دوا میکنید گفت
که باین دواهای تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید را بکوبید و آب سرد براو بریزید و باو بخورانید
که آنخداوندی که بتلخ شفا میدهد قادر است که بشیرینی شفا بدهد و در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تب میکند
و در حدیث دیگر فرمود که دو ماه بیماری کشیدم خدا مرا الهام کرد که برنج را گفتم که برنج را شستند و اندکی بر روی
آتش بو دادند و در آسیا خورد کردند و پاره را سفوف کردم و پاره را در میان آب کردم و خوردم فرمود
که تب بر اولاد پیغمبر دو برابر است از دیگران و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که علاج تب بلغم خیر باشد
بقی و عرق و مسهل و از ابراهیم جعفی منقولست که بخدمت حضرت صادق ع رفتم و شکایت کردم از تب
ربع فرمود که نبات یا قند را بسای و در میان آب بریز و ناشتا و هر وقت که احتیاج باب خوردن شود
بخور چنان کردم بزودی شفا یافتم و از حضرت امام موسی ع فرمود در معالجه تب غب کهنه که عسل و سیاه
دانه را باهم ممزوج کن و سه انگشت از آن بخور که این هر دو مبارکست و خدا فرموده که عسل شفاست
و حضرت پیغمبر ص فرموده که در سیاه دانه شفای همه دردهاست مگر مرگ و از حضرت امام علی نقی ع
منقولست که بهترین چیزها برای تب ربع آن است که در روز نوبه پالوده با عسل بسازی و زعفران
بسیار در آن بکنی و در آنروز چیز دیگر غیر آن نخوری و از حضرت امام رضا ع منقولست که این
تعویذی است برای شیعیان ارسل یا الله یا رب الارباب یا سید السادات و یا اله

الالهه

کردم که مردم اینرا برای تب بهتر نمیدانند فرمود که این تب را برطرف میکند و حرارترا فرو می نشاند و در حدیث دیگر فرمود که مقدار ده درهم ...

الالهة و یا مالك الملوك و یا جبار السموات والارض اشفنی و عافنی من داعی هذا فاننی
عبدك وابن عبدك اتقلب فی قبضتك وناصیتی بیدك و سه مرتبه این دعا را بخوانی تا خدا شفا
دهد بحول و قوت خود و در روایت معتبر وارد شده است که حضرت رسول ص را تب شدید عارض شد جبرئیل آمد
و این عوذه بر آن حضرت خواند و در ساعت تب زایل شد بسم الله ارقیك بسم الله اشفیك بسم الله
من كل داء یعییك بسم الله والله شافیك بسم الله خذها فلتهنئك بسم الله الرحمن الرحیم
فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن الله و در چند حدیث معتبر منقولست که بر هیچ بیماری
و صاحب دردی هفتاد مرتبه حمد خوانده نمیشود مگر آنکه آن درد ساکن میشود و در روایت دیگر منقول
است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد عرض کرد که یکماه است که تب میکنم و آنچه اطبا گفتند
بعمل آوردم و برطرف نشد حضرت فرمود که بندهای پیراهن خود را بگشا و سر را در گریبان پیراهن داخل
کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان آن شخص گفت که چنان کردم گویا از بندی رها
شدم و در حدیث دیگر منقول است که یکی از فرزندان آنحضرت بیمار شد فرمود که ده مرتبه یا الله
بگو که هیچ مؤمنی نمیگوید مگر آنکه حق تعالی میفرماید که لبیك حاجت خود را بگو و در حدیث دیگر فرمود که
هر که را علتی عارض شود هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه که من ضامنم که آن علت
برطرف شود و در حدیث معتبر منقولست از داود بن زربی که گفت من بیمار شدم در مدینه بیماری
شدیدی چون این خبر بحضرت امام جعفر صادق ع رسید بمن نوشتند که یکصاع گندم بخر و بر پشت
بخواب و آن گندم را بر سینه خود بریز و بگو اللهم انی اسئلك باسمك الذی اذا سالك
به المضطر كشفت ما به من ضر ومكنت له فی الارض وجعلته خلیفتك علی خلقك
ان تصلی علی محمد واهل بیته وآل محمد وان تعافینی من علتی پس درست بنشین و گندم
جمع کن و باز آن دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه کن و هر حصه بیک فقیر بده و باز دعا بخوان داود
گفت من چنان کردم گویا از بندی رها شدم و بسیار کس کردند و شفا یافتند و در حدیث صحیح از
آنحضرت منقولست که چون نزد بیماری روی هفت مرتبه بگو اعیذك بالله العظیم رب العرش

العظيم الكريم من شر كل عرق نعار ومن شر حر النار و در حدیث دیگر فرمود که سوره حمد و قل هو الله
احد و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی بخوان پس بانگشت شهادت بر پهلوی بیمار بنویس
اللهم ارحم جلدة الرقيق وعظمة الدقيق من سورة الحريق يا ام ملدم ان كنت امنت
بالله واليوم الآخر فلا تأكلي اللحم ولا تشربي الدم ولا تهتكي الجسم ولا تصدعي الرأس
واشتغلي عن فلان ابن فلان و نام او و نام مادرش را بنویسد الی من يجعل مع الله الها
آخر لا اله الا الله تعالى الله عما يشركون علوا كبيرا و در روایت دیگر فرمود که بیمار سر
در گریبان خود داخل کند و اذان و اقامه بگوید و سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و بگوید اعيذ نفسي بعزة الله وقدرة الله وعظمة
الله وسلطان الله وجمال الله وجمع الله وبرسول الله وبعزته صلى الله عليه وعليهم و
بولاة امر الله من شر ما اخاف واحذر واشهد ان الله على كل شيء قدير ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد وال محمد وداوني بدوائك وعافني
من بلائك و در روایت دیگر منقول است که شخصی با حضرت شکایت کرد که تبش بسیار بطول
انجامیده است فرمود که آیة الکرسی بظرفی بنویس و با آب حل کن و بخورد و در بعضی از کتب معتبره منقول
است که برای تب این تعویذ را بنویسد و بر بازوی راست بندد و سوره حمد را تا آخر بخواند بنویسد و بعد
از آن این دعا بنویسد بسم الله وبالله اعوذ بكلمات الله التامات كلها التي لا يجاوزهن
بر ولا فاجر من شر ما خلق وذرأ وبرأ ومن شر الهامة والسامة والعامة واللامة
ومن شر طوارق الليل والنهار ومن شر فساق العرب والعجم ومن شر فسقة الجن
والانس ومن شر الشيطان وشركه وشر كل ذي شر ومن شر كل دابة هو آخذ
بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم ربنا عليك توكلنا واليك انبنا واليك المصير
يا نار كوني بردا وسلاما على ابرهيم وارادوا به كيدا فجعلناهم الاخسرين بردا وسلاما
على فلان ابن فلان و نام بیمار و مادرش نوشته شود ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا

ربنا

ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به
واعف عنا واغفر لنا انت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين حسبي الله لا اله الا هو فاتخذه
وكيلا وتوكل على الحي الذي لا يموت وسبح بحمده وكفى به بذنوب عباده خبيرا بصيرا
لا اله الا الله وحده لا شريك له صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده
ما شاء الله لا قوة الا بالله كتب الله لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي عزيز الا ان
حزب الله هم الغالبون ومن يعتصم بالله فقد هدي الى صراط مستقيم وصلى الله
على محمد واله الطيبين الطاهرين و از سلمان فارسی رض منقول است که گفت بعد از وفات
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بده روز از خانه بیرون آمدم در راه حضرت امیر المؤمنین ع را ملاقات
کردم فرمود که برو بنزد حضرت فاطمه ص که تحفه از بهشت برای او آمده میخواهد بتو عطا فرماید بتعجیل بخدمت آنحضرت
شتافتم فرمود دیروز در همین موضع نشسته بودم و در خانه بسته بود و غمگین بودم و فکر میکردم در منقطع شدن
وحی الهی از ما و نیامدن ملائکه بسوی ما ناگاه دیدم که در گشوده شد و سه دختر باندرون آمدند که بحسن و جمال و
طراوت و نزاکت و خوشبویی ایشان هرگز ندیده است چون ایشان را دیدم برخواستم و سؤال کردم که شما
از اهل مکه اید یا از اهل مدینه گفتند ای دختر حضرت رسول ص ما از اهل زمین نیستیم ما را پروردگار از جنات از بهشت
جاوید بسوی تو فرستاده و بسیار مشتاق تو بوده ایم از یکی که بزرگتر می نمود پرسیدم که چه نام داری گفت مقدوده
گفت بجهة اینکه از برای مقداد اسود خلق شده ام پس از دیگری پرسیدم که چه نام داری گفت ذره نام دارم
از سبب نام او پرسیدم گفت زیرا که از برای ابوذر غفاری خلق شده ام از سیم پرسیدم که چه نام داری گفت
سلمی از سبب آن پرسیدم گفت از برای سلمان فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام حضرت فاطمه فرمودند
که پس از برای من رطبی چند بیرون آوردند مانند گردهای نانهای بزرگ که از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر پس سلمان
گفت که حضرت فاطمه ص یکی از رطبها را بمن دادند و فرمودند که امشب باین رطب افطار کن و فردا هسته اش را
برای من بیاور پس آن رطب را گرفتم و بیرون آمدم بهر جمعی از اصحاب رسول ص که میگذشتم میپرسیدند که ای سلمان
آیا مشک همراه داری میگفتم بلی پس چون وقت افطار شد تناول کردم هیچ هسته نداشت بخدمت حضرت فاطمه

رفتم وکفتم هسته بکذشت فرمود که چون هسته داشته باشد و حال آنکه این رطب از درختی بهم رسیده
است که حق تعالی از برای من در بهشت غرس فرموده است بسبب دعائی که پدرم بمن تعلیم کرده است و هر صبح
و شام میخوانم سلمان کفت ای سیده من ان دعا را تعلیم من فرما فرمود که اکر خواهی تا در دنیا
باشی ازار تب نیابی بر این دعا مواظبت کن اینست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی
خلق النور من النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور فی رق منشور
بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور
و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین
سلمان کفت که این دعا را بزیاده از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم همه از
تب نجات یافتند و در حدیث حسن منقول است که بعضی از فرزندان امام جعفر صادق ع بیمار
شد حضرت فرمود که این دعا بخوان اللهم اشفنی بشفائک وداونی بدوائک
وعافنی من بلائک فانی عبدک وابن عبدک و از برای تب ربع منقولست که این
آیه را بنویسند و بر او به بندند یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و در روایت دیکر این
دعا را بر بازوی راستش به بندند بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرانا سیرت به الجبال
او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا یا شافی یا کافی یا معافی
و بالحق انزلناه و بالحق نزل باسم فلان ابن فلان و نام او و پدرش را بنویسند بسم الله
و بالله و من الله و الی الله و لا غالب الا الله و از برای تب لرز این آیات را بنویسد
و بر بازوی بیمار به بندند بسم الله مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان
و جعل بینهما برزخا و حجرا محجورا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم الا
ان حزب الله هم الغالبون و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم

المنصورون

لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون — در ادعیه جامعه و ادویه مرکبه نافعه

در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر دردی که داشته باشی دست را در موضع درد بکذار
و سه مرتبه بکو الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة ففرجها
عنی و در روایت معتبر دیکر فرمود که بکو بسم الله و بمال دست را بر انموضع که درد میکند و بکو اعوذ
بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله
و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف علی نفسی
هفت مرتبه میکوئی و در روایت دیکر فرمود که دست را بر موضع درد میکذاری و میکوئی بسم
الله و بالله و محمد رسول الله ص لا حول و لا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما
اجد و سه مرتبه دست را بر انموضع [illegible] و در روایت دیکر فرمود که دیکری دست بر موضع درد
بکذارد و هفت مرتبه و اقلش سه نوبت بکوید ایها الوجع اسکن بسکینة الله و قر بوقار
الله و انحجز بحاجز الله و اهدا بهدء الله اعیذک ایها الانسان بما اعاذ الله به عرشه
و ملائکته یوم الرجفة و الزلازل و در روایت معتبر فرمود که برای هر دردی این دعا بخواند یا منزل
الشفاء و مذهب الداء انزل علی ما بی من داء شفاء و از حضرت امیر المؤمنین ص منقول
است که هر که با و برسد المی در بدنش این دعا بخواند تا هیچ المی و دردی با و ضرر نرساند اعوذ بعزة
الله و قدرته علی الاشیاء اعیذ نفسی بجبار السماء اعیذ نفسی بمن لا یضر
مع اسمه داء اعیذ نفسی بالذی اسمه برکة و شفاء و از حضرت صادق ع منقول
است که هر که دردی بهم رساند دست بر انموضع درد بکذارد و باخلاص نیت بکوید و ننزل من
القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا البته عافیت
یابد از هر علتی که باشد و در حدیث دیکر فرمود که هر که را بسم الله و سوره حمد و قل هو الله احد
شفا نمیدهد هیچ چیز او را شفا نمیدهد و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر کاه کسی آزاری
در خود بیابد دست را در موضع درد بکذارد و بکوید بسم الله و بالله و صلی الله علی رسول الله و اهل بیته

واعوذ بعزة الله وقدرته علی ما یشاء من شر ما اجد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
آنحضرت آمد و شکایت کرد از بسیاری بیماری و پریشانی فرمود که این دعا بخوان وَلا
حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظِیمِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الحَیِّ الَّذِی لا یَمُوتُ وَالحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی المُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ
وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت موسی ابن عمران بحق تع
شکایت کرد از غلبه رطوبت حق تع امر کرد که هلیله و بلیله و آمله را بساید و با عسل خمیر کند و بخورد
این است که حکما اطریفل میگویند و در طب الائمه ص روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت
امام علینقی ع عرض کرد که در همسایگی ما شخصی را عقرب گزیده است و بیم آن است که هلاک شود
فرمود که بخورانید باو دوای جامع را که از حضرت امام رضا ع بما رسیده است پس فرمود که سنبل و
زعفران و قاقله و عاقرقرحا و خربق سفید و بذر البنج و قلفل همه مساوی یکدیگر و فرفیان دو برابر
هر یک از انها را بسیار نرم بکوبند و از حریر بیرون کنند و بعسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کنند
و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد یکحب آنرا با آب حلتیت باو بخورانند که در ساعت شفا می یابد
و از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که از برای فالج و لقوه یکحب انرا با آب مرزنگوش
در بینی بچکانند و از حضرت امام محمد تقی ع نقل کرده است که از برای سردی معده و خفقان
قلب نافع است که یکحب آنرا با آب زیره که بجوشانیده باشند بخورند و در حدیث دیگر از حضرت
امام رضا ع منقولست که از برای آزار سپرز یکحب انرا با آب سرد و اندکی سرکه بخورند و در روایت
دیگر نقل کرده است که از برای درد پهلوی راست یکحب انرا با آب زیره بجوشانیده بخورند و از برای
درد پهلوی چپ یکحب آنرا با آب ریشه کرفس بجوشانیده باشند بخورند و در حدیث دیگر فرمود که
از برای اسهال یکحبش با آب مورد [illegible] بخورند و از حضرت امام محمد تقی ع روایت کرده است
که یکحبش را با آب سداب یا آب ترب بجوشانیده بخورند و از حضرت رسول ص منقول است که اگر مردم
بدانند که در سنا چه منفعتها است هر آینه قیمت هر مثقالی دو مثقال طلا شود و بدرستی که امان می بخشد

بهق و بلیی و خوره و دیوانگی و فالج و لقوه و اگر با مویز سرخ بی دانه و بلیله کابلی و هلیله زرد و هلیله
سیاه همه اجزا مساوی بعمل آورند و هر روز ناشتا بقدر سه درهم بخورند و در هنگام خواب نیز
همین مقدار بخورند این فواید می بخشد و بهترین دواها است و در طب الائمه روایت کرده است
که از مغز خیار سبز پاک کرده است یک رطل بگیرند و در میان یک رطل آب یک شبانه روز بخیسانند
پس صاف کنند و با یک رطل عسل صافی و یک رطل آب به و چهل مثقال روغن گل سرخ ممزوج کرده اند
و با آتش نرم بقوام آورند و از روی آتش بردارند و بگذارند تا سرد شود پس در ان فلفل و دار فلفل و قرفه
و قرنفل و قاقله و زنجبیل و دارچینی و جوز بوا از هر یک سه مثقال گرفته و کوفته و بیخته در انجا
که سابق مذکور شد ممزوج کنند و در سبوی سبزی یا شیشه بکنند و در وقت حاجت در سه
روز هر روز دو مثقال از ان ناشتا بخورند از برای غلبه صفرا و سودا و بلغم و درد معده و قی و تب
و نرکیدن دست و پا و زحیر و درد شکم و درد جگر و حرارت سر و یرقان و تبهای شدید
و درد مثانه و ذکر نافع باشد و بعد از ان باید که از خرما و ماهی و سرکه و سبزیها پرهیز کنند و غذا ایش
اماج باشد با روغن کنجد و دوای دیگر نقل کرده است که از هلیله سیاه و هلیله زرد و سقمونیا از هر یک شش
مثقال و از فلفل و زنجبیل خشک و زیبیان و خشخاش سرخ و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و از
نارمشک و قاقله و سنبل و شقاقل و چوب بلسان و دانه بلسان و سلیخه مقشر و علک رومی و عاقرقرحا
و دارچینی هر یک مثقال مجموع دواها را با هم بکوبند و بیزند و مقدار دوازده مثقال شکر بنیر را
در پاتیل آب کنند و قدری از عسل نیز در آب ریزند و آن اجزا را با اینها معجون سازند و در وقت
حاجت دو مثقال از ان را ناشتا و دو مثقال در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت
جماع و سردی را از مفاصل بدن میبرد و فایده می بخشد برای درد تهیگاه و بادهای شکم و درد مفاصل و سلس
البول و طپیدن دل و تواتر نفس و امتلاء معده و کرم معده و دل را جلا میدهد و اشتهای طعام می آورد
و درد سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و غلبه تشنگی را میبرد و برای تب لرز و دردهای
کهنه و درد سر و سپید داغی نافع و بسند دیگر روایت کرده است که روزی فرعون بنی اسرائیل همه را ضیافت

کرد و زهر در طعام ایشان داخل کرد که ایشان را هلاک کند حق تعالی این دوا را بحضرت
موسی ع فرستاد چون خوردند از زهر بایشان آسیبی نرسید جبرئیل گفت که
قدری سیر بگیر و بشکن و نرم بکوب و در پاتیل بینداز و روغن گاو آنقدر بران سیرها بریز که
بپوشاند انها را و آتش نرم آنقدر در زیر پاتیل بسوزان که آن سیرها آن روغن را بخورند و از روغن
چیزی نماند پس بهمان مقدار شیر گاو تازه زاییده بران بریز و آتش نرم آنقدر برافروز که ازان شیر هم
چیزی نماند پس بهمان قدر عسل مصفی که موم آن را گرفته باشند در پاتیل بریز و آنقدر آتش بسوزان که آن را
هم بخورد پس از سیاه دانه ده درهم و از فلفل و مرزنگوش هر یک پنج درهم بگیر و نرم بکوب و در پاتیل
بریز و برهم زن تا مخلوط شود با آن سیر پس ظرفی را بگیر و اندرون از ابرو روغن چرب کن و این دوا را
دران بریز و در میان جو یا خاکستر چهل روز پنهان کن و هر چند کهنه تر میشود نیکوتر میشود و فرمود که
نافع است که برای دفع لقوه کهنه و تازه و درد اندرون و سرفه کهنه و تازه و کسی را که سرما زده باشد
و برای سبل چشم و درد پا و ضعف معده و صرع و غشی اطفال و ترسیدن زنان در خواب
و زرداب و خوره و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عقرب و فرمود که چون یکماه بر این دوا
بگذرد برای درد دندان و اعراض بلغمی بقدر نصف گردکان ناشتا بخورد و چون دو ماه بگذرد از برای
تب لرز و آزارهای چشم نافع است و چون سه ماه بران بگذرد برای مرض بلغمی صفراوی و بلغم سوخته
و جمیع مرضهای صفراوی ناشتا خوردن نافع است و چون چهار ماه بران بگذرد برای تاریکی
چشم و تنگی نفس نافع است و چون پنج ماه بران بگذرد کسی که درد داشته باشد بقدر نیم عدس
ازین دوا را با روغن بنفشه ممزوج گردانیده در بینی چکاند و چون شش ماه بگذرد کسی که درد شقیقه داشته
باشد بقدر یک عدس ازان با روغن بنفشه مخلوط گردانیده در بینی بچکاند ازان جانبی که درد میکند در اول
روز و چون هفت ماه بران بگذرد برای دفع بادی که در گوش بهم میرسد بقدر یک عدس با روغن گل
سرخ ممزوج گردانیده در گوش بچکاند در اول روز در هنگام خواب و چون هشت ماه بگذرد آن را
با آب خوردن برای دفع خوره نافع است و چون نه ماه بگذرد نافع است برای غلبه خواب و هذیان
گفتن

گفتن در خواب و ترس و بیم باید که با روغن تخم ترب ناشتا و در وقت خواب بقدر یک عدس خورده
شود و چون ده ماه بگذرد برای غلبه صفرا و تبهای اندرونی و اختلاط عقل بقدر نخود یک عدس با سرکه بخورند
و برای سفیدی چشم ناشتا و در وقت خواب بخورند و چون یازده ماه بگذرد از برای سودایی که این کس
را بترس و وسواس می اندازد بقدر یک نخود با روغن گل سرخ ناشتا بخورد و بقدر یک نخود بی روغن
در هنگام خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بگذرد برای فالج کهنه و تازه با آب مرزنگوش بقدر یک نخود
بخورد و با روغن زیت و نمک بر پا بمالد در وقت خواب و از سرکه و شیر و ماست و سبزیها و ماهی اجتناب
نماید و چون سیزده ماه شود بقدر یک نخود ازان با آب سداب حل کنند و در اول شب بخورد نافع است برای
درد اندرون و خندیدن بی سبب و با ریش بازی کردن و اگر چهارده ماه بگذرد برای دفع ضرر زهرها
نافع است و اگر زهری با و خورانیده باشند تخم بادنجان را بکوبند و بجوشانند و با یک نخود ازین دوا
در سحر بخورند و آب نیم گرم از عقبش بخورند سه شب یا چهار شب و چون شانزده ماه بگذرد بقدر نیم
عدس ازرا با آب باران تازه حل کرده بدیده کسی بکشند که بینائیش کم شده باشد در بامداد و شام و
در وقت خواب تا چهار روز و اگر برطرف نشود تا هشت روز و چون هفده ماه بگذرد برای دفع خوره یک
گلوله ازان با روغن پاچه گاو ناشتا و در وقت خواب بخورند و بقدر یک حبه اش بر بدن بمالند و اندکی را
با روغن زیت یا روغن گل سرخ در بینی بچکانند در آخر روز در حمام و چون هیجده ماه بران بگذرد برای
دفع بهق آن موضع را سوزن بزنند که خون در آید و بقدر یک نخود با روغن بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند و اندکی را
در بینی بچکانند و با نمک بان موضع بمالند و چون نوزده ماه بگذرد اگر آب انار شیرین را گرفته با قدر یکدانه
جوار حنظل و با یک نخود ازین دوا ناشتا بخورند برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته و تب کهنه نافع است
و چون بیست ماه بگذرد و بقدر یک عدس ازان گرفته با آب کند و حل کنند برای سنگینی گوش در گوش
بچکانند و اندکی بر کله سرش بریزند و از برای صاحب مرض سرسام با آب انار ترش نافع است
و در حدیث دیگر روایت کرده است از حضرت صادق ع که مثل این دوا را برای حضرت جبرئیل
آورد و فرمود که چهار رطل از سیر مقشر بگیرند و در پاتیل کنند و چهار رطل شیر گاو بران بریزند و بر پا

القدر که شیر نماند باز چهار رطل روغن گاو بران بریزند وآنقدر بجوشانند که روغن نماند پس بقدر
ده درهم بابونه بران بپاشند و برهم زنند تا خوب بقوام آید و در کوزه کرده سرش را به بندند و در میان
یا خاک پنهان کنند در مدت ایام تابستان و زمستان بیرون آورند و در بامداد بقدر یک
گردگان بخورند برای هر درد نافع باشد و کلینی در حدیث معتبر روایت کرده است که اسماعیل بن
فضل شکایت کرد بخدمت حضرت صادق ع از قراقر معده اش و اینکه طعام در معده اش هضم
نمیشود حضرت فرمود که چرا نمیگیری آن نبیذ را که ما میخوریم باعث هضم طعام میشود و قراقر و باد
های شکم را دفع میکند پس فرمود که یک صاع از مویز بگیر و دانه اش را بیرون کن و پاک بشوی و در ظرفی
کن و آنقدر بران آب بریز که همه را بپوشاند و در زمستان سه شبانه روز بگذار و در تابستان یک شبانه روز
پس صاف کن و آب صافش را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم رطل
عسل در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که آنقدر بشود که پیش از عسل ریختن شده بود
زنجبیل و خولنجان و دارچینی و مصطکی و زعفران و قرنفل را بگیر و همه را بکوب
و در میان کهنه نازکی بکن و در میان دیگ بینداز که چند جوشی بزند
پس دیگ را پایین بگذار تا سرد شود و صاف کن و هر صبح و پسین قدری از آن
بخور راوی گفت که چنان کردم آزارم برطرف شد در معالجه
درد سر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال عقل و دماغ و تصرف جن از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که برای درد سر و نصف سر این دعا را بنویسید و بران جانب
سر که درد میکند بیاویزد اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لَسْتَ بِاِلٰهٍ اِسْتَحْدَثْنَاهُ وَلَا بِرَبٍّ
یَبِیدُ ذِکْرُهُ وَلَا مَعَکَ شُرَکَاءُ یَقْضُونَ مَعَکَ وَلَا کَانَ قَبْلَکَ اِلٰهٌ نَدْعُوهُ وَ
نَتَعَوَّذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ اِلَیْهِ وَتَدَعُکَ وَلَا اَعَانَکَ عَلٰی خَلْقِنَا فَنَشُکَّ فِیکَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ عَافِ فُلَانَ بْنَ فُلَانَةٍ وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ و در روایت
معتبر

معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که درد سر داشته باشد یا گوش بند شده باشد دست
را در موضع درد بگذارد و بگوید اسکن سکنتك بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار
و هو السمیع العلیم و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که برای درد سر این دعا را بر قدح
آبی بخوانند و بخورند اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما
و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و در حدیث معتبر منقول است که حبیب سجستانی شکایت کرد
بحضرت باقر علیه السلام که هفده مرتبه مرا درد شقیقه می گیرد فرمود که بگذار دست را بر آن جانب که درد میکند
و سه مرتبه بگو که یا ظاهرا موجودا و باطنا مفقودا اردد علی عبدك الضعیف ایادیك الجمیلة
عنده و اذهب عنه ما به من اذی انك رحیم ودود و در حدیث دیگر فرمود که برای درد سر دست
بر سر بگذارد و هفت مرتبه بگوید که اعوذ بالله الذی سکن له ما فی السموات و الارض ما فی البر و البحر و
هو السمیع العلیم و در روایت دیگر منقول است که برای رفع درد گوش دست بر گوش مالد و بخواند این آیه
بخواند و دیگر فرمود که برای رفع درد سر دست بر بالای سر بگذارد و بگو لو کان معه آلهة کما یقولون اذا
لابتغوا الی ذی العرش سبیلا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول
رایت المنافقین یصدون عنك صدودا و در حدیث معتبر دیگر منقول است که شخصی که بحضرت صادق
علیه السلام آمد و گفت من بسیار بیمارم و در مواضع هولناک بسیار میترسم صرعی مرا میگیرد ما که ترسیم حضرت فرمود
که در حینی حالی که وترسی دست را بر بالای سر بگذار و با آواز بلند بخوان افغیر دین الله یبغون و له اسلم
من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون آن شخص گفت که در بابی و نعمتم که
میگفتم که جن در انجا بسیار است شنیدم که کسی میگفت که بگیرید این آیه را خواندم شنیدم که دیگری جواب
میگفت که چگونه بگیریمش و حال آنکه خوانده است آیه کریمه را و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت
شکایت کرد که پسری دارم و گاهی او را درد ام الصبیان میگیرد بحدی که از او ناامید میشوم فرمود
که هفت مرتبه سوره حمد را با مشک و زعفران در ظرفی بنویس و به آب بشوی و تا یکماه از آن بده بخورد راوی گفت
که یکمرتبه خوراند برطرف شد و در حدیث دیگر فرمود که کسی را که صرع بگیرد را بخوانید این دعا را عزمت علیك

باد یح بالعزیمة التی عزم بها علی بن ابی طالب علیه السلام رسول رسول الله صلی الله علیه
وآله علی الجن وادی الصفرة فاجابوا واطاعوا اجبت واطعت وخرجت عن فلان بن فلان
الساعة و در روایت دیگر منقولست که شخصی را احتلام بسیار رسیده بود حضرت فرمود که هر شب در
هنگام خواب این دعا را بخوان بسم الله وبالله وکفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی
وفی یقظتی اعوذ بعزة الله وجلاله مما اجد واحذر و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که کسی را که باد جن رسیده باشد سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را ده مرتبه بخوانند
و این سه سوره را در جامی با مشک و زعفران بنویسند و باو بخورانند و در آب وضو و غسلش داخل کنند و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دید که صرع کرده است قدح آبی طلبیدند و سوره حمد
و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بر آن آب خواندند و بر روی او پاشیدند بهوش باز آمد و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در خانه که جنیان سنگ اندازند صاحب خانه آن سنگ را بردارد
و بگوید حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که برای درد سر روغن کنجد را در بینی بچکانند و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد
از درد سر فرمود که بحمام برو و پیش از آنکه داخل آب شوی هفت کف آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله
بگو و منقولست که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد که بردی عظیم در سر خود می یابم بحدی که اگر بادی
بر آن بوزد بیم است که غش کنم فرمود که روغن عنبر و روغن زنبق بعد از طعام خوردن بر بینی بچکان و در حدیث صحیح
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچیک از فرزندان آدم نیست مگر آنکه در بدن او دو رگ است یک رگ در
سرش که خوره را بحرکت می آورد و دیگری در بدنش که پیسی را بحرکت می آورد پس چون آن رگ سر بحرکت
می آید حق تعالی زکام را بر آن مسلط میگرداند که دردهای سر را می کشد پس کسی که زکام و دمل بهم رساند
خدا را شکر کند و در روایت معتبر دیگر فرمود که زکام لشکری است از لشکرهای خدا که میفرستد که دردهای
بدن را برطرف کنند و در چند روایت وارد شده است که زکام را علاج نباید کرد و در یک روایت از آن
حضرت وارد شده است در معالجه زکام که پنبه را بروغن بنفشه آلوده کنند و در وقت خواب بر مقعد خود بگذارند

بالشت دهد

و در روایت دیگر فرمود که یک دانگ سیاه دانه و نیم دانگ کندس را نرم بکوبند و در دماغ دمند
زکام را برطرف میکند در معالجه سایر امراض سر و روی و گلو و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر گاه چشم کسی از شما درد کند باید که آیة الکرسی را بخواند باعتقاد
درست که البته شفا می یابد و در روایت معتبر دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام بشخصی فرمود که میخواهی
دعائی تعلیم نمایم ترا که برای دنیا و آخرت تو نافع باشد و درد چشم ترا زایل کند گفت بلی فرمود که بعد
از نماز صبح و نماز شام مداومت نما بر این دعا اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد علیک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص
فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای درد چشم این دعا را میفرمودند که بخوانند اللهم
متعنی بسمعی وبصری واجعلهما الوارثین منی وانصرنی علی من ظلمنی وارنی فیه
ثاری و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و دید که چشم
آنحضرت آزار چشم دارد روز دیگر بخدمت رسید دید که هیچ از آن آزار باقی نمانده است از سبب آن
پرسید فرمود که این تعویذ را خواندم اعوذ بعزة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بعظمة
الله اعوذ بجلال الله اعوذ بجمال الله اعوذ ببهاء الله اعوذ بغفران الله
اعوذ بحلم الله اعوذ بذکر الله اعوذ برسول الله اعوذ بآل رسول الله صلی
الله علیه و علیهم علی ما اجد فی عینی وما اخاف وما احذر اللهم رب الطیبین
اذهب ذلک عنی بحولک وقوتک و ابن شهر آشوب روایت کرده است که مرد کوری شنید
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله این دعا را میخواند آنکس بخانه رفت و وضو ساخت و نماز کرد
و بعد از نماز این دعا را خواند و چون باین موضع رسید که ان تجعل النور فی بصری دید و بینا گردید
اللهم انی اسئلک یا رب الارواح الفانیة و رب الاجساد البالیة اسئلک
بطاعة الارواح الراجعة الی اجسادها و بطاعة الاجساد الملتئمة الی اعضائها

وبانشقاق القبور عن اهلها وبدعوة الصادقة فيهم واخذك بالحق بينهم اذا برز
الخلائق ينتظرون قضائك ويرون سلطانك ويخافون بطشك ويرجون
رحمتك يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو
العزيز الرحيم اسئلك يا رحمن ان تجعل النور في بصري واليقين في قلبي وذكرك
بالليل والنهار على لساني ابدا ما ابقيتني انك على كل شئ قدير و در روایت
دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از ضعف چشم و گفت بسیار
کم بین شده ام فرمود که آیه الله نور السموات والارض را که در قرآن می نویسی هر شب محو کن و آب را
در شیشه کن و از میل بچشم کش راوی گفت که کمتر از صد میل کشیدم که بینا شدم برکت و در حدیث دیگر
منقول است از حضرت امام رضا علیه السلام شفای چشم در خواندن سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
و کشیدن قطره در مرو و کندر است و دعای درد گوش و دعای درد سر گذشت و در حدیث دیگر منقول است که
شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از سنگینی گوش فرمود که دست بر گوش بگذار و بخوان این آیت را
لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال
نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة
هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء
الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم و در روایت وارد شده است
که برای درد گوش روغن [illegible] هفت مرتبه بخوان کان لم يسمعها کان في اذنيه وقرا
ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا پس آن روغن را در گوش بچکاند
و از برای قطع رعاف منقول است که بر پیشانی او بنویسند وقيل يا ارض ابلعي ماءك ويا سماء
اقلعي وغيض الماء وقضي الامر واستوت على الجودي وقيل بعدا للقوم الظالمين
و در روایت دیگر این آیت را بخواند منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة

اخری

اخری
يومئذ يتبعون الداعي لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع يا ارض ابلعي
ماءك الى القوم الظالمين ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب
ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا وجعلنا
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون منقولست که شخصی
بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد از درد دهان فرمود که دست بر دهان بگذار و بگو بسم الله الرحمن
الرحيم بسم الله الذي لا يضر مع اسمه داء اعوذ بكلمات الله التي لا يضر معها شئ
قدوسا يا رب الطاهر المقدس المبارك الذي من سئلك به اعطيته ومن دعاك
به اجبته اسئلك يا الله يا الله يا الله ان تصلي على محمد النبي واهل بيته وان
تعافيني مما اجد في فمي وفي راسي وفي سمعي وفي بصري وفي بطني وفي ظهري وفي
يدي وفي رجلي وفي جميع جوارحي كلها و ابو بصیر شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر علیه السلام
از درد کتف گفت شبها از این درد بیدار میباشم فرمود که هر گاه آزارش ظاهر شود دست بران موضع
درد بگذار و سوره حمد و سوره قل هو الله احد بخوان پس این آیه را بخوان وترى الجبال تحسبها جامدة
وهي تمر مر السحاب صنع الله الذي اتقن كل شئ انه خبير بما تفعلون و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که این آیه را بخوان با سوره انا انزلناه في ليلة القدر و از حضرت امیر المومنین صلوات
الله علیه منقولست که برای دفع درد دندان دست بر موضع سجود بمال و بر موضعی که درد میکند بمالد
و بگوید بسم الله والشافي ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و در روایت دیگر
منقولست که برای دفع درد دندان سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
و قل هو الله احد بخواند پس بگوید بسم الله الرحمن الرحيم وله ما سكن في الليل والنهار
وهو السميع العليم قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم وارادوا به كيدا
فجعلناهم الاخسرين نودي ان بورك من في النار ومن حولها وسبحان الله
رب العالمين اللهم يا كافي من كل شئ ولا يكفي منك شئ الف عبدك وابن

امتلك من شرّ ما يخاف ويحذر ومن شرّ الوجع الذي يشكوه اليك و در روايت
ديگر منقولست که جبرئيل اين تعويذ را براى حضرت امام حسين عليه السلام آورد جهة دفع درد دندان
که و بيت بران دندان که کرم خورده است گذارد و هفت نوبت بخواند العجب كل العجب
لدابّة تكون في الفم تأكل وتدرك اللحم انا ارقى والله الشافي الكافي
لا اله الا الله والحمد لله رب العالمين واذ قتلتم نفسا فادّارأتم فيها والله
مخرج ما كنتم تكتمون فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى و
يريكم اياته لعلكم تعقلون و در روايت ديگر ميخى بگيرد و سوره حمد و سوره قل اعوذ برب
الناس و قل اعوذ برب الفلق هر يک را سه مرتبه بخواند پس بگويد من يحيي العظام وهي رميم
يا ضرس فلان بن فلان و نام صاحب درد و نام مادرش را بگويد اكلت الحار والبارد
فبالحار تسكنين وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم سلّدت
داء هذا الضرس من فلان بن فلان بسم الله العظيم پس ميخ را در ديوار بکوبد
الله الله الله و در روايت ديگر منقولست که شخصى بحضرت امام موسى عليه السلام شكايت
کرد از کندى دندان آن حضرت فرمودند که در سجده بگو يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رب
الارباب يا سيد السادات يا اله الالهة يا مالك الملك يا مالك
الملوك اشفني بشفائك من هذا الداء واصرفه عني فاني عبدك وابن
عبدك واتقلب في قبضتك راوى گفت که يکمرتبه اين دعا را در سجود خواندم
و شفا يافتم و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله منقولست که دنبلان از گياه بهشت است و آبش
براى درد چشم نافع است و حضرت صادق عليه السلام فرمود که مسواک کردن آب ريختن چشم را
زايل ميکند و چشم را جلا ميدهد و در حديث صحيح منقولست که شخصى بحضرت صادق ع
شكايت کرد از آزار چشم حضرت فرمود که دارويى بساز از صبر و کافور و مر اجزا را
مساوى يکديگر و در روايت ديگر فرمود که ضعف چشم و خيالات را برطرف ميکند و در روايت ديگر

دهنه فرنگ

دهنه فرنگ براى دفع سفيدى که بر روى چشم بهم رسد نافع است و در روايت معتبر از حضرت امام موسى عليه
السلام منقولست که صبر سقوطرى و کافور رياحى را متساوى يکديگر بسايند و از حرير بيرون کنند و
ماهى يکمرتبه در چشم بکشند دردهاى سر و چشم را ميکشد و از حضرت امام حسين صلوات الله عليه منقولست
که بشخصى از اصحاب خود فرمود که هليله زرد را با هفت دانه فلفل بسايد و بپزد و در ديده بکشد و در روايت
ديگر منقولست که شخصى بخدمت حضرت امام جعفر صادق عليه السلام شکايت کرد از سفيدى که در چشمش
بهم رسيده بود و از درد دندان و درد مفاصل فرمودند که فلفل و دار فلفل از هر يک دو درهم و نوشادر
پاکيزه صاف يک درهم هر سه را خوب بسايى و از حرير بيرون کن و در هر چشمى سه ميل بکش و ساعتى
صبر کن که سفيدى روى ديده را قطع ميکند و گوشت چشم را پاک ميکند پس چشم را با آب سرد بشوى
و بعد از آن سرمه سنگ بکش و در روايت ديگر وارد شده است که حضرت امير المؤمنين صلوات الله
عليه سلمان و ابوذر را فرمودند که تا درد چشم داريد بر پهلوى چپ مخوابيد و خرما مخوريد و حضرت
صادق عليه السلام فرمود که ماهى خوردن براى درد چشم زيان دارد و دست بر چشم ماليدن
بعد از وشستن بعد از طعام از درد چشم امان ميدهد و در پنجشنبه و جمعه شارب و ناخن گرفتن
از درد چشم امان مى بخشد و در روايت ديگر منقولست که شخصى شکايت کرد از درد گوش
و کف چرک و خون که از گوشش بسيار مى آمد فرمود که پنير بسيار کهنه را يک قدرى بگير و نرم بکوب
و با شير زن ممزوج کن و بر روى آتش نرم کن و چند قطره در گوشى که درد ميکند بريز و در
روايت ديگر منقولست که از براى درد گوش يک کف کنجد پوست کنده و يک کف خردل هر يک را
عليحده بکوبند و با يکديگر مخلوط کرده روغن بگيرند و روغن را در شيشه کنند و سرش را با انگشتر آهن
مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از آن در گوش بچکانند و پنبه در گوش بگذارند
سه روز چنين کنند تا شفا يابد و در روايت ديگر وارد شده است که سداب را با روغن بزنند
و چند قطره در گوش بچکانند و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله منقولست که سداب براى درد گوش
نافع است و از حضرت صادق عليه السلام منقولست که براى درد گلو چيزى نافعتر از خوردن شير نيست

و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت عیسی علیه السلام بشهری گذشتند و دیدند که
مردم آن شهر رویهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض بآنحضرت شکایت
کردند فرمودند که شما گوشت را ناشسته می پزید و هیچ حیوانی از دنیا بیرون نمیرود مگر آنکه جنابتی با او هست
بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماری ایشان برطرف شد و حضرت عیسی علیه السلام بشهر
دیگر گذشتند دندانهای ایشان ریخته بود و رویهاشان باد کرده بود فرمود که در وقت خواب دهان را ببندید
و برهم بگذارید چنان کردند آن علتها از ایشان زایل شد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که برای درد دندان سعد را بر آن بگذارند و فرمود که سرکه که از شراب عمل آمده باشد بن دندان را
محکم میکند و در حدیث معتبر منقولست که حمزة بن طیار بخدمت آنحضرت آمد و آه میکشید حضرت پرسید
که چه میشود ترا گفت که دندانم درد میکند فرمود که حجامت بکن حجامت کرد ساکن شد بعد از آن
حضرت فرمود که هیچ دوائی چون حجامت و خوردن عسل نیافتم و در حدیث معتبر دیگر فرمود برای درد
دندان حنظل را بگیرید و پوستش را بکنید پس در روغن بپزید و پنبه را بآن روغن آلوده کرده
در میان آن دندان بگذارید و در پشت بخوابید تا سه شب چنین کنید و اگر بن دندان درد کند
در آن گوشی که در جانب آن دندان واقعست در چند شب هر شب دو قطره یا سه قطره بچکانند
و باز فرمود که هر کس درد دندان داشته باشد یا خون از بن دندانش آید یا درد کند یا دهانش گنده شده
باشد و گوشش سرخی گشته باشد یک حنظل تازه که رسیده باشد و زرد شده باشد بیارد و بالایش را
بگل بگیرد و سرش را سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند و مغزش را بتراشد بهمواری که سوراخ
نشود پس سرکه بسیار تندی که از شراب عمل آورده باشند در آن سوراخ بریزد و بر روی
آتش بگذارد که بسیار گرم شود پس بردارد و هر وقت که احتیاج شود بقدر ناخنی بگیرد
و بر دندان و دهان بمالد و بعد از آن بسرکه مضمضه کند و اگر خواهد آنچه در میان حنظل است در
شیشه یا ظرف دیگر خالی کند و هر چند آتش برطرف شود سرکه بر رویش بریزد و هر چند کهنه تر شود
نفعش بیشتر است و در حدیث معتبر منقولست از ابراهیم نظام که گفت دزدان مرا در راه گرفتند

و پالوده گرم

و پالوده گرم در دهانم کردند و بعد از آن دهانم را پر از برف کردند پس دندانهایم تمام ریخت
پس حضرت امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم گفت سعد در دهن کن تا دندانهایت بروید
و بعد از چندگاه شنیدم که حضرت امام رضا علیه السلام بمحل ما وارد شده است و بخراسان میرود
بخدمت آنحضرت رفتم و حال خود را عرض کردم همان را فرمود که در خواب فرموده بود چنان کردم دندانهایم
رویید

در معالجه خنازیر و قروح و جروح و ثالول و بثور و خوره و پیسی و بهق و امثال

اینها از علی بن یقطین منقولست که بحضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم که ثالول بسیاری در بدنم
بهم رسیده است و باین سبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالولی هفت جو بگیر و بر هر جوی هفت
نوبت اذا وقعت الواقعة بخوان تا فکانت هباء منبثا و هفت نوبت بخوان و یسئلونک
عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا
و لا امتا پس هر جوی را بگوشت بر هر ثالولی بمال و مجموع جوها را در پارچه نوی ببند و سنگی بر آن
ببند و از او بینداز و باید که این کار را در تحت الشعاع بکنی راوی گفت که چنین کردم بعد از یک هفته همه
برطرف شده بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دست بر ثالول بمال و سه نوبت این دعا را
بخوان بسم الله الرحمن الرحیم و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و لا حول و
لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که فرمود که دختری در خانه ما خنازیر در گردنش بهم رسید شخصی در خواب بمن گفت که
بگو این دعا را بخوان یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که کهنه ماده در بدن من ظاهر شده است فرمود که سه روز روزه بدار
و در روز چهارم در وقت زوال غسل بکن و بصحرا یا بام بلندی برو و چهار رکعت نماز بگذار و هر سوره
که خواهی و تا توانی سعی کن در گریه و تضرع و حضور قلب و چون از نماز فارغ شوی جامهای خود را بینداز
و جامه کهنه پاکیزه بطریق لنگ بر خود ببند و بر خاک بسجده برو و پهلوی راست روی خود را بر خاک بگذار
و بزاری و خشوع بگو یا واحد یا احد یا کریم یا جبار یا حنان یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین

صلّ علی محمّد وال محمّد واکشف ما بی من مرض والبسنی العافیة الکافیة الشافیة
فی الدّنیا والاخرة وامنن علیّ بتمام النّعمة واذهب ما بی فقد اذانی وغمّنی
وفرمود که وقتی نفع میکند که خاطر مطمئن باشد و صاحب یقین باشی که تاثیر میکند ان شخص گوید دوری
عافیت یافت و در حدیث دیگر فرمود که هر ورمی که در بدن بهم رسد و ترسی که بحال بدی منتهی
شود در وقتی که وضو بسازی برای نماز برای ان ورم بخوان این آیات را لو انزلنا هذا
القران علی جبل لرایته خاشعا متصدّعا من خشیة الله تا آخر سوره که اگر چنین کنی
آن ورم برودی زایل شود و در کتاب مکارم الاخلاق این شکل را
برای دفع آبله و کرم بیرون آوردن نقل کرده است و بهتر آن است
که بترتیب عدد بنویسند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برای

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

بثور و دملهای ریزه که در بدن بیرون می آید و در اول که اثرش ظاهر شود انگشت شهادت بر گردش
بگرداند و هفت مرتبه لا اله الّا الله الحلیم الکریم بگوید و در مرتبه هفتم انگشت بقوت
بر روی آن بگذارد و در روایت دیگر فرمود که این دملها و بثورها اکثرش از خون فاسدی است
که در وقت طغیان آن از بدن بیرون نمیکنند پس کسی که در او اینها حادث شود چون برخیزد
حراب رود و بگوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته التّامّات التی لا یجاوزهنّ
برّ ولا فاجر من شرّ کلّ ذی شرّ تا ازاینها و سایر دردها عافیت یابد و در روایت دیگر منقولست
که برای کری در دل و قوبا این ایات را بخواند و بنویسد و با خود نگاه دارد بسم الله الرحمن
الرّحیم ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثّت من فوق الارض ما لها من قرار
منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری الله اکبر یمحی وانت لا
تمحی والله علی کلّ شیء قدیر و در حدیث معتبر منقولست که یونس بن عمار شکایت کرد بحضرت
صادق علیه السلام از پیسی که در روی او بهم رسیده بود حضرت فرمود که چون ثلث آخر شب شود وضو بساز
و نماز شب برخیز و در سجده آخر در رکعت اول نماز شب این دعا بخوان یا علیّ یا عظیم یا رحمن یا رحیم

باب

یا سامع الدّعوات یا معطی الخیرات صلّ علی محمّد وال محمّد واعطنی من خیر الدّنیا
والاخرة ما انت اهله واصرف عنّی من شرّ الدّنیا والاخرة ما انت اهله
واذهب عنّی هذا الوجع و نام آن آزار را ببرد فانّه قد غاظنی واحزننی و مبالغه در تضرع
و دعا بکن راوی گفت که چنان کردم هنوز بکوفه نرسیده بودم که آن پیسی از من برطرف شده بود
در روایت دیگر منقولست که اسحق بن عمار و عیال او از همین علت بان حضرت شکایت کردند فرمود که
وضو بساز و دو رکعت نماز بکذار و حمد و ثنای الهی بجا آور و صلوات بر محمد و اهل بیت او بفرست
و بگوید یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا واحد یا واحد
یا واحد یا احد یا احد یا احد یا صمد یا صمد یا صمد یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین
یا ارحم الرّاحمین یا اقدر القادرین یا اقدر القادرین یا اقدر القادرین یا ربّ
العالمین یا ربّ العالمین یا ربّ العالمین یا سامع الدّعوات یا منزل الخیرات
یا معطی البرکات صلّ علی محمّد وال محمّد واعطنی خیر الدّنیا والاخرة واصرف
عنّی شرّ الدّنیا والاخرة واذهب ما بی فقد غاظنی الامر واحزننی و در
روایت دیگر فرمود که سوره انعام را بآب زعفران بنویس و بآب بشوی و بخورد تا برطرف
شود و در روایت دیگر فرمود که سوره یس را بآب زعفران بنویس و بشوی و بخور و در مکارم الاخلاق
مذکوراست که برای پیسی و حوزه این ایات را بخواند و بنویسد و با خود نگاه دارد
بسم الله الرّحمن الرّحیم یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده امّ الکتاب
الحمد لله فاطر السّموات والارض جاعل الملائکة
رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع باسم فلان بن فلان
و نام او و مادرش را بنویسد و از برای بهق بران موضع بنویسد وان من
شیء الّا عندنا خزائنه وما ننزّله الّا بقدر معلوم
هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او

او بیضتر دون دور روایت دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای صاحب
جراحتی فرمودند که قدری از قیر تازه بگیر و همان قدر از پیه بز و هر دو را
بستوی تازه بمال و بر روی آتش نرم بگذار از بابین وقت نماز ظهر تا وقت
نماز عصر پس پاره کتان کهنه بگیر و آن قیر را بر آن طلایه کن و بر روی
جراحت بگذار و اگر جراحت سوراخی داشته باشد کتان را فتیله کن و
بقیر آلوده کن و در میان جراحت بگذار و در حدیث معتبر منقولست که خراجی
در بدن متوکل بیرون آمد که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرأت
نمیکردند که نیشتر بزنند فتح بن خاقان وزیر متوکل بخدمت حضرت امام
علی نقی صلوات الله علیه فرستاد و حال متوکل را عرض کرد حضرت فرمودند
که سرگین گوسفند که در زیر پای گوسفند سرشته میشود بگیرید و با گلاب
مخلوط کنید و بر آن خراج بگذارید چون این خبر رسید اطبا خندیدند که
این چه فایده میکند وزیر گفت که آنحضرت داناترین خلق است آنچه فرموده
بو بعمل آوردند و دردش ساکن شد و بخواب رفت پس آن خراج گشوده
شد و چرک بسیار رفع شد و شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که چغندر را با گوشت گاو پختن و خوردن پیسی را برطرف میکند
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بآنحضرت از پیسی و بهق فرمود
که بحمام رود و حنا را با نوره مخلوط کن و بر آن موضع بمال که دیگر نخواهی دید اثر آن را
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که گوشت گاو حوزه و پیسی را زایل
میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ چیز برای پیسی نافع تر
نیست از تربت حضرت امام حسین علیه السلام با آب باران بخور و بر آن
موضع بمال و فرمود که موی پیسی امان است از حوزه و تربت حضرت رسول صلی الله علیه وآله

۱۵۱۰۹

حوزه را زایل میکند و فرمود از کسی که حوزه یا پیسی داشته باشد بگریزید
و بپر نظر با ایشان نکنید و با ایشان معاشرت ننمایید که سرایت میکند
و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که در هر شب جمعه شارب
گرفتن امان میدهد از حوزه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که
هیچ کس نیست مگر آنکه رگ حوزه در بدن او هست و او را بگدازید بخوردن شلغم
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت عرض کرد که ماده طاعون در بدن
من ظاهر شده است فرمودند که سیب بخور آن شخص بخورد و عافیت یافت

در معالجه امراض اندرون و قولنج و بادها و آزار معده و سرفه

منقولست که شخصی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد سینه
حضرت فرمودند که طلب شفا بکن از قرآن زیرا که حق سبحانه و تعالی میفرماید که فیه شفاء
لما فی الصدور یعنی در قرآن شفا است برای آنچه در سینه هاست و از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمد
و گفت برادرم از درد شکم آزار دارد فرمود که بگو اندکی از عسل با آب گرم بخورد
روز دیگر آمد و گفت که خورد و نفع نکرد فرمودند که برو باز عسل بده بخورد و هفت مرتبه
سوره حمد نزد او بخوان چون آن شخص رفت فرمودند که برادر این منافق است باین
سبب خوردن عسل او را نفع نبخشید و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کرد از درد شکم فرمودند که آب گرم بخورد و
این دعا بخواند یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الارباب یا
اله الالهة یا مالک الملوک یا سید السادات اشفنی بشفائک من
کل داء وسقم فانی عبدک وابن عبدک انقلب فی قبضتک
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد ناف فرمود

که دست بر آن موضع کذارد و سه مرتبه کوید وانّه لکتاب عزیز لا یأتیه
الباطل من بین یدیه ومن خلفه تنزیل من حکیم حمید و در چند
روایت وارد شده است که برای قولنج و درد شکم سوره حمد و قل اعوذ برب الناس
و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد را بر جامی بمشک و زعفران بنویسد و این
دعا را نیز بنویسد اعوذ بوجه الله العظیم وبعزته التی لا ترام وبقدرته
التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر
منه و بآب باران بشوید و بخورد ناشتا یا در وقت خواب و در روایت دیگر منقولست
که برای فالج و جمیع بادها نافع است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد
باقر علیه السلام شکایت کرد از درد تهی گاه فرمود که چون از نماز فارغ شوی دست
بر موضع سجود بمال و این آیات را بخوان افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم
الینا لا ترجعون فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم ومن
یدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون
وقل رب اغفر وارحم وانت ارحم الراحمین راوی گفت که چنان کردم
و درد وی برطرف شد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دست
بر تهیگاه بمال و سه مرتبه این دعا بخواند بسم الله وبالله محمد رسول الله صلی
الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی
ما احذر فی خاصرتی و در هر مرتبه دست بر تهیگاه بمال و بکشد و از حضرت علی
بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که از برای دفع الم سینه این آیات را بزعفران
بنویسد و بآب زمزم بشوید و بخورد قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا
فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتک ولا تخافت بها وابتغ بین
ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک

فی الملک

فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا
منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد از قراقر
و صداهای شکم و گفت بمرتبه آزار میکند که با کسی که سخن میگویم شرمنده میشوم
حضرت فرمودند که چون از نماز شب فارغ شوی این دعا بخوان اللهم ما
عملت من خیر فهو منک لا حمد لی فیه وما عملت من سوء فقد
حذرتنیه فلا عذر لی فیه و در روایت دیگر همین دعا برای دفع زحیر
وارد شده است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بآن حضرت
از پیچش شکم فرمودند که آبی بگیر و این آیات را بر آن بخوان یرید الله بکم
الیسر ولا یرید بکم العسر سه مرتبه پس بگو اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء
کل شیء حی افلا یؤمنون پس آب را بخورد و دست بر شکم بمالد
و در روایت دیگر وارد شده است که این آیات بر روغن بخواند و بر شکم بمالد بسم الله
الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض
عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر
ففتحنا علیهم ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان اولم یر الذین
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا تا آخر آیه و در حدیث معتبر دیگر منقولست
که حضرت صادق علیه السلام در سفری بودند اسمعیل فرزند آنحضرت شکایت از درد شکم
و درد پشت حضرت او را طلبیدند و فرمودند که بر پشت بخوابید و این دعا را برای او خواندند
بسم الله وبالله وبصنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون
اسکن ایها الریح بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع
العلیم و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد دست

فرمودند که دست بر آن موضع که درد دارد بگذارد و سه مرتبه این آیه را بخوان وما
کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا مؤجلا ومن یرد ثواب
الدنیا نؤته منها ومن یرد ثواب الآخرة نؤته منها وسنجزی الشاکرین
و هفت مرتبه سوره انا انزلنا بخوان و در حدیث دیگر منقولست که مفضل بخدمت
حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از تنگی نفس و گفت اندک راهی که میروم نفسم
تنگ میگیرد و اگر بنشینم فرمودند که بول شتر بخور تا ساکن شود و کلینی در حدیث
حسن روایت کرده است که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از سرفه حضرت
فرمودند که قدری از انجدان رومی با همان قدر از نبات مسحوق کن و یک روز یا دو روز بخور آن
شخص گفت یکمرتبه خوردم برطرف شد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی
علیه السلام شکایت کرد از مرض سل حضرت فرمودند که سنبل و قاقله و زعفران و عاقر قرحا و
بذر البنج و خربق سفید و فلفل سفید اجزا را مساوی بگیر و فرفیون را دو برابر هر یک از این
اجزا بگیر و اجزا را بسابیده از حریر بدر کن و با عسلی که کفش را گرفته باشند خمیر
کن و بقدر یک نخود با آب گرم در وقت شب بخور چنان کرد شفا یافت و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام شکایت کرد از سرفه فرمودند که بگیر از فلفل سفید یک جزو و فرفیون دو جزو
و خربق سفید یک جزو و سنبل یک جزو و زعفران یک جزو و بذر البنج یک جزو و اجزا را بسابیده از حریر بدر کن
و بوزن تمام اجزا عسل کف گرفته داخل کن و خمیر کرده حبها بساز و از برای سرفه کهنه و تازه در وقت خواب با آب گرم
دو از آنها بخور و در حدیث معتبر دیگر منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت عیسی علیه السلام میرسید
دردهایی که بفرزندان آدم میرسد فرمودند بلی در طفولیت بیماریهای مردم بزرگ باو میرسید و در بزرگی
بیماریهای خوردان باو میرسید و در وقتی که از بیماریها و دردهای بزرگان است در
طفولیت گاهی او را عارض میشد با مادر خود میگفت که عسل و سیاه دانه و روغن زیت
را با یکدیگر خمیر کن و از برای من بیاور و چون می آورد حضرت عیسی کراهت داشت

از خوردن آن

از خوردن آن حضرت مریم میگفت چرا کراهت داری خود طلبیدی میگفت که بعلم پیغمبری اورا
طلب کردم و از برای جزع طفولیت و بدمزگی دوا کراهت دارم پس میگرفت و تناول میفرمود
و در حدیث دیگر وارد شده است که خوردن ریزها که از سفره بریزد درد تهیگاه را برطرف میکند و در
روایت وارد شده از آنحضرت منقولست که بخور امرود که دل را جلا میدهد و دردهای اندرون را ساکن
میکند و در روایت دیگر فرمود که بخورید انجدان رومی را که درد تهیگاه را زایل میکند و از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که حضرت حزقیل را قرحه در جگر بهم رسید دعا کرد حق تعالی باو وحی فرمود که شیره انجیر را
بگیر و بر سینه خود از بیرون بمال چنان کرد آن آزار برطرف شد و در روایت دیگر منقول است که
شخصی با امام محمد باقر ع شکایت کرد از درد سپرز فرمود که پاره نقره بده و تره بگیر و آن را با روغن عربی بپز و
سه روز بخوران بهر که آزار سپرز دارد که اگر خدا خواهد شفا می یابد و کلینی بسند معتبر روایت کرده است
که بحضرت امام موسی ع عرض کردند که یکی از غلامان آنحضرت آزار سپرز دارد فرمود که سه روز باو تره
بخورانید چون سه روز خورد عافیت یافت و از حضرت امام رضا ع منقولست که بخورید سرکه
که از شراب ساخته باشند که کرمهای معده را میکشد و از حضرت رسول ص منقول است که خرما
ناشتا خوردن کرم معده را میکشد و از حضرت صادق ع منقول است که هر که هفت دانه خرمای عجوه
در وقت خواب بخورد کرمهای معده اش را میکشد و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست برای دفع اسهال که قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه بخشکانند و بر روی آتش بو دهند
و نرم بکوبند و هر بامداد یک کف از آن بخورند و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است برای دفع
اسهال برنج در دیگ کن با آب و بجوشان و چهار و پنج پارچه سنگ در زیر آتش بگذار تا سرخ شوند
و پس قلوه تازه را بگیر و با آن سنگها در میان کاسه چینی و کاسه دیگر بر سر آن بگذار که بخارش بیرون
نرود و حرکت ده تا آن پیه آب شود پس چون آن برنج پخته شود این روغن را بر رویش بریز و بخورد و در
روایت دیگر منقولست که شخصی از زحیر شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر ع فرمود که گل ارمنی را
بگیر و بر روی آتش ملایم بو بده و سفوف کن و بخور و در حدیث دیگر فرمود که بزرقطونا و صمغ عربی و گل ارمنی را

بو بیده و سفوف کن بخور که زخیر را برطرف میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام رضا ع شکایت کرد از درد پیچش شکم فرمود که کرد کانرا کپر د بر روی آتش بگذار و چون معرش
بریان شود پوستش را بکن و بخور و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت
کرد از قراقر شکم فرمود که سیاه دانه با عسل بخور و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق ع
شکایت کرد از ضعف معده فرمود که جزاء را با آب سرد بخور و جزاء گیاهیست شبیه بکرفس آنرا
پیوه زا میگویند در معالجه اوجاع مفاصل و فالج و بواسیر و امرض مثانه و سایر امراض
در حدیث معتبر منقول است که معلی ابن خنیس بحضرت صادق ع از درد فرج فرمود که عورت
خود را در جای گشوده که سزاوار نبوده باین سبب این درد دران بهم رسیده دست چپ خود را بر
فرج بگذار و این دعا بخوان بسم الله وبالله بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره
عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون اللهم انی اسلمت وجهی الیك وفوضت
امری الیك لا ملجا ولا منجی منك الا الیك و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
بحضرت امیر المؤمنین ع شکایت کرد از درد رانها فرمود که آب گرمی در طشت بکن و در
میان آب بنشین و دست بر انموضع که درد دارد بگذار و این آیه را بخوان اولم یر الذین کفروا
ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام حسین ع شکایت کرد از درد زانو فرمود
که از اول سوره انا فتحنا بخوان تا وکان الله عزیزا حکیما و در روایت معتبر دیگر وارد شده است
که ابو حمزه بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد از درد زانو فرمود که بعد از نماز این دعا بخوان یا
اجود من اعطی یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی وقلة حیلتی واعفنی من وجعی
چنان کرد بزودی عافیت یافت و در روایت دیگر منقولست که سالم بن محمد شکایت کرد
بحضرت صادق ع از درد ساق پا و گفت این درد مرا از همه کار عاجز کرده است فرمود که این آیه را
هفت مرتبه بر آنموضع بخوان واتل ما اوحی الیك من کتاب ربك لا مبدل لکلماته ولن

تجد من دونه ملتحدا و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام حسین ع شکایت
کرد از درد بند پا فرمود که دست بر انموضع بگذار و بگو بسم الله وبالله والسلام علی رسول الله ص
وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات
بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون و در روایت دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق ع
از درد شانه فرمود که این آیه را در وقت خواب سه مرتبه و بعد از بیدار شدن یکمرتبه بخوان الم تعلم
ان الله له ملك السموات والارض وما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی از شیعیان شما بولش بند شده است حضرت در جواب نوشتند که آیات
قران بسیار بخوانند تا شفا یابد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بر هر دردی آیات آخر حشر را
نافع است لو انزلنا هذا القران علی جبل الی آیته تا آخر سوره سه مرتبه بخوان و در هر مرتبه آب دهان
بر انموضع بینداز و در روایت دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از درد مفاصل فرمود
که این دعا بخوان اللهم انی اسئلك باسمائك وبرکاتك ودعوة نبیك الطیب المبارك
المکین عندك صلی الله ع وبحق ابنته فاطمة المبارکة وبحق وصیه امیر المؤمنین وبحق
سبطیه شبابی اهل الجنة الا اذهبت عنی شرها اجد بحقهم بحقهم بحقهم بحقك یا الله
العالمین چون این دعا را خواند در همان ساعت درد ساکن شد و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت
صادق ع شکایت کرد از عرق النسا فرمود که هرگاه اثرش ظاهر شود دست بر انموضع بگذار و بگو بسم الله
الرحمن الرحیم وبالله اعوذ بسم الله الکبیر واعوذ بسم الله العظیم من کل عرق نعار
ومن شر حر النار آنشخص سه مرتبه این دعا را خواند از ان مرض نجات یافت و در روایت دیگر
وارد شده است که شخصی را القوه در او عارض شده بود بخدمت حضرت صادق ع آمد فرمود که برو
بروضه رسول ص و دو رکعت نماز بکن و دست برو بگذار بسم الله وبالله بهذا اخرج اقسمت
اقسمت علیك من عین انس او عین جن او وجع اخرج اقسمت علیك بالذی اتخذ
ابراهیم خلیلا وکلم موسی تکلیما وخلق عیسی من روح القدس لما هدات وطفئت

کما طفئت نار ابرهیم اطفی باذن الله ۳ مرتبه چنین کرد و عافیت یافت و در مکارم
الاخلاق مذکور است که برای عرق مدنی که بفارسی رشته میگویند پشم شتر را بدست بکنند یکی کارد
و مقراض درست بتابد و هفت گره بران بزند و بر هر گرهی ۳ مرتبه سوره حمد را بخواند پس هر مرتبه بران رشته
یا بران شخص این دعا بخواند بسم الله الابد الابد المحصی العدة القریب لما بعد الطاهر عن الولد العالی
عن ان یولد المنجز لما وعد العزیز بلا عدد القوی بلا امداد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
احد یا خالق الخلیقة یا عالم السر والخفیة یا من السموات بقدرته مزجاة یا من الارض
بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته مرساة یا من نجی به صاحب العرق من کل آفة صل
علی محمد خیر خلقک واشف اللهم فلان ابن فلانه لشفائک و دائه بدوائک وعافه
من بلائک انک قادر علی ما تشاء وانت ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد النبی و آله
و از حضرت امیر المؤمنین صه منقول است که خواندن این دعا برای دفع بواسیر نافع است
یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا بادئ یا راحم صلی الله علی محمد
و آل محمد و اردد علی نعمتک واکفنی امر وجعی و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی با امام رضا ع شکایت کرد از بواسیر فرمود که سوره یاسین را با عسل بنویس و بشور
و بخور و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که را ورمی یا جراحتی بهم رسد
کاردی را بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید بسم الله ارقیک من الحد والحدید و من اثر العود
والحجر الملبود و من العرق الفاتر و من الورم الناجر و من الطعام و عقره و من الشراب
وبرده امضی الیک باذن الله الی اجل مسمی فی الانس والانعام بسم الله
فتحت و بسم الله ختمت پس آن کارد را بر زمین فرو برد و در حدیث دیگر فرمود که چون حضرت
رسول صه را دمل یا دردسری عارض میشد دست میگشودند حمد و قل هو الله و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب
الفلق را میخواندند و دست بر رو می کشیدند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی ع منقول است که برای قولنج و بادها
و درد مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون یک کف شنبلیه را با یک کف انجیر خشک بگیرند و آنقدر آب بران ریزند که پوشیده شود و پاکیزه

بپزند

بپزند و صاف کنند و یکروز بخورند و یکروز نخورند تا آنکه در مجموع روزها بقدر یکقدح بزرگ خورده شود
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلم عرض کرد که بادی از سر تا پای مرا گرفته است
فرمود که عنبر و روغن زنبق را ناشتا بدماغ بکشان و در روایت دیگر منقولست که صباح بن محارز
بحضرت امام موسی علیه السلم عرض کرد که شخصی را از باد لقوه بهم رسیده است و رو و چشمش کج گردانیده است
فرمود که پنج مثقال از قرنفل بگیر و در شیشه بکند و سرش را محکم ببندد و گل بمالد و در آفتاب بگذارد بقدر
یکروز در تابستان و دو روز در زمستان پس از شیشه بیرون آورد و نرم بکوبد و با آب باران
مخلوط سازد و بر پشت بخوابد و بران طرف بدن که گشته است بمالد و بران حال خوابیده باشد
تا آن قرنفل خشک شود چون چنین کند آن امراض ازو برطرف شود و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلم شکایت کرد از آنکه بولش قطع نمیشود و همیشه قطرات بول ازو می آید
فرمود که اسفند را بگیر و شش نوبت با آب سرد و یکنوبت با آب گرم بشوی و در سایه خشک کن پس با
روغن چرب کن و سفوف کن و بخور و در روایت دیگر منقولست که برای یک مثانه هلیله و بلیله و امله و فلفل و
دار فلفل و دار چینی و زنجبیل و شقاقل و انیسون و خولنجان اجزا را مساوی گرفته بکوبند و بپزند و با روغن گاو
تازه ممزوج کنند و دو برابر تمام اجزا عسل صاف کرده با شکر بپزد و خلش کنند و هر مرتبه بقدر فندقی
بخورند و در چند روایت وارد شده است که خوردن تره برطرف میکند بواسیر را و در روایت دیگر فرمود
که برنج و خرمای فارسی بواسیر را زایل میکند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلم این
دوا را برای دفع بواسیر فرمود هلیله سیاه و بلیله و آمله اجزا را مساوی گرفته بکوبند و از حریر بیرون کنند پس قدری
از مقل ازرق گرفته در آب تره بخیسانند سه شب پس این دوا را در میان آن بحشیه خمیر کنند و دست را
بروغن بنفشه چرب کرده بقدر عدس حب کنند و در سایه بخشکانند و اگر تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورند
و اگر در زمستان باشد دو مثقال بخورند و در آن ایام که این را میخورد از ماهی و سرکه و سبزیها اجتناب کند
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام علی نقی علیه السلم شکایت کرد از گند دهان فرمود که خرمای برنی
بخورد دیگر شکایت کرد از پوست فراخ فرمود که خرمای برنی را ناشتا بخور و آب بر بالایش بخور چنان کرد فر

شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت کرد فرمود که خرمای برنی را با آشناگر
و آب بعد از آن مخور چنان کرد مزاجش مستقیم شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برای دفع زیادتی
بلغم بگیر قندران رومی و کندر و آب شم و زینیان و سپاهدانه لهذا اجزا مساوی یکدیگر و همه را نرم
بکوب و بیز و با عسل خمیر بکن و هر شب در وقت خواب بقدر یک فندق بخور و از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که بگیر از هلیله زرد یکمثقال و از خردل دو مثقال و عاقرقرحا یکمثقال و بسیار نرم بکوب
و ناشتا بر دندانها بمال که بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را محکم میکند و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که ناشتا بحمام رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحمام رفتن صفرا
و سودا را دفع میکند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بسیار شانه کردن بلغم را کم میکند

فصل یازدهم در بیان قلیلی از تعویذات برای دفع سحر و سموم و گزندگان و سایر بلا در حدیث معتبر
منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که برای دفع سحر این تعویذ را بر پوست آهو
بنویسند و با خود نگاه دارند بسم الله و بالله بسم الله و ما شاء الله بسم الله لا حول و لا قوة
الا بالله قال موسى ما جئتم به السحر ان الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين
فوقع الحق و بطل ما كانوا يعملون فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين و در روایت دیگر فرمود
که اگر از ساحری یا ظالمی ترسی بعد از نماز شب پیش از شروع در نماز صبح رو بجانب خانه او بکن و هفت
مرتبه بگو بسم الله و بالله سنشد عضدك باخيك ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون اليكما
باياتنا انتما ومن اتبعكما الغالبون و در روایت دیگر منقولست که جبرئیل ع خبر داد حضرت رسول ص
را که لبید بن اعصم یهودی سحر برای آنحضرت کرده است پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام را طلبید و فرمود که برو در فلان چاه و سحر را بیرون آور حضرت امیر المؤمنین با آن موضع رفتند و در آن
چاه داخل شدند و از ته آن حقه بدر آوردند و بنزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آوردند در آن حقه نخی بود
که یازده گره بر آن زده بودند پس جبرئیل سوره معوذتین را آورد از آسمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که یا علی این دو سوره را بر آن گرهها بخوان پس هر آیه که حضرت میخواندند یک گره گشوده میشد چون

هردوسول

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون چیزی را که شیطان از خاطر تو محو کرده باشد و خواهی بیاد آوری
دست بر پیشانی بگذار و بگو اللهم انی اسئلك یا مذکر الخیر و فاعله و الآمر به ان
تصلی علی محمد و آل محمد و تذکرنی ما انسانیه الشیطان و در حدیث معتبر دیگر وارد است
که از برای ادای قرض این دعا بخواند اللهم اغننی بحلالك عن حرامك و بفضلك
عمن سواك و شخصی بخدمت حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم حضرت
فرمود که استغفار بسیار بکن و زبانت را تر دار بخواندن سوره انا انزلناه و در روایت دیگر فرمود که
برای دفع پریشانی هر روز صد نوبت سوره انا انزلناه بخوان و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست برای
دفع فقر و پریشانی که بعد از نماز صبح ده نوبت بگو سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله
و اسئله من فضله و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که فقر بر او بسیار
زور آورد بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله بدرستی که این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت و در آن
شفای از هفتاد و دو درد هست که کمتر آنها اندوه است و در حدیث بسیار معتبر وارد شده است
که هر که هر روز صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید هفتاد نوع از بلا از او دور گردد که سهلتر آنها
غم و اندوه باشد و در حدیث معتبر منقولست که هر که هزار مرتبه ما شاء الله بگوید در یک دفعه در آن سال
او را حج نصیب شود و اگر در آن سال نشود زنده بماند تا توفیق حج یابد و در احادیث بسیار وارد شده است
که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم رفع اندوه میکند و در احادیث معتبره از حضرت علی بن
الحسین صلوات الله علیه منقولست که هرگاه من این دعا بخوانم پروا ندارم اگر جن و انس جمع شوند
برای ضرر رسانیدن بمن بسم الله و بالله و من الله و الی الله و فی سبیل الله اللهم
الیك اسلمت نفسی و الیك وجهت وجهی و الیك فوضت امری فاحفظنی بحفظ
الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و شمالی و من فوقی و من تحتی و ادفع
بحولك و قوتك و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در روایت دیگر منقولست که حضرت
صادق علیه السلام روزی نزد منصور دوانقی رفتند و او در نهایت شدت غضب بود حضرت در وقت

واخل شدن این دعا خواند غضب او ساکن شد یا عدتی عند شدتی و یا غوثی عند
کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام واکنفنی برکنک الذی لا یرام واز حضرت صادق
منقولست برای برگشتن غلام گریخته که بر کاغذی آیة الکرسی را مدور بنویسد و در میان آن بنویسد اللهم
السماء لک والارض لک وما بینهما لک فاجعل ما بینهما اضیق علی فلان من
غلام را بنویسد من جلد جمل حتی تردده علی وتظفرنی به واین دعا را نیز بخوانند و آن کاغذ
را در موضعی که در شبها در آنجا می خوابیده است دفن کنند و چیز سنگینی بر بالایش بگذارند و در حدیث
دیگر فرمود که کسی را که مالی یا حیوانی گم شود این دعا بخواند اللهم انک اله من السماء ومن فی
الارض وعدل فیهما وانت الهادی من الضلالة وترد الضالة رد علی ضالتی فانها
من رزقک وعظمتک اللهم لا تفتن بها مؤمنا ولا تغن لها کافرا اللهم
صل علی محمد عبدک ورسولک وعلی اهل بیته واز حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که برای گم شده
بگوید وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من
ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب
مبین اللهم انک تهدی من الضلالة تنجی من العمی وترد الضالة صل علی محمد وآله واعم لی
ورد ضالتی فصل علی محمد وآله وسلم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که برای رد گم شده دو رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از الحمد سوره یس بخواند و بعد از نماز دست بسوی آسمان بردارد و بگوید اللهم
راد الضالة والهادی من الضالة صل علی محمد وآل محمد واحفظ علی ضالتی واردد ها الی
سالمة یا ارحم الراحمین فانها من فضلک وعطائک یا عباد الله فی الارض و یا سیادة الله
فی الارض ردوا علی ضالتی فانها من فضل الله وعطائه و در روایتی منقولست که از حضرت صادق علیه السلام
پرسیدند که تعویذی با خود میدارم و جنب میشوم چون است فرمود که باکی نیست اما زن چون حایض میشود
باید که تعویذی با خود نگاه ندارد در میان پوست باشد و فرمود که هر چه از دعا و قرآن تعویذ که خواهید برای
کوفتها و دردها بخوانید اما افسونها که معنیش معلوم نباشد مخوانید و فرمود که بسیاری تعویذها و افسونها کفرست

در فواید تربت شریف حضرت امام حسین ص و بعضی از ادویه مفرده و در احادیث معتبره
بسیار وارد شده است که در خاک قبر حضرت امام حسین ع شفای همه دردهاست و در حدیث دیگر از حضرت
صادق ع منقولست که هر که را علتی حادث شود و به تربت آنحضرت مداوا کند البته شفا یابد مگر آنکه علت مرگ
باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت شفا می بخشد از هر دردی و امان میدهد از هر ترس و در
حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان خود را به تربت آنحضرت بردارید که امان میدهد از بلاها و در روایت
دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع هیچ متاعی را بجای نمیفرستادند مگر آنکه قدری از تربت آنحضرت
در میانش میگذاشتند که ببرکت آن محفوظ بماند و در حدیث معتبر منقولست که ابن ابی یعفور از حضرت
صادق ع سؤال کرد که بعضی از مردم از تربت حضرت امام حسین ع میگیرند و منتفع میشوند و
بعضی منتفع نمیشوند فرمود که والله هر کس که انتفاع نفع داشته باشد البته نفع می یابد و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی با نحضرت عرض کرد که زنی رشته بمن داده است که بکعبه معظمه که جامه خانه کعبه را
بان بدوزند حضرت فرمود که انرا بده و عسل و زعفران بخر و خاک قبر حضرت امام حسین ع را بگیر و با آب
باران نرم کن و در میان عسل و زعفران بریز و بشیعیان ما بده که بیماران خود را بان دوا کنند و در
روایت دیگر فرمود که خاک قبر حسین ع شفای دردهاست هر چند ثلث فرسخ دورتر از قبر بردارند
و در روایت معتبر دیگر فرمود که تربت شفاست تا یک فرسخ و ثلث فرسخ از اطراف قبر میتوان برداشت
و فرمود که هیچ چیز مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر دعا و چیزی که برکت انرا کم میکند در
جای نامناسب گذاشتن و کم اعتقادی آنکس است که میخورد اما یقین داند که شفاست
هر وقت معالجه کند البته او را بدوای دیگر احتیاج نمیشود و فاسد و کم میکنند نفع تربت را
شیاطین و جنیان کافر که خود را بران میمالند و بهر یک که میگذرد آنرا میبویند و شیاطین
و کافران جن رشک میبرند بر فرزندان آدم پس خود را بران میمالند که بوی خوش و نفعش را کم کنند
و هر تربتی که از حایر بیرون می آورند آنقدر که نتوان شمرد از شیاطین که از بیم [illegible] داخل
حایر نمیشوند در بیرون مهیا میباشند که تا از حایر بیرون آورند خود را بران بمالند و اگر تربت

ازاین سالم ماند هر بیماری که بخورد در ساعت شفا یابد پس چون تربت را برداری به تبند و پنهان
کن و نام خدا را بران بسیار بخوان و من شنیده ام که بعضی تربت را برمیدارند و انرا سبک میدانند
حتی انکه در میان توبره چهارپایان و ظرف طعام می اندازند از چنین تربتی چون شفا یابند بدرستی
که کسیکه صاحب یقین نیست باستخفاف باموری که موجب صلاح اوست اعمال خود را فاسد
میکرداند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بانحضرت عرض کرد که مرا در دو مرض بسیار مبتلا باشد
و هر دوائی که خوردم نفع نکرد فرمود که چرا تربت حضرت امام حسین ع را نمیخوری که دران شفای
هر درد و امان از هر بیم است وقت که برمیداری تربت را بکو اللهم انی اسئلک بحق هذه
الطینة و بحق الملک الذی اخذها و بحق النبی الذی قبضها و بحق الوصی الذی حل بها صل علی محمد و
اهل بیته و اجعل لی فیها شفاء من کل داء و امانا من کل خوف پرسید که شفای هر درد را دانستم
چکونه امان است از هر خوفی فرمود که هرکاه از ظالمی یا از بلایی اندیشه داشته باشی از خانه بیرون
میا مکر انکه خاک قبر انحضرت با تو باشد در انوقت که خاک را با خود برمیداری بکو اللهم هذه طینة
قبر الحسین ولیک و ابن ولیک اتخذتها حرزا لما اخاف و لما لا اخاف و از ابو حمزه ثمالی منقول
است که حضرت صادق ع فرمود که چون خواهی تربت قبر را برداری سوره حمد و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و ایة
و یس و ایة الکرسی بخوان و بکو اللهم بحق محمد عبدک و حبیبک و نبیک و رسولک
و امینک و بحق امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب عبدک و اخی رسولک و بحق فاطمة
بنت نبیک و زوجة ولیک و بحق الحسن و الحسین و بحق الائمة الراشدین و بحق هذه
التربة و بحق الملک الموکل بها و بحق الوصی الذی هو فیها و بحق الجسد الذی تضمنت
و بحق السبط الذی ضمنت و بحق جمیع ملائکتک و انبیائک و رسلک صلی علی محمد
و اله و اجعل هذا الطین شفاء لی و لمن یستشفی به من کل داء و سقم و مرض و امانا
من کل خوف اللهم بحق محمد و اهل بیته و اجعله علما نافعا و رزقا واسعا و شفاء من

کل داء و سقم و مرض و امانا من کل افة و عاهة و جمیع الاوجاع کلها انک علی کل شیء قدیر
پس بکو اللهم رب هذه التربة المبارکة المیمونة و الملک الذی هبط فیها و الوصی الذی هو
فیها صل علی محمد و سلم و انفعنی بها انک علی کل شیء قدیر و در روایت دیکر فرمود که در وقتی
که تربت را بخوری اول ببوس و برهر دو دیده بکذار و زیاده از یک نخود مخور که هرکه زیاده بخورد چنانست
که کوشت و خون ما را خورده است و در وقتیکه از قبر برمیداری بکو اللهم انی اسئلک بحق
الملک الذی قبضها و اسئلک بحق النبی الذی خزنها و اسئلک بحق الوصی الذی حل
فیها ان تصلی علی محمد و ال محمد و ان تجعله شفاء من کل داء و امانا من کل خوف و حفظا من
کل سوء پس تربت را بر پارچه به بند و سوره انا انزلناه را بران بخوان و در حدیث معتبره دیکر فرمود
که هرکه تربت را بقصد شفا نخورد چنانست که کوشت ما را خورده است و چون بقصد شفا بخورد
بکوید بسم الله و بالله اللهم رب هذه التربة المبارکة الطاهرة و رب النور الذی
انزل فیه و رب الجسد الذی سکن فیه و رب الملائکة الموکلین به اجعله شفاء من
کل داء کذا و کذا و ان ازاد داذ کرکند پس ان تربت را بخورد و بکجرعه اب بعد از ان بخورد و بکوید
اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء و سقم چون چنین کنی دفع میشود
انچه در خود می یابی از درد و بیماری و غم و اندوه و در روایت دیکر فرمود که در وقت خوردن این دعا
بخواند بسم الله و بالله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک علی
کل شیء قدیر اللهم رب التربة المبارکة و رب الوصی الذی وارته صل علی محمد و ال محمد
و اجعل هذا الطین شفاء من کل داء و امانا من کل خوف و از حضرت امام موسی ع منقولست
که چون میت را دفن کنند در برابر رویش مهری از خاک تربت حضرت امام حسین ع بکذارند
و در حدیث دیکر فرمود که مؤمن باید از این پنج چیز خالی نباشد مسواکی و شانه و جانمازی
و تسبیحی از تربت که سی و چهار دانه باشد و انکشتر عقیق و از حضرت صادق ع منقولست که
هرکه تسبیح خاک انحضرت را بکرداند بهر استغفاری هفتاد استغفار برای او نوشته شود و در

حدیث دیگر فرمود که خاک قبر حضرت امام حسین ع را بفروشد چنانست که گوشت حضرت
امام حسین ع را فروخته و خریده باشد و بدانکه مشهور میان علما آنست که بقدر نخود میتوان
خورد و چون از بعضی احادیث بقدر عدس ظاهر میشود بهتر آنست که زیاده از عدس نخورد
از حضرت صادق ع منقولست که هرکه تب کند و در شب اول بوزن دو درهم
بزرقطونا بخورد و دران مرض ایمن گردد از سرسام و ذات الجنب و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت
عناب بر سایر میوهها مثل فضیلت ماست بر سایر مردم و از حضرت امیر المومنین ع منقولست
که عناب تب را زایل میکند و در روایت دیگر منقولست که ابن ابی عمیر الخطیب گفت که
دیده من سفید شده بود و چیزی نمیدیدم شبی حضرت امیر المؤمنین ع را در خواب دیدم فرمود که عناب را
بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم عناب را باهسته اش ساییدم و در دیدهام کشیدم دیدهام
صبح بینا شد و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که مداوا کنید بسنا که اگر چیزی مرگ را
رد میکند سنا ست و از حضرت صادق ع منقولست که چهار چیز است که طبیعتها را باعتدال
می آورد انار سورانی و خرمای نارس پخته و بنفشه و کاسنی و از حضرت صادق ع منقول است که
در سیاه دانه شفای همه دردهاست بغیر از مرگ و در بعضی از روایات وارد شده است که از حضرت
رسول ص پرسید که سیاه دانه را چگونه استعمال کنیم فرمود که بیست و یکدانه اش را در کهنه کنی
و یکشب در آب بخیسانی و چون صبح شود در بینی راست دو قطره و در بینی چپ یکقطره بچکانی
و در هر شب تازه کنی و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقولست که شخصی با آنحضرت
شکایت کرد که از بسیاری آمدن بول آزار میکشم فرمود که سیاه دانه را در آخر شب بخور و فرمود
که من آنرا میخورم برای تب و درد سر و آزار چشم و درد شکم و جمیع دردها و خدا مرا بان شفا میدهد
و از حضرت رسول ص منقول است که بر هر یکی از برگ و دانه اسفند ملکی موکل است که با نها هست
تا آنکه بپوسد و ریشه اش و شاخش غم و سحر را برطرف میکند و در دانه اش شفای هفتاد درد
هست پس مداوا کنید باسفند و کندر و از حضرت صادق ع منقول است که خانه که اسفند

دران هست شیطان تا هفتاد خانه از انجا دوری میکند و آن شفاست از هفتاد
مرض که آسان تر آنها خوره است و در روایت دیگر منقولست که پیغمبری شکایت کرد از جبن
است خود وحی براو نازل شد که امر کن امت خود را که اسفند بخورند که باعث شجاعت میشود
و فرمود که کندر برگزیده پیغمبرانست و هیچ دودی زودتر از دود ان باسمان بالا نمیرود و آن دور کننده شیاطین
و دفع کننده بلاها ست و از حضرت امام حسین ع منقولست که اگر مردم بدانند که چه منافع
در هلیله زرد هست هر اینه بوزن طلا بخرند و از حضرت امام رضا ع منقولست که بخورید انجیر که
برای دفع قولنج نافع است و فرمود که کند دهان را برطرف میکند و استخوان را محکم میکند و مو در
بدن میرویاند و دردها را میبرد و از حضرت رسول ص منقولست که خوردن انجیر تر و خشک بواسیر را
قطع میکند و نقرس و غلبه برودت بر باطن را نفع میدهد و حضرت صادق ع فرمود که برگ
خرفه عقل را زیاد میکند و هیچ گیاهی از ان شریفتر و نافعتر نیست و حضرت امام رضا ع فرمود
که بادروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت صادق ع فرمود که کاهو خون را
صاف میکند و فرومی نشاند و از حضرت صادق ع منقولست که خوراک حضرت خضر والیاس
کرفس و ود میلانست و از حضرت رسول ص منقولست که هرکه سداب بخورد در شب و بخوابد
دران شب ایمن باشد از دردهای بیرونی و درونی و ذات الجنب و در حدیث دیگر منقول
است که آنحضرت زنیان و سیاه دانه و الشم را سفوف میکردند و بعد از لبنیات و
طعامی که بیم ضرری از ان بود تناول میفرمودند و گاهی با نمک سائیده ممزوج ساخته پیش از طعام
میخوردند و میفرمودند که چون بامداد این را بخورم از هیچ چیز پروا نمیکنم و تقویت معده میکند
و بلغم را میبرد و امان می بخشد از لقوه و فرمود که حق تعالی برکت قرار داده است در عسل و دران
شفا از جمیع دردها هست و بران هفتاد پیغمبر برکت فرستاده است و حضرت صادق ع
فرمود که سرکه شراب بن دندان را محکم میکند و کرمهای شکم را میکشد و عقل را محکم میکند و فرمود که
خوردن اشنون زانوها را سست میکند و آب پشت را فاسد میکند و دهن را بدبو میکند و فرمود

که هرکه زینا و کردکان باهم بخورد بواسیر را میسوزاند و بادها را دفع میکند و معده را نرم میکند و کرمها را
کرم میکند و فرمود که آشم و نمک بایکدیگر بادها را میکشد و سدها را میگشاید و بلغم را میسوزاند و موجب
ادرار بول میشود و دهن را خوشبو میکند و لقوه را دفع میکند و قوت [illegible] و در چند حدیث
وارد شده است که مالیدن نمک دفع زهر عقرب و گزندگان میکند

در اداب معاشرت بامردم و حقوق اصناف ایشان

در بیان حقوق خویشان و غلامان و کنیزان و در

احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رحم در روز قیامت چنگ در عرش الهی میزند و میگوید
پروردگارا هرکه مرا در دنیا صله کرده است تو امروز او را برحمت خود وصل کن و هرکه مرا قطع کرده
است تو امروز او را قطع کن و در احادیث بسیار منقولست که نیکی با خویشان کردن باعث
قبول اعمال است و مال را زیاد میکند و بلاها را دفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را
آسان میکند و در حدیث حسن از حضرت رسول صلعم منقولست که دو طرف صراط امانت و
صله رحم است پس کسیکه در امانت مردم خیانت نکرده است و با خویشان خود نیکی کرده است
از صراط باسانی میگذرد و به بهشت میرود و کسیکه خیانت در امانتها کرده است و قطع رحم کرده است
عمل دیگر او را نفع نمیدهد و صراط او را در آتش می افکند و حضرت صادق ع فرمود که صله رحم کردن
و باهمسایگان نیکو سلوک کردن خانهها را آبادان میکند و عمرها را زیاد میکند و از حضرت رسول صلعم
منقولست که هیچ عملی ثوابش زودتر از صله رحم نمیرسد و در حدیث حسن از حضرت صادق ع
منقولست که ما چیزی را نمیدانیم که عمر را دراز کند مانند صله رحم تا آنکه گاه هست که شخصی سه سال
از عمرش مانده است و بسبب صله رحم سی سال میشود و گاه هست که از عمرش سی و سه سال مانده است
و بسبب قطع رحم سه سال میشود و در حدیث موثق منقولست که شخصی از آنحضرت سؤال کرد
که خویشان دارم که شیعه نیستند آیا ایشان را بر من حقی هست فرمود بلی رحم را هیچ چیز قطع نمیکند
و اگر شیعه باشند دو حق دارند حق رحم و حق اسلام فرمود که صله رحم و نیکی با برادران مومن
حساب قیامت را آسان میکند و از گناهان نگاه میدارند پس صله رحم و نیکی با برادران را ترک
مکنید

مکنید اگرچه به سلام کردن و نیکو جواب سلام دادن باشد و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که
هرگاه خویشان بایکدیگر بدی کنند مال شان بدست بدکاران می افتد و در حدیث صحیح از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که سه چیز است هرکه مرتکب آن شود پیش از مردن عقوبت آنها را می یابد ظلم و قطع
رحم و [illegible] بسیار است که جماعتی بدکردارند و بسبب صله رحم مال و فرزندان ایشان بسیار میشوند
قسم دروغ و صله رحم خانهها را از اهلش خالی میکند و از حضرت رسول صلعم منقول است که هرکه
بپای خود برود بخانه خویشان بدیدن ایشان یا برای آنکه مالی بایشان برساند حق تعالی ثواب صد
شهید ویرا کرامت فرماید و بعد هر گامی که برمیدارد چهل هزار حسنه در نامه عملش نوشته میشود
و چهل هزار گناه محو شود و چهل هزار درجه برای او در بهشت بلند شود و چنان باشد که صد سال عبادت
خدا با خلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کس داخل بهشت نمیشوند کسی که همیشه شراب
خورد یا همیشه سحر کند یا قطع رحم کند و فرمود که هرکه رعایت حق خویشان کند حق تعالی در بهشت باو
هزار هزار درجه کرامت کند که از هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد یکدرجه از نقره و دیگری از
مروارید و دیگری از زمرد و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین
از سایر چیزهای که خدا در بهشت خلق کرده است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که در
شب معراج دیدم رحمی بر عرش آویخته و از رحم دیگر شکایت میکند بپروردگار خود پرسیدم که چند
پشت نسب تو و او بهم میرسد گفت که در چهل پشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ضامنم برای
کسیکه صله رحم کند آنکه خدا او را دوست دارد و روزیش را فراخ کند و عمرش را زیاد کند و او را داخل
بهشت کند و فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود و از آن نمیشنوند عاق پدر و مادر و
قطع کننده رحم و مرد پیر زناکار و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرکه
بر غلامی یا کنیزی بقدر حدی از حدود الهی بزند بی آنکه جرمی از او صادر شده باشد که بحسب شرع
مستحق آن حد شده باشد کفاره نیست گناه او را بغیر از آزاد کردن در حدیث معتبر منقول است که
از حضرت امام علی نقی ع پرسیدند که بنده که فرمان صاحبش نمیبرد آیا حلال است زدن او فرمود که نه اگر

موافق طبیعت باشد نگاه دارد و اگر نه بفروش یا رها کن و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول
است که در تادیب اطفال و غلامان و کنیزان پنج تازیانه یا شش تازیانه بیشتر مزنید و آن را هم برفق
و هموار بزنید و در حدیث معتبر دیگر منقولست که زراره از آنحضرت سؤال کرد از زدن بنده
فرمود که هر چیزی که در دست او تلف شود بی تقصیری او را برای چیزی نیست اما اگر دانسته نافرمانی بکند
میتوان زد او را گفت چه مقدار بزنم فرمود که سه تا چهار تا پنج و از حضرت رسول ص منقولست که
پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در باب غلام و کنیز که گمان کردم که برای ایشان حدی مقرر خواهد
کرد که چون باین حد برسند آزاد شوند و از حضرت صادق ع منقولست که بنده مومن باشد چون هفت
سال خدمت کند آزاد میشود بعد از آن خدمت فرمودن آن حلال نیست و علما حمل کرده اند این
حدیث را برای آنکه سنت مؤکد است که بعد از هفت سال او را آزاد کنند و در حدیث
صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چهار صفت است که در هر که باشد حق تعالی ساکن گرداند
او را در اعلا علیین در اعلا غرفهای شرف کسیکه پناه دهد یتیمی را و متوجه احوال او گردد از برای او
بمنزله پدر مهربان باشد و کسیکه اعانت کند بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید و کسیکه مال خود را صرف پدر
و مادر کند و با ایشان مدارا کند و احسان نماید و ایشان را آزرده ننماید و کسیکه تندی و سفاهت با بنده
خود نکند و او را یاری نماید بر خدماتی که باو میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد باو نفرماید و در حدیث معتبر
از حضرت رسول ص منقولست که به بندگان خود بخورانید آنچه خود میخورید و بایشان بپوشانید آنچه خود می
پوشید و در روایت دیگر منقولست که آنحضرت باصحاب خود فرمودند که میخواهید خبر دهم شما را
به بدترین مردم گفتند بلی یا رسول الله فرمود کسیکه تنها سفر کند و عطای خود را از مردم منع کند و
غلام خود را بزند و در حدیث دیگر فرمود که سه کسند که اگر بر ایشان ظلم نکنی ایشان بر تو ظلم میکنند
دونان و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود را بقدر عقل ایشان مورد عتاب
سازید و در حدیث معتبر منقولست که روزی غلامی از حضرت صادق ع ناپیدا بود حضرت او را طلبیدند
تا آنکه دیدند در جای خوابیده است بر بالین او نشستند و او را باد میزدند تا او بیدار شد پس فرمودند که ترا نیست

که شب

نیست که شب و روز هر دو خواب کنی شب خواب کن و روز خدمت کن و در احادیث معتبره از حضرت
منقولست که سه کسند که نماز ایشان مقبول نیست غلامی که از آقای خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم
آقا نماید و شخصی که پیش نمازی گروهی کند که باو راضی نباشند و زنی که شوهر از او خشمناک بخواب رود و
بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که اول کسیکه داخل بهشت میشود شهید است و غلامی که نیکو
عبادت کند پروردگارش را و خیرخواه آقای خود باشد و مرد عیالباری که از حرام و شبهه عفت ورزد
و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص منقولست که هر که بنده آزاد کند حق تعالی بهر عضوی از آن بنده
عضوی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و حضرت صادق ع فرمود که مستحب است که در شب عرفه بخدا
تقرب بجویید بآزاد کردن و تصدق

در حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله

از حضرت رسول ص منقولست که مرا جبرئیل ع وصیت میفرمود برعایت همسایه تا آنکه گمان کردم که برای او
میراثی قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایه خود را آزار کند حق تعالی بوی بهشت را بر او حرام گرداند و ماوی
او در جهنم باشد و فرمود هر که از همسایه خود بقدر یک شبر از زمین خیانت کند خدا آن زمین را تا طبقه هفتم
طوقی کند و در گردن او اندازد تا او را چون بموقف حساب آورند آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند
و آن زمین را پس دهد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که آزار خود را از همسایه باز دارد حق تعالی در قیامت
از گناهان او درگذرد و از حضرت رسول ص منقولست که سه چیز است که بدترین بلاهاست پادشاهی
یا صاحب حکمی اگر احسان باو کنی شکر نکند و اگر بدی کنی نگذرد و همسایه که چشمش ترا ببیند و دلش مرگ
ترا خواهد اگر نیکی کنی بپوشاند و مذکور نسازد و اگر بدی ببیند ظاهر کند و منتشر گرداند و زنی که اگر حاضر باشی
ترا شاد نگرداند و اگر غایب باشی خاطرت باو مطمئن نباشد و در حدیث معتبر منقولست که از
حضرت رسول ص پرسیدند که آیا در مال حقی بغیر از زکوة هست فرمود که بلی نیکی و احسان کردن
بخویشان که با تو بدی کنند و احسان کردن بهمسایه مسلمان بدرستی که ایمان بمن ندارد کسیکه شب سیر بخوابد
و همسایه مسلمانش گرسنه است و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که تا چهل خانه

از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود که از جمله حقوق مال حق ماعونست که حق تعم وعید جهنم فرموده
است برای کسیکه منع آن نماید و آن قرضی است که بهمسایه دهد یا نیکی بایشان نماید یا ضروریات خانه
که بایشان عاریه دهد راوی گفت که همسایکان داریم اگر چیزی بایشان عاریه دهیم میشکنند و ضایع
میکنند درینصورت بر ما گناهی هست اگر بایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشد بر شما گناهی نیست
بر شما اگر بایشان ندهید و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایکان و از
حضرت رسول صلعم منقولست که هر که منع کند ماعون را از همسایکان خود حق تعم منع کند از او خیر و احسان
خود را در آخرت و او را بخود واگذارد و هر که را خدا بخود دیگذارد وای بر حال او و در حدیث معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که منع مکنید قرض دادن خمیر و نان را و طلبیدن آتش را که این امور
باعث زیادتی روزی میشود بر اهل خانه یا آنکه از جمله مکارم اخلاقست و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که زینهار که متعرض حقوق مشوید که بر خود لازم کنید و آنچه از خرجها که بر قبیله واقع میشود
بدهید و مضایقه مکنید و اگر از قبیله شما کسی شما را تکلیف بکند که ضررش زیاده از نفعش باشد
که باو میرسد قبول مکنید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع در بیماری
بدیدن صعصعة بن صوحان که از بزرگان اصحاب آنحضرت بود تشریف آوردند پس فرمودند بایکه
من بعیادت تو آمده ام فخر مکن بر قوم خود و اگر ایشان را در امری به بینی خود را از آن امر بکنار مگیر
که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و بایشان محتاج است و اگر یاری ایشان نکنی
یاری را از ایشان منع کرده و یاریهای بسیار خود را از ایشان منع کرده و یاریهای بسیار ایشان را
از حال خود گردانیده پس اگر ایشان را در حال خود به بینی یاری ایشان بکن در آن امر و اگر در بلای
باشد ایشان را وامگذار و باید که یاری کردن شما یکدیگر را در طاعت خدا باشد بدرستی که همیشه یاری
یکدیگر بکنید در طاعت خدا و باز ایستید از معصیت خدا و در حدیث معتبر منقولست

که اسیری

که اسیری چند را بنزد حضرت رسول صلعم آوردند از کافران پس یکی از ایشان را پیش آوردند که گردن بزنند
در آنحال حضرت جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد این اسیر که میخواهی گردنش بزنی بمردم طعام
میخورانید و مهمانداری میکرد و خرجهای که در میان قبیله واقع میشد میداد و بارهای
گران اهل قبیله را بر دوش خود بر میداشت پس حضرت بآن اسیر فرمودند که حق تعم وحی فرستاده
است من ترا آزاد کردم از کشتن باین خصلتها آن اسیر گفت که پروردگار تو این خصلتها را
دوست میداشت فرمود که بلی اسیر گفت که شهادت میدهم بوحدانیت خدا و به پیغمبری تو بحق
آنخدای که ترا براستی بخلق فرستاده است که هرگز از مال خود کسی را بر نگردانیده ام و در احادیث
معتبره وارد شده است که خوردن مال یتیم بناحق از جمله گناهان کبیره است و در حدیث معتبر
منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که نگاهداری کند طفلی یتیمی را و او را نفقه دهد من و او در
بهشت مانند این دو انگشت باهم باشیم و اشاره بانگشت شهادت و میان فرمودند و در
حدیث دیگر فرمود که هر که یتیمی را در عیال خود داخل کند و خرج او را دهد تا او مستغنی شود از او خدا
بهشت را برای او واجب گرداند چنانچه برای خورنده مال یتیم جهنم را واجب گردانیده است
و در روایت دیگر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر مرد مومن و زن مومنه که دست
بر سر یتیم بکشد از روی ترحم حق تعم برای او بعدد هر موئی که دستش بر آن گردد حسنه برای او بنویسد
و در حدیث دیگر منقولست که بهر موئی حق تعم نوری کرامت فرماید در قیامت و در حدیث
معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد دلش نرم شود
یتیمی را نزدیک خود بخواند و با او مهربانی نماید و بر سر خوان خود بنشاند و از روی شفقت دست
بر سرش بمالد که یتیم را بر مردم حق عظیم هست و در حدیث دیگر فرمود که چون یتیمی بگرید عرش الهی
برای او بلرزد پس پروردگار عالم فرماید که کیست آنکه بگریه آورده است این بنده مرا که پدر و مادرش را
گرفته ام بعزت و جلال خودم سوگند میخورم که هیچ بنده او را ساکن نگرداند مگر آنکه بهشت را برای
او واجب گردانم و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست که حق تعم در قرآن مجید

برای کسیکه مال یتیم را بناحق بخورد دو عقاب مقرر ساخته یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری در دنیا
انکه با یتیمان او بکنند انچه با یتیمان دیگران کرده باشند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حق تعم
در قیامت جماعتی را از قبر محشور کرداند که از دهنهای ایشان آتش شعله ور باشد و انها جماعتی باشند
که مال یتیمان را خورده باشند چنانچه حق تعم میفرماید که بدرستی که انجماعت که مال یتیمان را بظلم میخورند شکم خود را
آتش افروز جهنم کردند و بدانکه ولی یتیم که تصرف در مال او میتوان کرد پدر است و جد پدری و وصی که تعیین کرده
باشند و اگر اینها نباشد حاکم شرع یعنی امام ع و کسی را که آنحضرت ع تعیین کرده باشد و اگر امام ع حاضر نباشد
اکثر علما را اعتقاد آنست که مجتهد جامع الشرایط میکند یا کسیکه او نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر
میشود که مؤمنان صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان و ضبط اموال ایشان میتوانند شد که بخیر
صرفه ایشان در ان باب رعایت کنند و اگر پریشان باشند و سعی در مال یتیم مانع کسب ایشان باشد بقدر
خرج ضروری خود از مال ایشان خرج میتوان کرد و بهتر آنست که رعایت کنند که زیاده از اجرت متعارف
العمل برندارند و همچنین پدر و جد پدری و وصی باید که نهایت رعایت در صرفه ایشان بکنند و اگر ان
قدر مال نداشته باشند که وفا بقرض کند از مال ایشان قرض برندارند و اگر پدر و جد پدری پریشان باشند
بقدر نفقه ضروری خود از مال ایشان میتوان برداشت و اگر مادر هم فقیر باشد نفقه او را ولی از مال یتیم میتواند
داد و اگر قدر خرج طفل را حساب کنند و با نفقه خود ضم کنند و باهم چیزی بخورند باکی نیست

در حقوق صداقت و اخوت

در احادیث معتبر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع
در وقت فوت وصیت نمود بحضرت امام حسن ع که برادری کن با برادران از برای خدا و دوست
دار صالحان را برای صلاح ایشان و از حضرت امام رضا ع منقولست که هرکه برادر مؤمنی را برای خدا
دوست بگیرد خانه در بهشت یافته باشد و از حضرت رسول ص منقولست که کسیکه بعد از اسلام فایده یافته
است که بهتر باشد از برادری که از برای خدا باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
امام محمد باقر ع عرض کرد که بسیار است که اندوهگین میشوم بی سببی بجدی که اهل و یاران من اثر
انرا از روی من مشاهده میکنند فرمود که حق تعم مؤمنان را از طینت بهشت آفریده و از نسیم رحمت خود

در ایشان جاری گردانیده پس باین سبب مؤمنان برادر پدری و مادری یکدیگرند پس چون بروح
یکی از مؤمنان اندوهی رسید مؤمنان دیگر برای اندوه او محزون میشوند و در حدیث معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که نظر کردن بروی پدر و مادر از روی مهربانی و شفقت عبادت است و
نظر کردن بروی برادری که دوست داری برای خدا عبادت است و از حضرت امیرالمؤمنین ع
منقولست که برادران دو نوعند یکی برادرانی که محل اعتماد باشند در دوستی و یاری و دیگری برادران
خندیدن و صحبت اما اول پس ایشان بمنزله دستند و بالند و اهلند و مالند پس چون برادری
اعتماد داشته باشی از برای او صرف کن مال و بدن خود و با دوستانش دوستی کن و با دشمنانش
دشمنی کن و رازش را بپوشان و عیبش را مخفی دار و نیکیهایش را افشا کن و بدانکه این قسم
برادران کمترند از کوگرد سرخ که اکسیر است و اما دویم پس تو لذت صحبتشان را می یابی این را
از ایشان قطع مکن و توقع زیاده از ایشان مدار و در احادیث معتبره وارد شده است که اخوت
و برادری و آشنایی در عالم ارواح در میان مؤمنان بهم رسیده و در این نشأ چون
یکدیگر را دیدند آن را بیاد می آورند و در احادیث معتبره دیگر وارد شده است که مؤمن برادر
مؤمن است و دیده اوست و راه نمای اوست با او خیانت نکند و بر او ظلم نمیکند و او را
فریب نمیدهد و با او وعده که کند خلاف نمیکند و با او دروغ نمیگوید و غیبت او نمیکند و در
حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که صداقت و دوستی و یاری حدی چند
دارد که هرکه همه آنها در او نباشد او را بکمال صداقت نسبت مده و کسیکه هیچیک از اینها در او
نباشد بهیچ چیز از صداقت او را نسبت مده اول انکه آشکار و پنهانش با تو یکی باشد دویم
انکه زینت خود داند سیم انکه بهم رسانیدن مالی یا حکومتی سلوک خود را با تو تغییر ندهد چهارم
انکه انچه توانایی او باشد و بآن رسد از تو منع نکند پنجم انکه در نکبتها و بلاها ترا وانگذارد و ترک یاری
تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر برادر دوست خود مکن که رازهای خود را
باو سپاری که در وقتی که از تو برگردد چاره نتوانی کرد و از حضرت امام رضا ع منقولست که

که محبت پست ساله خویش آوند نیست وعلم واهلش را با یکدیگر بیشتر جمع میکند و ربط میدهد
از پدران واز حضرت صادق ع منقولست که چون دوستی داشته باشی و حکومت بهم رساند
وده یک انچه پیشتر با تو دوستی میکرد بکند دوستی بدی نیست از برای تو واز حضرت امیرالمومنین ع
منقولست که دوستی با دوستان خود هموار بکن وخود را پر مده با ایشان روزیکه دشمن تو شوند و
دشمنی را با دشمنان خود هموار بکن شاید که روزی دوست تو شوند واز حضرت صادق ع منقولست
که مطلع مگردان دوستان خود را بر راز خود مگر رازی که اگر دشمن تو بداند بتو ضرری نرسد زیرا که
گاه هست که دوست یکروزی دشمن میشود واز حضرت امام موسی ع منقولست که بهترین عیش دنیا
فراخی خانه وبسیاری دوستان است وحضرت لقمن ع با پسر خود گفت که با صد کس مصاحبت
بکن و با یک کس دشمنی مکن و راضی باش که غلام نیکان باشی و راضی مشو که فرزندان بدان باشی
واز حضرت صادق ع منقولست که پنج چیز است که در هر که نباشد زندگی بر او گوارا نیست
صحت بدن وامنیت وتوانگری وقناعت ومونس موافق ودر حدیث دیگر فرمود که
هر که را پند دهنده از دلش وزجر کننده از نفس ومصاحبی که او را براه خیر بدارد نباشد شیطان بر گردنش
سوار میشود ودر حدیث دیگر فرمود که قطع آشنایی از دوستان پدر خود مکن که روشنی احوالت
بتاریکی مبدل میشود وفرمود که هر که محبت خود را بغیر محلش بگذارد خود متعرض قطع محبت شده
است واز حضرت امیرالمومنین ع منقولست که هر که خود را در محل تهمت در آورد ملامت
نکند کسی را که گمان بد باو برد وهر که راز خود پنهان دارد اختیار با خودش است وهر سخنی که از
دو کس گذشت فاش میشود وچون با کسی برادری کنی انچه از او ببینی بمحل نیکی حمل کن تا انکه بجایی
برسد که دیگر محل نیکی نه بینی وزنهار که گمان بد مبر بسخنی که از برادرت صادر شود تا محل نیک برای او یابی
وبسیار بگیر از برادران نیک که ایشان در وقت رفاهیت تهیه اند برای وقت بلا ودر وقت
بلا سپرند برای دفع اعدا ومشورت با جماعتی بکن که از خدا ترسند وبرادران مومن را بقدر پرهیزکاری
ایشان دوست بدار وبپرهیز از زنان بد واز نیکان ایشان در حذر باش واز حضرت امام رضا ع

منقول

منقولست که اگر خواهی تمام شود بر تو نعمت وکامل شود برای تو مردی ومروت وباصلاح آید
برای تو امور معیشت پس شریک مگردان غلامان ومردم دون را در کارهای خود که اگر ایشان را
امین گردانی خیانت میکنند واگر سخنی با تو گویند دروغ میگویند واگر بلایی نازل شود ترا یاری
نمیکنند وبا عاقل مصاحبت بکن هر چند کریم نباشد واز عقلش بهره ور شود واز خلق بدش احتراز
کن هر چند عاقل نباشد که بعقل خود از کرم او منتفع میشوی وبگریز بنهایت گریختن از احمقی
که بخیل باشد

در بیان حقوق مومنان بر یکدیگر وحسن معاشرت با خلق بسند معتبر

منقولست که معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق ع پرسید که حق مسلمان بر مسلمانان
چیست فرمود که هفت حق است که هر یک از آن واجب است واگر یکی از اینها را ترک
کند از دوستی وطاعت خدا بدر میرود پرسید که انها چیست فرمود که میترسم بدانی وعمل بیاوری
ورعایت انها نکنی آسان ترین آن حقوق آنست که انچه از برای خود دوست میداری از برای
خود دوست میداری دوست داری از برای او وانچه از برای خود نمیخواهی از برای او نخواهی دویم
انکه بپرهیزی از غضب او وپیروی خوشنودی او بکنی وانچه فرماید اطاعت کنی سیم انکه او را
یاری کنی بجان ومال وزبان وبدست وبپا چهارم انکه دیده وراه نما وآینه او [illegible] باشی پنجم
انکه تو سیر نباشی واو گرسنه باشد وتو سیراب نباشی واو تشنه باشد وتو پوشیده نباشی واو
عریان باشد ششم انکه اگر تو خدمتکاری داشته باشی واو نداشته باشد واجب است که خادم خود را
بفرستی که جامه اش بشوید وطعامش بپزد ورخت خوابش بگسترد هفتم انکه ترا قسم دهد بعمل آوری
واگر ترا بخانه دعوت کند قبول کنی واگر بیمار شده بعیادتش بروی واگر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی
واگر دانی که حاجتی دارد پیش گیری بر آوردن او را پیش از انکه از تو سوال کند چون چنین کنی پیوند کنی
محبت خود را بمحبت خدا ودر حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مومن
نیست وبسند حسن از حضرت صادق ع منقولست که وعده کردن مومن برادر مومن خود را نذریست
که کفاره ندارد وهر که خلف وعده مومن کند اول خلف وعده خدا کرده است ومتعرض غضب الهی شده

است و در حدیث حسن دیگر از حضرت رسول ص منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد
باید که وفا کند بوعدهٔ خود و بسندهای معتبر از حضرت رسول ص منقولست که مؤمن را بر مؤمن هفت
حق هست انکه در حضور او تعظیم نماید و محبتش در سینهٔ او باشد و مال خود را باو صرف نماید و غیبت او را
بر خود حرام میداند و چون بیمار شود بعیادت او رود و چون بمیرد بجنازهٔ او حاضر شود و بعد از مرگش
بغیر از نیکی او چیزی نگوید و بسند حسن از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که دوست دار برادر مؤمن
خود را و بخواه از برای او انچه از برای خود میخواهی و مخواه از برای او انچه از برای خود نمیخواهی و چون
محتاج شوی ازو سؤال کن و هر گاه از تو سؤال کند باو عطا کن و نیکی را از برای او ذخیره مکن تا او هم
از تو ذخیره نکند و یاور او باش تا او هم یاور تو باشد اگر غایب شود حرمت او را غایبانه نگاهدار
و چون بیاید بدیدنش برو و او را گرامی بدار و بدرستی که او از تست و تو از اوئی و اگر با تو در مقام
عتاب باشد ازو جدا مشو تا کینه را از سینهٔ او بدر کنی و اگر نعمت باو برسد خدا را شکر کن و اگر
بلائی او را پیش آید یاور باش و با او مهربانی را زیاد کن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
مسلمان را بر برادر مسلمان شش حق هست هر گاه که باو برسد او را سلام کند و هر گاه که بیمار شود بعیادت
او رود و هر گاه که عطسه کند او را دعا کند و چون بمیرد بر او نماز کند و هر گاه که او را بضیافت بطلبد
قبول کند و از برای او دوست دارد انچه از برای خود دوست میدارد و از برای خود دشمن میدارد
انچه از برای خود دشمن دارد و بسندهای معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که صبح کند
و اهتمام بر امور مسلمانان نداشته باشد از مسلمانان نیست و کسیکه بشنود که کسی فریاد میکند ای
مسلمانان بفریاد من رسید و او یاری او نکند او مسلمان نیست و فرمود که محبوب ترین
مردم کسی است که نفعش بمردم بیشتر میرسد و فرمود که هر که از گروهی از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی
را دفع کند بهشت او را واجب میگردد و از حضرت صادق ع منقولست که حق مؤمن بر مؤمن
آنست که او را بدل دوست دارد و مال خود را ازو دریغ ندارد و اگر بفرزد باحوال او بپردازد و اگر
کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطائی بمسلمانان دهند و او غایب باشد بهرهٔ او را برای او بگیرد

وچون

وچون بمیرد بزیارت قبرش برود و بر او ظلم نکند و او را فریب ندهد و با او خیانت نکند و
روی او اف نگوید و اگر اف بگوید دوستی از میان ایشان برطرف شود و اگر بگوید تو دشمن منی
یکی از ایشان کافر باشد زیرا که اگر دروغ گفته خود کافر است و اگر راست گفته آن یکی کافر است
یعنی صاحب گناهان کبیره و چون او را بتهمت متهم سازد ایمان در دلش بگدازد چنانکه
نمک در آب میگدازد و در حدیث دیگر فرمود که باید برای برادر مسلمان خود بخواهد انچه از برای
عزیزترین عیال خود میخواهد و دوستی او را خالص گرداند از شوایب بانکه در شادی او شاد باشد
و در اندوه او اندوهگین باشد اگر تواند سعی کند که غم او را زایل گرداند و الا دعا کند که خدا اندوهش را بر دارد
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت آمد از او پرسید که برادران خود را بر چه
حال گذاشتی گفت بر نیکو حالی گذاشتم ایشان را فرمود که توانگران ایشان چگونه باحوال فقیران
میرسند گفت توانگران ایشان چه قدر بدیدن ایشان میروند گفت کم فرمود که توانگران چه
مقدار احسان بفقیران میکنند گفت چیزی چند میفرمائی که اینها در میان ما نمیباشد فرمود که پس چگونه
ایشان دعوای تشیع میکنند و در حدیث دیگر فرمود که برادران و نیکوکاران باشید و از برای
خدا با یکدیگر دوستی کنید و بدیدن یکدیگر بروید و با یکدیگر بنشینید و دین ما و احادیث ما یاد کنید
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که واجب است از برای مؤمن بر مؤمن که خیرخواه او
باشد در حضور و غیبت و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخیرخواهی خلایق که هیچ عمل نزد
خدا از این بهتر نیست

در قضای حاجت مؤمنان و سعی نمودن در کارهای ایشان و شاد گردانیدن ایشان

در حدیث صحیح از حضرت رسول ص منقولست که هر که
مؤمنی را شاد گرداند مرا شاد گردانیده است و هر که مرا شاد گرداند خدا را خشنود گردانیده
است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که تبسم کردن بروی برادر
مؤمن حسنه است و هیچ عبادت را دوستتر نمیدارد خدا از شاد کردن مؤمن و در حدیث
دیگر فرمود که حق تعالی خطاب فرمود بحضرت موسی ع که بدرستی مرا بندگان هست که بهشت را

برایشان مباح میکردانم وایشان را حاکم میکردانم در بهشت حضرت موسی ع گفت
پروردگارا کیستند ایشان فرمود کسیکه سروری بر مومنی داخل کند پس حضرت که مومنی در مملکت
پادشاه جباری بود وان پادشاه درمقام آزار او بود ازاو گریخت و بشهر کفار رفت و پناه
بکافری برد ان کافر او را جا داد و مهربانی و ضیافت کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حق تعم
باو وحی فرمود که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که اگر ترا در بهشت جای میبود در می آوردم و لیکن
بهشت حرام است بر کسیکه کافر بمیرد پس خطاب نمود باتش جهنم که او را بترسان اما مسوزان
وامر فرمود که در اول و آخر روز برای او روزی ببرند و بسند حسن از حضرت صادق ع منقولست که حق تعم
وحی نمود بحضرت داود که بنده از بندگان من حسنه بنزد من می آورد بهشت را از برای او مباح
میکردانم حضرت داود پرسید که آن حسنه کدام است فرمود کسیکه بر بنده مومن خوشحالی
داخل کرداند اگرچه بیکدانه خرما باشد حضرت داود گفت پروردگارا سزاوار است که کسی ترا بشناسد
وقطع امید خود از تو نکند و در حدیث دیگر فرمود کسیکه مؤمنی را شاد کرداند نه او را شاد کردانیده
است بلکه ما را شاد کردانیده است بلکه حضرت رسول صلعم را شاد کردانیده است و در حدیث
معتبره از انحضرت منقولست که چون مؤمن از قبر بیرون آید با او شخصی بیرون آید و کوید بشارت
باد ترا بکرامت از جانب خدا و خوشحالی پس مومن باو میکوید که خدا ترا بشارت به نیکی بدهد پس با او
میباشد و بهر هولی که میگذرد میگوید این از تو نیست و بهر نیکی که میگذرند میگوید این از تست و پیوسته
او را چنین بشارت میدهد تا اینکه بمقام حساب برسد پس چون امر کنند که او را بهشت برند
باو میگوید که بشارت باد ترا به بهشت میبرند مومن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی
و مونس من بودی و از جانب خدا خبر بمن رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل برادر مؤمن خود داخل
کردی در دنیا خدا مرا از آن خلق کرده است که بشارت دهنده تو و در تنهایی مونس تو باشم و در حدیث
دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد کرداند حق تعم هزار هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث معتبر دیگر
فرمود که هر که یکی حاجت برای برادر مؤمن خود برآورد حق تعم در قیامت صد هزار حاجت او را برآورد

که یکی از انها بهشت باشد و دیگر انکه خویشان و آشنایان خود را داخل بهشت کند اگر ناصبی نباشد و در حدیث
دیگر فرمود که برآوردن حاجت برادر مؤمن بهتر است از هزار بنده آزاد کردن و هزار اسب در راه خدا بجنگ
فرستادن و در حدیث دیگر فرمود که بهتر است از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد هزار درهم صرف کند
و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که یک حج بهتر است از هفت بنده آزاد کردن
و خرج کشیدن و نفقه دادن اهل یکی از مسلمانان که ایشان را سیر کند و بپوشاند و روی ایشان را از
سؤال کردن حفظ کند بهتر است از هفتاد حج و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که هر که هفت شوط طواف در دور خانه کعبه بکند حق تعم برای او شش هزار حسنه بنویسد
و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه برای او بلند کند و شش هزار حاجت او را برآورد و برآوردن
حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را برآورد
حق تعم او را ندا کند که ثواب تو بر من است و راضی نمیشوم برای تو بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود
که چون کسی برای برآوردن حاجت مؤمن راه رود حق تعم دو ملک را موکل کرداند از جانب راست و جانب چپش
که از برای او استغفار کنند و دعا کنند که حاجتش برآورده شود و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن
جعفر ع منقولست که هر که برادر مؤمن بنزد او بیاید برای حاجتی رحمتی است که خدا بسوی او فرستاده
است اگر قبول کرد پس پیوند کرده است بدوستی او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی حق تعم موصول است
و اگر او را رد کرد و قادر بود که حاجتش را برآورد حق تعم بر او مسلط کرداند در قبر ماری از آتش که او را بگزد تا
روز قیامت خواه در قیامت خدا او را بیامرزد یا عذاب کند و از حضرت امام محمد باقر ع منقول
است که مومنی که برادر مومنش حاجتی بنزد او بیاورد و او قادر نباشد بر آوردن حاجت او و دلش
غمگین شود بسبب این خدا بهمین بهشت را برای او واجب کرداند و از حضرت صادق ع
که مؤمنی که در حاجت برادر مومن خود راه رود ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و
ده درجه در بهشت برای او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از اعتکاف یکماه
در مسجد الحرام و از حضرت امام رضا ع منقولست که خدا را بندگان هست که سعی میکنند در حاجت مردم

ایشان ایمن باشند در روز قیامت و هر که دل مؤمنی را شاد کند حق تعالی در قیامت دل او را شاد کند
و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر که راه رود برای برآوردن حاجت برادر مؤمن خدا هفتاد و پنج
هزار ملک را بفرستد که او را سایه کنند و بهر قدمی برای او حسنه بنویسند و گناهی محو کنند و درجه
بلند کنند و چون از کارسازی او فارغ شود ثواب حج و عمره در نامه عملش بنویسند و حضرت صادق ع
فرمود که چون راه روم در حاجت برادر مسلمان دوست تر دارم از آزاد کردن هزار بنده و هزار کس را
بر اسپان زین و لجام کرده سوار کنم و بجهاد فرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند و راه رود
در حاجت برادر مسلمان خود از برای رضای خدا حق تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد که بسبب
آنها خویشان و همسایگان و آشنایان او را بیامرزد و بیامرزد هر که در دنیا بتو نیکی کرده است او را
بیرون آورد و داخل بهشت کن مگر آنکه دشمن اهل بیت رسول ص باشد و فرمود که حق تعالی فرموده است
که خلایق عیال منند و محبوبترین ایشان نزد من کسیست که با ایشان مهربانتر باشد و سعی
در برآوردن حاجت ایشان بیشتر کند و فرمود که هر که بفریاد رسد برادر مؤمن غمگین مضطر خود را در هنگام
شدت و سختی غم او را بردارد و حاجت او را برآورد حق تعالی واجب گرداند برای او هفتاد و
دو رحمت که یکی را در دنیا باو دهد که کارهای دنیای او بآن ساخته شود و هفتاد و یک رحمت دیگر را
برای او ذخیره کند برای ترسها و شدتهای روز قیامت و فرمود که هر که غمی از مؤمن بردارد
حق تعالی غمهای آخرت را از او بردارد و چون از قبر بیرون آید دلش مطمئن و شاد باشد و هر که مؤمنی را
طعام دهد حق تعالی او را از میوه های بهشت طعام دهد و هر که مؤمنی را آب دهد حق تعالی از شراب
بهشت او را آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی را از مؤمنی بردارد حق تعالی حاجات
دنیا و آخرت او را برآورد و هر که عیب مؤمنی را بپوشاند حق تعالی هفتاد عیب از عیبهای
دنیا و آخرت او بپوشاند و تا مؤمنی در یاری برادر مؤمن است خدا یار اوست و در حدیث
معتبر از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که هر که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد
حق تعالی صد حاجت او را برآورد که یکی بهشت باشد و هر که غمی را از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای او را

در قیامت

در قیامت بردارد و هر که اعانت کند مؤمنی را بر ظالمی خدا او را اعانت کند در گذشتن صراط
وقتی که قدمها بلغزد و هر که حاجت مؤمنی را برآورد که او شاد شود چنان باشد که حضرت رسول ص
را شاد کرده باشد و هر که مؤمنی را آب دهد در وقت تشنگی حق تعالی از شراب بهشت او را
سیراب کند و هر که مؤمنی را آب دهد سیر کند حق تعالی او را از میوه های بهشت سیر گرداند و هر که
بر مؤمنی جامه بپوشاند در وقتی که عریان باشد خدا او را از دیبا و حریر بپوشاند و هر که جامه بر او بپوشاند
و در غیر عریانی پیوسته در ضمان خدا باشد از بلاها تا از آن جامه بر آن مؤمن تاری باقی باشد و هر که خادمی
باو بدهد خدا او را از پسران بهشت خادم بدهد و هر که او را از پیاده بودن سوار کند حق تعالی او را در قیامت
بر ناقه از ناقه های بهشت سوار گرداند که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از مردن
کفن بپوشاند چنان باشد که او را جامه داده باشد در هنگام ولادت تا وقت مردن و هر که زنی
بمؤمنی دهد که با او انس گیرد حق تعالی ملکی را در قبر مونس او گرداند بصورت محبوبترین اهل او نزد او
و هر که در بیماری عیادت مؤمنی بکند ملائکه او را از همه جهت فرو گیرند و گویند خوشا حال تو و
گوارا باد بهشت از برای تو والله که قضای حاجت مؤمن بهتر است نزد خدا از دو ماه روزه داشتن
و اعتکاف کردن دو ماه از ماههای حرام و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که خدا را در
قیامت سایه نیست مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر یا مؤمنی که آزاد کند بنده مؤمنی را یا مؤمنی که قرض
مؤمنی را ادا کند یا مؤمنی که مؤمنی را کدخدا کند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که مؤمنی در روز قیامت بر شخصی که حق تعالی امر فرموده باشد که او را بجهنم برند
و ملک او را برد بجهنم خطاب کند مؤمن را که بفریادم برس که در دنیا من بتو نیکی میکردم و حاجت
تو بر می آوردم مؤمن بملک گوید که دست از او بدار حق تعالی فرماید که چون مؤمن شفاعت او کرد
او را بگذار و در حدیث معتبر از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که بگردان مسلمانان را نزد
خود مثل اهل خانه خود پیران ایشان را بمنزله پدر خود بدان و خوردان ایشان را بمنزله فرزند خود و آنها
که هم سن تو باشد بمنزله برادر خود بدان برکدام یک از اینها میخواهی که ستم کنی یا نفرین کنی یا غیبت

ایشان را فاش کنی واگر شیطان خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر
کسی را ببینی که از تو بزرگتر است بگو که او در ایمان و اعمال شایسته بر من پیشی گرفته است
پس از من بهتر است واگر خوردتر از خود را ببینی بگو من پیشتر از او گناه کرده ام پس او از
من بهتر است واگر همسال خود را ببینی بگو که یقین بگناه خود دارم و در گناه او شک دارم
پس چرا یقین خود را برای شک بگذارم واگر ببینی که مردم ترا تعظیم و تکریم میکنند بگو که این
از نیکی ایشانست که بمحاسن آداب عمل میکنند واگر ایشان از تو دوری کنند و ترا
حرمت ندارند بگو این گناهی است که من کرده ام چون چنین کنی زندگانی بر تو آسان
شود و دوستانت بسیار و دشمنانت کم شوند و از نیکی ایشان شاد شوی و از بدی ایشان
دلتنگ نشوی و بعد از آن گرامی ترکسیست که محتاج باشد و سؤال نکند از ایشان زیرا که اهل
دنیا همیشه از پی مال میروند و هرکه در مالهای ایشان مزاحمت نمیرساند و از مال خود پاره بایشان
میرساند عزیزتر و گرامی تر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت عیسی ع بیکی از
اصحاب خود گفت که آنچه نمیخواهی با تو بکنند با هیچکس مکن واگر کسی طپانچه بر جانب راست
رویت بزند جانب چپ را پیش کن و در حدیث دیگر منقولست که هرکه مسلمانی بنزد او
بیاید برای حاجتی و او قادر به برآوردن آن باشد و برنیاورد حق تعالی او را در قیامت سرزنش
و تعییر کند و بگوید که برادر تو برای حاجتی بنزد تو آمد که من ترا قادر گردانیده بودم به برآوردن آن
و برنیاوردی برای آنکه ثواب آن را نخواستی بعزت خود سوگند میخورم که در هیچ حاجت نظر
رحمت بسوی تو نکنم خواه ترا بیامرزم و خواه عذاب کنم و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی
که منع کند از مؤمنی چیزی را که باو محتاج باشد و او قادر باشد که آنرا از نزد خود یا از نزد دیگران باو رساند
حق تعالی او را با روی سیاه و دیدههای کبود و دستها در گردن غل کرده باز دارد پس بگوید که
این است شخصی که بر خدا و رسول خیانت کرده است پس بفرماید که او را بجهنم برند و از حضرت

امام

امام موسی ع منقولست که در قیامت سه کس در سایه عرش الهی باشند در روزی که سایه بغیر آن
نباشد کسیکه برادر مؤمن خود را زنی بدهد و کسیکه خادمی باو بدهد و کسیکه راز او را پنهان دارد

در دیدن مؤمنان و عیادت بیماران ایشان و در احادیث معتبره وارد شده

از حضرت باقر و صادق ع که هرکه بدیدن برادر مؤمن خود برود از برای خدا حق تعالی هفتاد هزار ملک باو موکل
گرداند که او را ندا کنند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو تا بخانه خود برگردد و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت رسول ص فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که حق تعالی ملکی بزمین فرستاد آن ملک
رسید بر مردی که بر در خانه ایستاده بود و رخصت میطلبید از صاحب خانه که داخل خانه شود ملک
پرسید که با صاحب خانه چه قرابت داری گفت برادر مسلمان من است از برای خدا بدیدن او
آمده ام ملک گفت که هیچ مطلب دیگر بغیر از این نداری گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم
بسوی تو و ترا سلام میرساند و میفرماید گوارا باد بهشت ترا از برای تو واجب گردانیدم و میفرماید
که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی برود چنانست که بزیارت من آمده است و ثوابش نزد من بهشت
است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هرکه بدیدن برادر مؤمن خود بخانه او رود
حق تعالی او را خطاب فرماید که تو میهمان منی و بزیارت من آمده و میهمان داری تو بر من است
و بهشت را برای تو واجب گردانیدم بسبب آنکه تو او را دوست داشتی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که مؤمنی که بیرون آید بعزم دیدن برادر مؤمن خود حق تعالی
ملکی را باو موکل گرداند که یکبالش را بر زمین گذارد و بال دیگر را بر سرش سایه افکند پس چون داخل خانه
آن مؤمن شود خداوند جبار او را ندا میفرماید که ای بنده که تعظیم حق من کردی و متابعت آثار پیغمبر من
نمودی لازم است بر من که ترا تعظیم کنم از من سؤال کن تا عطا کنم و مرا بخوان تا اجابت دعای
تو بکنم واگر خواهی ساکت باش تا ابتدا برحمت بکنم پس چون برگردد ملک او را متابعت کند و بال بر
سر او داشته باشد تا بخانه خود برگردد که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی لازم است بر من که ترا گرامی
دارم بتحقیق که بهشت را برای تو واجب گردانیدم و ترا در حق بندگان خود شفاعت دادم و از حضرت

صادق ع منقولست که بدیدن برادر مومن رفتن از برای خدا بهتر است از ده بنده ازاد کردن
و هر که بنده مومنی را ازاد کرداند حق تعم بهر عضوی او را از آتش جهنم ازاد کرداند و در حدیث معتبر منقولست
که انحضرت بداود بن سرحان گفت که شیعیان مرا از من سلام برسان و بگو خدا رحمت کند
بنده را که با دیگری بنشیند و یاد کنند احادیث ما را که سیم ایشان ملکیست که از برای ایشان استغفار
میکند و هر گاه که با یکدیگر بنشینید یاد ما و احادیث ما بکنید که بسبب همنشینی و مذاکره شما مذهب
و دین ما برای شما زنده میشود و بهترین مردم بعد از ما کسیست که مذاکره احادیث ما بکند و ما را یاد کند
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بدیدن یکدیگر بروید در خانهای خود که با این زنده میمانند
دین ما خدا رحمت کند کسی را که مذهب ما را زنده بدارد و از حضرت رسول ص منقولست که
خوشا حال آنها که دوستی با یکدیگر میکنند برای خدا بدرستی که حق تعم بهشت عمودی خلق کرده است
از یاقوت سرخ و بران هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا
خلق کرده است انها را برای کسانی که دوستی کنند با یکدیگر برای خدا و بدیدن یکدیگر روند برای
خدا و از حضرت صادق ع منقولست که هر که قادر نباشد که بر ما احسان کند بصالحان شیعیان ما
احسان کند تا ثواب احسان کردن بما در نامه عملش نوشته شود و هر که قدرت بر دیدن ما نداشته
باشد بدیدن صالحان شیعیان ما برود تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که عیادت کند مسلمان بیماری را از در هفتاد هزار
ملک برای او صلوات فرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود
که هر که مومنی را عیادت کند در رحمت الهی فرو رود پس چون نزد او بنشیند رحمت با و احاطه
کند پس چون برگردد حق تعم هفتاد هزار ملک را با و موکل گرداند که از برای او طلب آمرزش کنند
و بگویند خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو تا روز دیگر اینوقت و باو عطا فرماید زاویه
در بهشت که سوار در ان چهل سال بتازد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که مومنی را در
حال بیماری عیادت کند از برای خدا حق تعم باو موکل سازد ملکی را که در قبر او را عیادت کند و برای

او استغفار

او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود که هر که عیادت کند بیماری را حق تعم موکل سازد
باو هفتاد هزار ملک را که همیشه بخانه او آیند و در انخانه تسبیح و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی گویند تا روز
قیامت و نصف ثواب ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوار است که کسیکه بیمار شود
برادران مومن را اعلام کند که بعیادت او بیایند که انها ثواب ببرند و او ثواب بیابد بخبر کردن
انها که اگر چنین کند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه برای او بلند شود
و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که چون کسی بیمار شود مردم را رخصت دهد
که بعیادت او بیایند بدرستی که هیچ کسی نیست مگر انکه او را دعای مستجابی هست و از حضرت
صادق ع که کسی که بعیادت برادر مومن برود از بیمار خود طلب دعا بکند که دعای او مانند دعای
ملائکه است و از حضرت صادق ع منقولست که در درد چشم عیادت نمیباشد و در اول بیماری سه روز
متوالی او را باید دید بعد از ان یکروز نه یکروز پس چون بیماری بسیار طول کشد او را با عیالش میباید
گذاشت و عیادت نمیباید کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون بدیدن بیمار روید سیبی یا
ترنجی یا بوی خوشی یا عودی با خود ببرید که بیمار بآن استراحتی می یابد و در حدیث دیگر فرمود که
از تمامی عیادت ان است که دست بذراع بیمار بگذارد و در وقت دعا کردن و زودی برخیزی که
عیادت احمقان دشوارتر است بر بیمار از درد او و از حضرت امیر المومنین ع منقولست که از
عیادت کنندگان کسی ثوابش بیشتر است که زودتر برخیزد مگر انکه بیمار نشستن او را خواهد و از
او سؤال کند که بنشیند

در اطعام مومنان و آب دادن و جامه پوشانیدن و
سایر اعانتهای ایشان و یاری کردن مظلومان

از حضرت صادق ع منقولست که هر که
مومنی را سیر کند بهشت او را واجب گردد و هر که کافری را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را
از زقوم جهنم پر کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را سیر کند حق تعم او را از
سه بهشت طعام دهد جنة الفردوس و جنة عدن و درخت طوبی و در حدیث دیگر فرمود
که هر که مومنی را طعام دهد تا او سیر شود هیچ یک از خلق خدا اندانند که او را چه ثواب هست نه ملک

مقرب و نه پیغمبر مرسل مگر پروردگار عالمیان پس فرمود که از جمله چیزهای که آمرزش را واجب میگرداند
طعام دادن مسلمانان گرسنه است و از حضرت رسول ص منقولست که هر که شربتی آبی بمسلمان
بدهد در جای که آب بهم رسد حق تع بهر شربتی هفتاد هزار حسنه باو عطا فرماید و اگر آب دهد در جای
که آب کمیاب باشد چنان باشد که ده بنده از فرزندان اسمعیل ازاد کرده باشد و در حدیث حسن
منقولست که هر که طعام دهد بنده مؤمن خود را از برای خدا چنان است که صد هزار کس از دیگران
طعام داده باشد و در حدیث حسن دیگر فرمود بسدیر صراف که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد
کنی گفت مال من وفا نمیکند باین فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این ثواب از برای تو باشد
پرسید که مالدار یا پریشان فرمود که مالدار هم گاهست که خواهش طعام دارد و در حدیث صحیح دیگر
فرمود که یک لقمه برادر مؤمن نزد من بخورد بهتر است نزد من از یک بنده ازاد کردن و در حدیث دیگر
فرمود که هر که مؤمن مالداری را طعام بدهد برابر است با یک بنده از فرزندان اسمعیل که او را از کشتن
ازاد کند و هر که مؤمن محتاجی را طعام بخوراند برابر است با صد بنده از فرزندان اسمعیل که از کشتن ازاد
کند و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که هر که یکی از آنها را بجا آورد داخل بهشت شود کسیکه
تشنه را سیراب کند یا گرسنه را سیر کند یا عریانی را بپوشاند یا بنده را که در مشقت باشد ازاد کند و از حضرت
رسول ص منقولست که بهترین اعمال نزد خدا سه چیز است سیر کردن مسلمان گرسنه یا قرض
مسلمانان را ادا کردن یا غمی ازاو برداشتن و فرمود که خیر و برکت بخانه که در آن طعام داده
میشود زودتر میرود از فرو رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی ابن الحسین ع منقولست
که هر که جامه زیادتی داشته باشد و داند که برادر مؤمنش بآن محتاج است و باو ندهد حق تع سرنگون
او را در آتش جهنم اندازد و هر که سیر بخوابد و نزد او مؤمن گرسنه باشد حق تع بملائکه امر فرماید
که شما را گواه میگیرم براین بنده که من او را امر کردم و نافرمانی من کرد و اطاعت دیگران کرد و بنده
که او را بعمل خود گذاشتم و هرگز او را نیامرزم و از حضرت رسول ص منقولست که ایمان نیاورده است

بمن

بمن کسیکه سیر بخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که خانه
داشته باشد و برادر مسلمانش محتاج شود که در آن خانه ساکن شود و او راضی نشود حق تع بملائکه فرماید که بنده من
بخل ورزید بر بنده من بساکن شدن در خانه او در دنیا بعزت خود سوگند میخورم که هرگز او را در بهشت
ساکن نگردانم و از حضرت رسول ص منقولست که هر که دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار
حق تع ثواب خواندن چهارصد آیه برای او بنویسد که بهر حرفی ده حسنه برای او بنویسد و در روایت
دیگر فرمود که بنده داخل بهشت شد بیک خاری که از راه مسلمانان برداشت و از حضرت صادق ع منقول
است که نیکو چیزی است هدیه فرستادن پیش از آنکه حاجت را بگویی و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید
که هدیه کینه ها را از سینه ها میبرد و فرمود که هدیه بر سه قسم است هدیه که در برابرش توقع نفع داشته
باشی و هدیه که بعنوان رشوه فرستی و غرض دنیوی نداشته باشی

در حقوق فقیران و ضعیفان و مظلومان و پیران و اصحاب بلا و آداب معاشرت ایشان در حدیث معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که فقراء مؤمنان چهل سال پیش از توانگران ایشان متنعم میشوند
پس فرمود که برای تو مثلی بزنم مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی است که بعشاری بگذرند کشتی خالی را
زود روانه میکنند و کشتی باردار را میگذارند بحساب و در حدیث دیگر فرمود که هرچند ایمان بنده
زیاد میشود بسبب تنگی روزیش میگردد و اگر نه این بود که مؤمنان الحاح و مبالغه در دعای طلب روزی
میکردند هر آینه ایشان را بحالی تنگتر از آنچه دارند می انداخت و از حضرت رسول ص منقولست
که فقر و درویشی امانتی است از خدا نزد خلقش پس هر که آنرا پنهان دارد حق تع او را مثل ثواب
کسی بدهد که روزها روزه باشد و شبها بنماز ایستاده باشد و هر که آنرا اظهار کند نزد کسیکه قادر
باشد بر برآوردن حاجت او و نکند بتحقیق که فقیر را کشته است نه بشمشیر و نیزه بلکه بآن جراحتی که
بدل او کرده است و از حضرت صادق ع منقولست که حق تع در روز قیامت خطاب میفرماید
بفقراء از مؤمنان مانند کسیکه معذرت طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که
شما را در دنیا فقیر نگردانیدم برای خواری شما نزد من امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد

هرکه در دنیا با شما نیکی کرده است دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان کویند خدایا
اهل دنیا زنان خوش رو خواستند و جامهای نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند و در خانهای
نیکو سکنا کردند و بر اسپان نفیس سوار شدند پس امروز بما هم مثل انها عطا فرما پس حق تعم فرماید
که بهریک از شما دادم مثل هفتاد برابر انچه بجمیع اهل دنیا داده ام از اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث
دیکر فرمود که مرد مالداری که جامهای پاکیزه پوشیده بود نزد حضرت رسول صم آمد و نشست پس
مرد پریشان که جامهای چرکین پوشیده بود آمد و در پهلوی او نشست ان مالدار جامه خود را
از زیر ران او کشید حضرت رسول صم فرمود که ایا ترسیدی که از فقر او چیزی بتو برسد کفت نه فرمود
ترسیدی که از توانکری تو چیزی باو برسد کفت نه فرمود که ترسیدی جامهات چرکین شود
کفت نه فرمود پس چرا چنین کردی کفت یا رسول الله مرا همنشین بدی هست از نفس و
شیطان که هر بدی را برای من زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من بد میکند و من تدارک انچه
کردم نصف مال خود را باو می بخشم حضرت به پریشان کفت قبول میکنی کفت نه توانکر
کفت چرا قبول نمیکنی کفت میترسم مثل تو شوم و در حدیث دیکر منقولست که انحضرت
بشخص پریشان فرمود که ایا ببازار میروی و میوها و چیزهای نفیس می بینی که قادر بر خریدن
انها نباشی کفت بلی فرمود که هر چیز که به بینی و قدرت بر خریدن ان نداشته باشی حسنه
برای تو نوشته میشود و در حدیث حسن دیکر از انحضرت منقولست که در روز قیامت کروهی
از مردم برخیزند و بیایند تا در بهشت پس ملائکه بایشان کویند شما کیستید کویند ما فقیران ملائکه کویند
که پیش از حساب آمده اید که ببهشت روید کویند چیزی بما نداده اید که ما را بان حساب کنید پس حق تعم
فرماید که راست میکویند بروید ببهشت و از حضرت امام موسی ع منقولست که حق تعم میفرماید
که من اغنیا را توانکر نکردانیدم برای انکه ایشان کرامی بودند بر من و فقیر انرا بی چیز نکرده ام برای
خواری ایشان نزد من ولیکن توانکران را امتحان کردم بفقیران و اکر فقیران نمی بودند توانکران

هر کز

هرکز مستوجب بهشت نمیشدند و از حضرت صادق ع منقولست که هرکه ذلیل و حقیر شمارد مومنی را
برای پریشانی او حق تعم او را در قیامت در حضور جمیع خلایق رسوا کند و در حدیث صحیح از انحضرت
منقولست که مهیای جنک من باشد هرکه آزار کند مومنی را و باید که ایمن باشد از غضب من کسی که کرامی دارد
بنده مومن مرا و اکر میان مشرق و مغرب نباشد مکر یک مومنی یا امام عادلی هر اینه بعبادت ایشان
مستغنی شوم از جمیع انچه خلق کرده ام در زمین و هر اینه هفت اسمان و هفت زمین برپا باشد
و بکر دانم از برای ایشان از ایمان ایشان که محتاج بمونس دیکر نباشد و در احادیث معتبره بسیار
منقولست که هرکه دوستی از دوستان مرا خار کند چنانست که برروی من بجنک ایستاده
است و من بسیار زود یاری میکنم دوستان خود را و از حضرت رسول صم منقولست که ذلیل ترین
مردم کسیست که خار کند مردم را و در حدیث دیکر فرمود که هرکه مومنی را ذلیل کند خدا او را ذلیل کند
و فرمود که حق تعم مومن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده است پس هرکه براو طعن کند یا سخن
او را رد کند بر خدا رد کرده است و از حضرت امیر المومنین ع منقولست که حقیر مشمارید ضعیفان
برادران خود را که هرکه مومنی را حقیر شمارد خدا او را با آن مومن در بهشت جمع ننماید مکر انکه توبه کند
و از حضرت رسول صم منقولست که بسا ژولیده موی کرد آلودی که جامه کهنه پوشیده باشد اکر خدا را
قسم دهد قسمش رد نشود و از حضرت صادق ع منقولست که کسیکه با مردم استهزا کند در محبت ایشان
طمع نداشته باشد و فرمود که حقیر مشمارید مومن فقیر را که هرکه حقیر شمارد مومن فقیر را یا استخفاف
او کند خدا او را حقیر شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیر المومنین ع منقولست که
هرکه اهانت کند یا آزار برادر مومن خود به یک کلمه در روز قیامت در میان دو چشمش نوشته شود که
ناامید است از رحمت الهی و از حضرت رسول صم منقولست که هرکه کرامی دارد برادر مومن خود را
از روی لطف یا حاجت او را برآورد یا غمی از او بردارد پیوسته رحمت الهی بر سر او سایه انداخته
تا در کارسازی و مهربانی برادر مومن باشد پس فرمود که مومن را برای این مومن میکویند که مردم در
جان و مال خود از او ایمنند و مسلمان کسی است که مردم از دست و زبان او سالم باشند و مهاجر کسیست

که از کناهان هجرت کند و هر که مؤمنی را دستی بزند که او را بآن سبب ذلیل کند یا طپانچه بر روی او بزند
یا چیزی که نخواهد نسبت باو بجا آورد ملائکه پیوسته او را لعنت کنند تا او را راضی کند و توبه او را قبول
کند پس زنهار که تعجیل مکنید در آزار مردم که شاید او مؤمن باشد و شما ندانید و صبر و آهستگی و همواری
بکنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از آهستگی و نرمی نیست و در حدیث دیگر فرمود که هر که طپانچه
بر روی مؤمنی بزند حق تعالی در قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد و دست در کردن غل کرده
محشور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که دشنام دادن
مؤمن کناه بزرگ است و با او جنگ کردن کفر است و غیبت او کردن نافرمانی خداست
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که بترساند مؤمنی را بصاحب حکمی که
آزاری باو برساند و ترساند او در آتش است و اگر نترساند و آزار باو نرساند با فرعون و آل فرعون
باشد در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص منقولست که هر که بکشد کسی را که قصد
کشتن او نکند و بزند کسی را که قصد زدن او نکند ملعون است بلعنت خدا و در حدیث دیگر
فرمود که بحق خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و زمین با هم جمع
شوند بر کشتن مؤمنی یا راضی شوند بکشته شدن او همه را حق تعالی داخل جهنم کند و بحق پروردگاری
که جانم بدست قدرت اوست که هیچ کس کسی را بناحق تازیانه نمیزند مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه را
میخورد و فرمود که هر که نظر کند بمؤمنی که او را بآن نظر کردن بترساند خدا تعالی او را بترساند
در روزی که بجز او پناه نباشد و او را بصورت مورچه محشور کردانند و از حضرت امام محمد باقر ع منقول
است که لعنتی که از دهان شخصی بیرون می آید میکردد اگر صاحبش را می یابد آنجا قرار میکیرد و اگر نه
بکوینده اش بر میکردد و در حدیث دیگر فرمود که هر که طعنی بکند بر روی مؤمنی بمیرد به بدترین
مردنها و سزاوار است که عاقبتش بخیر نباشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض
کرد که چه میفرمایید در مسلمانی که مسلمان دیگر بدیدن او میاید و او در خانه باشد پس رخصت طلبید داد

رخصت

رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود که هر مسلمانی که بدیدن مسلمانی بیاید یا پی کاری
و او در خانه باشد و رخصت ندهد او را و بیرون نیاید پیوسته در لعنت خدا باشد تا یکدیگر ملاقات
کنند و از حضرت صادق ع منقولست که هر مؤمنی که میان او و مؤمنی حجابی باشد که بآن نتواند رسید
حق تعالی در روز قیامت میان او و بهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری
هفتاد هزار ساله راه باشد و از حصاری تا حصار دیگر هفتاد ساله راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت
امام رضا ع منقولست که در زمان بنی اسرائیل چهار نفر مؤمن بودند پس سه نفر ایشان در خانه مجتمع بودند
برای کفتکوی چند و چهارم آمده بدر آنخانه و در زد غلام بیرون آمد پرسید که مولای تو کجاست کفت
در خانه نیست آنشخص برکشت و غلام رفت بمولای خود کفت فلان مؤمن آمد و من باو کفتم
چنین و برکشت او ساکت شد و پروایی نکرد و غلام را ملامت نکرد که چرا چنین کفتی و از بر
کشتن آنمرد آزرده نشدند هیچیک از ایشان و مشغول سخن خود شدند روز دیگر باز آنمرد نزد ایشان آمد
دید که از خانه بیرون شده اند و بمزرعه خود میروند کفت من با شما بیایم کفتند بلی و عذر روز کذشته را
از او نخواستند زیرا که آنمرد پریشان و محتاج بود در اثنای راه ناکاه ابری ظاهر شد کمان کردند که
باران خواهد شد رفتند چون محاذی سر ایشان شد منادی ندا کرد که ای آتش ایشان را بکیر
و منم جبرئیل رسول از جانب خدا پس ناکاه آتش آمد و آن سه نفر را ربود و آنمرد محتاج ترسان و حیران
و متعجب ماند پس بشهر برکشت و بخدمت حضرت یوشع آمد و این خبر را نقل کرد حضرت ع بر ایشان
غضب کرد بعد از آنکه ایشان راضی بودند بسبب آنچه نسبت باو بعمل آوردند و القصه را برای او
نقل فرمود آنمرد کفت که من ایشان را حلال کردم و در کذشتم از کرده ایشان یوشع کفت که اگر پیش از آمدن
عذاب بود نفع میکرد اما الحال نفع نمیکند و شاید در قیامت ایشان را نفع دهد حلال کردن و در
حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر مؤمنی که یاری نکند برادر مؤمن خود را و قادر
بر یاری کردن باشد خدا او را در دنیا و آخرت یاری نکند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حاضر

فرمود که خدا

نشود احدی از شما در وقتی که حاکم ظالمی کسی را زند یا کشد یا ستم بر او کند هر گاه یاری او نکند زیرا که یاری
مؤمن بر مؤمن واجبست هر گاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که شخصی
از نیکان را در قبر نشاندند پس باو گفتند که ما صد تازیانه از عذاب الهی بر تو میزنیم گفت طاقت ندارم گفت
چاره نیست از یکی پرسید که بچه سبب این تازیانه را بر من میزنید گفتند باین سبب که روزی بی وضو نماز کردی
و بر ضعیفی گذشتی که او را ظلم میشد و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب خدا بر او زدند که قبرش پر از آتش شد
و در حدیث دیگر فرمود که چهار کسند که حق تع در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان می افکند شخصی که کسی چیزی
خریده باشد پس دهد و او قبول کند و کسیکه بفریاد مضطربی برسد و کسی که بنده آزاد کند و کسیکه عزبی را
کدخدا کند و از حضرت رسول ص منقولست کسیکه بفریاد برادر مؤمن خود برسد که او را از ورطه یا غمی یا
اندوهی بیرون برد حق تع برای او ده حسنه بنویسد و ده درجه بلند کند و ثواب ده بنده آزاد کردن باو کرامت
فرماید و ده عذاب را از او بردارد و ده شفاعت را از او در قیامت قبول کند و از حضرت امام حسن عسکری ع
منقولست که هر که ببیند بیچاره در راهی چهارپای او افتاده و کسی بفریادش نمیرسد پس بفریاد او برسد
و او را بر چهارپای خود سوار کند و بارش را بردارد حق تع باو خطاب فرماید که خود را بمشقت انداختی و
نهایت سعی کردی در فریادرسی برادر مؤمن خود بر تو موکل میسازم ملکی چند که عددشان زیاده باشد
از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یکرا آنقدر قوت باشد که آسمان باشد برداشتن آسمانها
و زمینها تا بنا کنند برای تو در شهرهای بهشت خانها و بلند کنند برای تو درجها و چون در بهشت
در آیی از پادشاهان بهشت باشی و کسیکه دفع کند از مظلومی ضرر ظالمی را که خواهد ضرر ببدن او یا مال
او برساند حق تع خلق کند بعدد حرفی از گفتهای او و بعدد هر حرکتی از حرکات او و در رنگی از رنگهای او
صد هزار ملک را که دفع کنند از او شیطانی را که قصد کنند او را گمراه کنند و بازای هر ضربی قلیلی که
از او دفع کند صد هزار از خدمتکاران بهشت و صد هزار از حوریان باو عطا فرماید که او را خدمت کنند
و گرامی دارند و گویند که این ها همه در برابر آن دفع کردن ضرر است از بدن و مال برادر مؤمن و از حضرت

رسول ص منقولست که هر که حرمت مرد پیری را بشناسد پس او را تعظیم کند برای سنش خدا او را
ایمن گرداند از ترس روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مؤمن ریش سفید و فرمود
که از ما نیست کسیکه خردان ما را رحم نکند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که کفایت
کند برای کوری حاجتی از حاجتهای دنیا را و برای او در آن حاجت راه رود و سعی کند تا خدا او را برآورد
حق تع بیزاری دهد از نفاق و از آتش جهنم و هفتاد حاجت از حاجت دنیای او را برآورد و پیوسته
در رحمت الهی باشد تا برگردد و از حضرت صادق ع منقولست که شخصی کری چیزی شنوانیدن بی آنکه
دلتنگ شوی تصدقیست آسان و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که هر که قایدی کوری شود چهل گام بر زمین هموار وفا نمیکند بقدر هر سوزنی از آن اگر پر کند تمام
زمین را از طلا و نقره و اگر بر سر راهش مهلکه باشد و او را از آنجا نجات دهد و بگذراند از در ترازوی حسناتش
گشاده تر از دنیا بیاید صد هزار مرتبه و بر همه گناهانش زیادتی کند و همه را محو کند و او را با علا غرفهای
بهشت برساند و از حضرت رسول ص منقولست که بسیار نظر مکنید بسوی اصحاب بلا و آنها که
خوره دارند اندوهناک میشوند و در حدیث دیگر فرمود که از کسیکه خوره دارد بگریزید چنانچه از شیر میگریزید
و با او سخن مگویید مگر آنکه بقدر یک ذراع از او دور باشید و از حضرت صادق ع منقولست که چون ایشان را
ببینید از خدا عافیت بطلبید و از مرض ایشان غافل مشوید که مبادا بشما سرایت کند و از حضرت رسول ص منقولست
که پنج کسند که بهمه حال از ایشان اجتناب می باید کرد کسیکه خوره داشته باشد و پیس و دیوانه و ولد الزنا و عرب
بادیه نشین و در حدیث دیگر فرمود که نظر کنید باهل بلا و نزد ایشان مروید و چون بایشان بگذرید بشتابید بگذرید
که بشما نرسد آنچه بایشان رسیده است و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون شخصی را
ببینی که ببلایی مبتلاست بگو الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک و علی کثیر ممن خلق
و آهسته بگو که او نشنود و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه آهسته
بگو که او نشنود الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و لو شاء فعل که هر که چنین کند هرگز آن بلا باو نرسد و در
حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که مبتلایی باو برسد و این دعا بخواند هرگز آن بلا

مبتلا نشود الحمد لله عدل عنی ما ابتلاک به و فضلنی علیک بالعافیة اللهم عافنی مما ابتلیته
به و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخواند اللهم انی لا اسخر و لا افخر و لکن احمدک علی عظیم نعمائک علی
و از حضرت رسول ص منقولست که چون اصحاب بلا را ببینید و حمد خدا بکنید و بایشان مشنوانید که باعث
اندوه ایشان میشود   در رعایت حقوق مؤمنان در غیبت ایشان و در حدیث معتبر منقولست
که شخصی بحضرت امام زین العابدین ع عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع میداند حضرت فرمود که حق
همنشینی او را رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی و حق مرا رعایت نکردی که چیزی که من نمیدانستم
از او بمن رسانیدی همه را مرگ در پیش است و محشور خواهیم شد و وعده گاه همه قیامت است و خدا
میان ما حکم خواهد کرد زینهار غیبت مکن که نان خورش سگان جهنم است و در حدیث معتبر از
حضرت رسول صلعم منقولست که هر که ایمان بخدا و رسول ندارد بنشیند در مجلسی که با امامی دشنام دهند یا
غیبت مسلمانی کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند مسلمانی را ثواب روزه و وضویش برطرف
میشود و در روز قیامت از او بوی آید گنده تر از بوی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بمیرد
حلال کرده باشد چیزی را که خدا الحرام کرده باشد و هر که احسان کند با برادر مؤمن در مجلسی که غیبت او کنند حق تع
هزار نوع از بلا را در دنیا و آخرت از او دور کند و اگر رد نکند و قدرت بر رد غیبت او داشته باشد
مثل گناه از غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که را
بدیده خود نه بینی که گناهی کرده است و دو گواه عادل بر او گواهی ندهد که گناهی کرده است او از اهل
عدالت است و گواهیش مقبولست هر چند فی نفسه گناه کار باشد و هر که غیبت کند او را بگناهی که در او باشد
او از دوستی و یاری خدا بیرون است و در [illegible] شیطان داخل است بدرستی که خبر داد مرا پدرانم از رسول
خدا ص که هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او باشد خدا در میان ایشان در بهشت اجتماع نکند ابدا و
هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت کننده در
جهنم باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که برادر مؤمن خود را بگوید آنچه چشمش دیده و گوشش شنیده باشد
از آنها خواهد بود که حق تع میفرماید بدرستیکه آنانکه میخواهند که شایع شود گناهان بد در مؤمنان ایشان را

است

است عذابی دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر فرمود که غیبت آنست که در برادر خود عیبی
و گناهی را بگویی که خدا بر او پوشانیده است و بهتان آنست که چیزی بگویی که در او نباشد و در حدیث دیگر
فرمود که هر که غیبت کند برادر مؤمن خود را بی آنکه دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک شده خواهد بود
و در حدیث دیگر فرمود که سه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز بر او لازم میشود کسیکه چون سخن گوید دروغ
نگوید و چون با مردم خلطه کند با ایشان ظلم نکند و چون وعده کند بوعده خود وفا کند واجب است که عدالت
او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد و غیبت او بر ایشان حرام باشد
و اخوت او بر ایشان واجب باشد و از حضرت رسول ص منقولست که غیبت بدتر است از زنا
کار هرگاه توبه کند توبه اش قبول میشود و غیبت کننده توبه اش مقبول نیست تا آن شخص او را حلال کند
و از حضرت صادق ع منقولست که برادران خود را یاد کنید هر گاه غایب باشند از شما به بهتر از آنچه دوست
میدارید که شما را غایبانه یاد کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمت نیست و
غیبت او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چند کسند که ایشان را حرمت نیست کسیکه صاحب بدعت
باشد و امام و پیشوای ظلم کننده و فاسقی که علانیه ظلم کند و از حضرت رسول ص منقولست که هر که رد کند حرف بدی را که
در عرض برادر مؤمنش گویند برای او بنویسند بهشت را البته و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع مرویست
که هر که نزد او غیبت کنند برادر مؤمنش را پس او را نصرت و یاری کند خدا او را نصرت و یاری کند در دنیا و
آخرت و اگر قادر باشد که دفع آن غیبت از او بکند و یاری او در آن باب نکند خدا او را پست کند در
دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که هر که حاضر باشد در مجلسی که در آن مجلس کسی در عرض
برادر مؤمن او افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار [illegible] کند بر آن ظالم و عرض برادر مؤمن خود را نگاه دارد
حق تع برانگیزد ملائکه را که جمع میشوند نزد بیت المعمور برای حج و اینها نصف ملایکه آسمانهاست که ایشان همه او را نزد
خدا مدح و ستایش کنند و از برای او از خدا النعمت و منزلت و بلندی مرتبه او سوال کنند پس حق تع فرماید که
من واجب گردانیدم بعدد هر یک از شما که مدح او میکنید مثل عدد جمیع شما از درجات بهشت و قصرها
و باغها و بستانها و درختان از آنچه خواهم که عقل مخلوقی بان احاطه نکرده باشد و از حضرت صادق ع منقول

مبتلا نشود الحمد لله عدل عنی ما ابتلاک به و فضلنی علیک بالعافیة اللهم عافنی مما ابتلیته
به و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخواند اللهم انی لا اسخر و لا افخر و لکن احمدک علی عظیم نعمائک علی
و از حضرت رسول صلعم منقولست که چون اصحاب بلا را ببینید و حمد خدا بکنید و بایشان مشنوانید که باعث
اندوه ایشان میشود   در رعایت حقوق مؤمنان در غیبت ایشان و در حدیث معتبر منقولست
که شخصی بحضرت امام زین العابدین ع عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مبتدع میداند حضرت فرمود که حق
همنشینی او را رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی و حق مرا رعایت نکردی که چیزی که من نمیدانستم
از او بمن رسانیدی همه را مرگ در پیش است و محشور خواهیم شد و وعده گاه همه قیامت است و خدا
میان ما حکم خواهد کرد زینهار غیبت مکن که نان خورش سگان جهنم است و در حدیث معتبر از
حضرت رسول صلعم منقولست که هر که ایمان بخدا و رسول ندارد بنشیند در مجلسی که با امامی دشنام دهند یا
غیبت مسلمانی کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند مسلمانی را ثواب روزه و وضویش بر طرف
میشود و در روز قیامت از او بوی آید گنده تر از بوی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بمیرد
حلال کرده باشد چیزی را که خدا الحرام کرده باشد و هر که احسان کند با برادر مؤمن در مجلسی که غیبت او کنند حق تعم
هزار نوع از بلا را در دنیا و آخرت از او دور کند و اگر رد نکند و قدرت بر رد غیبت او داشته باشد
مثل گناه از غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که را
بدیده خود نه بینی که گناهی کرده است و دو گواه عادل بر او گواهی ندهد که گناهی کرده است او از اهل
عدالت است و گواهیش مقبولست هر چند گناه کار باشد و هر که غیبت کند او را بگناهی که در او باشد
او از دوستی و یاری خدا بیرون است و در [illegible] شیطان داخل است بدرستی که حضرت امام از رسول
خدا صلعم که هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او باشد خدا در میان ایشان در بهشت اجتماع نکند از دو
هر که غیبت کند مومنی را بچیزی که در او نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت کننده در
جهنم باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که برادر مؤمن خود را بگوید آنچه چشمش دیده و گوشش شنیده باشد
از آنها خواهد بود که حق تعم میفرماید بدرستیکه آنانکه میخواهند که شایع شود گناهان بد در مؤمنان ایشان را

است

است عذابی دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر فرمود که غیبت آنست که در برادر خود عیبی
و گناهی را بگویی که خدا بر او پوشا[نیده] ... [حدی]ث دیگر
فرمود که هر که غیبت کند براد[ر] ... [ب]ره خواهد بود
و در حدیث دیگر فرمود که ... [گو]ید دروغ
نگوید و چون با مردم خل[ط] ... که عدالت
او در میان مردم ظاهر ... [ح]رام باشد
و اخوت او بر ایشان ... از زنا
کار هر کار توبه کند توبه او ... [ز]لال کند
و از حضرت صادق ع ... تر از بحر
میدارید که شما را غایبانه یاد ک[نند] ... [ت]ست و
غیبت او حرام نیست و از ... [ص]احب بدعت
باشد و امام و پیشوای ظلم کن[د] ... [طر]ف بدبر اکه
در عرض برادر مومنش گو[ید] ... [ا]مام باقر ع مرویست
که هر که نزد او غیبت کنند ... [ک]ند در دنیا و
آخرت و اگر قادر باشد که دفع ... و او را اعانت کند در
دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که هر که حاضر باشد در مجلسی که در آن مجلس کسی در عرض
برادر مومن او افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار [illegible] کند بر آن ظالم و عرض برادر مومن خود در انگاهدارد
حق تع برانگیزد ملائکه را که جمع میشوند نزد بیت المعمور برای حج و آنها نصف ملایکه آسمانهاست که ایشان همه او را نزد
خدا مدح و ستایش کنند و از برای او از خدا النعمت و منزلت و بلندی مرتبه او سوال کنند پس حق تعم فرماید که
من واجب گردانیدم بعدد هر یک از شما که مدح او میکنید مثل عدد جمیع شما از درجات بهشت و قصرها
و باغها و بستانها و درختان از آنچه خواهم که عقل مخلوقی بآن احاطه نکرده باشد و از حضرت صادق ع منقول

پس عروس ناکام داری حسرت   شمشیر الم بال شکستگان و
کن ایام رو با هل بیت امام کرد گفتند   بار ستم چنین روایت کرده اند
که چون در صحرای کربلا جاه   ند
عباس صدای العطش نشنو   سلام عون آل العباست خون نبایند
اکان سراپرده عصمت و طهارت   عروسی من کف درها است خون می نگارند
را شنید و بی باوری برادر   از این خضاب کرد من لبنام نکارند
خود را دیوانه کرد این بیلکو   از این عروسی من کلکه کند
رواق طاقتش طاق کرد بدبا   بجلد که عروسی من زر کند
باری بوستان تشنگان [illegible]   تا حدیث بکر بدارا مغفور گشتند
گر لیت نبی العلماء لشکر   در این قصر کرد ما مفتوح گرد باغ
ابتلا بخدمت برادر آمد و علم   در آن وقت صدای افغان و عویل
را بر بالای سر سر کرده سیاه   مجلس ماتم بفلک میرسید
اندوه نصب کرده عرض کرد کر   إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
ای نهال گلشن مصطفی وای
نخل سرو مسند ریاض مرتضی   [illegible] نالیدن و آه
وای لاله بوستان فاطمه زهرا   علمداران سیاه نالیدن سیاه
وای بزمرده سموم و اهم چینی   و لوا کشان شاه اشک سیاه
که چنین ترا غرق محیط بلا بینند
سقایان دیده اشکبار نشنو   و نگرید و حالی که تر ابدین حال
کان از جفای دهر کار دیده شاه   ملاحظه نماید و تاب آورد
[illegible]   سقایان دیده اشکبار

مبتلا نشود الحمد لله عدل عنی ما ابتلاك به و فضلنی علیك بالعافیة اللهم عافنی مما ابتلیته
به و در روایت دیکر فرمود که این دعا بخواند اللهم لك لا اسخر و لا افخر و لکن الحمد لك علی عظیم نعمائك علی
و از حضرت رس [illegible] شنوانید که باعث
اندوه ایشان مید [illegible] ت معتبر منقول است
که شخصی بحضرت [illegible] ت فرمود که خلق
همنشینی او را عا [illegible] من نمیدانستم
از او بمن رسانید [illegible] ت است و خدا
میان ما حکم خوا [illegible] دیث معتبر از
حضرت رسول ص [illegible] شنام دهد یا
غیبت مسلمانی ک [illegible] ه و وضویش بر طرف
میشود و در روز قیا [illegible] کر ملکش از توبه بمیرد
حلال کرده باشد ج [illegible] ا او کند حق تعم
هزار نوع از بلا را [illegible] ود داشته باشد
مثل کناه از غیبت [illegible] قولست که هر که را
بدیده خود ببینی که [illegible] رده است او از اهل
عدالت است و کواهیش مسموع است [illegible] ور او کناهی که در او باشد
او از دوستی و یاری خدا بیرون است و در دوستی [illegible] شیطان داخل است بدرستی که حرام کرد [illegible] از رسول
خدا ص که هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او باشد خدا در میان ایشان در بهشت اجتماع نکند و
هر که غیبت کند مؤمنی را بچیزی که در او نباشد عصمت میان ایشان بریده شود و غیبت کننده در
جهنم باشد و در حدیث معتبر دیکر فرمود که هر که برادر مؤمن خود را بکوید آنچه چشمش دیده و کوشش شنیده باشد
از آنها خواهد بود که حق تعم میفرماید بدرستیکه آنانکه میخواهند که شایع شود کناهان بد در مؤمنان ایشان را

است

عباس

از وادی [illegible] دور باد برادر برادر از برای کام روز است
و جان نثاری از برای چه وقت توقع عباس از خدمت شما اینست
که مرا بعز شهادت اجازه دهی و تفریر باری و سرفراز فرمائی
که طاقت افغان تشنکان طاقت دیدن دیدها کریان [illegible]
کنی یاده از این مرا بر تنك زندکانی کرفتار مکن وقت انست
که مژده کلام پدرم علی مرتضی بعمل آید ای برادر بیاد دار
کرد در جنک صفین من از تشنکی بخدمت پدرم عرض کردم
که هلاک میشوم پدرم فرمود که هلاکت تو از تشنکی در این
دشت نیست پس دعا بتو کرد و فرمود در صحرای کربلا در
رکاب همین برادر شهید خواهی شد و ما همه در آن روز
تشنه بودیم تا پدرم شما را سیراب نمود رفتی که آب از آنجا
معو بر کرفتی و ما همه سیراب شدیم ای برادر چنین میدانم
که امروز روز وعده است که پدرم فرمود
عمری بود ابستوده شاه نجف جان نمی نثار دادم برکف
وقت است که قربان جنابت کردم وقت است شهید در رکابت کردم
چون جناب امام حسین ع سخنان عباس را شنید بکریه در آمد
و فرمود ای برادر این چه سخن دلسوز است که میکوئی [illegible]
برادرت بهمین و خبر کوفیان را ملاحظه کن و بر بیکسی
اهل بیت نکر ای برادر علمدار سپاه بیکسان تو نور و سواد
لشکر لب تشنکان از نور باست چون تو رفتی من در

است عذابی دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث دیکر فرمود که غیبت آنست که در برادر خود عیبی
و کناهی را بکوئی که خدا بر او پوشانیده است و بهتان آنست که چیزی بکوئی که در او نباشد و در حدیث دیکر
فرمود که هر که غیبت کند برادر مؤمن خود را بی آنکه دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک شده خواهد بود
و در حدیث دیکر فرمود که سه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز بر او لازم میشود کسیکه چون سخن کوید دروغ
نکوید و چون با مردم خلطه کند با ایشان ظلم نکند و چون وعده کند بوعده خود وفا کند واجب است که عدالت
او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد و غیبت او بر ایشان حرام باشد
و اخوت او بر ایشان واجب باشد و از حضرت رسول ص منقولست که غیبت بدتر است از زنا
کار هر کار توبه کند توبه اش قبول میشود و غیبت کننده توبه اش مقبول نیست تا آن شخص او را حلال کند
و از حضرت صادق ع منقولست که برادران خود را یاد کنید هر گاه غایب باشند از شما به بهتر از آنچه دوست
میدارید که شما را غایبانه یاد کنند و در حدیث دیکر فرمود که چون فاسق علانیه کناه کند و پروا نکند او را حرمت نیست و
غیبت او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چند کسند که ایشان را حرمت نیست کسیکه صاحب بدعت
باشد و امام و پیشوای ظلم کننده و فاسقی که علانیه ظلم کند و از حضرت رسول ص منقولست که هر که رد کند حرف بدی را که
در عرض برادر مومنش کویند برای او بنویسند بهشت را البته و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع مرویست
که هر که نزد او غیبت کنند برادر مومنش را پس او را نصرت و یاری کند خدا او را نصرت و یاری کند در دنیا و
آخرت و اکر قادر باشد که دفع آن غیبت از او بکند و یاری او در آن باب نکند خدا او را پست کند در
دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که هر که حاضر باشد در مجلسی که در آن مجلس کسی در عرض
برادر مومن او افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبا [illegible] ند بر آن ظالم و عرض برادر مومن خود را نکاه دارد
حق تعم برانکیزد ملائکه را که جمع میشوند نزد بیت المعمور برای حج و آنها نصف ملایکه آسمانهااست که ایشان همه او را نزد
خدا مدح و ستایش کنند و از برای او از خدا العزت و منزلت و بلندی مرتبه او سوال کنند پس حق تعم فرماید که
من واجب کردانیدم بعدد هر یک از شما که مدح او میکنید مثل عدد جمیع شما از درجات بهشت و قصرها
و باغها و بستانها و درختان از آنچه خواهم که عقل مخلوقی بآن احاطه نکرده باشد و از حضرت صادق ع منقول

است که هر که نقلی بکند در مذمت مؤمنی برای آنکه عیب او را ظاهر کند و مردی او را در هم شکند و او را از دیدهای
مردم بیندازد خدا او را از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و در احادیث معتبره منقولست
که هر که دو رو و دو زبان داشته باشد و در حضور مردم مدح ایشان کند و در غایبانه غیبت ایشانرا بگوید چون در قیامت
محشور شود دو زبان از آتش داشته باشد یکی در پیش و یکی در پشت سر و در محشر ندا کنند که این بود که در دنیا دو رو و دو زبان
داشته و در روایت دیگر منقولست که محمد ابن فضل بحضرت امام موسی ع عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من
چیزی از او بمن میرسد که خوشم نمی آید پس از او سؤال میکنم او انکار میکند و حال آنکه جمعی از مردم ثقه این خبر را بمن نقل
کرده اند حضرت فرمود که چشم و گوش خود را تکذیب کن در حق برادر مؤمن خود و اگر پنجاه کس شهادت دهند
و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها گوید سخن او را تصدیق کن و آنها را تکذیب کن و بر او چیزی را فاش مکن که موجب
نقص و عیب او باشد و از حضرت رسول ص منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی چنانست که آن گناه را
خود کرده است و هر که مؤمنی را بچیزی سرزنش کند از دنیا نرود تا آن را خود بکند و از حضرت علی ابن الحسین ع
منقولست که هر که خود را از بدگویی در عرض مسلمانان نگاهدارد خدا گناهانش را در قیامت بیامرزد و در حدیث
صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که بهتانی بگوید برای مرد مؤمنی یا زن مؤمنه بچیزی که در او نباشد خدا او را
در میان چرک فروج زناکاران که در دیگهای جهنم جوشد نگهدارد تا آنکه از عهده گفته خود بدر آید و از حضرت امام موسی ع
منقولست که هر که از برای کسی چیزی بگوید که مردم آن را بدانند آن غیبت نیست و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن در بلائی که بر برادر مؤمن تو نازل شود که خدا او را رحم میکند و از او دفع میکند
و بر تو میفرستد آن بلا را و فرمود که هر که شماتت کند بمصیبت برادر مؤمن خود از دنیا بیرون نرود تا بآن بلا مبتلا شود
و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آنست که کسی با مؤمنی برادری کند و لغزشها و گناهانش را بخاطر
نگاهدارد که روزی او را سرزنش کند بآنها و از حضرت رسول ص منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان مسلمان شده اید
و ایمان بدل شما نرسیده است مذمت مسلمانان مکنید و تفحص عیبهای ایشان مکنید که هر که تفحص عیبهای مردم کند
خدا او را رسوا کند اگرچه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و حضرت صادق ع فرمود که هر که سرزنش مؤمنی کند خدا
او را در دنیا و آخرت سرزنش کند و از حضرت رسول ص منقولست که بدترین دروغها گمان بد بمردم بردن است

وازحضرت

حضرت صادق ع منقولست که هر که متهم سازد برادر مؤمنش را ایمان در دلش گداخته شود و از حضرت رسول ص منقولست که فرمود
میخواهید خبر دهم شما را ببدترین شما گفتند بلی یا رسول الله فرمود که آنها که در میان مردم بسخن چینی راه روند و در میان دوستان
جدائی اندازند و از برای بیعیبان عیب جویند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که بهشت حرام است بر سخن چینان و از
حضرت صادق ع منقولست که دو شخص با آزردگی از هم جدا نمیشوند مگر آنکه یکی مستحق بیزاری و لعنت الهی میشود و بسیار
باشد که هر دو مستحق شوند شخصی گفت که اگر یکی مظلوم باشد چگونه مستحق لعنت شود فرمود از برای آنکه چرا نمی آید بنزد فلانی دیگری
که او را بدارد بصله و احسان و از بد او درگذرد و از حضرت رسول ص منقولست که آزردگی و جدائی بیشتر از سه روز نمیباشد و از
حضرت صادق ع منقولست که پیوسته شیطان در فرح و شادیست تا دو مسلمان از یکدیگر آزرده اند و دوری میکنند و چون با هم ملاقات کنند
زانوهایش برهم میخورد و بندهایش از هم جدا میشود و فریاد میکند که وای ویلاه چه بلا بود که بر سر من آمد و از حضرت رسول ص منقولست که
هر دو مسلمان که از هم جدائی کنند و سه روز بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان دوستی ایمانی برطرف میشود
پس هر یک که زودتر با دیگری سخن بگوید روز قیامت زودتر ببهشت خواهد رفت   در آداب
معاشرت ظالمان و قلیلی از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت موسی ابن جعفر ع منقولست که بشیعیان خود فرمود
که ای گروه شیعه گردن های خود را ذلیل مکنید بترک اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خدا طلبید که او را
باقی بدارد و اگر ظالم و ستمکار باشد از خدا طلبید که او را باصلاح آورد که صلاح شما در صلاح پادشاه شماست و پادشاه
عادل بمنزله پدر مهربانست از برای او بخواهید آنچه از برای خود دیگران میخواهید و از برای او مخواهید آنچه از برای خود
نمیخواهید و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که خدا یاری کند کسی را که یاری کند پادشاه خود را بر نیکی
کردن با او و از حضرت صادق ع منقولست که هر که متعرض پادشاه ظالمی شود و از او آزاری بیابد خدا او را بر آن آزار ثواب
ندهد و صبر او را روزی نکند و از حضرت رسول ص منقولست که هر که مدح کند پادشاه ظالمی را و نزد او شکستگی و تذلل کند
برای طمع دنیا قرین او باشد در جهنم زیرا که حق تع میفرماید و لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار یعنی میل مکنید بسوی
آنها که ظلم میکنند پس مس میکند شما را آتش و فرمود که هر که راه نمائی کند ظالمی را در ظلم در جهنم با هامان وزیر فرعون باشد
و هر که از جانب ظالمی خصومت کند یا یاوری او نماید در آن خصومت چون ملک موت بنزد او آید گوید بشارت
باد ترا بلعنت خدا و آتش جهنم و هر که تازیانه در دست گرفته نزد پادشاه یا حاکم جابری بایستد حق تع آن تازیانه را

در قیامت اژدهای کرداند از اتش که درازی ان هفتاد ذراع باشد و مسلط کرداند آن را براو در جهنم و نهی فرمود از حاضر شدن بر سفره فاسقان و حضرت امیر المؤمنین ع در وقت فوت وصیت فرمود بحضرت امام حسن ع
که دوست دار صالحان را برای صلاح ایشان و مدارا کن بظاهر با فاسقان و در دل دشمن ایشان باش و از حضرت
صادق ع منقولست که هر که دوست دارد بقای ظالمان را دوست داشته است که خدا را معصیت کند
و با خدا دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر فرمود که حضرت عیسی ع با بنی اسرائیل میگفت
که یاری مکنید ظالم را بر ظلمش که فضل شما باطل میشود و از حضرت رسول صلعم منقولست که چهار چیز
است که دل را فاسد میکند و نفاق را در دل میرویاند چنانچه درخت را میرویاند شنیدن
سازها و خوانندگیها و فحش گفتن و بدر خانه پادشاه رفتن و از پی شکار رفتن
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نگاهدارید و حفظ کنید دین خود را بپرهیزکاری
از محرمات و قوت دهید دین خود را بتقیه کردن از مخالفان و مستغنی شدن
بخدا از طلب کردن حوایج از پادشاهان و بدانید که هر مؤمنی که شکستگی کند نزد
صاحب سلطنتی یا کسی که مخالف او باشد در دینش از برای طلب ان دنیایی که در
دست اوست خدا او را گمنام کند و دشمن دارد او را و او را بخود واگذارد اگر چیزی از
دنیای او بدستش بیاید خدا برکت را از ان بردارد و او را ثواب ندهد اگر خرج کند
در حج و عمره یا بنده ازاد کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست
که چون روز قیامت شود منادی از جانب حق تعالی ندا کند که کجایند ظالمان و مدد
کاران و انانکه دوات ایشانرا لیقه گذاشته اند یا سر کیسه برای ایشان بسته
اند یا مد قلمی بایشان داده اند انها را هم با ظالمان محشور کنید و در حدیث معتبر
دیگر فرمود که هیچ بنده بپادشاهی نزدیک نمیشود مگر انکه از خدا دورمی شود و
هیچ بنده بسیار مالش زیاده نمیشود مگر انکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ
بنده اتباعش بسیار نمیشود مگر انکه شیاطین او بیشتر میشوند و فرمود که زینهار

احتراز وفرمود

وفرمود که زنهار که بپرهیزید از اینکه در خانه پادشاهان و انها که پادشاهان میباشند که نزدیکترین
شما با انها دورترین شمایند از خدا و هر که پادشاه را بر خدا اختیار کند خدا پرهیزکاری را از او
بردارد و او را حیران گرداند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که معذور دارد
ظالمی را در ظلم او خدا مسلط گرداند بر او کسی را که ظلم کند بر او پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و خدا
او را بر ان ستم که میکشد ثواب ندهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالمی را بر مظلومی
همیشه حق تعالی را خشمناک باشد تا دست از ان یاری بردارد و در حدیث دیگر فرمود که در زمان
حضرت موسی علیه السلام پادشاه ظالمی بود که حاجت مومنی را بشفاعت بنده صالحی برآورد پس
آن پادشاه و آن مرد صالح هر دو در یک روز مردند و مردم بر جنازه آن پادشاه جمع شدند
و درهای بازار را بستند برای مردن او تا سه روز آن مرد صالح در خانه خود ماند تا کرمهای زمین رویش را
خوردند پس حضرت موسی علیه السلام بعد از سه روز مرده آن مرد صالح را با آن حال مشاهده فرمود
گفت پروردگارا او را بان عزاز و اکرام برداشتند و این دوست تو با این حال ماند حق تعالی
وحی فرستاد که یا موسی این دوست از ان جبار حاجتی سوال کرد و او برآورد و او را مکافات دادم
برای برآوردن حاجت این مومن و کرمهای زمین را بر روی این مومن مسلط کردم برای آن سوال
که از ان جبار کرد و در حدیث دیگر منقولست که سلیمان جعفری بحضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد
که چه میفرمایید در کارهایی که مردم متکفل میشوند از جانب پادشاهان حضرت فرمود که داخل شدن در
اعمال ایشان و یاری کردن ایشان و سعی در حوایج ایشان معادل کفرست و نظر بسوی
ایشان گناه کبیره است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که برود بنزد توانگری و
نزد او شکستگی کند برای توانگری او ثلث دینش میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که هر که برود بسوی پادشاه ظالمی و او را امر بپرهیزکاری کند و پند و نصیحت
گوید او را مثل ثواب جن و انس بوده باشد و از علی بن ابی حمزه منقولست که گفت من دوستی
داشتم از نویسندگان بنی امیه بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که من در

داشتم از نویسندگان بنی

دیوان بنی امیه کار میکردم و مال بسیاری بهم رسانیده ام حضرت فرمود که اگر نه این بود که مردم برای بنی امیه
کتابت میکنند و غنیمت برای ایشان جمع میکنند و از برای ایشان جنگ میکنند و نزد ایشان حاضر میشوند
هر آینه حق ما را غصب نمیکردند آن شخص گفت آیا مرا چاره هست حضرت فرمود که اگر بگویم خواهی کرد گفت میکنم
فرمود که هر چه کسب کرده در دیوان ایشان آنچه صاحبش میشناسی پس ده و آنچه نمیشناسی تصدق کن اگر
چنین کنی من ضامن بهشت میشوم برای تو آن شخص ساعتی سر در زیر افکند پس گفت چنین میکنم علی بن ابی حمزه گفت
آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام مال خود را داد حتی آن جامههای که پوشیده بود و ما در میان خود مالی جمع
کردیم و جامهها برای او خریدیم و خرجی برای او فرستادیم بعد از چند ماهی بیمار شد چون من بدیدن او رفتم
در حال جان کندن بود پس چشم گشود و گفت حضرت صادق علیه السلام بضامنی خود وفا کرد این گفت
و مرد پس او را دفن کردیم و در سال دیگر بخدمت آنحضرت آمدم چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که وفا
برای رفیق تو وفا بضامنی کردیم و از مفضل بن مزید که نویسنده خلفا بود و شیعه بود منقولست که بخدمت
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که میدانید خدا ما که من نزد این خلفا میکنم حضرت فرمود که آنچه بهم
میرسانی بشیعیان بده حق تعالی میفرماید که حسنات سیئات را می برد و در حدیث دیگر منقولست که صفوان جمّال
آمد بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام حضرت فرمود که همه چیز تو خوبست بغیر از آنکه شترهای خود را بهارون
الرشید رشوه میدهی صفوان گفت که والله که من شتر خود را بکرایه نداده ام برای کار بدی یا
شکاری یا لهوی ولیکن از برای راه مکه باو کرایه داده ام و من خود با او نمیروم و نوکران و غلامان خود را
میفرستم حضرت فرمود که آیا میخواهی که اینقدر زنده باشند که کرایه ترا بدهند گفت بلی گفت هر که زنده ایشان را
خواهد از ایشان است و هر که از ایشان است از اهل جهنم است و در حدیث دیگر منقولست که عبدالغفار بن القاسم
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که چه میفرمایید در باب رفتن بنزد پادشاهان فرمود که نمی بینم
برای تو که بسیار است که بشام میروم و از ابراهیم پسر ولید می برند حضرت فرمود که رفتن نزد پادشاهان
و حکام باعث سه ضرر میشود اول محبت دنیا دوم فراموشی مرگ سیم راضی نبودن بآنچه خدا روزی
کرده است گفت یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله من مرد عیالوارم و بتجارت میروم برای منفعت حضرت تجویز این فرمود

و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که راضی باشد بحکم پادشاه ظالمی و اعانت او کند از دشمنان او
او خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که [illegible] از امت من که صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است
و فساد ایشان فساد تمام امت است فقیهان و پادشاهان و حضرت صادق علیه السلام فرمود که امید نجات دارم برای هر که اعتقاد
بامامت ما داشته باشد برای این امت مگر صاحب ستمهای که ظلم کند بر رعیت خود و کسی که در دین بدعت کند و کسی که علانیه
فسق کند و فرمود که سه کسند که هر که با ایشان منازعه کند ذلیل میشود پدر و پادشاه و قرض خواه و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که موفق تر و کم دولت تر از همه کس پادشاهانند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست
که هر که حکومت مردم اختیار کند و عدالت کند در خانه خود را بگشاید و پرده بر دارد که همه کس راه بار داشته باشند
و باحوال مردم برسد بر خدا لازمست که ترس او را در روز قیامت بایمنی مبدل گرداند و او را داخل بهشت کند و در حدیث
دیگر فرمود که چون حق تعالی خیر رعیتی را خواهد پادشاه مهربانی بر ایشان مسلط گرداند و برای او وزیر عادلی میسر گرداند
بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که من پروردگاری ام که بجز من خداوندی نیست
آفریده ام پادشاهان را و دلهای ایشان در دست منست پس هر گروهی که اطاعت من کنند دلهای پادشاهان را بر ایشان
رحیم میگردانم و هر گروهی که معصیت من کنند دلهای پادشاهان را بر ایشان غضبناک میگردانم پس مشغول مگردانید خود را
بدشنام دادن پادشاهان و توبه کنید بسوی من تا دلهای ایشان را بر شما مهربان گردانم و در حدیث دیگر فرمود
که حق تعالی بهشت را خلق نمود فرمود که بعزت و بزرگواری خود سوگند میخورم که داخل بهشت نمیکنم کسی را که مدام شراب خورد و
سخن چینان را و دیوث را و چوبکیان ظالمان را و کشاینده قبرها را و تمغاچیان را که عشر از مردم میگیرند
و قطع کننده رحم را و کسی را که بجبر قایل باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که [illegible] حاجتی شود در باب ایشان استیلا
یابد حق تعالی او را در کنار جهنم باز دارد بر روزی هزار سال میابد و چون محشور شود دستهایش در گردنش بسته باشد
پس اگر حکم خدا در میان ایشان عمل کرده باشد [illegible] او را بجهنم اندازند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که والی
مسلمانان شود و ایشان را ضایع گذارد و باحوال ایشان نپردازد خدا او را ضایع بگذارد و رحمت خود را از او باز گیرد
و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر والی که مردم را منع سازد از آنکه کارهای خود را باو عرض کنند حق تعالی
در قیامت حاجات او را بر نیاورد و اگر چیزی بر سبیل هدیه بگیرد خیانت است که از غنیمت دزدی کرده است که بدترین

در نوبهات و اگر شوهر بمیرد چنان است که بچه‌ای که آورده باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی
وحی فرمود بسوی پیغمبری از پیغمبران که در مملکت پادشاه جباری بود که برو و بان پادشاه بگو که من ترا پادشاه نکرده‌ام که خون
مردم را بریزی و مالهای ایشان را بگیری برای این ترا پادشاه کرده‌ام که صداهای مظلوم را از من بازگیری بدرستی که من
ترک نمی‌کنم ستمها که بر ایشان شود هرچند کافر باشند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در جهنم
کوهی هست که آنرا صعود میگویند و در آن وادی چاهی هست که آنرا هبهب میگویند هرگاه که پرده آن چاه را بر میدارند
اهل جهنم از گرمی آن بفریاد می‌آیند و آن چاه جای جباران است و در روایت دیگر منقولست از محمد بن اسمعیل بن
بزیع که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خدا را در درخانه پادشاهان جماعتی هست که خدا دین حق را بایشان
عطا فرموده و ایشان را استیلا بشهرها داده است که بسبب ایشان از دوستان خود ضررها و ستمها را دفع کند و کارهای
ایشان باصلاح آورد امور مسلمانان را و مومنان در ظلمها بایشان پناه میبرند و محتاجان و شیعیان ما
بایشان متوسل میشوند بایشان خدا ترس مومنان را بایمنی مبدل میکند و در مملکت ظالمان ایشانند مومنان
بحق و راستی و ایشانند امینان خدا در زمین و نور ایشان روشنی میدهد اهل آسمانها را چنانچه ستارها روشنی
میدهند اهل زمین را و در قیامت نور ایشان عرصه محشر را روشن میکند و ایشان برای بهشت خلق شده‌اند
اگر خواهی که از ایشان باشی شاد گردان مومنان را از شیعیان ما و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی
علیه السلام و حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه برساند بپادشاهی حاجت کسی را که نتواند
حاجت خود را باو رساند حق تعالی در قیامت پاهایش بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر منقولست
که حمیری عرضه نوشت بخدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام که شخصی هست که متصدی امور وقفست و حلال
میداند تصرف در آنها و بغیر روا صرف میکند و من گاهی در خانه او وارد میشوم و اگر طعام او را
نخورم با من عداوت میکند و گاهی هدیه هم برای من میفرستد حضرت در جواب نوشتند که اگر این مرد مالی و معاشی بغیر از وقف
دارد و دست از وقف دارد طعامش را بخور و هدیه‌اش را قبول کن و اگر بغیر آن مال حرام چیزی ندارد طعامش را مخور و هدیه‌اش را
قبول مکن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه دعاست که از درگاه خدا رد نمیشود دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او در فرزند بدکار
و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقام از ظالم برای او بکشد و دعای مومن برای مومنی که از برای خشنودی اهل بیت او را [illegible]

بمال خود اعانت کند

بمال خود اعانت کند و نفرین مومن بر کسی که اعانت او نکند با قدرت و احتیاج مومن باو و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که غضب من سخت و شدید است بر ظالمی که ظلم بر کسی که یاوری
بغیر من نیابد و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی میفرماید که من مستجاب میکنم دعای کسی را که مظلمه از
کسی نزد او باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که ظلم کننده و یاری کننده او بر ظلم و کسی که
راضی باو ظلم باشد هر سه در گناه شریک باشند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ظلمی بر کسی بکند
حق تعالی بر انگیزاند کسی را که مثل آن ظلم را نسبت باو یا فرزندان او یا فرزندان فرزندان او بکند و در حدیث دیگر
فرمود که هر که حق مومنی را حبس کند حق تعالی او را در قیامت پانصد سال بر پا بدارد تا آنکه از عرقش رودخانه‌ها
جاری شود و منادی ندا کند که اینست ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس چهل روز او را سرزنش کنند پس بفرمایند
که او را بجهنم برند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین جهاد آنست که چون کسی صبح کند ظلم کسی در خاطر
نداشته باشد **فصل یازدهم** در آداب معاشرت با کافران و مخالفان در حدیث صحیح از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مومن را که با کافران اهل ذمه شراکت کند یا امانتی بایشان
بدهد که بر آتش چیزی بخرد یا چیزی بایشان بسپارد یا دوستی با ایشان بکند و در حدیث صحیح دیگر
از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که مسلمان نباید که با گبر در یک کاسه چیزی بخورد و با او در یک فرش بنشیند
و با او مصاحبت کند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اگر محتاج شوی بطبیب ترسا باکی نیست و بر او سلام
کنی و او را دعا کنی که دعای تو او را نفعی نمیرساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ابتدا مکنید اهل کتاب را
بسلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم بگوئید در جواب ایشان و با ایشان مصافحه مکنید و ایشان را
بکنیت نام مبرید مگر آنکه بایشان مضطر باشید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام
عرض کرد که من ببلاد کافران میروم و مردم میگویند که اگر در آنجا بمیری با آنها محشور خواهی شد حضرت فرمود
که اگر در آنجا بمیری تنها محشور خواهی شد و نور تو در قیامت در پیش تو خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند
که دعا از برای جهودان و ترسایان چگونه بکنیم فرمود که بگوئید بارک الله لک فی دنیاک یعنی برکت دهد
خدای تعالی برای تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ایشان مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دست

بدست او برسد دست را بشوی و در حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جهودان و ترسایان و گبران
مصافحه کنی دست را بخاک یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهل بیت مصافحه کنی دست را بشوی و مشهور
میان علما آنست که آن دست بدیوار و بخاک مالیدن در صورتیست که دست مسلمانان و ایشان
هیچیک تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر کسی با گبری مصافحه
کند دستش را بشوید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که جهود یا ترسا یا گبر
را ببیند و بگوید الحمد لله الذی فضلنی علیك بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا
و بعلی اماما و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبة قبلة خدا میان او و آن کافر و جهنم جمع نکند و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تقیه سپر ایمانست و ایمان ندارد کسی که تقیه نمیکند و فرمود که نه عشر
دین تقیه است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که تقیه در بلاد مخالفان کردن واجبست و
کسی که از روی تقیه قسم بخورد برای آنکه دفع ضرر از خود بکند بر او گناه و کفاره نیست و از حضرت امام
موسی علیه السلام منقولست که گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که تقیه بیشتر میکند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دین را حفظ کنید و پنهان دارید تقیه کردن از مخالفان بدرستی که شما در میان سنیان
از بابت مگس عسلید در میان پرندگان اگر مرغان بدانند که عسل در شکم اینها هست یکی را زنده نمیگذارند
و اگر سنیان بدانند که محبت ما در سینه شماست هر آینه همه شما را هلاک کنند و حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود که کسی که تقیه را ترک کند چنانست که نماز را ترک کرده بدانکه تقیه در بلاد مخالفان و سنیان واجبست
هرگاه بیم ضرری باشد بآنکه اظهار دین خود نکند بلکه دین ایشانرا اظهار کند و در وقتی که ایشان مطلع باشند
مخفی واقع نتوان ساخت وضو و نماز و سایر عبادات را بطریقه ایشان بعمل آورند و آدمی خود بهتر میداند که در چه
وقت خوف ضرر هست و تقیه لازم است و تقیه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد
لازمست مگر در خون که در آن تقیه نمیباشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و اگر نه میکشیم باید که خود کشته شود و او را نکشد

فصل دوازدهم در بیان حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر شود اول کسی که
باحوال او بپردازد آن شخص خود است که سفر ابدی آخرت در پیش دارد و در خور آن سفر او را توشه میباید پس اول

چیزی که او را ضرور است اقرار بگناه و اعتراف بتقصیر و ندامت از گذشتها و توبه کامل کردنست و تضرع
و زاری بجناب مقدس ایزدی کردن از گناهان گذشته او درگذرد و در احوال و اهوالی که در پیش دارد او را بخود
و دیگران نگذارد پس متوجه وصیت شود و حقوق خدا و خلق آنچه در ذمت او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد که
بعد از مردن اختیار از دستش بر رود و بحسرت در اموال خود نگرد و شیطان جن و انس وسوسها کنند و اوصیا
و وارثان او را مانع شوند که ذمه او را بری سازند و او را چاره نباشد و گوید که برگردانید مرا که آنچه از اعمال شایسته
خواهم بکنم در مال خود و از او نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس بقدر ثلث مال خود از برای خیرات
و تصدقات و خیرات و آنچه مناسب حال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث را اختیار ندارد و پس ابراء
ذمه از برادران مومن خود بطلبد و هر کرا غیبت کرده باشد یا اهانتی یا آزاری باو رسانیده باشد اگر حاضر باشند
از ایشان والا التماس کند که برای او ابراء ذمه بخواهند پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بجناب الهی
بامینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را مهیا کند و از شهادتین و عقاید حق و ادعیه
و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوط مذکور است و این رساله گنجایش دیگر آنها ندارد و بتربت حضرت امام حسین علیه السلام
بفرماید که بنویسند و این در صورتیست که بیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا کرده باشد و اگر نه مومن میباید
که کفنش مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که کفنش با او باشد
در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هرگاه که نظر کند بآن کفن ثواب یابد و باید که بعد از آن دیگر
در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و بیاد او باشد و تفکر کند که این امور
فانی بکار نمی آید بغیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی بفریاد او نمیرسد و بداند که چون توکل
بر حق تعالی کند امور بازماندگان او باحسن وجوه صورت خواهد یافت و بدانکه اگر خود باقی بماند بدون مشیت
الهی نفعی بایشان نمی تواند رسانید و ضرر ایشان را دفعی نمیتواند کرد آن خداوندی که ایشانرا آفریده است
از او بایشان مهربانتر است و باید که در این حال در مقام رجا و امید باشد و از رحمت الهی بسیار امیدوار
باشد و از شفاعت رسول خدا و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدوم شریف
ایشان باشد و بداند که همگی در آن وقت حاضر میشوند و شیعیان خود را بشارت میدهند و ملک موت را

سفارشها میکند و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو بکند علامت
نقصان عقل و مروت اوست گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود
و مردم نزد او جمع شوند بگوید اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة الرحمن
الرحیم انی اعهد الیک انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و ان محمدا
صلی الله علیه و آله عبدک و رسولک و ان الساعة اتیة لا ریب فیها و انک تبعث من فی
القبور و ان الحساب حق و ان الجنة حق و ما وعد الله فیها من النعیم من الماکل و المشرب و
النکاح حق و ان الایمان حق و ان الدین کما وصفت و ان الاسلام کما شرعت و ان القول
کما قلت و ان القران کما انزلت و انک انت الله الحق المبین و انی اعهد الیک فی دار
الدنیا انی رضیت بک ربا و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیا و بعلی اماما
و بالقران کتابا و ان اهل بیت نبیک علیه و علیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند
شدتی و رجائی عند کربتی و عدتی عند الامور التی تنزل بی و انت ولیی فی نعمتی و
الهی و اله ابائی صل علی محمد و اله و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا و انس فی قبری وحشتی
و اجعل لی عندک عهدا یوم القاک منشورا پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که این
عهد و پیمان میت است با خدا در روزی که میخواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجبست بر هر مسلمانی
پس حضرت صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمودند که تصدیق این سخن در سوره مریم است که حق تعالی
میفرماید که لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا یعنی در قیامت مالک
شفاعت نمیشوند مگر کسی که گرفته باشد نزد پروردگار بخشنده عهدی و این آن عهدست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که این وصیت را تو یاد گیر و بیاد اهل بیت خود و شیعیان بده چنانچه جبرئیل
تعلیم من نمود و اگر صحیفه خود را پیشتر نکرده باشد جمعی از مومنان را حاضر کند و بر اعتقادات خود ایشان را
گواه بگیرند باین نحو که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله و ان الجنة حق و ان النار حق و ان الساعة

اتیه

اتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور پس بنویسد بر پارچه یا کاغذی
بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان اخاهم فی الله
عز و جل فلان بن فلان و نام خود و پدر خود را بنویسد اشهدهم و استودعهم و اقر عندهم
انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و
رسوله و انه مقر بجمیع الانبیاء و المرسلین علیهم السلام و ان علیا ولی الله و امامه و ان الائمة
من ولده ائمته و ان اوله الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد
و موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و القائم
الحجة علیهم السلام و ان الجنة حق و النار حق و الساعة اتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث
من فی القبور و ان محمدا صلی الله علیه و اله رسوله جاء بالحق و ان علیا ولی الله و الخلیفة
بعد رسول الله صلی الله علیه و اله و مستخلفه فی امته مودیا لامر ربه تبارک و تعالی و ان فاطمة
بنته و ابنیها الحسن و الحسین ابنا رسول الله صلی الله علیه و اله و سبطاه و اماما
الهدی و قادة و دعاة الی الله عز و جل و حجة علی عباده پس بگوید بگواهان که نامشان در آن
صحیفه نوشته خواهد شد یا فلان و یا فلان و یا فلان و نامشان را بگوید اثبتوا الی هذه الشهادة عندکم
حتی تلقونی بها عند الحوض پس گواهان بگویند یا فلان نستودعک الله و الشهادة و الاقرار
و الاخاء و موعوده عند رسول الله صلی الله علیه و اله و نقرا علیک السلم و رحمة الله و
برکاته پس صحیفه را به پیچد و مهر کند بمهر آن شخص خود و بمهر گواهان و از جانب راست میت با جریده
بگذارند و از حضرت رسول صلی الله علیه و اله منقولست که بر سر شخصی از انصار در وقت نزع حاضر شد و از او پرسیدند
که خود را چون می یابی گفت امید از رحمت الهی دارم و از گناهان خود میترسم فرمود که این دو حالت
در این وقت در دل کسی نمیباشد مگر آنکه خدا امیدش را میدهد و از آنچه میترسد او را ایمن میگرداند
در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله حاضر شدند نزد شخصی که در حال احتضار بود فرمود که بگو
اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک و اقبل منی الیسیر من طاعتک و اما آنچه متعلق بخویشان

و برادران مومنست باید که او را در چنین حالی تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا و سوره یس و والصافات
بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامت ائمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین و سایر اعتقاد حق را از بهشت و دوزخ و صفات کمالیه الهی و تنزیه خدا از نقایص مکرر بگویند که
او بگوید و اگر نتواند گفت بر او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و معنیش را اگر عربی نداند القا کنند و پایش را
بسوی قبله کنند و در آنوقت حایض و جنب نزد او نیایند که ملئکه از ایشان نفرت میکنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد
برای اضطرار نزد او باشند و چون نزدیک شود که جانش بیرون رود انها بیرون روند و در احادیث معتبره
وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بانجائی که همیشه نماز میکرده است یا بر روی جای
نمازی که بر آن نماز میکرده است او را بخوابانند که اگر امید شفا هست شفا میباید و اگر نه جانش باسانی بیرون رود
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله داخل شدند بر شخصی از فرزندان عبد المطلب و او در حال احتضار
بود فرمودند که پای او را بسوی قبله کنید تا ملئکه باو رو آورند و رحمت الهی متوجه او گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که زنهار در حال احتضار دست بر او مگذارید و اگر دست و پا زند مانعش مشوید چنانچه جاهلان
میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول خدا و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست
که فرزندی از حضرت امام جعفر علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنار خانه نشسته بودند
و هرگاه کسی نزدیک او میرفت منع میکردند و میفرمودند که دست بر او مگذارید که او در این حال در نهایت
ناتوانیست و هر که دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که تلقین کنید مردگان خود را که لا اله الا الله بگویند که هر که آخر سخنش لا اله الا الله
باشد داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله تلقین ایشان بکنید که گناهان را بهم
میشکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن
بیابید این کلمات فرج را تلقین کنید که بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله
العلی العظیم تا آخر و در حدیث دیگر منقولست که هر که از اهل خانه حضرت امیر المومنین علیه السلام محتضر میشد
حضرت کلمات فرج را تلقین ایشان میفرمود که بخوانند چون میخواندند میفرمود که برو که دیگر بر تو باکی

نیست

نیست و در حدیث حسن دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند
در حال نزع و فرمود که این کلمات بخوان چون خواند گفتند الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد
و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان جمعی از شیاطین را موکل
میگرداند بر او در وقت مردن که او را بشک می اندازد در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر کسی
مومن کامل باشد نمیتوانند او را بشک اندازد پس در الحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادتین
را و اقرار بائمه علیهم السلم یک یک را تا از سخن گفتن باز ماند و در حدیث دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت
مردن اقرار بائمه معصومین علیهم السلام بکند و دین تشیع را اعتقاد کند آتش جهنم هیچ عضو او نرسد و در حدیث
دیگر فرمود که شخصی را امر کرد در رسید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد او حاضر شدند با جماعتی از صحابه و او بیهوش
بود پس حضرت فرمود ای ملک الموت دست از او بردار تا از او سؤال کنم پس آن شخص بهوش آمد حضرت
فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم فرمود که هیچیک بتو نزدیکتر گفت سیاهی حضرت
فرمود که بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیك واقبل منی الیسیر من طاعتك پس آن شخص بیهوش
باز بملک الموت فرمود که دست از او بردار پس بهوش آمد حضرت فرمود که چه می بینی گفت سفیدی بسیار
و سیاهی بسیار می بینم فرمود که کدامین بتو نزدیکتر است گفت سفیدی حضرت فرمود که او را آمرزیدند
پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که نزد هر که حاضر شوید در این حال بگوئید که این دعا را بخواند و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد جوانی حاضر شدند در وقت مردن و باو گفتند بگو لا اله الا الله زبانش
بند شده بود و نتوانست گفت حضرت پرسیدند از زنی که بر بالین او نشسته بود که این جوان مادر دارد
گفت من مادر اویم فرمود که از او خشنودی یا بر او غضبناکی گفت شش سالست که با او سخن نگفته ام فرمود
که از او راضی شو گفت راضی شدم پس حضرت بان جوان گفت که بگو لا اله الا الله زبانش گشوده
شده بود و گفت پس حضرت از او پرسیدند که چه چیز می بینی گفت مرد سیاهی بدروی بدبوی جامه
چرکینی را می بینم که نزدیک منست و گلوی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر و یعفو
عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انك انت الغفور الرحیم چون آن جوان این دعا

راخواند حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت مرد سفید روی خوشروی خوشبوی خوش جامه را می بینم
که نزدیک میت است و انمرد سیاه میرود فرمود که بار دیگر این دعا را بخوان فرمود که چه چیز می بینی گفت آن سیاه را
نمی بینم و سفید را می بینم که نزدیک میت است این را گفت و فوت شد پس چون کسی فوت شود سنت است
که دهانش را بهم گذارند و چانه اش را ببندند و چشمش را بهم گذارند و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند
و جامه بر رویش بیندازند و قران نزد او بخوانند و زود بردارندش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار
آنست که برادران مومن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار
کنند و میت ثواب ببرد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون مومن را بقبر میگذارند ندا
میکنند او را که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول عطائی که دادیم انها را که با جنازه تو آمده اند آمرزش
گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه که بمومن میدهند در قبر آنست که می آمرزند همه کس را که
همراه جنازه بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هرکه همراه جنازه مومنی میکند که تا او را دفن کنند حق تعالی
در قیامت هفتاد ملک بر او گمارد که همراهی او کنند و استغفار از برای او کنند از قبر تا بموقف حساب و
فرمود که هرکه یکطرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد
از گناه بیرون آید و بهتر آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش
راست خود بردارد پس پای راست میت را بدوش راست بردارد پس پای چپ میت را بدوش
چپ بردارد پس دست چپ میت بدوش چپ بردارد پس چون خواهد که دیگر تربیع کند از پیش
روی جنازه برود بلکه از جانب راست جنازه برگردد و باز بهمان روش تربیع بجا می آورد و بهتر
آنست که پشت جنازه یا به پهلوهای جنازه راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر احادیث آنست
که اگر جنازه مومنی باشد پیش آن راه رفتن خوبست و در جنازه خلاف مذهب پیش آن نباید رفت
زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه جنازه به بیند و این دعا بخواند هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه
کند از برای ترحم بر او و الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا
وتسلیما

بسم الله الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر العباد بالموت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه تشییع جنازه
کند بهر قدمی که بردارد صد هزار حسنه برای او نوشته شود و صد هزار گناه از او محو شود و صد هزار درجه از برای او بلند شود و اگر
بر جنازه اش نماز کند حق تعالی بعد از فوت او صد هزار ملک بفرستد که بر جنازه او نماز کنند و از برای او استغفار کنند تا از
قبرش بیرون آید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مومنی که مومنی را غسل دهد چون او را
از پهلو به پهلوی دیگر بگرداند این دعا بخواند گناهان یکساله او آمرزیده شود مگر گناه کبیره اللهم ان هذا بدن عبدک المومن
و قد اخرجت روحه منه و فرقت بینهما فعفوک عفوک و در حدیث دیگر فرمود که هرکه میتی را غسل دهد آنچه از عیبهای میت
را او ظاهر شود نقل نکند گناهانش آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید
که چه ثواب دارد کسی که میت را غسل دهد وحی باو رسید که او را از گناهانش میشویم مانند روزی که از مادر متولد شده بوده است
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مومنی که مومنی را غسل دهد و در وقت غسل دادن مکرر بگوید رب
عفوک عفوک خدا او را بیامرزد و در فقه الرضا علیه السلام مذکور است که در وقتی که دست بکشی بر همه بدن این دعا بخواند
اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد و الصلوات التی علیهم فی الجنة ان تسلک به سبیل رحمتک و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که هرکه کفن کند مومنی را چنانست که ضامن کسوت او شده باشد تا روز قیامت و هرکه بکند از برای مومنی قبری چنان
است که او را در خانه موافقی جای داده باشد تا روز قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه بر جنازه نماز
کند هفتاد هزار ملک بر او نماز کنند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود پس اگر همراهی کند که او را دفن کنند بهر قدمی که
بردارد قیراطی از ثواب باو دهند که آن قیراط مانند کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر مومنی که بر جنازه نماز کند بهشت
او را واجب میشود مگر آنکه منافق یا عاق پدر و مادر باشد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون مومنی بمیرد و در جنازه
او چهل نفر از مومنان حاضر شوند و بگویند اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا یعنی خداوندا ما از او بغیر از نیکی
نمی دانیم و تو داناتری باحوال او از ما چون این را بگویند حق تعالی فرماید که من شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم آن گناهانی را
که شما نمی دانستید و می دانستم و در حدیث معتبر دیگر منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که اول خبری که در عنوان نامه مومن
مینویسند بعد از مرگش آن خبری است که مردم میگویند اگر نیکی میگویند نیکی مینویسند و اگر بدی میگویند بدی مینویسند و در
حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون مومن را بقبر رسانند او را از آتش های [illegible]

بخوان و بگو بسم الله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم افسح له فی قبره و الحقه بنبیه اللهم ان کان محسنا
فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فاغفر له و ارحمه و تجاوز عنه و استغفار از برایش بکن و حضرت علی بن الحسین علیهما السلام چون
میت را داخل قبر میکردند این دعا میخواندند اللهم جاف الارض عن جنبیه و صاعد عمله و لقه منک رضوانا و در حدیث
دیگر فرمود که چون میت را بقبر گذارند باید که اولای مردم با و نزدیک سرش باشد و نام خدا ببرد و صلوات بر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرستد و پناه برد بخدا از شیطان و سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر
تواند روی میت را از کفن بگشاید و بخاک گذارد و در آنجا تلقین کند او را بشهادتین و اقرار بائمه معصومین صلوات الله علیهم
و سایر عقاید حق و در حدیث دیگر فرمود که چون خاک بر میت بریزی بگو ایمانا بک و تصدیقا ببعثک هذا
ما وعدنا الله و رسوله تا آنکه بعدد هر ذره خاک حسنه در نامه اعمال نوشته شود و چون قبر را پر کنند و مردم برگردند
نزدیکترین مردم باو نزدیک سر قبر بنشیند و با واز بلند او را تلقین کند که این تلقین باعث این میشود که منکر و نکیر
از او سوال نکنند و سنت موکد است که در روز و قبر بعد از دفن میت اهل او را تعزیه بگویند و پس از دفن تعزیت
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که اندوهگینی را تعزیه بگوید در روز قیامت او را حله
بپوشانند و مثل ثواب آن صاحب مصیبت او را باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که مردگان را زیارت کنید که ایشان خوشحال میشوند از زیارت شما
و شاد میشوند و با شما انس میگیرند و چون نزدیک قبر بروید بگوئید اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک
ارواحهم و لقهم منک رضوانا و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تونس به وحشتهم انک علی کل شیء
قدیر و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مومن خود برود و رو بقبله دست بر قبرش
گذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر
منقولست که حق تعالی او را و صاحب قبر را هر دو بیامرزد و در روایت معتبر دیگر منقولست که حضرت امام
محمد باقر علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستادند و این دعا خواندند اللهم ارحم غربته و صل وحدته و
آنس وحشته و آمن روعته و اسکن الیه من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان یتولاه و در
روایت دیگر منقولست که هر که سوره انا انزلناه نزد قبر مومنی بخواند هفت مرتبه حق تعالی ملکی فرستد که عبادت الهی

گسسته‌ی ... داد

کند نزد قبر او و ثواب عبادت آن ملک را برای میت بنویسند و چون از قبرش محشور شود بهر هولی از اهوال قیامت که برسد
حق تعالی بسبب آن ملک آن هول را از آن دفع کند تا داخل بهشت شود و منقولست که مستحب است که نزد قبر سوره حمد و معوذتین
و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه بار و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخوانند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که بر قبرستان بگذرد و یازده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و ثواب آن مردگان قبرستان ببخشد
بعدد آن مردگان اجر و ثواب بیابد بدانکه چون این رساله محل ذکر احکام و اختصار غسل و کفن و دفن نبود
قلیلی از آداب در اینجا مذکور شد که این رساله از این فواید خالی نباشد و مفصل همگی در کتاب بحار الانوار مذکور است

در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و نشستن

و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها

در فضیلت سلام و آداب آن در حدیث معتبر منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله اصحاب خود را امر فرمود بهفت خصلت عیادت بیماران و مشایعت جنازه مردگان
و قبول کردن گفته کسی که این کس را قسم دهد و دعا کردن برای کسی که عطسه کند و یاری کردن مظلوم
و بهر کس سلام کردن و قبول ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که در بهشت غرفه چند
هست که از اندرونش بیرونش نمایان است که از بهشت من در آنها ساکن میشود که نرم سخن با مردم سخن گوید و
طعام بمردم بخوراند و فاش سلام کند و نماز کند در شب در وقتی که مردم در خواب باشند پس فرمود که افشای
سلام کند و بخل نورزد در سلام کردن بر احدی از مسلمانان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از جمله تواضع
و شکستگی آنست که با هر که برخوری سلام کنی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که ابتدا کند بسخن
گفتن پیش از سلام جواب مگوئید و کسی را بطعام خود مطلبید پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که
به اهل خانه برخورد و بر ایشان سلام کند ثواب یک بنده آزاد کردن در نامه اعمال او نوشته شود و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مومن که بجماعتی از مسلمانان سلام کند ملائکه در جواب سلام او میگویند
سلام علیک و رحمة الله و برکاته ابدا و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سلام کردن سنت است و جواب
سلام گفتن واجب است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی سلام کند که بشنوند تا نگوید که سلام
کردم و جواب سلام من نگفتند و چون کسی جواب سلام گوید بلند گوید که آن کننده نگوید که سلام کردم و جواب سلام من نگفتند

و در حدیث دیگر فرمود که هر که السلام علیکم و رحمة الله و برکاته بگوید سی حسنه برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه
کسند که جمیع جمعی باشان سخن میباید هر چند تنها باشند کسی که عطسه زند میگویید یرحمکم الله هر چند
دیگری با او نباشد و کسی که سلام بر دیگری کند میگوید السلام علیکم و کسی که ... عافاکم هر چند
یکی باشد زیرا که با اینها ملائکه میباشند و در قصه مومنان غایب را هم که ... میتوان کرد و از حضرت امیرالمومنین
علیه السلام منقولست که مکروهست که کسی بگوید حیاک الله مگر آنکه بگوید حیاک الله بالسلام و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که سه کسند که بر ایشان سلام نمیباید کرد کسی که با جنازه راه رود و کسی که بنماز جمعه رود و کسی که در حمام
باشد و حمل کرده اند در صورتی که لنگ نبسته باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون داخل
مسجدی شوی و مردم نماز کنند بر ایشان سلام مکن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سلام کن و متوجه نماز شو و از
حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه منقولست که کسی که داخل خانه شود بر اهل خانه سلام کند و اگر اهلی نداشته
باشد و خانه خالی باشد بگوید السلام علینا من ربنا و فرمود که اگر کسی ترا بگوید حیاک الله بالسلام در جواب
بگوید فحیاک الله بالسلام و احلک دار المقام و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون یکدیگر را
ملاقات کنند مصافحه بکنند و چون از یکدیگر جدا شوند طلب آمرزش از برای یکدیگر بکنند و در
حدیث دیگر فرمود که کسی که داخل خانه شود سلام بکند که سبب برکت میشود و ملائکه انس
میگیرند در آن خانه و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون زن بر جماعتی داخل شود بگوید که
علیکم السلام و چون مرد داخل شود بگوید السلام علیکم و در بعضی چند وارد شده است که چند
کسند که بر ایشان سلام نمیباید کرد یهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسی که در بیت الخلا
باشد و بر شاعری که بر زنان محصنه عفیفه فحش گوید و بر جماعتی که فحش طبعی ایشان ...
... است و بر کسی که نرد یا شطرنج یا ... قمار بازی کند و بر کسی که طنبور یا عود
نوازد و بر مردی که مردم با او معامله لواطه کنند و کسی که در اثنای نماز باشد و کسی که سود خورد و
فاسقی که علانیه فسق کند و پروا نکند و در روایت صحیحی وارد شده است که از سلام کردن
بر کسی که شطرنج بازی کند گناه کبیره است و همچنین نهی وارد شده است از سلام کردن بر کسی که شراب

از خوردند

که شراب خورده و دور نیست که اگر اینها محمول باشد بر آنکه سلام کردن بر اینها فضیلت بسیار ندارد و یا بر آنکه
از روی مهربانی و محبت و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان نباید کرد زیرا که اخبار بسیار وارد
شده است که بر همه کس سلام کردن خوبست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی از مجلسی برخیزد
و وداع کند اهل آن مجلس را بسلام کردن که اگر بعد از او حرف خیری بگویند در ثواب شریک ایشان خواهد بود
و اگر حرف بدی بگویند گناهش بر آنها خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
کوچک بر بزرگتر سلام بدهد و کسی که گذرد بر کسی که نشسته باشد سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام
میکنند و در حدیث دیگر فرمود که سواره بر پیاده سلام کند و اشتر سوار و خر سوار سلام کند و اسب سوار بر استر
سوار سلام و ایستاده بر نشسته سلام کند و در حدیث معتبر منقولست از آنحضرت که چون جماعتی بر جماعتی
بگذرند یکی از ایشان که سلام کند از دیگران مجزیست و اگر کسی بر جماعتی سلام کند یکی از آنها که جواب بگوید
از ایشان مجزیست و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زنان سلام میکردند
و ایشان جواب میگفتند و حضرت امیرالمومنین علیه السلام بر زنان پیر بیشتر سلام میکردند و کراهت داشتند
از سلام کردن بر زنان جوان و میفرمودند که میترسم خوشم آید آواز او و گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابی
که بسلام کردن طلب میکنم و امثال اینها را برای تعلیم دیگران میفرمودند و خود از امثال اینها معصوم
و منزه بودند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ابتدا مکنید باهل کتاب یعنی یهود و نصرانی و مجوس را بسلام
و چون ایشان سلام کنند بگویید علیکم و در روایت دیگر فرمود که چون یهودی یا نصرانی یا مشرک و بت پرست
بر تو سلام کند بگو که علیک و بدانکه از جمله سلامها سلام رخصت است که چون خواهند داخل خانه کسی شوند
پیشتر سنت است که در بیرون خانه سه مرتبه سلام کنند اگر جواب سلام بشنوند و اگر نه برگردند و جواب این
سلام واجب نیست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که رخصت طلبیدن سه مرتبه است در مرتبه اول میشنوند
و در مرتبه دویم حذر میکنند و در مرتبه سیم اگر میخواهند رخصت میکنند و اگر نمیخواهند ساکت میشوند که او برگردد
و حق تعالی فرموده است که داخل مشوید در خانه غیر خانهای خود تا استیناس نکنید و سلام بر اهلش نکنید و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که استیناس کفش بر زمین زدن و سلام کردنست که ایشان خبر شوند **فصل دویم** در فضیلت مصافحه

نصاری

یعنی دست یکدیگر را گرفتن و معانقه یعنی دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک در حدیث صحیح
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از تمامی تحیت سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردنست و تمامی سلام
کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر کردنست و در حدیث معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت من
هم کجاوه امام محمد باقر بودم من اول بکجاوه میرفتم پس آنحضرت بکجاوه میرفتند چون هر دو در کجاوه درست
می نشستیم حضرت بمن سلام میکردند و احوال از من میپرسیدند مانند دو کس که یکدیگر را مدتی ندیده باشند
و با من مصافحه میکردند و چون از کجاوه فرود می آمدیم اول آنحضرت پایین می آمدند پس چون هر دو بر زمین
قرار میگرفتیم سلام میکردند و احوال میپرسیدند مانند دو کس که مدتها هم را ندیده باشند من گفتم یا ابن
رسول الله شما کاری چند میکنید که مردمی که نزد ما هستند چنین نمیکنند حضرت فرمود که مگر نمیدانی مصافحه
کردن چه ثواب دارد بدرستیکه دو مومن که با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند پیوسته گناه ایشان
میریزد و خدا نظر رحمت سوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث معتبر دیگر از ابو حمزه منقولست که
گفت من هم کجاوه بودم با امام محمد باقر علیه السلام پس چون بار فرود آوردیم حضرت اندک راهی رفتند
پس آمدند و دست مرا گرفتند و فشار سختی دادند گفتم فدای تو شوم من با شما بودم در کجاوه حضرت فرمود که
مگر نمیدانی که مومن چون اندک حرکتی بکند بعد از آن دست برادر مومن خود را بگیرد حق تعالی نظر لطف سوی
ایشان میکند و روی رحمت خود را بجانب ایشان میگرداند و گناهان میفرماید که فرو ریزید از ایشان
تا آنکه چون از یکدیگر جدا میشوند هیچ گناه بر ایشان نمانده است و در حدیث حسن از صادق علیه السلام منقولست که
حد مصافحه آنست که دور درخت خرما بگردند پس بعد از آن باز مصافحه سنت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که سزاوار آنست که دو مومن که از یکدیگر پنهان شوند اگر چه بدرختی باشد که میان ایشان فاصله شود پس
چون ملاقات کنند باید که مصافحه کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که دست را دیرتر بر میدارد ثوابش بیشتر است
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز با کسی مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند
تا آنکه آن شخص دست را می کشید و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مصافحه کنید که کینها از سینها میبرد و فرمود که
مصافحه کردن با مومن بهتر است از مصافحه کردن با ملائکه و از حضرت امیر صلوات الله علیه منقولست که چون برادر

مومن ملاقات کنید با ایشان مصافحه کنید بشاشت و خوشحالی نزد ایشان ظاهر کنید تا آنکه چون جدا شوید
هیچ گناه بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز مصافحه کنید هر چند او نخواهد که خدا چنین امر فرموده است و
باعث رفع دشمنی او میشود و در حدیث دیگر از اسحق صراف منقولست که گفت من در کوفه بودم و شیعیان
بسیار بنزد من می آمدند و من از شهرت ترسیدم و غلام خود را امر کردم که هر که مرا خواهد بگو که اینجا نیست پس
در آنسال بحج رفتم و چون بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم آنحضرت را از خود متغیر یافتم گفتم فدای تو شوم
چه چیز باعث تغیر شما شده است از من فرمود که آنچه باعث تغیر تو شده است از مومنان گفتم فدای تو
شوم از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست میدارم حضرت فرمود که ای اسحق ملال بهم مرسان
از بسیار آمدن برادران مومن بدیدن تو که چون مومن برادر مومن خود بر میخورد و با او مرحبا میگوید
خدا از برای او تا قیامت مرحبا می نویسد پس چون با او مصافحه میکند حق تعالی میان دو ابهام ایشان صد رحمت میفرستد
و نود و نه تای آنها از آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد پس حق تعالی روی رحمت سوی ایشان میکردانند
و بهر یک که دیگری را بیشتر دوست میدارد روی رحمت بسوی او بیشتر است پس چون دست در گردن یکدیگر
کنند رحمت ایشان را فرو میگیرد پس چون از برای خدا با یکدیگر باشند و غرض دنیوی نداشته باشند با ایشان
خطاب میرسد که آمرزیده شدید عمل را از سر بگیرید پس چون از یکدیگر احوال گیرند و سخن گویند ملائکه با یکدیگر میگویند
که دور شوید که میخواهند که با یکدیگر رازی بگویند و خدا بر ایشان پوشانیده است اسحق گفت که پس حرفی
که میگوییم ملائکه می نویسند حضرت آهی بلند کشیدند و گریستند آنقدر که آب دیده مبارک ایشان بر روی
ریش روان شد و فرمودند که ای اسحق حق تعالی ملائکه را امر فرموده است که چون دو مومن با یکدیگر ملاقات کنند
از ایشان دور شوند برای تعظیم ایشان و اگر چه ملائکه نمی نویسند اما خداوندی که مطلع است بر احوال ایشان
و راز پنهان و آنچه در سینهاست نزد او آشکار است میداند که چه میگویند پس ای اسحق از خدا
بترس چنانچه گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمی بیند کافر میشوی و اگر
میدانی که او ترا می بیند و گناهان را از مخلوقین پنهان میکنی و نزد او هویدا میکنی پس او را از همه کس سهلتر
شمرده و در حدیث دیگر فرمود که شما را در مصافحه کردن مثل ثواب آنهاست که در راه خدا جهاد میکنند و از حضرت

امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقولست که هر مومنی که از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مومن
خود و حق او را شناسد حق تعالی بهر گامی حسنه در نامه عملش بنویسد و گناهی از او محو کند و درجه برای
او بلند کند پس چون در خانه او را بکوبد درهای آسمان برای او گشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و
دست در یکدیگر کنند حق تعالی روی رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند پس خدای تعالی با ایشان با ملائکه کردن
مباهات کند و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بنده من که بدیدن یکدیگر رفتند و از برای رضای من
با یکدیگر دوستی کردند بر من لازمست که بعد از این ایشان را عذاب نکنم پس چون برگردد او را مشایعت
کنند ملکی چند بعدد نفسهای او و گامهای او و سخنهای او که او را حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت
تا روز دیگر این وقت و اگر در این مباهات بمیرد از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مومن دیگر
هم حق او را بشناسد و حرمت او را دارد همین ثواب او هم داشته باشد و از حضرت صادق ع
منقولست که شما شیعیان را نوری در پیشانی هست که بآن نور شما را در دنیا می‌شناسند چون
یکدیگر بر خورید آن موضع نور را از پیشانی یکدیگر ببوسید و در حدیث حسن دیگر فرمود که نمی‌باید بوسید
سر و دست کسی را مگر رسول خدا یا کسی که مراد از بوسیدن سر و دست او حضرت رسول باشد
و محتمل است که مخصوص ائمه معصومین باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علما نیز باشد زیرا که
تعظیم ایشان برای آنکه فرزند آنحضرت یا حافظ علوم و مروج دین آنحضرت‌اند و احوط آنست که بغیر
دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شایسته نیست
دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که کسی که
خویش خود را برای خویشی ببوسد باکی نیست و برادران مومن را پهلوهای روی ایشان را ببوسید و
امام را میان دو چشمش را ببوسند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دهان را بوسیدن نمی‌باشد مگر از برای
زن و فرزند خورد **فصل سیم** در آداب نشستن مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
وصیت فرمود بحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه که هشت کسند که اگر خوار شوند ملامت نکنند
مگر خود را کسی که حاضر شود بر سر سفره که او را نخوانده باشند و کسی که تحکم کند بر صاحب خانه و کسی که طلب خیر

کند

کند از دشمنان خود و کسی که توقع احسان کند از لئیمان و بخیلان و کسی که خود را در آورد در رازی که میان دو
کس باشد و بی‌رخصت ایشان و کسی که استخفاف نماید بپادشاه و کسی که در مجالس در جایی بنشیند که او
سزاوار نباشد و کسی که سخن با کسی گوید که گوش بسخن او ندهد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که کسی که مجموع
این سه خصلت یا یکی از اینها در او نباشد در صدر مجلس بنشیند احمقست اول آنکه هر چه پرسند جواب
تواند گفت دویم آنکه چون دیگران عاجز شوند او حق را بیان تواند کرد سیم آنکه راهنمایی براهی که صلاح
اهلش در آن باشد تواند کرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مومن را که بنشیند مگر
بعد از آن جماعتی گذشته‌اند زیرا که پا بر گردن مردم گذاشتن و بالا رفتن علامت سبکی عقلست و بسند
معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از علامات تواضع و فروتنی آنست که آدمی راضی شود بمجلسی که پست تر
باشد از مجلسی که سزاوار اوست و هر که برسد سلام کند و ترک مجادله کند هر چند که حق با او باشد و نخواهد که او را
بپرهیزکاری ستایش کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در جای خود بنشینند و دیگری درآید اگر کسی
از ایشان او را بطلبد و جا از برایش بگشاید برود که آن کرامتیست که نسبت باو کرده است برادرش و اگر جا
برای او نگشاید هر جا که گشاده‌تر است آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون کسی بخانه شخصی که باید هر جا
صاحب خانه میفرماید بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه خود را بهتر میداند و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
فرمود که زنهار بر سر راهها منشینید و در حدیث دیگر فرمود که نباید که کسی در میان جماعتی بنشیند و
جامه را از ران خود دور کند و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که راضی شود بنشستن جایی که
مناسب شرف او پایین‌تر از آن باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات فرستند تا برخیزد و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل مجلسی میشدند هر جا که بدر گاه نزدیکتر می‌نشستند و در روایت معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در اکثر اوقات رسول صلی الله علیه و آله رو بقبله می‌نشستند و در حدیث حسن منقولست
که حضرت صادق علیه السلام در خانه خود نزدیک درگاه می‌نشستند روی بقبله و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول
سه روش می‌نشستند گاهی زانوها را از زمین برمیداشتند و دستها را بر پایین زانو میگذاشتند و ساعد یک دست
را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو می‌نشستند و گاهی یک پا را بر روی پای دیگر میگذاشتند و هرگز چهار زانو

نمی‌نشستند و در حدیث حسن از ابو حمزه منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام
نشسته بودند و یک پا را بالای ران یک پای دیگر گذاشته بودند گفتم که مردم این نشستن را خوب نمیدانند
و میگویند که این نشستن پروردگار است حضرت فرمود که من از برای واماندگی چنین نشسته‌ام و خدا را
واماندگی نمیباشد و او را پینکی و خواب نمیباشد و جسم نیست و نشستن او را نمیباشد و در روایت دیگر
منقولست که حضرت صادق علیه السلام چنین نشسته بودند که پای راست را بر روی ران چپ گذاشته بودند
و در حدیث معتبر منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که سزاوار نیست که جماعتی که با یکدیگر نشینند در تابستان
بقدر استخوان ذراع که تقریبا یک شبر باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که از گرما آزار
نکشند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدم شمار کسی را که در جای تنگ چهار زانو نشیند و در
حدیث وارد شده که احتبا دیوار عربانست احتبا آنست که پاها را مالش کجامه به بندند بر دوش کمند و حدیث
یا دست را قفل کند بر زانوها چنانچه گذشت یعنی ایشان را در صحراها و جاها که نزدیک دیوار نباشد این بعوض
تکیه بر دیوار کردنست و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که احتبا چونست فرمود که اگر عورت
نمایان نباشد باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که جایز نیست مرد را که احتبا کند در برابر کعبه **فصل چهارم**
در آداب ملاقات صاحب خانه با کسی که بخانه او می‌آید در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
برخواستن از برای تعظیم مکروهست مگر از برای کسی که بجهت دین باشد علم و صلاح و نیکی تعظیم او کند و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق کسی که داخل خانه میشود بر اهل آنخانه آنست که در وقت داخل شدن و بیرون
رفتن پاره با او راه روند و فرمود که چون کسی داخل شود بر صاحب خانه حاکمست تا بیرون آید و آنچه
گوید میباید که صاحب خانه اطاعت کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که تحفه برای مومنی
بیاورد مثل مسواکی یا طعامی یا پوششی یا سلامی کند در بهشت بلند شود که او را مکافات دهد پس حق تعالی
باو وحی فرماید که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده‌ام مگر پیغمبر یا وصی پیغمبری و چون روز قیامت
شود به بهشت خطاب رسد که امروز مکافات تحفه‌های ایشان را بده پس غلامان و کنیزان از بهشت بیرون
آیند با طبقهای که بر روی آنها دستمالها از مروارید انداخته باشند نزد ایشان بیاورند چون ایشان

نظر کنند بجهنم و اهوال ایشان و بهشت و آنچه در آنست عقلشان پرواز کند و از آن طبقها نخورند
پس منادی از زیر عرش ندا کند ایشان را که حق تعالی حرام کرده است جهنم را بر کسی که از طعام بهشت بخورد
پس دست دراز کنند بخورند و در حدیث معتبر منقولست که دو شخص بخانه حضرت امیر المومنین علیه السلام آمدند
حضرت برای هر یک از ایشان بالشی انداختند یکی بر روی بالش نشست و دیگری ابا کرد حضرت فرمود
که بنشین که ابا نمیکند از کرامت مگر خر بعد از آن فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بیاید بسوی شما کسی که
نزد مردم خود گرامی باشد شما او را گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سه کسند که
کسی جاهل بحق ایشان نیست مگر منافق کسی که در اسلام ریشش سفید شده باشد و کسی که حامل یا معنی قرآن باشد
و امام عادل و فرمود که تعظیم خداست تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کسی را که گرامی کنند
و او را گرامی دارند باید که او قبول کند و رد نکند و رد نکند کرامت را مگر خر و در حدیث از حضرت امام رضا علیه السلام
پرسیدند که کدامست این کرامت که رد نمیباید کرد فرمود مثل آنکه جائی برای او بگشایند یا بوی خوشی برای
او بیاورند یا بالشی برای او بگذارند یا مثل اینها از کرامتها و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هرگز مذمت
مکن کسی را بچیزی که بر او دشوار باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خدمت کند گروهی از مسلمانان
را حق تعالی مثل عدد ایشان خدمتکاران در بهشت او را کرامت فرماید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که
برادر مومن را ببوسد و بپاید و او را گرامی دارد چنانست که خدا را گرامی داشته است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر ملاطفتی که کسی با برادر مؤمن خود بکند حق تعالی او را از خدمه بهشت کرامت فرماید و در حدیث
دیگر فرمود که هر که اکرام کند برادر مومنش را به یک کلمه که از روی لطف با او بگوید و غمی از او بردارد پیوسته
در سایه رحمت الهی باشد تا مشغول این اکرام باشد **فصل پنجم** در بیان مجالسی که در آن داخل شدن
روا است و جماعتی که همنشینی و مصاحبت ایشان سزاوار است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که متابعت کن کسی را که میگریاند ترا و خیرخواه تست و متابعت مکن کسی را که ترا میخنداند و در مقام فریب
دادن تست و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نظر کنید که با که سخن میگوئید و مصاحبت میکنید که هر که
هست در وقت مرگ مصاحبانش را باو مینمایند اگر حالشان نیکست از مصاحبت ایشان شاد میشود و اگر

خالشان بداست غمکین میشود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که بهترین برادران من نزد من کسی است که
عیبهای مرا بمن بگوید و فرمود که بر تو باد بمصاحبان کهنه و حذر کن از مصاحبت مصاحبان تازه که ایشان را
عهدی و امانی و وفایی نیست و بر حذر باش از هر کس هرچند اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در وقت وفات وصیت فرمود که زنهار که اجتناب کن از جاهایی که محل تهمت شود و از مجلسی
که گمان بد باو میبرند که همنشین فریب میدهد مصاحب خود را و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سزاوار
ترین مردم بتهمت کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که
هر که خود را در محل تهمت در آورد ملامت مکنید کسی را که گمان بد باو میبرد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که
بپرهیزید از مواضع شک و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه نایستد که همه کس نمیدانند که مادر اوست و در
حدیث معتبر منقولست که حضرت عیسی علیه السلام میفرمود که مصاحب بد اخلاقش سرایت میکند بانکس و
همنشین بد اینکس را هلاک میکند پس نظر کن که با که همنشینی میکنی و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دوستی نیکان با نیکان ثوابست برای نیکان و دوستی بدان با نیکان فضیلتی است برای
نیکان و دشمنی بدان با نیکان زینتی است برای نیکان و دشمنی بدان با نیکان خواریست برای بدان
و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که با پنج کس مصاحبت و همزبانی و رفاقت مکن زنهار
با دروغگو مصاحبت مکن که او از بابت سرابست بدروغهای خود ترا فریب میدهد و دور را نزدیک مینماید
برای تو و نزدیک را در نظر تو دور مینماید و زنهار که مصاحبت مکن با فاسق که او ترا بیک طعام خوردن
نزدیک دیگران با کمتر میفروشد و با بخیل مصاحبت مکن که ترا بمال خود یاری نمیکند در هنگامی که نهایت
احتیاج بهم رسانی و با احمق مصاحبت مکن که او اگر خواهد بتو نفع برساند ضرر میرساند و با کسی که قطع رحم
کند مصاحبت مکن که حق تعالی در سه موضع از قرآن مجید او را لعنت کرده است و حضرت صادق علیه السلام فرمود
که سزاوار نیست مسلمان را که با فاجر و احمق و دروغگو برادری کند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سه چیزند
که همنشینی ایشان دلها را میمیراند نشستن با مردم دنی و سخن گفتن با زنان و نشستن با توانگران و حضرت
لقمان با پسر خود گفت که بسیار با آشنایان نزدیک و چسبان مشو که باعث جدایی میشود و از ایشان

دوری هم بکن که خار میشوی و نیکی با کسی بکن که خواهان او باشد و همچنانکه میان گرگ و میش و صحبت
میان نیکوکار و بدکردار دوستی نمیباشد هر که نزدیک قبر میرود البته باو میچسبد همچنین هر که با بدکردار
مصاحبت میکند از بدیهای او می آموزد و هر که مجادله با مردم میکند دشنام میشنود و هر که در مجالس بد داخل
میشود متهم میشود و هر که با همنشین بد می نشیند از بدی سالم نمیماند و هر که زبان خود را نگاه نمیدارد
همیشه پشیمانی میبرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و همنشینی با اصحاب بدعت مکنید که نزد مردم مثل
ایشان خواهید بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که آدمی بر دین دوست و مصاحب خود میباشد و فرمود که زنهار
که با احمق مصاحبت مکن که در هنگامی که او از او راضی تری نزدیکتر است بانکه ترا برنجاند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که حکیم ترین مردم کسی است که از صحبت جاهلان میگریزد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که برادر
مؤمنش را امری که مکروه او باشد ببیند و تواند که او را برگرداند از آن امر و برنگرداند خیانت کرده است در برادری
او و کسی که اجتناب نکند از مصاحبت احمق نزدیکی اخلاق او را بر میدارد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که بدترین مصاحبان تو کسی است که معصیت خدا را در نظر تو زینت میدهد و فرمود که همنشینی با بدان
مورث گمان بد بر دوستان در حق نیکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نظر کن هر که
نفع دینی بتو نمی بخشد مصاحبت و اعتنا بشان او مکن و در صحبت او رغبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که
چهار چیز است که ضایع میشود محبتی که با کسی داشته باشی که بیوفا باشد و نیکی با کسی بکنی که شکر تو نکند
و علمی که بکسی بیاموزی که گوش ندهد و رازی بکسی بسپاری که نگاهداری راز نکند و از حضرت امام
موسی علیه السلام منقولست که در مزبلهها با عالم صحبت داشتن بهتر است که صحبت داشتن با جاهل بر روی
فرشهای نیکو و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حواریان بحضرت عیسی علیه السلام گفتند که با که
همنشینی کنیم فرمود که با کسی که خدا را بیاد شما آورد دیدن او و علم شما بیفزاید سخن گفتن او و شما را
بسوی آخرت رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین نشستن شرف دنیا
و آخرتست و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که یک نشستن با کسی که اعتماد برا و داشته باشیم
نزد من بهتر است از عبادت یکسال و در حدیث دیگر فرمود که با توانگران منشین که بنده که اول

با ایشان می نشینند چنان میداند که خدا بر او نعمت بسیار دارد و هنوز به نخواسته باشد که چنان گمان
میکند که خدا هیچ نعمت بر او ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهار چیز است که دل را میمیراند
گناه بعد از گناه کردن و با زنان بسیار سخن گفتن و با احمق مجادله کردن که تو گوئی و او گوید و بخیر برنگردد
و همنشینی با مردگان کردن گفتند یا رسول الله مردگان کیستند فرمود که هر توانگری که خدا را
فراموش کرده باشد و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بفرزندان خود میفرمود که
با اهل دین و معرفت همنشینی کنید و اگر بدست شما نیاید تنهائی مونس تر و سالمتر است از مصاحبت
غیر ایشان و اگر ناچار باشد از همنشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشینید که ایشان در مجالس خود
فحش نمیگویند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که سزاوار آنست که آدمی مصاحبان پدر خود را
نگاه دارد و نیکی او با ایشان مانند نیکی با پدر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت لقمان با پسر
خود فرمود که ای فرزند بدیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را به بینی که یاد خدا میکنند با ایشان
بنشین زیرا که اگر تو عالمی علم تو بتو نفع میدهد و از همنشینی ایشان علم تو زیاده میشود و اگر جاهلی ترا علم
می آموزند و شاید که خدا رحمتی بر ایشان بفرستد و ترا با ایشان هم فرو گیرد و اگر به بینی جماعتی را که یاد
خدا نمیکنند با ایشان منشین که اگر تو عالمی علمت بتو نفع نمیرساند و اگر جاهلی جهلت زیاده میشود و
شاید عذابی از خدا بر ایشان نازل شود و ترا هم با ایشان فرو گیرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که بر تو باد بحاضر شدن در مجالسی که در آنجا یاد خدا کنند و در حدیث دیگر فرمود که دانایان در زمان
گذشته میگفتند که سزاوار آنست که تردد کردن بجاها یکی از ده وجه باشد اول رفتن بخانه خدا
از برای ادای حج و عمره دویم در خانه پادشاه دین که طاعت ایشان بطاعت خدا متصلست و
حق ایشان واجبست و نفع شان عظیم است و ضرر مخالفت ایشان سخت است سیم در خانه علما که از
ایشان استفاده علوم دین و دنیا نمایند چهارم در خانه اهل جود و بخشش که مال خود را بامید ثواب
آخرت میدهند پنجم در خانه بیخردانی که مردم در حوادث دهر بایشان محتاج میشوند و در حاجتها با
ایشان پناه میبرند ششم در خانه اشراف و بزرگان برای طلب عزت احتیاج بایشان هفتم

درگاه جمعی که از نزد ایشان امید منفعت دارند از جهت رای مستقیم ایشان و تقویه عزم در امور و مشوره
کردن با ایشان هشتم در خانه برادران مؤمن بسبب آنکه مواصلت ایشان واجب و حق ایشان لازم است
نهم در خانه دشمنانی که بمدارا کردن ساکن میشود دهم در خانه جمعی که از دیدن ایشان ادب حسنه استفاده
میتوان کرد و انس بمهربانی ایشان میتوان گرفت **فصل ششم** در آداب عطسه و آروق و آب دهان
انداختن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مسلمان بر برادرش حق لازم است که چون او را ملاقات کند او را
سلام کند و چون بیمار شود او را عیادت کند و در غایبانه خیرخواه او باشد و چون عطسه کند او را دعا کند و با
که او که عطسه میکند بگوید الحمد لله رب العالمین لا شریک له و دیگران باو بگویند یرحمک الله و او در جواب بگوید یهدیکم الله
و یصلح بالکم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی عطسه کند او را دعا کنید اگر چه دریا در میان فاصله باشد
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که دهن دره از شیطانست و عطسه از جانب خداوند
عالمیانست و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی نعمتهای بسیار بر بنده هست در هنگام صحت بدن و
سلامتی اعضا و جوارح و بنده فراموش میکند که خدا را بر این نعمتها شکر کند پس باین سبب خدا میفرماید
بادی را که در بدنش جولان میکند و از بینی اش بیرون می آید پس از این جهت مقرر کرده اند که در این حال خدا را حمد
کند و این حمد تلافی شکران نعمتها باشد که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نیکو چیزیست
عطسه نفع میرساند بدن و خدا را بیاد می آورد و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی عطسه کند
بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و اهل بیته و در حدیث حسن دیگر فرمود که چون کسی عطسه کند بگوید
یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم و در حدیث دیگر فرمود که کسی که عطسه کند بگوید الحمد لله
لا شریک له و دیگران باو بگویند یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله لک و لنا و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که طفل نابالغی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله عطسه کرد و گفت الحمد لله حضرت باو فرمود که بارک الله
فیک و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام عطسه کردند پس فرمودند الحمد لله رب العالمین پس
انگشت را بر بینی گذاشتند و گفتند که رغم انفی لله رغما داخرا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که هر که بگوید الحمد لله رب العالمین علی کل حال درد گوش و دندان نیابد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

هر که عطسه کسی را بشنود و حمد الهی کند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش بفرستد درد چشم و درد دندان باو نرسد و فرمود که این را بگو اگر چه دریا در میان تو و او فاصله باشد و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع درد دندان و درد گوش چون کسی عطسه کند حمد خدا بکند و در حدیث دیگر منقول است که ترسائی عطسه کرد آنحضرت باو گفتند یرحمک الله و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت بماند از برای علتی ملک از جانب او میگوید الحمد لله رب العالمین و اگر او بگوید الحمد لله رب العالمین ملک میگوید یغفر الله لک و فرمود که عطسه در بیماری علامت عافیت است و راحت بدن است از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عطسه نفع میبخشد بدن را مادام که زیاده از سه نشود و چون زیاده از سه شود درد و بیماریست و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه کند و دست را بر روی بینی گذارد و بگوید الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله و صلی الله علی محمد النبی و آله و سلم از سوراخ چپ بینیا و مرغی بیرون آید از ملخ کوچکتر و از مگس بزرگتر تا برود بزیر عرش و استغفار کند برای او تا روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود که کسی که عطسه کند تا هفت روز از مردن ایمن است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله در چند روایت منقول است که عطسه تصدیق میکند سخنی را که مقارن آن واقع میشود و علامت راستی آن سخن است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که عطسه را تا سه مرتبه دعا بگو و چون زیاده از سه شود او را واگذار و در روایت دیگر منقول است که چون کسی عطسه کند سزاوار است که انگشت شهادت بر روی بینی گذارد و بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین رغم انفی لله رغما و اخرا صاغرا غیر مستنکف و لا مستحسر و هرگاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه بگوید یرحمک الله و چون زیاده شود بگوید شفاک الله و چون مرد مؤمن عطسه کند بگوید یرحمک الله و اگر زن باشد بگوید عافاک الله و اگر طفل باشد بگوید زرعک الله و اگر بیمار باشد بگوید شفاک الله و اگر کافر باشد بگوید هداک الله و اگر پیغمبر یا امام باشد بگوید صلی الله علیک و در جواب بگوید یغفر الله لنا و لکم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بسیار عطسه کردن ایمن میگرداند از پنج درد اول خوره دوم لقوه سیم نزول آب در چشم چهارم صلابت و خشونت پرهای بینی پنجم بیرون آمدن مو از چشم و اگر خواهی که کم شود عطسه روغن مرزنگوش در بینی بچکان بقدر یک دانگ راوی گفت که پنج روز چکانیدم بر طرف شد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

منقول

منقول است که هر که در بیت الخلا عطسه کند و حمد الهی را در خاطر بگذراند و محتمل آنست که آهسته گفتن باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که چون کسی عطسه کند باو بگویید یرحمکم الله و او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که صلوات بر رسول و آل آنحضرت و حسنت نزد عطسه کردن و نزد کشتن حیوانات و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که آروغ زدن را بجانب آسمان بلند بکند و فرمود که آروغ نعمت خداست بعد از آن حمد الهی بکنید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که مؤمن آب دهان را بجانب قبله بیندازد و اگر از روی فراموشی بیندازد استغفار بکند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی در نماز عطسه کند الحمد لله بگوید و در حدیث دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطسه کند و تو در نماز باشی بگو الحمد لله و صلی الله علی محمد و آل محمد اگر چه در میان تو و آن شخص که عطسه کرده است دریا باشد

فصل هفتم در مزاح کردن و خندیدن و سرگوشی کردن و آداب صحبت داشتن و راز مجالس را پنهان داشتن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون سه نفر در مجلسی باشند دو تای ایشان با یکدیگر سرگوشی نکنند که موجب اندوه و ایذای آن رفیق دیگر است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که در میان سخن برادر مسلمان سخن بگوید چنانست که خدشه و خراشی در روی او کرده است و در احادیث بسیار منقول است که مجلس ها امانت یعنی آنچه گذشت باید که در جای دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانند که ایشان راضیند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که احدی را نیست که سخنی را که صاحبش پنهان اراده و نقل کند مگر آنکه علمی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر نیکیهای آنشخص باشد و از حضرت رسول منقول است که مجالس امانت مگر مجلسی که در آن خون حرامی ریخته شود یا فرج حرامی را حلال کنند یا مالی را بناحق ببرند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او مزاح و خوش طبعی میباشد و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت از شخصی پرسیدند که خوش طبعی شما با یکدیگر چون است گفت کم است حضرت فرمود که مزاح بکنید که مزاح کردن از نیکی خلقت و موجب خوشحالی برادر مؤمن میشود و بسیار بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مزاح میکردند با شخصی که او را شاد گردانند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خدا دوست میدارد کسی را که

خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که خندیدن
مومن باید که تبسم باشد و صدا نداشته و در حدیث دیگر فرمود که بسیار خندیدن دل را میمیراند و
دین را میکداز د چنانچه آب نمک را میکداز د و فرمود که از نادانیست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث
آن شود و در حدیث حسن دیگر فرمود که زینهار که مزاح مکنید بسیار که آب رو را میبرد و فرمود که چون کسی
را دوست داری با او مزاح مکن و با او مجادله مکن و در حدیث حسن دیگر فرمود که قهقهه کردن از شیطانست
و فرمود که بسیار خندیدن آب رو را میبرد و از حضرت امیر المومنین علیه السلم منقولست که زینهار که مزاح
مکنید که کینها بهم میرسد و دشنام کوچکست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که چون خنده قهقهه
بکنی بعد از فارغ شدن بگو اللهم لا تمقتنی و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که مزاح کردن آب رو را
میبرد و مهابت مرد را بر طرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که مجادله مکن که حسنت را میبرد و خوش طبعی
مکن که باعث جرات مردم میشود بر تو و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلم منقولست که مزاح مکن
که نور ایمانت را میبرد و مروت مردیت را سبک میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت یحیی میگریست و
نمیخندید و آنچه عیسی میکرد بهتر بود از انکه یحیی میکرد و حضرت عیسی میگریست و میخندید و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت داود بحضرت سلیمان میگفت که ای فرزند زینهار که خنده بسیار مکن که بسیار
خندیدن آدمی را فقیر میکند در روز قیامت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که عجب دارم از کسی که
ایمان بجهنم دارد چرا میخندد و حضرت صادق علیه السلم فرمود چه بسیار کسی که بسیار خندد از روی لعب و بازی
در قیامت گریه اش بسیار بود و چه بسیار کسی که بسیار گرید بر گناه خود در بهشت خوشحالی و خنده اش بسیار
باشد از این اخبار و اخبار دیگر چنین ظاهر میشود که مومن میباید که عبوس گرفته نباشد و گشاده رو و
خندان باشد و قدری از مزاح مطلوبست اما بسیار خندیدن و بسیار خوش طبعی کردن مذمومست و
فعل بیخردان و سفیهانست فصل هشتم در سایر آداب مجالست و حقوق اصحاب مجلس با یکدیگر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نیکو مجاورت کن با کسی که مجاورت کند تا مومن باشی و نیکو مصاحبت
کن با مصاحبان خود تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست که بخدمت صادق علیه السلم رفتم فرمود که کی مصاحبت

بود در راه

بود در راه گفتم شخصی از برادران مومن فرمود که چه شد گفتم تا داخل مدینه شده ام جایش را نمیدانم فرمود
که مگر نمیدانی که کسی که چهل گام با کسی مصاحبت کرد حق تعالی از حق او سوال میکند در قیامت و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که همین عیب بس است آدمی را که از عیب هر مردم چیزی چند ببیند که
از خود چشم بپوشد مردم را سرزنش کند بچیزی که خود ترک آن نتواند کرد و آزار کند همنشین خود را
بچیزی که نفعی باو ندهد و حضرت امام محمد باقر علیه السلم فرمود که مردم یا مومنند یا جاهل پس مومن را آزار
نباید کرد و با جاهل بیخردی نباید و اگر نه مثل او خواهی بود و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که از
ما نیست کسی که نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت کند با رفیقان خود و نیکو
نمکخوارگی نکند با کسی که نمک خورده با او و نیکو مهربانی نکند با کسی که او مهربانی کند و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلم منقولست که با منافق بزبان خوش سازکاری بکن و محبت قلبی خود را خالص کن از برای مومنان
و اگر یهودی با تو همنشینی کند نیکو مجالست کن با او و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که مهربانی کن با مردم
تا ترا دوست دارند و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را برای برادر مسلمانش صاف و خالص
میکرداند اول انکه چون باو برخورد بخوشرویی و خوشحالی او را ملاقات کند دویم انکه جا برای او بگشاید چون نزد او
بنشیند سیم انکه بهر نامی که دوستتر میدارد بخواند و فرمود که اظهار دوستی و مهربانی با مردم کردن نصف عقلست
و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلم منقولست که چون کسی را دوست داری دوستی خود را باو اظهار کن که
بیشتر باعث ثبات محبت میشود میان شما و در حدیث صحیح دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله قسمت میکرد
نظرهای خود را میان اصحاب خود که یکی از دیگری بیشتر نظر نمیکردند و هرگز در حضور اصحاب خود پا دراز
نمیکردند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلم منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بکنیت بخوان و چون
غایب باشد نامش را بگو و در میان عجم القاب بجای کنیت است مثل آخوند و آقا و میرزا و نواب و
امثال اینها و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون کسی برادر مسلمان خود را دوست دارد باید که نام او را
و نام پدر و قبیله و خویشانش را بپرسد از او که این از جمله حقوق لازم برادری و دوستی است و اگر نه آن آشنایی
احمقان خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود که عجز سه چیز است یکی آنکه شخصی برای کسی طعامی مهیا کند و او خلف وعده

کند و زود که طعام را بخورد دویم انکه شخصی با کسی مصاحبت و هم نشینی کند و معلوم نکند که کیست و از کجاست یا از
جدا شود سیم انکه کسی با زن خود جماع کند و پیش از انکه زن آب بدهد او آب بدهد بلکه میباید بتانی بکند
و مکث کند تا هر دو با هم آب بدهند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که بسیار پرده از میان خود و برادر مومن
خود بر مدار که باعث برطرف شدن حیاست و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که از روی برادر مومن
کاهی یا خاشاکی یا کثافتی بردارد حق تعالی ده حسنه در نامه عملش بنویسد و هر که تبسم کند در روی برادر مومن حق تعالی
برای او حسنه بنویسد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که هر که خاشاکی یا ماندان از برادر
مومن بردارد او در برابر بگوید اماط الله عنک ما تکره یعنی خدا دور کند از تو آنچه را نمیخواهی و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از انکه کسی بگوید لا و حیوتک و حیات فلان چنانچه در فارسی گویند نه بجان تو
و جان فلان و در حدیث دیگر فرمود که بدترین امت من الجماعتی اند که مردم ایشانرا گرامی میدارند از ترس
بدی ایشان بدرستی که از من نیست هر که چنین باشد و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که ولد الزنا را
چند علامتست اول دشمنی اهل بیت رسالت صلوات الله دویم انکه مایلست بان حرامی که از ان خلق شده است
سیم انکه دین را خفیف و سبک میشمارد چهارم انکه مردم مرا در حضور ایشان آزار میکنند و هیچکس با مردم
بد بر نمیخورد و آزار ایشان نمیکند مگر انکه یا ولد الزناست یا در حیض مادرش با و حامله شده است و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که زنهار که منازعه با مردم مکنید که کرامت را میبرد و مروت را برطرف میکند
و پیوسته جبرئیل مرا نهی میکرد از مجادله با مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن و بت پرستیدن
و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که کینه مومن در همان محل میباشد که نشسته است چون از برادرش
جدا شود دیگر در دلش کینه نمیماند و کینه کافر در تمام عمر میباشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم
منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول آمد و گفت مرا وصیتی بفرما حضرت فرمود که ملاقات کن
برادر مومن خود را با روی گشاده و حضرت صادق علیه السلم فرمود که حد نیکی خلق آنست که مهربانی کنی و
سخنت را نیکو کنی و با مردم بروی خوش برخوری و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خوشحال و خوشرو با
مردم برخوردن کینه را میبرد و حضرت صادق علیه السلم فرمود که سه چیز است که از مکارم دنیا و آخرتست

انکه

اگر عفو کنی از کسی که با تو بیخردی کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که خشمی را فرو خورد خدا عزت او را
در دنیا و آخرت زیاده کرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که هر خشمی را فرو خورد و قادر باشد
که آنرا بعمل آورد حق تعالی دلش را از ایمنی و ایمان پر کند در روز قیامت **فصل نهم** در فضیلت ذکر
خدا در مجالس کردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مبادرت کنید بسوی باغهای بهشت پرسیدند
که کدامست باغهای بهشت فرمود که حلقها و مجمعها که یاد خدا دران کنند و حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه فرمود که در همه جا خدا را یاد کنید که او با شماست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
از هیچ مجلس بر نمیخواستند هر چند اندکی نشسته باشند تا انکه بیست و پنج مرتبه استغفار میکردند و در
احادیث معتبره منقولست از رسول خدا که یاد کننده خدا در میان غافلان مانند کسیست که جهاد کند
در راه هنگام گریختن دیگران و چنین کس ثوابش بهشت است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلم
منقولست که هر مجلسی که دران جمع شوند نیکوکاران و بدکاران و برخیزند و یاد خدا دران مجلس نکرده باشند
ان مجلس در قیامت باعث حسرت و ندامت ایشان خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هر گروهی که مجلسی جمع شوند و دران مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند انمجلس حسرت و وبالست
بر ایشان در روز قیامت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که نوشته است در
توراتی که تغییر نیافته است که حضرت موسی از پروردگار خود سوال کرد که خداوندا مجلسی چند بر من وارد میشود
که ترا عزیزتر و جلیلتر میدانم از انکه ترا در انمجلس یاد کنم حق تعالی در جواب فرمود که یا موسی نام من بردن
و یاد من کردن در همه حال نیکوست و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که حق تعالی فرمود که ای فرزند آدم
مرا یاد کن در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی که بهتر از مجمع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی میفرماید
که هر که مرا یاد کند در میان مجمعی که مومنان باشند من او را یاد کنم در میان مجمع ملئکه و از حضرت امام محمد باقر
منقولست که هر که خواهد در قیامت ثواب کامل بیابد در وقتی که میخواهد برخیزد از مجلس بگوید سبحان ربک
رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که این کفاره
گناهان انمجلس است **فصل دهم** در فضیلت ذکر حضرت رسول و ائمه علیهم السلم در مجالس و مباحثه علوم

ایشان نمودن و احادیث فضایل ایشان را یاد کردن از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر قومی که در مجلسی جمع
شوند و خدا را یاد کنند و ما را یاد نکنند آن مجلس بر ایشان حسرت خواهد بود در قیامت و حضرت امام محمد باقر
علیه السلم فرمود که یاد ما کردن از یاد خداست و یاد دشمن ما کردن از یاد شیطانست و از حضرت صادق علیه السلم منقولست
که حق تعالی را ملکی چند هست که ایشان میگردند در زمین هرگاه میگذرند بر جماعتی که یاد محمد و آل محمد میکنند بیکدیگر
میگویند که بایستید که مطلب خود را یافتیم پس می نشینند و با ایشان شریک میشوند در آن امر پس چون ایشان
برخیزند اگر بیمار شوند بعیادت ایشان میروند و اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر میشوند و اگر غایب شوند جستجوی
ایشان میکنند و در حدیث دیگر فرمود که ملئکه که در آسمانهااند نظر میکنند بسوی یک و دو و سه از شیعیان
که فضیلت آل محمد را ذکر میکنند پس بیکدیگر میگویند که نمی بینید اینجماعت را با کمی ایشان و بسیاری دشمنان
ایشان فضیلت آل محمد را ذکر میکنند پس طایفه دیگر از ملئکه در جواب ایشان میگویند که این فضل خداست بهر که
خواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلم از میسر پرسیدند که
آیا شما شیعیان با یکدیگر خلوت میکنید و از علوم اهل بیت و فضایل ایشان آنچه خواهید میگویید گفت بلی والله
حضرت فرمود که والله که من دوست میدارم که با شما باشم در آن مجالس و الله که من بوی شما و نسیم شما را دوست
میدارم و بدرستی که شما بر دین خدا و ملئکه اید پس یاری کنید ما را در شفاعت خود به پرهیزکاری از محرمات و
سعی در طاعت و در حدیث دیگر فرمود که جمع نمیشوند سه نفر از مومنان یا زیاده مگر آنکه از ملئکه مثل ایشان جمع میشوند
اگر چیزی از خدا می طلبند ملئکه آمین میگویند و اگر پناه بخدا میبرند از شری دعا میکنند ملئکه بخدا میبرند که خدا آن
بدرا از ایشان دور گرداند و اگر حاجتی میطلبند ملئکه از خدا سوال میکنند که حاجت ایشان را برآورد و جمع نمیشوند سه نفر
یا زیاده از انکار کنندگان حق اهل بیت مگر آنکه ده برابر ایشان از شیاطین حاضر میشوند و هر سخنی که میگویند
شیاطین هم مثل سخن ایشان سخن میگویند اگر میخندند با ایشان میخندند و اگر مذمت دوستان خدا
میکنند با ایشان رفاقت میکنند پس اگر کسی از مومنان مبتلا شود بهمنشینی ایشان چون شروع کنند
بمذمت دوستان خدا برخیزد و شریک هم نشین شیطان نباشد که هیچکس تاب مقاومت غضب
خدا ندارد و لعنت خدا را هیچ چیز دفع نمیکند و اگر نتواند که برخیزد بدل انکار کند و اندک ساعتی برخیزد

و باز برگردد

و باز برگردد از حضرت امام موسی علیه السلم منقولست که هیچ چیز شیطان و لشکرهای او را مجروح نمیکند
مثل رفتن برادر مومن بدیدن یکدیگر از برای خدا بدرستی که دو مومن که با یکدیگر برمیخورند و یاد خدا
میکنند پس فضیلت ما اهل بیت را یاد میکنند بر روی شیطان پاره گوشت نمیماند مگر آنکه فرو میریزد
تا آنکه روحش باستغاثه آید از شدت المی که از ایشان میابد پس ملئکه آسمانها و خازنان بهشت بر او
مطلع میشوند و او را لعنت میکنند و هیچ ملک مقربی نمیماند مگر آنکه او را لعنت میکنند پس ناامید و محروم و
مطرود بر زمین می افتد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که زینت دهید مجالس خود را بذکر علی ابن ابی
طالب علیه السلم که در او هفتاد خصلت از خصلتهای پیغمبران هست و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی برای برادرم
علی ابن ابی طالب علیه السلم فضیلتی چند قرار داده که از بسیاری احصای آنها بیان نمیتوان کردن پس هر که
یک فضیلت از فضایل او را ذکر کند از روی اقرار و اذعان گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود
هر چند در قیامت با گناه جن و انس بیاید و هر که یک فضیلت از فضایل او را بنویسد تا علامتی از آن کتابت
باقی باشد ملئکه از برای او استغفار کنند و هر که گوش دهد بفضیلتی از فضایل آنحضرت خدا بیامرزد گناهانی
که بگوش او از کرده است و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضایل آنحضرت در آن نوشته باشد خدا
از او بیامرزد گناهانی که بچشم کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که یک راهی برود برای طلب علم حق تعالی
راهی برای او بگشاید بسوی بهشت و بدرستی که ملئکه بالهای خود را میگذارند برای طلب کننده علم با
رضا و خشنودی و استغفار میکنند از برای طلب کننده علم هر که در آسمان و هر که در زمین است حتی
ماهیان دریا و فضل عالم بر عابد مانند فضل ماهست در شب چهارده بر سایر ستارگان و در حدیث
دیگر فرمود که اف باد بر کسی که در هر جمعه خود را از کارهای دنیا فارغ نسازد برای یاد گرفتن مسایل دین خود
و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی میفرماید مذاکره علم در میان بندگان من دلهای مرده را زنده میکند
در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مذاکره کنید و ملاقات کنید و حدیث نقل کنید که حدیث جلا میدهد دلها
را و بدرستی که دلها زنگ میگیرند چنانچه شمشیر زنگ میگیرد و جلای دلها بحدیث است و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که مذاکره علم ثواب نماز مقبول دارد **فصل یازدهم** در مشوره کردن با برادران و آداب آن از

حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که نفس خود را بخاطرهای اندازد کسی که مستغنی میشود برای خود از رای
دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشوره کن با جماعتی که از خدا بترسند و دوست دار برادران مومن باقدر
پرهیزکاری ایشان و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان بر حذر باش اگر ترا به نیکی امر کنند مخالفت کن
ایشان را تا طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در حدیث دیگر فرمود که من بیزارم از کسی که مسلمانی
با او مشوره کند و آنچه خیر او را در آن داند نگوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر گروهی با یکدیگر مشوره
کنند در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشوره ایشان داخل باشد البته
آنچه خیر ایشانست برایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بعمار ساباطی فرمود که اگر خواهی
که نعمت الهی برای تو مستقیم باشد و مروت تو کامل باشد و زندگانی تو نیکو باشد در امور خود مشوره مکن
با بنده و با مردم دون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مشوره مکن با جبان و ترسان که راه بدر را
بر تو تنگ میکند و مشوره مکن با بخیل که مانع میشود ترا از رسیدن بغایت مقصود خود و مشوره مکن با کسی که
حرص و نیاد داشته باشد که زینت میدهد برای تو هر رایی را که بد تر است و در حدیث دیگر فرمود که یا علی
کسی که طلب خیر از خدا میکند حیران نمیشود و کسی که در کارهای با مردم مشوره میکند پشیمان نمیشود و حضرت
امیر المومنین علیه السلام فرمود که هلاک نمیشود کسی که مشوره کند و در حدیث دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت
امام رضا علیه السلام با آن عقل کامل مشوره میفرمودند با سیاهی از غلامان خود و میفرمود که بسیار باشد که
خدا خیر ما را بر زبان او جاری کند و در احادیث معتبره منقولست که با عاقل و پرهیزکار مشوره
کن و چون چیزی بگوید خلاف آن مکن که مورث فساد دنیا و آخرت تو میشود و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که برادر مومنش با او مشوره کند و آنچه محض خیر او داند نگوید خدا عقل و رایش را برطرف
کند و در حدیث دیگر فرمود که مشوره کردن حدی چند دارد که هر که آنها را نداند مضرت مشوره برای
او بیش از منفعت است اول آنکه کسی که با او مشورت میکند عاقل باشد دوم آنکه آزاد و متدین
باشد سیم آنکه برادر و دوست یار او باشد چهارم آنکه او را بر تمام سر خود مطلع کند که چنانچه جهات
امر را میداند او هم بداند تا پنهان دارد و بکسی نقل نکند زیرا که اگر عاقلست منتفع میشوی بمشوره او

واگر آزاد و دین دارست آنچه حق سعی است میکند در خیر خواهی تو و اگر یار و دوست دارست چون راز خود را
باو گفتی فاش نمیکند و بدانکه از برای فضیلت مشوره و اهتمام در آن همین کافیست که حق تعالی پیغمبر خود را
که اعقل کاینات بود در قرآن مجید امر بمشوره فرموده است وشاورهم في الامر فاذا عزمت فتوكل
على الله یعنی مشوره کن با اصحاب خود در امور پس چون جزم کردی پس توکل کن بر خدا
در آداب نامه نوشتن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جهت بندی و مواصلت میان برادر
مومن در حضر این است که بدیدن یکدیگر بروند و در سفر اینست که نامه بیکدیگر بنویسند و در حدیث صحیح
از آنحضرت منقولست که جواب کتابت نوشتن واجب است مانند جواب سلام گفتن و در حدیث دیگر فرمود
که ترک مکن نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم را اگر چه بعد از آن شعری نویسی و فرمود که مستهای بسم الله الرحمن الرحیم
بهتر از بسیار ضرهایی که میسوزی بنویس و در حدیث موثق از آنحضرت رسیده که در نامه ابتدا باسم آن شخص که
نامه را باو مینویسی بیش از نام کردن چون است فرمود که باکی نیست این اگرامی است که او را میکند و در حدیث
دیگر فرمود که نامه بسحایه بنویسید چون مدت آنحضرت دادند فرمود که چگونه امید دارید که آنچه در نامه نوشته
بعمل آید و حال آنکه ان شاء الله در جایی که مناسب است ننوشته اید پس فرمود که بهر جا که ان شاء الله تعالی لازم
نویس و در روایت صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون نامه را نوشتید خاک بر روی نامه بپاشید
که حاجت بهتر روا میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام علی نقی علیه السلام در اول نامه مینوشتند
بسم الله الرحمن الرحيم اذكر ان شاء الله والامر بيد الله و فرمود که اگر بگویم که کسی که ترک میکند
گفتن و نوشتن بسم الله در کارها و نوشتن ها مثل کسی است که نماز را ترک کند هر آینه راست گفته ام و
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از نامه نوشتن هر کس استدلال بر عقل و بینایی او میتوان کرد و
از رسول و ایلچی او استدلال بر فهم و زیرکی او میتوان کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون رقعه یا نامه برای
حاجتی نویسی و خواهی که آن حاجت برآید بقلم بی مد بر سر رقعه بنویس بسم الله الرحمن الرحيم ان الله
وعد الصابرين المخرج مما يكرهون والرزق من حيث لا يحتسبون جعلنا الله واياكم
من الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون راوی گفت که هر گاه چنین میکردم حاجتم بر آورده میشد

و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند که کاغذها نزد ما جمع میشود آیا با آتش
میتوان سوزاند هرگاه نام خدا در آنها باشد فرمودند که نه بلکه بآب اول بشویید و در حدیث صحیح
دیگر منقولست از حضرت صادق علیه السلام که کاغذها را مسوزانید ولیکن محو کنید و بدرانید
و در حدیث حسن منقولست که از آنحضرت پرسیدند که نامهای خدا را بآب دهان محو میتوان کرد
فرمودند که با کثر چیزی که بیابید محو کنید و از رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کتاب خدا را بپاکترین
آنچه می یابید محو کنید و نهی فرمودند از آنکه بسوزانند قرآن را و از آنکه بقلم محو کنند و در بعضی از نسخها
بجای قلم قدم است

در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن

در گشادگی
خانه در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از سعادت آدمی آنست که خانه او گشاده باشد و در حدیث
صحیح منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام خانه خریدند و یکی از موالی خود را فرمودند که در آنجا ساکن
شو که خانه تو تنگ است آن شخص گفت که این خانه ایست که پدرم احداث کرده است پدر نمیتوانم رفت
حضرت فرمودند که هرگاه پدر تو احمق باشد تو نیز میباید احمق باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که سه چیز است که موجب راحت مومن است خانه گشاده که عیبها و امور خفی او را از مردم پنهان دارد
و زن صالحه که در امور دنیا و آخرت او را یاری نماید و دختری یا خواهری که او را از خانه بیرون کند یا بمردن
یا بشوهر دادن و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که یکی از زندگانی گشادگی خانه و
بسیاری خدمتکاران است و در حدیث دیگر فرمودند که زیادتی لذت دنیا در فراخی خانه و بسیاری
دوستان است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که از شقاوت زندگانی است خانه تنگ
و در روایت دیگر منقولست که شخصی از انصار از تنگی خانه شکایت کرد برسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فرمودند
که با آواز بسیار بلند از خدا طلب کن که گشادگی در خانه تو دهد و در حدیث دیگر فرمودند که از سعادت
آدمی آنست که فرزندش باو شبیه باشد و زن خوش روی دین دار داشته باشد و خانه گشاده داشته
باشد و در حدیث دیگر فرموده که شومی خانه در تنگی ساحت و بدی همسایگان و بسیاری عیبهای آنست
و در حدیث دیگر فرمودند که چهار چیز است که از سعادت است زن صالحه و خانه فراخ و همسایه شایسته

و مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوتست همسایه بد و زن بد و خانه تنگ و مرکب بد و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که از تلخی زندگانی است از خانه بخانه نقل کردن و نان از بازار خریدن
در مذمت تکلف بسیار در خانه کردن و بسیار خانه را بلند کردن و در حدیث صحیح
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که مال را از غیر حلال کسب کند حق تعالی بر او مسلط میگرداند
عمارت کردن خاک و آب را که اموال حرام را در آنجا ضایع کنند و در حدیث دیگر فرمودند که هر کرا بنائی
زیاده بر قدر احتیاج باشد در قیامت و بالش بر صاحبش است و در حدیث دیگر فرمود که هر که
عمارت کند زیاده از آنچه در آن سکنی نماید در قیامت او را تکلیف میکنند که بر دارد و از حضرت
امام علی نقی علیه السلام منقولست که خدا در زمین بقعه چند قرار داده است که آنها را منتقمات میگویند
پس چون کسی مال را از غیر حلال کسب کند خدا یک زمین را بر او مسلط گرداند که آن مال را در آنجا
صرف نماید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیرالمومنین علیه السلام از در خانه شخصی گذشتند
که از آجر ساخته بودند حضرت پرسیدند که این در خانه کیست شخصی گفت از فلان مرد عامل معزول
دیگر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که خانه بنا کند از برای ریا و سمعه
که مردم ببینند و بشنوند در روز قیامت آنخانه را تا هفتم طبقه زمین آتشی کند او در گردن
او اندازند پس او را در جهنم اندازند و هیچ چیز او را نگاه ندارد تا قعر جهنم مگر آنکه توبه کند پرسیدند
یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برای ریا و سمعه چه معنی دارد فرمودند که یعنی زیاده از قدر حاجت بسازد
برای آنکه زیادتی کند بر همسایگانش و فخر و مباهات کند با برادرانش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حق تعالی ملکی را موکل گردانیده است بعمارت که هر که سقف خانه اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند
او میگوید که تا کجا میخواهی بروی ای فاسق و در روایت دیگر ای فاسق ترین فاسقان و در چند روایت
معتبر وارد شده است که هر که سقف خانه اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند جنیان و
شیاطین در آن خانه جا میگیرند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام
که جنیان از آزار اهل خانه و عیال من میکنند حضرت پرسیدند که ارتفاع سقف خانه تو چه مقدار است گفت

ده زرع است حضرت فرمودند که از زمین تا هشت زرع به بنای دار ما بهشت زرع و ده آیة الکرسی بنویس بر دور خانه از آنکه
هر خانه که ارتفاع آن زیاده از هشت زرع است جنیان در آنجا حاضر میشوند و در آن خانه ساکن میکنند و در حدیث
دیگر منقولست که هر خانه که ارتفاعش زیاده از هشت زرع باشد بر سر هشت زرع آیة الکرسی بنویس و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد که جنیان ما را از خانه بدر کرده اند حضرت فرمود که سقف
خانهای خود را هفت زرع کنید و کبوتر در اطراف خانه بهلید راوی گفت چنین کردم دیگر اثری ندیدم و
در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بنا کن خانه خود را هفت زرع که آنچه زیاده از هفت زرع است
شیطان در آنجا ساکن میشود زیرا که شیطان در آسمان و در زمین نمیباشد بلکه در میان هوا میباشد
و در روایت منقولست که ابو خدیجه گفت که در خانه حضرت صادق علیه السلام دیدم که آیة الکرسی بر دور حجره
نوشته بودند

در نقاشی کردن و تصویر کشیدن صورت صاحب روح ساختن که سایه
داشته باشد مشهور میان علما این است که حرام است چنین صورتی را بر دیوار و خانها نقش کردن مکروه است
و بعضی بحرمت قایل شده اند و احوط آن است که طلاکاری نکنند و مطلقا صورت نکشند حتی صورت درخت
و امثال آن خصوصا صورت ایشان که تمام باشد و اگر صورتی کشیده باشند بهتر آن است که او را
ناقص کنند مثل آنکه چشمش را کور کنند یا عضوی از او را محو کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که جبرئیل گفت یا محمد صلی الله علیه و آله پروردگارت سلام میکند و از مثالها و صورتها کشیدن در خانها
و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که جبرئیل گفت که ما گروه ملایکه داخل خانه نمیشویم که در آن سگ باشد یا
صورت جسد یا ظرفی باشد که در آن بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که صورتی
بسازد در قیامت او را عذاب کنند که جان در آن صورت بدمد و نتواند دمید و در حدیث موثق منقولست
که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از بالش و فرشی که صورت در آن باشد فرمود که باکی نیست
که در خانه باشد صورتی که پامال شود و بر رویش نشینند و راه روند و در حدیث حسن از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که باکی نیست که صورتها در خانها باشد اگر سرش را تغییر دهند و سایر بدنش
بحال خود باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که نماز کردن در خانه که صورتی در برابر

تو باشد مگر آنکه چاره نداشته باشی پس سر آن صورت را قطع کن و نماز کن و در حدیث معتبر
از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرا بمدینه فرستادند
که هر صورتی که باشد محو کنم و قبرهای بلند را هموار کنم و سگها را بکشم و در حدیث دیگر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که نماز بر پای قبرها مکنید و صورت در سقف خانها مکشید که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله از این هر چیز کراهت داشتند و در حدیث از آنحضرت پرسیدند از کشیدن
صورت درخت و آفتاب و ماه فرمود که باکی نیست اگر صاحب حیات نباشد

در آداب فرش خانه از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که سه چیزند که از مروت است نیکوی چهارپا
و غلام خوشرو و فرش نفیس و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدمی را فرش برای خود و فرشی
برای زوجه خود و فرشی برای مهمان در کار است و زیاده از این از شیطان است و در روایت دیگر منقولست
که در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بالشها و نمدها بود که در آن مثالها و شکلها و صورتها بود
بر روی آنها می نشستند و در حدیث دیگر منقولست که جمعی بخانه آنحضرت آمدند و بالشها و فرشهای
نفیس دیدند عرض کردند که ما در منزل شما چیزی چند می بینیم که خوش نمی آید ما را حضرت فرمود
که ما زنان میخواهیم و مهرهای ایشان را میدهیم ایشان آنچه میخواهند برای خود میخرند اینها از ما
نیست و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت دید که در خانه
مزینی نشسته اند فرشهای نیکو در آن گسترانیده اند پس روز دیگر رفت دید که در خانه نشسته اند
که بغیر از حصیر چیزی در آن نیست و خود پیراهن کنده پوشیده اند پس حضرت فرمود که آنچه دیروز
دیدی آن خانه از من نبود از زوجه من بود دیروز نوبه او بود و در حدیث صحیح منقول است که شخصی
بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که شخصی می نشیند بر فرشی که در آن صورتها هست فرمود که عجمان
تعظیم میکنند چنین فرشی را و ما آنرا دشمن میداریم و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از حضرت امام موسی پرسیدند
از فرش حریر و دیبا آیا بر روی او میتوان خوابید و تکیه کرد و نماز کرد حضرت فرمود که در زیر می اندازی
و بر رویش میایستی اما سجده بر آن نمیکنی و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام

در تابستان بر روی حصیری می‌نشستند و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامه‌های کهنه میپوشیدند
و چون بیرون می‌آمدند برای مردم زینت میکردند و در روایت معتبر منقولست که چون حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام را تزویج میکردند فرش ایشان عبائی بود و فرش ایشان پوست
گوسفندی بود و بالش ایشان پوستی بود که در میانش لیف خرما پر کرده بودند و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت صادق علیه السلام فرمود که بسیار است که نماز میکنیم و در پیش روی بالشی هست که در آن صورت
که در آن صورت مرغان هست پس جامه بر روی آن بالش می‌اندازیم و نماز میکنیم و فرشی چند از شام برای من هدیه
آوردند و در آن صورت مرغان نقش کرده بودند فرمودم که سرهای ایشان را تغییر دادند بصورت
درخت کردند و در حدیث دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که گاه هست که فرشها نزد یک
ما میگسترانند که در او صورتها هست حضرت فرمود که چیزی را که فرش کنند و پهن کنند و بر رویش
راه روند باکی نیست اما صورتها که بر دیوار و کرسی نصب کنند خوب نیست

در آداب

عبادت کردن در خانه در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
حجره در خانه مقرر فرموده بودند که در آنجا غیر از فرش و حصیری و مصحفی دیگر چیزی نبود و در آن حجره نماز
میکردند و در حدیث موثق دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حجره در خانه خود قرار داده
بودند که نه بسیار بزرگ از برای نمازگاه خود چون شب میشد طفلی را با آن حجره میبردند و نماز میکردند
و در حدیث موثق دیگر منقولست که آنحضرت نوشتند بسمع که دوست میدارم از برای تو که در خانه
خود نمازگاهی قرار دهی و در جامه کنند و هر وقت باین موضع بروی و از خدا سوال کنی که ترا از آتش جهنم
آزاد کند و ترا داخل بهشت کند و دعا ها شروع کن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که منور گردانید خانهای خود را بتلاوت قران و خانهای خود را مثل گور مکنید چنانچه یهودی و نصاری میکردند
که نماز را در معبدهای خود میکردند و خانهای خود را معطل میگذاشتند و بدرستی که خانه که در آن تلاوت
قران بسیار شود خیر آن خانه بسیار میشود و اهلش برفاهیت و نعمت میباشند و آنخانه روشنی
میدهد اهل آسمان را چنانچه ستارها روشنی میدهند اهل زمین را و در حدیث حسن از حضرت صادق

علیه السلام منقولست که خانه که مسلمانان در آن قران خوانند اهل آسمان آن خانه را بیکدیگر می‌نمایند و از
حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خانه که در آن قران خوانده میشود و یاد خدا در آنخانه کرده
میشود ملائکه حاضر میباشند و شیاطین دور میشوند و روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستارها اهل
زمین را روشنی میدهند و خانه که در آن قران خوانده نشود و یاد خدا در آنخانه نکنند برکت آنخانه کم
میشود و ملائکه دوری میکنند و شیاطین در آنخانه حاضر میباشند

در نگاه داشتن

حیوانات در خانه خصوصا خروس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حیوانات در خانه خصوصا
کبوتر و خروس نگاه دارید که شیاطین بآنها مشغول شوند و باطفال شما ضرر نرسانند و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که خوب است حیوانات در خانه نگاه داشتن مثل کبوتر و مرغ و دزنالة تا آنکه
اطفال جنیان با ایشان بازی میکنند و با اطفال شما بازی نکنند و در حدیث معتبر دیگر منقولست
که شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله شکایت کرد از تنهائی حضرت فرمود که یک جفت کبوتر در خانه نگاه دار
و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کبوتر از مرغان پیغمبران است و در
حدیث حسن دیگر فرمود که کبوتران حرم از نسل کبوتری چند اند که حضرت اسمعیل علیه السلام نگاه داشته
بودند و با آنها انس میگرفتند پس مستحب است که در خانه کبوتری چند نگاه دارند که با ایشان چینه میداده
باشند که با آنها انس میگیرند و در حدیث دیگر فرمود که هر خانه که در آنجا کبوتران باشند آفتی از جن با اهل آنخانه
نمیرسد زیرا که بچه‌دان جن بازی میکنند در خانه چون کبوتر در خانه هست مشغول آن میشوند و متوجه آدمی نمیشوند و در حدیث دیگر
فرمود که کبوتر در خانه نگاه دارید که دوست داشتنی است و دعا کرده حضرت نوح است و هیچ چیز در خانه مثل
آن باعث برکت نمیشود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر بال که کبوتر میزند باعث نفرت و گریختن شیاطین
میشود و در روایت دیگر از داود بن فرقد منقولست که گفت در خانه حضرت صادق علیه السلام کبوتر
زاغی که بسیار میخواند حضرت فرمود که میدانی این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود که نفرین
میکند بر قاتلان حضرت امام حسین علیه السلام پس ایشان را در خانه خود نگاه دارید
و در حدیث دیگر فرمود که راوی گفت که بخدمت آنحضرت رفتم دیدم که از برای چند کبوتر که در خانه

آنحضرت بودند نان ریزه میکردند و در حدیث دیگر از عبد الکریم منقولست که گفت رفتم بخانه آنحضرت دیدم که سه کبوتر سبز در خانه آنحضرت بود عرض کردم که اینها خانه را کثیف میکنند حضرت فرمود که مستحب است نگاه داشتن اینها در خانه و در حدیث دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله یکجفت کبوتر سرخ بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چاهی کنده بودند خبر دادند بآنحضرت که جنیان سنگ در آن چاه می اندازند حضرت آمدند بر سر آن چاه ایستادند و فرمودند که دست از این عمل بردارید و اگر نه کبوتر در اینجا جا میدهم پس فرمودند که صدای بال کبوتر شیاطین را دفع میکند و از محمد بن کرامه منقولست که گفت بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام رفتم بجهت کبوتر در منزل حضرت دیدم که کبوتر نر سبز بود و نقطه‌های سفید داشت و کبوتر ماده سیاه بود و حضرت نان از برای آنها ریزه میکردند و فرمودند که اینها در شب حرکت میکنند و مونس منند و هر مرتبه در شب که بال میزنند جنیان و شیاطین را که داخل خانه شده اند دفع میکنند و در چند حدیث از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کبوتر را که بجای دور میفرستند تا سی فرسخ را از روی دانایی بر میگردد و آنچه زیاده از این است از روی دانایی نیست بلکه نان خورش و تقدیر او را می آورد و در چند حدیث منقولست که کبوتر خانگی یا کبوتر یاهو یاد خدا بسیار میکنند و اهل بیت را دوست میدارند و صاحب خانه را دعا میکنند که خدا شما را برکت دهد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خروس بال کشاده سفیدی که در خانه باشد آنخانه و هفت خانه دور آنخانه را از بلا نگاه میدارد و یکبال زدن کبوتر بهتر از هفت خروس سفید است و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید یار من و یار هر مؤمنی است و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در خروس پنج خصلت از خصلتهای پیغمبران است سخاوت و شجاعت و شناختن وقت نمازها و بسیار جماع کردن و غیرت و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که فریاد کردن خروس نماز است و بال زدنش رکوع و سجود است و از حضرت

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دشنام مدهید خروس را که از برای نماز مردم را بیدار میکند

فصل هفتم نگاه داشتن گوسفند و بز در خانه در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که یک گوسفند نگاه دارند خدا روزی آن گوسفند را میدهد با ایشان و روزی ایشان را زیاده میکند و فقر و پریشانی از ایشان یک منزل دور شود و اگر دو گوسفند نگاه دارند خدا روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاده کند و پریشانی از ایشان دو منزل دور شود و اگر سه گوسفند نگاه دارند حق تعالی روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاد کند و پریشانی از ایشان در اصل برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که نزد ایشان گوسفند شیرده ای باشد هر روز دو مرتبه ملایکه با ایشان گویند که خدا شما را برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مومنی که در خانه او یک بز شیرده باشد هر روز یکمرتبه ملکی در طرف صبح ایشان را دعا کند که مطهر و پاک باشید شما و خدا برکت دهد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد نان خورش شما و اگر دو بز شیرده باشد هر روز دو مرتبه ملک چنین دعا کند و در حدیث معتبره منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با عمه خود فرمود که چه مانعست ترا از آنکه در خانه خود برکتی نگاه داری گفت یا رسول الله برکت کدام است فرمود که گوسفندی که شیر دهد پس فرمود که هر که در خانه او گوسفند شیرده باشد یا بز یا گاو شیرده باشد باعث برکت خانه او شود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی سه برکت فرستاده است آب و آتش و گوسفند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر اهل خانه که سی گوسفند هر شب بر در اهل ایشان شود ملایکه نگاهبانی ایشان میکنند تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند نگاه دار و شتر نگاه مدار و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نیکو مالیست گوسفند و در حدیث دیگر فرمود که چون گوسفند نگاه دارید خوابگاه ایشان را پاکیزه کنید و خاک از بدنش پاک کنید

فصل هشتم در بیان احوال سایر طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن ایشان روا است یا روا نیست در حدیث معتبر منقولست که فاخته در خانه حضرت امام محمد باقر علیه السلام بود روزی آنحضرت شنیدند که او خوانندگی میکرد فرمود که میدانید چه میگوید گفتند نه فرمود که میگوید فقدتکم فقدتکم یعنی نیست شوید نیست شوید پس فرمود که ما آنرا دفع کنیم پیش از آنکه او ما را دفع کند پس فرمود که آنرا کشتند و در حدیث دیگر

منقولست که روزی حضرت صادق علیه السلام بخانه اسمعیل فرزند خود آمدند دیدند که فاخته در قفس کرده است
و فریاد میکند حضرت فرمود که ای فرزند چه باعث شده است ترا که این فاخته را نگاه داشته این
مگر نمیدانی که شومست مگر نمیدانی که نفرین میکند صاحب خانه را پس اذیت کنید پیش از آنکه او
شما را اذیت کند و در حدیث معتبر منقولست که روزی حضرت صادق علیه السلام نشسته بود دید شخصی گذشت و
پرستک کشته در دست داشت حضرت برجستند و آنرا از دست او گرفتند و بر زمین زدند و فرمودند
که آیا عالم شما امر کرده است شما را که این مرغ را بکشید یا فقیه شما بدرستیکه خبر داد مرا پدرم از جدش که
رسول خدا نهی فرمود از کشتن شش جانور مگس عسل و مورچه و وزغ و صرد و هدهد و پرستک اما مگس
عسل زیرا که پاکیزه میخورند و پاکیزه از او جدا میشود و آن چیزیست که خدا باو وحی کرده است که نه از
جن است و نه از انس در آنجا که فرموده است واذ اوحی ربک الی النحل و اما مورچه زیرا که قحطی
در زمان حضرت سلیمان بهم رسید و بطلب باران آنحضرت با اصحاب خود بیرون رفتند ناگاه
مورچه را دیدند که بر پا ایستاده و دست بآسمان دراز کرده و میگوید پروردگارا ما از جمله
آفریدهای توییم و از روزی تو بی نیاز نیستیم پس روزی بده بما از نزد خود و ما را مگیر بگناهان بیخردان
از فرزندان آدم پس حضرت سلیمان گفت که برگردید که حق تعالی بدعای دیگری شما را باران داد و اما
وزغ زیرا که چون نمرود علیه اللعنه آتش برای حضرت ابراهیم علیه السلام افروخت جانوران زمین از خدا
رخصت طلبیدند که بر آن آتش آب بریزند حق تعالی هیچیک را رخصت نفرمود بغیر از وزغ پس دو ثلث
آن از آتش سوخت و یک ثلث آن باقی ماند و اما هدهد زیرا که او دلیل حضرت سلیمان بود بسوی
ملک بلقیس و اما صرد مرغیست که سر بزرگی دارد و گنجشک را شکار میکند زیرا که رهنمای حضرت آدم بود
از بلاد سراندیب تا بلاد جده یکماه و اما پرستک زیرا که گردیدن او در هوا برای تأسف و اندوهی است
که بر مظلومیت اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم دارد و تسبیحش خواندن سوره حمد است مگر نمی بینی
که در آخر خواندن خود میگوید ولا الضالین و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت موسی علیه السلام
پرسیدند از کشتن مورچه حضرت فرمود که مکش مگر آنکه ترا آزار کنند و پرسیدند از کشتن هدهد که

آزارش کند مکش و ذبح مکن که نیکو مرغیست آن و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از کشتن پنج جانور صرد و صوام که مرغیست در میان نخلستان میباشد
و معروفست و هدهد و مگس عسل و مورچه و وزغ و امر فرمودند بکشتن پنج جانور کلاغ و کورکوره و مار
و عقرب و سگ درنده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ماری را بکشد
چنانست که کافری را کشته است و در حدیث موثق منقولست که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند
از کشتن مار حضرت فرمود که هر که مار را بکشد از برای اینکه کشتن آن گناه است از من نیست اما
اگر از برای این بکشی که حیوانیست و بتو آزاری نمیرساند باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه حیوانی را در آتش بسوزانند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی عذاب
فرمود زنی را از برای آنکه گربه را بسته بود تا آنکه از تشنگی مرده بود و در حدیث معتبر منقولست که باکی نیست
بکشتن مورچه خواه آزارت بکند و خواه نکند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پرستک را
حرمت بدارید که زیاده از همه مرغان انس بمردم میگیرد و در ذکری که میکند سوره حمد میخواند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در هر بال هدهد بزبان سریانی نوشته است که آل محمد خیر البریه
یعنی آل محمد بهترین خلایقند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مخورید قبره را و دشنام
مدهید و مدهید باطفال که بازی کنند که تسبیح خدا بسیار میکند و تسبیحش اینست که لعن الله مبغضی
آل محمد علیهم السلام یعنی خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را و در حدیث دیگر از حضرت علی بن الحسین علیه السلام
منقولست که آن کاکلی که بر سر قبره است از دست مالیدن حضرت سلیمان بهم رسیده است زیرا که
روزی نری بر ماده خود خواست که جمع شود و ماده مضایقه میکرد نر گفت که میخواهم فرزندی بهم رسد که
خدا را یاد کند پس ماده راضی شد و چون خواست که تخم بگذارد نر گفت که تخم را کجا میگذاری ماده گفت که
میخواهم که دور از راه بگذارم نر گفت که اگر نزدیک راه بگذاری بهتر است که اگر کسی ببیند گمان کند که
برای دانه چیدن باینجا آمده پس چنین کرد چون نزدیک شد که بچه بیرون آورد ناگاه دیدند که حضرت
سلیمان با لشکرش می آیند و مرغان بر سرش سایه کرده اند ماده گفت که اینک سلیمان با لشکرش رسید

ومیترسم که ما و تخم ما را پامال کنند زن گفت که حضرت سلیمان مرد رحیم مهربان است آیا نزد تو چیزی هست که از
برای جوجه خود پنهان کرده باشی گفت بلی ملخی دارم که از تو پنهان کرده‌ام برای جوجه خود آیا تو چیزی برای
جوجه خود ذخیره کرده زن گفت بلی من خرمایی دارم ماده گفت که پس تو خرمای خود را بردار و من ملخ
را بر میدارم و هر دو بخدمت حضرت سلیمان میرویم و هدیهٔ خود را میگذرانیم و حاجت خود را عرض
میکنیم و سلیمان هدیه را دوست میدارد پس نر خرما را در منقار گرفت و ماده ملخ را بچنگال گرفت و
هر دو پرواز کردند و به نزد حضرت سلیمان آمدند و آنحضرت بر روی تخت خود نشسته بود چون ایشان
را دید دستها را گشود نر بر دست راست آنحضرت نشست و ماده بر دست چپ و حضرت از حال
ایشان سؤال فرمود قصه خود را نقل کردند سلیمان هدیهٔ ایشان قبول نمود و لشکر خود را از جانب تخم ایشان
بجانب دیگر گردانید و دست بر سر ایشان مالید و دعا کرد برای ایشان ببرکت پس باین سبب ایشان کاکل
بر سر ایشان بهم رسید و در چند حدیث معتبر وارد شده است که جوجه را از آشیانها شکار مکنید بلکه بگذارید که پرواز
کنند بعد از آن ایشان را شکار کنید و شب بر سر آشیانه مرغان مروید که ایشان را شکار کنید که شب در امان
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که باکی نیست که شب مرغان را از آشیانها
بگیرند لهذا علما گفته‌اند که مکروه است شب مرغ را در آشیان شکار کردن و جوجه را از ایشان گرفتن
و همچنین حیوانات را در شب کشتن مکروه است و در حدیث دیگر منقولست که در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام تعریف حسن طاوس میکردند حضرت فرمود که هیچ حیوانی حسنش زیاده از خروس سفید
نیست و خروس خوش آوازتر از اوست و برکتش بیشتر است و ترا آگاه میکرداند در وقت
و طاوس نفرین و ویل و عذاب بر خود میکند بآن گناهی که کرده و بآن سبب مسخ شده است و در حدیث
دیگر منقولست که طاوس یمانی بخدمت حضرت امام جعفر علیه السلام آمد حضرت از او پرسید که تو طاوسی
او گفت بلی حضرت فرمود که طاوس مرغ شومی است که بساحت هیچ گروهی داخل نمیشود مگر
آنکه ایشان را آواره میکند و در حدیث دیگر منقولست که سالم بخدمت آنحضرت رفت چون نشست
جمعی از کنجشکها فریاد میکردند حضرت فرمود که میدانی چه میگویند گفت نه فرمود که میگویند خدایا

ما آفریده‌ای چندیم از آفریدهای تو و چاره نیست ما را از روزی تو پس طعام و آب بده ما را و در
حدیث دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در چنین حالی فرمودند که اینها تسبیح
پروردگار خود میگویند و طلب روزی خود از خدا میکنند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که جغد در زمان سابق در خانها جا میگرد و در وقت طعام خوردن نزدیک خوان می‌آمد
و طعام به نزدش میریختند و میخورد و چون حضرت امام حسین صلوات الله علیه را شهید کردند
از آبادانی بیرون رفت و در خرابها و کوهها و صحراها جا گرفت و گفت بد امتی هستید شما و فرزند
پیغمبر خود را میکشید من ایمن نیستم از شما که مرا بکشید و در چند حدیث از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که تا حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کردند جغد در روز ناپیدا نمی‌شود و همین در شب ظاهر
میشود و از آن روز باز چیزی نمیخورد که در آبادانی جا نگیرد و پیوسته روزها روزه میباشد و اندوهناک
و چون شب میشود افطار میکند و پیوسته ناله و گریه میکند بر حضرت امام حسین علیه السلام تا صبح و در
حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که اگر نه این بود که مگس بر طعام مردم می‌نشیند هر آینه همه کس بخوره
مبتلا می‌شدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون مگس در ظرف طعام یا
آب بیفتد آنرا غوطه دهید و بیندازید که در یک بالش زهر است و در بال دیگرش شفاست
و آن بال زهرآلود را در آب و طعام فرو میبرد شما آن بال دیگر را هم فرو برید که ضرر نرساند

فصل نهم در منع از نگاه داشتن سگ در خانه در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که مکروه است که در خانه مرد مسلمان سگ بوده باشد و در حدیث موثق از
آنحضرت منقولست که هیچکس نیست که سگی در خانه نگاه دارد مگر آنکه هر روز از ثواب اعمالش
یک قیراط کم میشود و در حدیث صحیح از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که خیری نیست در سگها
مگر سگ شکاری یا سگ گله و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نگاه مدار سگ شکاری را در خانه
مگر آنکه میان تو و آن دری باشد که بر روی آن بسته شود و در حدیث موثق دیگر فرمود که سگهای
که تمام بدن ایشان سیاه است از جن اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سگها از ضعیفان

جن اند هرگاه طعام خورید و سگی حاضر باشد یا طعامش بدهید یا دورش کنید که بد
دارند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سگی که سیاه یکرنگ یا سفید یکرنگ یا سرخ یکرنگ بد
اینها از جن اند و سگهای ابلق مسخ شده اند از جن و انس و در حدیث صحیح از ابو حمزه منقولست که
در خدمت حضرت امام جعفر علیه السلام بودم در میان مکه و مدینه ناگاه آنحضرت ملتفت شدند بجانب چپ
سگ سیاه یکرنگی دیدند فرمودند که چیست ترا قبح کرداند ترا چه بسیار تند میروی ناگاه دیدم که
شبیه بمرغی شد و پرواز کرد پرسیدم که این چه چیز بود فرمود که این عثیم نام دارد و پیک جنیانست
در این ساعت هشام مرده است و پرواز میکند بهر شهری و خبر مرگ او را میرساند و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله رخصت دادند جماعتی را که خانهای ایشان دور باشد از آبادانی که
سگ نگاه دارند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از پی شکاری بسیار مروید که
بهم ضررست بر شما چون صدای سگ و فریاد خر را بشنوید پناه ببرید بخدا از شر شیطان رجیم زیرا که اینها
می بینند چیزی که شما نمی بینید و در حدیث موثق منقولست که حیوانات را بکشید مگر کجک اند حق خوب
نیست مگر سگ که بباز ند بر حیوانات برای شکار کردن و در احادیث معتبر وارد شده است که هر حیوانی
را که سگ تعلیم کرده شکار کند اگر بر سر او جان داشته باشد آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته باشد حلالست
اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و هر چه را حیوانات دیگر شکار کنند یا سگی شکار کند که آنرا
شکار کردن نیاموخته باشند اگر بر سر او وقتی که جان داشته و از آن کشتی حلالست و اگر نه حرامست و هر حیوانی
که شکار کنی به تیر پیکان دار یا به تیر بی پیکان که در بدنش فرو رود و آنرا بکشد اگر بر سر او جان داشته باشد
آنرا ذبح کن و اگر جان نداشته باشد اگر نام خدا برده در وقت انداختن حلالست و همچنین اگر بشمشیر و
نیزه و حربهای دیگر شکار کنید این حکم دارد و اگر بسنگ یا تفنگ یا کمان گلوله و سایر چیزهایی که آهن ندارد
بسنگینی میکشد شکار کنی اگر وقتی برسی که جان داشته باشد و بکشی حلالست و اگر نه حرامست و در حدیث معتبر
از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که شکاری که سگ سیاه یکرنگ کند مخورید زیرا که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چنین سگی را بکشند و علما حمل بر کراهت کرده اند و همچنین نهی وارد شده است

از خوردن

از خوردن شکاری که سگی بکند که یهودی یا نصرانی یا مجوسی آنرا تعلیم کرده باشد و این نهی را نیز حمل بر کراهت
کرده اند و همچنین مکروه است ماهی شکار کردن در روز جمعه پیش از نماز و در شکار ماهی شرط است
که آنرا زنده از آب بدر آورند و در بیرون آب بمیرد و اگر در میان آب بمیرد حرامست و باید که مسلمان
بدر آورد و اگر کافر بدر آورد مسلمان آنرا بگیرد و در دست مسلمان بمیرد حلالست و همچنین اگر ماهی
خود برکنار افتد و مسلمان آنرا بگیرد و زنده باشد حلالست و اگر نه بیند که زنده است و دست نگرفته بمیرد
خلافست و احوط اجتنابست و شکار مانع بان میشود که مسلمان آنرا بدست خود یا آلت شکار بگیرد و ملخی
که پرواز نیامده باشد حلال نیست و بدانکه شکار لهو لعب کردن که مطلب از آن سیر کردن باشد و زینت
وا انداز ند جایز نیست و نماز در چنین سفری تمام میباید کرد و اگر مطلب روزی عیال یا تجارت باشد
حلالست و نماز را قصر میکند و روزه را میخورد و این رساله گنجایش ذکر مفصل احکام شکار ندارد و از
محلش طلب باید کرد **فصل دهم** در آداب چراغ افروختن و خانه خریدن در احادیث معتبر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چراغها را در شب خاموش کنید که آن فاسقک یعنی موش فتیله
را نکشد که آتش در خانه اندازد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهار چیز است که ضایع میشوند
و کسی از آنها منتفع نمیشود یکی چراغ در مهتاب روشن کردن و در حدیث دیگر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که پنج چیز است که ضایع میشوند چراغی که در آفتاب روشن کنند روغن ضایع میشود و
از روشنائیش منتفع نمیتوان شد و بارانی که بر زمین شوره زار ببارد و باران ضایع میشود
و از زمین نفعی حاصل نمیشود و طعامی که شخصی در آن تکلف کند و نزد کسی بیاورد و او سیر باشد
و منتفع نشود و زن خوشروئی را که عروس کنند و برای شوهر عنین ببرد و نیکی بشخصی بکند که
شکر نکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چراغ روشن کردن پیش از غروب
آفتاب پریشانی را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که کراهت دارد که شخصی داخل خانه تاریک شود مگر آنکه در پیش روی او چراغی
یا آتشی افروخته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون چراغ بادرون خانه بیاورند

این دعا بخواند اللهم اجعل نوراً امشی به فی الناس ولا تحرمنا نورک فی یوم تلقاک واجعل لنا
نوراً انک نور لا اله و چون چراغ را خاموش کند این دعا بخواند اللهم اخرجنا من الظلمات
الی النور و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خانه بخرد سنت است که
ولیمه و مهمانی بکند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که خانه بسازد پس گوسفند فربهی
بکشد و گوشتش را بمردم پریشان بخوراند پس بگوید اللهم ادحر عنی مردة الجن والانس والشیاطین
وبارک لی فی بنائی حق تعالی رفع ضرر متمردان جن و الانس و شیاطین از او بکند و آنخانه ساختن
را برای او مبارک گرداند فصل یازدهم در بیان سایر آداب خانه در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه منقولست که کراهت دارد که آدمی در خانه شب بروز آورد که در آن پرده نداشته باشد
و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی حفظ و حمایت خود را از ایشان برمیدارد
کسی که در خانه شکسته نازل شود و سکنی نماید و کسی که در میان راه نماز کند و کسی که چهارپای خود را سر دهد
و بندی بر آن نگذارد و کسی بر آن نگمارد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ساحتهای خانه خود را
جاروب کنید و شبیه مشوید به یهود که ایشان جاروب نمیکنند و در روایت معتبر از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه منقولست که خاکروبه خانه را شب در خانه مگذارید و بیرون برید که شیطان در آن جا میگیرد
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خانه را جاروب کردن پریشانی را برطرف میکند و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که خانه شیطان در خانهای شما جاییست که عنکبوت می تند و در حدیث موثق از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که دهان ظرفهای آب و طعام را ببندید که شیطان در بسته و ظرف سر
بسته را نمیگشاید و چراغ را خاموش کنید که موش در خانه شما آتش نیندازد و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت رسول در تابستان که از خانه بیرون می آمد برای خوابیدن در روز پنجشنبه بیرون می آمد
و چون هوا سرد میشد داخل خانها میشد برای خوابیدن در روز جمعه داخل میشد و در حدیث صحیح از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که بر روی قبری بول یا غایط کند یا ایستاده بول کند یا در
خانه تنها بخوابد یا با دست آلوده یا طعام بخوابد شیطان او را بگیرد و دیوانه کند و دست از او بر ندارد

و در هیچ

و در هیچ جایی شیطان بر آدمی استیلا ندارد مانند این احوال بدرستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بجنگی میرفتند بوادی رسیدند که در آن جن بسیار بودند میان اصحاب خود ندا کردند که هر دو تا دست
یکدیگر را بگیرید و داخل این وادی شوید و هیچکس تنها نرود یکشخص تنها رفت و او را صرع گرفت
بحضرت خبر دادند حضرت انگشت مهین او را گرفتند و فشردند و گفتند بسم الله اخرج
خبیث انا رسول الله پس آن شخص صرعش زایل شد و برخواست و در حدیث
دیگر منقول است که آنحضرت از شخصی پرسیدند که در کجا فرود آمده گفت در آن موضع حضرت
فرمود که آیا در آنجا کسی با تو هست گفت نه حضرت فرمود که در خانه تنها مباش و از آنجا بجای
دیگر نقل کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی جرات ندارد مثل آنکه در خانه تنها باشد و در
حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دستمال گوشت را شب در بیوت مگذارید که
آن جایگاه شیطان است و خاکروبه را بپشت در جمع مکنید که آن جایگاه شیطان است و
چون بدر حجره خود برسید بسم الله بگوئید که شیطان میگریزد و چون داخل حجره شوید سلام
بکنید که برکت نازل میشود و ملائکه انس میگیرند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خاکروبه
را در خانها شب مگذارید و در روز بیرون برید که جای نشستن شیطان است و از حضرت امیر المومنین
علیه السلام منقولست که پاک کنید خانهای خود را از تار عنکبوت که گذاشتن در خانه باعث فقر و پریشانی
میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شستن ظرفها و جاروب کردن خانها
و ساحت اندرون و بیرون خانها روزی را زیاد میکند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که
تنیدن عنکبوت را و خاکروبه را در خانه گذاشتن باعث پریشانی میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که دستمالی که دست را از آن پاک کرده اند و آلوده بطعام و چربیست شب در بیوت مگذارید
که آن جایگاه شیطان است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ظرفهای خود را بی سرپوش مگذارید
که آن ظرفی را که سرش را نمی پوشانند شیطان در آن آب دهن می اندازد و از آنچه در آن هست
آنچه خواهد برمیدارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهارپایان و اطفال و یاران خود را محافظت

نماید بعد از آفتاب فرو رفتن تا وقت خفتن که در این ما بین شیطان بر ایشان مستولی میشود و
در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه کسی در خانه همسایه نظر کند و در حدیث
دیگر فرمود که حق تعالی شش خصلت را برای من نخواسته است و من نمیخواهم برای امامان از فرزندان
من و شیعیان ایشان با دست در ریش و جامه خود بازی کردن در نماز و فحش گفتن در روزه
و منت گذاشتن بعد از تصدق و جنب بمسجد ها رفتن و در قبرستان خندیدن و بر خانهای
مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقولست که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حجره بعضی از زنان
بودند شخصی از رخنه درگاه در آن حجره نگاه کرد حضرت فرمود که اگر نزدیک میبودم چشمت را کور
میکردم **فصل دوازدهم** در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که بعد از غروب آفتاب اول شب از خانه بیرون مروید که خدا را خلقی چند هست که در این وقت
پهن میشوند در زمین و آنچه میفرماید میکنند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که
چون از خانه بیرون روی بگو بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله
لا حول و لا قوة الا بالله چون این را بگویی ملایکه بر روی شیاطین میزنند و
ایشان را از تو دور میکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه کسی از خانه بیرون آید و بگوید
بسم الله ملایکه با او میگویند که سلامت ماندی پس چون بگوید لا حول و لا قوة الا بالله ملایکه با او
میگویند که کارهایت ساخته شد پس چون بگوید توکلت علی الله ملایکه با او میگویند که از بلاها نگاه
داشته شدی و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که چون پدرم از خانه بیرون می
آمد این دعا میخواند بسم الله الرحمن الرحیم خرجت بحول الله و قوته لا بحولی و قوتی بل
بحولک و قوتک یا رب متعرضا لرزقک فأتنی به فی عافیة و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقولست که چون کسی داخل خانه شود بر اهلش سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد
بگوید السلام علینا من ربنا و چون داخل خانه میشود سوره قل هو الله احد بخواند که فقر و پریشانی
را برطرف میکند و چون کسی خواهد پی حاجتی برود بامداد روز پنجشنبه برود و آیات سوره آل عمران را
را برطرف میکند و چون کسی خواهد پی حاجتی برود

که پیش

فی مسائل علی

که پیش گذشت ان فی خلق السموات و الارض تا انک لا تخلف المیعاد بخواند و آیة الکرسی و سوره
انا انزلناه و سوره حمد بخواند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون از خانه بیرون
روی بگو بسم الله توکلت علی الله ما شاء الله لا قوة الا بالله اللهم انی اسئلک خیر ما خرجت
له و اعوذ بک من شر ما خرجت الیه اللهم اوسع علی من فضلک و اتمم علی
نعمتک و استعملنی فی طاعتک و اجعل رغبتی راغبا فیما عندک و توفنی علی ملتک
و ملة رسولک صلی الله علیه و آله و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که در وقت بیرون آمدن از در خانه این دعا بخواند خدا گناهانش را بیامرزد و توبه اش را
قبول کند و کارهایش را بسازد و او را از بدیها و شرور نگاه دارد اعوذ بما عاذت به ملائکة الله
و رسله من شر هذا الیوم الجدید الذی اذا غابت شمسه لم تعد من شر نفسی
و من شر غیری و من شر الشیاطین و من شر من نصب لاولیاء الله
و من شر الجن و الانس و من شر السباع و الهوام و من رکوب المحارم کلها
اجیر نفسی بالله من کل سوء و شر و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هر که از خانه بیرون رود ده مرتبه سوره قل هو الله بخواند پیوسته در حفظ و حمایت الهی باشد تا
بخانه خود برگردد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که در وقت بیرون رفتن از خانه
این دعا بخواند اللهم بک خرجت و لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکلت اللهم
بارک لی فی یومی هذا و ارزقنی فوزه و فتحه و نصره و طهوره و هداه و برکته
و اصرف عنی شره و شر ما فیه بسم الله و بالله و الله اکبر و الحمد لله رب العالمین
اللهم انی خرجت فبارک لی فی خروجی و انفعنی به و در حدیث حسن از آنحضرت
منقولست که چون آدمی از خانه بیرون آید الله اکبر بگوید سه مرتبه پس بگوید بالله اخرج و بالله
ادخل و علی الله توکلت سه مرتبه پس بگوید اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر و اختم
لی بخیر و قنی شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم

چون این دعا بخواند پیوسته در ضمان حق تعالی باشد تا برگردد بآن مکان که در آنجا بوده است
و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند
حق تعالی کارهای دنیا و آخرت او را برآورد بسم الله حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی
اسئلک خیر اموری کلها واعوذ بک من خزی الدنیا وعذاب الآخرة و در روایت
دیگر منقولست که چون از حجره بیرون می آمدند این دعا میخواندند بسم الله خرجت و علی الله توکلت
لا حول و لا قوة الا بالله و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که در وقت بیرون
آمدن از خانه نگین انگشتر خود را بکف دست بگرداند و در آن نظر کند و سوره انا انزلناه بخواند و بگوید
آمنت بالله وحده لا شریک له آمنت بسر آل محمد وعلانیتهم در آن روز نبیند چیزی
که مکروه او باشد و در روایت دیگر منقولست که در وقت بیرون آمدن از خانه بگوید بسم الله و بالله
و لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله پس سوره حمد و قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی
هر یک را از جانب پیش رو و پشت سر و جانب راست و جانب چپ و بالای سر و پایین بخواند
و در وقت داخل شدن خانه بگوید بسم الله و بالله واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له واشهد ان محمدا عبده و رسوله پس سلام بر اهل خانه بکند و اگر کسی در خانه نباشد بعد از آن
دعا بگوید السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة الهادین المهدیین
السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که ضامنم برای کسی که تحت الحنک بسته از خانه بیرون رود و انکه سلامت بخانه برگردد و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون بطلب حاجت بیرون روید روز بروید که شب
حاجت برآورده نمیشود **باب سیزدهم** در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن
و تجارت و زراعت نمودن و چهارپایان نگاه داشتن **فصل اول** در سوار شدن اسب
واستر والاغ وانواع هر یک از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از سعادت آدمی است که چهارپایی
راهواری داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهارپا نگاه دارید که زینت شماست

و کارهای شما بآن ساخته میشود و روزیش با خدا است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که از بدی
زندگانیست چهارپای بد داشتن و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که چهارپایی بخرد سوارش از او است و
روزیش با خدا است و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت مومنست که چهارپایی داشته باشد که برای حوائج خود
و کارسازی برادران مومن بر آن سوار شود و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود بیونس بن
یعقوب که الاغی نگاه دار که بار ترا بردارد و بدرستی که روزیش با خدا است راوی گفت الاغی خریدم
و چون سه سال شد حساب خرج خود کردم هیچ زیاده نشده بود و در روایت دیگر منقولست که
حضرت امام موسی علیه السلام از ابن یعفور پرسیدند که بر چه چیز سوار میشوی گفت بر الاغی فرمود
که بچند خریده گفت به سیزده اشرفی حضرت فرمود که این اسرافست که الاغی بخری باین قیمت و
یابوی نخری گفت خرج یابو بیشتر است فرمود که آنکسی که خرج الاغ را میرساند خرج یابو را هم میرساند
مگر نمیدانی که هر که اسبی نگاه دارد و انتظار خروج ما اهل بیت را بکشد و دشمن ما را بخشم آورد بنگاه
داشتن آن اسب حق تعالی روزیش را برساند و سینه را گشاده گرداند و آرزویش را برآورد
و یاور او است بر حوائج او و در روایت دیگر منقولست که روزی حضرت امام موسی علیه السلام
بر استری سوار شدند شخصی از مخالفان گفت که این چه چهارپاست که سوار شده که از پی دشمن نمی
توانی دواند و بر روی آن جنگ نمیتوانی کرد حضرت فرمود که رفعت و سرفرازی اسب را ندارد و
مذلت الاغ ندارد و بهترین امور وسط آنها است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بر بندد
اسب پدر و مادر عربی هر روز از نامه عملش سه گناه محو شود و یازده حسنه نوشته شود و هر که
اسبی ببندد که یکی از پدر و مادرش غیر عربی باشد هر روز دو گناه از نامه عملش محو شود و
هفت حسنه برای او نوشته شود و هر که یابویی ببندد و برای زینت خود و برآوردن کارهای
خود یا دفع دشمن خود هر روز یک گناه از نامه عملش محو شود و شش حسنه برای او نوشته شود
و در روایت دیگر از رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خیر و نیکی بر پیشانی اسبان بسته است تا روز
قیامت و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر که نگاه دارد اسب سرخ موی

که در پیشانیش سفیدی بسیاری یا کمی بوده باشد و اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده باشد و چهار دست و
پایش سفید باشد بهتر است نزد من پس خانه که چنین اسب دران خانه باشد فقر و پریشانی داخل
آن خانه نمیشود و مادام که آن اسب در ملک آن شخص داخل است ظلم در آن خانه داخل نمیشود و از حضرت
امام محمد تقی صلوات الله علیه منقولست که هرکه از خانه خود یا خانه دیگری بیرون آید در اول روز اسب آل
پیشانی سفید را به بیند که در دست و پایش هم سفیدی باشد در آن روز بغیر از خوشحالی نه بیند و اگر سفیدی
پیشانیش تا پایین آمده باشد پس نهایت خوشحالی در آن روز او را رو دهد و اگر پی کاری رود و چنین
اسبی را به بیند آن حاجتش برآورده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین چهار اسب از
یمن هدیه آوردند برای حضرت رسول پرسیدند که در میان اینها اسبی هست که نشان سفیدی
داشته باشد حضرت امیر المومنین فرمودند که بلی اسب آل نشانه دار هست فرمود که آن را برای من
نگاه دار باز فرمود که دو کهر نشانه دار هست فرمود که از برای حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله
علیهما نگاه دار پس فرمود که چهار اسب سیاه یکرنگ هست فرمود که آنرا بفروش و قیمتش را صرف
عیال خود کن که مبارکی و میمنت اسب در نشانهای سفید است و گویا در این حدیث مراد
نشان سفید دست و پا باشد و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که در چهار پایان یکرنگ بودن کراهت
دارد و نشان سفید در پیشانی است و نشانهای سفید در استر و الاغ کراهت دارد مگر آنکه سفیدیش تا
بینی کشیده باشد و آنهم در خوب نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین چهار پایان
نزد من الاغ است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که میمنت اسب در سرخ و در سیاه پیشانی
سفید است که دو دست و پایش سفید باشد و دست راستش سفیدی نداشته باشد و از زعفرانی
و لال چهار پا منقولست که حضرت صادق علیه السلام از من طلبیدند استر سیاهی که زیر شکم و میان پایش
و دهانش سفید باشد **فصل دویم** در آداب نگاه داشتن و رعایت حقوق چهار پایان
در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چهار پا را بر صاحبش شش حق هست باید
که ابتدا کند بعلف دادن آن چون فرود آید و هرگاه که بآب برسد آب را براو عرض کند که اگر خواهد بخورد

ابرو دلش

د بر نه ولیش چیزی نزند که تسبیح پروردگار خود میگوید و بر روی آن سواره نایستد مگر وقتی که
جهاد کند در راه خدا و زیاده از توانایی آن بارش نکند و تکلیف رفتار قدران بکند که طاقت
داشته و از حضرت صادق علیه السلام مثل این منقولست و زیاده براین فرمود که بر رویش داغ نکند
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که هرکه چهارپایی در سفر برد چون فرود آید اول از آب
و علف بدهدش از آنکه خود چیزی بخورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که سه کس بر یک چهارپا ردیف
نشوند که یکی از ایشان ملعونست یعنی آنکه پیش نشسته است و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت شتری را
دیدند که بار بر پشتش و پایش بسته است فرمود که صاحب این شتر را بگوید که مستعد باشد که
این شتر در قیامت با او خصومت خواهد کرد و در حدیث معتبر منقولست که قطار شتری از پیش حضرت
صادق علیه السلام گذشت دیدند که بار یک شتری کج شده است بصاحب شتر گفتند که عدالت کن بر
این شتر که خدا عدالت را دوست میدارد و در احادیث معتبره منقولست که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام بیست حج کردند بر شتری یک تازیانه بران نزدند و در احادیث معتبره منقولست که هیچ صاحب
روحی را چیزی بر رویش مزنید که تسبیح پروردگار میگویند و هر چیز را حرمتی است و حرمت حیوانات
در رویهای ایشانست و از ابوذر رضی الله عنه منقولست که چهار پایان میگویند که خداوندا مالک نیکویی بما
کرامت فرما که رفق و مدارا کند با ما و نیکی کند بما و آب و علف بما بخوراند و عنف و تعدی بر ما
نکند و بد و سند معتبر از حضرت امام جعفر و امام موسی صلوات الله علیهما منقولست که هر دابه که صاحبش
خواهد بر او سوار شود در آن وقت میگوید اللهم اجعله بی رحیما یعنی خداوندا او را بمن مهربان گردان
و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی دید ابوذر رضی الله عنه را که در دین
الاغ خود را آب میدهد از او پرسیدند که مگر کسی نداری که برای تو این الاغ را آب بدهد گفت شنیدم
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود که هیچ دابه نیست مگر آنکه هر صبح و شام از خدا سوال میکند که خداوندا
روزی کن مرا صاحب شایسته که مرا از علف سیر و از آب سیر گرداند و زیاده از توانایی مرا تکلیف
نکند باین سبب میخواهم که خود آنرا آب بدهم و در حدیث موثق از صفوان شتردار منقولست که گفت

شتری از برای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام خریدم بهشتاد درهم و چون بخدمت
آنحضرت بردم فرمود که آیا کجاوه میتواند برداشت پس کجاوه بران بار کردم و بحضرت
عرض کردم حضرت فرمود که اگر مردم بدانند که حق تعالی چهارپایان ضعیف را چگونه توانائی
باربرداشتن میدهد هرآینه هرگز چهارپای گران نخرند و در حدیث دیگر از ابن ابی یعفور منقولست
که حضرت صادق علیه السلام دیدند که من پیاده راه میروم فرمود که چرا سوار نمیشوی گفتم شتر من
ضعیف است میخواهم که بارش سبک باشد فرمود که مگر نمیدانی که شتر ضعیف و قوی هر دو را
خدا تاب و توانائی باربرداشتن میدهد و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که بر کوهان هر شتری شیطانی نشسته است از ایشان کار فرمایید و نرم کنید و نام خدا بران ببرید
در وقت سوار شدن و بار کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر شتری که
هفت مرتبه او را بحج برند و در موقف عرفات حاضر شود البته حق تعالی آنرا از چهارپایان بهشت
گرداند و در حدیث دیگر پنج و در حدیث دیگر سه هم وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که بر شتر بارداری سوار شود و خود را از آن بیندازد و در وقت پایین آمدن بمیرد
داخل جهنم شود و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه که چهارپا در زیر کسی بسر درآید و صاحبش باو
بگوید تعست یعنی هلاک شوی چهارپا میگوید تعس اعصانا للرب یعنی هلاک شود هر که
نافرمانی پروردگار خود بیشتر کرده است و در دو حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که اگر دابه رم کند او را بزنید و در سر آمدن مزنید او را در حدیث دیگر فرمود که
بر روی چهارپا پا بر روی یکدیگر مگذارید یا آنکه بیکجانب میل مکنید و پشتش را مجلس مکنید
که ایستاده بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتی که راه نرود فرود آیید و چون خواهید که راه
روید سوار شوید و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که حیوانات از چهار چیز غافل
نمیباشند پروردگار خود را میشناسند و مرگ را میدانند و نر و ماده را میشناسند و چرا
گاه خوب را میدانند و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که در چه وقت دابه را بزنیم برای

ادبی

رمش فرمود که اگر بان روشی که در وقت جو رو بطویله خود میرود نرود از این

فصل پنجم

در آداب زین و لجام بدانکه احوط و اولی آنست که زین و لجام هیچیک از طلا و نقره نباشد و سنت است
که بالش میان زین و ارتوک که بر روی اسب اندازند و قطیفه که بر روی شتر اندازند و سوار شوند حریر
نباشد و سرخ نباشد و زنان را بر زین سوار شدن کراهت شدید دارد و در احادیث معتبر وارد
شده است که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آنست که زنان بر زین سوار شوند
و بروایت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که جایز نیست زنان را سوار شدن بر زین مگر از برای
ضرورت یا در سفر و در حدیث صحیح منقولست که زین مرکب ملعونست برای زنان و بسند معتبر از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند که آیا سوار
میتوان شد بر اسبی که زین و لجام آن نقره باشد فرمود که اگر روکش باشد که از آن جدا شوان کرد
باکی نیست و اگر چنین نباشد سوار نمیتوان شد و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که حلقه بینی ناقه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله از نقره بود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که
حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که زنهار که سوار مشوید میثره سرخ که
آن از چیزهایی است که شیطان بران سوار میشود میثره بالش زین است و بالشی است که بر روی
جهاز شتر میگذارند و بر روی آن سوار میشوند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام زین
العابدین علیه السلام بر قطیفه سرخ سوار میشدند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام
پرسیدند از پوست حیوانات درنده مانند پوست ببر و پلنگ و شیر حضرت فرمود که بر روی
آنها سوار میتوان شد اما در وقت نماز نمیتوان پوشید و در احادیث معتبره از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم یکی سوار شدن بر الاغ جل کرده
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در بینی هر چهارپایی شیطانی هست چون خواهید که لجام
کنید بسم الله بگویید و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر چهارپایی که چموشی
کند در وقت لجام کردن و غیر آن یا رم کند در گوشش اگر بگذارد و اگر نه بران بخوانید این آیه را

فغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه
ترجعون **فصل چهارم** در ادعیه و آداب سواری بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که چون کسی بر چهارپایی سوار شود و بسم الله بگوید ملکی ردیف او میشود و او را نگاه میدارد
تا فرود آید و اگر در وقت سوار شدن بسم الله نگوید شیطانی ردیف میشود و باو میگوید خوانندگی بکن
اگر نتواند خوانندگی کرد باو میگوید که آرزوهای باطل محال بکن پس او پیوسته در آرزوهاست تا پایین آید
و فرمود که هر که در وقت سواری بگوید بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله الحمد لله الذی هدانا
لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدینا الله سبحان الذی سخر لنا هذا وما
کنا له مقرنین البته محفوظ باشد خود و چهارپایش تا فرود آید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
سوار شود و آیة الکرسی بخواند پس بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه
اللهم اغفر لی ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب الا انت حق تعالی بملائکه خطاب فرماید که
بنده من میداند که گناهان را بغیر از من نمی آمرزد کسی پس گواه باشید که گناهان او را آمرزیدم
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چون سوار شوید بر چهارپایان خدا را یاد کنید و
بگوید سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون و از علی
بن ربیعه منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چون پا در رکاب گذاشتند گفتند بسم الله
پس چون در پشت سوار شدند این دعا خواندند الحمد لله الذی کرمنا وحملنا فی البر والبحر
ورزقنا من الطیبات وفضلنا علی کثیر ممن خلق تفضیلا سبحان الذی سخر
لنا هذا وما کنا له مقرنین پس سه مرتبه سبحان الله و سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه الله
اکبر فرمودند پس این دعا خواندند رب اغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت و
در روایت دیگر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام پا در رکاب میگذاشتند میفرمودند
سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین و هفت مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه
الحمد لله و هفت مرتبه لا اله الا الله میگفتند و در روایت دیگر منقولست که چون آنحضرت سوار

میشدند این دعا میخواندند بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله سبحان الذی سخر لنا
هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که بر کوهان
هر شتری شیطانی هست چون سوار آن شوید چنانچه خدا فرموده است بگوید سبحان الذی
سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین و در حدیث معتبر منقول است که چون چهارپای حضرت
امیر المؤمنین بسر در می آمد یا پایش میلغزید این دعا میخواندند اللهم انی اعوذ بك من
زوال نعمتك ومن تحویل عافیتك ومن فجاءة نقمتك و در حدیث دیگر منقولست که
شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد که دابه من کهکیر است و در هنگام
رفتار یکدفعه می ایستد حضرت فرمود که این آیه را در گوشش بخوان اولم یروا انا
خلقنا لهم مما عملت ایدینا انعاما فهم لها مالکون وذللناها لهم فمنها
یاکلون و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که لازم است که سواره باخبر
کند پیادگان را که بایشان ضرر رساند چهارپایش و فرمود که روزی حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام سوار شدند جمعی پیاده با حضرت روان شدند فرمود که آیا کاری دارید گفتند نه
ولیکن میخواهیم در رکاب تو راه رویم فرمود که برگردید که راه رفتن پیاده با سواره باعث
غرور و فساد سواره و موجب مذلت و خواری پیاده است و در حدیث دیگر از عبد الله بن عطا
منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفتم فرمود که دو چهارپا برای ما
زین کن پس زین الاغی و استری زین کردم و استر را پیش بردم که آنحضرت سوار شوند فرمود که
الاغ را پیش آر که بهترین چهارپایان نزد من الاغست و استر را خود سوار شو پس الاغ را آوردم
و رکاب را گرفتم چون سوار شدند گفتند الحمد لله الذی هدانا للاسلام وعلمنا القرآن
ومن علینا بمحمد صلی الله علیه و آله والحمد لله الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین و
انا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمین پس روانه شدند در اثنای راه دیدم که
الاغ شوخی در رفتار میکرد حضرت خود را به پیش زین چسبانیدند عرض کردم که یا ابن رسول الله

مگر شما را ازاری هست فرمود که نه رسول خدا الاغی داشت که اورا عفیر مینامیدند وچون سوار
ان میشدند از شادی انکه الحضرت براو سوار شده است شوخی در رفتار میکرد که دوشهای
مبارک الحضرت را بحرکت می آورد و الحضرت خودرا به پیش زین می چسبانیدند و میفرمودند
اللّهمّ لیس منّی ولکن ذا من عفیر یعنی خداوندا این از من نیست ولیکن این خیلا وتبختر
از عفیر است من نیز چنین کردم ای عزیزان تفکر کنید که ان بزرگواران از خیلا و نخوت رفتار
الاغ اندیشه داشتند وبدرگاه خدا عذر می طلبیدند پس انکه بر اسبهای تازی خوش رفتار با ان نخوت
و غنج و دلال سوار میشوند و بر اسبان و زمین برفتار خود منت می نهند و غیر خود کسی را موجود نمیشمارند
چگونه عذر خواهند خواست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ایا شرم نمی کند که شما بر
روی چهارپای خود خوابند کی میکنید وان در زیر شما تسبیح پروردگار خود میگوید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه منقولست که فرمود که هرگز چهارپای من بسر در نیاید زیرا که هرگز من بر روی زراعت کسی آنرا نراندم و کشت
زار کسی را پامال نکردم **فصل پنجم** در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث این فصل در آداب
کفش و جامه پوشیدن گذشت و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که تند راه
رفتن حسن مؤمن را میبرد و در حدیث حسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که زنان باید در کنار
راه بروند و در میان نروند و در حدیث دیگر فرمود که سزاوارتر هست در میان جاده راه رفتن از
پیاده و پابرهنه راحق است بمیان راه از کسی که کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقولست که
حضرت امام زین العابدین علیه السلام چنان بهمواری راه میرفتند که گویا مرغ بر سر الحضرت نشسته است
و میترسند که پرواز کند و دست راست الحضرت بر دست چپ پیشی نمیگرفت و در حدیث معتبر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه راه رود بر زمین از روی خیلا و تکبر لعنت کند اورا زمین و
انچه در زمین است و انچه بالای زمین است و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه که گوشی امت من از
سایلان در وقتی که از ایشان چیزی طلبند و از روی تبختر راه روند پروردگار من بعزت خود سوگند
خورده است که ایشان بیکدیگر عذاب کند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه امت من در رفتار تبختر کنند

در دستها باشند و خدمت ایشان کنند غلامان فارس و روم در میان فتنه و فساد باشد بر یکدیگر
شمشیر کشند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه با عصا راه رود از روی تواضع و شکستگی در سفر
و حضر بهر گامی برای او هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه محو شود و هزار درجه برای او بلند شود و در
حدیث دیگر فرمود که عصا بدست بگیرید که از سنتهای پیغمبران است و بنی اسرائیل صغیر و کبیر و جوان و پیر
ایشان عصا در دست میگرفتند تا انکه خیلا و تکبر نکنند در راه رفتن و فرمود که بر داشتن عصا پریشانی
را برطرف میکند و شیطان نزدیک او نمی آید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که اگر عاقلی
باید که بهر جانب که متوجه شوی اول نیت خودرا درست کنی و غرض صحیحی برای خود قرار دهی
و نهی کنی نفس را از انکه امر نامشروع را منظور داشته باشد و باید که در راه رفتن پیوسته در فکر و
اندیشه باشی و در هر قدمی از عجایب صنع الهی عبرتی بگیر و در رفتار تبختر نکنی و دیده خود را بپوشی
از چیزی که در دین خدا پسندیده نیست و پیوسته مشغول ذکر خدا باشی بدرستیکه مواضعی که
دران ذکر خدا کرده می شود شهادت میدهند برای او و در قیامت و استغفار میکنند برای او
تا داخل بهشت شود و در راه با مردم بسیار سخن مگو که خلاف ادب است و اکثر راهها کمین گاه
شیطان است از مکر او غافل مباش چنان کن که رفتن و برگشتن در طاعت خدا باشی و
رفتارت برای چیزی باشد که موجب خوشنودی خدا است بدرستیکه جمیع حرکات تو در
نامه عملت نوشته میشود **فصل ششم** در نگاه داشتن شتر و گاو و گوسفند و در حدیث
معتبر منقولست که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند که کدام مال بهتر است فرمود که زراعتی
که آدمی بکارد و در وقت درو کردن حق خدا بدهد گفتند بعد از زراعت کدام مال بهتر است
فرمود که شخصی که گوسفندی چند داشته باشد و در هر جا که آب و علف باشد انها را بچراند و نماز را
بجا آورد و زکوة مال خود را بدهد گفتند که بعد از گوسفند کدام مال بهتر است [illegible]
شام شیر میدهد گفتند که بعد از گاو کدام مال بهتر است فرمود که انها که پا در گل فرو برده اند
و در خشک سال میوه میدهند یعنی درختان خرما پس فرمود که نیکو مالیست درخت خرما هرکه آنرا

بفروش قیمتش از بابت خاکستری است که بر سر کوه بلندی در باد تندی رها کنی مگر آنکه بعوض آن درخت
خرمای دیگر بخری پرسیدند که بعد از درخت خرما دیگر کدام مال بهتر است حضرت جواب نفرمودند
شخصی گفت که چرا شتر نفرمودید فرمود که شتر را مشقت و تعب روزی از منزل هست و صبح خرج
میخواهد و شام خرج میخواهد و در حدیث فرمود که گوسفند وقتی که رو میکند و گاو وقتی که رو میکند
رو کرده است و وقتی که پشت میکند رو کرده است و شتر همسایه شیطان است اگر رو میکند پشت
کرده است و اگر پشت میکند پشت کرده است یعنی که وقتی که خوب است هم برای صاحبش ضرر
دارد و نفع ندارد گفتند یا رسول الله آنچه شما در باب شتر فرمودند که نگاه خواهد داشت آنرا
فرمود که همیشه بدبختان و فاجران هستند که آنرا نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که نه عشر روزی
در تجارت است و یکعشر آن در نگاه داشتن گوسفند و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بنگاه داشتن
گوسفندان که هر که بامداد و پسین نفعشان بشما میرسد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که شتر باعث
عزت اهلش است و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق علیه السلام بصفوان شتردار فرمود که
شتری برای من بخر و باید که بدصورت نباشد که عمرش درازتر است و در حدیث دیگر منقولست که
فرمود که شتران سیاه بدصورت بخر که عمرشان درازتر میباشد و در حدیث معتبر منقولست که شتران
سرخ مو مخرید که عمرشان کوتاهتر میباشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از میان قطار شتر بر
مروید زیرا که هیچ قطار شتری نیست که در میان هر دو شتر شیطانی هست و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت امام زین العابدین علیه السلام برای اکرام خود شتری بصد اشرفی میخریدند و سوار میشدند و در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که یکی از حاملان عرش بصورت گاو است
از شرم سر در زیر افکنده و بان سبب هر گاوی چنین شد و از شرم نگاه بجانب آسمان نمیکنند
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مخورید گوشت و شیر شتری را که فضله آدم میخورده و شور
ان میشوید تا آنکه چهل روز او را علف بدهید و علما خوردن گوشت و شیرش را حرام میدانند و سوارش
را مکروه میدانند و این حکم را در هر حیوان دیگر هم و پاک کردن آنها بان میشود که علف پاک بخورند با آنها

مدت

مدت چند که برای هر یک مقرر شده است و در کتابهای علما مذکور است **فصل هفتم** در آداب
خریدن و نگاه داشتن حیوانات در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که
چهارپایی بخرد بر جانب چپ آن بایستد و موی پیشانیش را بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند
سوره حمد و قل هو الله و معوذتین و آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره و آخر سوره
بنی اسرائیل قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره و آیة الکرسی پس چون چنین کند آن چهار
پا امان یابد از جمیع آفتها و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون کنیزی خواهی هی
بخری بگو اللهم انی استشیرک واستخیرک و چون خواهی بخری بگو اللهم قدر لی اطو
لهن حیوة واکثرهن منفعة وخیرهن عاقبة و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر علیه السلام
از حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کرد که آیا دابه را بر رویش میتوان داغ کرد فرمود
که باکی نیست یعنی حرام نیست اما مکروه است چنانچه در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق علیه السلام
پرسیدند از داغ کردن حیوانات فرمود که در غیر رویشان داغ میتوان کرد و در حدیث دیگر فرمود که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه حیوانات را در رویشان داغ بکنند یا چیزی بر رویشان بزنند زیرا
که تسبیح پروردگار میگویند و در حدیث از آنحضرت پرسیدند از داغ کردن روی گوسفند فرمودند که داغ را
در گوش ایشان بزنید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در وقت دوشیدن شیر حیوانات اندکی شیر
در پستان بگذارید تا زود شیر جمع شود در پستان که اگر تمام را بدوشید شیر دیرتر بیرون می آید و در حدیث دیگر
فرمود که خوابگاه گوسفندان را پاک کنید و آنچه از بینی ایشان می آید پاک کنید و نماز در طویله آنها بکنید که گوسفند
از حیوانات بهشت است و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که صفیر مکنید برای گوسفندان در وقت
رفتن صدا نزنید ایشان را برای برگشتن و در حدیث معتبر منقولست که از آنحضرت پرسیدند
از خصی کردن حیوانات فرمود که باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کراهت
دارد خصی کردن حیوانات و بجنگ انداختن آنها با یکدیگر و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در راهی گذشت که حیوانی نری را بر ماده میکشیدند در میان راه حضرت رو

کردانیدند و فرمودند که سزاوار نیست که چنین کنند که این منکر و قبیح است بلکه باید این را جایی اندازند که
که مردی و زنی نه بینند و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که دنبه گوسفند را
زنده میتوان برید فرمود که اگر غرض تو این باشد که مال خود را باصلاح آوری باکی نیست اما آن دنبه
میته است و از آن منتفع نمیتوان شد و بدان که مشهور میان علما موافق احادیث معتبره آنست که
اگر بره و بزغاله شیر خوک را بخورد آنقدر که گوشت و استخوانش از آن بسته شود گوشت آن حرامست
و هرچه از گوسفندان معلوم باشد که نسل آنند حرامست و هرچه معلوم نباشد حلالست و اگر چنین شیری
خورده باشد و باین حد نرسیده باشد گوشت و شیر آن مکروه است و کراهتش باین برطرف میشود
که اگر هنوز شیرخوار باشد هفت روز شیر گوسفندی را بخورد و اگر از شیر باز کرده باشند آنرا هفت روز
علف و دانه حلالی بآن بخورانند و در حدیث صحیح منقولست که شخصی عرضه بحضرت امام علی نقی علیه السلام
نوشت که زنی بزغاله ماده را شیر داده است بعد یکه از شیر باز کرده است آنرا الحال از آن بزغاله بزی
بهم رسیده است و شیرش را میتوان خورد در جواب نوشتند که فعل مکروهی کرده است و باکی نیست
بخوردن شیر آن **فصل هشتم** در بیان مجمل احوال و اقسام حیوانات و در احادیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هیچ مرغی و حیوانی در دریا و صحرا شکار کرده نمیشود مگر آنکه آن تسبیحی که دارد
ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع وحشیان و مرغان و درندگان با یکدیگر مخلوط بودند تا آنکه فرزند آدم
برادرش را کشت پس از یکدیگر نفرت کردند و گریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کرد و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت یعقوب بفرزند خود گفت زنا مکن که مرغی میکند پرهایش میریزد و حضرت امام حسین
صلوات الله علیه منقولست که چون کرکس فریاد میکند میگوید که ای فرزند آدم هر روش که
زندگانی میکنی آخر مرگست و باز که صدا میکند میگوید که ای دانای پنهانها و ای دفع کننده بلاها
و طاوس میگوید که بر خود ظلم کردم و مغرور بزینت خود شدم پس بیامرز مرا و دراج میگوید
الرحمن علی العرش استوی و خروس میگوید که هرکه خدا را شناخت یاد او را فراموش نمیکند
و مرغ خانگی میگوید ای خداوند حق تویی و گفته تو حق است و باشه میگوید ایمان آوردم بخدا و روز

قیامت و کبوتر کوره میگوید که توکل کن بر خدا تا ترا روزی دهد و عقاب میگوید هرکه اطاعت خدا
کند بدبخت نمیشود و شاهین میگوید سبحان الله حقا حقا و جغد میگوید دوری از مردم انس
بیشتر است و کلاغ میگوید که روزی دهنده بفرست روزی حلال و کلنگ میگوید که خداوندا نگاه
دار مرا از شر دشمن من و لک لک میگوید که هرکه از مردم تنها شد از آزار ایشان نجات یافت
و اردک میگوید که خداوندا آمرزش ترا میخواهم و هدهد میگوید چه بسیار شقاوت کسی که معصیت
خدا کند و قمری میگوید ای دانای پنهان درهای خدا و دبسی میگوید که شبپره بقمری و سرخ
رنگ تویی خداوند خداوندی غیر از تو نیست ای خدا و گنجشک میگوید که طلب آمرزش
میکنم از خدا از هرچه که خدا را بخشم آورد و بلبل میگوید لا اله الا الله حقا حقا و کبک میگوید که نزدیکست
حق نزدیکست و سمانا میگوید ای فرزند آدم چه غافلی از مرگ و فاخته میگوید یا واحد یا احد یا فرد یا صمد و
سبز قبا میگوید مولای من آزاد کن مرا از آتش جهنم و هوجه میگوید مولای من قبول کن توبه
گناهکاران را و کبوتر خانگی میگوید که گناه مرا بنما مرزی شقی و بدبخت خواهم بود و شترمرغ میگوید که
معبودی بغیر از خدا نیست و پرستک سوره حمد میخواند و میگوید ای قبول کننده توبه توبه کاران
ای خدا ترا است حمد و بره میگوید که مرگ بسست برای پند گرفتن و بزغاله میگوید که مرگ زود بمن
رسید و گناهم سنگین و بسیار شد و شیر میگوید که در امر بندگی خدا بسیار اهتمام میباید کرد
و گاو میگوید دست از گناه بدار که در پیش خداوندی هستی که او را نمی بینی و او همه را می بیند و
خداوند عالمیانست و فیل میگوید که برای مرگ قوت و چاره سودی نمیدهد و یوز میگوید یا
عزیز یا جبار یا متکبر یا الله و شیر میگوید منزه است پروردگاری که ذلیل کننده جبارانست و شتر
میگوید منزه است پروردگار ما منزه است او و گرگ میگوید که چیزی را که خدا حفظ
کند هرگز ضایع نمیشود و شغال میگوید عذاب و ویل برای گناهکاریست که بر گناه خود مصر باشد و
سگ میگوید بسست معصیتهای خدا برای خواری و خرگوش میگوید هلاک مکن مرا ای خدا ترا است
حمد و روباه میگوید دنیا خانه فریبست و آهو میگوید نجات ده مرا از آزار و کرگدن میگوید بفریاد من رس

اکر نه هلاک میشوم و پلنک میکوید منزهست پروردکاری که بسیار عزیز است بمحض قدرت خود
شتر مینکیم او را و مار میکوید چه بسیار بدبخت است کسی که ترا نافرمانی کند ای خداوند بخشنده و
عقرب میکوید که بدی چیز موحشی است پس حضرت فرمود که هیچ خلقی نیست مکر انکه از تسبیحی هست
چنانچه خدا فرموده است که ان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم یعنی
هیچ چیز نیست مکر انکه خدا را تسبیح میکوید و بحمد و ثنای او ملتبس است و لیکن شما تسبیح ایشان را نمی
فهمید و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که حیواناتی که مسخ شده اند دوازده صنف اند اما فیل
پادشاهی بود که زنا و لواطه میکرد و خرس مرد اعرابی بود بادیه نشین که دیوثی میکرد و خرکوش زنی بود که با
شوهر خود خیانت میکرد و غسل حیض و جنابت نمیکرد و شب پره خرماهای مردم را می دزدید و سهیل
مردی بود که در یمن عشاری میکرد و زهره زنی بود که مردم میکویند که هاروت و ماروت از او
فریب خوردند و میمون و خوک جماعتی بودند از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار کردند و اما سوسمار
و چلپاسه کروهی بودند از بنی اسرائیل که در زمان حضرت عیسی علی نبینا علیه السلام چون مایده از آسمان
نازل شد ایمان نیاوردند و مسخ شدند پس یک کروه ایشان بدریا رفتند و دیکری بصحرا و اما
عقرب مرد سخن چینی بود و اما زنبور قصابی بود که ترازو دزدی میکرد و در روایت دیکر منقولست
که خرس مردی بود که مردم با او عمل قبیح میکردند و سوسمار مرد اعرابی بود که مال حاجیان را می دزدید
و عنکبوت زنی بود که شوهر خود را سحر میکرد و عموص مرد سخن چینی بود که در میان دوستان
جدایی می افکند و مار ماهی دیوث بود و شب پره خرما از سر درخت می دزدید و میمون یهود اند
که ماهی در شب شکار کردند و خوک جماعتی اند که ایمان بمائده آسمان نیاوردند و از حضرت امام
رضا علیه السلام منقولست که موش کروهی از یهود بودند که خدا بر ایشان غضب کرد و پشه شخصی بود
که استهزا به پیغمبران میکرد و شپش از حسد مسخ شد در روزی پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل
نماز میکرد و یکی از بیخردان بنی اسرائیل آمد و در برابر او و استهزا با و میکرد و بصورت شپش مسخ شد
و چلپاسه جماعتی از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را دشنام میدادند و با ایشان دشمنی میکردند

و در حدیث دیکر منقولست که خارپشت مرد کج خلقی بود و در بعضی از روایات وارد شده است که
زهره و سهیل که مسخ شده اند آن دو ستاره نیستند بلکه دو جانورند در دریای محیط و در روایات
معتبره وارد شده است که هر یک از بنی امیه که میمیرند بصورت چلپاسه مسخ میشوند و فرمود
که کاه چلپاسه را میکشی غسل بکن و در روایت معتبر منقولست که آنها که مسخ شده اند زیاده
از سه روز نماندند و مردند حق تعالی بصورت آنها حیوانی چند خلق فرمود که کوشت آنها را حرام
کرد تا دیکران عبرت بکیرند از دیدن آنها و مثل اعمال انها نکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که حق تعالی هفتصد امت را مسخ کرد برای انکه بعد از پیغمبران اطاعت اوصیای ایشان
نکردند پس چهارصد صنف ایشان بصحرا رفتند و سیصد صنف ایشان بدریا رفتند فصل نهم
در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که نیکو یاوریست پرهیزکاری از معاصی خدا توانکری و از حضرت امام جعفر علیه السلام منقولست
که خیری نیست در کسی که نخواهد که مالی از حلال جمع کند که بان مال روی خود را از سوال حفظ کند و
قرض خود را ادا کند و با خویشان خود احسان کند و در حدیث دیکر فرمود که استعانت بجوید
بدنیا بر آخرت و بار مردم مشوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ملعونست کسی که بار عیال
خود را بر مردم بیندازد و در حدیث حسن منقولست که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که
ما طلب دنیا میکنیم و دوست میداریم که مال دنیا بیاریم فرمود که برای چه میخواهی آن کفت
برای انکه خرج خود و عیال خود بکنم و صله رحم بکنم و تصدق و حج و عمره بکنم فرمود که مال را برای اینها
کسب کردن طلب دنیا نیست طلب آخرتست و در حدیث دیکر فرمود که توانکری که ترا از ظلم منع
نماید بهتر است از پریشانی که ترا بر کناه بدارد و در حدیث معتبر منقولست که شخصی از علمای اهل سنت
بحضرت امام محمد باقر علیه السلام رسید و در روز بسیار کرمی دید که انحضرت بر دو غلام تکیه کرده و براه
میروند کفت که شما مرد پیری هستید از بزرکان قریش مناسب نیست که در این وقت از
برای طلب دنیا بیرون آیی اکر مرک در اینحال بشما رسد چه خواهید کرد حضرت فرمود که اکر مرک در اینحال بمن رسد

در وقتی رسیده است که مشغول طاعت خداوند عالمیانم و کاری میکنم که خود را و عیال خود را از
سوال کردن باز دارم از تو و از دیگران من از آن میترسم که مرگ برسد و در معصیت خدا باشم گفت
راست گفتی میخواستم ترا پند گویم تو مرا پند گفتی و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام
منقولست که حق تعالی خطاب فرمود بحضرت داود علیه السلام که نیکو بنده بودی تو اگر از بیت المال نمیخوردی
و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب رسید حضرت داود چهل روز گریست پس حق تعالی بآهن
وحی فرمود که نرم شو برای بنده من داود پس در دست آنحضرت نرم شد مانند موم پس هر روز
یک زره بدست خود میساخت و بهزار درهم میفروخت تا آنکه سیصد و شصت زره ساخت و از
بیت المال مستغنی شد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام احوال عمر بن مسلم را پرسیدند
گفتند که ترک تجارت کرده است حضرت فرمود سه مرتبه که عمل شیطان است مگر نمیدانی که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله تجارت فرمود و حق تعالی مدح میفرماید جماعتی را که مردانی چند که غافل نمیکرداند ایشان را تجارت
و نه فروختن از یاد خدا ایشان جماعتی بودند که تجارت میکردند و چون وقت نماز میشد مشغول نماز
میشدند و این بهتر است از کسی که تجارت نکند و نماز را در وقت خود بکند و در حدیث موثق منقولست
که بآنحضرت عرض کردند که شخصی هست میگوید که در خانه می نشینم و نماز میکنم و روزه میدارم
و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی من برای من البته می آید حضرت فرمود که این مرد
یکی از سه کس است که دعای ایشان مستجاب نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت عرض
کرد که میخواهم که دعا کنید که خدا مرا روزی بدهد با راحت فرمود که طلب بکن چنانچه خدا ترا امر
کرده است من دعا نمیکنم برای تو و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت احوال شخصی را پرسیدند
شخصی گفت که او پریشان شده است حضرت پرسیدند که بچه کار مشغول است گفت که در خانه نشسته است
و عبادت الهی میکند فرمود که معاشش بچه میکند گفت که بعضی از برادران مومن باحوال او
میرسند حضرت فرمود که آن کسی که روزی او میدهد عبادتش بهتر است از عبادت او و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسی که طلب دنیا کند برای آنکه از مردم سوال نکند

روزی

روزی عیال خود را فراخ گرداند و با همسایگان خود احسان کند در روز قیامت روی او مانند
ماه شب چهارده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که عبادت هفتاد جزو است بهترین
آنها طلب حلال است و در حدیث دیگر فرمود که هر که شب بخوابد و مانده از طلب حلال چون شب
بسر آید آمرزیده شده باشد و در احادیث معتبره منقولست که چون در دکان خود را گشودی و متاع
خود را پهن کردی آنچه بر تو بود کردی دیگر بر خدا توکل کن و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که در حجة الوداع فرمود که بدرستی که جبرئیل علیه السلام در دل من دمید که هیچ صاحب جانی
نمی میرد مگر آنکه روزی مقدر خود را تمام میخورد پس از خدا بترسید و مبالغه در طلب روزی مکنید و دیر رسیدن
روزی ندارد شما را بر آنکه طلب چیزی از روزی را بمعصیت خدا بکنید زیرا که حق تعالی روزی در میان
خلق خود قسمت کرده است حلال و حرام قسمت نکرده است پس کسی که از معصیت خدا بپرهیزد و صبر کند
روزی او از حلال میرسد و هر که پرده دری کند و تعجیل نماید و از حرام بگیرد از روزی حلال
او همان مقدار کم میشود و در قیامت حساب خواهند کرد بر آن روزی حرام و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که بنده در سوراخی باشد خدا روزی او را میرساند پس پر مبالغه در طلب
روزی مکنید و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که خدا روزی مومنان را از جایی چند
مقرر فرموده است که گمان نداشته باشد برای آنکه چون نمیدانند که روزی ایشان از
کجا می آید دعا بسیار میکنند در احادیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تجارت
کردن عقل را زیاد میکند و ترک تجارت کردن عقل را کم میکند و حضرت امام موسی علیه السلام بتاجری فرمود
که بامداد برو بسوی چیزی که عزت تست یعنی بازار و در احادیث دیگر منقولست که بامداد بطلب روزی
بروید و تحقیق این مطلب با احادیث دیگر در کتاب عین الحیوة مذکور است **فصل دهم**
در بیان آداب تجارت از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که بر منبر میفرمود ای گروه
سوداگران اول یاد گیرید مسائل تجارت را پس بعد از آن مشغول تجارت شوید والله که ربا در این
امت خفی تر است از جای پای مورچه بر روی سنگ و قسم دروغ مخورید بدرستی که تاجر فاجر است

حلال

و فاجر در جهنم است مگر کسی که حق بگیرد و حق بدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خرید و
فروش کند از پنج چیز اجتناب کند از سود خوردن و از قسم خوردن و عیب متاع را پوشانیدن
و مدح کردن چیزی که فروشد و مذمت کردن چیزی که خرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه هر روز بامداد دره را بر دوش میگذاشتند و در بازارهای کوفه میگشتند و میفرمودند خ زد
که چون مشغول خرید و فروش میشوید اول خیر خود را از خدا بطلبید و خرید و فروش را بسهولت بکنید
و کار را تنگ مگیرید تا برکت بیابید و نزدیکی و مهربانی کنید و مشتریها و بردباری را زینت خود
گردانید و از قسم خوردن و دروغ گفتن کناره کنید و ستم بر مردم مکنید و با مظلومان انصاف از
خود بدهید و نزدیک ربا و سود مروید و کیل و وزن را تمام بدهید و ترازو و دزدی مکنید و در حدیث
دیگر فرمود که ننشیند در بازار مگر کسی که مسایل خرید و فروش را داند و هر که بنادانی تجارت کند
در ربا خوردن فرو میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که هر که در بامداد
و پسین که ببازار رود چون پا در بازار گذارد و بگوید اللهم انی اسئلک من خیرها و خیر
اهلها حق تعالی ملکی باو موکل گرداند که او را و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگرداند پس ملک باو
میگوید که امروز امان یافتی از شر این بازار و اهل این بازار و امروز روزی تو شد خیر این بازار و اهل این
بازار بامر خدا پس چون در دکان بنشیند بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له و اشهد ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله اللهم انی اسئلک من
فضلک رزقا حلالا طیبا و اعوذ بک من ان اظلم او اظلم و اعوذ بک من صفقة
خاسرة و یمین کاذبة چون این دعا خواند ملکی که باو موکلست میگوید که بشارت باد
ترا که امروز در این بازار کسی از تو بهره اش فراوان تر نیست تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها
و محو کردی از خود گناهان را و بزودی می آید بسوی تو آنچه خدا روزی تو گردانیده است حلال
طیب و مبارک و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلم منقولست که چون داخل بازار شوی این
دعا بخوان اللهم انی اسئلک من خیرها و خیر اهلها و اعوذ بک من شرها

و شر

و شر اهلها اللهم انی اعوذ بک من ان اظلم او اظلم او ابغی او یبغی علی او اعتدی
توکلت و هو رب العرش العظیم و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از آنحضرت که هر که
داخل بازاری یا مسجدی بشود و یک مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا و لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله برابر است با یک حج قبول
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که هر که در بازار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله حق تعالی هزار هزار حسنه برای او بنویسد
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که هر که داخل بازار شود نظر کند بشیرین و
ترش و تلخ آن بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک و ان محمدا عبده و
رسوله اللهم انی اسئلک من فضلک و استجیر بک من الظلم و الغرم
و المأثم و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که داخل بازار شود و بگوید
اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اعوذ بک
من الظلم و المأثم و الغرم بعدد آنچه در بازار هست از سخن گو و غیر سخن گو ثواب
برای او بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که یاد خدا را در بازار بسیار
بکنید در وقتی که مردم مشغول دنیا باشند که کفاره گناهان شما باشد و باعث زیادتی
حسنات شما شود و شما را از غافلان ننویسند و چون خواهید محتاج خود را از بازار بخرید در
وقت داخل شدن بازار بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله اللهم انی اعوذ بک من صفقة خاسرة و
یمین فاجرة و اعوذ بک من بوار الایم و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که در وقت داخل شدن بازار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر

وهو علی کل شیء قدیر بعد آنچه خدا خلق کرده است تا قیامت با و ثواب کرامت فرماید و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی متاعی یا غیر آن بخری سه مرتبه بگو الله اکبر پس
مرتبه این دعا بخوان اللهم انی اشتریته التمس فیه من خیرك فاجعل لی فیه خیرا
اللهم انی اشتریته التمس فیه من فضلك فاجعل لی فیه فضلا اللهم انی
اشتریته التمس فیه من رزقك فاجعل لی فیه رزقا و در روایت دیگر منقولست که حضرت
امام رضا علیه السلام بر روی متاعی که میخریدند مینوشتند برکة لنا و محتمل است که مراد نوشتن بانگشت
باشد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی که چیزی بخری این دعا بخوان یا
حی یا قیوم یا دائم یا رؤف یا رحیم اسئلك بعزتك وقدرتك وما احاط به علمك
ان تقسم لی من التجارة الیوم اعظمها رزقا واوسعها فضلا وخیرها عاقبة فانه
لا خیر فیما لا عاقبة له و فرمود که چون حیوانی باید که خواهی بخری بگو اللهم قدر لی
اطولها حیوة واکثرها منفعة وخیرها عاقبة و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون خواهی
چهار پائی بخری سه مرتبه این دعا بخوان اللهم ان کانت عظیمة البرکة فاضلة المنفعة
میمونة الناصیة فیسر لی شراءها وان کانت غیر ذلك فاصرفنی عنها الی الذی
هو خیر لی منها فانك تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب و در روایت
دیگر منقولست که چون خواهی پی کاری بروی آفتاب اندکی بلند شده باشد که سرخی شعاعش
طرف شده باشد دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول سوره حمد و قل هو الله احد و در رکعت دوم
قل یا ایها الکافرون بخوان پس چون سلام بگوئی این دعا بخوان اللهم انی غدوت التمس
من فضلك مما امرتنی فارزقنی من فضلك رزقا حسنا واسعا حلالا طیبا و
اعطنی فیما رزقنی العافیة غدوت بحول الله وقوته غدوت بغیر حول منی
ولا قوة ولکن بحولك وقوتك وابرء الیك من الحول والقوة اللهم انی
اسئلك برکة هذا الیوم فبارك لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد

واله

واله الطیبین و در فقه الرضا مذکورست که چون خواهی که متاعی را به بندی و نگاه داری آیة الکرسی
را بخوان و بنویس و در میان متاع بگذار و این دعا نیز با آیة الکرسی بنویس وجعلنا من بین
ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون لا
ضیعة ما حفظه الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و
هو رب العرش العظیم چون چنین کنی آن متاع از هر بلائی محفوظ بماند و فرمود که اگر مالت
تلف شود این دعا بخوان اللهم انی عبدك وابن عبدك وابن امتك و فی
قبضتك ناصیتی بیدك تحکم فیما تشاء وتفعل ما ترید اللهم فلك الحمد
علی حسن قضائك وبلائك اللهم هو مالك ورزقك وانا عبدك خولتنی
حین رزقتنی اللهم فالهمنی شکرك فیه والصبر علیه حین اصبت و اخذت
اللهم انت اعطیت وانت اصبت اخذت اللهم لا تحرمنی ثوابه ولا تنسنی
من خلفه فی دنیای و آخرتی انك علی ذلك قادر اللهم انا لك وبك والیك
ومنك لا املك لنفسی ضرا ولا نفعا و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که بدترین بقعهای زمین بازارهاست و آنها میدان شیطان اند هر روز بامداد
خود را در بازارها میزند و کرسی خود را میگذارد و بران می نشیند و فرزندان خود را پهن میکند که
یکی را فریب میدهند که ترازو را کم میکشد و دیگری کیل را کم میکند و دیگری گز میزند و دیگری
راس المال را دروغ میگوید پس میگوید بفرزندان خود که بر شما باد بجماعتی که پدر ایشان مرده است
یعنی حضرت آدم علیه السلام و پدر شما زنده است پس اول کسی که داخل بازار میشود شیطان میشود
و باخر کسی که بیرون میرود و بهترین بقعهای زمین نزد خدا مسجدهاست و محبوبترین مردم نزد خدا
کسی است که زودتر بمسجد رود و دیرتر بیرون رود و در حدیث دیگر فرمود که دشمنترین مردم نزد خدا
کسی است که زودتر ببازار رود و دیرتر بیرون آید و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مکرر چیزی از مردمی
که کار بر ایشان بسته شده است که سودا با ایشان برکت نمیدارد و در حدیث دیگر فرمود که با کردان

مخالطه مکنید که ایشان گروهی اند از جنیان که حق تعالی پرده از ایشان برداشته است و در احادیث
معتبره وارد شده است که معامله مکنید با جماعتی که مرضهای جسمی دارند مانند پیسی و خوره و در احادیث
دیگر فرمود که با نوکیسه سودا مکنید و با کسی سودا کنید که در مال و نعمت نشو و نما کرده است و در حدیث
دیگر فرمود که با مردم دون که از دشنام دادن و شنیدن پروا ندارند سودا مکنید و در حدیث صحیح دیگر
فرمود که از مانت کسی که فریب دهد مومنی را و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آب در
شیر کردن و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام بهشام فرمود که در تاریکی و زیر سقف
متاع مفروش که متاع خوش تماش مینماید و آن غش و غش کردن حلال نیست و فرمود که کسی
که بخرد مگر بقسم و نفروشد مگر بقسم حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی او نمیفرماید و از
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که زنهار قسم مخورید که اگرچه متاع را رواج میکند
اما برکتش را میبرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که کسی که میفروشد و میخرد روزی میابد
و کسی که نگاه میدارد برای آنکه گران شود ملعونست و فرمود که قافله که آورد کسی آنرا بیرون شهر
استقبال نکند بگذارید که داخل شهر شود و شهری وکیل نشود در خرید و فروش برای
بادیه نشینان خدا بعضی از مسلمانان را بسبب بعضی دیگر روزی میدهد و در حدیث معتبر منقولست که
حضرت صادق علیه السلام باسحق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصرافی مده که صراف از ربا سالم نمیماند
و بکفن فروشی مده که کفن فروش آرزوی مرگ مردم میکند و بسیار مردن مردم او را خوش
می آید و بجو و گندم فروشی مده که سالم نمیماند از جمع کردن و نگاه داشتن برای گرانی و بسلاخی مده
که رحم از دلش برطرف میکند و کسی که سنگین دلست از خدا دور است و ببرده فروشی مده
که بدترین مردم کسی است که مردم را فروشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که بخاله
خود غلامی بخشیدم و نهی کردم او را از آنکه او را بقصابی یا بحجامت کردن یا بزرگری بدهد و در احادیث
دیگر منقولست که شخصی اگر مزد حجامت را اول شرط نکند و آنچه بعد از حجامت بدهند قبول کند باکی نیست
و در بعضی از اخبار مذمت جولاهی وارد شده است و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از حضرت صادق علیه السلام

برسد

پرسید از تعلیم کردن اطفال فرمود که مزد بر آن مگیر گفت که کتابهای شعری و رسالها و مثل اینها
میخوانند اول شرط مزد خود با ایشان بکنم فرمود که بکن اما بشرطی که اطفال نزد تو برابر باشند و بعضی
را بر بعضی زیادتی مدهی و در حدیث دیگر منقولست که بآنحضرت عرض کرد که سنیان میگویند که کسب
معلم حرام است فرمود که دروغ میگویند این دشمنان خدا میخواهند که اطفال مردم قرآن یاد نگیرند اگر
کسی دیه فرزند خود را معلم بدهد بر آن حلالست و بهتر آنست که اول شرط مزد کند و آنچه بدهند بگیرد و
در احادیث معتبر وارد شده است که چون قرآن را فروشند کاغذ و جلد را بفروشند و قصد فروختن
شته مکنید و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن
برای نوشتن قرآن و در دو حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که تمام شب بیدار
باشد برای کسب کردن و بهره دیده خود را از خواب ندهد آن کسبش حرام است و اکثر علما
حمل بر کراهت شدید کرده اند و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که هر که خود را بعنوان
نوکری بمردم باجاره بدهد روزی را بر خود حرام کرده است و خود را از روزی خدا محروم
کرده است **فصل یازدهم** در فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن از علی بن حمزه منقولست
که حضرت امام موسی علیه السلام را دید که در زمین خود کار زراعت میکردند و پاهای آنحضرت در عرق
فرو رفته بود گفت فدای تو شوم خدمتکاران بکجا رفته اند که شما خود این کار میکنید فرمود که
با بیل در زمین کار کرده است کسی که بهتر از من و پدر من بوده است پس فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و تمام پدران من بدست خود در زمین کار
کرده اند و این کار پیغمبران و اوصیای ایشان و صالحان است و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی برای پیغمبرانش شخم و زراعت کردن را اختیار نموده است
تا از آمدن باران کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی روزی پیغمبران را
در زراعت و شیر پستان حیوانات قرار داده است تا از قطرات باران آسمان کراهت
نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید و درخت بنشانید والله که مردم کاری

از این حلال‌تر و پاکیزه‌تر نمیکنند والله که زراعت خواهید کرد و درخت خواهید نشاند بعد از بیرون
آمدن دجال هم و در حدیث معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بهترین اعمال
زراعتست که از آن نیکوکار و بدکردار میخورند و برای تو استغفار میکنند اما بدکردار آنچه
میخورد او را لعنت میکنند و حیوانات و مرغان نیز از آن میخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که کیمیای بزرگ زراعت کردنست و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنندگان گنجهای مردمند
میکارند و روزی نیکوی پاکیزه خدا اکرامت میفرماید و ایشان در قیامت جایگاهشان
از سایر مردم نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران نزدیکتر است و ایشان را در آنروز
مبارک مینامند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بر جماعتی گذشت که تخم میکردند و مودند
که زراعت کنید که حق تعالی بباد میرویاند زراعت را چنانچه بباران میرویاند و در احادیث
معتبره منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه ببیل در زمین کار میکردند و مزرعها آبادان
میکردند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله هسته خرما را با آب دهان مبارک خود تر میکردند و بر زمین
فرو میبردند و در ساعت سبز میشد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه هزار غلام از
کد ید خود خریدند و آزاد کردند و در حدیث موثق منقولست که شخصی رسید بحضرت امیر المؤمنین
علیه السلام دید که زیاده از سی من شاه هسته خرما بار کرده اند و میبرند پرسید که اینها چیست فرمود
که صد هزار درخت خرماست ان شاء الله تعالی پس آنها در باغستان کشتند یکی از آنها خطا
نشد و در حدیث معتبر از ابی عمرو منقولست که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام جامه
کنده پوشیده بودند و بیلی در دست داشتند و در باغ خود کار میکردند و عرق از پشت
مبارکش میریخت گفتم فدای تو شوم بده من بکنم فرمود که دوست میدارم که آدمی از آزار
بکشد از آفتاب برای طلب معیشت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شش
خصلت است که مؤمن بآنها منتفع میشود بعد از مردن فرزند صالحی که برای او استغفار
کند و مصحفی که از او بماند و تلاوت کنند و چاهی که بکند و درختی که بکارد و تصدق آبی که جاری کند

وسنت

وسنت نیکی که در میان مردم بگذارد که بعد از آن مردم بآن عمل کنند و در حدیث حسن از آنحضرت
منقولست که هیچ چیز آدمی را نمیگذارد بعد از مرگ که دشوارتر باشد از زر را وی گفت که چه کند فرمود
که باغ و خانه بخرد و در حدیث دیگر فرمود که در توریة نوشته است که هر که زمین یا آب بفروشد
بعوض آن زمین و آب دیگر نخرد قیمتش باطل شود و منتفع نشود از آن **فصل دوازدهم** در آداب
زراعت کردن و درخت کشتن بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون
حضرت آدم بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس بجبرئیل شکایت کرد جبرئیل گفت
که زراعت بکن آدم گفت که دعائی مرا تعلیم کن جبرئیل گفت که بگو اَللّٰهُمَّ اکْفِنِی مَؤُنَةَ
وَکُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَالْبِسْنِی الْعَافِیَةَ حَتّٰی تُهَنِّئَنِی الْمَعِیشَةَ و در حدیث حسن
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی زراعت کنی یک کف از تخم را بگیر و رو بقبله
بایست و بگو سه مرتبه اَفَرَاَیْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ
پس بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُبَارَکًا وَارْزُقْنَا فِیهِ السَّلَامَةَ پس آن دانه که در کف
داری بپاش در روایت دیگر فرمود که چون دانه را بپاشی بگو اَللّٰهُمَّ قَدْ بَذَرْتُ وَاَنْتَ
الزَّارِعُ فَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاکِبًا و در حدیث دیگر فرمود که در وقت درخت نشانیدن و دانه
پاشیدن بر هر درختی و دانه بخوان که سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ که ان شاء الله خطا نمیکند
و در روایت دیگر فرمود که در وقت درخت کشتن و زراعت کردن این آیه را بخوان
وَمَثَلُ کَلِمَةٍ طَیِّبَةٍ کَشَجَرَةٍ طَیِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِی السَّمَاءِ تُؤْتِی اُکُلَهَا
کُلَّ حِینٍ بِاِذْنِ رَبِّهَا و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که یک قبضه از تخم بگیر و رو
بقبله کن و بایست و سه مرتبه بگو ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون پس بگو اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْهُ حَرْثًا مُبَارَکًا وَارْزُقْنَا فِیهِ السَّلَامَةَ وَالتَّمَامَ وَاجْعَلْهُ حَبًّا مُتَرَاکِبًا
وَلَا تَحْرِمْنِی خَیْرَ مَا اَبْتَغِی وَلَا تَفْتِنِّی بِمَا مَنَعْتَنِی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ پس آن
قبضه را بپاش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد که درخت خرما خوب بار بردارد

وفرمایش نیکو شود ماهیهای کوچک خشک را بگیرد و نیمکوب کند و در هر شکوفه اندکی بپاشد
و باقیش را در کیسهٔ پاکیزه کند و در میان درخت خرما جا دهد و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که درخت میوه را مبرید که عذاب بر شما نازل میشود و در روایت دیگر فرمود که بریدن
درخت خرما مکروهست پرسیدند که درختهای دیگر را بریدن چونست فرمود که باکی نیست
پرسیدند که درخت سدر را بریدن چونست فرمود که درخت سدر که در بادیه باشد بریدن خوب
نیست زیرا که در آنجا کم است اما در شهر باکی نیست و از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که
چونست بریدن درخت سدر فرمود که پدرم درخت سدر را برید و بجای آن درخت انگور کاشت
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که باکی نیست که غذرهٔ آدمی را در فرعها بریزند
و از حضرت رسول منقولست که حضرت عیسی بشهری گذشت شد در میوهای ایشان کرم بسیار
بود در این باب با آنحضرت شکایت کردند فرمود که شما چون درخت میکارید اول خاک
میریزید و بعد از آن آب میدهید باین سبب کرم در میوهای شما می‌افتد بعد از این اول آب بریزید
و بعد از آن خاک چنین کردند کرم از میوهای ایشان برطرف شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که درخت سدر را آب بدهد چنانست که مومنی را در وقت تشنگی آب داده است و
فرمود که حق تعالی هیچ درختی را خلق نکرده است مگر آنکه میوه داشته که میتوانست خوردن
چون مردم از برای خدا فرزند قایل شدند میوه نصف درختان برطرف شد پس چون با خدا
شریک قرار دادند درختان خار بهم رسانیدند **فصل اول** در آداب سفر در بیان سفرهای
نیک و بد و ایام و ساعات نیک و بد از برای سفر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
در حکمت آل داود نوشته است که نباید کسی سفر کند مگر از برای سه چیز سفری که توشهٔ آخرت در آن
حاصل شود یا سفری که باعث فرصت امور معاش شود یا سفری از برای سیر و لذتی باشد که
حرام نباشد و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنید تا بدنهای شما صحیح شود و جهاد کنید تا غنیمت
دنیا و آخرت بیابید و حج کنید تا مالدار و بی نیاز شوید و در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه است از

عذاب چون کار شما ساخته شود زود باهل خود برگردید و در حدیث صحیح منقولست که محمد بن مسلم
از حضرت صادق علیه السلام پرسید که بزمینی که در آنجا بغیر از برف و یخ چیزی نیست فرمود که چون
مضطر باشید تیمم کنید و دیگر همچنین بزمینی نرود که دینش در آنجا هلاک شود و در حدیث
صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام آمد و گفت میخواهم بسفر روم برای
من دعا کنید فرمود که در چه روز میروی گفت در روز دوشنبه از برای برکت آن روز زیرا که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در روز دوشنبه متولد شده است حضرت فرمود که دروغ میگویند حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در روز جمعه متولد شدند و هیچ روزی شومتر از روز دوشنبه نیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وفات کردند و وحی آسمان از ما منقطع شد و در آن روز حق ما را از ما غصب کردند میخواهی خبر دهم
ترا و دلالت کنم بروز سهل آسانی که خدا در آن روز نرم کرد آهن را برای حضرت داود گفتم بلی فرمود که
آن روز سه شنبه است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که اراده سفری داشته
باشد باید که در روز شنبه سفر کند که اگر سنگی از کوهی بگردد در روز شنبه البته خدا از جای
دربرگرداند و هر که کارها برو دشوار شود در روز سه شنبه طلب کند که آن روزیست که آهن
حضرت داود نرم شده و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز پنجشنبه بسفر
میفرمودند که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند و در حدیث صحیح از
صادق علیه السلام منقولست که مکروهست سفر کردن و سعی کردن در حوائج در بامداد روز جمعه
پیش از نماز باز ماند اما بعد از نماز برای تبرک خوبست و در حدیث دیگر فرمود که
کردن جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در چهارشنبه آخر ماه
عتی که بفال بد میدانند از هر بلائی نگاه داشته شود و حاجتش را خدا برآورد و در
وارد شده است که سفر مکن در روز سیوم ماه و روز چهارم و روز پنجم و روز
سیزدهم و روز بیستم و روز بیست و یکم و روز بیست و چهارم و روز بیست و پنجم
است دیگر منقولست که روز چهارم و بیست و یکم برای سفر خوبست و در روایت

دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست و سیم ماه برای سفر خوب نیست و اگر در روزهای ماه بد روزهای هفته معارض شود رعایت روزهای هفته کردن اولی است زیرا که احادیث معتبر در ایام هفته بیشتر است و در روایات معتبره منقولست که هر که سفر کند یا زن بخواهد و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نه بیند

فصل دویم در دفع نحوستهای سفر بتصدق و دعا در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تصدق کن در هر روز که خواهی بسفر بروی و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که آیا کراهت دارد سفر کردن در روزی از روزها مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که افتتاح سفر خود بتصدق بکن و هر وقت که خواهی بدر رو و در حدیث صحیح دیگر منقولست که ابن ابی عمیر گفت که من در علم نجوم نظر میکردم و طالع را میشناختم و در خاطر من خلید در بعضی از ساعات بعضی از کارها اختیار کردن در این باب بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کردم فرمود که هرگاه در دل تو چیزی بگذرد تصدق کن بر اول مسکینی که می بینی و برو که حق تعالی ضرر آنها از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در اول روز تصدق بکند حق تعالی نحوست آن روز را از او دفع میکند و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت زین العابدین علیه السلام ببعضی از مزرعهای خود میخواستند که بروند میخریدند سلامتی از خدا با آنچه میسر میشد از تصدق و این تصدق را در وقتی میدادند که پا در رکاب مبارک میکردند و چون خدا آنحضرت را بسلامت بر میگردانید شکر و حمد الهی میکردند و تصدق میکردند و در حدیث حسن منقولست که عبد الملک بخدمت حضرت صادق عرض نمود که من مبتلا بعلم نجوم شده ام و گاه میخواهم که پی کاری بروم و بطالع نظر میکنم شری است می نشینم و ترک رفتن میکنم و اگر طالع نیکی می بینم میروم حضرت فرمود که حاجت برآورده میشود یا حکم نجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای نجوم را بسوزان و سید ابن طاوس رحمه الله روایت کرده است که چون خواهی متوجه سفر شوی در آن اوقات که کراهت دارد پیش از متوجه شدن سوره حمد و معوذتین و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه و آخر سوره آل عمران ان فی خلق السموات و الارض تا آخر سوره بخوان پس بگو

اللهم بك یصول الصائل و بك یطول الطائل و لا حول لکل ذی حول الا بك و لا قوة یمتازها ذو القوة الا منك اسئلك بصفوتك من خلقك و خیرتك من بریتك محمد نبیك و عترته و سلالته علیه و علیهم السلم صل علیه و علیهم و اکفنی شر هذا الیوم و ضره و ارزقنی خیره و یمنه و اقض لی فی متصرفاتی بحسن العافیه و بلوغ المحبة و الظفر بالامنیه و کفایة الطاغیة الغویه و کل ذی قدرة لی علی اذیة حتی اکون فی جنة و عصمة من کل بلاء و نقمة و ابدلنی فیه من المخاوف امنا و من العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد و لا یحل بی طارق من اذی العباد انك علی کل شیء قدیر و الامور الیك تصیر یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هفت چیز است که اگر در برابر مسافر ظاهر شود برای او شوم است کلاغی که فریاد کند از جانب راست او و سگی که دم علم کرده باشد و گرگی که بر دم خود نشسته باشد و بروی او فریاد کند پس سه مرتبه بلند شود و پست شود و آهوی که از جانب راست او بیاید و از جانب چپ او برود و جغدی که فریاد کند و زن پیر سفید موی که برابر او بیاید و ماده الاغی که گوشش بریده باشد پس کسی که از دیدن اینها چیزی در خاطرش بیاید بگوید اعتصمت بك یا رب من شر ما احد فی نفسی فاعصمنی من ذلك چون این را بگوید ضرری باو نرسد و در روایتی منقولست که چون پیش از سفر تصدق کند در وقت تصدق این دعا بخواند اللهم انی اشتریت بهذه الصدقة سلامتی و سلامة سفری و ما معی و بلغنی و بلغ ما معی بسلامتك الحسن الجمیل و بعد از تصدق بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب

العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطيبين
الطاهرين اللهم كن لي جارا من كل عنيد ومن كل شيطان مريد بسم الله
دخلت الله اني اقدم بين يدي نسياني وعجلتي بسم الله وما شاء الله في
سفري هذا ذكرته ام نسيته اللهم انت المستعان على الامور كلها انت
الصاحب في السفر والخليفة في الاهل اللهم هون علينا سفرنا واطو لنا الارض
وسيرنا فيها بطاعتك وطاعة رسولك اللهم اصلح لنا ظهرنا وبارك لنا
فيما رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم انا نعوذ بك من وعثاء السفر وكابة
المنقلب وسوء المنظر في الاهل والمال والولد اللهم عضدي وناصري اللهم
اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني في اهلي بخير ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم فصل پنجم در آداب غسل ونماز ودعا در وقت بيرون رفتن سيد ابن
طاوس رحمه الله روايت كرده كه چون اراده سفر نمايد سنت است كه غسل كند پيش از بيرون رفتن
ودر وقت غسل بگويد بسم الله وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وعلى
ملة رسول الله والصادقين عن الله صلوات الله عليهم اجمعين اللهم طهر
قلبي واشرح به صدري ونور به قبري اللهم اجعله لي نورا وطهورا وحرزا
وشفاء من كل داء وآفة وعاهة وسوء مما اخاف واحذر وطهر قلبي وجوارحي و
عظامي ودمي وشعري وبشري ومخي وعصبي وما اقلت الارض اللهم اجعله
لي شاهدا يوم حاجتي وفقري وفاقتي اليك يا رب العالمين انك على كل شيء
قدير ودر حديث معتبر از حضرت رسول صلى الله عليه وآله منقولست كه هيچ خليفه آدمي در اهلش نميگذارد
بهتر از آنكه در وقت بيرون رفتن دو ركعت نماز بگذارد وپس بگويد كه اللهم اني استودعك
نفسي واهلي ومالي وذريتي ودنياي وآخرتي وامانتي وخاتمة عملي وابن طاوس عليه الرحمه
گفته است در ركعت اول قل هو الله ودر ركعت دويم انا انزلناه بخواند ودر حديث معتبر منقولست كه چون

حضرت امام محمد باقر عليه السلام اراده سفري ميكردند عيال خود را در حجره جمع ميكردند واين دعا ميخواندند
اللهم اني استودعك الغداة نفسي ومالي واهلي وولدي الشاهد منا
والغائب اللهم احفظنا واحفظ علينا اللهم اجعلنا في جوارك اللهم
لا تسلبنا نعمتك ولا تغير ما بنا من عافيتك وفضلك وسيد ابن طاوس عليه الرحمه
روايت نموده كه بعد از نماز اين دعا بخواند اللهم اني استودعك اليوم نفسي واهلي و
مالي وولدي ومن كان مني بسبيل الشاهد منهم والغائب اللهم احفظنا
واحفظ علينا اللهم اجعلنا في رحمتك ولا تسلبنا فضلك انا اليك راغبون
اللهم انا نعوذ بك من وعثاء السفر وكابة المنقلب وسوء المنظر في الاهل
والمال والولد في الدنيا والآخرة اللهم اني اتوجه اليك هذا التوجه طلبا
لمرضاتك وتقربا اليك فبلغني ما اومله وارجوه فيك وفي اوليائك يا ارحم
الراحمين واگر خواهي اين دعا بخوان اللهم خرجت في وجهي هذا بلا ثقة
مني لغيرك ولا رجاء ياوي بي اليك ولا قوة اتكل عليها ولا حيلة الجاء
اليها الا طلب رضاك وابتغاء رحمتك تعرضا لثوابك وسكونا الى حسن
عائدتك وانت اعلم بما سبق في علمك في وجهي مما احب واكره اللهم فاصرف
عني مقادير كل بلاء ومقضي كل لأواء وابسط علي كنفا من رحمتك ولطفا
من عفوك وسعة من رزقك وتماما من نعمتك وجماعا من معافاتك
ووفقني فيه يا رب جميع قضائك على موافقة هواي وحقيقة املي وادفع عني
ما احذر وما لا احذر على نفسي مما انت اعلم به مني واجعل ذلك خيرا لآخرتي
ودنياي مع ما اسالك ان تخلفني فيمن خلفت ورائي من ولدي واهلي ومالي
وولدي واخواني وجميع حزانتي بافضل ما تخلف فيه بر غائبا من المؤمنين
في تحصين كل عورة وحفظ كل مضيعة وتمام كل نعمة ودفاع كل سيئة وكفاية

کلّ محذور وصرف کلّ مکروه وکمال ما یجمع لی به الرضا والسرور فی الدنیا
والاخرة ثمّ ارزقنی ذکرك وشکرك وطاعتك وعبادتك حتی ترضی وبعد
الرضا اللّهمّ انی استودعك الیوم دینی ونفسی ومالی واهلی وذریتی وجمیع
اخوانی اللّهمّ احفظ الشاهد منا والغائب اللّهمّ احفظنا واحفظ علینا
اللّهمّ اجعلنا فی جوارك ولا تسلبنا نعمتك ولا تغیّر ما بنا من نعمة وعافیة
وفضل و در حدیث معتبر منقولست که چون حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اراده سفری مینمودند
این دعا میخواندند اللّهمّ خلّ سبیلنا واحسن تسییرنا واحسن عافیتنا و در روایت دیگر
منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله اراده سفری مینمودند این دعا میخواندند و وقتی که بر میخواستند
که متوجه شوند اللّهمّ بك انتشرت والیك توجهت وبك اعتصمت انت ثقتی
ورجائی اللّهمّ اکفنی ما اهمّنی وما لا اهتمّ له وما انت اعلم به منی اللّهمّ
زوّدنی التقوی واغفر لی ووجّهنی الی الخیر حیث ما توجهت و در حدیث معتبر از حضرت
موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که اراده سفری نماید و در در خانه خود بایستد و بجانبی که اراده دارد
متوجه شود پس سوره حمد را از پیش رو و جانب راست و جانب چپ بخواند و آیة الکرسی را نیز از
پیش رو و از جانب راست و جانب چپ بخواند پس بگوید اللّهمّ احفظنی واحفظ ما معی
وسلّمنی وسلّم ما معی وبلّغنی وبلّغ ما معی ببلاغك الحسن الجمیل حق تعالی حفظ کند او را و آنچه
با اوست وبسلامت دارد او را و آنچه با اوست و برساند او را و آنچه با اوست و سید ابن طاوس علیه الرحمة
روایت کرده است که چون بر در خانه بایستد تسبیح فاطمه علیها السلام بخواند و سوره حمد و آیة الکرسی را بخواند
بنحوی که گذشت پس بگوید اللّهمّ الیك وجّهت وجهی وعلیك خلّفت اهلی ومالی وما
خوّلتنی فقد وثقت بك فلا تخیّبنی یا من لا یخیّب من اراده ولا یضیّع من حفظه
اللّهمّ صلّ علی محمد وآل محمد واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی یا ارحم
الراحمین اللّهمّ بلّغنی ما توجهت له وسبّب لی المواد وسخّر لی عبادك وبلادك

وارزقنی

وارزقنی زیارة نبیك وولیك امیر المؤمنین والائمة من ولده وجمیع اهل
بیته علیه وعلیهم السلام ومدّنی منك بالمعونة فی جمیع احوالی ولا تکلنی الی نفسی
ولا الی غیری فاکل واعطب وزوّدنی التقوی واغفر لی فی الاخرة والاولی اللّهمّ
اجعلنی اوجه من توجّه الیك و این دعا نیز بخواند بسم الله وبالله توکلت علی الله
واستعنت بالله والجأت ظهری الی الله وفوضت امری الی الله رب آمنت بکتابك
الذی انزلت وبنبیك الذی ارسلت لانه لا یاتی بالخیر الهی الا انت عزّ جارك
وجلّ ثناؤك وتقدّست اسماؤك وعظمت الاؤك ولا اله غیرك و در روایتی که
در روایتی وارد شده است که هر که صبح که از خانه بیرون آید این دعا بخواند بلائی باو نرسد تا شام
که بخانه برگردد و هر که در شام بخواند و از خانه بیرون رود بلائی باو نرسد تا صبح که بخانه برگردد و در روایت
دیگر وارد شده است که چون حضرت صادق علیه السلام بسفری میرفتند این دعا میخواندند اللّهمّ احفظنی
واحفظ ما معی وبلّغنی وبلّغ ما معی ببلاغك الحسن بالله استفتح وبالله استنجح
وبمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللّهمّ سهّل لی کلّ حزونة وذلّل لی کلّ صعوبة
واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجوا واصرف عنی من الشر اکثر مما احذر فی
عافیة یا ارحم الراحمین و این دعا نیز میخواندند اسئل الله الذی بیده ما دقّ وجلّ وبیده
اقوات الملئكة ان یهب لنا من سفرنا امنا وایمانا وسلامة واسلاما
وفقها وتوفیقا وبرکة وهدی وشکرا وعافیة ومغفرة غرما لا تغادر ذنبا
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست چون کسی بسفری رود بگوید اللّهمّ انت
الصاحب فی السفر والحامل علی الظهر والخلیفة فی الاهل والمال والولد پس باید که آن
دعاها که از برای خانه بیرون آمدن و سوار شدن در فصلهای سابق گذشت بخواند پس
چون سوار شود بگوید الحمد لله الذی هدانا للاسلام ومنّ علینا بمحمد والسبحان
الذی سخّر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب

العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر اللهم بلغنا بلاغا
تبلغ به الی الخیر بلاغا تبلغ به الی رحمتك ورضوانا ومغفرتك اللهم لا
ضیر الا ضیرك ولا خیر الا خیرك ولا حافظ غیرك فصل چهارم در سایر
آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند که باید با خود بردن در حدیث معتبر از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که بسفری رود
با خود بردارد عصای از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حق تعالی او را ایمن گرداند از
هر سبع و درنده و هر دزدی و صاحب زهری تا باهل خود برگردد و با او هفتاد و هفت ملك باشند
تا برگردد برای او استغفار کنند و عصا را بگذارد این آیات ولما توجه تلقاء مدین
قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل ولما ورد ماء مدین وجد علیه امة
من الناس یسقون ووجد من دونهم امرأتین تذودان قال ما خطبکما
قالت لا نسقی حتی یصدر الرعاء وابونا شیخ کبیر فسقی لهما ثم تولی الی
الظل فقال رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر فجاءته احدیهما تمشی
علی استحیاء قالت ان ابی یدعوك لیجزیك اجر ما سقیت لنا فلما جاءه و
قص علیه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمین قالت احدیهما
یا ابت استاجره ان خیر من استاجرت القوی الامین قال انی ارید ان
انکحك احدی ابنتی هاتین علی ان تاجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشرا فمن عندك
وما ارید ان اشق علیك ستجدنی ان شاء الله من الصالحین قال ذلك بینی وبینك
ایما الاجلین قضیت فلا عدوان علی والله علی ما نقول وکیل و در روایت دیگر
از آنحضرت منقولست که هر که خواهد که زمین در زیر پای وی پیچیده شود با خود عصای
درخت بادام تلخ بردارد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت آدم علیه السلام مرض شدید بهم رسید
و او را وحشتی عارض شد جبرئیل فرمود که چوبی از درخت بادام تلخ جدا کن و بسینه خود بچسبان

حنین

چنین کرد حق تعالی وحشت را از او دفع کرد و بدانکه از جمله چیزهای که باید در سفر با خود داشته باشد
تسبیح تربت حضرت امام حسین علیه السلام چنانچه منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام آمد
بعراق تشریف آوردند مردم نزد آنحضرت آمدند و پرسیدند که میدانیم تربت حضرت امام
حسین علیه السلام شفای هر درد هست اما باعث ایمنی از هر خوف و بیم میشود یا نه فرمود که هر گاه
کسی خواهد که او را از هر بیم امان بخشد تسبیحی از تربت آنحضرت بگیرد و سه مرتبه این دعا بخواند
اصبحت اللهم معتصما بذمامك وجوارك المنیع الذی لا یطاول ولا یحاول من
شر کل طارق وغاشم من سایر من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق
فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة حصینة وهی ولاء اهل بیت نبیك محتجبا
من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسك
بحبلهم موقنا ان الحق لهم ومعهم ومنهم وفیهم وبهم اوالی من والوا واعادی من عادوا
واجانب من جانبوا فاعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه انا جعلنا من بین
ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون پس تسبیح را ببوسد
و بر هر دو چشم گذارد و بگوید اللهم انی اسئلك بحق هذه التربة المبارکة وبحق صاحبها
وبحق جده وبحق ابیه وبحق امه وبحق اخیه وبحق ولده الطاهرین اجعلها شفاء
من کل داء وامانا من کل خوف وحفظا من کل سوء اگر در صبح چنین کند در امان خدا
باشد تا شام و در روایت دیگر منقولست که هر که از پادشاهی یا غیر آن ترسد چون از خانه بیرون
آید چنین کند حرزی باشد برای او از شر ایشان و در فصول خواهیم گذشت که انگشترهای که مناسبست
که در سفر با خود داشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ضامنم از
برای کسی که اراده سفر داشته و عمامه بر سر بسته از خانه بیرون آید آنکه سالم باهل خود برگردد
و در روایت معتبر دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که من ضامنم برای کسی که اراده سفری
داشته باشد و عمامه بر سر بپیچد و سر عمامه را در زیر حنک ببندد و آنکه او را از دزد و غرق شدن

برخود و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
روز شنبه از خانه بیرون رود و عمامه سفیدی بر سر داشته باشد که تحت الحنک بسته باشد اگر
بر دو بر بلندی کوهی که آنرا انجا ی کند هر آینه بعمل آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت لقمان
با پسر خود گفت که ای فرزند چون بسفر روی شمشیر و کمان و اسب و موزه و عمامه و ریسمانها که خرد
میشود و مشک آب و سوزن و خیاطه با خود بردار و از دواها آنچه تو و اصحاب تو بآن محتاج باشند بر
دار و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسفر میرفتند شیشه روغن و سرمه دان
و مقراض و آینه و مسواک و شانه و سوزن و ریسمان و چیزی که بآن کفش پینه کنند و میخهای نعل را
بر میداشتند و از جمله تعویذ که در سفر مناسب است تعویذیست که مرویست که در دسته شمشیر حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله تعبیه شده بود و آن این تعویذ است بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله
یا الله اسئلک یا ملک الملوک الاول القدیم الابدی الذی لا یزول و لا یحول انت الله
العظیم الکافی لکل شیء المحیط بکل شیء اللهم اکفنی باسمک الاعظم الاجل الواحد
الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و احجب شرورهم
و شرور الاعداء کلهم و سوء منهم و بأسهم و الله من ورائهم محیط
اللهم احجب عنی شر من ارادنی بسوء بحجابک الذی احتجبت به فلم ینظر الیه
احد من شر فسقة الجن و الانس و من شر سلاحهم و من الحدید و من کل
ما یخوف و یحذر و من شر کل شدة و بلیة و من شر ما انت به اعلم و علیه
اقدر انک علی کل شیء قدیر و صلی الله علی نبیه محمد و آله و سلم تسلیما عوذه که در
میان عمامه گذارند اقبل و لا تخف انک من الآمنین لا تخف نجوت من القوم
الظالمین لا تخف انک انت الاعلی لا تخافا اننی معکما اسمع و اری لا تخاف
درکا و لا تخشی الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف فسیکفیکهم الله
و هو السمیع العلیم فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین ادخلوا علیهم الباب

فاذا دخلتموه فانکم غالبون و علی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین عوذه که بر چهار پای
سواری ببندند اللهم احفظ علی ما لو حفظه غیرک لضاع و استر علی ما لو ستره غیرک
لذاع و اجعل علی ظلا ظلیلا توقنی به کل من ارادنی بسوء او نصب لی مکرا او هیأ
لی مکرا و هلکا حتی یعود و هو غیر ظافر بی و لا قادر علی اللهم احفظنی کما حفظت به
کتابک المنزل علی قلب نبیک المرسل اللهم انک قلت و قولک الحق انا نحن
نزلنا الذکر و انا له لحافظون و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره عبس را در کاغذ
سفیدی بنویسد و بهر راهی که رود با خود نگاه دارد در آن راه بغیر از نیکی نبیند و از مفسدان راه
محفوظ بماند فصل پنجم در آداب توشه برداشتن در سفر و آداب صرف کردن آن از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که چون بسفر روید سفره با خود بردارید و طعامهای نفیس در آن سفره بگذارید
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از شرف آدمی آنست که توشه خود را نیکو کرداند هرگاه بسفر رود
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام چون بسفر حج یا عمره میرفتند از بهترین
توشها بر میداشتند مانند لوز و شکر و قاووت ترش و شیرین و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
نان در میان توشه خود بردار که باعث برکت میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی
علیه السلام نظر کرد بسفره که در آن حلقها از برنج بود فرمودند که این حلقها را بکنید و حلقهای آهن کنید تا جانوران
داخل سفره نشوند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام از بعضی از اصحاب پرسیدند که
بزیارت قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه میروید گفت بلی فرمود که سفره با خود میبرید گفت بلی
فرمود که اگر بزیارت قبر پدران یا مادران خود بروید چنین نخواهید کرد گفت پس چه چیز بخوریم فرمود
که نان با شیر یا ماست و در حدیث دیگر فرمود که شنیده ام که جمعی هستند که چون بزیارت
قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه میروند با خود سفره بر میدارند که در میان آن بزغاله
بریان و حلواها هست و اگر بزیارت قبر دوستان خود بروند چنین نمیکنند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین خرج کردنها نزد خدا میانه رویست و خدا اسراف را دشمن میدارد و

در راه حج یا عمره و در حدیث حسن منقولست که صفوان از حضرت صادق علیه السلام پرسید که آیا من اهل
خود را بحج میبرم خرجی خود را بر کمر خود ببندم حضرت فرمود که بلی پدرم میگفت که از قوت مسافرست
که نفقهٔ خود را حفظ کند و در حدیث دیگر منقولست که دیگری بآنحضرت عرض کرد که درهمی که صورتها
در آن نقش کرده اند با خود دارم و آنها را در همیانی میکنم و بر کمر می بندم در حالت احرام فرمود
که باکی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خدا بر آنست **فصل ششم** در رفیق با خود بردن
در سفر و آداب معاشرت ایشان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که کسی که
تنها بسفر رود ملعونست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه وصیت نمود که یا علی شخصی که بسفر تنها میرود گمراهست و دو کس که میروند و گمراهند
و سه کس مسافرند و در روایت دیگر منقولست که تنها بسفر مرو که شیطان با یکیست و از دو تا دورترست
شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت پرسیدند که در راه مصاحب بود گفت تنها
بودم فرمود که اگر من پیشتر ترا میدیدم ترا نیکو تادیب میکردم که چگونه باید بسفر رفت پس فرمود
که یک کس شیطانست و دو تا شیطانند و سه نفر مصاحبانند و چهار نفر رفیقانند و بسند معتبر از
[حضرت مو]سی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که تنها بسفر رود بگوید ما شاء الله لا حول و لا
قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی و اعنّی علی وحدتی و ادّ غیبتی و در حدیث معتبر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که اول رفیق بهم برسان پس بسفر برو و فرمود که دو کس با هم رفیق
نمیشوند مگر آنکه محبوب ترین ایشان نزد خدا و آنکه ثوابش بیشتر است آنست که مدارا با رفیقش
بیشتر میکند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هیچ گروهی
زیاده از هفت کس نمیشوند مگر آنکه صداهای ایشان بسیار میباشد پس از این احادیث معلوم شد
که اقل رفیقان سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده از هفت خوب نیست در رفیقان هم توشه
و سفرند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سنتست که رفیقان هم توشه اول خرجهای خود را
بدر آورند و بر روی یکدیگر بگذارند که این بیشتر باعث خشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان میشود و از

حضرت

حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مصاحبت مکن در سفر با کسی که فضیلت ترا
بر خود نداند آنقدر که تو از فضیلت او بر خود میدانی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و
رفاقت کن با کسی که تو باو زینت یابی و مصاحبت مکن با کسی که او بتو زینت یابد یعنی تو کسب علم
و کمالات از او توانی نمود و در حدیث دیگر از شهاب منقولست که گفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام
عرض کردم که شما میدانید حالی و توانگری مرا و احسانی که ببرادران خود میکنم پس با جماعتی از ایشان
رفیق میشوم در راه مکه و بر ایشان توسعه میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود که ای شهاب چنین
مکن اگر تو دست بخرج کردن بگشائی و ایشانهم بگشایند ضرر بایشان میرسد و پریشان میشوند و
اگر تو بکنی و ایشان نکنند باعث مذلت ایشانست پس رفاقت کنید با جماعتی که مثل تو باشند در توانگری
و توانائی و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر مصاحبت کنی با مثل و مانند خود مصاحبت
و رفاقت بکن و با کسی رفیق مشو که خرج ترا کشد که این موجب خواری مؤمنست و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که حق مسافر بر رفیقان آنست که چون بیمار شود سه روز برای او توقف کنند و در حدیث دیگر
منقولست که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که جماعتی با یکدیگر رفیق میشوند و در میان ایشان
مالدار و پریشان هست آیا آن مالدار خرج آنها را میتوانند کشیدن فرمود که اگر آنها بطیب خاطر راضی
باشند باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی رفیق میشود
با جماعتی مالدار و او از امالش کمتر است و آنها خرج خود را بیرون می آورند و او مثل آنها نمیتواند خرج کردن
فرمود که من دوست نمیدارم که خود را ذلیل کند با کسی رفیق شود که مثل او باشد و در احادیث معتبر
منقولست که از ما نیست کسی که با مصاحبانش نیکو مصاحبت نکند و رفیقانش نیکو رفاقت نکند
و با کسی که نمک خورد حق نمک را رعایت نکند **فصل هفتم** در بیان سایر آداب سفر در حدیث
معتبر منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت لقمان بپسر خود در نصیحت فرمود که چون سفر
کنی با گروهی مشوره با ایشان بسیار بکن در کارهای ایشان تبسم بسیار بکن و در توشه خود صاحب کرم
باش در میان ایشان و چون ترا بضیافت بطلبند قبول کن و اگر از تو مدد طلبند یاری ایشان بکن و

و به خیر با ایشان غلبه کن بسیاری خاموشی و بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی از هر چه با خود
داری از چهارپا و مال و توشه و اگر گواهی از تو طلبند یا بر امر حقی خواهند که گواه کنند بکن و
چون با تو مشورت کنند تا توانی سعی کن که رای نیکو برای ایشان اختیار کنی و زود عزم مکن
و رای خود را با ایشان مگو تا تامل کنی و فکر کنی و جواب ایشان مگو در مشورهٔ ایشان تا آنکه در آن فکر
برخیزی و بنشینی و بخوابی و نماز کنی و در اثنای این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشورهٔ ایشان بکار
فرمایی زیرا که هر که خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشوره کند خالص نکرد حق تعالی رای و عقل او را
از او سلب میکند و امانت را از او بر میدارد و هر گاه ببینی که رفیقان تو پیاده میروند با ایشان
پیاده برو و هر گاه ببینی که کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرضی دهند تو نیز با ایشان
بده و بشنو سخن کسی که از تو بزرگتر باشد و هر گاه رفیقان کاری بتو فرمایند یا چیزی از تو سوال کنند
بگو بلی و نه مگو که گفتن نه علامت عجز و موجب ملامت است و چون راه گم کنید و حیران بمانید فرود
آیید و اگر در راه مقصود شک کنید بایستید و با یکدیگر مشوره کنید و مصلحت ببینید و اگر یک کس را
ببینید خبر راه از او مپرسید و مصلحت از او مبینید که یک شخص در بیابان آن کس را
بشک می اندازد که شاید جاسوس دزدان باشد یا شیطان باشد که خواهد شما را حیران کند
و از دو شخص نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی چند از علامتها و قرینها ببینید که من نمی بینم زیرا که عاقل
بدیدهٔ خود که نظر میکند بسوی چیزی آنچه حقیقت از آن میشناسد و حاضر هر چند می بیند که غایب
نمی بیند ای فرزند چون وقت نماز در آید از برای امری آن را تاخیر مینداز و نماز را آنجا اول وقت
بجا آور که نماز قرضی است هر چند پیشتر ادا میکنی سبکبارتر میشوی و نماز را با جماعت بکن
اگر بر سر نیزه باشی و بر روی چهارپا خواب مکن که زود باعث زخم پشت آن میشود و این
از کردار دانایان نیست مگر آنکه در میان کجاوه باشی که ممکنت باشد که بخوابی برای سستی مفاصل
و چون نزدیک شوی بمنزل از چهارپای خود فرود آی که آن چهارپا یاور تست و ابتدا کن
بعلف دادن آن پیش از آنکه خود چیزی بخوری و چون خواهی که فرود آیید پس اختیار کنید از بقعه‌های

مکان

مکانی را که خوش رنگتر و خاکش نرمتر و پر گیاه تر باشد و چون فرود آیی پیش از آنکه بنشینی دو رکعت نماز
بکن و چون خواهی بقضای حاجت بروی بسیار دور برو و پس چون خواهی که بار کنی دو رکعت نماز
بکن پس آن زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین و اهل آن زمین بکن که هر بقعه از زمین را اهلی از
ملائکه هست و اگر توانی مخور هیچ طعامی را مگر آنکه قدری از آن تصدق کنی و بر تو باد بخواندن
قرآن مادام که سواره باشی و بر تو باد بتسبیح و یاد خدا کردن تا مشغول کاری باشی و بر تو باد بدعا کردن
در وقتی که تنها و بی کار باشی و زنهار زنهار که در اول شب راه مرو بلکه در اول شب فرود آی
و در نصف آخر شب راه رو و زنهار که در راه رفتن صدا بلند مکن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقول است که مروت و مردی در حضر خواندن قرآن است و همنشینی با علما کردن و تفکر در فقه و علوم
کردن و محافظت بر نمازهای جماعت کردن و اما مروت سفر پس توشه خود را صرف کردن و مخالفت
رفیقان نکردن و خدا را در هر بلند و پستی و فرود آمدن و ایستادن و نشستن بسیار یاد کردن است
و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مروت سفر توشه بسیار برداشتن و پاکیزه
گردانیدن توشه است و عطا کردن آن در مجمعی که رفیق تواند و آنکه بعد از مفارقت از رفیقان
عیبهای ایشان را که بر آنها مطلع شده بپوشانی و مزاح و خوش طبعی بسیار بکنی در چیزی که خدا را
بخشم نیاورد و در حدیث دیگر فرمود که از مروت نیست که نقل کند آدمی چیزی چند را که در سفر دیده است
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که توشهٔ مسافر حدی خواندن است و خواندن شعری چند در آن
حرامی و باطلی نباشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون با جماعتی رفیق شوی مگو اینجا فرود آیید یا اینجا
فرود میائید که در میان ایشان کسی هست که این کار را بکند اگر تو با ایشان بگذاری و در احادیث معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که اعانت کند مؤمن مسافری را حق تعالی از او هفتاد و سه
شدت از شدتهای دنیا را بر دارد و او را امان دهد از غم و اندوه و هفتاد غم و شدت در آخرت از او
بر دارد در وقتی که از شدت اهوال قیامت نفسهای مردم گرفته باشد **فصل هشتم** در آداب راه
رفتن و فرود آمدن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون از پیاده رفتن مانده

شوید استعانت جوئید بشب رفتن که ماندگی را بر طرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که کمر را
محکم ببندید و بر روی شکم ببندید تا آنکه پیاده رفتن بر شما آسان شود و در حدیث معتبر از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که در طرف بامداد و پسین راه روید و در روایت معتبر از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر شما باد براه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده میشود و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که زمین در آخر شب پیچیده میشود و فرمود که چون حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
سفر میکردند در آخر شب حرکت ظفر میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون در شب فرود
آئید بر سر راه فرود میائید و در شکم رودخانها فرود میائید که محل درندگان و مار است و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که درمیان رودخانه فرود میائید که سیلابی بیاید و بشما
ضرری برساند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی مدارا کردن را
دوست میدارد و یاری میکند بران پس چون بر حیوانات لاغر سوار باشید در منزلها فرود
آئید پس اگر زمین خشک باشد و گیاه نداشته تند بروید و اگر پرگیاه باشد منزل بمنزل فرود
آئید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر در زمین خشک بی گیاه سفر کنید تند بروید
و اگر در زمین پرگیاه و آب و علف بروید بتانی و مدارا بروید و از حضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله منقولست که چون راه غلط کنید بجانب راست میل کنید و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه منقولست که هرکه در سفر راه گم کند فریاد کند که یا صالح اغثنی بدرستی که
از برادران مومن شما از جنیان شخصی هست که صالح نام دارد و از برای خدا در شهرها میگردد
چون صدای شما را بشنود جواب میگوید و راهنمائی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که چون راه را گم کنی فریاد کن که یا صالح یا صالح ارشدونا الی الطریق
رحمکم الله راوی حدیث گفت که ما در سفری راه گم کردیم شخصی را گفتیم که از ما دور شد
و فریاد کرد باین نحو که مذکور شد پس برگشت و گفت که صدای آهسته شنیدم که گفت که راه
از جانب راست است اندک مسافتی که رفتیم راه را یافتیم و از عمر بن یزید که از ثقات اصحاب است

او مین

روایت کرده اند که گفت ما در یک سالی در سفر مکه معظمه راه را گم کردیم پس سه روز ماندیم و راه را طلبیدیم
نیافتیم پس چون روز چهارم شد آبی که برداشته بودیم آخر شد پس جامهای احرام را پوشیدیم
بعنوان کفن و حنوط کردیم در آن حال شخصی از رفیقان ما برخواست و فریاد کرد یا صالح یا ابا الحسن پس
کسی از دور جواب گفت پرسیدیم که کیستی خدا ترا رحم کند گفت من از آن گروهم از جن که بحضرت
رسول صلی الله علیه و آله ایمان آوردند و کسی بغیر از من از آنها نمانده است و کار من اینست که گم شده را براه
میرسانم ما همه از پی صدای او رفتیم تا براه رسیدیم **فصل ششم** در بیان دعاها که در راه و در
منازل باید خواند در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله
علیه و آله در سفرها سرازیر میرفتند سبحان الله میگفتند و چون سر بالا میرفتند الله اکبر میگفتند و در حدیث
صحیح دیگر فرمود که چون در سفری باشی بگو اللّهمّ اجعل مسیری عبرا و صمتی تفکرا و کلامی
ذکرا و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه برودخانه پایین رود پس بگوید
لا اله الا الله والله اکبر حق تعالی پر کند آن رودخانه را از برای او حسنات نماید و در حدیث
دیگر فرمود که هرکه لا اله الا الله والله اکبر بگوید در بلندی از بلندیها آنچه در پیش روی اوست تا منتهای
زمین همه لا اله الا الله والله اکبر بگویند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که دو کس آمدند بخدمت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفتند ما میخواهیم برای تجارت بشام برویم چیزی تعلیم ما
فرما که در راه بخوانیم فرمود که چون در منزلی فرود آئید و نماز خفتن بکنید بعد از نماز پهلو را برخت
خواب بگذارید و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بخوانید پس آیة الکرسی بخوانید چون
چنین کنید تا صبح محفوظ میمانید چون ایشان روانه شدند جمعی از دزدان از عقب ایشان رفتند
چون فرود آمدند و نماز خفتن کردند خوابیدند و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیة الکرسی را خواندند
پس دزدان غلام خود را فرستادند که از ایشان خبر بگیرد چون نزد ایشان آمد دو دیوار دید
و از ایشان اثری نیافت چون بدزدان خبر داد ایشان نیز آمدند و همین حال را مشاهده
کردند چون صبح شد نزد ایشان آمدند و پرسیدند که شما دیشب در کجا بسر بردید گفتند در همین

موضع کفش ما آمدیم تفحص شما بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما قصه خود را بما نقل کنید ایشان
گفتند که ما در وقت خوابیدن بتعلیم حضرت رسول صلی الله علیه و آله تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیة الکرسی
خواندیم دزدان گفتند که بروید که دزدی بر شما دست نخواهد یافت و در حدیث معتبر دیگر از امام محمد
منقولست که هرکه در منزلی فرود آید که از درندگان ترسد این دعا بخواند اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی
کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع چون این دعا را بخواند ایمن گردد
از شر درندگان تا از آن منزل بار کند و در حدیث دیگر معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی
که خواهد که داخل شود بموضعی که خوفی داشته باشد این آیه را بخواند رب ادخلنی مدخل صدق
واخرجنی مخرج صدق واجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا پس چون ببیند آن شخص
یا آن چیزی را که از او بیم دارد آیة الکرسی بخواند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه در سفری یا بیابانی
باشی و از جنیان یا غیر ایشان ترسی دست راست خود را بر سر بگذار و بآواز بلند بگو افغیر
دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها و
الیه ترجعون و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول بحضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه فرمود که یا علی چون در منزلی فرود آیی بگو رب انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر
المنزلین تا آنکه نیکی آن منزل ترا روزی شود و شر آن موضع از تو دفع شود و در حدیث معتبر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله به حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که چون
اراده داخل شدن شهری یا دهی داشته باشی چون نظرت بآن افتد بگو اللهم انی اسئلک
خیرها واعوذ بک من شرها اللهم اطعمنا من جناها واعذنا من
وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا و در روایت دیگر
صادق علیه السلام منقولست که چون بر شهر مشرف شوی و نظرت بر آن بیفتد بگو اللهم
رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما اقلت ورب الریاح

وما ذرت

وما ذرت ورب الشیاطین وما اضلت اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد و
اسئلک من خیر هذه القریة وما فیها واعوذ بک من شرها وشر ما فیها
و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیاطین در میان محملها و کجاوه‌ها
می‌آیند و شتران را رم میدهند پس برای دفع ایشان آیة الکرسی بخوانید و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که هرکه در سفری باشد و از دزدان یا درندگان ترسد بر بال اسبش بنویسد لا تخاف درکا
ولا تخشی تا ضرر آنها باذن الهی از او برطرف شود راوی گفت که من بسفر حج رفتم در میان راه
جمعی از عربان آمدند و قافله را زدند و من در میان ایشان بودم این آیه را بر بال اسب نوشتم پس بحق آن
خداوندی که حضرت رسول را برسالت فرستاد و حضرت امیر المومنین را بامامت مشرف گردانید
که حق تعالی ایشان را از من کور گردانید و ضرری از ایشان بمن نرسید و در روایت دیگر مرویست
که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله بسفری میرفتند و شب میشد این دعا میخواندند یا ارض ربی و
ربک الله واعوذ بالله من شر ما فیک وسوء ما خلق فیک وسوء ما یدب
علیک واعوذ بالله من اسد واسود ومن شر الحیة والعقرب ومن ساکن البلد
ومن والد وما ولد اللهم رب السموات السبع وما اظللن ورب الارضین
السبع وما اقللن ورب الریاح وما ذرین ورب الشیاطین وما اضللن اسئلک
ان تصلی علی محمد وآل محمد واسئلک خیر هذه اللیلة وخیر هذا الیوم وخیر هذا
الشهر وخیر هذه السنة وخیر هذا البلد واهله وخیر هذه القریة واهلها وخیر
ما فیها واعوذ بالله من شرها وشر ما فیها ومن شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که هرگاه کسی
بر بلندی یا پلی بالا رود بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر
والحمد لله رب العالمین لک الشرف و در ادعیه نیز منقولست که هرکه در راه از دشمن
و دزدان ترسد این دعا بخواند یا آخذا بنواصی خلقه والسائق بها الی قدرته والمنقذ

فيها حكمة وخالق وجاعل قضائها غايبا الى مكيدة ولفوتك على من كان
تعرضت فان حلت بيني وبينهم فذلك ما ارجوا وان اسلمتني اليهم عشروا
ما لي من نعمتك يا خير المنعمين لا تجعل احدا مغيرا نعمتك التي انعمت بها
على سواك ولا تغيرها انت عني وقد ترى الذي نزل بي فحل بيني وبين شرهم
بحق ما به تستجيب الدعاء يا الله رب العالمين و از ابي ثمامه از حضرت امير
المؤمنين صلوات الله عليه منقولست كه اين دعا بخواند اللهم اني اعوذ بك ان اضيع في سلامتك
اللهم اني اعوذ بك ان اضل في هداك اللهم اني اعوذ بك ان افتقر في غناك
اللهم اني اعوذ بك ان اضيع في سلامتك اللهم اني اعوذ بك ان اقلب و
الامر لك و از حضرت صادق عليه السلم منقولست كه چون غولان بشما برخورند در راه اذان نماز
بگوئيد و سيد ابن طاوس عليه الرحمه روايت كرده است كه چون در منزل فرود آييد بگوئيد اللهم
انزلني منزلا مباركا وانت خير المنزلين پس دو ركعت نماز بگذار و بسوره حمد و هر سوره
كه خواهد از سورهاى كوچك پس بگويد اللهم ارزقنا خير هذه البقعة واعذنا من
شرها اللهم اطعمنا من جناها واعذنا من وباها وحببنا الى اهلها و
حبب صالحي اهلها الينا پس بگويد اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و
ان محمدا عبده ورسوله وان عليا امير المؤمنين والائمة من ولده ائمة
اتولاهم وابرء من عدوهم اللهم اني اسئلك خير هذه البقعة واعوذ
بك من شرها اللهم اجعل اول دخولنا هذا صلاحا واوسطه فلاحا
واخره نجاحا و گفته است كه هرگاه كه در منزل خود از جانوران زمين ترسى اين دعا بخوان كه
از جمله دعاهاى سر است يا ذارئ من في الارض كلها بعلمك بما يكون مما ذرأت
لك السلطان على كل من دونك اني اعوذ بقدرتك على كل شيء من الضر
في بدني من سبع او هامة او عارض من ساير الدواب يا خالقها بفطرة

انها

ادرأ اما عني واحجزها تسلطها علي وعافني من شرها وباسها بالله العلي
العظيم لحفظني بحفظك واجبني بسترك الواقي في مخاوفي يا رحيم و شيخ طبرسي
رحمة الله عليه ذكر كرده است كه چون خواهى بار كنى دو ركعت نماز بگذار و از خدا طلب حفظ و حمايت
آنچه را و آن موضع را و اهل آن موضع را وداع كن كه هر موضعى را اهلى از ملائكه هست پس بگو
السلم على ملائكة الحافظين السلم علينا وعلى عباد الله الصالحين ورحمة الله
وبركاته فصل دهم در آداب سفر دريا و گذشتن از نهرها و جسرها در حديث صحيح
از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله عليهما منقولست كه مكروه است به دريا سوار شدن
براى تجارت و از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه منقولست كه نيكو طلب روزى نكرده است كسى
كه بدريا سوار شود از براى تجارت و در حديث صحيح از حضرت امام محمد باقر عليه السلم منقولست كه كسى كه
بكشتى سوار ميشود براى تجارت دين خود را در معرض تلف در آورده است و در اخبار معتبره وارد
شده است كه حضرت رسول صلى الله عليه وآله نهى فرمود از سوار شدن دريا در وقت طلاطم و
هيجان آن و در حديث حسن از حضرت امام رضا عليه السلم منقولست كه چون بكشتى سوار شوى بگو بسم الله
مجريها ومرسيها ان ربي لغفور رحيم و چون دريا موج آيد بر جانب چپ تكيه كن و بدست
راست موج بسوى اشاره كن و بگو قرى بقرار الله واسكنى بسكينة الله ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم و در بعضى از اخبار وارد شده است كه در وقت اضطراب و
طلاطم دريا بگو بسم الله اسكن بسكينة الله وقر بوقار الله واهدأ باذن الله
ولا حول ولا قوة الا بالله راوى گفت كه من مكرر بكشتى سوار شدم و در وقت طلاطم
امواج دريا آنچه حضرت فرموده بودند خواندم پس ساعت ساكن شد چنانچه گويا هرگز نبوده است
و از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه منقولست كه هر كه از غرق شدن ترسد بگويد بسم الله
مجريها ومرسيها ان ربي لغفور رحيم بسم الله الملك الحق وما قدروا الله
حق قدره والارض جميعا قبضته يوم القيمة والسماء مطويات بيمينه سبحانه

و تعالی عما یشرکون و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون خواهی بکشتی سوار شوی و از
غرق شدن ترسی بگو الله الذی نزل الکتاب بالحق و هو یتولی الصالحین و ما
قدروا الله تا اخر ایه و در روایت دیگر منقولست که چون خواهی بکشتی سوار شوی صد مرتبه
الله اکبر بگو و صد مرتبه صلوات بر محمد و ال محمد بفرست و صد مرتبه بر ظالمان ال محمد لعنت کن
باین نحو اللهم العن من ظلم ال محمد پس بگوید بسم الله و بالله والصلوة علی محمد
رسول الله و علی الصادقین من اله اللهم احسن مسیرنا و عظم اجورنا اللهم
بك انتشرنا الیك توجهنا و بك امنا و بحبلك اعتصمنا و علیك توکلنا اللهم
انت ثقتنا و رجاؤنا و ناصرنا لا تحل بنا ما لا نحب اللهم بك نحل و بك
نسیر اللهم خل سبیلنا و اعظم عافیتنا انت الخلیفه فی الاهل والمال و انت
الحامل فی الماء علی الظهر و قال ارکبوا فیها بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی
لغفور رحیم و ما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات
مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون اللهم انت خیر من وفد الیه
الرجال و شدت الرحال فانت سید اکرم مزور و اکرم مقصود و قد جعلت لکل
زائر کرامة و لکل وفد تحفة فاسئلك ان تجعل تحفتك ایای فکاك رقبتی من النار
واشکر سعیی و ارحم مسیری من اهلی بغیر منی علیك بل لك المنة علی اذ جعلت لی
سبیلا الی زیارة ولیك و عرفتنی فضله و حفظتنی فی لیلی و نهاری حتی بلغتنی
هذا المکان و قد رجوتك فلا تقطع رجائی و املیك فلا تخیب املی و اجعل مسیری
هذا کفارة لذنوبی یا ارحم الراحمین سید ابن طاوس گفته است که اگر مطلبش از کشتی
نشستن غیر زیارت باشد عبارات تغییر دهد بنحوی که مناسب مقصود او باشد و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بر بلندی هر جسری و پلی شیطانی هست چون بجا
برسند بسم الله بگوید تا از شما دور شود و در حدیث دیگر منقولست که چون قدم خود را بر جسر یا پل

کذاری

بگذاری بگو بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم فصل یازدهم در آداب مشایعت
و استقبال مسافر و آداب برگشتن و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
حضرت رسول صلی الله علیه و آله مومنی را وداع میکردند میفرمودند رحمکم الله و زودکم التقوی و وجهکم
الی کل خیر و قضی لکم کل حاجة و سلم لکم دینکم و دنیاکم و ردکم سالمین الی سالمین
یعنی خدا شما را رحمت کند و پرهیزکاری را توشه شما گرداند و شما را بسوی هر خیری متوجه گرداند
و جمیع حاجات شما را برآورد و دین و دنیای شما را سالم دارد و شما را بسلامت برگرداند بسوی
جمعی که ایشان بسلامت باشند و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله مسافر را وداع میکردند دستش را میگرفتند و میگفتند احسن الله لك الصحابة
و اکمل لك المعونة و سهل لك الحزونة و قرب لك البعید و کفاك المهم و حفظ لك
دینك و امانتك و خواتیم عملك و وجهك لکل خیر علیك بتقوی الله استودعك
الله سر علی برکة الله و در روایت دیگر منقولست که در اینوقت میفرمودند استودع الله
دینك و امانتك و خواتیم عملك و وجهك للخیر حیث ما توجهت و زودك التقوی
و غفر لك الذنوب و در روایت دیگر منقولست که جمعی از اصحاب بخدمت حضرت صادق علیه السلام
رفتند که آنحضرت را وداع کنند فرمود که اللهم اغفر لنا ما اذنبنا و ما نحن مذنبون
و ثبتنا و ایاهم بالقول الثابت فی الاخرة والدنیا و عافنا و ایاهم من شر ما قضیت
فی عبادك و بلادك فی سنتنا هذه المستقبلة و عجل نصر ال محمد و ولیهم و اخز
عدوهم عاجلا و در حدیث معتبر منقولست که مسافر را سنت است که چون از سفر بر
گردد برادران مومن خود را بضیافت بطلبد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که چون کسی از سفر آید برای اهل خود تحفه بیاورد اگرچه سنگی باشد و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمود با کسی که از مکه می آمد قبل الله نسکك و اخلف
علیك نفقتك و غفر ذنبك و در حدیث دیگر منقولست که هر که دست در گردن حاجی

بکند در وقتی که باکرد راه برسد چنانست که حجر الاسود را بوسیده است و در روایت دیگر منقولست
که چون کسی از سفر برکردد سزاوار آنست که مشغول کاری نشود تا غسل کند و دو رکعت نماز
کند و بسجده برود و صد مرتبه شکر الهی بکوید و چون جعفر طیار از حبشه آمد حضرت رسول صلی الله علیه و آله
او را بسینه خود چسبانید و میان دو چشمش را بوسید و اصحاب رسول چون یکدیگر را میدیدند
مصافحه میکردند و چون یکی از ایشان از سفر می آمد دیگران دست در کردن او میکردند و در احادیث
معتبره وارد شده است که مشایعت و استقبال مومنان مستحب است و از برای مشایعت
و استقبال مومنان نماز را قصر میتوان کرد و روزه ماه رمضان را میتوان خورد

فصل دوازدهم

در آداب اسب تاختن و تیر انداختن در احادیث معتبره وارد شده است که مسابقت و کرو بندی
جایز نیست مکر در اسب و استر و الاغ و شتر و فیل و در تیر اندازی و در احادیث معتبر وارد شده است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله اسب بکرو تاختند و کرو را چند اوقیه نقره بستند که هر اوقیه چهل درم است و
یکمثقال نقره باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سواری بکنید و تیر اندازی بکنید که تیر اندازی
را بهتر دوست میدارم از سواری کردن و فرمود که هر لهو و بازی که مومن کند باطلست مکر در سه چیز
در تادیب و تعلیم اسب کردن و تیر انداختن و با زن خود بازی کردن که اینها حق است و بدرستی که
بیک تیر که در راه خدا بیندازند حق تعالی سه کس را می آمرزد آنکسی که آن تیر را ساخته است و آن
کسی که آن تیر را بجهاد کننده بخشیده است و آنکسی که آن تیر را در جهاد انداخته است و در حدیث معتبر
منقولست که ملئکه میکریزند در هنکام کرو بندی و لعنت میکنند کسی که این کار میکند مکر در شتر
و فیل و دانی یا اسب و استر و الاغ یا تیر اندازی یا شمشیر و نیزه بازی پس آنکه کرو دوانیدن در
اسب و استر و الاغ و شتر و فیل جایز است و کرو بستن بر کبوتر پرانی که کدامیکه دورتر برود یا بر
کشتی راندن که دو کشتی را بر روی آب بدوانند تا آنکه دو کس کرو به بندند که کدامیکه پیشتر رود
یا در کشتی کرفتن که کدامیکه دیگری را بزمین زند یا در برداشتن چیزهای کران جایز نیست اما
بی آنکه کروی به بندند خلافست و جایز بودن اینها قویتر است خصوصا در کشتی کرفتن که بعضی از

احادیث دلالت بر جواز آن میکند چنانچه در حدیث معتبر منقولست که شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بخانه حضرت فاطمه علیها السلام آمدند و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما با آنحضرت
بودند پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله بان دو نور دیده خود فرمودند که برخیزید و با یکدیگر کشتی بکیرید ایشان
مشغول کشتی کرفتن شدند و حضرت فاطمه علیها السلام پی کاری بیرون رفتند چون برکشتند شنیدند
که حضرت رسول میفرماید که ای حسن بکیر حسین را و بزمین انداز حضرت فاطمه فرمود که ای پدر عجبست
که بزرکتر را تربیت میفرمائی که کوچکتر را بزمین افکند حضرت فرمود که ای دختر اینک
جبرئیل کفت که ای حسین حسن را بینداز من در برابر او چنین میکویم و در فقه الرضا منقولست
که زنهار چوکان بازی مکن که در آن حال شیطانها تو میتازند و فرشتکان از تو نفرت میکنند
و اکر کسی در آن حال چهار پا بیش از سر در آید و او بمیرد بجهنم میرود بدانکه در کرو بستن مطلقا شرط است
که آن مالی که قرار میکنند برای کسی قرار کنند که پیشی کیرند پس اکر از برای کسی قرار کنند که با ایشان
در عمله شریک نباشد جایز نیست چنانچه متعارفست که دو کس با یکدیکر کروی بندند و دو کس تیر می
اندازند یا اسب میتازند و اکر امام از بیت المال مسلمانان قرار کند که هر که پیشتر میرود یا پیشتر
میزند اینقدر میدهم جایز است و همچنین اکر کسی مالی بدر آورند و بکویند که این مال از آن اسب کسی
پیشتر برود از این دو کس که میتازند جایز است و همچنین جایز است که آن دو کس که میتازند
هر مالی بدر آورند و بکویند که این هر دو مال از آن است که پیشتر برود و مشروط است در کرو دوانیدن
موافق مشهور میان علما چند شرط اول آنکه تعیین کنند ابتدا و انتهای مسافتی را
که در آن میتازند که اسب هر یک که در آن مسافت پیشی کیرد او برده است دویم آنکه مالی
را که کرو برای آن می بندند مقدار و جنس آن معلوم باشد که چند است و از چه جنس است
نقره است یا طلاء است یا غیر آن سیم آنکه حیوانی را که بر آن هر یک سوار میشوند معین کنند
بدیدن و بعضی را اعتقاد آنست که اکر تعیین آن با وصاف بکند جایز است چهارم آنکه
هر یک از آنها محتمل باشد بحسب عادت که به دیکری پیشی کیرد پس اکر حیوان یک بسیار کم را

لاغری را بتازند یا حیوان بسیار تند فربهی را بتازند که معلوم باشد عادت که بران بیشی نمی‌توان
کرفت جایز است پنجم انکه ان دو حیوان که میتازند از یک جنس باشد که هر دو اسب باشند
یا هر دو استر مثلا پس اکر اسب را با استر و الاغ یا شتر یا فیل بتازند جایز نیست و در این شرط خلاف
و نزد فقیر ثابت نیست ششم انکه هر دو را یکمرتبه بتازند پس اکر شرط کنند که یکی زودتر از دیگری بتازد
جایز نیست موافق مشهور میان علما هفتم انکه سوار شوند و بدوانند اکر اسبها را بی انکه سوار شوند
بدوانند جایز نیست بر این کروبستن هشتم انکه مسافتی تعیین کنند که پیش از رسیدن بمنتهای ان
مسافت ان چهارپایان مانده نشوند نهم انکه آنها که با هم میتازند مردان باشند نه زنان
دهم انکه هر دو در وقت تاختن برابر یکدیگر ایستاده باشند و در این شرط خلافست و اظهر آنست که
اکر یکی پیشتر از دیگری ایستاده باشد جایز است و ده اسب را که با یکدیگر بتازند در میان عرب هر
یک نامی دارد انکه از همه پیشتر دود آنرا مجلّی میکویند و انکه از او مانده است و بر دیکران پیشی کرفته است
مصلّی میکویند و بعد از ان را تالی میکویند و بعد از ان را مرتاح میکویند و بعد از ان را خطّی میکویند
و بعد از ان را عاطف میکویند و بعد از ان را مؤمّل میکویند و بعد از ان را لطیم میکویند و دهم را سکّیت
میکویند که از همه پس مانده است و از برای همه جایز است چیزی قرار دهند بغیر از ان
آخر پس اکر این ده اسب همه یکبار باخر میدان برسند از برای هیچیک چیزی نخواهد بود
و بدانکه کرو بر شمشیر و نیزه و تیر جایز است و در تیر انداختن چند شرط است بحسب مشهور
میان علما اول انکه تعیین کنند که بچند تیر زدن برده است دویم انکه تعیین کنند که بچه
نحو بخورد بنشانه بیکی از انها که بعد از این بیان خواهیم کرد چهارم انکه تعیین کنند که
از نشانه چه مقدار دور باشند پنجم انکه تعیین بزرکی نشانه و اماج خانه
بکنند ششم انکه کمان هر دو و تیر هر دو از یکجنس باشد و در این شرط خلاف کرده‌اند و بهتر
آنست که شرط نیست اما اتفاقیست که در کار نیست که کمان و تیر معین را شرط کنند بلکه بعضی
کفته‌اند که اکر شرط تعیین نکند باطل است هفتم انکه یا مبادره باشد یا محاطه و مبادره آنست

که شرط

که شرط کنند که در عرض بیست تیر پنج تیر را مثلا پیشتر زند برده است پس اکر هر یک ده تیر
انداخته باشند و یکی از ده تا پنج تا زده به نشانه و دیکری چهار تا را زده انکه پنج تا زده است برده است
و اکر هر یک پنج تیر زدند هیچیک از دیکری نبرده‌اند و محاطه آنست که شرط کنند که در عرض بیست
تیر مثلا انچه زده‌اند از کم هم بدر روند اکر یکی پنج تیر مثلا پیشتر از دیکری زده باشد او برده است
پس اکر هر یک بیست تیر بیندازند و یکی پانزده تیر را بر نشانه زده باشد او برده است پس اکر
یکی چهارده تیر را زد و دیکری نه تیر هیچیک نبرده‌اند و احوط آنست که در اول یکی از این دو صورت
را تعیین کنند تا بی خلاف صحیح باشد و باید دانست که زدن نشانه بچند قسم میباشد اول حابی
یعنی اول بر زمین خورد و از زمین بجهد و بر نشانه خورد دوم خاصر یعنی از دو جانب نشانه متصل
شود سیم خازق که نشانه را زخم کند و در ان فرو رود چهارم خاسق که نشانه را سوراخ کند و بند
شود پنجم مارق که بر نشانه بخورد و از طرف دیکر بدر رود ششم خادم که پهلوی نشانه را بدرد
در میان نشانه فرو رود و پس باید که در اول شرط کنند که بکدام نحو که بزند برده است و اکر شرط کنند
که اکر پهلوی نشانه بزند برده باشد و او بر میانه نشانه بزند باز برده است و اکر شرط کنند که بر نشانه
فرو رود و چنان بزند که از جانب دیکر بجهد برده است و همچنین هر یک بیست تیر شرط کند و نیکوتر
بزند برده است و اکر نیکوتر شرط کند و بیست تیر بزند برده است و باید دانست که در تیراندازی و کرو
دوانی محلّل میباشد یعنی کسی که با ایشان شریک میشود که اکر ببرد حصّه بکیرد و اکر ببازد چیزی ندهد و بهتر انست
که اکر هر دو بازه بیرون آورند برای کروبندی چنین کسی را با خود شریک کنند و احوط آنست که در اول
صیغه بکویند که یکی از الفاظ این عقد را با این شرطها که مذکور شد بلفظ در آورد و دیکری قبول کند و بهتر است
که در هنکام تیر انداختن و اسب تاختن غرض ایشان محض لهو نباشد بلکه مطلب ایشان ورزش
جهاد در راه خدا و تقویت دین و ایمان و حمایت شیعیان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم
بیابند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسالت پناه صلّی الله علیه و آله اصحاب خود را امر فرمودند
که اسب میتاختند و آنچه کرو بران بسته میشد از مال خود میدادند و در روایت دیکر منقولست که بر صد

و پنجاه و چهار مثقال نقره کرو بستند و چون از جنگ تبوک بر می گشتند با ان اسب ابن
شتر نکرو دوانیدند و جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و آله از لعب بازی منزه و مبرا بود بلکه
برای تقویت دین اسلام و تحریص مردم بر جهاد فی سبیل الله بود تا کافران بر مسلمانان و
مخالفان بر شیعیان مستولی نشوند و جان و مال و عرض مردم از شر اشرار محفوظ باشد و
جهادی که در زمان غیبت امام علیه السلام میباشد انست که دفع ضرر کافران و مخالفان از شیعیان
بکنند و اگر جمعی از مخالفان یا کافران بر سر گروهی از شیعیان بیایند بران جماعت واجبست که جهاد
کنند در دفع انها و اگر کشته شوند شهید اند و اگر انها عاجز باشند بر جمیع مومنان واجبست که
مدد ایشان بکنند و در دفع ان کافران بکوشند و در احادیث معتبره وارد شده است که کسی که
برای دفع از عرض خود یا مال خود کشته شود شهید است و در حدیث معتبر از حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله منقولست که تمام خیرات در شمشیر و زیر سایه شمشیر است و شمشیر اهل حق کلید بهشت است
و شمشیر اهل باطل کلید جهنم است و در حدیث معتبر دیگر از انحضرت منقولست که بهشت را دری هست که
از ان جهاد کنندگان میگویند انها که در راه خدا جهاد کرده اند بسوی ان در می روند و می بینند که برای
ایشان کشوده اند و ملایکه ایشان را مرحبا میگویند و فرمود که حق تعالی امت مرا عزیز کردانید
بسم اسبان ایشان و سنان نیزه های ایشان و فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که هر که از امت تو
در راه خدا جهاد کند و یک قطره باران بر سر او بریزد ثواب شهادت در نامه اعمالش
نوشته شود و در حدیث معتبر منقولست که لشکر معاویه علیه اللعنة والعذاب الشدید در زمان
حضرت امیر المومنین علیه السلام بر انبار که محلیست در حوالی کوفه غارت کردند انحضرت خطبه
خواندند که بعضی از فقرا خطبه ترجمه میشود بدرستی که جهاد کردن برای خدا دریست از درهای
بهشت که حق تعالی برای مخصوصان دوستان کشوده است و نعمتیست ...
ذخیره کردانیده است و جهاد زره حفظ نماینده خدا و سپر محکم الهی است پس هر که ترک کند
جهاد را از قدرت برای حق تعالی بر ان جامه مذلت و خواری پوشاند و بلا او را فرو گیرد و حشم ...

از ان دوری کند و در دیدها حقیر و بیمقدار شود و راه اندیشه بر دلش بسته شود و مغلوب حق
گردد و بلا او با نصاف و عدالت سلوک نکنند بدرستی که من شما را مکرر خواندم بجهاد این گروه
در شب و روز و آشکار و پنهان و گفتم که با ایشان جهاد کنید پیش از انکه ایشان بجنگ شما آیند
قبول نکردند والله که هر گروهی که در میان دیار و مملکت ایشان با ایشان جنگ کنند البته ایشان ذلیل و
بیمقدار میشوند در نظرها پس سستی ورزیدید و بیکدیگر حواله کردید تا انکه غارتها بر شما آوردند و وطنهای
شما را مالک شدند اینک سردار معاویه لشکرش با نبار آمده و حسان را کشته و مرزهای لشکر شما را گرفته و شنیده ام
که شخصی از ایشان بخانه زن مسلمانی یا کافری که جزیه میدهد می آمده و دستبرنج و خلخال و زر آیین او را می
کنده است و او چاره بجز تضرع و عجز کردن و انا لله و انا الیه راجعون گفتن نداشته است
پس برگشتند آن طاغیان با مال فراوان و هیچیک از ایشان جراحتی بر نداشته و خونی از ایشان
بر زمین نریخته است پس اگر مرد مسلمان بعد از چنین مصیبتی بمیرد از حرمان و تاسف محل
ملامت نخواهد بود بلکه نزد من پسندیده خواهد بود پس بسی تعجب دارم تعجبی که دل را میمیراند
و غمها را جمع میکند از جمعیت این جماعت بر دین باطل خود و پراکندگی شما از دین حق خود پس بدا
حال شما و اندوه مهیا از برای شما که نشانه تیر دشمنان کردیده اید بر شما غارت می آورند و شما
بر ایشان غارت نمیبرید و بجنگ شما می آیند و شما بجنگ ایشان نمیروید و ایشان نافرمانی خدای
کنید و شما را می شاید اگر در تابستان میگویم بجنگ بروید میگویید عین شدت گرماست ما را
مهلت ده تا گرما کم شود و اگر در زمستان میگویم که بروید میگویند عین شدت سرماست ما را مهلت
ده تا سرما برطرف شود هرگاه شما از گرما و سرما میگریزید پس از شمشیر بیشتر خواهید گریخت ای مردمان
چند مثل عقلهای طفلان و زنان دارید کاش هرگز شما را ندیده بودم و شما را نشناخته بودم دلم را از چرک
و سینه ام را پر از خشم کردید بسکه نافرمانی کردید رای مرا ضایع کردید قریش میگویند که پسر
ابوطالب شجاع است اما علم جنگ را نمیداند که از من داناتر است بجنگ و که از من جنگ بیشتر
کرده است هنوز بیست سال نداشتم که شروع بجهاد کردم و اکنون از شصت سال گذشته ام کسی که فرمان برد

چه رأی بکار برد و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی جهاد را واجب ساخته و عظیم شمرده و از او موجب نصرت
و یاری گردانیده الله که دین و دنیا باصلاح نمی آید مگر بجهاد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که
هر که پیغام جهاد کننده را باهلش برساند چنانست که بنده آزاد کرده باشد و در ثواب جهاد او شریک
باشد و در حدیث دیگر فرمود که جهاد کنید که باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما میشود

فصل خاتمه در بیان بعضی از آداب متفرقه و فواید نافعه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار است
که بعضی از شیعیان ما در افتتاح بعضی از کارها فراموش میکنند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را پس حق تعالی
ایشان را امتحان مینماید ببلائی تا متنبه شوند و بیاد آورند شکر الهی و ثنای براو و حق تعالی بسبب آن
محو مینماید از ایشان منقصت آن تقصیر را که از ایشان صادر شده است پس باید که آدمی در ابتدای
هر کاری افتتاح نماید بگفتن بسم الله و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون حق تعالی حضرت آدم را
نهی فرمود از خوردن میوه آن درخت بهشت گفت بلی پروردگارا و نگفت که انشاء الله پس از آن
درخت خورد و از بهشت بیرون آمد پس حق تعالی فرمود پیغمبرش را که و لا تقولنّ
لشیءٍ انّی فاعلٌ ذلک غداً الّا ان یشاء الله واذکر ربّک اذا نسیت پس فرمود که
یعنی مگو مر چیزی را که این را میکنم فردا مگر آنکه مقید بمشیت الهی گردانی که بگوئی مگر آنکه خدا
خواهد که بکنم و یاد کن پروردگار خود را هر گاه که فراموش کنی و را یعنی هر گاه که گفتن
انشاء الله را فراموش کنی در هر وقت که بخاطرت بیاید بگو اگر چه بعد از یکسال باشد و در حدیث
معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه منقولست که نه چیز است که کردن آنها مورث غلبه
فراموشی است خوردن سیب ترش و گشنیز و پنیر و نیمخورده موش و بول کردن در آب
ایستاده و خواندن نوشته قبرها و راه رفتن میان دو زن و شپش را انداختن و حجامت کردن
درکوشت و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که سه چیز است که حافظه را زیاد میکند
مسواک کردن و روزه داشتن و قران خواندن و در حدیث معتبر منقولست که روزی آنحضرت
غمگین شد فرمودند که نمیدانم بچه سبب غمگین شده ام بر عتبه در نه نشستم و در میان گله

کوسفندان

...ن نمد نشستم و زیر جامه را ایستاده پوشیدم و دست و رو را بدامن پاک کردم و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که ده چیز است که اندوه را برطرف میکند راه رفتن و سوار شدن
و سر در آب فرو بردن و بسبزه نظر کردن و خوردن و آشامیدن و جماع کردن و مسواک کردن و سر شستن
با خطمی و نظر بروی زنان مشغول کردن و با مردان سخن گفتن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که چند چیزند که باعث پریشانی میشوند و چند چیز اند که باعث توانگری میشوند اما آنها که موجب فقر و پریشانی
میشوند تار عنکبوت را در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن و در حال جنابت چیزی خوردن
و با چوب گز خلال کردن و ایستاده شانه کردن و خاکروبه در خانه گذاشتن و قسم دروغ خوردن و
... کردن و اظهار حرص کردن و خواب کردن در میانه نماز شام و خفتن و خواب کردن پیش از صبح و
... طلوع آفتاب و دروغ بسیار گفتن و غنا و خوانندگی شنیدن و مردی را که در شب سوال کند چیزی
... زیاده از اندازه کردن و با خویشان بدی کردن اما آنها که موجب توانگری و زیادتی
... نماز پیشین و پسین را و شام و خفتن را با جماعت گذاردن و بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر تعقیب
... و با خویشان نیکی و احسان کردن و ساحت خانه را جاروب کردن و مال خود را با
برادران مومن قسمت کردن و بامداد بطلب روزی رفتن و استغفار بسیار کردن و خیانت
در مال مردم نکردن و سخن حق درست گفتن و آنچه موذن در اذان بگوید از پی او گفتن و در بیت الخلاء
سخن نگفتن و حرص در طلب دنیا نداشتن و شکر کسی که حق نعمت بر کسی داشته باشد کردن و از قسم
دروغ اجتناب کردن و پیش از طعام دست شستن و ریزهای که از سفره ریزد خوردن و هر که روزی
سی مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور گرداند که کمتر آنها پریشانی باشد
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در مدح اهل بیت علیهم السلام یک شعر بگوید
حق تعالی برای او در بهشت خانه بنا کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که در مدح ما یک بیت از شعر بگوید مؤید بروح القدس
گردد و در حدیث از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر مومنی که یک بیت شعر در مدح اهل بیت بگوید
حق تعالی در بهشت برای او شهری بنا کند بزرگتر از هفت برابر دنیا چون در آن شهر درآید هر ملک مقربی و هر پیغمبر مرسلی

بدین او می بیند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که مسلم ...
باشد بهتر از آن است که پر از شعر باشد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی
فرمودند از چیزی خوردن در حال جنابت و فرمود که مورث پریشانی است و نهی فرمودند از کردن ناخن
بدندان و از مسواک کردن در حمام و از آب بینی انداختن در مسجد و از خوردن نیم خورده موش
و فرمودند که مسجدها را راه نکنند که از دری درآیند و از در دیگر بدر روند مگر آنکه دو رکعت نماز کنند
و نهی کردند از آنکه بول کنند در زیر درخت میوه دار یا در میان راه و نهی فرمودند از آنکه بدست چپ تکیه
کرده چیزی بخورند و نهی فرمودند از تکیه کردن بر قبرها و خنده کردن در قبرستانها و فرمودند که در فضا
غسل کنند یا خبر باشد که عورتش گشوده نشود و نهی فرمودند از آب خوردن از پیش دسته کوزه در آنجا
جمع میشود و نهی فرمودند از بول کردن در آب ایستاده که باعث برطرف شدن عقل میشود و نهی
فرمودند از آنکه کسی با یک تای نعل راه رود یا ایستاده نعل بپوشد و نهی فرمودند از آنکه ...
و فرجش محاذی آفتاب یا ماه باشد و فرمودند که چون داخل بیت الخلا شوند اجتناب کنند از رو
و پشت بقبله و نهی فرمودند از گریه بسیار و نوحه کردن در مصیبت و نهی فرمودند از رفتن زنان ...
و نهی فرمودند از آنکه محو کنند چیزی از قرآن را باب دهان یا آنکه چیزی از قرآن را باب دهان بنویسند
و نهی فرمودند از خواب دروغ بستن و فرمودند که هر که چنین کند حق تعالی او را تکلیف میکند که بر جو گره زند و
نتواند باین سبب معذب باشد و نهی فرمودند از ساختن صورتها و فرمودند که هر که صورتی سازد حق تعالی او را
در قیامت تکلیف کند که جان در آن صورت بدمد و نتواند و نهی فرمودند از آنکه حیوانی را بآتش بسوزانند و نهی فرمودند
از دشنام دادن خروس زیرا که از برای نماز بیدار میکند و نهی فرمودند از آنکه متاعی خواهد چیزی بفروشد یا بخرد دیگری
بیاید و بگوید که من متاع بهتر دارم از من بخر یا این متاع را بیشتر میخرم و نهی فرمودند از سخن بسیار گفتن در وقت
جماع و فرمودند که از آن بهم میرسد لال بودن فرزند و فرمودند که خاکروبه را شب در خانه مگذارید و در روز بیرون برید
بدرستیکه شیطان در آن جا میکند و نهی فرمودند از آنکه در شب کسی بخوابد با دست آلوده بطعام پس
اگر چنین کند شیطان او را دیوانه کند ملامت نکند مگر خود را و نهی فرمودند از آنکه

[illegible]

[illegible] یا سر کنیزان ... و نهی فرمود از آنکه زن بی رخصت شوهر از خانه بیرون رود پس اگر چنین کند
لعنت کنند او را ملائکه آسمانها و هر که بر او بگذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی فرمود
از آنکه زن برای غیر شوهر زینت کند پس اگر بکند بر خدا لازم است که او را بآتش بسوزاند و نهی
فرمود که زن نزد غیر شوهر و محرمان خود زیاده از پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نهی فرمود از آنکه زنی در پهلوی
زنی دیگر بخوابد و جامه در میان ایشان حایل نباشد و نهی فرمود از آنکه زنی با زن دیگر نقل کند آنچه در خلوت
میان او و شوهرش گذشته است و نهی فرمود از آنکه کسی با زن خود رو بقبله جماع کند و نهی کرد از آنکه
در میان راه با زن خود جماع کند پس اگر چنین کند خدای تعالی و ملائکه و همه مردمان او را لعنت کنند
و از آنکه بروند نزد جماعتی که خبرها از آینده میدهند مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان
و هر که نزد ایشان رود و تصدیق کند ایشان را پس او بیزار شده است از خبرهای که بر حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله نازل شده است و نهی فرمود از بازی کردن نرد و شطرنج و طبل و تنبک و طنبور و
عود و نهی فرمود از غیبت کردن و گوش دادن بآن و از سخن چینی و گوش دادن بآن و فرمود که سخن چین داخل
بهشت نمیشود و نهی فرمود بضیافت فاسقان رفتن و نهی فرمود از قسم دروغ و فرمود که اهل خانها
را از خانها بیرون می اندازد و فرمود که هر که قسم دروغی بخورد برای آنکه مال مسلمانی را ببرد در قیامت خدا
با او در غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را پس دهد و نهی فرمود از نشستن بر سر خوانی که در آن
شراب بخورند و نهی فرمود از آنکه کسی زن خود را بحمام فرستد یعنی در ولایتی که احتیاج بحمام نداشته
باشد و نهی فرمود از داخل شدن حمام بی لنگ و نهی فرمود از طپانچه زدن در وقت مصیبت و نهی
فرمود از هر سخن لغوی که آدمی را از یاد خدا غافل گرداند و نهی فرمود از آشامیدن از ظرف طلا و نقره و نهی
فرمود از پوشیدن حریر و دیبا و ... مردان را امام از نماز با آن نیست و نهی فرمود از فروختن خرما
بر درخت پیش از آنکه سرخ یا زرد شود و نهی فرمود از آنکه رطب را بر درخت خرما بفروشند
و انگور را در درخت بمویز بفروشند و نهی فرمود از فروختن آلت نرد و شطرنج و نهی فرمود
[illegible] شراب ... فرمود که حق تعالی لعنت کرده است شراب را و آنرا که درخت

انکور را بقصد شراب میکارد و انکه انکور را برای شراب میفشارد و انکه میخورد و انکه ساقی میشود و آنکه میفروشد و انکه میخرد و انکه قیمتش میخورد و انکه برمیدارد و انکه از برای او میبرند همه ملعونند و فرمود که هر که شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست و اکر بمیرد در شکمش چیزی از شراب باشد بر خدا لازم است که او را از آنچه در فرج زنان ناکاران از چرک و ریم بیرون آمده و سالها در دیکهای جهنم جوشیده است پس چون بخورند بکداز د احشا و امعا و پوست ایشان و نهی فرموده از خوردن سود و از شهادت ناحق دادن و از نوشتن کاغذ سود و لعنت کرده است خدا کیرنده و دهنده سود و نویسنده سود و کواه سود را و نهی فرموده از مصافحه کردن با کافران اهل ذمه و نهی کرد از خواندن شعر در مسجد و برای کم شده فریاد کردن در مسجد و نهی فرمود از انکه در مسجد شمشیر برهنه کنند و از انکه چیزی بر روی جانوران بزنند و نهی از انکه زنی بعورت زنی نکاه کند و نهی نمود از انکه بدمند در طعام یا آب یا در موضع سجده و نهی نمود از نماز در قبرستان و در میان راه و در آسیا و در خانه و در جایی که شتر از اینند و بر بام کعبه معظمه و نهی فرمود از کشتن مکس عسل و از داغ کردن بر روی چهارپایان و نهی نمود از انکه کسی بغیر از خدا قسم بخورد و فرمود که هر که بغیر از خدا قسم بخورد از رحمت خدا بری شده است و نهی فرمود از قسم یاد کردن بسوره قرآن و فرمود که هر که بسوره قران قسم یاد کند بهر آیه یک کفاره بر او لازم است خواه راست قسم خورده باشد و خواه دروغ و علما حمل بر استحباب کرده اند کفاره را و نهی فرمود از انکه کسی قسم بخورد بجان او و بجان فلان و نهی فرموده از انکه کسی جنب در مسجد بنشیند و نهی فرموده از برهنه شدن در زیر آسمان و نهی فرموده از حجامت کردن در روز چهارشنبه و روز جمعه و نهی نمود از سخن کفتن در روز جمعه در هنگامی که پیش نماز خطبه خواند پس اکر چنین کند او را ثواب جمعه کامل نیست و نهی نموده از انکشتری برنج و آهن در انکشت کردن و نهی فرمود از انکه صورت حیوانات در نکین نقش نکند و نهی نمود از نماز نافله کردن در هنکام بیرون آمدن و فرو رفتن آفتاب و در نزدیک زوال و نهی نمود از روزه کرفتن در عید رمضان و عید قربان و سه روز بعد از عید قربان در منی و یوم الشک بقصد ماه رمضان و نهی نمود از انکه بر روی چهارپایان ... آب ... باشند ...

که بهترین ظرفهای شماست و نهی نمود از آب دهان انداختن در چاهی که آب از آن خورند و نهی فرمود از انکه مزدوری را کار فرماید پیش از انکه مزدش را قرار کنند و نهی فرمود از انکه دو کس از یکدیکر بازردکی دوری کنند و اکر ناچار باشد زیاده از سه روز نکنند که اکر چنین که هر که چنین کند آتش جهنم برو اولی است و نهی فرمود از انکه طلا را با طلا و نقره را با نقره بفروشند با زیادتی بلکه میباید برابر یکدیکر بفروشند و نهی فرمود از مدح کردن مردم برابر ایشان و فرمود که خاک بپاشید بر روی مدح کنندکان و فرمود که هر که مزد یک مزدور را ظلم کند و باو ندهد حق تعالی ثواب اعمالش ضبط کند و بوی بهشت بر او حرام کرداند و فرمود که هر که قرآن را یاد کیرد و از روی بی اعتنایی فراموش کند در قیامت دستهایش در کردنش بسته باشد و حق تعالی بهر آیه ماری بر او مسلط کرداند مکر انکه خدا او را بیامرزد و فرمود که هر که قرآن را بیاموزد پس بعد از آن حرامی بخورد یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن اجتناب کند مستوجب غضب آلهی کردد مکر انکه توبه کند و اکر بی توبه بمیرد قرآن با او خصمی کند و هر که زنا کند با زن مسلمانی یا زن ترسایی یا جهودی یا کبری خواه آزاد باشد آن زن خواه کنیز و بی توبه بمیرد حق تعالی در قبرش سیصد در از جهنم بکشاید که از آنها مار و عقرب و اژدها از جهنم بقبرش در آیند و او را آتش سوزد تا روز قیامت پس چون از قبرش مبعوث شود مردم از کند بوی او متأذی شوند و همه کس او را باین عمل قبیح بشناسند تا بجهنم رود و فرمود که هر که در خانه مؤمنی نظر کند و امر مستور او مطلع شود خدا او را محشور کرداند با منافقانی که عیبهای مسلمانان را تفحص میکردند و از دنیا بیرون نرود تا خدا او را رسوا کند مکر انکه توبه کند و فرمود که هر که راضی نباشد بآنچه خدا روزی او کردانیده است و شکایت کند و از روی خدا صبر بر تنکی روزی نکند هیچ حسنه از او بالا نرود و در قیامت خدا از او در خشم باشد مکر انکه توبه کند و فرمود که هر که ظلم کند بر زنی که مهر او را ندهد نزد خدا زناکار است و حق تعالی در قیامت باو خطاب فرماید که من کنیز خود را بعقد تو در آوردم بر مهری و پیمانی و تو وفا بعهد و پیمان من نکردی و بر کنیز من ستم کردی پس از حسنات او بکیرد و بعوض مهر زن بدهد و اکر حسنه اش تمام شود امر کند که

وحق تعالی روز قیامت از او در خشم باشد و هرکه شهادت ناحقی بر احدی از مردم بدهد حق تعالی او را بزبانش
در اسفل درک الاسفل جهنم با منافقان حشر کند و هرکه مال خیانتی بخرد دانسته چنانچه که خود
خیانت کرده باشد و هرکه حق برادر مؤمنی را حبس کند حق تعالی برکت روزی را بر او حرام گرداند مگر آنکه
توبه کند و هرکه گناهی را از کسی بشنود و آنرا فاش کند چنانست که خود کرده باشد و هرکه برادر
مسلمانش با و محتاج شود در قرضی و قادر باشد و ندهد حق تعالی بوی بهشت بر او حرام گرداند و هرکه صبر کند
از برای خدا بر کج خلقی زن خود حق تعالی ثواب شکر کنندگان او را کرامت فرماید و هرزنی که سازگاری
و مدارا با شوهر خود نکند و او را بدارد بر چیزی چند که بر آنها قادر نباشد حق تعالی هیچ حسنهٔ او را قبول
نفرماید و در قیامت از او در خشم باشد و هرکه گرامی دارد برادر مسلمان خود را چنانست که خدا را گرامی
داشته و نهی فرمود از آنکه کسی پیش نمازی گروهی کند که ایشان باو راضی نباشند و هرکه پیش نمازی
گروهی برضای ایشان بکند در وقت مناسب حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب همه
آن گروه داشته باشد بی آنکه از گناه آنها کم شود و هرکه برود نزدیکی از خویشان خود بنفسه
او یا برای آنکه مالی از برای او ببرد حق تعالی ثواب صد شهید او را کرامت فرماید و بهر کامی
چهل هزار حسنه برای او نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو شود و چهل هزار درجه برای او بلند شود
و چنان باشد که صد سال برای خدا عبادت کرده باشد و هرکه از برای کوری حاجتی از حوائج دنیا
او را بر آورد و از برای او در آن حاجت راه رود تا آن حاجت بر آورده شود حق تعالی بیزاری از
نفاق و بیزاری از آتش جهنم باو عطا فرماید و هفتاد حاجت دنیای او را بر آورد و پیوسته در
رحمت الهی باشد تا برگردد و هرکه یکروز بیماری بکشد و بعیادت کنندگان خود شکایت
نکند حق تعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل مبعوث کرداند تا آنکه بر صراط بگذرد مانند برق
لامع و هرکه سعی نماید از برای بیماری در حاجتی خواه بر آید ... از گناهان بیرون آید
مانند روزی که از مادر متولد شده بود پس شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن بیمار از اهل خانهٔ او
باشد ثواب او بیشتر است فرمود که بلی فرمود که هرکه شخصی را از حقی منع کند و قادر بر ادای آن باشد

او را امر کنند که بجهنم برند و نهی فرمود از پوشانیدن گواهی و فرمود که هرکه گواهی نزد او باشد
و بپوشاند حق تعالی در قیامت در حضور خلایق گوشت بدن او را بخورد او دهد و فرمود که پیوسته
جبرئیل مرا وصیت میکرد در باب حق همسایگان که من گمان کردم که میراثی برای او قرار خواهد داد
و مرا وصیت میکرد در باب غلامان و کنیزان که من گمان کردم که حدی مقرر خواهد کرد که چون بآن قدر
خدمت کنند آزاد شوند و وصیت میکرد مرا بمسواک کردن تا آنکه گمان کردم که واجب خواهد کرد
و وصیت میکرد مرا بنماز شب تا آنکه گمان کردم که نیکان امت من در اصل شب نخواهند خوابید و فرمود
که هرکه سبک شمارد مسلمان فقیر را حق خدا را سبک شمرده است و حق تعالی او را در قیامت سبک شمارد
مگر آنکه توبه کند و هرکه مسلمان بی چیز را گرامی دارد در قیامت خدا از او راضی و خشنود باشد و هرکه گناهی
و خواهش حرامی او را پیش آید و از ترس خدا از آن ترک نماید حق تعالی جهنم را بر او حرام گرداند و او را در ترس روز
قیامت ایمن گرداند و بهشت که در قرآن او را وعده فرموده باو عطا فرماید و هرکه در میان دنیا و آخرت مردد
شود پس دنیا را بر آخرت اختیار کند در قیامت او را حسنه نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد
و هرکه آخرت را اختیار کند بر دنیا خدا از او خشنود گردد و گناهانش را بیامرزد و هرکه چشمش را پر کند
از نظر کردن بسوی کسی که بر او حرام باشد دیدن او حق تعالی دیدهٔ او را در قیامت از آتش پر کند مگر
آنکه توبه کند و هرکه مصافحه کند با زنی که بر او حرام باشد خدا از او خشمناک گردد و هرکه زنی را بحرام
در بر گیرد او را با شیطانی در یک زنجیر بکشند و هر دو را بجهنم اندازند و هرکه فریب دهد مسلمانی را
... از امانت در قیامت با یهودان محشور شود و فرمود که هرزنی که شوهر خود را بزبان
آزار دهد حق تعالی هیچ حسنهٔ او را قبول نفرماید تا او را از خود راضی گرداند هرچند روزها روزه باشد
و شبها نماز بپا بایستد و بنده آزاد کند و مردان را بر اسبان سوار کرده بجهاد فرستد
حال مرد اگر بر زن خود ستم کند و هرکه خشمی را از کسی فرو خورد که تواند از او انتقام
کشد حق تعالی باو ثواب شهیدی کرامت فرماید و نهی فرمود از خیانت کردن در اموال مردم
و فرمود که هرکه خیانت کند امانتی را در دنیا و باهلش پس ندهد تا مرگ او در یابد بر غیر ملت من مرده باشد

حق تم

و تاخیر کند هر روز گناه بمقابل برای او نوشته شود و هر که احسانی به برادر مومن خود بکند و بر او
منت گذارد حق تعالی عملش را ضبط کند و او را ثواب ندهد و حق تعالی میفرماید که من بهشت را حرام
کرده ام بر منت نهنده و بر بخیل و بر سخن چین و هر که تصدق کند بوزن هر درهمی مثل کوه احد باشد از
نعیم بهشت و هر که تصدقی ببرد برای محتاجی مثل ثواب انکس داشته باشد که ان تصدق را داده است
بی انکه از ثواب او چیزی کم شود و هر که از ترس خدا آب از دیدهای او جاری شود بهر قطره که از دیده
او بیرون آید حق تعالی قصری در بهشت باو عطا فرماید که مزین باشد بجواهر و سایه جواهر و در ان قصر باشد
از انچه چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بر او خاطری خطور نکرده باشد و هر که بسوی مسجد برود برای نماز جماعت
بهر گامی که بر دارد هفتاد هزار حسنه برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود و اگر
با این حال مرگ او را برسد حق تعالی هفتاد هزار ملک باو موکل گرداند که در قبر او را عیادت کنند و مونس او
باشند در تنهایی از برای او طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای حق تعالی او را
ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق کرامت فرماید و بشفاعت او چهل هزار گناه کار داخل
بهشت شوند و بدرستی که چون موذن اشهد ان لا اله الا الله میگوید برا و هفتاد هزار ملک صلوات
میفرستند و از برای او استغفار میکنند و در روز قیامت در سایه عرش الهی باشد تا حق تعالی
از حساب خلایق فارغ شود و ثواب گفتن اشهد ان محمد رسول الله چهل هزار ملک باشد و اگر در نماز
جماعت محافظت نماید بر صف اول و تکبیر اول و ازار مسلمانی نکند حق تعالی مثل ثواب موذنان
در دنیا و آخرت او را کرامت فرماید و میفرمود که هیچ بدی را حقیر مشمارید هر چند در نظر کوچک نماید
و هیچ کار نیکی را بزرگ مشمارید هر چند در نظر شما بزرگ نماید بدرستی که گناه کبیره نمیماند با استغفار
و گناه صغیره نمیباشد با اصرار بدرستی که چون بر گناه صغیره اصرار کردی و توبه نکرده کبیره میشود و در حدیث دیگر
منقولست که نهی فرمود از نشستن [illegible] در خانها میباشند و نهی فرمود از انکه کسی گوش بسخن جماعتی
که نخواهند که او سخن ایشان را بشنود و اگر چنین کند در قیامت در گوش او سرب گداخته بریزند
و نهی فرمود از خندیدن در قبرستان و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی

در قیامت

در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشانرا قبول نمیفرماید و بعذاب دردناک
ایشانرا معذب میگرداند مرد دیوث باشد و کسی که فحش گوید و شنود و پروا نکند و کسی که چیزی
داشته باشد و از مردم سوال کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهشت حرام است بر هر فحش
گوینده کم حیایی که پروا نکند از انچه خود گوید و از انچه بار گوید چنین کسی را اگر تفتیش کنی از حال او ولد الزنا است
یا شیطان در نطفه او شریک شده است و در حدیث معتبر دیگر فرمود که بوی بهشت از پانصد ساله راه میرسد
و عاق پدر و مادر و دیوث انرا نمیشنوند پرسیدند که دیوث کیست فرمود کسی که زنش زنا کند و او
داند و تغافل کند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که زنی که یکدیگر ساحقه میکند در قیامت
ایشانرا می آورند و جامها از آتش و مقنعهای آتش و زیر جامها از آتش بر ایشان میپوشانند و عمودی
از آتش در شکم ایشان میکنند و در جهنم می اندازند و اول کسی که این عمل کرد قوم لوط بودند و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که کافرند بخدای عظیم ده کس از امت من کشنده مردم بناحق و جادوگر و دیوث و
کسی که با زنی بحرام جماع کند کسی که با حیوانی جماع کند و کسی که با محرم خود مثل مادر و خواهر جماع کند و کسی که
سعی در فتنه و فساد کند و کسی که حربه بکافر بفروشد و کسی که زکوة مال خود ندهد و کسی که توانایی رفتن حج
داشته باشد و برا او واجب باشد و نرود و از حضرت امام موسی علیه السلم منقولست که هر که مست شود
از شراب و بعد از ان تا چهل روز بمیرد نزد خدای تعالی مانند بت پرست باشد و در حدیث دیگر منقولست
که هر که در خانه او طنبور یا عود یا چیز دیگر از الهای ساز باشد یا نرد یا شطرنج چهل روز بماند مستوجب غضب
الهی گردد و اگر در این چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده باشد و جای او جهنم باشد و از حضرت امیر المومنین علیه السلم
منقولست که کبوتر در خانه کی میکند نفرین میکند بر اهل خانه که ساز ها میزنند و کنیزان خواننده نگاه میدارند
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که چهل روز در خانه او
طنبور بنوازند حق تعالی باو مسلط گرداند شیطانی که [illegible] هیچ عضوی
از اعضای او نماند مگر انکه ان شیطان بران بنشیند پس چون چنین شود حیا از او برطرف شود و دیگر پروا
نکند از انچه گوید یا شنود و غیرت از او برطرف شود تا انکه اگر داند زنش زنا کند غیرت نورزد و از حضرت

صادق علیه السلم پرسیدند از تفسیر این آیه کریمه فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور که ترجمه
لفظش اینست که اجتناب کنید از رجس که بدکه آنها بتهاست و اجتناب کنید از گفتار باطل فرمود که
آن بتها شطرنج است و گفتار باطل غنا و خوانندگی است و نزدیکتر از شطرنج است و اما شطرنج نگاه
داشتن آن کفر است و بازی کردن بان شرکست و یاد دادن بکسی گناه کبیره است و سلام کردن
بکسی که بازی کند گناه است و کسی که دست درمیان آن کرداند چنانست که دست درمیان گوشت
خوک کردانیده و کسی که نظر سوی او کند چنانست که بفرج مادرش نظر کند و کسی که نرد بازی کند بقمار
مثل کسیست که گوشت خوک خورد و کسی که سیقماره و کروبندی بازی کند چنانست که دست درمیان گوشت
خوک گذاشته و جایز نیست که انگشتر بازی و تخته که برروی سنگها چینند و بازی میکنند امثال اینها و
امثال اینها قمارست حتی بازی کردن اطفال بکرو و کان و زنهار که سنج مزنید که شیطان با شما میدود
و ملائکه از تو میگریزند و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که هرکه با پسری لواطه کند حدش آنست که
یا او را با آتش بسوزانند یا دیواری بر سرش بکشند یا شمشیری براو بزنند که کشته شود و خواهر و
مادران پسر بران مرد حرام میشود و در قیامت او را الجلق میکشند و در کنار جهنم تا حق تعالی از حساب
خلایق فارغ شود پس او را در آتش اندازند و از هر طبقه از طبقات جهنم او را عذاب کنند تا باخر
طبقات جهنم برسد و لواطه بدتر از زنا است زیرا که حق تعالی امتی را بزنا هلاک نکرده و بلواطه چند شهر را
هلاک کرد و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلم منقولست که هرکه مصر باشد بر وطی پسران نمیرد تا آنکه مبتلا
شود بانکه مردم از التکلیف نماید که با او این عمل قبیح بکنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که
لواطه آنست که در غیر دبر با پسر عملی بکند اما اگر در دبر فرو برد پس آن کفر است بخدا و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که بعزت و جلال خودم سوگند میخورم که بر استبرق
در بهشت ننشیند کسی که در دبر او لواطه کنند و در حدیث موثق منقولست که شخصی بخدمت حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که مرا موعظه بکو فرمود که اگر حق تعالی متکفل روزی
شده پس غم خوردن تو برای چیست و اگر روزی از جانب خدا قسمت شده پس حرص چیست و اگر حساب حقیقت
پس

پس جمع کردن مال برای چیست و اگر آنچه در راه خدا میدهی خدا عوض میدهد پس بخل ورزیدن
برای چیست و اگر عقوبت خدا آتش جهنم است پس نافرمانی خدا برای چیست و اگر مرگ
حق است پس شادی برای چیست و اگر همه چیز بر خدا عرض میشود پس مکر برای چیست و اگر
شیطان دشمن توست پس غافل شدن از او برای چیست و اگر همه کس را بر صراط میباید گذشت
پس عجب و خودستایی برای چیست و اگر دنیا فانی است پس دل بدنیا بستن برای چیست و در
حدیث صحیح معتبر از حضرت رسالت پناه صلی منقولست که عابدترین مردم کسیست که آنچه خدا براو
واجب کرده است بجا آورد و سخی ترین مردم کسیست که زکوة مال خود را بدهد و زاهدترین مردم کسیست
که آنچه خدا حرام کرده است ترک نماید و پرهیزکارترین مردم کسیست که در همه جا حق بگوید خواه برای او نفع داشته
و خواه ضرر داشته باشد و عادلترین مردم کسیست که از برای مردم بپسندد آنچه از برای خود می پسندد و از
برای مردم نخواهد آنچه از برای خود نمیخواهد و زیرکترین مردم کسیست که یاد مرگ بیشتر کند و محسودترین مردم کسیست که
بزیر خاک رفته باشد و از عقاب الهی ایمن شده باشد و امید ثواب خدا داشته باشد و غافلترین
مردم کسیست که از گردیدنهای دنیا از حالی بحالی پند نگیرد و صاحب قدرترین مردم کسیست که دنیا را
نزد او قدر نباشد و داناترین مردم کسیست که علم مردم را با علم خود جمع کند و شجاعترین مردم
کسیست که بر خواهشهای نفس خود غالب شود و گران بهاترین مردم کسیست که علمش فراوان تر باشد
و کم بهاترین مردم کسیست که علمش کمتر باشد و کم لذت ترین مردم کسیست که رشک مردم برد و کم راحت ترین
مردم بخیل است و بخیل ترین مردم کسیست که بخل ورزد در چیزی که خدا براو واجب کرده است و اولای مردم
بحق کسیست که عمل بحق بیشتر کرده و بیحرمت ترین مردم فاسق است و بی وفاترین مردم پادشاهست و کم
دوست ترین مردم پادشاهست و فقیرترین مردم صاحب طمع است و بی نیازترین مردم کسیست که اسیر
حرص نباشد و کسی ایمانش بهتر است که خلقش نیکوتر باشد و گرامی ترین مردم پرهیزکارترین ایشانست و کسی

قدرتش عظیم‌تر است که چیزهای که فایده ندارد متعرض نشود و پرهیزکارترین مردم کیست که مجادله و منازعه نکند هرچند حق با او باشد و بیمروت‌ترین مردم دروغ‌گوست و شقی‌ترین مردم بادشاهان است و دشمن‌ترین مردم نزد خدا متکبرانند و کسی در طاعت سعی بیشتر کرده است که ترک گناهان کرده باشد و داناترین مردم کیست که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کیست که با نیکان خلطه کند و عاقل‌ترین مردم کیست که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم به تهمت کیست که با اهل تهمت همنشینی کند و طاغی‌ترین مردم کیست که بکشد کسی را که قصد کشتن او ندارد و بزند کسی را که او را نزند و سزاوارترین مردم بعفو کردن کیست که قدرت بر عقوبت بیشتر داشته باشد و سزاوارترین مردم بسفاهت کیست که در حضور مردم سفاهت کند و در غایبانه غیبت کند و ذلیل‌ترین مردم کیست که مردم را خوار کند و دوراندیش‌ترین مردم کیست که خشم خود بیشتر فرو خورد و شایسته‌ترین مردم کیست که برای مردم شایسته‌تر باشد و بهترین مردم کیست که مردم از او منتفع شود و باینجا ختم کردم این رساله را تمت الکتاب المیمون بحلیة المتقین

مؤلفه محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عنهما ذنوبهما

بحرمه محمد و اهل بیته فی یوم الاحد ثالث من

شهر ربیع الاول سنه ۱۲۰۳

حرره محمد حسین بن محمد رضا

الفرای عفا الله عنه ولوالدیه

قدرش عظیم تر است که چیزهای که فایده ندارد متعرض نشود و پرهیزکارترین مردم کیست که مجادله

و منازعه نکند هرچند حق با او باشد و بیمروت ترین مردم دروغگوست و شقی ترین مردم پادشاهان

است و دشمن ترین مردم نزد خدا متکبرانند و کسی در طاعت سعی بیشتر کرده است که ترک

گناهان کرده باشد و داناترین مردم کیست که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کیست

که با نیکان خلطه کند و عاقلترین مردم کیست که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم به

تهمت کیست که با اهل تهمت همنشینی کند و طاغی ترین مردم کیست که بکشد کسی را که قصد

کشتن او ندارد و بزند کسی را که او را نزند و سزاوارترین مردم بعفو کردن کیست که قدرت بر عقوبت

بیشتر داشته باشد و سزاوارترین مردم بسفاهت کیست که در حضور مردم سفاهت کند

و در غایبانه غیبت کند و ذلیل ترین مردم کیست که مردم را خوار کند و دوراندیش ترین مردم کیست

که خشم خود بیشتر فرو خورد و شایسته ترین مردم کیست که برای مردم شایسته تر باشد و بهترین مردم

کیست که مردم از او منتفع شود و باینجا ختم کردم این رساله را تمت الکتاب المسمون بحلیة المتقین

مؤلفه محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عنهما ذنوبهما

بحرمة محمد و اهل بیته فی یوم الاحد ثالث من

شهر ربیع الاول سنة ۱۱۰۳

حرره محمد حسین بن محمد رضا

الفقیر الی عفو الله و لوالدیه

قدرش عظیم‌تر است که چیزهایی که فایده ندارد متعرض نشود و پرهیزکارترین مردم کیست که مجادله

و منازعه نکند هرچند حق با او باشد و بیمروت‌ترین مردم دروغ‌گوست و شقی‌ترین مردم پادشاهان

است و دشمن‌ترین مردم نزد خدا متکبرانند و کسی در طاعت سعی بیشتر کرده است که ترک

گناهان کرده باشد و داناترین مردم کیست که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کیست

که با نیکان خلطه کند و عاقلترین مردم کیست که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم به

تهمت کیست که با اهل تهمت همنشینی کند و طاغی‌ترین مردم کیست که بکشد کسی را که قصد

کشتن او ندارد و بزند کسی را که او را نزند و سزاوارترین مردم بعفو کردن کیست که قدرت بر عقوبت

بیشتر داشته باشد و سزاوارترین مردم بسفاهت کیست که در حضور مردم سفاهت کند

و در غایبانه غیبت کند و ذلیل‌ترین مردم کیست که مردم را خوار کند و دوراندیش‌ترین مردم کیست

که خشم خود بیشتر فرو خورد و شایسته‌ترین مردم کیست که برای مردم شایسته‌تر باشد و بهترین مردم

کیست که مردم از او منتفع شود با اینجا ختم کردم این رساله را تمت الکتاب المسمون بحلیة المتقین

مؤلفه محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عنهما ذنوبهما

بحرمة محمد و اهل بیته فی یوم الاحد ثالث من

شهر ربیع الاول سنه ۱۲۰۳

حرره محمد حسین بن محمد رضا

الفراهی عفی الله عنه و لوالدیه

قدرش عظیم‌تر است که چیزهائی که فایده ندارد متعرض نشود و پرهیزکارترین مردم کیست که مجادله

و منازعه نکند هرچند حق با او باشد و بیمروت [illegible] و عبادت [illegible] مردم پادشاهان

است و دشمن‌ترین مردم نزد خدا متکبر [illegible] که ترک

گناهان کرده باشد و داناترین مردم کیست [illegible] کیست مردم

که با نیکان خلط کند و عاقلترین مردم کیست [illegible] مردم به

تهمت کیست که با اهل تهمت همنشینی [illegible] کسی را که قصد

کشتن او ندارد و بزند کسی را که او را نزند و [illegible] قدرت بر عقوبت

بیشتر داشته باشد و سزاوارترین مردم [illegible] تهمت کند

و در غایبانه غیبت کند و ذلیل‌ترین [illegible] ترین مردم کیست

که خشم خود بیشتر فرو خورد و شایسته‌تر [illegible] و بهترین مردم

کیست که مردم از او منتفع شود بانیجا [illegible] الموسوم بحلیة المتقین

مؤلفه محمد باقر بن محمد تقی عفی [illegible]

تحریر محمد و اهل بیته فی یوم الاحد ثالث من

شهر ربیع الاول سنه ۱۲

حرره محمد حسین بن محمد رضا

حضرت سلیمان